



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مسجد و جوان / فروغ مسجد ۱۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فروغ مسجد (10) : مسجد و جوان

نویسنده:

جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه

ناشر چاپی:

دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۴	فروغ مسجد ۱۰: مسجد و جوان
۳۴	مشخصات کتاب
۳۴	اشاره
۳۸	فهرست
۶۲	مقدمه
۶۴	روان شناسی رشد جوان، بایسته ها و راهکارهای تربیتی ابراهیم اخوی
۶۴	اشاره
۶۴	چکیده
۶۵	مقدمه
۶۶	الف) تعریف جوانی
۶۷	ب) ابعاد رشد جوان
۶۷	۱. رشد جسمی
۶۷	۲. رشد خلاقیت
۶۸	۳. رشد تحصیلی
۶۹	۴. رشد اجتماعی
۶۹	اشاره
۷۰	نظریه زمان بندی اجتماعی
۷۰	۵. رشد هیجانی
۷۲	ج) نیازهای جوان
۷۲	اشاره
۷۲	۱. نیاز به تغییرات
۷۴	۲. نیاز به مشورت
۷۵	۳. نیاز به خودباوری

۷۵	اشاره
۷۶	تعریف خودیابی
۷۸	۴. نیاز به سلامت روان
۷۸	اشاره
۷۸	دین و سلامت روان
۷۸	اشاره
۷۹	الف) خدا باوری
۷۹	ب) تغییر نگرش
۷۹	ج) آزمایش های خداوند
۸۰	د) حمایت های معنوی
۸۱	هـ) مرور تجربه ها
۸۱	و) امیدواری
۸۲	ز) شادی واقعی
۸۲	۵. نیاز به مدیریت گزینه جنسی
۸۲	اشاره
۸۳	خودارضایی
۸۳	اشاره
۸۳	یاری خواستن از خدا
۸۳	تغییر باورها
۸۵	حذف همه محرک ها
۸۵	تبدیل انرژی
۸۶	قانون جریمه
۸۶	توسعه لذت های حلال
۸۶	پرهیز از ارتباط با جنس مخالف
۸۷	۶. نیاز به اشتغال
۸۹	۷. نیازهای معنوی

۸۹ اشاره
۹۰ آثار معنویت در زندگی جوان
۹۱ جوان و ارتباط با خدا
۹۱ پاک زیستن در جوانی
۹۱ مسابقه نیکی ها
۹۲ اثبات بندگی
۹۲ منابع عشق
۹۳ ۸. نیاز به ازدواج
۹۳ اشاره
۹۳ انواع تجرد
۹۳ جوان و ازدواج
۹۴ آثار روان شناختی ازدواج موفق
۹۶ پیش بینی های ازدواج موفق
۹۸ نتیجه گیری
۹۹ فهرست منابع
۱۰۱ جوان، مسجد، هویت دکتر حکیمه السادات شریف زاده
۱۰۱ اشاره
۱۰۱ چکیده
۱۰۲ مقدمه
۱۰۳ الف) بیان مسئله
۱۰۵ ب) روش پژوهش
۱۰۵ ج) یافته ها
۱۰۵ اشاره
۱۰۶ سؤال اول: ویژگی های دوران جوانی در مراحل رشد چیست؟
۱۰۶ ۱- تعریف جوانی
۱۰۷ ۲- ویژگی های دوران جوانی

- سؤال دوم: هویت و بحران هویت به چه معنا است؟ ----- ۱۰۹
- ۱- هویت ----- ۱۰۹
- ۲- بحران هویت ----- ۱۱۰
- سؤال سوم: چه عواملی بر شکل گیری هویت و بحران هویت جوانان تأثیر دارند؟ ----- ۱۱۱
- اشاره ----- ۱۱۱
- ۱- خانواده ----- ۱۱۱
- ۲- رسانه های جمعی ----- ۱۱۲
- ۳- ساختارهای اجتماعی ----- ۱۱۳
- ۴- آموزش و پرورش ----- ۱۱۳
- ۵- گروه های مرجع ----- ۱۱۴
- ۶- جهانی شدن و کثرت گرایی فرهنگی و تأثیر آن در بحران هویت ----- ۱۱۵
- سؤال چهارم: نقش مسجد در شکل دهی به هویت جوانان چیست؟ ----- ۱۱۵
- اشاره ----- ۱۱۵
- ۱- مسجد و افزایش آگاهی و خودشناسی ----- ۱۱۶
- ۲- مسجد و افزایش هویت جمعی ----- ۱۱۷
- ۳- مسجد و افزایش مشارکت اجتماعی ----- ۱۱۷
- ۴- تقویت روحیه برابری و برادری ----- ۱۱۸
- سؤال پنجم: نقش مسجد در حل بحران هویت جوانان چیست؟ ----- ۱۱۹
- اشاره ----- ۱۱۹
- ۱- امام جماعت ----- ۱۱۹
- ۲- کانون های فرهنگی هنری مساجد ----- ۱۲۱
- ۳- پایگاه های بسیج مساجد ----- ۱۲۲
- (د) نتیجه گیری ----- ۱۲۳
- پیشنهاد ها ----- ۱۲۴
- فهرست منابع ----- ۱۲۶
- بررسی اولویت های آموزشی و تربیتی جوانان ابراهیم نعیمی ----- ۱۳۰

۱۳۰	اشاره
۱۳۰	چکیده
۱۳۱	مقدمه
۱۳۱	الف) تعریف مفاهیم
۱۳۱	اشاره
۱۳۱	۱. جوانی
۱۳۲	۲. آموزش و تربیت
۱۳۴	ب) عوامل موثر در آموزش
۱۳۴	۱. آمادگی و توانایی یادگیری (فراهم کردن زمینه های یادگیری)
۱۳۵	۲. رغبت
۱۳۵	۳. مشخص کردن آنچه باید آموخته شود
۱۳۵	۴. انگیزه و هدف
۱۳۶	۵. شخص و تجربه های قبلی او
۱۳۶	۶. سن
۱۳۷	۷. بهره هوشی
۱۳۷	۸. موقعیت و محیط آموزش و یادگیری
۱۳۸	۹. فرهنگ
۱۳۸	۱۰. نیازهای یادگیرنده
۱۳۸	۱۱. منابع موجود
۱۳۸	۱۲. روش تدریس معلم
۱۳۹	۱۳. ابزارهای کمک آموزشی
۱۳۹	۱۴. توجه از کل به جزء
۱۴۰	۱۵. تکرار، تمرین و مرور
۱۴۱	۱۶. تقویت
۱۴۱	ج) منابع تعیین اهداف و اولویت های آموزشی و تربیتی
۱۴۱	د) نیازهای اساسی جوان

- ۱۴۱ اشاره
- ۱۴۲ ۱. نیاز به مذهب و معنویت
- ۱۴۳ ۲. نیاز به حقیقت‌جویی
- ۱۴۴ ۳. پرسشگری و رفع شبهات دینی
- ۱۴۴ ۴. نیاز به شناخت هویت و تثبیت آن
- ۱۴۵ ۵. نیاز به خوداتکایی و استقلال
- ۱۴۵ ۶. نیاز به تعلق به گروه
- ۱۴۶ ۷. نیاز به اثبات خود و ابراز وجود
- ۱۴۶ ۸. نیاز به دل‌بستگی‌های عاطفی، دوستی و مهربانی
- ۱۴۷ ۹. نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده
- ۱۴۷ ۱۰. نیاز به امنیت و آسایش
- ۱۴۷ ۱۱. نیاز به کسب مقبولیت و احترام
- ۱۴۸ ۱۲. نیاز به قدردانی
- ۱۴۸ ۱۳. نیاز به هدفمندی
- ۱۴۹ ۱۴. نیاز به جلب توجه و احساس دیده شدن (پذیرش و مقبولیت)
- ۱۴۹ ۱۵. نیاز به جلب اعتماد دیگران
- ۱۴۹ ۱۶. نیاز به دیده شدن، شنیده شدن و شناخته شدن
- ۱۵۰ ۱۷. نیاز به تجربه مسئول بودن
- ۱۵۰ ۱۸. نیاز به اشتغال فکری و جسمی
- ۱۵۰ ۱۹. گرایش به کمال
- ۱۵۱ ۲۰. نیاز به تجربه اندوزی
- ۱۵۱ ۲۱. نیاز به تخلیه هیجان
- ۱۵۱ ۲۲. نیاز به ورزش و تندرستی
- ۱۵۲ ۲۳. نیاز به اشتغال
- ۱۵۲ ۲۴. نیاز به سرور، شادی و نشاط
- ۱۵۲ ۲۵. نیاز به گردش و تفریح

۱۵۳	۲۶. حس برتری جویی و رقابت طلبی
۱۵۳	۲۷. نیاز به خودشکوفایی و تکامل
۱۵۴	۲۸. نیازهای رشدی
۱۵۴	بررسی اولویت‌های آموزشی و تربیتی برای جذب حداکثری نسل جوان
۱۵۵	نتیجه‌گیری
۱۵۶	فهرست منابع
۱۶۱	نقش تغافل در مواجهه اهالی مسجد با جوانان سید مصطفی بهشتی
۱۶۱	اشاره
۱۶۱	چکیده
۱۶۲	مقدمه
۱۶۲	گفتار اول: مفهوم شناسی تغافل
۱۶۲	اصل تربیتی تغافل
۱۶۳	واژه شناسی غفلت و تغافل
۱۶۳	تفاوت اساسی میان غفلت و تغافل
۱۶۴	اصل تغافل در قرآن
۱۶۵	تغافل در روایات
۱۶۵	گفتار دوم: نقش تغافل در مواجهه اهالی مسجد با جوانان
۱۶۵	اشاره
۱۶۵	بزرگان مسجد و سنگینی وظایف رفتاری آن‌ها در قبال جوانان
۱۶۶	بزرگ سالان مسجد و یاری رسانی به جوانان در رسیدن به مطلوب
۱۶۶	تغافل و تجاهل مذموم و نکوهیده
۱۶۷	انتخاب موقعیت مناسب برای تغافل
۱۶۸	گفتار سوم: ریشه های تغافل شایسته
۱۶۸	اشاره
۱۶۸	۱. مصلحت، ریشه اساسی تغافل ممدوح
۱۶۸	۲. اصل تعقل اجتماعی

۱۶۹	۳. اصل مراقبت از کرامت انسانی
۱۷۰	۴. اصل حفظ آبروی مؤمن
۱۷۱	۵. اصل سخت گیری در اثبات گناه دیگران
۱۷۱	۶. اصل پرده پوشی بر لغزش های مؤمن
۱۷۳	۷. اصل برخورد بزرگوارانه با خطای دیگران
۱۷۳	۸. اصل حلم و مدارا در برابر رفتار دیگران
۱۷۴	۹. اصل اختفا و گسترش ندادن گناهان اجتماعی
۱۷۵	گفتار سوم: محدوده تغافل و رابطه آن با امر به معروف و نهی از منکر
۱۷۵	اشاره
۱۷۵	۱. تغافل، گونه و روشی از امر به معروف و نهی از منکر
۱۷۶	۲. تغافل در برابر لغزش ها و عیب های کوچک
۱۷۷	۳. تغافل در برابر گناهان غیرعلنی
۱۷۸	۴. وجود مصلحتی افزون بر مصالح دیگر
۱۷۸	۵. تغافل در خواسته های غیراساسی بزرگ ترها
۱۷۸	۶. مراقب سوءاستفاده و گستاخی فردِ خاطی بودن
۱۷۹	گفتار چهارم: ثمرها و آثار تغافل
۱۷۹	اشاره
۱۷۹	۱. یافتن فرصت توبه و جبران لغزش ها
۱۷۹	۲. جذب حداکثری جوانان به مسجد
۱۸۰	۳. هموارشدن مسیر تعاملات اجتماعی
۱۸۰	۴. حفظ جایگاه اجتماعی تغافل کننده
۱۸۱	۵. خروج از ورطه عناد و لج بازی
۱۸۱	۶. ارزشمند شدن تذکر در نگاه جوان
۱۸۱	۷. پرهیز از تنش های اجتماعی
۱۸۲	نتیجه گیری
۱۸۴	فهرست منابع

۱۸۵	دغدغه های و دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره جوانان محمد داودی
۱۸۵	اشاره
۱۸۵	مقدمه
۱۸۶	تعریف جوانی
۱۸۸	روش تحقیق
۱۸۸	اشاره
۱۸۸	دیدگاه و مدل نظری
۱۸۹	ویژگی های جوان
۱۸۹	اشاره
۱۸۹	الف) برخوردار از استعداد های عالی و گوناگون
۱۸۹	ب) برخوردار از روح پاک
۱۹۰	ج) آرمان خواهی و چشم داشتن به قله های بلند
۱۹۰	د) سرشار از نیرو، امید و نشاط
۱۹۱	توانایی ها و امکانات و فرصت ها
۱۹۱	اشاره
۱۹۱	الف) آینده ساز
۱۹۱	ب) عامل پیشرفت و کارهای بزرگ
۱۹۲	ج) برخوردار از ایمان و تقوا
۱۹۲	د) عامل تحقق اهداف و آرمان های انقلاب
۱۹۳	خطرات و تهدیدها
۱۹۳	اشاره
۱۹۳	الف) تأثیر پذیری از تبلیغات دشمنان
۱۹۴	ب) تأثیر پذیری از شبهات
۱۹۴	ج) لذت گرایی
۱۹۵	بایسته ها و وظایف
۱۹۵	اشاره

- ۱۹۵ بایسته های عام و مشترک
- ۱۹۵ شناخت قدر و ارزش جوانی و تمتع از جوانی
- ۱۹۶ قدردانی از پاکی قلب در جوانی
- ۱۹۶ دشمن شناسی
- ۱۹۷ بایسته های جوان دانشجو
- ۱۹۷ اشاره
- ۱۹۸ تحصیل علم
- ۱۹۹ تهذیب نفس
- ۱۹۹ انس با قرآن
- ۲۰۰ انس با صحیفه سجادیه
- ۲۰۰ دعا، توسل، عبادت و حفظ ارتباط با خدا
- ۲۰۱ ذکر و توبه
- ۲۰۲ ورزش
- ۲۰۲ فعال بودن و سالم سازی محیط و اجتماع
- ۲۰۳ پرورش توانایی فهم و تحلیل سیاسی و تعمیق آن
- ۲۰۳ تلاش برای رشد و پیشرفت کشور
- ۲۰۴ مطالبه عدالت
- ۲۰۴ جلوگیری از ایجاد رکود در دانشگاه
- ۲۰۵ کار عمیق فرهنگی
- ۲۰۶ جمع بندی و نتیجه گیری
- ۲۰۷ فهرست منابع
- ۲۰۹ راهکارها و بایسته های تربیت حماسی جوانان در بستر مسجد همتی
- ۲۰۹ چکیده
- ۲۱۱ الف) تعریف تربیت
- ۲۱۱ ب) حماسه در لغت
- ۲۱۲ ج) تربیت حماسی در اصطلاح

- ۲۱۳ (د) جوان
- ۲۱۴ (ح) مؤلفه های اصلی در تربیت حماسی
- ۲۱۴ اشاره
- ۲۱۴ ۱. عزت
- ۲۱۴ اشاره
- ۲۱۶ عاشورای حسینی، تبلوری از عزت
- ۲۱۸ ۲. فتوت
- ۲۱۹ (و) راهکارهای تقویت عزت نفس در جوانان
- ۲۱۹ برخورداری از والدین و مربیانی با عزت نفس بالا
- ۲۲۰ برخورد عزتمندانه با جوانان
- ۲۲۱ پذیرش شخصیت جوانان و واگذاری مسئولیت به آنان
- ۲۲۲ پرهیز از سرزنش کردن جوانان
- ۲۲۲ جداسازی رفتار از شخصیت
- ۲۲۳ گوش دادن فعال
- ۲۲۳ اشاره
- ۲۲۴ چگونگی گوش دادن فعال
- ۲۲۶ (ز) راهکارهای تقویت فتوت در جوانان
- ۲۲۶ اشاره
- ۲۲۶ فراهم کردن زمینه هایی برای بروز رفتار جوانمردانه
- ۲۲۷ تقویت رفتارهای جوانمردانه
- ۲۲۷ ارائه الگوهای مناسب
- ۲۲۷ اشاره
- ۲۲۸ حضرت رسول صلی الله علیه و اله
- ۲۲۸ امیرالمؤمنین علی علیه السلام
- ۲۲۸ تقویت ایمان و باورهای دینی
- ۲۲۹ ارائه دلیل

۲۳۰	هماهنگی در رفتار و گفتار مربی
۲۳۱	عوامل مخرب در شکل‌گیری تربیت حماسی
۲۳۱	تضعیف باورهای دینی
۲۳۱	تخریب شخصیت جوان
۲۳۲	روحیه منفعت‌طلبی و راحت‌طلبی
۲۳۲	ترس و جبن
۲۳۲	اشاره
۲۳۳	۴-۱. توکل
۲۳۳	۴-۲. ترس از خدا
۲۳۳	۴-۳. یاد خدا
۲۳۳	۴-۴. مواجهه با ترس
۲۳۴	کمرویی
۲۳۴	روحیه منفعلانه و سازش‌کارانه
۲۳۵	توصیه‌هایی کوتاه برای امامان جماعت و مسئولان مسجد در تربیت حماسی
۲۳۷	نتیجه‌گیری
۲۳۷	فهرست منابع
۲۴۰	بایسته‌های سخت‌افزاری و جذاب‌سازی محیط مسجد علی‌خونچمن
۲۴۰	اشاره
۲۴۰	چکیده
۲۴۱	مقدمه
۲۴۴	پیشینه تحقیق
۲۴۷	الگوی پیشنهادی
۲۴۸	ویژگی‌های مسجد خوب و جذاب
۲۴۹	بنای مسجد
۲۵۰	فضای مناسب و ظاهر خوب
۲۵۱	فضاها و ساختمان‌های مورد نیاز در مجموعه مسجد

- ۲۵۱ اشاره
- ۲۵۲ شبستان مناسب
- ۲۵۳ حسینیه
- ۲۵۳ منبر
- ۲۵۴ فرش مسجد
- ۲۵۴ امکانات و تجهیزات نماز جماعت
- ۲۵۴ امکانات و تجهیزات قرائت قرآن
- ۲۵۵ تجهیزات نظافت و خوش بویی مسجد
- ۲۵۶ وضوخانه مسجد
- ۲۵۶ امکانات و تجهیزات آموزشی
- ۲۵۸ وسایل صوتی
- ۲۵۸ سیستم صوتی و تصویری
- ۲۵۹ نور
- ۲۶۰ وسایل سرمایشی و گرمایشی
- ۲۶۱ امکانات فرهنگی
- ۲۶۲ کتاب و کتابخانه
- ۲۶۴ پایگاه بسیج در مسجد
- ۲۶۴ کانون فرهنگی در مسجد
- ۲۶۶ تشکل های جوانان در مساجد
- ۲۶۶ امکانات ورزشی
- ۲۶۷ آشپزخانه و آبدارخانه
- ۲۶۷ صندوق نذورات و موقوفات
- ۲۶۸ صندوق انتقادات و پیشنهاد ها
- ۲۶۸ پارکینگ
- ۲۶۹ مهدکودک یا محل نگهداری کودکان
- ۲۶۹ خانه عالم

۲۷۰	زائرسرا و استراحتگاه
۲۷۰	سفاخانه
۲۷۰	وسایل و امکانات تطهیر مسجد
۲۷۱	تجهیزات ایمنی مسجد
۲۷۱	امکانات بهداشتی و درمانی
۲۷۱	امکانات و تجهیزات قضایی
۲۷۱	جمع بندی و نتیجه گیری
۲۷۷	منابع
۲۸۰	بایسته های رفتاری و اخلاقی در مواجهه با جوانان در مسجد نویسنده: علی عبدلی پور
۲۸۰	اشاره
۲۸۰	چکیده
۲۸۱	مقدمه
۲۸۳	الف) اهمیت دوران جوانی
۲۸۴	ب) بایسته های مشترک رفتاری و اخلاقی متولیان مساجد با جوانان
۲۸۴	۱-۱- خوش رویی و خوش رفتاری با جوانان
۲۸۴	۲-۱- درک جوانان
۲۸۶	ج) امام جماعت
۲۸۶	۱- بایسته های رفتاری و اخلاقی امام جماعت با جوانان
۲۸۶	اشاره
۲۸۷	۱-۱- تشویق جوانان موفق مسجدی و الگوسازی برای سایر جوانان
۲۸۷	۲-۱- همدلی و همراهی با جوانان
۲۸۸	۳-۱- اختصاص وقت کافی به جوانان در مسجد
۲۸۸	۴-۱- ایجاد ارتباط با جوانان تازه وارد و تکریم و احترام ویژه به آنان
۲۸۸	۵-۱- بیان مسائل و مباحث مبتلابه جوانان
۲۸۹	۶-۱- تبیین شیوه های صحیح عزاداری و تعظیم شعائر دینی برای جوانان
۲۸۹	۷-۱- بیان الگوهای اخلاقی و رفتاری ائمه معصومین علیهم السلام به جوانان

۲۹۰	۸-۱- پاسخگو بودن امام جماعت به مطالبات علمی نسل جوان
۲۹۰	ج) هیئت امناء
۲۹۰	۱- بایسته های رفتاری و اخلاقی هیئت امناء و اهالی مساجد در مواجهه با جوانان در مسجد
۲۹۰	۱-۱- تشخیص پاسخ دهی به نیاز جوانان در مساجد
۲۹۱	۱-۲- نمایش الگوی عملی برای جوانان
۲۹۱	۳-۱- بسترسازی مناسب جهت حضور پر نشاط جوانان در مسجد
۲۹۲	۴-۱- جذاب نمودن فضای فیزیکی مساجد
۲۹۲	۵-۱- مشارکت دادن جوانان در برنامه های فرهنگی مساجد و استفاده از نظرات و ایده های آنان
۲۹۳	خ) نمازگزاران
۲۹۳	۱- بایسته های رفتاری و اخلاقی نمازگزاران در مواجهه با جوانان در مسجد
۲۹۳	اشاره
۲۹۳	۱-۱- مهرورزی
۲۹۴	۱-۲- برخورد متواضعانه
۲۹۴	۱-۳- بیان نیکو با جوانان
۲۹۵	۱-۴- نادیده گرفتن خطاها و اشتباهات جوانان
۲۹۵	۱-۵- عدم زیاده روی در انتقاد از جوانان
۲۹۶	د) خادم مسجد
۲۹۶	۱- بایسته های رفتاری و اخلاقی خادم مسجد با جوانان
۲۹۶	۱-۱- همراهی و تعامل سازنده با جوانان در اجرای برنامه های فرهنگی
۲۹۷	۱-۲- برخورداری از سعه صدر کافی در مواجهه با جوانان
۲۹۸	۱-۳- ایجاد محیطی بانشاط و بهداشتی در مسجد برای جوانان
۲۹۸	نتیجه گیری
۲۹۹	فهرست منابع
۲۹۹	منابع عربی
۳۰۰	منابع فارسی
۳۰۰	مقالات

۳۰۲	نقش مسجد در صیانت جوانان از ابتلا به عرفان های نوظهور علی محمدی هوشیار
۳۰۲	اشاره
۳۰۲	چکیده
۳۰۳	مقدمه
۳۰۴	رسالت مسجد
۳۰۴	اشاره
۳۰۴	رسالت معنویت افزا
۳۰۵	رسالت معرفت افزا
۳۰۶	عرفان های نوظهور
۳۰۷	مسجد و عرفان های نوظهور
۳۰۷	اشاره
۳۰۷	معنویت در مسجد و عرفان های نوظهور
۳۰۸	مدیریت و راهبری
۳۱۱	معرفت در مسجد و عرفان های نوظهور
۳۱۱	اشاره
۳۱۱	۱.خداشناسی
۳۱۱	اشاره
۳۱۲	الف) التزام به تفکرات سکولار
۳۱۲	ب) اندیشه بی خدایی و مادی نگری
۳۱۲	ج) باور همه خدانگاری
۳۱۳	۲.انسان شناسی
۳۱۴	راه و راهنماشناسی
۳۱۷	قرآن و حدیث شناسی
۳۱۷	اخلاق عرفانی
۳۱۷	اشاره
۳۱۹	احکام فردی

۳۱۹	سبک زندگی خانوادگی
۳۲۱	نتیجه
۳۲۲	منابع
۳۲۵	مسجد، محیط یاددهی _ یادگیری جوانان با تأکید بر سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام کی منش
۳۲۵	اشاره
۳۲۵	چکیده
۳۲۶	مقدمه
۳۲۶	الف) نگاهی تاریخی به مسجد، تعلیم و تربیت
۳۲۶	۱. پیامبر صلی الله علیه واله در مکه
۳۲۸	۲. پیامبر صلی الله علیه واله در مدینه و تلاش های آموزشی امامان علیهم السلام
۳۲۹	۳. مسجد، تعلیم و تربیت، پس از معصومان علیهم السلام
۳۳۰	ب) جوانان، مخاطبان ویژه پیامبران و معصومان علیهم السلام
۳۳۰	اشاره
۳۳۱	ویژگی های جوانان، از دیدگاه معصومان علیهم السلام
۳۳۱	اشاره
۳۳۱	۱. ضمیری بسیار پذیرا و مستعد
۳۳۱	۲. دارای تنش های [هیجان های] شدید
۳۳۲	۳. [دارای] گرایش به دین و معنویت
۳۳۲	۴. برخوردار از استعدادها و توانایی های عقلی و ادراکی زیاد
۳۳۲	۵. دارای علم و دانش کم، به رغم استعداد بالا
۳۳۲	۶. حساسیت و زودرنجی
۳۳۲	۷. زیباخواهی و زیباجویی
۳۳۳	۸. آرزومندی
۳۳۳	ج) اصول تربیتی مناسب برای جوانان از دیدگاه معصومان علیهم السلام
۳۳۳	اشاره
۳۳۳	۱. اصول مبتنی بر خود (مربی)

۲. اصول مبتنی بر پیام - ۳۳۳
۳. اصول مبتنی بر مخاطب - ۳۳۵
۴. اصول مبتنی بر روش - ۳۳۵
- (د) پیام های مناسب برای تعلیم و تربیت جوانان ۳۳۷
- اشاره ۳۳۷
۱. تربیت اخلاقی - ۳۳۷
۲. تربیت دینی ۳۳۷
۳. تربیت سیاسی ۳۳۷
۴. تربیت علمی - ۳۳۸
۵. تربیت جسمی - ۳۳۸
۶. تربیت جنسی ۳۳۸
۷. ترس از خدا ۳۳۹
۸. آداب اجتماعی ۳۳۹
۹. احترام به بزرگ سالان ۳۳۹
۱۰. احترام به والدین ۳۴۰
- (ه) روش های تعلیمی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و معصومان علیهم السلام ۳۴۰
- (و) امام مسجد و تعلیم و تربیت دینی ۳۴۳
- اشاره ۳۴۳
۱. مقام های امام مسجد ۳۴۴
- اشاره ۳۴۴
- ۱-۱. مقام امامت ۳۴۴
- ۱-۲. مقام مرجعیت اجتماعی ۳۴۴
- ۱-۳. مقام مدیریت ۳۴۴
۲. امام محوری ۳۴۴
- اشاره ۳۴۴
- ۱-۲. ویژگی ها و شرایط امام مسجد در کلام معصومان علیهم السلام ۳۴۶

- اشاره ۳۴۶
- ۱-۲-۱. خودسازی و تزکیه نفس ۳۴۷
- ۲-۱-۲. بخشش و تغافل ۳۴۷
- ۲-۱-۳. عدالت و مصالحه میان مردم ۳۴۷
- ۲-۲. وظایف امام مسجد ۳۴۸
- ۲-۳. نقش امام مسجد ۳۵۱
- ۲-۳-۱. مدیریت و مربی‌گری ۳۵۱
- ۲-۳-۲. زدودن آسیب‌ها ۳۵۱
- ۲-۳-۳. پیوند سنت و مدرنیته ۳۵۱
- ۲-۳-۴. گسست نسلی ۳۵۱
- ۲-۳-۵. حرکت بر روی خط اعتدال ۳۵۲
- ۲-۳-۶. کمک به افراد، به ویژه نوجوانان برای گذار از بحران هویت ۳۵۲
- ۲-۳-۷. پیوند با دیگر محیط‌های یاددهی-یادگیری ۳۵۲
- ۲-۳-۸. روش‌ها ۳۵۲
- ۲-۳-۹. به کارگیری جوان‌ها ۳۵۲
- ۲-۳-۱۰. تدارک محیط یاددهی-یادگیری ۳۵۳
- (ز) مسجد، در عصر حاضر ۳۵۳
۱. مسجد در دوران انقلاب اسلامی ۳۵۳
۲. مسجد در دوران تثبیت نظام ۳۵۴
- (ح) ویژگی‌های مسجد نمونه از نگاه روایات و قانون چشم‌انداز بیست‌ساله ۳۵۴
- اشاره ۳۵۴
۱. مسجد نمونه از نگاه روایات اهل بیت علیهم‌السلام ۳۵۴
۲. مسجد نمونه از نگاه چشم‌انداز بیست‌ساله ۳۵۶
- نتیجه‌گیری ۳۵۷
- فهرست منابع ۳۵۸
- مطالبات جوانان از کارگزاران مساجد دکتر سمیه کاظمیان ۳۶۰

- ۳۶۰ - اشاره -
- ۳۶۰ - چکیده -
- ۳۶۱ - مقدمه -
- ۳۶۱ - الف) جوان، ویژگی ها و مطالبات سنین جوانی -
- ۳۶۱ - ۱- جوان و اهمیت سن جوانی -
- ۳۶۲ - ۲- ویژگی های سنین جوانی -
- ۳۶۲ - ۲-۱- عاطفی و زودرنج بودن -
- ۳۶۳ - ۲-۲- پارانرژی، پرتوان، پرهیجان و کلیشه گریز بودن -
- ۳۶۳ - ۲-۳- آرمان خواهی و پرسشگری -
- ۳۶۳ - ۲-۴- استقلال طلبی -
- ۳۶۴ - ۲-۵- پاک، سادگی و بی آلاچی و زیباپسند -
- ۳۶۴ - ۲-۶- کارگروهی و ارتباط با همسالان -
- ۳۶۴ - ۳- مطالبات و نیازهای نسل جوان -
- ۳۶۴ - ۳-۱- مطالبات معنوی جوانان -
- ۳۶۴ - ۳-۱-۱- هویت یابی فرهنگی و دینی -
- ۳۶۵ - ۳-۱-۲- دوست یابی در گروه های همسالان -
- ۳۶۶ - ۳-۲- مطالبات مادی جوانان -
- ۳۶۶ - ۳-۲-۱- ورزش -
- ۳۶۶ - ۳-۲-۲- پیشرفت تحصیلی -
- ۳۶۶ - ۳-۲-۳- تشکیل زندگی مستقل (مسکن، ازدواج و اشتغال) -
- ۳۶۷ - ب) مسجد، کارگزاران مسجد، خصوصیات، کارکردها و اهمیت آن ها -
- ۳۶۷ - ۱- تعریف و ویژگی های مسجد -
- ۳۶۸ - ۲- اهمیت مسجد در اسلام -
- ۳۶۸ - اشاره -
- ۳۶۸ - ۲-۱- محل عبادت جمعی -
- ۳۶۹ - ۲-۲- کانون تبلیغ و مبارزه با دشمنان اسلام -

- ۳-۲- مرکز بصیرت بخشی سیاسی به جوانان و روشنگری ۳۶۹
- ۳- معماری و ظاهر مسجد ۳۷۰
- ۴- امکانات مسجد ۳۷۰
- ۵- کارگزاران مسجد ۳۷۰
- ۵-۱- واقف و متولی ۳۷۰
- ۵-۲- روحانی و امام جماعت ۳۷۱
- ۵-۳- هیئت امناء و خادم ۳۷۱
- ج) مطالبات جوانان از امام جماعت مسجد ۳۷۲
- اشاره ۳۷۲
- نقش امام جماعت مسجد در چشاندن لذت نماز با توجه به جوانان ۳۷۲
- امام جماعت مسجد به مثابه طبیب معنوی ۳۷۳
- پاسخگویی امام جماعت به شبهات و سؤالات جوانان و پر کردن خلأ ذهنی آن ها ۳۷۳
- جوان و به روز بودن ائمه جماعات مساجد ۳۷۴
- ایجاد تحول ائمه جماعات در سخنرانی های سنتی مساجد ۳۷۴
- د) مطالبات جوانان از خادم مسجد ۳۷۵
- ه) مطالبات جوانان از تولیت و هیئت امناء مساجد ۳۷۵
- ۱- ایجاد ارتباط بین مسجد با مراکز آموزشی و با جوانان نخبه صاحب عنوان ۳۷۵
- ۲- جوان تر کردن ارکان و کارگزاران مسجد تا حد ممکن ۳۷۶
- اشاره ۳۷۶
- جایگزینی نیروهای تازه نفس ۳۷۷
- تقسیم کار با جوانان ۳۷۷
- ایجاد علاقه و حس مسئولیت جوان به کار در مسجد ۳۷۷
- تأمین بودجه برای جذب جوانان و تأسیس صندوق های قرض الحسنه ۳۷۷
- استفاده از تخصص های گوناگون جوانان ۳۷۸
- ۳- گنجاندن سیاحت در کنار زیارت ۳۷۸
- ۴- ایجاد تنوع و به روزرسانی شیوه های تبلیغی ۳۷۸

۳۷۹	۵-زیبا و جذاب سازی محیط مسجد
۳۸۰	۶-فراهم آوردن امکانات فرهنگی، ورزشی و مشاوره ای برای اوقات فراغت جوان
۳۸۰	۶-۱-ایجاد مرکز مشاوره برای جوانان
۳۸۰	۶-۲-تأسیس و تقویت کتاب خانه های مساجد با کتب جدید، متنوع و به روز
۳۸۱	۶-۳-شبکه کردن سایر امکانات فرهنگی و ورزشی شهر با محوریت مساجد
۳۸۱	(و) نتیجه گیری و پیشنهاد
۳۸۲	یک پیشنهاد
۳۸۲	فهرست منابع
۳۸۴	موانع ارتباط مؤثر جوانان با مسجد سیدمهدی بهشتی
۳۸۴	اشاره
۳۸۴	چکیده
۳۸۵	مقدمه
۳۸۵	اشاره
۳۸۶	۱. واژه شناسی جوان
۳۸۶	۲. رفتارشناسی جوان
۳۸۷	۳. اهمیت جوانی
۳۸۷	۴. تبیین موضوع
۳۸۸	(الف) موانع فرهنگی
۳۸۸	اشاره
۳۸۹	۱. برنامه ها
۳۹۰	۲. افراد و گروه ها
۳۹۰	۲-۱. امام جماعت
۳۹۰	۲-۲. هیئت های مذهبی و حسینییه ها
۳۹۱	۲-۳. هیئت امناء
۳۹۱	۲-۴. خادم
۳۹۲	۲-۵. بسیج

۳۹۲ نمازگزاران ۲-۶
۳۹۲ اشاره
۳۹۳ ۲-۶-۱. بداخلاقی با جوان
۳۹۴ ۲-۶-۲. سلام نکردن به جوانان
۳۹۴ ۲-۶-۳. رعایت نکردن نظافت توسط برخی نمازگزاران
۳۹۵ ۲-۶-۴. عفو و گذشت
۳۹۵ ۳. تهاجم فرهنگی
۳۹۷ ج) موانع سخت افزاری و محیطی
۳۹۷ اشاره
۳۹۷ ۱. نبود بهداشت مناسب
۳۹۷ ۲. نبود معماری مناسب
۳۹۸ ۳. بُعد جغرافیایی مسجد
۳۹۸ ۴. نبود تجهیزات مناسب
۳۹۹ د) موانع اجتماعی
۳۹۹ اشاره
۳۹۹ ۱. رفتارهای ناشایست مذهبی ها
۴۰۰ ۲. دین گریزی جوانان
۴۰۰ ۳. اعتیاد و بزه کاری
۴۰۱ ۴. دوستان ناشایست
۴۰۲ ه) موانع خانوادگی: فقدان تربیت دینی مناسب در کودکی
۴۰۴ و) موانع سیاسی
۴۰۵ نتیجه گیری
۴۰۶ فهرست منابع
۴۱۱ مساجد و فرهنگ ازدواج آسان و بهنگام محمدمهدی عباسی آغوی زینب عباسی آغوی
۴۱۱ چکیده
۴۱۲ مقدمه

۴۱۴	پیشینه بحث
۴۱۴	بیان اصطلاحات
۴۱۴	اشاره
۴۱۴	مسجد
۴۱۴	معنای لغوی
۴۱۵	معنای اصطلاحی
۴۱۵	فرهنگ
۴۱۵	ازدواج
۴۱۶	جایگاه مسجد در اسلام و کارکردهای آن
۴۱۸	کارکردهای مسجد در فرایند ازدواج
۴۱۸	اشاره
۴۱۸	۱. پیش از اقدام به ازدواج
۴۱۸	اشاره
۴۱۸	۱-۱- اثرگذاری بر فرد
۴۱۸	اشاره
۴۱۸	۱-۱-۱- تشویق و انگیزه بخشی برای ازدواج
۴۲۱	۱-۱-۲- آماده سازی و ایجاد رشد و بلوغ لازم
۴۲۲	۱-۱-۳- ارائه شناخت های لازم (درباره خود فرد، تشکیل خانواده و جنس مخالف)
۴۲۲	۱-۲- اثرگذاری بر خانواده
۴۲۲	اشاره
۴۲۳	ایجاد تحول در نگرش خانواده درباره ازدواج آسان و بهنگام
۴۲۳	۱-۳- اثرگذاری بر جامعه
۴۲۳	اشاره
۴۲۳	۱-۳-۱- ایجاد تحول در نگرش جامعه درباره ازدواج بهنگام و آسان
۴۲۴	۲. در فرایند همسرگزینی
۴۲۴	اشاره

- ۴۲۴ ۱-۲-کمک به تعیین ملاک های درست انتخاب همسر
- ۴۲۴ ۲-۲-معرفی مورد مناسب و همسریابی
- ۴۲۵ ۳-۲-تسهیل خواستگاری
- ۴۲۵ ۴-۲-کمک به تحقیق و شناخت
- ۴۲۵ ۵-۲-برگزاری مشاوره پیش از ازدواج در مسجد
- ۴۲۶ ۳. پس از انتخاب همسر
- ۴۲۶ اشاره
- ۴۲۶ ۱-۳-کمک به تسهیل روابط دوران عقد
- ۴۲۶ ۲-۳-کمک به ایجاد اشتغال برای مردان
- ۴۲۶ ۳-۳-کمک اقتصادی به همسران جوان
- ۴۲۷ ۴-۳-الگوسازی های صحیح توسط ارائه نمونه های عینی ازدواج آسان
- ۴۲۸ ۵-۳-اجرای صیغه عقد در مسجد
- ۴۳۱ ۶-۳-برگزاری مراسم ازدواج در مسجد
- ۴۳۲ بحث و نتیجه گیری
- ۴۳۳ منابع
- ۴۳۶ تشکل های مسجدی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها روح الله حریرزوی
- ۴۳۶ اشاره
- ۴۳۶ چکیده
- ۴۳۷ مقدمه
- ۴۳۸ الف) تعاریف
- ۴۳۸ ب) نقاط قوت
- ۴۳۸ اشاره
- ۴۳۹ ۱. قداس مسجد
- ۴۴۰ ۲. مردم نهاد بودن مسجد
- ۴۴۱ ۳. ریاست مسجد
- ۴۴۲ ۴. شورای فرهنگی مسجد

ج) نقاط ضعف ۴۴۵

اشاره ۴۴۵

۱. ضعف در مبانی و اصول ۴۴۵

۲. ضعف کارآمدی و روزآمدی ۴۴۷

۳. ضعف سازمان دهی تشکیلاتی ۴۴۹

۴. ضعف نگاه راهبردی ۴۵۰

۵. عوام زدگی ۴۵۱

۶. انحصارگرایی ۴۵۱

۷. سکولار شدن ۴۵۲

۸. ضعف مهارتی ۴۵۳

د) فرصت ها ۴۵۴

اشاره ۴۵۴

۱. حوزه های علمیه و علمای بلاد ۴۵۴

۲. مدارس و مراکز تجمع جوانان ۴۵۵

۳. خانه و خانواده ۴۵۶

۴. مهدکودک ها ۴۵۷

۵. مجالس شادی ۴۵۷

۶. خیرین ۴۵۸

د) تهدیدها ۴۵۸

۱. سازمان های شبه فرهنگی ۴۵۸

۲. دوستان نادان ۴۵۹

نتیجه گیری ۴۶۰

فهرست منابع ۴۶۰

تربیت بدنی در مسجد، آری یا خیر عسکری اسلامپور کریمی ۴۶۴

اشاره ۴۶۴

چکیده ۴۶۴

- مقدمه ----- ۴۶۵
- گفتار اول: اهمیت و جایگاه ورزش در آموزه های دینی ----- ۴۶۶
- گفتار دوم: پیوند مسجد و ورزش، دروازه ای برای تربیت بدنی و معنوی ----- ۴۷۳
- اشاره ----- ۴۷۳
- جواز برگزاری فعالیت های ورزشی در محیط های پیرامونی مسجد ----- ۴۷۴
- بایدها و نبایدهای انجام فعالیت های ورزشی در مساجد ----- ۴۷۶
- اشاره ----- ۴۷۶
- ۱ _ عدم هتک حرمت ----- ۴۷۷
- ۲ _ عدم مزاحمت برای نمازگزاران و سایر مراسم های عبادی و فرهنگی ----- ۴۷۹
- ۳ _ عدم مخالفت با نظر واقف ----- ۴۷۹
- ۴ _ رعایت بهداشت ----- ۴۸۰
- ۵ _ عدم پخش موسیقی حرام هنگام ورزش ----- ۴۸۰
- آثار و برکات حضور ورزشی در محیط پیرامونی مسجد ----- ۴۸۲
- اشاره ----- ۴۸۲
- ۱ _ تربیت جسم، مقدمه عبادت و پرستش الهی ----- ۴۸۳
- ۲ _ تربیت جسم، مقدمه تقویت روح و اراده ----- ۴۸۴
- ۳ _ تربیت جسم، زمینه امانت و صداقت ----- ۴۸۶
- ۴- تربیت جسم، موجب نشاط و طراوت و سرزندگی ----- ۴۸۷
- ۵- تربیت جسم، زمینه تحصیل روحیه خدمتگزاری ----- ۴۸۸
- ۶- تربیت جسم، زمینه کسب کرامت های اخلاقی ----- ۴۸۹
- ۷- تربیت جسم، زمینه رعب و وحشت دشمنان ----- ۴۸۹
- ۸ _ تربیت جسم، زمینه کسب روحیه حماسی ----- ۴۹۰
- نتیجه سخن ----- ۴۹۰
- فهرست منابع ----- ۴۹۲
- مسجد جوانان افرات، واقعیت یا توهم دکتر ایراندخت فیاض ----- ۴۹۷
- اشاره ----- ۴۹۷

۴۹۷	چکیده
۴۹۸	مقدمه
۴۹۹	بخش اول: علل اجتماعی برون مرزی (فضای پست مدرن)
۴۹۹	الف) اقتضانات عصر کنونی و سلوک دینی
۵۰۱	ب) شکاف نسل ها
۵۰۱	اشاره
۵۰۲	۱. تفاوت نسل ها در مؤلفه های دین داری
۵۰۲	اشاره
۵۰۲	۱-۱. باورها و اعتقادات
۵۰۳	۱-۲. اخلاقیات و رفتارهای ویژه دین داری
۵۰۳	۱-۳. احکام، عبادات و حوزه مناسکی دین
۵۰۵	۲. اشتباهات نسل قدیم در قبال نسل جدید
۵۰۵	۱-۲. توسل به زور، تأکید بر توصیه و ارائه نکردن دفاع منطقی و مستدل از معتقدات
۵۰۵	۲-۲. ناصبوری و کم تحملی در مقابل خطا
۵۰۶	۲-۳. کم توجهی به تفاوت های فردی
۵۰۶	۲-۴. توسل به توصیه به جای اقناع سازی
۵۰۶	۳. اشتباهات نسل جدید در قبال نسل قدیم
۵۰۶	۱-۳. متهم کردن به ناپختگی تفکر
۵۰۷	۲-۳. تعمیم نابجا
۵۰۸	بخش دوم: علل اجتماعی درون مرزی کم رونق شدن مساجد در نسل نوجوان
۵۰۸	اشاره
۵۰۸	الف) خانواده
۵۰۸	ب) نهادهای اجتماعی
۵۰۹	ج) تحولات و تکنولوژی
۵۱۰	بخش سوم: راهکارها
۵۱۰	۱. تنظیم تبلیغ دینی با مقتضیات زمان

۵۱۰	۲. ایجاد ارتباط عاطفی بین مسجد و جوان
۵۱۰	۳. درک جوان
۵۱۱	۴. انعطاف پذیری در مقابل جوان
۵۱۲	۵. جوان گرایی
۵۱۲	۶. فعال سازی مساجد
۵۱۲	۷. بهبود شیوه های پیام رسانی دینی
۵۱۳	۸. هماهنگی قول و عمل متولیان و مروجان دین
۵۱۴	۹. پاسخگویی به پرسش های دینی جوانان
۵۱۵	۱۰. پیوند مسجد با زندگی جوان
۵۱۶	نتیجه گیری
۵۱۹	فهرست منابع
۵۲۲	درباره مرکز

فروغ مسجد 10: مسجد و جوان

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: فروغ مسجد 10 (مسجد و جوان) / جمعی از محققین و پژوهشگران

ناشر: مرکز رسیدگی به امور مساجد

تعداد صفحات: 471 ص

زبان: فارسی

موضوع: جوان - رشد - تربیت

موضوع: مسجد - جوانان

موضوع: تغافل - جوانان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

فروغ مسجد 10

جمعی از محققین و پژوهشگران

ص: 3

عنوان و نام پدیدآور: فروغ مسجد 10 / جمعی از محققین و پژوهشگران

ناشر: مرکز رسیدگی به امور مساجد

تعداد صفحات: 471 ص

زبان: فارسی

موضوع: جوان - رشد - تربیت

موضوع: مسجد - جوانان

موضوع: تغافل - جوانان

ص: 4

فهرست

مقدمه ۲۹

□ روان‌شناسی رشد جوان، بایسته‌ها و راهکارهای تربیتی

ابراهیم اخوی

چکیده ۳۱

مقدمه ۳۲

الف) تعریف جوانی ۳۳

ب) ابعاد رشد جوان ۳۴

۱. رشد جسمی ۳۴

۲. رشد خلاقیت ۳۴

۳. رشد تحصیلی ۳۵

۴. رشد اجتماعی ۳۶

نظریه زمان بندی اجتماعی ۳۷

۵. رشد هیجانی ۳۷

ج) نیازهای جوان ۳۹

۱. نیاز به تغییرات ۳۹

۲. نیاز به مشورت ۴۱

۳. نیاز به خودباوری ۴۲

تعریف خودیابی ۴۳

۴. نیاز به سلامت روان ۴۵

دین و سلامت روان ۴۵

الف) خداباوری ۴۶

ب) تغییر نگرش ۴۶

۴۶	ج) آزمایش های خداوند
۴۷	د) حمایت های معنوی
۴۸	ه) مرور تجربه ها
۴۸	و) امیدواری
۴۹	ز) شادی واقعی
۴۹	۵. نیاز به مدیریت گزینه جنسی
۵۰	خودارضایی
۵۰	یاری خواستن از خدا
۵۰	تغییر باورها
۵۱	حذف همه محرک ها
۵۱	تبدیل انرژی
۵۲	قانون جریمه
۵۲	توسعه لذت های حلال
۵۲	پرهیز از ارتباط با جنس مخالف
۵۳	۶. نیاز به اشتغال
۵۵	۷. نیازهای معنوی
۵۶	آثار معنویت در زندگی جوان
۵۷	جوان و ارتباط با خدا
۵۷	پاک زیستن در جوانی
۵۷	مسابقه نیکی ها
۵۸	اثبات بندگی
۵۸	منابع عشق
۵۹	۸. نیاز به ازدواج
۵۹	انواع تجرد
۵۹	جوان و ازدواج
۶۰	آثار روان شناختی ازدواج موفق
۶۲	پیش بینی های ازدواج موفق
۶۵	نتیجه گیری
۶۵	فهرست منابع

■ جوان، مسجد، هویت

دکتر حکیمه السادات شریفزاده

- ۶۷..... چکیده
- ۶۸..... مقدمه
- ۶۹..... الف) بیان مسئله
- ۷۱..... ب) روش پژوهش
- ۷۱..... ج) یافته ها
- ۷۲..... سؤال اول: ویژگی های دوران جوانی در مراحل رشد چیست؟
- ۷۲..... ۱- تعریف جوانی
- ۷۳..... ۲- ویژگی های دوران جوانی
- ۷۵..... سؤال دوم: هویت و بحران هویت به چه معناست؟
- ۷۵..... ۱- هویت
- ۷۶..... ۲- بحران هویت
- ۷۷..... سؤال سوم: چه عواملی بر شکل گیری هویت و بحران هویت جوانان تأثیر دارند؟
- ۷۷..... ۱- خانواده
- ۷۸..... ۲- رسانه های جمعی
- ۷۹..... ۳- ساختارهای اجتماعی
- ۷۹..... ۴- آموزش و پرورش
- ۸۰..... ۵- گروه های مرجع
- ۸۱..... ۶- جهانی شدن و کثرت گرایی فرهنگی و تأثیر آن در بحران هویت
- ۸۱..... سؤال چهارم: نقش مسجد در شکل دهی به هویت جوانان چیست؟
- ۸۲..... ۱- مسجد و افزایش آگاهی و خودشناسی
- ۸۳..... ۲- مسجد و افزایش هویت جمعی
- ۸۳..... ۳- مسجد و افزایش مشارکت اجتماعی
- ۸۴..... ۴- تقویت روحیه برابری و برادری
- ۸۵..... سؤال پنجم: نقش مسجد در حل بحران هویت جوانان چیست؟
- ۸۵..... ۱- امام جماعت
- ۸۷..... ۲- کانون های فرهنگی هنری مساجد
- ۸۸..... ۳- پایگاه های بسیج مساجد



۸۹	نتیجه‌گیری
۹۰	پیشنهادها
۹۲	فهرست منابع

■ بررسی اولویت‌های آموزشی و تربیتی جوانان

ابراهیم نعیمی

۹۵	چکیده
۹۶	مقدمه
۹۶	الف) تعریف مفاهیم
۹۶	۱. جوانی
۹۷	۲. آموزش و تربیت
۹۹	ب) عوامل موثر در آموزش
۹۹	۱. آمادگی و توانایی یادگیری (فراهم کردن زمینه‌های یادگیری)
۱۰۰	۲. رغبت
۱۰۰	۳. مشخص کردن آنچه باید آموخته شود
۱۰۰	۴. انگیزه و هدف
۱۰۱	۵. شخص و تجربه‌های قبلی او
۱۰۱	۶. سن
۱۰۲	۷. بهره‌هوشی
۱۰۲	۸. موقعیت و محیط آموزش و یادگیری
۱۰۳	۹. فرهنگ
۱۰۳	۱۰. نیازهای یادگیرنده
۱۰۳	۱۱. منابع موجود
۱۰۳	۱۲. روش تدریس معلم
۱۰۴	۱۳. ابزارهای کمک آموزشی
۱۰۴	۱۴. توجه از کل به جزء
۱۰۵	۱۵. تکرار، تمرین و مرور
۱۰۶	۱۶. تقویت
۱۰۶	ج) منابع تعیین اهداف و اولویت‌های آموزشی و تربیتی

۹ فروغ مسجد

۱۰۶	نیازهای اساسی جوان (د)
۱۰۷	۱. نیاز به مذهب و معنویت
۱۰۸	۲. نیاز به حقیقت جویی
۱۰۹	۳. پرسشگری و رفع شبهات دینی
۱۰۹	۴. نیاز به شناخت هویت و تثبیت آن
۱۱۰	۵. نیاز به خوداتکایی و استقلال
۱۱۰	۶. نیاز به تعلق به گروه
۱۱۱	۷. نیاز به اثبات خود و ابراز وجود
۱۱۱	۸. نیاز به دل بستگی های عاطفی، دوستی و مهربانی
۱۱۲	۹. نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده
۱۱۲	۱۰. نیاز به امنیت و آسایش
۱۱۲	۱۱. نیاز به کسب مقبولیت و احترام
۱۱۳	۱۲. نیاز به قدردانی
۱۱۳	۱۳. نیاز به هدفمندی
۱۱۴	۱۴. نیاز به جلب توجه و احساس دیده شدن (پذیرش و مقبولیت)
۱۱۴	۱۵. نیاز به جلب اعتماد دیگران
۱۱۴	۱۶. نیاز به دیده شدن، شنیده شدن و شناخته شدن
۱۱۵	۱۷. نیاز به تجربه مسئول بودن
۱۱۵	۱۸. نیاز به اشتغال فکری و جسمی
۱۱۵	۱۹. گرایش به کمال
۱۱۶	۲۰. نیاز به تجربه اندوزی
۱۱۶	۲۱. نیاز به تخلیه هیجان
۱۱۶	۲۲. نیاز به ورزش و تندرستی
۱۱۷	۲۳. نیاز به اشتغال
۱۱۷	۲۴. نیاز به سرور، شادی و نشاط
۱۱۷	۲۵. نیاز به گردش و تفریح
۱۱۸	۲۶. حس برتری جویی و رقابت طلبی
۱۱۸	۲۷. نیاز به خود شکوفایی و تکامل
۱۱۹	۲۸. نیازهای رشدی

۱۱۹ بررسی اولویت‌های آموزشی و تربیتی برای جذب حداکثری نسل جوان
۱۲۰ نتیجه‌گیری
۱۲۱ فهرست منابع

■ نقش تغافل در مواجهه اهالی مسجد با جوانان

سید مصطفی بهشتی

۱۲۵ چکیده
۱۲۶ مقدمه
۱۲۶ گفتار اول: مفهوم شناسی تغافل
۱۲۶ اصل تربیتی تغافل
۱۲۷ واژه‌شناسی غفلت و تغافل
۱۲۷ تفاوت اساسی میان غفلت و تغافل
۱۲۸ اصل تغافل، برآمده از بیداری و عدم غفلت
۱۲۸ اصل تغافل در قرآن
۱۲۹ تغافل در روایات
۱۲۹ گفتار دوم: نقش تغافل در مواجهه اهالی مسجد با جوانان
۱۲۹ بزرگان مسجد و سنگینی وظایف رفتاری آن‌ها در قبال جوانان
۱۳۰ بزرگ سالان مسجد و یاری‌رسانی به جوانان در رسیدن به مطلوب
۱۳۰ تغافل و تجاهل مذموم و نکوهیده
۱۳۱ انتخاب موقعیت مناسب برای تغافل
۱۳۲ گفتار سوم: ریشه‌های تغافل شایسته
۱۳۲ ۱. مصلحت، ریشه اساسی تغافل ممدوح
۱۳۲ ۲. اصل تعقل اجتماعی
۱۳۳ ۳. اصل مراقبت از کرامت انسانی
۱۳۴ ۴. اصل حفظ آبروی مؤمن
۱۳۵ ۵. اصل سخت‌گیری در اثبات گناه دیگران
۱۳۵ ۶. اصل پرده‌پوشی بر لغزش‌های مؤمن
۱۳۷ ۷. اصل برخورد بزرگوارانه با خطای دیگران
۱۳۷ ۸. اصل حلم و مدارا در برابر رفتار دیگران

۱۱ فروغ مسجد

۱۳۸	۹. اصل اختفا و گسترش ندادن گناهان اجتماعی
۱۳۹	گفتار سوم: محدوده تغافل و رابطه آن با امر به معروف و نهی از منکر
۱۳۹	۱. تغافل، گونه و روشی از امر به معروف و نهی از منکر
۱۴۰	۲. تغافل در برابر لغزش‌ها و عیب‌های کوچک
۱۴۱	۳. تغافل در برابر گناهان غیرعلنی
۱۴۲	۴. وجود مصلحتی افزون بر مصالح دیگر
۱۴۲	۵. تغافل در خواسته‌های غیراساسی بزرگ‌ترها
۱۴۲	۶. مراقب سوءاستفاده و گستاخی فرد خاطی بودن
۱۴۳	گفتار چهارم: ثمرها و آثار تغافل
۱۴۳	۱. یافتن فرصت توبه و جبران لغزش‌ها
۱۴۳	۲. جذب حداکثری جوانان به مسجد
۱۴۴	۳. هموارشدن مسیر تعاملات اجتماعی
۱۴۴	۴. حفظ جایگاه اجتماعی تغافل‌کننده
۱۴۵	۵. خروج از ورطه عناد و لجاجت
۱۴۵	۶. ارزشمند شدن تذکر در نگاه جوان
۱۴۵	۷. پرهیز از تنش‌های اجتماعی
۱۴۶	نتیجه‌گیری
۱۴۸	فهرست منابع

■ دغدغه‌های و دیدگاه رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام درباره جوانان

محمد داودی

۱۴۹	مقدمه
۱۵۰	تعریف جوانی
۱۵۲	روش تحقیق
۱۵۲	دیدگاه و مدل نظری
۱۵۳	ویژگی‌های جوان
۱۵۳	الف) برخوردار از استعداد های عالی و گوناگون
۱۵۳	ب) برخوردار از روح پاک
۱۵۴	ج) آرمان خواهی و چشم داشتن به قله های بلند

۱۵۴ (د) سرشار از نیرو، امید و نشاط
۱۵۵ توانایی‌ها و امکانات و فرصت‌ها
۱۵۵ (الف) آینده‌ساز
۱۵۵ (ب) عامل پیشرفت و کارهای بزرگ
۱۵۶ (ج) برخوردار از ایمان و تقوا
۱۵۶ (د) عامل تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب
۱۵۷ خطرات و تهدیدها
۱۵۷ (الف) تأثیرپذیری از تبلیغات دشمنان
۱۵۸ (ب) تأثیرپذیری از شبهات
۱۵۸ (ج) لذت‌گرایی
۱۵۹ بایسته‌ها و وظایف
۱۵۹ بایسته‌های عام و مشترک
۱۵۹ شناخت قدر و ارزش جوانی و تمتع از جوانی
۱۶۰ قدردانی از پاکی قلب در جوانی
۱۶۰ دشمن‌شناسی
۱۶۱ بایسته‌های جوان دانشجو
۱۶۲ تحصیل علم
۱۶۳ تهذیب نفس
۱۶۳ انس با قرآن
۱۶۴ انس با صحیفه سجادیه
۱۶۴ دعا، توسل، عبادت و حفظ ارتباط با خدا
۱۶۵ ذکر و توبه
۱۶۵ ورزش
۱۶۶ فعال بودن و سالم‌سازی محیط و اجتماع
۱۶۶ پرورش توانایی فهم و تحلیل سیاسی و تعمیق آن
۱۶۷ تلاش برای رشد و پیشرفت کشور
۱۶۸ مطالبه عدالت
۱۶۸ جلوگیری از ایجاد رکود در دانشگاه
۱۶۹ کار عمیق فرهنگی

۱۳ فروغ مسجد

۱۷۰	جمع بندی و نتیجه گیری
۱۷۱	فهرست منابع

■ راهکارها و بایسته های تربیت حماسی جوانان در بستر مسجد

مجید همتی

۱۷۳	چکیده
۱۷۵	الف) تعریف تربیت
۱۷۵	ب) حماسه در لغت
۱۷۶	ج) تربیت حماسی در اصطلاح
۱۷۷	د) جوان
۱۷۸	ه) مؤلفه های اصلی در تربیت حماسی
۱۷۸	۱. عزت
۱۸۰	عاشورای حسینی، تبلوری از عزت
۱۸۲	۲. فتوت
۱۸۳	و) راهکارهای تقویت عزت نفس در جوانان
۱۸۳	برخورداری از والدین و مربیان با عزت نفس بالا
۱۸۴	برخورد عزت مندانه با جوانان
۱۸۵	پذیرش شخصیت جوانان و واگذاری مسئولیت به آنان
۱۸۶	پرهیز از سرزنش کردن جوانان
۱۸۶	جداسازی رفتار از شخصیت
۱۸۷	گوش دادن فعال
۱۸۸	چگونگی گوش دادن فعال
۱۹۰	ز) راهکارهای تقویت فتوت در جوانان
۱۹۰	فراهم کردن زمینه هایی برای بروز رفتار جوانمردانه
۱۹۱	تقویت رفتارهای جوانمردانه
۱۹۱	ارائه الگوهای مناسب
۱۹۲	حضرت رسول ﷺ
۱۹۲	امیرالمؤمنین علی ؑ
۱۹۲	تقویت ایمان و باورهای دینی

۱۹۳	ارائه دلیل
۱۹۴	هماهنگی در رفتار و گفتار مریبی
۱۹۵	ح) عوامل مخرب در شکل‌گیری تربیت حماسی
۱۹۵	تضعیف باورهای دینی
۱۹۵	تخریب شخصیت جوان
۱۹۶	روحیه منفعت‌طلبی و راحت‌طلبی
۱۹۶	ترس و جبن
۱۹۷	۴-۱. توکل
۱۹۷	۴-۲. ترس از خدا
۱۹۷	۴-۳. یاد خدا
۱۹۷	۴-۴. مواجهه با ترس
۱۹۸	کمرویی
۱۹۸	روحیه منفعلانه و سازش‌کارانه
۱۹۹	توصیه‌هایی کوتاه برای امامان جماعت و مسئولان مسجد در تربیت حماسی
۲۰۰	نتیجه‌گیری
۲۰۰	فهرست منابع

■ بایسته‌های سخت‌افزاری و جذاب‌سازی محیط مسجد

علی خونچمن

۲۰۳	چکیده
۲۰۴	مقدمه
۲۰۷	پیشینه تحقیق
۲۱۰	الگوی پیشنهادی
۲۱۱	ویژگی‌های مسجد خوب و جذاب
۲۱۲	بنای مسجد
۲۱۳	فضای مناسب و ظاهر خوب
۲۱۴	فضاها و ساختمان‌های مورد نیاز در مجموعه مسجد
۲۱۵	شبستان مناسب
۲۱۶	حسینیه

۱۵ فروغ مسجد

۲۱۶	متبر
۲۱۷	فرش مسجد
۲۱۷	امکانات و تجهیزات نماز جماعت
۲۱۷	امکانات و تجهیزات قرائت قرآن
۲۱۸	تجهيزات نظافت و خوش بویی مسجد
۲۱۹	وضوخانه مسجد
۲۱۹	امکانات و تجهیزات آموزشی
۲۲۱	وسایل صوتی
۲۲۱	سیستم صوتی و تصویری
۲۲۲	نور
۲۲۳	وسایل سرمایشی و گرمایشی
۲۲۴	امکانات فرهنگی
۲۲۵	کتاب و کتابخانه
۲۲۷	پایگاه بسیج در مسجد
۲۲۷	کانون فرهنگی در مسجد
۲۲۹	تشکل های جوانان در مساجد
۲۲۹	امکانات ورزشی
۲۳۰	آشپزخانه و آبدارخانه
۲۳۰	صندوق نذورات و موقوفات
۲۳۱	صندوق انتقادات و پیشنهادهای
۲۳۱	پارکینگ
۲۳۲	مهدکودک یا محل نگهداری کودکان
۲۳۲	خانه عالم
۲۳۳	زائرسرا و استراحتگاه
۲۳۳	سقاخانه
۲۳۳	وسایل و امکانات تطهیر مسجد
۲۳۴	تجهيزات ایمنی مسجد
۲۳۴	امکانات بهداشتی و درمانی
۲۳۴	امکانات و تجهیزات قضایی

۲۳۴	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۴۰	منابع

■ بایسته‌های رفتاری و اخلاقی در مواجهه با جوانان در مسجد

علی عبدلی‌پور

۲۴۳	چکیده
۲۴۴	مقدمه
۲۴۶	الف) اهمیت دوران جوانی
۲۴۷	ب) بایسته‌های مشترک رفتاری و اخلاقی متولیان مساجد با جوانان
۲۴۷	۱-۱- خوش‌رویی و خوش‌رفتاری با جوانان
۲۴۷	۱-۲- درک جوانان
۲۴۹	ج) امام‌جماعت
۲۴۹	۱- بایسته‌های رفتاری و اخلاقی امام‌جماعت با جوانان
۲۵۰	۱-۱- تشویق جوانان موفق مسجدی و الگوسازی برای سایر جوانان
۲۵۰	۱-۲- همدلی و همراهی با جوانان
۲۵۱	۱-۳- اختصاص وقت کافی به جوانان در مسجد
۲۵۱	۱-۴- ایجاد ارتباط با جوانان تازه‌وارد و تکریم و احترام ویژه به آنان
۲۵۱	۱-۵- بیان مسائل و مباحث مبتلابه جوانان
۲۵۲	۱-۶- تبیین شیوه‌های صحیح عزاداری و تعظیم شعائر دینی برای جوانان
۲۵۲	۱-۷- بیان الگوهای اخلاقی و رفتاری ائمه معصومین <small>علیهم‌السلام</small> به جوانان
۲۵۳	۱-۸- پاسخگو بودن امام‌جماعت به مطالبات علمی نسل جوان
۲۵۳	د) هیئت‌امنا
۲۵۳	۱- بایسته‌های رفتاری و اخلاقی هیئت‌امنا و اهالی مساجد در مواجهه با جوانان در مسجد
۲۵۳	۱-۱- تشخیص پاسخ‌دهی به نیاز جوانان در مساجد
۲۵۴	۱-۲- نمایش الگوی عملی برای جوانان
۲۵۴	۱-۳- بسترسازی مناسب جهت حضور پر نشاط جوانان در مسجد
۲۵۵	۱-۴- جذاب نمودن فضای فیزیکی مساجد
۲۵۵	۱-۵- مشارکت دادن جوانان در برنامه‌های فرهنگی مساجد و استفاده از نظرات و ایده‌های آنان
۲۵۶	ه) نمازگزاران

۱۷ فروغ مسجد

۲۵۶	۱- بایسته های رفتاری و اخلاقی نمازگزاران در مواجهه با جوانان در مسجد
۲۵۶	۱-۱- مهرورزی
۲۵۷	۱-۲- برخورد متواضعانه
۲۵۷	۱-۳- بیان نیکو با جوانان
۲۵۸	۱-۴- نادیده گرفتن خطاها و اشتباهات جوانان
۲۵۸	۱-۵- عدم زیاده روی در انتقاد از جوانان
۲۵۹	و) خادم مسجد
۲۵۹	۱- بایسته های رفتاری و اخلاقی خادم مسجد با جوانان
۲۵۹	۱-۱- همراهی و تعامل سازنده با جوانان در اجرای برنامه های فرهنگی
۲۶۰	۱-۲- برخورداری از سعه صدر کافی در مواجهه با جوانان
۲۶۱	۱-۳- ایجاد محیطی بانشاط و بهداشتی در مسجد برای جوانان
۲۶۱	نتیجه گیری
۲۶۲	فهرست منابع
۲۶۲	منابع عربی
۲۶۳	منابع فارسی
۲۶۳	مقالات

■ نقش مسجد در صیانت جوانان از ابتلا به عرفان های نوظهور

علی محمدی هوشیار

۲۶۵	چکیده
۲۶۶	مقدمه
۲۶۷	رسالت مسجد
۲۶۷	رسالت معنویت افزا
۲۶۸	رسالت معرفت افزا
۲۶۹	عرفان های نوظهور
۲۷۰	مسجد و عرفان های نوظهور
۲۷۰	معنویت در مسجد و عرفان های نوظهور
۲۷۱	مدیریت و راهبری
۲۷۴	معرفت در مسجد و عرفان های نوظهور

۲۷۴	۱. خداشناسی
۲۷۵	الف) التزام به تفکرات سکولار
۲۷۵	ب) اندیشه بی‌خدایی و مادی‌نگری
۲۷۵	ج) باور همه‌خداانگاری
۲۷۶	۲. انسان‌شناسی
۲۷۷	راه و راهنماشناسی
۲۸۰	قرآن و حدیث‌شناسی
۲۸۰	اخلاق عرفانی
۲۸۲	احکام فردی
۲۸۲	سبک زندگی خانوادگی
۲۸۴	نتیجه
۲۸۵	منابع

■ مسجد، محیط یاددهی-یادگیری جوانان با تأکید بر سیره تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام

خسرو کی‌منش

۲۸۷	چکیده
۲۸۸	مقدمه
۲۸۸	الف) نگاهی تاریخی به مسجد، تعلیم و تربیت
۲۸۸	۱. پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> در مکه
۲۹۰	۲. پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> در مدینه و تلاش‌های آموزشی امامان <small>علیهم‌السلام</small>
۲۹۱	۳. مسجد، تعلیم و تربیت، پس از معصومان <small>علیهم‌السلام</small>
۲۹۲	ب) جوانان، مخاطبان ویژه پیامبران و معصومان <small>علیهم‌السلام</small>
۲۹۳	ویژگی‌های جوانان، از دیدگاه معصومان <small>علیهم‌السلام</small>
۲۹۳	۱. ضمیری بسیار پذیرا و مستعد
۲۹۳	۲. دارای تنش‌های [هیجان‌های] شدید
۲۹۴	۳. [دارای] آگرایش به دین و معنویت
۲۹۴	۴. برخوردار از استعدادها و توانایی‌های عقلی و ادراکی زیاد
۲۹۴	۵. دارای علم و دانش کم، به‌رغم استعداد بالا
۲۹۴	۶. حساسیت و زودرنجی

۱۹ فروغ مسجد

۲۹۴	۷. زیباخواهی و زیباجویی
۲۹۵	۸. آرزومندی
۲۹۵	ج) اصول تربیتی مناسب برای جوانان از دیدگاه معصومان <small>علیهم السلام</small>
۲۹۵	۱. اصول مبتنی بر خود (مربی)
۲۹۵	۲. اصول مبتنی بر پیام
۲۹۶	۳. اصول مبتنی بر مخاطب
۲۹۶	۴. اصول مبتنی بر روش
۲۹۷	د) پیام‌های مناسب برای تعلیم و تربیت جوانان
۲۹۷	۱. تربیت اخلاقی
۲۹۷	۲. تربیت دینی
۲۹۷	۳. تربیت سیاسی
۲۹۸	۴. تربیت علمی
۲۹۸	۵. تربیت جسمی
۲۹۸	۶. تربیت جنسی
۲۹۹	۷. ترس از خدا
۲۹۹	۸. آداب اجتماعی
۲۹۹	۹. احترام به بزرگسالان
۳۰۰	۱۰. احترام به والدین
۳۰۰	ه) روش‌های تعلیمی و تربیتی پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و معصومان <small>علیهم السلام</small>
۳۰۲	و) امام مسجد و تعلیم و تربیت دینی
۳۰۳	۱. مقام‌های امام مسجد
۳۰۳	۱-۱. مقام امامت
۳۰۳	۲-۱. مقام مرجعیت اجتماعی
۳۰۳	۳-۱. مقام مدیریت
۳۰۳	۲. امام محوری
۳۰۵	۲-۱. ویژگی‌ها و شرایط امام مسجد در کلام معصومان <small>علیهم السلام</small>
۳۰۶	۲-۱-۱. خودسازی و تزکیه نفس
۳۰۶	۲-۱-۲. بخشش و تغافل
۳۰۶	۲-۱-۳. عدالت و مصالحه میان مردم

۳۰۷	۲-۲. وظایف امام مسجد
۳۰۹	۳-۲. نقش امام مسجد
۳۰۹	۲-۳-۱. مدیریت و مربی‌گری
۳۰۹	۲-۳-۲. زدودن آسیب‌ها
۳۰۹	۳-۳-۳. پیوند سنت و مدرنیته
۳۰۹	۴-۳-۲. گسست نسلی
۳۱۰	۵-۳-۲. حرکت بر روی خط اعتدال
۳۱۰	۶-۳-۲. کمک به افراد، به ویژه نوجوانان برای گذار از بحران هویت
۳۱۰	۷-۳-۲. پیوند با دیگر محیط‌های یاددهی-یادگیری
۳۱۰	۸-۳-۲. روش‌ها
۳۱۰	۹-۳-۲. به‌کارگیری جوان‌ها
۳۱۱	۱۰-۳-۲. تدارک محیط یاددهی-یادگیری
۳۱۱	ز) مسجد، در عصر حاضر
۳۱۱	۱. مسجد در دوران انقلاب اسلامی
۳۱۲	۲. مسجد در دوران تثبیت نظام
۳۱۲	ح) ویژگی‌های مسجد نمونه از نگاه روایات و قانون چشم‌انداز بیست‌ساله
۳۱۲	۱. مسجد نمونه از نگاه روایات اهل بیت (ع)
۳۱۳	۲. مسجد نمونه از نگاه چشم‌انداز بیست‌ساله
۳۱۴	نتیجه‌گیری
۳۱۵	فهرست منابع

مطالبات جوانان از کارگزاران مساجد

سمیه کاظمیان

۳۱۷	چکیده
۳۱۸	مقدمه
۳۱۸	الف) جوان، ویژگی‌ها و مطالبات سنین جوانی
۳۱۸	۱- جوان و اهمیت سن جوانی
۳۱۹	۲- ویژگی‌های سنین جوانی
۳۱۹	۱-۲- عاطفی و زودرنج بودن

۲۱ فروغ مسجد

- ۲-۲- پیرانرژی، پرتوان، پرهیجان و کلیشه گریز بودن ۳۲۰
- ۳-۲- آرمان خواهی و پرسشگری ۳۲۰
- ۴-۲- استقلال طلبی ۳۲۰
- ۵-۲- پاکی، سادگی و بی‌آلایشی و زیباپسند ۳۲۱
- ۶-۲- کارگروهی و ارتباط با همسالان ۳۲۱
- ۳- مطالبات و نیازهای نسل جوان ۳۲۱
- ۱-۳- مطالبات معنوی جوانان ۳۲۱
- ۱-۱-۳- هویت‌یابی فرهنگی و دینی ۳۲۱
- ۲-۱-۳- دوست‌یابی در گروه‌های همسالان ۳۲۲
- ۲-۳- مطالبات مادی جوانان ۳۲۳
- ۱-۲-۳- ورزش ۳۲۳
- ۲-۲-۳- پیشرفت تحصیلی ۳۲۳
- ۳-۲-۳- تشکیل زندگی مستقل (مسکن، ازدواج و اشتغال) ۳۲۳
- ب) مسجد، کارگزاران مسجد، خصوصیات، کارکردها و اهمیت آن‌ها ۳۲۴
- ۱- تعریف و ویژگی‌های مسجد ۳۲۴
- ۲- اهمیت مسجد در اسلام ۳۲۵
- ۱-۲- محل عبادت جمعی ۳۲۵
- ۲-۲- کانون تبلیغ و مبارزه با دشمنان اسلام ۳۲۶
- ۳-۲- مرکز بصیرت بخشی سیاسی به جوانان و روشنگری ۳۲۶
- ۳- معماری و ظاهر مسجد ۳۲۷
- ۴- امکانات مسجد ۳۲۷
- ۵- کارگزاران مسجد ۳۲۷
- ۱-۵- واقف و متولی ۳۲۷
- ۲-۵- روحانی و امام جماعت ۳۲۸
- ۳-۵- هیئت‌امنا و خادم ۳۲۸
- ج) مطالبات جوانان از امام جماعت مسجد ۳۲۹
- نقش امام جماعت مسجد در چشاندن لذت نماز با توجه به جوانان ۳۲۹
- امام جماعت مسجد به مثابه طیب معنوی ۳۳۰
- پاسخگویی امام جماعت به شبهات و سؤالات جوانان و پر کردن خلأ ذهنی آن‌ها ۳۳۰

۳۳۱ جوان و به روز بودن ائمه جماعات مساجد
۳۳۱ ایجاد تحول ائمه جماعات در سخنرانی‌های سنتی مساجد
۳۳۲ (د) مطالبات جوانان از خادم مسجد
۳۳۲ (ه) مطالبات جوانان از تولیت و هیئت امنای مساجد
۳۳۲ ۱- ایجاد ارتباط بین مسجد با مراکز آموزشی و با جوانان نخبه صاحب‌عنوان
۳۳۳ ۲- جوان‌تر کردن ارکان و کارگزاران مسجد تا حد ممکن
۳۳۴ جایگزینی نیروهای تازه‌نفس
۳۳۴ تقسیم کار با جوانان
۳۳۴ ایجاد علاقه و حس مسئولیت جوان به کار در مسجد
۳۳۴ تأمین بودجه برای جذب جوانان و تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه
۳۳۵ استفاده از تخصص‌های گوناگون جوانان
۳۳۵ ۳- گنجاندن سیاحت در کنار زیارت
۳۳۵ ۴- ایجاد تنوع و به‌روزرسانی شیوه‌های تبلیغی
۳۳۶ ۵- زیبا و جذاب سازی محیط مسجد
۳۳۷ ۶- فراهم آوردن امکانات فرهنگی، ورزشی و مشاوره‌ای برای اوقات فراغت جوان
۳۳۷ ۱-۶- ایجاد مرکز مشاوره برای جوانان
۳۳۷ ۲-۶- تأسیس و تقویت کتاب‌خانه‌های مساجد با کتب جدید، متنوع و به‌روز
۳۳۸ ۳-۶- شبکه کردن سایر امکانات فرهنگی و ورزشی شهر با محوریت مساجد
۳۳۸ (و) نتیجه‌گیری و پیشنهاد
۳۳۹ یک پیشنهاد
۳۳۹ فهرست منابع

□ موانع ارتباط مؤثر جوانان با مسجد

سید مهدی بهشتی

۳۴۱ چکیده
۳۴۲ مقدمه
۳۴۳ ۱. واژه‌شناسی جوان
۳۴۳ ۲. رفتارشناسی جوان
۳۴۴ ۳. اهمیت جوانی

۲۳ فروغ مسجد

۳۴۴	۴. تبیین موضوع
۳۴۵	الف) موانع فرهنگی
۳۴۶	۱. برنامه‌ها
۳۴۷	۲. افراد و گروه‌ها
۳۴۷	۱-۲. امام جماعت
۳۴۷	۲-۲. هیئت‌های مذهبی و حسینی‌ها
۳۴۸	۳-۲. هیئت امناء
۳۴۸	۴-۲. خادم
۳۴۹	۵-۲. بسیج
۳۴۹	۶-۲. نمازگزاران
۳۵۰	۲-۶-۱. بداخلاقی با جوان
۳۵۱	۲-۶-۲. سلام نکردن به جوانان
۳۵۱	۲-۶-۳. رعایت نکردن نظافت توسط برخی نمازگزاران
۳۵۲	۲-۶-۴. عفو و گذشت
۳۵۲	۳. تهاجم فرهنگی
۳۵۴	ب) موانع سخت‌افزاری و محیطی
۳۵۴	۱. نبود بهداشت مناسب
۳۵۴	۲. نبود معماری مناسب
۳۵۵	۳. بُعد جغرافیایی مسجد
۳۵۵	۴. نبود تجهیزات مناسب
۳۵۶	ج) موانع اجتماعی
۳۵۶	۱. رفتارهای ناشایست مذهبی‌ها
۳۵۷	۲. دین‌گریزی جوانان
۳۵۷	۳. اعتیاد و بزه‌کاری
۳۵۸	۴. دوستان ناشایست
۳۵۹	د) موانع خانوادگی
۳۵۹	فقدان تربیت دینی مناسب در کودکی
۳۶۱	ه) موانع سیاسی
۳۶۲	نتیجه‌گیری

فهرست منابع..... ۳۶۳

■ مساجد و فرهنگ ازدواج آسان و بهنگام

محمد مهدی عباسی آغوی، زینب عباسی آغوی

۳۶۷	چکیده
۳۶۸	مقدمه
۳۷۰	پیشینه بحث
۳۷۰	بیان اصطلاحات
۳۷۰	مسجد
۳۷۰	معنای لغوی
۳۷۱	معنای اصطلاحی
۳۷۱	فرهنگ
۳۷۱	ازدواج
۳۷۲	جایگاه مسجد در اسلام و کارکردهای آن
۳۷۴	کارکردهای مسجد در فرایند ازدواج
۳۷۴	۱. پیش از اقدام به ازدواج
۳۷۴	۱-۱- اثرگذاری بر فرد
۳۷۴	۱-۱-۱- تشویق و انگیزه بخشی برای ازدواج
۳۷۶	۱-۱-۲- آماده سازی و ایجاد رشد و بلوغ لازم
۷۷۳	۱-۱-۳- ارائه شناخت های لازم (درباره خود فرد، تشکیل خانواده و جنس مخالف)
۳۷۷	۲-۱- اثرگذاری بر خانواده
۳۷۸	ایجاد تحول در نگرش خانواده درباره ازدواج آسان و بهنگام
۳۷۸	۳-۱- اثرگذاری بر جامعه
۳۷۸	۱-۳-۱- ایجاد تحول در نگرش جامعه درباره ازدواج بهنگام و آسان
۳۷۹	۲. در فرایند همسرگزینی
۳۷۹	۱-۲- کمک به تعیین ملاک های درست انتخاب همسر
۳۷۹	۲-۲- معرفی مورد مناسب و همسریابی
۳۸۰	۳-۲- تسهیل خواستگاری
۳۸۰	۴-۲- کمک به تحقیق و شناخت

۲۵ فروغ مسجد

۳۸۰	۲-۵- برگزاری مشاوره پیش از ازدواج در مسجد
۳۸۱	۳. پس از انتخاب همسر
۳۸۱	۳-۱- کمک به تسهیل روابط دوران عقد
۳۸۱	۳-۲- کمک به ایجاد اشتغال برای مردان
۳۸۱	۳-۳- کمک اقتصادی به همسران جوان
۳۸۲	۳-۴- الگوسازی های صحیح توسط ارائه نمونه های عینی ازدواج آسان
۳۸۳	۳-۵- اجرای صیغه عقد در مسجد
۳۸۶	۳-۶- برگزاری مراسم ازدواج در مسجد
۳۸۷	بحث و نتیجه گیری
۳۸۸	منابع

■ تشکل های مسجدی، قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها

روح الله حریزوی

۳۹۱	چکیده
۳۹۲	مقدمه
۳۹۳	الف) تعاریف
۳۹۳	ب) نقاط قوت
۳۹۴	۱. قداست مسجد
۳۹۵	۲. مردم نهاد بودن مسجد
۳۹۶	۳. ریاست مسجد
۳۹۷	۴. شورای فرهنگی مسجد
۳۹۹	ج) نقاط ضعف
۳۹۹	۱. ضعف در مبانی و اصول
۴۰۱	۲. ضعف کارآمدی و روزآمدی
۴۰۳	۳. ضعف سازمان دهی تشکیلاتی
۴۰۴	۴. ضعف نگاه راهبردی
۴۰۵	۵. عوام زدگی
۴۰۵	۶. انحصارگرایی
۴۰۶	۷. سکولار شدن

۴۰۷	۸. ضعف مهارتی
۴۰۸	د) فرصت‌ها
۴۰۸	۱. حوزه‌های علمیه و علمای بلاد
۴۰۹	۲. مدارس و مراکز تجمع جوانان
۴۱۰	۳. خانه و خانواده
۴۱۱	۴. مهدکودک‌ها
۴۱۱	۵. مجالس شادی
۴۱۲	۶. خیرین
۴۱۲	ه) تهدیدها
۴۱۲	۱. سازمان‌های شبه‌فرهنگی
۴۱۳	۲. دوستان نادان
۴۱۴	نتیجه‌گیری
۴۱۴	فهرست منابع

□ تربیت بدنی در مسجد، آری یا خیر

عسکری اسلامپورکریمی

۴۱۷	چکیده
۴۱۸	مقدمه
۴۱۹	گفتار اول: اهمیت و جایگاه ورزش در آموزه‌های دینی
۴۲۵	گفتار دوم: پیوند مسجد و ورزش، دروازه‌ای برای تربیت بدنی و معنوی
۴۲۶	جواز برگزاری فعالیت‌های ورزشی در محیط‌های پیرامونی مسجد
۴۲۷	بایدها و نبایدهای انجام فعالیت‌های ورزشی در مساجد
۴۲۸	۱. عدم هتک حرمت
۴۳۰	۲. عدم مزاحمت برای نمازگزاران و سایر مراسم‌های عبادی و فرهنگی
۴۳۰	۳. عدم مخالفت با نظر واقف
۴۳۱	۴. رعایت بهداشت
۴۳۱	۵. عدم پخش موسیقی حرام هنگام ورزش
۴۳۳	آثار و برکات حضور ورزشی در محیط پیرامونی مسجد
۴۳۴	۱. تربیت جسم، مقدمه عبادت و پرستش الهی

۲۷ فروغ مسجد

۴۳۵.....	۲. تربیت جسم، مقدمه تقویت روح و اراده
۴۳۷.....	۳. تربیت جسم، زمینه امانت و صداقت
۴۳۸.....	۴. تربیت جسم، موجب نشاط و طراوت و سرزندگی
۴۳۹.....	۵. تربیت جسم، زمینه تحصیل روحیه خدمتگزاری
۴۴۰.....	۶. تربیت جسم، زمینه کسب کرامت‌های اخلاقی
۴۴۰.....	۷. تربیت جسم، زمینه رعب و وحشت دشمنان
۴۴۱.....	۸. تربیت جسم، زمینه کسب روحیه حماسی
۴۴۱.....	نتیجه سخن
۴۴۳.....	فهرست منابع

■ مسجد جوانان عراق، واقعیت یا توهم

ایراندخت فیاض

۴۴۷.....	چکیده
۴۴۸.....	مقدمه
۴۴۹.....	بخش اول: علل اجتماعی برون مرزی (فضای پست مدرن)
۴۴۹.....	الف) اقتضانات عصر کنونی و سلوک دینی
۴۵۱.....	ب) شکاف نسل‌ها
۴۵۲.....	۱. تفاوت نسل‌ها در مؤلفه‌های دین‌داری
۴۵۲.....	۱-۱. باورها و اعتقادات
۴۵۲.....	۱-۲. اخلاقیات و رفتارهای ویژه دین‌داری
۴۵۳.....	۱-۳. احکام، عبادات و حوزه مناسکی دین
۴۵۵.....	۲. اشتباهات نسل قدیم در قبال نسل جدید
۴۵۵.....	۲-۱. توسل به زور، تأکید بر توصیه و ارائه نکردن دفاع منطقی و مستدل از معتقدات
۴۵۵.....	۲-۲. ناصبوری و کم‌تحملی در مقابل خطا
۴۵۶.....	۲-۳. کم‌توجهی به تفاوت‌های فردی
۴۵۶.....	۲-۴. توسل به توصیه به جای اقناع‌سازی
۴۵۶.....	۳. اشتباهات نسل جدید در قبال نسل قدیم
۴۵۶.....	۳-۱. متهم کردن به ناپختگی تفکر
۴۵۷.....	۳-۲. تعمیم ناپجا

بخش دوم: علل اجتماعی درون مرزی کم رونق شدن مساجد در نسل نوجوان	۴۵۸
الف) خانواده	۴۵۸
ب) نهادهای اجتماعی	۴۵۸
ج) تحولات و تکنولوژی	۴۵۹
بخش سوم: راهکارها	۴۶۰
۱. تنظیم تبلیغ دینی با مقتضیات زمان	۴۶۰
۲. ایجاد ارتباط عاطفی بین مسجد و جوان	۴۶۰
۳. درک جوان	۴۶۰
۴. انعطاف پذیری در مقابل جوان	۴۶۱
۵. جوان گرایی	۴۶۲
۶. فعال سازی مساجد	۴۶۲
۷. بهبود شیوه های پیام رسانی دینی	۴۶۲
۸. هماهنگی قول و عمل متولیان و مروجان دین	۴۶۳
۹. پاسخگویی به پرسش های دینی جوانان	۴۶۴
۱۰. پیوند مسجد با زندگی جوان	۴۶۵
نتیجه گیری	۴۶۶
فهرست منابع	۴۶۹

«یکی از مهم ترین راه های تقویت درونی، حفظ روحیه انقلابی گری است... بخصوص در جوان ها. سعی دشمنان این است که جوان ما را لابلای بار بیاورند، نسبت به انقلاب بی تفاوت بار بیاورند، روحیه حماسه و انقلابی گری را در او بکشند و از بین ببرند؛ جلوی این باید ایستاد. جوان، روحیه انقلابی گری را باید حفظ کند و مسئولین کشور جوان های انقلابی را گرامی بدارند؛ این همه جوان های حزب اللهی و انقلابی را برخی از گویندگان و نویسندگان نکوبند به اسم افراطی و امثال این ها. جوان انقلابی را باید گرامی داشت، باید به روحیه انقلابی گری تشویق کرد؛ این روحیه است که کشور را حفظ می کند، از کشور دفاع می کند؛ این روحیه است که در هنگام خطر به داد کشور می رسد»⁽¹⁾.

اهمیت و جایگاه دوران جوانی بر کسی پوشیده نیست و مخاطرات فراوان و حساسیت های روحی و روانی این بازه زمانی از عمر انسان ها توجه و اهتمام ویژه ای می طلبد. رهبری معظم انقلاب نیز علی رغم همه موضوعات مهم داخلی و خارجی به دلیل اهمیت این مسئله در طول دوران زعامتشان بیش از دو هزار بار از کلید واژه جوان در سخنان و رهنمودهایشان استفاده کرده اند. از منظر معظم له تربیت اسلامی و انقلابی جوان جزء مفروضات اصلی دستگاه های فعال در حوزه جوان است و همه برنامه ریزی های در این حوزه باید در راستای تربیت جوان در طراز اسلامی و انقلابی آن یا به عبارت بهتر «جوان مؤمن انقلابی» باشد؛ هدفی که طبق فرمایش ایشان، همه مسئولان کشور موظف به پیگیری آن هستند و تمام جوانان نیز باید مسیر زندگی خود را در این جهت تنظیم نمایند.

در جهت رسیدن به این مهم، روحانیت معظم و طلاب گرامی نقش ویژه و کلیدی بر عهده دارند. زیرا «آن قدر آدم سازی و پرورش انسان های والا و با ایمان مهم است که اگر یک روحانی همت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار بسازد کار بزرگی را انجام داده است»⁽²⁾.

از آنجا که «اولین وظیفه ما [روحانیت] این است که این نقش روحانیت اصیل را جدی بگیریم... مسجد،... نشستن روی مردم، دهان به دهان و نفس به نفس با مردم حرف زدن یک نقش بی بدیل دارد

ص: 29

1- 18/6/1394.

2- سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در سال 1379.

و هیچ چیزی جای این را نمی‌گیرد و این هم مال شماس است»؛⁽¹⁾ شاید سخن گزافی نباشد اگر بگوییم بهترین و مقدس‌ترین مکان برای تربیت جوانان مسجد است. تجربه تاریخی صدر اسلام تاکنون نیز به همین مهم اشاره دارد که همواره از ابتدای بعثت پیامبر تاکنون انسان‌های پاک، باتقوا و تأثیرگذار در دین و در جهت تعالی پرچم اسلام، در مسجد پرورش یافته و رشد نموده‌اند. محل پرورش انسان‌ها در زمان رسول خدا(ص) نیز مسجد بود و اساساً مسجد مبنای هر حرکت آموزشی و تربیتی بوده است. در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز، با اندک تأمل در سیره بانیان و پیشتازان آن درمی‌یابیم که همه، پرورش‌یافته مساجد بودند و شهدای گران‌قدر انقلاب نیز از خانه خدا مسیر عروج به ملکوت را آغاز کردند.

مرکز رسیدگی به امور مساجد با عنایت به این موضوع پراهمیت و البته با علم به تلاش همه‌جانبه نظام سلطه و دشمنان قسم‌خورده در به انحراف کشاندن نسل آینده فرزندان انقلاب، سال 1394 را سال مسجد و جوان نام‌گذاری نموده، در تلاش است با مجموعه‌ای از برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی، متولیان و اثرگذاران و دغدغه‌مندان حوزه تربیت را به اهمیت و حساسیت این موضوع رهنمون سازد. امید است مساجد، این خانه‌های امید همچون گذشته مهد تربیت و اعتلای فرهیختگان و آینده‌سازان فردای روشن ایران و جهان اسلام باشند و خادمان و خدمت‌گزاران مساجد بیش از پیش در این راه قدم بردارند.

اثر علمی پیش‌رو نیز حاصل تلاش جمعی از محققین و پژوهشگران گرانقدر است که با هدف ارائه تحلیل‌ها و راه‌کارهای علمی و عملی برای جذب و رشد و پرورش همه‌جانبه شخصیت جوان، به رشته تحریر درآمده است و به حضورتان تقدیم می‌گردد.

در پایان، ضمن تشکر و قدردانی از نویسنده این اثر پژوهشی و همکاران محترم در اداره تولید و تأمین محتوای معاونت فرهنگی - اجتماعی، امیدواریم این اثر در نگاه شما گرامیان به ویژه ائمه محترم جماعات، مقبول افتد و پیشنهادها و نظرهای ارزشمند خویش را از خادمان خود در معاونت فرهنگی - اجتماعی مرکز دریغ نفرمایید.

جعلنا الله من عامری مساجد الله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی - اجتماعی

ص: 30

چکیده

مراحل رشد به چند بخش تقسیم می‌شود که جوانی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. در این دوره، همگام با تغییرات در ابعاد جسمی، روانی، فکری، هیجانی و مذهبی فرد، شاهد تحولاتی هستیم که ریشه در ارتباط جوان با محیط‌های مذهبی مانند مسجد دارد. بر این اساس ارتباط با مسجد و انس با مکان‌های مذهبی و نمادهای دینی، نقش بسزایی در رشد دین‌داری جوان دارد و وی را آماده پذیرش و اجرای دیگر دستورات دینی می‌نماید. از این رو، روحانیان به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمادهای دینی و رهبران معنوی جامعه، در ارتباط با جوان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ در صورتی که آنان ارتباط سازنده و هماهنگ با نیازها و ویژگی‌های تحولی جوان داشته باشند، می‌توانند بیشترین سهم را در تعمیق دین‌باوری او نیز ایفا کنند. در این مقاله برآنیم تا در کنار تبیین ویژگی‌های تحول در نسل جوان، به نیازهای او توجه و راهکارهای ارتباط مؤثر ائمه جماعات و اهالی مسجد با این قشر پرشور را واکاوی نماییم.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی، جوان، رشد، مسجد، ائمه جماعات، دین‌داری، اسلام، تربیت دینی.

یکی از گروه‌های سنی که روحانیان و فعالان فرهنگی مساجد با آن‌ها روبرو می‌شوند، جوانان هستند؛ گروهی که با عزمی راسخ برای بنیان‌گذاری آینده پا در میدان گذاشته‌اند و از مسجد به عنوان کانونی برای آرامش، تحصیل رضایت خداوند و نیز مسیری مطمئن برای پاسخ به نیازمندی‌های دینی خود استفاده می‌کنند. جوانان از حضور در مساجد، سلامت روانی و معنوی بیشتری به دست آورده و از بودن در کنار دوستان مذهبی خود و جامعه‌پذیری، گروه‌گرایی سالم را در خویشتن پایه‌ریزی می‌نمایند.

در این میان، چنانچه روحانیان و فعالان فرهنگی مستقر در مساجد، از اطلاعات کافی درباره جوانان و نیازهای آنان باخبر باشند، می‌توانند پاسخگویی بهتری نسبت به این گروه سنی داشته باشند و در زمانه‌ای که امواج فتنه‌ها و شبهه‌ها به ذهن و جان آنان هجوم می‌آورد، آرامشی عمیق حاصل از حقیقت‌یابی را در روان آن‌ها ایجاد نمایند. رفتارهای شایسته فعالان مساجد و تکریم شخصیت جوان همراه با ایجاد فضای گفت‌وگوی سالم و سازنده، می‌تواند بخش زیادی از نقشه‌های دشمن در جنگ نرم را خنثی و در مراقبت از این سرمایه‌های ارزشمند نقش‌آفرینی کند. روان‌شناسان رشد انسان را در مراحل گوناگونی از پیش‌زادی تا پیری تقسیم کرده‌اند. هر یک از این دوره‌ها و مراحل مرتبط با آن، ویژگی‌هایی دارند که در صورت توجه و تأمین آن، عبور موفق اتفاق می‌افتد و در پی آن، آمادگی ورود و بهره‌وری دوره بعدی ایجاد می‌شود.

در دوره جوانی نیز ما با تغییراتی جدی از نظر شناختی، عاطفی و رفتاری روبرو می‌شویم که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت جوان دارند. در صورت توجه مثبت و صحیح به این تغییرات، یک دوره رشد، به شکلی مطلوب شکل می‌گیرد و مهارت‌های متناسب با آن نیز محقق می‌شوند و انرژی جوانی در مسیری که از پیش طراحی شده، به کار گرفته می‌شود؛ ولی در صورتی که این تناسب‌ها، مراعات نشوند، امکان بروز مشکلات در زمینه‌های گوناگون، دور از انتظار نیست. حتی بخشی از دین‌گریزی جوانان را باید در برخوردهای نامناسب متولیان فرهنگی و خانواده‌ها جستجو کرد. تصور قالبی مشکل‌ساز در این دوره سنی، کوچک‌انگاری

جوان و ندادن بهای شایسته به آن است که با اصول دینی و روان‌شناختی هیچ نوع سازگاری ندارد. خانواده‌ها و نیز مسئولان اجتماعی در اعتماد به جوان به عنوان یک نیروی کارآمد، با مشکلاتی روبرو هستند که بیشتر آن‌را باید در شناخت ناقص از جوان جستجو کرد. تصور شکل‌گیری جوانی در سن پس از 25 سالگی، یکی از همان تصورات قالبی است که اجازه نمی‌دهد فرصت بهنگام در اختیار جوان و آرمان‌هایش قرار گیرد. همچنین در اشتباه راهبردی دیگری، فرصت هر نوع انتخاب و تجربه از جوان سلب و هویتی تحمیلی به وی داده می‌شود که بخشی از مشکلات دوره‌های بعدی را

هم در پی دارد. به عنوان نمونه، جوانی که رشته تحصیلی اش را به اصرار خانواده برگزیده یا دختری که با تحمیل خانواده شوهر آینده خود را می پذیرد، از نمونه های سلب آزادی منطقی شمرده می شوند.

در این مقاله برآنیم تا نخست با تغییرات رشدی این دوره سنی آشنا شده و سپس نیازهای مترتب بر آن را بررسی نماییم. در ادامه، پاسخ های مناسب برای نیازهای جوان مطرح می شود، بدین امید که خانواده ها و مسئولان فرهنگی جامعه خصوصاً مسئولان بخش های مذهبی، با تعاملی سازنده با این نیروی عظیم انسانی، از آن ها افرادی توانمند و کارآمد برای جامعه دینی بسازند و در رسیدن جوان به آنچه شایسته آن است، یاری رسانی نمایند.

الف) تعریف جوانی

هر یک از دوره های رشد در انسان، ویژگی ها و نیازهای خود را به همراه دارند. دوره جوانی نیز از این قانون جدا نیست و با فرارسیدن دوره سنی بالای 18 سال که پایان نوجوانی شمرده می شود، خصوصیات و تقاضاهایی در شخصیت جوان پدید می آید که شناسایی آن ها، کمک شایانی به برقرار تعامل سازنده با جوان می کند و جاده موفقیت او را هموار می سازد. در کتاب های روان شناسی رشد، به این مهم پرداخته شده است. به عنوان نمونه، لطف آبادی در نگاهی جامع چنین می نویسد: «نوجوانی دوره انتقال از کودکی به بزرگ سالی تعریف می شود و دوره جوانی، دوره انسجام هویت و مدخل زندگی بزرگ سالی است. سنین بیست تا سی سالگی و بعد، دوره ای است که فرد به کمال رشد بدنی خود رسیده، توانایی های شناختی و زبانی و رشد اجتماعی او از کیفیت بالایی برخوردار است و تغییرات روانی مربوط به انسجام هویت وی نیز بسیار برجسته و شوق آفرین است. ورود به زندگی اجتماعی - اقتصادی و سازگاری و نقش آفرینی فرهنگی نیز در این سال ها رخ می دهد. فراغت از تحصیلات دبیرستانی، گذراندن دوره سربازی برای پسران، ورود به بازار کار یا دانشگاه، ازدواج و آغاز زندگی زناشویی و تحولات دیگر اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی همگی از جمله تحولات دوره جوانی است. این ویژگی های رشدی سنین بیست تا سی سالگی را می توان در پنج مقوله انسجام هویت، رشد اجتماعی و فرهنگی، استحکام اندیشه و جهان بینی، انتخاب شغل و همسرگزینی و تشکیل خانواده بررسی کرد.» (لطف آبادی، 1387، ج 2، ص 213)

غلامرضا بهرامی نیازهای دیگری را برای این دوره سنی شمرده و نیاز به یادگیری، آرامش، دوست یابی، مطالعه، امید، آراستگی و ورزش را افزوده است. (بهرامی، 1385، ص 6) نویسنده کتاب حکمت نامه جوان، عوامل شکوفایی جوان را در شش مقوله شناخت، خودباوری، ارتباط با خداوند، دوست شایسته، خوشی های

حلال و نیرومندی‌سازی تن و نیز ارزش‌های اخلاقی و رفتاری برمی‌شمرد. (محمدی ری شهری، 1387، ص 5) ایشان در مقدمه کتاب خود به مطلبی مهم و تاریخی اشاره دارند که هشدار جدی برای توجه شایسته به جوانان است: «گزنون، حکیم و مورخ یونانی دو کتاب درباره ایران نوشته که یکی از آن دو کوروش نام دارد. در این اثر، شرحی درباره تربیت جوانان در دوران هخامنشی آورده و می‌نویسد: [ایرانیان] تقوا و فضیلت به فرزندان خود می‌آموزند، همان‌گونه که دیگران خواندن و نوشتن را... در قوانین ایران کوشش می‌شود که افراد تربیتی پیدا کنند که آنان را پیشاپیش، از دست یازیدن به کارهای ننگین و شرارت آمیز بازدارد. گزنون، یکی از علت‌های اقتدار هخامنشیان را که در زمان خود بزرگ‌ترین کشور جهان بودند، همین توجه به تربیت جوانان می‌داند.» (محمدی ری شهری، 1387، ص 7)

با نگاهی تاریخی و دینی به مسئله جوان و اهمیت آن، درمی‌یابیم که توجه به این گروه سنی، نوعی سرمایه‌گذاری همه‌جانبه به شمار می‌آید و در مقابل، غفلت از این مهم، بسیار زیان‌بار خواهد بود.

(ب) ابعاد رشد جوان

1. رشد جسمی

جوانی را با نیرومندی بدن می‌شناسند. این توانایی سیر مشخصی دارد. بین 20 تا 40 سالگی تغییرات در جسمانی و افول عملکرد بدن به قدری تدریجی است که به سختی مورد توجه قرار می‌گیرد، اما بعداً این تغییرات شتاب می‌گیرند. به همین نسبت، مهارت‌های ورزشی در جوان نمود بیشتری می‌یابد. بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که مهارت ورزشی بین 20 تا 30 سالگی به اوج می‌رسد و بعد تنزل می‌یابد. سلامت جسمی نیز در دوره جوانی از استحکام خوبی برخوردار است و حتی می‌تواند فرصتی باشد برای تقویت تندرستی در دیگر دوره‌های زندگی. از آنجا که وقوع مشکلات تندرستی در 20 و 30 سالگی خیلی کمتر از سال‌های بعدی است، اوایل بزرگ‌سالی بهترین زمانی است که می‌توانیم با در اختیار کردن سبک زندگی سالم‌تر، از مشکلات بعدی جلوگیری کنیم. (لورا ای برک، 1386، ج 2، ص 118) متولیان فرهنگی مساجد می‌توانند با فراهم‌سازی زمینه فعالیت بدنی، آموزش سبک تغذیه سالم و نیز همکاری با مسئولان پزشکی جامعه هدف، به این مهم توجه بیشتری مبذول دارند.

2. رشد خلاقیت

در دوره جوانی، نوآوری و خلاقیت نیز معنای ویژه‌ای می‌یابد و جوان همپای تغییرات هوشی و نیرومندی ذهنی، می‌تواند به یافته‌های جدید از ایجاد ارتباط بین اطلاعات دریافتی دسترسی پیدا کند.

یک قرن پژوهش نشان می دهد که دستاوردهای خلاق در اوایل بزرگ سالی افزایش می یابد؛ در اواخر 30 سالگی یا اوایل 40 سالگی به اوج می رسد و به تدریج افت می کند. (لورا ای برک: ص 136) به همین دلیل، توجه نهادهای فرهنگی

به وجود سرمایه خلاقیت در جوان و فراهم سازی زمینه شکوفایی و بهره وری از آن، ضروری است. به عنوان نمونه، در مساجد می توان مسئولیت طراحی محافل جشن و دیگر برنامه های رسمی مذهبی را به این گروه سنی سپرد.

3. رشد تحصیلی

ادامه تحصیل و ورود به مرحله تحصیلات تخصصی برای جوان سرنوشت ساز است و تحول چشمگیری را در وی رقم می زند. ورود به دانشگاه، یکی از شاخص های اصلی رشد جوان به شمار می آید و سبب پدیدآیی شخصیتی نو در وی می گردد. خیلی از افراد وقتی که به مسیر زندگی فکر می کنند، سال های دانشگاه را سازنده و آن را بانفوذتر از هر دوره دیگر بزرگ سالی می دانند. این نباید شگفت انگیز باشد؛ زیرا سال های تحصیل در دانشگاه، دوره ای است که می توان به کاوش ارزش ها، نقش ها و رفتارهای دیگر، توجه کامل کرد. حضور در فضای دانشگاه، جوانان را با استادان و دوستان جدیدی با عقاید متفاوت و آزادی ها و فرصت های تازه و درخواست های جدید علمی و اجتماعی مواجه می سازد.

بررسی هزاران تحقیق نشان داد که از سال اول تا سال آخر دانشگاه، تغییرات روانی زیادی در دانشجویان ایجاد می شود. دانشجویان بهتر می توانند در مورد مسائلی که پاسخ روشنی ندارند، از دلیل و منطق استفاده کنند و قوت ها و ضعف های موضوعات دشوار را تشخیص دهند. بازنگری در نگرش ها و ارزش ها، این تغییرات شناختی را تکمیل می کند. دانشگاه به دانشجویان کمک می کند به حقوق افراد و رفاه بشریت علاقه مند شوند و از این راه بر استدلال اخلاقی آن ها تأثیر می گذارد. ژرف اندیشی همراه با مواجه شدن با دیدگاه های متعدد درباره جهان، جوانان را ترغیب می کند که دقیق تر به خودشان بیندیشند. دانشجویان در سال های دانشگاه، خودآگاهی بیشتر، عزت نفس بهتر و درک هویت عمیق تری را [درخود] پرورش می دهند. (لورا برک، ص 138) لازم است امام جماعت و دیگر مسئولان مساجد، توجه بیشتری به گروه دانشجویان و طلاب در حال تحصیل داشته باشند

و زمینه پاسخگویی به سؤالات و شبهات آنان را در قالب محافل انس، تهیه کتاب های مورد نیاز و فعال سازی جوانان در دوره های مطالعاتی فراهم سازند.

اشاره

در دوره جوانی جدال بین برخورداری از حمایت خانواده و جدایی از آن جدی است. جوان با بررسی مزایا و معایبی که در دو سوی این انتخاب برای وی وجود دارد، گاهی دچار تعارض هایی می شود. جوانان با کسب استقلال از خانواده، درمی یابند که هنوز به روابط صمیمی و محبت آمیز نیاز دارند. با این حال، اغلب می ترسند که آزادی خود را از دست بدهند. بعد از حل این کشمکش، سال های 20 تا 40 سالگی به تشکیل واحدهای خانواده جدید و پدر-مادری می انجامد که در قالب سبک های زندگی متنوع تحقق می یابد. در عین حال، جوانان باید یاد بگیرند مهارت ها و تکالیف شغل انتخابی خود را انجام دهند. عشق و کار الزاماً درهم تنیده هستند و جامعه، موفقیت در هر دو را انتظار دارد. وقتی که تصمیمات جوانان با ویژگی های خودشان، جامعه و فرهنگشان هماهنگ باشد، آنان مهارت های جدید زیادی را کسب می کنند و زندگی کامل و رضایت بخش می شود. (همان، ص 150)

انتظار می رود با رشد صحیح یک جوان، شاهد آمادگی او برای ترک خانه پدری و استقلال همه جانبه فکری، عاطفی، مالی و مانند آن باشیم. افراد معمولاً در اوایل بزرگ سالی مستقل می شوند، ازدواج می کنند و صاحب فرزندی می شوند و آن ها را پرورش می دهند. استقلال از خانه پدری، گام مهمی در پذیرفتن مسئولیت است. میانگین سن ترک خانه پدری در سال های اخیر افزایش یافته است، به طوری که جوانان بیشتری قبل از ازدواج مستقل زندگی می کنند. ترک کردن خانه پدری برای ادامه تحصیلات معمولاً در سنین پایین تر صورت می گیرد و ترک کردن آن برای کار تمام وقت و ازدواج، در سنین بالا روی می دهد. در صورتی که جوانان برای استقلال آماده شده باشند، ترک کردن خانه پدری با تعامل والد-فرزند رضایت بخش است؛. با این حال، ترک

کردن پیش از موقع خانه پدری، می تواند گرفتاری های درازمدت تولید کند؛ زیرا در این حالت فرد بر استخدام و کار به جای تحصیلات و دریافت نکردن کمک مالی، راهنمایی و حمایت عاطفی والدین تأکید دارد. پس اگر کسانی که خانه پدری را در سنین پایین ترک می کنند، زندگی زناشویی و شغلی ناموفقی داشته باشند، نباید تعجب کنیم. (همان، ص 167) لازم است مسجدها خانواده ها را نسبت به پیامدهای مثبت و منفی ترک خانواده از سوی فرزندان در سنین مختلف آموزش دهد. همچنین واسطه گری متولیان مساجد برای اصلاح روابط جوان با خانواده، می تواند بخش دیگری از این مهم را اجرایی سازد.

یکی از منابع مهم تغییر شخصیت در بزرگ سالی، پیروی از زمان بندی اجتماعی یا انحراف از زمان است. تغییرات در جامعه از نسلی به نسل بعدی، می تواند بر روند زندگی تأثیر بگذارد. برنایس نوگارتن (1968، 1979) خاطرنشان می سازد که تأثیر فرهنگی و نسلی مهم بر رشد بزرگ سالان، زمان بندی اجتماعی (Social clock) است که منظور از آن، انتظارات درجه بندی شده سنی برای رویدادهای خاص زندگی مانند شروع اولین شغل، ازدواج، تولد اولین فرزند، خرید خانه و بازنشستگی است. همه جوامع برای تحقق بخشیدن به تکالیف اساسی مربوط به رشد، زمان بندی دارند. بهنگام یا بی موقع بودن رویدادهای خاص فرایند رشد، می تواند بر عزت نفس تأثیر عمیقی بگذارد؛ زیرا بزرگ سالان (مانند کودکان و نوجوانان) مقایسه اجتماعی می کنند و پیشرفت زندگی خود را در مقایسه با پیشرفت دوستان، خواهر و برادرها و همکارانشان ارزیابی می کنند: «آیا مطابق سنم عمل می کنم؟» (لورا، 1386، ص 157)

با هشدار رهبران فکری جامعه خصوصاً ائمه جماعات به خانواده ها در خصوص عوارض وابسته نگه داشتن فرزندان به خانه و بازداری از مسئولیت پذیری اجتماعی آنان، می توان از بخشی از مشکلات مرتبط با تأخیر در رشد اجتماعی پیشگیری نمود. همچنین فراهم سازی زمینه مشارکت اجتماعی هدفمند و اشتغال زایی

فرهنگی در این بخش می تواند پاسخگوی قسمتی از نیاز جوان به حرکت در مسیر زمان بندی اجتماعی باشد که در امور مرتبط با مساجد مجال برنامه ریزی دارد.

5. رشد هیجانی

روان شناسان مشهوری مانند اریکسون، 20 تا 40 سالگی را سن صمیمیت در برابر انزوا دانسته اند و تأکید دارند که صمیمیت مسئله مهم اوایل بزرگ سالی است؛ اما پژوهش درعین حال نشان می دهد تکالیف ثابتی که با سن پیوند خورده اند، روند زندگی بسیاری از بزرگ سالان را توصیف نمی کنند. بچه دار شدن و فرزندپروری که جنبه هایی از زایندهگی هستند، معمولاً در دهه 20 و 30 سالگی رخ می دهند و مشارکت در جامعه از طریق کار نیز در همین زمان جریان دارد. علاوه بر این، ترکیبات گوناگونی از زناشویی، فرزندپروری و اشتغال وجود دارند که هر یک زمان بندی و تعهد منحصر به فردی دارند. در مجموع به نظر می رسد هم صمیمیت و هم زایندهگی در اوایل بزرگ سالی پدیدار می شوند، فقط تأکید بر آن ها از فردی به فرد دیگر متفاوت است. با توجه به نیاز جوانان به صمیمیت، لازم است رابطه عاطفی تر همراه با حفظ شئون فردی، میان مسئولان مساجد با طیف جوانان در قالب های متنوعی چون مراسم مذهبی، برنامه های

ورزشی، امور فرهنگی، گفتگوهای دوطرفه و مانند آن ایجاد شده و ادبیات مشترکی برای صمیمیت آفرینی برگزیده شود.

روابط دوستی، بخشی از رشد اجتماعی جوانان را تشکیل می دهد. جوان از طریق هم نوایی های مثبت اجتماعی، به بالندگی در این زمینه نزدیک می گردد. دوستان جوان مانند همسران رمانتیک و دوستان کودکی، معمولاً از نظر سن، جنس و مرتبه اجتماعی - اقتصادی شبیه هم هستند و این عوامل به تمایلات، تجربیات و نیازهای مشترک مرتبط است و به دنبال آن به لذتی که از رابطه حاصل می شود، کمک می کنند. لذا ایجاد انس میان فعالان فرهنگی و جوانان، می تواند این نیاز را تأمین نماید. همچنین دوستان بزرگ سالی (همانند کودکی) از طریق تأیید و پذیرش، عزت نفس را تقویت می کنند و به هنگام استرس، حمایت اجتماعی را فراهم می آورند؛

این دو از جمله عواملی است که در رابطه روحانی و جوان هم قابلیت اجرایی شدن دارد. دوستان با گسترش فرصت ها و دسترسی به دانش و ارائه نقطه نظرهای گوناگون، زندگی را جالب تر می کنند. اعتماد، صمیمیت و وفاداری در دوستی بزرگ سالی نیز مانند اواسط کودکی و نوجوانی اهمیت دارند. سهیم شدن در افکار و احساسات، گاهی در روابط دوستی، بیشتر از زندگی زناشویی است؛ هرچند که احساس تعهد در آن کمتر نیرومند است. (لورا ای برگ، ص 163)

تنهایی مسئله ای است که در این سن به سراغ عده ای از جوانان می آید. این موضوع از دوزاویه منفی و مثبت قابل ارزیابی است؛ اوایل بزرگ سالی چون زمانی است که افراد انتظار دارند روابط صمیمانه برقرار کنند، دوره آسیب پذیرتری از بعد تنهایی است. تنهایی در پی از دست دادن پیوندی صمیمی، شدیدتر است (مانند تنهایی مطلقه ها و بیوه ها). افراد تنها، خود و دیگران را به صورت منفی تر ارزیابی می کنند، از لحاظ اجتماعی بی تفاوت و خشک هستند و چون اکراه دارند که اسرار خود را برای دیگران فاش کنند، به کندی رابطه صمیمانه برقرار می نمایند. تنهایی در جنبه مثبت نیز تا وقتی توان کاه نباشد، می تواند جوانان را ترغیب کند که دست به مخاطره بزنند و با دیگران تماس برقرار کنند. ضمناً تنهایی می تواند آن ها را ترغیب کند تا راه هایی برای لذت بردن از تنهایی پیدا کنند و از این فرصت برای عمیق کردن خودشناسی بهره گیرند.

رشد شخصیت سالم به مقدار زیاد به ایجاد تعادل بین برقرار کردن روابط رضایت بخش با دیگران و آفریدن مبنایی امن برای رضایت خاطر در درونمان بستگی دارد. (برم، 1992، ص 345 به نقل از ای برگ، ص 166) بر این اساس، همگام با رهنمودها و تشویق های دینی برای برون رفت از تنهایی، با برنامه هایی چون نماز جماعت، مراسم مذهبی و مانند آن، می توان به ویژگی تنهاخواهی نوجوان نیز برای مدیریت

بهبتر خویشتن توجه نموده و آن را با احترام پذیرفته و فقط نسبت به پیامدهای منفی تنها ماندن مانند وسوسه های اخلاقی و جنسی و خلوت کردن با ابزارهایی که استرس زا و مشکل آفرین هستند، تذکراتی ارائه نمود.

ج) نیازهای جوان

اشاره

هرکدام از دوره های سنی، نیازهای ویژه خود را به همراه دارد. دوره جوانی نیز از این قانون مستثنا نشده است. در این دوره، نیازهایی چون خودباوری، استقلال، سلامت روان، نیازهای عاطفی، به دست آوردن خودکفایی مالی، تشکیل خانواده و مانند آن رخ می نمایند. در ادامه برخی از این نیازها و سهم مساجد را در تأمین آن ها را بررسی می کنیم:

1. نیاز به تغییرات

یکی از خصوصیات جوانان، قدرت انتخابگری آن هاست. جوان مرتب در حال تصمیم گیری، گزینش، تغییر و تحول است. با احترام به این ویژگی، لازم است روی دوم سکه را هم ببینیم؛ جوان هایی که حسرت یک روز بی دغدغه را می کشند و تمام زندگی را سوار بر ارابه زمان بوده اند. بر این اساس، لازم است جوانان را نسبت به تغییرات مثبت و قواعد درست آن آشنا نمود تا روندی روبه تعالی همراه با دگرگونی های آنان را شاهد باشیم. برخی از قوانین تغییر مثبت و سودمند چنین است:

قانون اول: هر تغییری هزینه روانی دارد.

ساختار روانی ما تعادل یاب است. معنایش این است که با ورود هر مسئله، سؤال یا تغییر، برای مدتی سیستم روانی ما از تعادل و آرامش دور می شود و به پردازش مسائل مشغول می شود تا به نقطه صفر برسد و شفاف و گویا نتیجه پردازش را به ما خبر دهد. از وقتی که مسئله ای در ذهن ایجاد می شود و تغییری تبدیل به یک وضعیت باثبات می گردد، تا زمانی که فرد بر این مشکلات غلبه می نماید، انرژی زیادی از سیستم روانی گرفته می شود. اگر ناگهان بدهکاری زیادی ایجاد شده یا پروژه درسی با مانعی روبرو شود که در زمان بندی فرد خللی ایجاد نماید، چنین تجربه ای را به خوبی درک خواهد کرد.

قانون دوم: تغییرات، استرس زا هستند.

در دانش روان شناسی ثابت شده است که وقتی آدم ها با موقعیت های جدید و تغییرات تازه روبرو می شوند، فشار روانی زیادی به آن ها وارد می شود. میزان فشار بر اساس نوع تغییر و توانایی فرد، پیامدهای

مختلفی را به افراد تحمیل می کند.

قانون سوم: تدبیر قبل از اقدام وجود داشته باشد.

در سخنان کامل ترین انسان ها هم می خوانیم که تدبیر پیش از کار، ما را از پشیمانی پس از کار ایمن می سازد. افرادی که بدون تدبیر و برنامه ریزی و صرفاً برای زودتر رسیدن به خواسته خود، پا روی پدال گاز زمان می گذارند و با سرعت تمام به سمت تازه ای حرکت می کنند، ممکن است پس از صرف زمان و توان زیاد، دنبال دوربرگردان باشند تا به نقطه آغاز برگردند و پشیمانی ناشی از بی تدبیری را به دنبال خود بکشانند و رابطه شان با خودشان و اعتمادی که به قدرت تصمیم گیری خویش دارند، از دست بدهند. مشورت با آگاهان، پیش از تصمیم های بزرگ می تواند یکی از منابع صرفه جویی شما باشد. به تعبیر امام علی علیه السلام، ما عمر چندباره نداریم که یک بار تجربه کنیم و یک بار رفتار درست را پیشه نماییم؛ پس عاقلانه است که از تجربه دیگران بهره مند شویم تا میانبری مطمئن و ساده برای رسیدن به هدف را در اختیار بگیریم.

قانون چهارم: دلایل مخفی تغییر را شناسایی کنید.

ممکن است برای منطقی جلوه دادن خود در تغییر تازه ای که به وجود آورده ایم، ناخواسته دلایلی بیآوریم که خودمان هم آن ها را باور نداریم. این دلایل بیشتر شبیه بهانه اند تا برهان. برخی ممکن است دچار نوعی وسواس باشند یا شخصیت تنوع طلبی داشته باشند که این موضوع ریشه در گذشته های آن ها دارد. خوب است پیش از تصمیم، از سلامت فرد مطمئن شویم؛ خصوصاً زمانی که دامنه تغییرات یک جوان خیلی تند یا فراوان است. ارجاع جوان برای بهره گیری از تست های شخصیت زیر نظر متخصصان روان شناسی و مشاوره، می تواند چنین اطمینانی را ایجاد نماید. کسانی که از اضطراب، وسواس، خودشیفتگی و مانند آن رنج می برند، احتمال

تغییرات ناگهانی در آن ها بیشتر است. روحانی آگاه می تواند نسبت به ریشه تغییرات افراد که معمولاً با شکایت اطرافیان به ویژه والدین همراه است، دقت بیشتری داشته باشد.

قانون پنجم: شتاب نکنید.

در سوره عصر، از اهل ایمانی که شکیبیا هستند، تمجید شده است. لذا از جوانان می خواهیم بین تصمیم های تازه و مهم و اجرای آن به خودشان زمان بدهند تا هم به ابعاد چنین تصمیمی بهتر فکر کنند و هم اطرافیان را نسبت به این تغییر، آماده سازند.

قانون ششم: چند سؤال ساده پرسید.

زمینه تفکر در جوان به خوبی وجود دارد ولی مهارت آن ممکن است کم رنگ باشد. از این رو خوب است

زمانی که جوان با روحانی مسجد به مشورت می نشیند و از تغییرات جدی درباره رشته تحصیلی، دوستان یا اشتغال خود صحبت می کند، از او بخواهیم که با چند سؤال از خود، به زوایای تصمیم خود بهتر فکر کند:

▪ آیا من به چنین تغییری نیاز دارم؟

▪ تصمیم به تغییر چقدر ناشی از فکر و چه میزان ناشی از احساس من است؟

▪ آیا تلقین دیگران در این تصمیم مؤثر بوده است؟

▪ آیا من به همه زوایای این تصمیم فکر کرده ام؟

▪ تصمیم های قبلی من به چه سرنوشتی دچار شدند؟

▪ آیا کسی هست که بتوانم درباره تصمیم تازه ام با او مشورت کنم؟

▪ آیا به اندازه کافی از روش ها و نتایج این تصمیم خود باخبرم؟

▪ تصور کنید که یک سال از اجرای این تصمیم گذشته است. نظرتان درباره پیامدهای آن چیست؟

قانون هفتم: مسئولیت تمام تصمیم های خود را بپذیرید.

از نگاه آموزه های دینی، هر فرد بالغ باید پاسخگویی رفتار خود باشد و نمی تواند آن را به شانس و رفتار دیگران نسبت دهد. با پذیرش این قانون، خیال جوان و اطرافیان او آسوده می شود و از سرزنش های بعدی نسبت به اظهار نظر دیگران معذور خواهد بود.

قانون هشتم: بعد از تصمیم، به خدا توکل کنید و به پیش بتازید.

پس از آنکه جوان در تصمیم های مهم زندگی خود مانند ازدواج، اشتغال، ادامه تحصیل، استقلال از خانواده و مانند آن از خان مشورت، نظرسنجی و تفکر گذشت و همه فیلترهای یک تصمیم تازه و تغییر نو را با موفقیت گذراند، لازم است با تأکید اطرافیان به ویژه فعالان مساجد که طرف مشورت او بوده اند، به خدا توکل کند و با عزمی راسخ در پی تحقق اندیشه خود باشد. خوب است یادآور شویم که این یک قانون قرآنی است که به ما می آموزد: پس از تصمیم، بر او توکل کنیم و تأکید شده که خداوند چنین بندگان را دوست دارد و حمایت می کند. (آل عمران: 159)

2. نیاز به مشورت

زندگی بهتر، محصول برنامه ریزی درست در تمام جنبه هاست. دانش های گوناگونی مانند پزشکی، روان شناسی، تربیت و دیگر علوم به کمک ما می آیند تا زندگی بهتری را تجربه کنیم. برنامه دین هم در راستای زندگی بهتر به خوبی قابل مشاهده است. در دنیا نیز متخصصان گوناگون مانند رهبران دینی و

کارشناسان رشته های مختلف، درصدد ارائه طرح مناسب برای بهره وری از روزهای زندگی هستند. یکی از دلایل مراجعه به مشاور، آگاهی از فنون موفقیت و راز و رمزهای پیدا و پنهان آن است. امروزه افراد زیادی سراغ دفترهای مشاوره را می گیرند تا از توانایی های خود باخبر شوند و در راستای شکوفایی آن برنامه ریزی کنند. در روان شناسی ثابت شده است که هر فرد توانایی منحصر به فردی دارد که با شناسایی آن می تواند زندگی خود و دیگران را متحول کند. برای شناخت چنین گنج های نهانی در وجود جوان، شاهد گام های استوار او به سوی

مشاوران مذهبی، روان شناسی و دیگر تخصص ها هستیم که حاکی از تصمیم جوان برای زندگی بهتر است. بخشی از این مشورت ها با روحانی محل و مسئولان مساجد و نهادهای فرهنگی انجام می شود تا از صحت و سقم شرعی آن و درستی کار از زاویه زندگی دینی اطمینان حاصل شود. یکی از دلایل مراجعه به مشاوران مذهبی، مهارت افزایی در زمینه مطالعه، زندگی مسالمت آمیز با اطرافیان، مدیریت زمان و مانند آن است. همچنین جوانان زیادی برای پیشگیری از مشکلات سراغ مشاوران را می گیرند. عده ای هم از تعادل روحی خود فاصله گرفته اند و مشکلات فکری و روحی تازه ای پیدا کرده اند که به شناسایی و درمان آن اقدام می نمایند. در همه این موارد، مساجد می توانند نقش تعیین کننده ای داشته باشند. ایجاد اتاق های مشاوره مذهبی و نیز دعوت از مشاوران متدین برای خدمت افتخاری در این کانون های مشاوره، همراه با شناسایی مراکز مشاوره مناسب برای حل مسائل جوانان و معرفی آن مراکز به جویندگان مشاوره، می تواند بخشی از خدمات مساجد در عصر نوین را تشکیل دهد. لازم است حیطه های تخصصی افراد را هم بدانیم تا در ارجاع جوان، دقت بیشتری داشته باشیم. هر یک از این متخصصان، با تشخیص مسئله کمک می کنند تا راه حل مناسبی پیدا شود. همچنین اگر نیاز به مراجعه به فرد دیگری بود، با تعهد حرفه ای که در این افراد وجود دارد، معرفی افراد به متخصص دیگری انجام می شود.

3. نیاز به خودباوری

اشاره

خودباوری، یکی از پایه های موفقیت و کامیابی است. جوانان در بهترین دوره بهره وری از زندگی خود، با برخورداری از این ویژگی مهم، در انجام کارهای بزرگ و نیل به اهداف والا توانمند می شوند و با تکیه بر سرمایه های خدادادی خویش، شگفتی می آفرینند. یکی از قدم های اصلی و مقدمات لازم برای دستیابی به روحیه خودباوری، شناخت توانایی ها و به کارگیری آن ها است. از این رو بر جوان لازم است تا بیشترین سرمایه گذاری را

روی خویشتن یابی گذاشته و سپس انتظار بروز و ظهور آن گنج های به دست آمده را در مسیر زندگی خود داشته باشد.

امروزه با توجه به گسترش ابزارهای اطلاع رسانی و دسترسی همگان به رسانه های جمعی، گم گشتگی و سرگردانی انسان ها در انبوهی از اطلاعات خام، مسئله قابل کتمان نیست. بی هویتی، ندانم کاری و روزمرگی، به گونه ای فراگیر در ذهن و روان انسان ها رخنه کرده و معنای حقیقی زندگی را از یادشان برده است. به مقتضای غلبه این فرهنگ وارداتی، ذائقه روانی جوانان نیز تغییر یافته است. همچنین دوره ای که در آن هستیم دو ویژگی دیگر هم دارد: عصر سرعت و لذت. برخی از جوانان به سان بازی های رایانه ای، در پی رسیدن به اهداف و تمایلات خود با بالاترین سرعت هستند و در این مسیر، هرروزه جهت به دست آوردن آمادگی روانی لازم برای نابودی همه موانع در بازی هایشان تمرین می کنند.

بسیاری از مردان و زنان عصر ما، بیش از هر چیزی در اندیشه دستیابی به لذت بالاترند و برای نیل به آن هیچ حدودمرزی نمی شناسند. سرگرم شدن به این چنین لذت هایی ما را از لذت حقیقی پایدار و برتر بازداشته و حوادث گوناگون آنچه را در بیرون از خود به دنبال آن هستیم، آن چنان با سرعت پدید می آیند که فرصت تفکر و تأمل را از آدمی سلب می کنند؛ در نتیجه مجالی برای تأمل در دنیای درون و جهان بیرون باقی نمی ماند و انسان، این موجود سرگشته و درمانده، نه تنها لذت تفکر را حس نمی کند، بلکه انگیزه کافی برای اندیشیدن در باب ضروریات زندگی در خود نمی یابد. حاصل این روند، بیگانگی او با خویشتن و جهان خارج از خویش است. ولی آنچه دردآورتر، عمیق تر و دشوارتر رخ می نماید، بیگانگی با خود (عالم درون) است. چنین دشواری هایی وقتی با سن پرتلاطم جوانی همزمان می شود، سختی خویشتن یابی را چند برابر می نماید.

تعریف خودیابی

اکثر روانشناسان رشد معتقدند که جوانی باید دوره ی تجربه نقش ها باشد. در مطلوب ترین شرایط، بحران هویت باید در اوایل یا اواسط دهه ی سوم عمر حل شود تا فرد بتواند به سایر مسائل زندگی بپردازد. تا وقتی بحران هویت حل نشده باشد، فرد مفهوم یکپارچه ای از خود یا سلسله معیارهای ارزیابی ارزشمندی خویش را در زمینه های عمده ی زندگی نخواهد داشت. این پیامد ناموفق را سردرگمی هویت نامیده اند (هیلگارد، 1379، ج 1، ص 200). از جهت تعریف عملیاتی هویت می توان چنین گفت که اگر آدمی برای پرسش های زیر پاسخ های مطمئن و متقاعدکننده ای بیابد، در حقیقت هویت خویش را بازیافته است: بدانند جایگاه، منزلت و مرتبت او دقیقاً چیست و چه تعریفی دارد؟ آگاه باشد که چه پیوندها، رشته ها و ارتباط هایی او را به خود و جهان خارج از خود متعلق می سازد؟ درک کند که چه نقش ها، وظایف و مسئولیت هایی در

قبال خود و دیگران بر عهده دارد؟ شناخت واقع بینانه ای از توقعاتش نسبت به خود و دیگران به دست آورد. نسبت خود را به گذشته، حال و آینده به درستی بداند. (شرفی، 1380، ص 9)

جوان در حقیقت نوعی بحران شناختی _ عملی را تجربه می کند که او را به سوی یافتن حقایق جهان هستی و سپس عمل مناسب با آن فرامی خواند. به طور کلی می توان این مرحله را جستجو برای جهان بینی صحیح به منظور راه یابی به اهداف زندگی نامید. در تعدادی از روایات، پرداختن به این امر برای جوانان ضروری دانسته شده و گفته شده است که جوان باید در حال آموختن باشد و یا به دانش صحیح دست یافته باشد. (حکیمی، 1376، ج 1، ص 41) امام علی علیه السلام در خطبه 123 نهج البلاغه به انگیزه انسان در پیگیری و حل بحران هویت بدین صورت اشاره می کند: انسان دارای عطشی است که فقط با پیمودن راه خدا و لقای او فرومی نشیند. ایشان در جای دیگری انسان فرزانه و شایسته لطف خدا را کسی می داند که به حل سه سؤال درباره خود نائل شده باشد: 1. از کجا آمده است؟ 2. در کجاست؟ 3. به سوی چه مقصدی راه می پوید؟ این سه

شناخت در حقیقت دستیابی به نوعی معرفت درباره نفس است که لازمه اش شناخت مبدأ نفس یعنی خدای متعال، مقصد و منتهای نفس و شناخت نفس در این عالم است.

از نظر اسلام آنچه در بحران هویت اهمیت اساسی دارد، مسائل اصیل جهان بینی است که در چگونگی شکل گیری نیروهای بالقوه فرد تأثیری عمیق به جای می گذارد؛ بنابراین می توان گفت حل صحیح مسائل اساسی در جهان بینی می تواند راه را برای حل مسائل دیگر باز کند. کسی که نسبت به خدای متعال شناخت پیدا کرده و به هدف و فلسفه وجودی انسان در این جهان پی برده است، با کسی که به این معرفت دست نیافته، در رفتارها و جهت گیری ها بسیار متفاوت است. (بی ریا، 1375، ج 2، ص 997) افزایش مهارت خودآگاهی، تعیین هدف زندگی، پرورش خلاقیت، مسئولیت پذیری، تصحیح برداشت های شخصی، الگوگرایی متعادل، بازآفرینی خاطرات کودکی، تحلیل رویدادها، مثبت گرایی، پرورش توانایی های فردی و تعدیل انتظارات دیگران، به خودیابی جوان کمک شایانی می کند. (شرفی، 1380، ص 30)

در این میان، امام جماعت مسجد، با پرهیز از پیش داوری نسبت به آنچه در ظاهر جوان متجلی است و دقت در توانمندی های مثبت وی و نیز فراهم کردن فضای گفتگوی دوطرفه و مسئولیت بخشی به جوان و نیز آگاهی بخشی درباره جهان بینی درست و جایگاه او در نظام هستی، می تواند کمک سودمندی به خودیابی جوان ارائه کند. بخشی از این اطلاع رسانی ها می تواند در قالب های غیرگفتاری مانند تهیه جزوه ها و نیز تشکیل جلسات گروهی فعال از سوی جوانان باشد.

اشاره

جوانی بهار زندگی است و لازم به بهره بردن از این فصل زیبا، برخورداری از سلامت کامل در تمام ابعاد است. یکی از این جنبه های سلامت، برخورداری از سلامت روانی و فراگیری راهکارهای حفظ و رسیدن به آن است. سلامت روانی به سان سلامت جسمی و بلکه برتر از آن است و برای به دست آوردن آن باید راهبردهای

بهداشت روانی و مراقبت از روان را آموخت و به آن ها پایبند بود. روان یا روح، بخش اصلی و مانای وجود ماست. سالم بودن این بعد انسانی دارای اصول و شاخص هایی است که آگاهی از آن برای همه به ویژه جوانان ضروری است. سلامت به طور کلی مقدمه لازم برای انجام وظایف دینی و حفظ کیان اعتقادی و عزت مسلمین است. علاوه بر این، سلامت در فرهنگ اسلام به عنوان یک ارزش مطرح شده و با تعبیرات لطیفی مانند برترین نعمت ها، گواراترین نصیب ها، نعمت قدرناشناخته و از نظر دورمانده، نعمت دنیا، نعمتی که بدون آن خیری در زندگی نیست، نعمتی که آدمی از شکر آن عاجز است، حسنه دنیا، دارایی مخفی، ایمنی در دنیا، سرمایه زندگی و ده ها عنوان دیگر توصیف و اهمیت آن گوشزد شده است و بالاخره در قالب ادعیه مختلف به عنوان یک درخواست مهم از پروردگار مطرح شده و به اهل ایمان آموزش داده شده است.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای بیست و سوم صحیفه سجادیه، عافیت و سلامت کامل را از معبود خود چنین می طلبد: «خدایا بر محمد و آل او درود فرست و تندرستی (عافیت) را لباس تنم کن و سراپای مرا به تندرستی فروپوشان و با آن مرا امان بخش و گرمی بدار و بی نیاز گردان و تندرستی را به من صدقه ده و آن را مال من کن و همچون فرشی زیر پایم بگستران و آن مایه بیماری که در من است، به تندرستی بدل فرما و میان من و تندرستی در این جهان و آن جهان جدایی میفکن. خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا تندرستی بخش؛ تندرستی ای که مرا بس باشد و شفابخش و چیره بر هر بیماری و روزافزون باشد و در تن من تندرستی زاید؛ تندرستی ای در این جهان و آن جهان. بر من منت گذار و سلامت و امنیت و بی عیبی در دین و بدن و دل آگاهی و پیشرفت و استواری در کارها و دلواپسی و ترس از خود را به من عطا فرما و نیروی ده که به فرمان تو به راه طاعت روم و از آنچه مرا از آن بازداشته ای پرهیزم...». (رضایی، 1382، دعای 23)

دین و سلامت روان

اشاره

آموزه های دین با تأکید بر اصل تقدم پیشگیری بر درمان، پیشنهادهایی برای ارتقای سلامت روان افراد دارد:

ارتباط با خداوندی که منبع قدرت و آرامش است و می تواند ما را از تمامی مشکلات رهایی بخشد، اطمینانی سرشار و شگرف در روح و روانمان ایجاد می کند. در نگاه دینی، ناآرامی با برون رفت از مرز ایمان شکل می گیرد. وقتی پای خود را از مرز قوانین خداوند بیرون می گذاریم، باید انتظار هجوم امواج نگران کننده را داشته باشیم. هرچه پروردگار، ما را از آن بازداشته است، سراسر آسیب است و آوار روان را به دنبال دارد. در مقابل، بر هر چه که تأکید کرده و در قلمرو ایمان از آن یاد کرده، نتیجه ای جز اطمینان خاطر نخواهد داشت. خداوند یکی از ویژگی های مؤمنان را برخورداری از امنیت روانی می داند (انعام: 82). با این نگاه تقویت جنبه دین داری و برخورداری شدن از خویشتن داری یا همان تقوا، می تواند جنبه پیشگیرانه ای داشته باشد. برای کسانی که خود را به نافرمانی آلوده کرده اند، فن جبران وجود دارد؛ از این فن در آموزه های دینی با عنوان توبه یاد شده است.

ب) تغییر نگرش

نگاه نو، حال نو را به دنبال خواهد داشت. نگرش ما سهم زیادی در چگونگی روحیه ما دارد. در نگاه دینی تغییر نگرش یک اصل دانسته شده است. مثل تلاشی که خداوند برای عوض کردن نگاه مردم به انفاق دارد. مثلاً خداوند تأکید می کند که انفاق کردن مثل برداشتن یک سطل آب از رودخانه است که فوراً جای آن پر می شود (سبأ: 39) نه مانند برداشتن یک آجر از ساختمان که جای آن خالی بماند. باور درست و کارکردهای مناسب با آن، دو یار همراه اند. نشانه ایمان واقعی باید در رفتارهای شایسته نمود پیدا کند و رفتارهای نیک هم برگرفته از

ایمان و درجه دین داری فرد است. در علم آموزی هم می توان از این قانون استفاده کرد. ما برای چه درس می خوانیم و درس می دهیم؟ اگر فقط اهداف مالی را دنبال کنیم، سطح آرامش کمتری را خواهیم داشت ولی اگر از آن در سیر به سوی خدا بهره بگیریم، می توانیم حساب دیگری روی خودمان و توانایی هایمان بازکنیم. وقتی ما به تحصیل به عنوان یک عمل شایسته بنگریم و آن را در تکامل معنوی خود سهیم بدانیم، در واقع گام های آن را هرچند سخت باشد، با آرامش و اطمینان برمی داریم.

ج) آزمایش های خداوند

آزمایش، پلی به سوی موفقیت است. با تمام شدن هر ترم و امتحاناتش، حس خوش یک گام به پیش،

سراسر وجود ما را می نوازد. از نگاه دین، انسان پیوسته در حال آزموده شدن است. این آزمون های پی در پی، ممکن است برای عده ای بدون هوشیاری و آگاهی اتفاق بیفتد ولی واقعیت این است که عبور از مسیر زندگی بدون موفقیت در آزمون هایش ممکن نیست. وقتی شما در آزمون خشم، با خویشتن داری و گذشت عبور می کنید، تجربه تازه ای یافته اید که شما را در تکرار این توانمندی یاری می رساند و به تدریج از شما شخصیتی شکبیا و بردبار می سازد. وقتی شما آموخته های خود از زندگی را به کار می بندید یا در معرض استفاده از آن قرار می گیرید، عملاً چنین آزمونی را برای خود ایجاد کرده اید. یکی از راه های دستیابی به سلامت و حفظ آن، داشتن مهارت در کوچک کردن سختی هاست که در آموزه های دینی به آن توجه شده است. روان شناسان سفارش می کنند: وقتی برای مسئله ای نگران می شوی، از خود پرس این مسئله چقدر ارزش نگران شدن دارد.

(د) حمایت های معنوی

ایمان عمیق به خداوندی که تمام هستی را با خواست خود مدیریت می کند، احساسی سرشار از افتخار در وجود ما می نهد و از اعماق دل مانند مولای پارسایان ندا برمی آوری که من بر این بندگی مفتخرم. خداوند سرشار توانایی و حمایتگری است. با توجه به این توانمندی پروردگار، می توان تحولی شگرف را رقم زد. در

روایات ما بسیار تأکید شده که انسان هایی که به قدرت خداوند توکل و اعتماد می کنند، قوی ترین انسان ها هستند. وقتی شما دلگرم حمایت خدایی می شوید که می تواند هر کاری را انجام دهد، در واقع توانسته اید خود را به شکلی صحیح وارد عرصه قوی ترین ها نمایید. معنای درست توکل این است که ما در مقام بندگی، تلاش و کوشش خود را به کارگیریم و غایت امور را به دست خداوند بینیم. این روحیه مایه توانمندی روانی و استقامت و امید است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «هر کس بر خدا توکل کند، سختی ها بر وی آسان شود و اسباب برای او فراهم گردند و در جایگاه راحت و وسعت و کرامت جای می گیرد». (غررالحکم، 1366، ج 2، ص 706)

در میان روان شناسان نیز سخن از اعتماد به نفس معنوی است. آن ها این موضوع را چنین تبیین می کنند: «اعتماد به نفس معنوی یعنی باور فرد به کائنات و ایمان به نتیجه مثبت زندگی. این نوع اعتماد به نفس، مهم ترین نوع اعتماد است». (دی آنجلس، 1379، ص 40) همچنین انسان دین باور و متکی به خداوند، دیگر از احساس تنهایی رنج نمی برد و در تمام بحران های زندگی، چیزی به نام بن بست نمی شناسد. او موظف است تمام تلاش خود را برای زندگی بهتر انجام دهد و به دست آوردن نتایج را بر عهده خدایی

حکیم بگذارد که بر قدرت او تکیه زده است. احساس تنهایی، احساس رنج آوری است که روان انسان را می آزارد و جان او را می فرساید. روح بی نهایت جوی انسان را، مادیات و انسان های خاک نشین نمی توانند پاسخ گو باشند، ولی دین با طرح مسئله خدا، پاسخ گوی تنهایی و دغدغه های وجودی انسان است. تنها خداست که می تواند تشنگی روح آدمی را که از بی تفاهمی ها و جدایی ها نالان است، سیراب سازد و غم و اندوه تنهایی را بزدايد.

هـ) مرور تجربه ها

پیش از این مسائل زیادی سر راه شما بوده که حل شده اند و شما توانسته اید با پرسش از موانع، به نقطه پایان برسید. هنر بهره مندی از تجربه های خویش، می تواند در موفقیت های کنونی و آینده شما نقش داشته باشد. شما در هر کاری می توانید با کمی تأمل، از اندوخته های قبلی خود استفاده کنید. همین که برای چندمین بار در آزمون

شرکت می کنید، خود یک تجربه ارزشمند است. پس تجربه های مثبت پیشین را به یاد آورید. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هیچ خیری نیست در بنده ای که از گرفتاری خود شکایت می کند و حال آنکه در گذشته هزاران نعمت داشته و هزاران راحتی در آینده به او خواهد رسید». (پسندیده، 1384؛ به نقل از مصباح الشریعه، ص 183) امروزه در روان شناسی مثبت گرا نیز از فن «نعمت شماری» به عنوان یک فن درمانی بهره می گیرند و از افراد می خواهند در طول یک هفته، هر آنچه را از موهبت های خداوند دریافت داشته اند، بنویسند و به حساب آورند.

و) امیدواری

امید، معجونی جان بخش است. انسان با امید زنده است. امید را باید همواره در دل به عنوان نیروی حرکت آفرین و زداینده نگرانی ها نگه داشت که امید مایه رحمت است. زمانی که شما با تحمل سختی هایی چون امتحانات تحصیلی به کسب مدارج علمی بالاتر بیندیشید، می تواند رنج رسیدن به گنج را تحمل پذیر و شیرین کنید. ما از آینده اطلاعی نداریم ولی می دانیم که نتیجه زندگی درست و سالم، برخورداری از نتایج خوب و مطلوب است. امام صادق (ع) در این باره می فرمایند: «ناامید نباش که ناامیدی کفر است. شاید خداوند تو را به زودی بی نیاز کند». (همان به نقل از کشف الغمه، ج 2، ص 162) امام علی علیه السلام در ابیاتی نغز، چنین سروده اند: «آنگاه که قلب ها را ناامیدی احاطه کرد و غم ها سینه ها را تنگ کرد و آنگاه که ناراحتی ها خانه کردند و ریشه دوانیدند و سختی ها در مراکز خود استوار گردیدند و آنگاه که برای برطرف

کردن ناملایمات، راهی نیست و شخص عاقل نمی تواند از نقشه های خود سود ببرد، با تمام ناامیدی ها، بر اثر لطفی که خدای فریادرس به بندگانش ارزانی می دارد، پیروزی فرامی رسد...» (زمانی، 1362، ص 61)

ز) شادی واقعی

شاد بودن، یک هدیه از سوی خداوند است. اوست که نشاط را در دل آدمیان می نهد و آن ها را می خنداند. در یک برنامه ریزی منطقی برای زندگی، تفریح سالم، ورزش، سیر و سیاحت و گفتگوهای فرح بخش با افراد

نیک سیرت، خواب به اندازه و به موقع، شوخی های کنترل شده و به دوراز دیگر آزاری یا گناه و مانند این ها جای خاصی دارد و در حقیقت این ها به انسان کمک می کند که بتواند با نشاط و شادابی وظایف خود را در زندگی به انجام برساند و در برابر تهاجم عوامل ناخوشایند و استرس ها مقاومت موفق و آسانی داشته باشد. مؤمن به پیروی از پیشوایان دین، گشاده رو و متبسم است و در چهره او هاله ای از شادمانی دیده می شود، حتی اگر در دل او اندوه فراوانی باشد. شوخ طبعی کنترل شده، مؤدبانه و دور از گناه از ویژگی های مؤمن است. شوخ طبعی، شکننده حالت کبر و غرور است و انسان را از حالت خشکی و خیلی جدی بودن به حالتی که انسان قادر به تخلیه فشارهای روحی و بیرون ریختن آثار درونی خودخوری (تنش درون ریز) باشد سوق می دهد و این بسیار به نفع انسانی است که با استرس روبروست. گریه کنترل شده هم در جای خود داروی آرام بخشی است که برای مقابله با استرس ها کارساز است.

5. نیاز به مدیریت غریزه جنسی

اشاره

همزمان با بلوغ جسمی، یکی از غرایز خاموش انسانی شروع به فعالیت کرده و مطالبات خود را بروز می دهد. این بیداری جنسی که در جوانی به فشار جنسی تبدیل می شود و قدرت فزاینده ای می گیرد، گاهی مشکلاتی را پدید می آورد که حل آن ها زمان و هزینه روانی و معنوی زیادی را می طلبد. رویکرد دین در مسائل روانی، رویکردی پیشگیرانه است و تلاش می کند تا با وضع قوانینی از وقوع مشکل جلوگیری کند؛ اما اگر شخصی به دلایل گوناگون در بحران افتاد، نگاه دین، امیدبخشی و ارتقای بیش به او برای حل مشکل است. درباره مشکلات جنسی جوانان نیز این رویکرد مشاهده می شود؛ یعنی دین اسلام چند سال قبل از بلوغ با وضع قوانین ارتباطی برای کودکی که «ممیز» شده، اندک اندک او را از افتادن در دام مشکلات جنسی دور ساخته و با تمرین ارتباط درست به وی، او را آماده حریم سازی ارتباطی در سنین تکلیف می نماید. روان شناسان عواملی چون کمبود محبت، تربیت نادرست، تظاهر جنسی والدین، محیط

هم‌سالان، ضعف اخلاقی خانوادگی، وجود وسایل و کتاب‌های تحریک‌کننده و برخی از عوامل دیگر را از دلایل عمده انحراف جنسی نوجوانان و جوانان برمی‌شمارند که اصلاح رفتار جنسی، به حذف این عوامل منفی وابسته است. (احمدی، 1378، ص 47)

خودارضایی

اشاره

انحرافات جنسی شکل‌های گوناگونی دارد که شایع‌ترین آن، وجود عادت ناپسند خودارضایی است. در این راستا علاوه بر سوق دادن جوان به مطالعه کتاب‌های سودمند در این زمینه (1)

می‌توان گام‌های زیر را برای ترک این مشکل پیشنهاد کرد:

یاری خواستن از خدا

غریزه جنسی هدیه‌ای الهی است که علاوه بر برخورداری انسان از لذت بهره‌مندی آن به شکل درست و حلال، موجب تداوم نسل انسان می‌شود. به جوان پیشنهاد می‌شود که در ترک این رفتار نجوایی این‌گونه با خداوند داشته باشد: «خدایا این غریزه هدیه توبه من است. خودت مرا در مهار این غریزه و استفاده درست از آن یاری کن». این پیوند معنوی، جدال عقل و شهوت را به نفع عقل تمام کرده و جوان را برخوردار از نیرویی سرشار جهت مقابله با وسوسه‌های جنسی می‌کند. در همین راستا لازم است جوان را از ارزش عفت ورزی و پاداش‌های معنوی این مقاومت‌ها آگاه نمود.

تغییر باورها

تغییر افکار، مقدمه تغییر رفتار است. در مدیریت جنسی نیز برخی از پندارهای نادرست، سبب بروز انحراف جنسی و رفتاری مثل خودارضایی می‌شود. از این رو، تلاش می‌کنیم تا با ارائه راهکار متناسب، زمینه‌چینی تغییراتی را فراهم کنیم. برخی از باورهای نادرست و راهکارهای مواجهه با آن در پی می‌آیند:

الف) برخی از جوانان می‌پندارند که این کار ضروری برای جسم و روح آن‌ها ندارد که لازم است آسیب‌ها به شکلی علمی و مستند بازگو شود.

ب) برخی دیگر گمان می‌کنند که تخلیه جنسی کاری لازم است و ترک آن موجب فشارهای جسمی و روانی می‌شود. در حالیکه وجود هورمون جنسی در بدن نه تنها ضروری ندارد، بلکه سبب رشد و استحکام

1- . مانند کتاب آرامش طوفانی، سید مصطفی دیانت، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

عضلانی و استخوانی بدن شده و مقدار زائد آن به صورت خودکار همانند شیر اطمینان آبگرمکن در خواب از انسان دفع می شود.

ج) عده ای دیگر فکر می کنند که به جای کارهای جنسی متفاوت تر، از خودارضایی استفاده می کنند و با این کار بد از وقوع کار بدتر مانند زنا، تجاوز و... جلوگیری به عمل می آید. برای این گروه زشتی نافرمانی به هر شکلی که باشد در مقابل آفریدگار توضیح داده شده و کوچک انگاری گناه و عواقب ناشی از آن بازگو می شود. درعین حال آموزه هایی که این گناه را کبیره دانسته و زنا دست معرفی کرده اند، بیان می شود.

د) برخی به خود تلقین کرده اند که ترک این کار ممکن نیست و آن ها قدرت ترک را ندارند. در مقابله با این باور غیر منطقی می توان از او پرسید: آیا حاضری این عمل خودارضایی را در جمع و در حضور دیگران انجام دهی؟ معمولاً افراد پاسخ منفی به این سؤال می دهند؛ چنین پاسخی نشانگر آن است که اختیار انجام عمل به دست خود فرد است و در موقعیت هایی می تواند از انجام چنین کاری سر باز زند. این عده از جوانان باید بپذیرند که ترک هر عادت و رفتاری ممکن است و انسان از قدرت تغییر بسیار بالایی برخوردار است. شرط لازم این کار خواستن است.

حذف همه محرک ها

امروزه دسترسی به محرک های جنسی بسیار راحت شده است. کنترل همه موارد هم ممکن نیست ولی می توان با آموزش خودکنترلی و مدیریت خویشتن به جوان شیوه مقابله با محرک هایی که مقدمه این کار هستند

را آموخت. لازم است جوان همه مواردی که سبب تحریک جنسی او می شوند را از زندگی خود حذف کند. پاره ای از این محرک ها عبارت اند از دسترسی به فیلترشکن های اینترنتی، دسترسی به فیلم های مستهجن، خواندن کتاب های جنسی، نشستن و ارتباط با افراد مبتلا رفتن به رختخواب پیش از غلبه خواب، دیر برخاستن از رختخواب به هنگام بیداری، زیاد ماندن در حمام، تنها ماندن در اتاق در بسته، بی برنامه رها کردن خود، استفاده زیاد از غذاهای محرک مانند شیرینی ها، تنقلات، پیاز، ادویه، سرخ کردنی ها، تحرک نداشتن و عدم فعالیت در زمینه های ورزشی و پوشیدن لباس های تنگ.

تبدیل انرژی

از نظر علمی، توان جنسی یک انرژی قابل تبدیل است. می توان به جوان توصیه کرد که این قدرت خود را تبدیل به یک انرژی حرکتی نماید. لازم است نوجوان با تنظیم فعالیت های ورزشی ممکن مانند

پیاده روی، ورزش های گروهی مثل فوتبال، والیبال، بسکتبال و ... و نیز فراگیری مهارت های رزمی، شکل تازه ای از انرژی را در خود پدید آورد که سلامت جسمی، روانی و معنوی وی را به دنبال خواهد داشت. این برنامه می تواند با گام های کوچک آغاز شده و تا مراحل حرفه ای ادامه یابد.

قانون جریمه

برای ترک کامل خود ارضایی می توان به جوان پیشنهاد جریمه داد؛ یعنی جوان با خود و خدای خود عهد کند که هرگاه مرتکب این عمل شد، روز بعد از آن را روزه بگیرد یا مقدار زیادی از پس انداز خود را صدقه بدهد یا خود را موظف به انجام کار دشوار دیگری نماید مثلاً از برخی از غذاها محروم کند و تا مدتی از برنامه های مورد علاقه دست بکشد. بهتر است این جریمه ها برای مقدمات این کار وضع شوند تا پیشگیری به عمل آید مثلاً هر وقت که جوان به سراغ یک سایت مستهجن رفت، هرچند که این کار باعث خودارضایی او در آن زمان نشود، خودش را جریمه مادی یا معنوی بنماید. همچنین از نگهداری سی دی های مبتذل، رمان های جنسی،

ذخیره تصاویر برهنه، ارتباط با جنس مخالف و ... خودداری کرده و برای توانمند شدن در این گام به ازای هرکدام از تخلفات، محرومیتی را متقبل شود.

توسعه لذت های حلال

یکی از علت های اقدام به رفتارهای نامناسب جنسی، کشاننده های لذت هستند؛ یعنی فرد به خاطر رسیدن به لذت جسمی، حاضر به زیر پا گذاشتن باورها خود شده و پس از آن نیز دچار اضطراب ناشی از سردرگمی میان لذت و معصیت می گردد. از این رو، به جوان پیشنهاد می کنیم که میل به لذت را در خود با توسعه لذت های صحیح دیگر تأمین نماید. به عنوان مثال، وقتی برنامه روزانه یک جوان به گونه ای تنظیم شود که در آن لذت هایی مانند خوردن، خوابیدن، بودن با دوستان، درس خواندن در یک محیط آرام، تفریحات مناسب، تماشای تلویزیون، کار همراه با مزد، ورزش های مورد علاقه، بازی کنترل شده رایانه ای، لذت خرید و مانند آن وجود داشته باشد، می توان امیدوار بود که گرایش به لذت های نامناسب به تدریج کاهش یابد.

پرهیز از ارتباط با جنس مخالف

یکی از تمایلات دوران جوانی، تمایل به ارتباط گرفتن با جنس مخالف است. جوان به مقتضای تغییرات

فیزیکی و روانی جدیدش، به شدت نیاز به جنس مخالف را در خود احساس می کند تا در سایه این ارتباط به آرامش برسد. از این رو مسئله دوستی با جنس مخالف، مشکلی است که بسیاری از جوانان و خانواده های آنان را دچار مشکلاتی کرده است. تنها شکل صحیح این ارتباط در آموزه های اسلامی، ازدواج است که جوان تا رسیدن به این مرحله فاصله دارد. از این رو، ضمن پذیرش این نیاز طبیعی جوان، باید او را در مهار و مدیریت این احساس یاری نمود. این وضعیت در پسران و دختران شکل های متفاوتی دارد. هدف دختران از این گونه ارتباطات، تأمین نیازهای روانی و هدف عمده پسران از ارتباط با جنس مخالف، تأمین نیازهای جنسی و بدنی و نیاز اثبات توانمندی در مسیر برقراری این ارتباط است. یکی از شیوه های برطرف کردن این مشکل، دادن

آگاهی های لازم از آسیب های فراروی این گونه ارتباطات به دو گروه جنسیتی است. رهبران معنوی جامعه می توانند با ترویج مسائل اخلاقی، آموزش های پیشگیرانه نسبت به عادت های جنسی ناروا، هشدارهای اخلاقی درباره استفاده نادرست از فناوری های روز و پیامدهای ماهواره و هجمه های فرهنگی دشمن، جوانان را به سوی معنویات فراخوانده و از آلودگی های اخلاقی بازدارند.

6. نیاز به اشتغال

اشتغال برای جوان، یک موضوع مهم شمرده می شود. امروزه با تغییرات فرهنگی ایجادشده، در دو جنس پسر و دختر این نیاز جدی دیده می شود. نظریه پردازان معتقدند که جوانان چند مرحله رشد شغلی را طی می کنند:

" دوره خیالی (اوایل و اواسط کودکی)

" دوره دودلی (اوایل و اواسط نوجوانی)

" دوره واقع گرایی (اواخر نوجوانی و اوایل بزرگ سالی): در اوایل 20 سالگی، واقعیات منطقی و اقتصادی بزرگ سالی مطرح می شوند و جوانان محدود کردن انتخاب های خود را آغاز می کنند. در آغاز خیلی از آن ها از طریق کاوش بیشتر این کار را انجام می دهند و در مورد امکاناتی که با ویژگی های شخصی آن ها آمیختگی دارد، اطلاعات بیشتری گردآوری می کنند. بعداً وارد آخرین مرحله یعنی تبلور می شوند که طی آن روی طبقه شغلی کلی تمرکز می کنند. در این مرحله، قبل از اینکه روی شغل واحدی مستقر شوند، برای مدتی دست به آزمایش می زنند. (ای برک، 1386، ص 139) به عقیده روان شناسان، عوامل تأثیرگذار بر انتخاب شغل را در چند موضوع می توان مشاهده کرد:

شخصیت: افراد جذب مشاغلی می شوند که شخصیت آن ها را تکمیل کنند. جان هول اند (1966)،

1985) شش تیپ شخصیت را شناسایی کرده است که بر انتخاب شغل تأثیر می گذارد:

شخص جستجوگر: که از کار کردن روی افکار و عقاید لذت می برد. شغل علمی نظیر انسان شناسی، فیزیکدان یا مهندس را برمیگزیند.

فرد اجتماعی: که تعامل با مردم را دوست دارد و به سمت خدمات انسانی نظیر مشاوره، مددکاری اجتماعی و یا تدریس گرایش دارد.

شخص واقع گرا: که مسائل دنیای واقعی را ترجیح می دهد و با اشیا کار می کند و شغل فنی مانند ساختمان سازی، لوله کشی یا تحقیق را برمیگزیند.

آدم هنردوست: که عاطفی است و نیاز زیادی به بیان فردی دارد و به سمت رشته هنری مانند نویسندگی، موسیقی و هنرهای تجسمی گرایش می یابد.

آدم سنت گرا: که مشاغل سازمان یافته را دوست دارد و برای اموال و مقام اجتماعی ارزش قائل است؛ صفاتی که با برخی مشاغل مانند حسابداری، بانکداری و کنترل کیفیت متناسب هستند.

آدم باشهامت: که ماجراجو و ترغیب کننده و رهبری قدرتمند است و به سوی مشاغل فروشنده و سرپرستی و سیاست کشیده می شود.

الف) خانواده: آرزوهای شغلی جوانان با مشاغل والدینشان همبستگی نیرومندی دارد. افرادی که در خانواده های مرفه بزرگ می شوند، به احتمال بیشتری مشاغل عالی رتبه نظیر دکتر، وکیل، دانشمند و مهندس را انتخاب می کنند. در مقابل افرادی که خانواده ای کم درآمد داشته اند، مشاغل پایین مرتبه و کارگری مانند لوله کشی، کارگری ساختمانی و منشیگری را برمیگزینند. شباهت والد-فرزند، تا اندازه ای حاصل دستاورد تحصیلی است. بهترین پیش بینی مقام شغلی، تعداد سال های تحصیلات است. شباهت خانوادگی در انتخاب شغل به دلایل دیگری نیز وجود دارد.

والدین مرفه به احتمال بیشتری اطلاعات مهمی را درباره دنیای کار در اختیار فرزندشان قرار می دهند و با افرادی ارتباط دارند که می توانند به فرزندان آن ها کمک کنند تا شغل عالی رتبه ای به دست آورند. شیوه های فرزندپروری نیز ارزش های مربوط به شغل را تشکیل می دهند: والدین مرفه، استقلال و کنجکاوی را ترغیب می کنند که برای خیلی از مشاغل عالی رتبه ضروری هستند. در مقابل، والدین کم درآمد به احتمال زیاد روی اطاعت و موافقت تأکید می کنند. فرزندان این گونه والدین در محیط کار از دستورات دیگران تبعیت می کنند.

ب) معلمان: در یک تحقیق از دانشجویان سال اول سؤال شد چه کسانی بیشترین تأثیر را بر انتخاب رشته تحصیلی آن ها داشته اند؟ افرادی که آنان غالباً نام می بردند (39 درصد نمونه) معلمان دبیرستان بودند.

ج) کلیشه سازی های جنسیت: در سال های اخیر (20 سال اخیر) ترجیحات شغلی مردان جوان از لحاظ جنسیت به صورت کلیشه ای باقی مانده است، در حالی که زنان جوان به طور روزافزون به مشاغلی علاقه نشان داده اند که عمدتاً در اختیار مردان است. (همان، ص 142)

کارکرد روان شناختی و رشدی اشتغال برای جوان، اهمیت دارد و او را با خود واقعی اش و میزان توانمندی حقیقی آشنا ساخته و زمینه تحولات اجتماعی بعدی را رقم می زند. زندگی شغلی بستر مناسبی برای رشد در اوایل بزرگ سالی است. جوانان بعد از انتخاب شغل باید یاد بگیرند چگونه تکالیف آن را به خوبی انجام دهند، با همکاران کنار بیایند، به درخواست های کارفرمایان پاسخ دهند و تمایلات خود را حفظ کنند. در صورتی که تجربیات کاری خوب پیش برود، بزرگ سالان شایستگی های تازه ای را پرورش می دهند، احساس موفقیت می کنند، دوستان جدیدی می یابند و از لحاظ مالی مستقل و ایمن می شوند. (همان منبع، ص 191) تشویق جوانان به اشتغال زایی، فراهم سازی زمینه فعالیت های مفید شغلی از سوی نهادهای مذهبی، آموزش مهارت های شغلی متناسب مانند مهارت های فرهنگی به جوانان و سوق دادن آن ها به استفاده بهینه از زمان در اختیار، می تواند بخشی از سهم مساجد درباره اشتغال نسل جوان باشد.

7. نیازهای معنوی

اشاره

جوان، مسافری است که مسیری طولانی و سرنوشت ساز را تا ابدیت در پیش دارد. او در یک دوراهی سعادت و تیره بختی قرار گرفته است. از یک سوی جاذبه های دنیای پرفریب و گناه او را به خود می خواند و از دیگر سوی سرشت خداجویش او را تا بی نهایت پاکی و عشق دعوت می نماید. جوان با توانمندی بالای جسمی و فکری و نیز آمادگی و انگیزه وصف نشدنی برای ساختن آینده ای روشن، نیازمند توشه ای گران بهاست تا به سر منزل مقصود بار یابد و این توشه همان معنویتی است که از انس با خداوند و انجام دستورات او حاصل می شود. قرآن نیز به این سفر اشاره دارد و به انسان چنین می گوید: «یاایها الانسان آنک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه؛ ای انسان حقا که توبه سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد». (انشقاق/6) در اسلام معنویت عبارت است از درک ارتباط با وجودی متعالی که به کمک عمل به برنامه ای ویژه در مدت زندگی بر کره زمین حاصل شده و روزه روز شدت یافته و از او وجودی خاص می سازد که در عالم هستی مطلوبیت ذاتی داشته و با یاد همیشگی خدا تجلی می یابد. (نور/36 و 37) اولین گام در مسیر معنویت، پیدا کردن شناخت های صحیح و مطابق با حقیقت است؛ شناخت هایی که آدمی را به سوی مبدأ هستی سوق دهند. دومین مرحله معنویت در اسلام، انجام اعمال ویژه ای است

ص: 55

که در برنامه گنجانده شده است. این برنامه را خداوند تنظیم کرده و به فراخور آخرین تحولات انسان و به عبارت دیگر، آخرین غوطه ور شدن انسان در عالم ماده فرو فرستاده است. در برنامه ریزی دینی اسلام، انسان باید با برنامه هماهنگ شود و هر دخل و تصرفی خروج از برنامه و در زمره خودخواهی و مخالفت با خالق است. میان خودپرستی که حاصل دوران مدرن و پست مدرن است، با بت پرستی تفاوتی نیست؛ بنابراین آنچه در پست مدرن به عنوان تمرکز بر نظریات شخصی مطرح شده، با این رویکرد چیزی غیر از معنویت خام و بدلی نیست. (نارویی، 1384، ص 264)

آثار معنویت در زندگی جوان

برخوردار شدن از احترام، قابل اعتماد بودن، مصونیت از آسیب های اجتماعی، بهبود روابط اجتماعی، اصلاح گری در جامعه و گروه همسالان را می توان از دستاوردهای اجتماعی معنویت در جوان شمرد. تجربه و اعتقاد دینی و معنوی و نتایج آن بر رفتار بشری یکی از بزرگ ترین اسرار پیش روی روان شناسی است. با اینکه در گذشته چیزهای زیادی در این باره به رشته تحریر درآمده، هنوز راهی طولانی برای یافتن پاسخ هایی به این پرسش ها در پیش است. بر اساس تحقیقات، به نظر می رسد نمی توان دین و معنویت را چنان کم اهمیت دانست که صرفاً تلاش برای مقابله با ترس از مرگ است یا تجلی نیاز به یافتن والدین و بدیل های خیالی برای خدا یا خدایان، یا گریز روان پریشانه از واقعیات زندگی یا نشانه مرحله اول روان پریشی واقعی. درصد عظیمی از مردم حتی در جهان غرب معتقد به نوعی بعد معنوی اند و درصد قابل توجهی از آنان عملاً تجربه هایی را گزارش کرده اند که آن ها را تجربه های دینی و معنوی می دانند. گستره این عقاید در غرب رو به فزونی است. پژوهشی در ایالات متحده (مرکز پژوهش دینی پرینستون، 1996) آشکار کرد که 96 درصد از کسانی که نمونه گیری شدند، به خدا یا نیروی برتر معتقدند؛ 90 درصد از آنان به بهشت اعتقاد دارند؛ 79 درصد به معجزات معتقدند و 73 درصد اعتقاد به شکلی از جهنم دارند؛ 90 درصد عبادت می کنند، 43 درصد در آخرین روز هفته در کلیسا حضور می یابند. حوزه های دیگر اعتقاد و رفتار بشری به ندرت حاکی از اجماع نظر است. (فونتانا، 1385، ص 378) آرامش، امنیت روانی، رهایی از رنج تنهایی، معنایابی زندگی، تکامل شخصیت و هدفمندی در سایه انجام دستورات معنوی از دستاوردهای روان شناختی معنویت در زندگی جوان است. پویایی، توان مقابله با مشکلات، انگیزه پیشرفت، شکوفایی فکری، افزایش سطح تحمل، پیشرفت تحصیلی، تمرکز و رهایی از پراکندگی فکری، مدیریت موفق غرایز، برخورداری از سلامت جسمی و روانی، اندیشه کار و تلاش بیشتر، موفقیت در همه ابعاد زندگی، آینده نگری و تدبیر را از دستاوردهای معنویت در حوزه فردی جوان به شمار می آید.

جوان و ارتباط با خدا

یکی از معانی هوشمندی، استفاده از موقعیت ها و سازگار شدن با شرایط است. جوانی و فرصت های معنوی موجود در روزهای سال، موقعیت هایی هستند که در آموزه های دینی به شکار آن ها ترغیب شده ایم. روزهایی که می توانند حس و حال بهتری را برای ارتباط با خدا در ما پدیدآورند. شب به دلیل برخورداری بیشتر از آرامش و نبود دغدغه های مادی و استرس های کاری، زمان بهتری برای بهره وری معنوی است؛ از این رو در روایات زیادی به مسئله شب زنده داری سفارش شده است. همچنین در آموزه های دینی نسبت به بهره وری از جوانی و شرایط خاص آن جهت نزدیکی به خداوند، تشویق های ویژه ای در نظر گرفته شده است.

پاک زیستن در جوانی

جوانی، دوره ای سرشار از نیازها و خواهش هاست. جوان مانند مشتری یک نمایشگاه بزرگ است که در آن غرفه های متعددی رخ می نمایند. در این میان، انتخاب غرفه ای خاص برای رسیدن به نیازهای خود، کاری دشوار و نیازمند آگاهی و تصمیم است. زمانی که جوان از دل همه خواهش ها بیرون آمده و چون جوانه ای در دل سنگ های ستبر سر می کشد، شهره شهر آسمان شده و مدال افتخار از سوی آفریدگار به گردن می آویزد. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله که خود در جوانی فاتح این مدال زرین بودند، چنین خبر دادند: «خداوند متعال به وجود جوان عبادت پیشه بر فرشتگان می نازد و می فرماید: بنگرید این بنده مرا! به خاطر من از شهوت و خواسته خویش دست کشیده است». (ری شهری، 1377، ج 5، ح 9264)

مسابقه نیکی ها

پیامبران، برگزیدگان خدا هستند. انسان های برجسته ای که زندگی خود را به معرفی دین خدا و اجرای آن در میان جامعه سپری کردند. فداکارانی که با تحمل مشکلات فراوان، تلاش کردند تا از بدبختی همنوعان خود جلوگیری نمایند. اکنون که با تشریف فرمایی آخرین پیامبر خدا راه برگزیده شدن بسته شده، می توان امیدوار بود که با پیش

گرفتن روش هایی خود را به آن انسان های نمونه نزدیک کرد. یکی از این روش ها که در آموزه های اسلامی پیشنهاد شده، جدی گرفتن مسائل معنوی و ارتقای ارتباط با خداوند در قالب عبادت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله در این زمینه می فرماید: «برتری جوان عابدی که در جوانی خود ره بندگی پیش گرفته بر پیری که در بزرگ سالی به عبادت روی آورده، همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردمان است». (همان، ح 9265)

ما در ارتباط با خداوند اگر توانستیم از عهده همه موانع برآییم و بندگی و کسب رضایت او را مقدم بدانیم، با مهر تأیید خداوند روبرو می شویم که در این حدیث آمده است: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: «محبوب ترین خلائق نزد خداوند عزّ و جلّ جوان نورسته خوش سیمایی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و در راه طاعت او بگذارد. خداوند رحمان به وجود چنین جوانی بر فرشتگانش می نازد و می فرماید: این است بنده راستین من». (همان، ح 9268) همچنین در صحیفه ادریس آمده است: «خوشا آنان که از روی عشق مرا پرستیدند و مرا معبود و پروردگار خود گرفتند، به خاطر من شب ها نخوابیدند و روزها کوشیدند و این نه از روی ترسی بود و نه از بهر امیدی، نه از هراس دوزخی بود و نه به طمع بهشتی، بلکه به سبب محبت راستین و اراده بی شائبه و بریدن از همه چیز و دل بستن به من بود». (همان، ج 2، ص 430)

منابع عشق

جان گری، یکی از روان شناسان بنام دنیا در کتاب موفقیت و خوشبختی می نویسد: ما ده مخزن عشق داریم که با تهی شدن هر کدام، احساس کمبود و نگرانی وجود ما را فرامی گیرد و با داشتن همه آن ها احساس خوشبختی و موفقیت می کنیم. عشقی که از سوی خداوند دریافت می کنیم به همراه رابطه ای که با او به شکل عبادت داریم، از مهم ترین مخازنی هستند که پر بودن آن ها می تواند احساسات مثبتی را در ما ایجاد کند. (جان گری، 1389، ص 64) در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «در تورات نوشته شده است: ای پسر آدم!

برای عبادت من زمان قرار ده تا دلت را از بی نیازی آکنده سازم و تو را به خواسته ات واگذارم؛ و بر من است که در نیازمندی را به روی تو ببندم و دلت را از ترس خود لبریز سازم. اگر خود را وقف عبادت من نسازی، دلت را از گرفتاری به دنیا پرکنم، سپس در نیاز را به رؤیت ببندم و تو را به خواسته ات واگذارم». (ری شهری، 1377، ج 7، ح 11756)

مساجد به عنوان یکی از محکم ترین و ناب ترین مکان های تأمین معنویت صحیح و اسلامی، در این زمینه نقش سازنده ای بر عهده دارند. در صورتی که ارتباط جوان با مسجد به خوبی شکل بگیرد و مسجد بتواند پاسخگوی نیازهای شناختی و معنوی او باشد، گرایش به عرفان های کاذب به حداقل رسیده و جوانان با بهره مندی از آموزه های ناب و زندگی آفرین اسلام به سعادت و خوشبختی واقعی خواهند رسید.

اشاره

تجرب و ویژگی فردی است که با یک همسر صمیمی زندگی نمی کند. تجرب در سال های اخیر، مخصوصاً در بین جوانان افزایش یافته است، چون مردان دیرتر از زنان ازدواج می کنند، تعداد بیشتری از آن ها در اوایل بزرگ سالی مجرد هستند.

انواع تجرب

الف) افرادی که آن را حساب شده و عمدتاً انتخاب می کنند. از بین امتیازات گوناگون تجرب، آزمون شوندگان به آزادی و امکان تحرک، بیش از همه اشاره کرده اند.

ب) افرادی که خود را به علت شرایط خارج از کنترلشان، مجرد می دانند: بزرگ سالانی که می خواهند ازدواج کنند اما تصمیماتی می گیرند که آن ها را به جهت متفاوتی سوق می دهد (مثل اشتغال حرفه ای یا ادامه تحصیل)

افراد مجرد به دردهای تجرب نیز اشاره می کنند که تنهایی، روزه های یکنواخت، زندگی جنسی و اجتماعی محدود، احساس ایمنی کم و احساس منزوی بودن از دنیای زوج های متأهل، از جمله آن هستند. (چاستین، 1994). مردان مجرد بیشتر از زنان مجرد مشکلات سلامت جسمانی و روانی دارند، زیرا زنان مجرد معمولاً با سبک زندگی خود کنار می آیند و خوش می گذرانند. حمایت اجتماعی بیشتر که از طریق روابط صمیمانه هم جنس برای زنان فراهم است، تا اندازه ای در این امر دخالت دارد. از این گذشته، مردانی که ازدواج نکرده اند، به احتمال بیشتری پیشینه های خانوادگی مشکل آفرین و ویژگی های شخصی دارند که هم در تجرب و هم در مشکلات سازگاری آن ها دخالت دارند. (بانک و دیرل، 1989) خیلی از افراد مجرد، در اواخر 20 تا 30 سالگی، زمانی که تعداد بیشتری از دوستانشان ازدواج کرده اند، دوره استرس زایی را طی می کنند. (ای برک، 1386، ص 183)

جوان و ازدواج

از نگاه دین و روان شناسی، ازدواج بخشی از تحول جوان را رقم می زند و به هویت بخشی او کمک فراوانی می کند. تصمیم به ازدواج، نیازمند داشتن آمادگی های اولیه است که به دنبال آن اقدام های بعدی صورت می گیرد. کارشناسان معتقدند که ازدواج موفق قابل پیش بینی است و می توان با لحاظ قوانینی آن را به خوبی مدیریت کرد.

الف) دست یابی به عشق: عشق، کیمیایی است کمیاب که هم به دست آوردن آن دشوار است و هم حراست از آن. عقد، وسیله ای است برای حراست از یک عشق پاک و ماندگار که دیگران را شاهد قول و قرار دو عاشق می کند. با اجرای دستور خداوند، دل های عاشق و پرتپش دو جوان، آرامشی عمیق و ضمانتی دوچندان می یابد که در قرآن کریم از آن به مودت نام برده شده است. (روم: 21) دو جوان، از اینکه بدون هیچ گناهی می توانند

جنس مخالف خود را داشته باشند و از صمیم قلب او را دوست داشته باشند، بسیار خرسندند. با ازدواج است که دو جوان درمی یابند که عشق فقط عشق پاک که مهر تأیید خداوند را به همراه داشته باشد و تمام سرگرمی های غیر آن، همه سم مهلک جان و ایمان جوان اند. احساسی که از آرامش روان و شکوفایی در همسران پدید می آید، برترین نشانه خوشبختی آنان است. (افروز، 1380، ص 27)

ب) جهش معنوی: یکی از ویژگی های دوران عقد، احساسات معنوی بالایی است که از سر سپاس به خداوند ایجاد می شود. یک چنین احساسی، شاید روزهای اول نوجوانی هم درک می شد و اینک پس از سال ها دوباره تکرار شده است. وقتی دو زوج جوان درمی یابند که از این پس با هم بودنشان نیز می تواند یک عبادت باشد و می یابند که دوست داشتن آن ها به لطف و نگاه خداوند گره خورده است و نیز می دانند که از این پس، بیشتر ایمانشان را به بیمه خداوند درآورده اند و نمازها و دیگر عبادت هایشان، بهره ای چندبرابری دارد، حسی عالی به سراغ آن ها می آید. به ویژه زمانی که هر دو با نام و یاد خدا به یاد همدیگر می افتند و از اینکه خداوند خانم و آقای مؤمن را نصیب هم کرده که از غم رها شوند، این احساس خوش معنوی بیشتر رخ می نمایاند. روزهای عقد می تواند نشانه ای از همان نفعه های الهی باشد که در سفارش رسول خدا صلی الله علیه و اله آمده است. حضرت در جمله ای والا- می فرمایند: «أَطْلُبُوا الْخَيْرَ دَهْرَكُمْ كُلَّهُ وَ تَعَرَّضُوا لِإِنْفَحَاتِ اللَّهِ، فَإِنَّ لِلَّهِ نَفْحَاتٍ مِنْ رَحْمَتِهِ يَصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ: در سراسر عمر خود جویای خیر و خوبی باشید و خویشتن را در معرض نسیم های خداوندی قرار دهید؛ زیرا نسیم رحمت خدا گهگاه می وزد و به هر یک از بندگان که او خواهد، می رسد». (ری شهری، 1377، ح 7212 به نقل از کنز العمال، ح 21325) اینک چنین نسیمی در روح و جان دو جوان دمیده شده و آن ها را مهیای بندگی بیشتر نموده است. نمونه ای از دیگر روایات را درباره ارزش دهی معنوی ازدواج بر انسان برمی شماریم:

پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ الْعِبَادَةِ؛ هر که ازدواج کند، نصف عبادت به او داده شده است». (ری شهری، همان، ح 8006) و فرمودند: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النُّصْفِ الْبَاقِي؛ کسی که

ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ نموده است و برای نیمه دوم باید تقوای خدا در پیش گیرد». (همان، ح 8007)

ج) فرصتی برای تحول: زمانی که در دوران عقد، دو جوان پُرانگیزه با نقطه ضعف های خود یا طرف مقابل روبرو می شوند، می توانند از کیمیای عشق سرازیر در این دوره، برای تبدیل مس به طلا استفاده کنند و هم تغییر را در خود رقم زنند و هم به دوست و همراه جدیدشان یاری دهند که عادت های نامناسب مثل تنبلی، ولخرجی، بی نظمی، بدقولی، سیگار، رفیق بازی، وابستگی به دیگران، زودرنجی و مانند آن را درمان کنند. سفر به سوی کمال و شکوفایی، به تنهایی ناممکن یا دست کم بسیار دشوار است. فراز و فرودهای بهشتی شدن آن قدر زیاد است که نیاز به هم سفر را حتمی می کند. اینک برای دو نفری که با هم پیمان دائمی بسته اند، فرصتی ایجاد شده تا خود را به شکوفایی نزدیک کنند. این شکوفایی در رشد شخصیتی آن ها، رشد مهارت ارتباط با دیگران، تصمیم گیری و حل مسئله، خویشتن داری و دیگر نمونه، نمایانگر خواهد شد. در روایتی از رسول امین صلی الله علیه و اله می خوانیم: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بِرَوْحِهِ: هر که دوست دارد که پاک و پاکیزه خدا را دیدار کند، با داشتن همسر به دیدارش رود». (همان، ح 7994)

د) برون رفت از تنهایی: اصل زوجیت در هستی، پرشکوه ترین نشانه توحید، (یس/36) حکمت و آیت بقا و کمال خلقت و مایه اندیشه بشر است. (افروز، 1385، ص 5) تنهایی، مایه بسیاری از ناگواری هاست. دختر و پسری که سال ها به دنبال همدم و مونس بودن که بتوانند بسیاری از ناگفته ها را برای او بازگو کنند و شانه هایش را برای تکیه زدن برگزینند، اینک به چنین موهبتی دست یافته اند و از غار تاریک تنهایی خویش، به سوی سرزمینی روشن و سرسبز در حرکت اند. ازدواج موفق، می تواند سهم عمده ای از سلامت روان را برعهده بگیرد. همسرانی که در شرایط سنی مناسب در کنار یکدیگر قرار می گیرند و پاسخگوی نیازهای روانی و جسمی یکدیگر می شوند، به یکدیگر آرامش و سلامت را هدیه می دهند.

ه) ایجاد فضای هیجانی جدید: هیجان ناشی از متأهل شدن، برای دو جوان که تا دیروز به نگاه یک فرد تنها و کم اعتبار به آن ها توجه می شده و نیز کارهای زیادی که با خواندن عقد، خداوند بر دوش آن دو گذاشته، در نوع خود جالب توجه است. نمونه کوچک تر آن زمانی است که پسر یا دختر دبیرستانی وارد جامعه ای بزرگ تر با مسئولیتی بیشتر مانند دانشگاه می شود. در این فضای علمی جدید، هم عناوین اعتباری بیشتری نصیب دانشجو می شود و هم کارهای زیادی است که باید انجام دهد. این اهداف جدید خود نیروزا و انرژی بخش هستند و روان جوان را از خمودی و بی حالی به سمت حرکت و تکاپو سوق می دهند. برون رفت از تکرار و بی حالی نیز بر هیجان این دوره می افزاید.

و) دستیابی به اعتبار خانوادگی و اجتماعی: مجردی، به معنای ناتمامی است. فردی که هنوز تشکیل خانواده نداده است، از نظر فردی و اجتماعی از هویت کافی برخوردار نیست. بخشی از پیکره شخصیتی

هر فرد را، همسرش تشکیل می دهد و با مجرد چنین مسئله ای محقق نمی گردد. آقا داماد و عروس خانم، واژه های تازه ای هستند که دو جوان از خانواده و دوستان خود می شنوند. این عنوان و اعتبار نو، یعنی یک تغییر و پذیرش نقش تازه. این دو، دیگر از امواج تصمیم و انتخاب گذشته اند و اینک به ساحل آرامش دست یافته اند و این آرامش با جملاتی آسمانی دوچندان شده است. روزهای ازدواج، روزهای رهایی از وابستگی و تمرین استقلال است. روزهایی که احساس واقعی بزرگ شدن و توانستن در همسران بروز می کند و این حرکتی نوین به سوی زندگی شیرین است.

رشد اخلاقی: با ازدواج موفق، بخشی از پیکره اخلاقی همسران تکمیل شده و از نظر اخلاقی، بستر مناسب تری برای رشد معنوی و تعالی پدید می آید. محرومیت های جنسی تا حدی می تواند دردسز آفرین باشد. به ویژه در روزگاری که از هر سو، بمب های جنسی در جان جوانان کار گذاشته می شود و زمینه های تحریک و گناه فراوان شده، جستجو برای پناهگاهی امن که در آن آسوده خیال از

ز) این بمباران دمی بیسایند، جستجویی معنوی و اخلاقی است. دو جوان اینک به یکدیگر پناهنده شده و از همدیگر کام دلشان را می جویند و می خواهند که به کسی جز همدیگر پناه نبرند.

پیش بینی های ازدواج موفق

از نظر قوانین مشاوره ازدواج که برگرفته از آموزه های دینی و تحقیقات و تجربه های روان شناختی است، می توان یک ازدواج موفق را پیش بینی کرد. (با بهره گیری از عباسی، 1390؛ افروز؛ 1389) برخی از شاخص های این موفقیت عبارت اند از:

پایداری هیجانی همسران: چنانچه هرکدام از همسران از ثبات عاطفی و احساسی خوبی برخوردار باشند، می توانند در آینده نیز، این ثبات را به کارگیرند و علاقه اولیه ای که سبب انتخابشان شده، باقی می ماند.

سبک زندگی کارآمد: کسانی که پیش از ازدواج از زندگی موفق و روبه رشدی برخوردار شده اند، احتمال موفقیتشان در زندگی مشترک هم وجود دارد. به عنوان مثال، جوان 25 ساله ای که اکنون از نظر تحصیلی، اشتغال، میزان استقلال فکری، رفاقت ها و نیز مسائل دینی خود به رشد متناسب با این سن دست یافته است، آمادگی تکمیل این رشد را با ازدواج و به اشتراک گذاشتن آن با همسر خود را دارد.

جهت گیری مذهبی: ملاک دین دار بودن که در روایات بسیار به آن توجه شده است، یکی از پیش بین های ازدواج موفق است. فرد دین دار، علاوه بر آنکه هویت مشخصی دارد، دوره ای از تعهد و

مسئولیت پذیری را نسبت به دستورات خداوند تجربه کرده و اینکه می تواند با روحیه محکم تری، مسئولیت تازه ای را بپذیرد که دین برای او مقررات مشخصی وضع کرده است.

هماهنگی خانواده همسران: چنانچه خانواده دو طرف از تراز و همسانی مناسبی برخوردار باشند، احتمال موفقیت دو نفر در زندگی مشترک بسیار است. تناسب خانواده ها از نظر مالی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی، تحصیلی و مانند آن می تواند مهم باشد.

ارتباط عاقلانه و منصفانه: اگر ارتباط همسران جوان بر پایه عقلانیت و انصاف پی ریزی شده باشد و انتخابشان از روی هوس یا افراط های عاطفی نباشد، احتمال موفقیت در زندگی آینده بیشتر است. کسانی که سرمایه های عاطفی خود را پیش از ازدواج به حراج گذاشته باشند و توانمندی مدیریت عواطف خود را در رویارویی با جنس مخالف از کف داده باشند، اکنون در ایجاد یک ارتباط معقول دچار مشکل می باشند.

محبت، رفتاری است که دو ریشه اندیشه و احساس را در خود دارد. رفتارهای محبت آمیز زمانی شکل می گیرند که همسران دید مثبت و خوبی نسبت به یکدیگر داشته باشند و این نگاه مثبت، احساس خوشایندی را در آن ها رقم زده باشد. زمانی که این دو پایه شکل گرفت، نوبت به تمرین مهرورزی می رسد. نمی توان به ناگاه قهرمان محبت شد؛ بلکه به مرور زمان و متناسب با روحیات هرکدام این مهارت شکل می گیرد.

نوع نیاز هرکدام از همسران و شیوه های محبت نیز متفاوت است. مثلاً مردان دوست دارند با تقدیر از آن ها، قبول داشتنشان، توجه به توانمندی ها و نیز قابل اعتماد بودن، مورد مهر خانم باشند. خانم ها هم دوست دارند با اختصاص زمان از سوی شوهر، گوش دادن فعال، حمایتگری، احترام و توجه به روحیات آن ها، رفتارهای محبت آمیز شوهرشان را نمره گذاری کنند. توجه و آگاهی از این نیازها با مطالعه کتاب های سودمند، مشاوره و نیز گزارش احساسات خود پس از دریافت محبت از همسر، می تواند زمینه یک عشق پایدار را رقم زند.

نکته مهم اینجاست که ممکن است همسران دچار افراط یا تفریط شوند. برخی ممکن است آن قدر سطح محبت را در دوره عقد بالا بگیرند که سطح توقع بالایی را در همسر خود ایجاد کنند که قابلیت تداوم را نداشته باشد. عده ای هم ممکن است با بی خیالی و بی تفاوتی خود یا به بهانه های واهی مانند ناسازگاری اقتدار با محبت یا برای فرار از وابستگی عاطفی، نسبت به این مسئله غفلت کنند. هرکدام از دوگانه افراط و تفریط، آسیب زاست و رابطه ای پایدار خواهد بود که از اعتدال برخوردار باشد؛ یعنی همسران سطحی از عشق و علاقه را طراحی کنند که در همه شرایط توان اجرای آن را داشته باشند. صمیمیت در طول زمان

شکل می‌گیرد و با مدیریت بهینه به سرمایه‌ای برای رویارویی با مشکلات زندگی تبدیل می‌شود. دوران عقد فرصت مناسبی برای ایجاد رفتارهای عاطفی است. زمانی که خانم به استقبال و بدرقه آقا اهتمام می‌ورزد و آقا نیز با شاخه‌گلی محبت خود را اعلام می‌دارد، می‌توانند از لحظه‌های ناب و فراموش‌نشده‌ی زندگی باشند.

توافق در بیشتر دیدگاه‌های زندگی: ملاک دیگری که اهمیت خاصی دارد، توافق دو طرف در 80٪ امور مهم زندگی و تفاهم در 20٪ امور مهم باقی‌مانده است. اگر چنین توافقی وجود داشته باشد، زندگی مستحکمی شکل می‌گیرد. زمانی که دو شخصیت شکل گرفته در کنار هم قرار می‌گیرند، بدیهی است که هرکدام از افکار، سلیقه‌ها و رفتارهای ویژه خود برخوردارند. تصور کنید دو کارشناس قرار است در یک کار مهم با همدیگر مشارکت داشته باشند و هر دو به دنبال موفقیت و رشد مناسب در آن فعالیت هستند. در این همکاری هرکدام دیدگاه‌های خودشان را برای بهینه‌سازی طرح دارند و با جلسات مشورتی، این دیدگاه‌ها را به هم نزدیک می‌کنند. در زندگی مشترک نیز چنین حکایتی وجود دارد. دختر و پسر جوانی که دوره‌های گوناگون رشد و تحول را گذرانده‌اند و شخصیت آن‌ها با شرایط متفاوت تحصیلی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است، اکنون در پیوندی مقدس با یکدیگر، اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند. درباره نحوه مدیریت زندگی، پیشرفت‌هایی که مایل‌اند اتفاق بیفتد، سطح روابط با دیگران، روش‌های تربیت فرزند، تعیین اولویت‌های زندگی آینده و مانند آن نیازمند نوعی همگرایی هستند. هدف از شناخت در این دوره هم باید تطبیق و تفاهم باشد و با شناخت مرحله قبلی که برای انتخاب بود و در آن میزان موفقیت لحاظ می‌شد، متفاوت است. (امینی، 1380، ص 225) ممکن است هرکدام روش‌های خاصی را برای رسیدن به اهداف خود در نظر بگیرند و این تفاوت روش‌ها مشکل‌ساز باشد. به همین جهت لازم است در گام‌هایی خود را هماهنگ ساخته و به سوی تعالی و تکامل حرکت کنند.

با توجه به تأکید که اسلام برای پاک‌زیستی جوانان دارد و نیز نظر به فشارهای جنسی و اخلاقی که از در نفوذ فرهنگی دشمن با هجمه به فضائل اخلاقی و کار گذاشتن بمب‌های جنسی در میان جوانان رو به افزایش

است، لازم است فعالان فرهنگی جامعه به ویژه متصدیان امور دینی، با توجه به خانواده‌ها نسبت به ازدواج آسان، آموزش جوانان برای زندگی موفق، ترغیب به ازدواج آگاهانه و بهنگام و نیز ترویج سبک زندگی اسلامی، به کمک جامعه جوان شتافته و از آسیب‌های فراروی آن‌ها جلوگیری نمایند.

نتیجه‌گیری

دوره جوانی، ویژگی‌ها و نیازهای خود را به همراه دارد و برای عبور موفق از آن، لازم است آگاهی لازم

به جوانان و همراهان آنان داده شود. هر قدر نگرش جوان نسبت به دوره سنی خود بهتر باشد، جامعیت او نیز نیکوتر رقم می خورد و نیازهایش را پاسخی درخور خواهد داد. در واقع، دوره جوانی محصول عبور موفق از دوره های قبلی است که با استقلال عمل جوان همراه بوده و درگاه ورود به موفقیت های بزرگ آینده است. دین اسلام و دانش روان شناسی، اطلاعات مورد نیاز این دوره سنی را ارائه نموده و گروه هدف خود را به مدیریت موفق خویشتن دعوت کرده است. متولیان فرهنگ دینی و به ویژه روحانیان فعال در عرصه مساجد، می توانند نقش مهمی در عبور موفق جوان از مشکلات فرارو و نیز تدارک صحیح نیازهای روانی و شناختی داشته باشند.

فهرست منابع

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه، صبحی صالح، چاپ بیروت، لبنان، بی تا.
3. صحیفه سجادیه، ترجمه محمد مهدی رضایی، چاپ 5، قم، نشر جمال، 1382.
4. دیوان امام علی علیه السلام، ترجمه مصطفی زمانی، قم، پیام اسلام، 1362.
5. احمدی، سید احمد، روان شناسی نوجوانان و جوانان، چاپ 8، تهران، نشر نخستین، 1378.
6. اخوی، ابراهیم، مجموعه مقالات فصلنامه اشارات، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، قم، سال های 92 تا 94.
1. افروز، غلامعلی، روان شناسی خانواده: همسران برتر، تهران، انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان، چ 3، 1380.
2. _، مبانی روان شناختی رابطه زن و شوهر از منظر پیامبر اعظم حضرت محمد (ص)، چاپ 2، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1385.
3. ، روان شناسی ازدواج و شکوه همسری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1389.
4. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، چاپ 4، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1380.
5. ای. برک، لورا، روان شناسی رشد، جلد 2 (از نوجوانی تا پایان زندگی)، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ 9، تهران، ارسباران، 1386.
6. آل اتکینسون، ریتا، و دیگران، زمینه روانشناسی هیلگارد، جلد 1، چاپ 14، انتشارات رشد، 1379.
7. بهرامی، غلامرضا، جوان، چاپ 2، قم، دلیل ما، 1385.

8. بی ریا، محمدناصر و همکاران، روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران، سمت، جلد2، 1375.
 9. پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، چاپ 3، قم، دارالحدیث، 1384.
 10. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، 1366.
 11. دی آنجلس، باربارا، اعتمادبه نفس: دستیابی به آن و زندگی با آن؛ ترجمه شهرزاد لولاچی، نشر اوحدی، تهران: 1379.
 12. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، چاپ 2، تهران، سروش، 1380.
 13. عباسی، مهدی، نبض ازدواج را بگیرد، قم، انتشارات مرکز مشاوره مؤسسه امام خمینی (ره)، 1390.
 1. فوتانا، دیوید، روان شناسی، دین و معنویت، مترجم الف. ساوار، قم، نشر ادیان، 1385.
 2. گری، جان، موفقیت و خوشبختی، ترجمه معصومه فلاحتی، قم، دارالفکر، 1389.
 3. لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد: نوجوانی، جوانی و بزرگ سالی، جلد 2، تهران، سمت، 1387.
 4. محمد، محمدرضا، و علی حکیمی، ترجمه الحیاه، ترجمه: احمد آرام، جلد1، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ، 1376.
 5. محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه جوان، ترجمه مهدی مهریزی، چاپ دوم، قم، دارالحدیث، 1384
 6. _____، میزان الحکمه (نرم افزار)، قم، دارالحدیث، 1377.
- نارویی نصرت، رحیم، «دین و معنویت، نگاهی دینی و روان شناختی»، مبانی نظری مقیاس های دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1384.

دکتر حکیمه السادات شریف زاده(1)

چکیده

شکل‌گیری هویت فرآیندی است که در تمام طول زندگی ادامه دارد؛ اما به سبب زاینده‌گی، خلاقیت و نیاز به استقلال در دوره نوجوانی و جوانی، تکوین هویت در این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دوره اساسی‌ترین تحولات زندگی انسان از طریق شکوفایی اصیل‌ترین نیازها به وقوع می‌پیوندد. از میان همه این نیازها، نیاز به برخورداری از یک هویت مستقل، بیشترین تأثیر را در سرنوشت افراد دارد. یکی از این نهادهای مهم در شکل‌دهی به هویت جوانان، مسجد است که البته از ریشه دین و مذهب برمی‌خیزد. هدف اصلی از تحقیق حاضر بررسی نقش مسجد در هویت‌بخشی به جوان و در حل بحران هویت آن، است. روش این پژوهش، اسنادی است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی به تشریح و تبیین نقش مساجد در هویت‌بخشی یا حل بحران هویت جوانان پرداخته است. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، استفاده از فیش‌های مطالعاتی بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که مسجد می‌تواند با افزایش آگاهی اجتماعی و فرهنگی، هویت جمعی، مشارکت اجتماعی و حس برابری و برادری، باعث هویت‌بخشی گردد. همچنین نتایج حکایت از این دارند که سه رکن امام‌جماعت، پایگاه‌های بسیج مساجد و کانون‌های فرهنگی هنری در مساجد از جمله ارکانی هستند که می‌توانند بیشترین تأثیر را بر جوانان در شکل‌گیری هویت و حل بحران هویت آن‌ها بگذارند. امام‌جماعت از سه طریق شناساندن فرد به خود او، ترسیم هدف و راه رسیدن به آن و چرایی باطل بودن جریان‌های معارض و ناهم‌سو با اسلام می‌تواند به جوانان در حل بحران هویت کمک کند.

کلیدواژه‌ها: مسجد، دین، هویت، بحران هویت، جوان.

ص: 67

در شاخه های متعدد علوم انسانی، هویت و مؤلفه های تشکیل دهنده و فرآیند پدیداری آن، همواره بستر بسیاری از پژوهش های علمی بوده است، چراکه به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران شکل گیری معیوب و ی_ا هر آسیبی در چرخه های مربوطه، موجب فراهم آمدن خلاصه ای اجتماعی-فرهنگی، روانی، دینی و ملی جوانان آن جامعه می گردد و به تبع آن هویت های انسجام نیافته پرورش می یابند.

واقعیت این است که سازمان ها و نهادهای مذهبی و غیر مذهبی، هسته اصلی شکل دهی هویت فردی، گروهی و اجتماعی را تشکیل می دهند. جوانان و به طور کلی، هر شهروندی در یک اجتماع سازمانی زندگی می کند، چه مذهبی و چه غیر مذهبی (ضرغام حاجبی، 1388، ص 65). به اعتقاد صاحب نظران، از جمله اریک اریکسون (1)،

هویت، وحدتی است که بین سه سیستم، زیستی، اجتماعی و روانی به وجود می آید و بدین وسیله نوجوانان می دانند، کیست اند؟ چه می خواهند؟ به چه جامعه و فرهنگی تعلق دارند؟ بر گذشته و آینده شان آگاه اند و اهداف آینده شان را به خوبی می شناسند، در صورتی که چنین وحدتی حاصل نشود، نوجوان دچار پشیمانی می گردد و به اختلالات رفتاری و روانی گوناگونی گرفتار می آید. (شفیع آبادی، 1383).

مفهوم هویت که «اریکسون» در این دوره مطرح می کند دو چهره دارد: از یک سو به احساساتی رجوع می کند که یک فرد در مقابل خویشتن دارد یعنی خود سنجی، از سوی دیگر بر روابط ط_ب_ین هویت شخصی و توصیف هایی که دیگران یعنی افرادی که برای فرد واجد ارزش اند، از او به عمل می آورند، تکیه می کند: این توصیف ها مربوط به رفتارهایی هستند که جامعه آن ها را برای یک رفتار مناسب اساسی می دانند و در اطراف م_جموعه هایی که نقش های اجتماعی نامیده می شوند، سازمان یافته اند. (منصور و دادستان، 1383).

اریکسون بر این اعتقاد است که اگر هویت شخصی جوان بر اساس تجربیات صحیح اجتماعی و به تدریج در طی زمان حاصل شود و نوجوان قادر به شناخت خویش شود و آن را از دیگران ج_داس_ازد، تعادل روانی او حاصل می شود؛ اما اگر سرخوردگی و بی اعتمادی ج_ایگزین_اع_تمادش_ود و به جای اجتماعی بودن و فعالیت، گوشه گیر و انزواطلب شود و به جای تحرک به رکود گرایش داشته باشد، نه تنها به خودآگاهی و هویت مثبت دست پیدا نمی کند، بلکه دچار ن_وعی_اب_هام و سردرگمی نقش خود می شود و تعادل و هماهنگی روانی اش به م_می_خورد. در نتیجه به بحران هویت دچار می شود. یکپارچگی، وحدت

ص: 68

یافتگی یا برعکس آشفتگی و عدم انسجام، موجبات فردی و اجتماعی را فراهم خواهد کرد. (شولتس، 1393).

دین به عنوان عاملی اجتماعی در شکل‌گیری هویت در طول دوره جوانی تأثیر قابل توجهی دارد. اریکسون هشت مرحله برای رشد مطرح می‌کند و در تمام این مراحل نقش مذهب را نیز یادآور می‌شود. به اعتقاد وی، در گستره تحول تاریخی بشر، مذهب مهم‌ترین عامل پاسخگویی به نیازی اساسی، یعنی امنیت خاطر وی بوده است؛ بنابراین، در جوامعی که جهان بینی (ایدئولوژی) مذهبی ثابت و عمیقی، تغذیه‌کننده احساس امنیت درونی افراد است، همگان گرایش پایداری به زندگی و امید به آینده دارند و برای رشد دادن سایر جنبه‌های شخصیت خود و حل دیگر تعارضات می‌کوشند؛ اما در جوامعی

که اعضای آن‌ها احساس امنیت خویش را از طریق مذهب کسب نمی‌کنند، به اجبار در جست‌وجوی منبعی دیگر برمی‌آیند و چون منابع دیگر سطحی و غیر عمقی هستند، نه تنها در این راستا اغنا نمی‌شوند، بلکه به موجودی پوچ و خالی از غنا تبدیل می‌شوند. اریکسون مذهب را در تحول موفقیت‌آمیز شخصیت مؤثر می‌داند؛ زیرا شیوه‌های سالمی که در ارتباط با هر مرحله از زندگی از فرهنگ‌ها نشأت می‌گیرند، تحت تأثیر مذاهب شکل می‌گیرند. به اعتقاد وی آئین‌های مذهبی این تحول را تسهیل می‌کنند (نجفی، 1384، ص 40).

یکی از این نهادهای مهم در شکل‌دهی به هویت جوانان مسجد است که البته از ریشه دین و مذهب برمی‌خیزد. در آثار قرآنی و روایی به موارد مهمی در این زمینه پرداخته شده است. مسجد محل تولد هویت اسلامی و شیوه‌های زندگی دینی است که سرچشمه آن وحی و خداوند متعال است. مسجد با آنکه دارای فراز و نشیب‌های فراوان گشته است، باید وظیفه مهم و کلیدی خود را ایفا کند.

در این مقاله رابطه مسجد، جوانان و هویت آن‌ها را بررسی می‌شود؛ بنابراین موضوع از جوان آغاز می‌گردد که در جریان رشد انسان در مرحله مهمی قرار دارد. بعد از آن، به هویت یابی در سنین جوانی و بحرانی که در این زمینه بروز می‌کند، اشاره می‌شود. در نهایت نقش و تأثیر مسجد را هم در هویت بخشی به جوان و هم در حل بحران هویت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) بیان مسئله

اگرچه مطالعه و کندوکاو پیرامون هویت یعنی پاسخ به پرسش من کیستم؟ سابقه‌ای دیرینه داشته و در آثار اندیشمندان گذشته مشهود است اما این موضوع در ابعاد اجتماعی آن یکی از اساسی‌ترین مباحث

عصر مدرن و فرا مدرن است. به همین سبب بسیاری از صاحب نظران معتقدند هویت به عنوان یک پدیده سیاسی و اجتماعی محصول عصر جدید و به عنوان یک مفهوم علمی از ساخته های تازه علوم اجتماعی است که در نیمه دوم قرن کنونی به جای مفهوم خلق و خوی فردی و جمعی رواج یافته است. البته علیرغم اینکه پرسش از ذات و ماهیت انسان و نیز نسبت او با دیگران گوهر اصلی اندیشه انسان در طول حیات روانی، فکری و تمدنی او بوده اما این مسئله واحد در زمان های مختلف با نگرش های متفاوتی تبیین شده و دچار تغییر و تحولات زیادی شده است. در جوامع سنتی عقیده عامه مردم مبنی بر این مسئله بود که جهان و نظام حاکم بر آن به صورت یکپارچه و منسجم توصیف می شد. انسانی که در این جهان زندگی می کرد، با شرایط اجتماعی و طبیعی بیشتر سازگار بود. از نظر او طبیعت چیزی بود غیرقابل تغییر و حاوی شرایط روزمره و تبلور قدرت خداوند و هویت او نیز به طور عمده با نقش اجتماعی اش یکسان بود (هودشتیان، 1381).

جهان امروز شاهد بروز و ظهور گسترده تنوع خواهی در میان مردم است و این تنوع و تکثر موردنظر مردم نیز، بیشتر در عرصه سبک زندگی، رفتارهای اجتماعی و مسائل فرهنگی خود را نشان می دهد. به تبع آن، مسئله هویت نیز خود جای تأمل دارد. نوجوان و جوانی که با این مسائل اساسی روبرو هستند می دانند که به زودی باید مسئولیت زندگی خویش را شخـصاً بر عهده گیرند و از خود می پرسند: باید چگونه زندگی کنیم؟ چه حرفه ای را باید انتخاب کنیم؟ در ارتباط با جنس مخالف و زندگی خانوادگی آتی خود چه خواهیم کرد؟ با کدام باورها و ارزش ها باید زندگی کنیم؟

باتوجه به تحولات عمیق و همه جانبه در دوران نوجوانی و جوانی طرح مقوله هویت بسیار ضروری به نظر می رسد؛ زیرا هویت در اشکال گوناگون (قومی، ملی، محلی، جهانی و مذهبی) خود موجب حضور و مشارکت نوجوان و جوان در فضاهای جمعی و روابط اجتماعی گوناگون می شود؛ به او کمک می کند تا تصویری روشن تر از خویش ترسیم کند و نسبت به حوادث و تحولات جامعه خود ژرف تر بیندیشد، به تاریخ، مردم و محیط اجتماعی خود بیشتر احساس تعلق کند و در نهایت باعث می شود بداند کیست چه نسبتی با جهان اطراف خود دارد و چه رفتاری از او انتظار می رود (الطائی، 1378).

با توجه به مطالب فوق، حال اگر نهادهای مذهبی جامعه مثل مسجد دارای انسجام و یکپارچگی باشد افراد در زمان جامعه پذیری و فرهنگ پذیری برای سؤال های اساسی خود پاسخ های مشخصی از نهادهای مذهبی جامعه مثل مسجد، دریافت می دارند؛ اما اگر نهادهای مذهبی جامعه مثل مسجد دارای انسجام و هماهنگی نباشد، افراد، به خصوص در سن جامعه پذیری دچار حالت سرگردانی و ابهام در انتخاب

ارزش ها و هنجارها می شوند که قرار است پاسخگوی نیازهای آنان باشد. در چنین وضعیت فرد دچار بحران در هویت فرهنگی خود است، یعنی شناخت وی از خود دچار آشفتگی و عدم انسجام است.

بنابراین در این تحقیق سعی شده که به نقش مساجد در جامعه اسلامی ایران پرداخته شود و تأثیر آن را بر هویت بخشی و مقابله با بحران هویت جوانان جامعه ایران مشخص کند.

سؤالات تحقیق عبارت اند از:

1- ویژگی های دوران جوانی در مراحل رشد چیست؟

2- هویت و بحران هویت به چه معنا است؟

3- چه عواملی بر شکل گیری هویت و بحران هویت جوانان تأثیر دارند؟

4- نقش مسجد در شکل دهی به هویت جوانان چیست؟

5- نقش مسجد در حل بحران هویت جوانان چیست؟

(ب) روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، اسنادی است. پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد؛ مانند آرشیوها یا آمار رسمی است. در این روش منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارک منثور و منظومی است که از دوره های گذشته به جای مانده و جدیداً از اسلاید، فیلم و سایر فناوری های ضبط وقایع تاریخی نیز در پژوهش اسنادی استفاده می شود. اسنادی که در پژوهش اسنادی مورد استفاده قرار می گیرند عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی است که توسط نویسندگان و پژوهش گران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم گردیده اند (ساروخانی، 1383). پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی به تشریح و تبیین نقش مساجد در هویت بخشی یا حل بحران هویت جوانان پرداخته است. در این روش محقق از نظر منطقی جزئیات مربوط به مسئله تحقیقی خود را در قالب پاسخگویی به سؤالات تحقیق و نتیجه گیری بیان نموده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت روش اسنادی و با استفاده از فیش های مطالعاتی بوده که بخشی از متن مربوط به موضوع در آن ثبت شده است.

(ج) یافته ها

اشاره

با توجه به سؤالات تحقیق، داده هایی جمع آوری شد که در این قسمت به هرکدام از سؤالات پاسخ داده می شود.

1- تعریف جوانی

جوان، در لغت به معنای «برنا، تازه، نو و چیزی است که از عمر آن چندان نگذشته باشد» (دهخدا، 1382) آمده است. فراهم آوردن زمینه حضور شاداب جوانان در مساجد می تواند تأثیری بسزا در بهبود روند برنامه های مساجد ایجاد نماید، چراکه جوان احساس می کند در وجود او، نیروهای متراکمی وجود دارد و توانایی های جسمی، فکری و عقلی وی می تواند راهگشا باشد. در مقابل اگر او احساس کند که نمی تواند از این همه توانایی بهره برداری کند، احساس بیهودگی بر او غلبه می کند. بر این اساس اسلام سفارش می کند، فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقید به فرایض در بزرگ سالی بر آنان دشوار نگردد (حر عاملی، 1409 ق، ج 7، ص 167).

دوره جوانی دوره «قوت» است که در بین دو دوره ضعف و ناتوانی نوجوانی و پیری قرار گرفته است. این دوران بحرانی ترین مرحله زندگی فرد است و بیشترین و عمیق ترین تغییر و تحولات در این دوره اتفاق می افتد. تأثیر این تغییرات بسیار زیاد و طولانی مدت است. اهمیت این دوران به این علت است که می توان گفت چارچوب و اساس شخصیت و هویت فرد در این دوران بنا گذاشته می شود. جوان تلاش می کند از خانواده خود مستقل باشد و تحت امر و فرمان والدین قرار نگیرد. او سعی دارد آزادانه برای خود الگو و نگرش جدیدی انتخاب کند. این تحولات در همه جنبه های فردی از جمله جسمی، شناختی - اخلاقی،

اجتماعی، عاطفی، روانی و غیره ایجاد می شود. جوان در این برهه نسبت به دوران کودکی خود تغییرات زیادی را احساس می کند و پایه و بنیان شخصیت و هویت خویش را نسبت به سال های آینده پایه گذاری می کند. بر این اساس، این دوره، دوران تغییر و تحول نسبت به دوران کودکی و از سویی سازندگی و پایه گذاری نسبت به بزرگ سالی است. جوان در خود حس و حالات جدیدی را تجربه می کند و این باعث نگرانی و استرس نسبت به وضع جسمی و ظاهری و نسبت به حالات جنسی ای می گردد که احساس می کند (کمالی لطف، 1391). همچنین شورای عالی جوانان در کشور ایران سن 15 تا 29 را رسماً سن جوانی تعیین کرده است (همان).

طبق آیه 54 سوره روم سه دوران عمده در زندگی انسان وجود دارد:

الف) دوران ضعف نخست

ب) دوران قوت

ج) دوران ضعف نهایی

ص: 72

البته در هر دوران مراحل مختلفی وجود دارد که تمرکز ما بر دوران قوت است. می فرماید: «الله الذی خلقکم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوه ثم جعل من بعد قوه ضعفا و شیهه یخلق ما یشاء و هم العلیم القدیر.»

خداست که شما را از ضعف آفرید، سپس از پی ضعف، قوتی و از پی قوت، ضعف و پیری قرارداد. او آنچه می خواهد می آفریند و او دانای تواناست.

بنابراین پس از طفولیت دوران قوت است که مراحلی دارد؛ یعنی در ابتدا زمینه هایی در فرد فراهم می شود و به بلوغ جنسی می رسد و علاوه بر آن در قرآن «بلوغ اشد» یا همان «اوج بلوغ» از آن یاد شده است که دارای مرحله فرد، به قابلیت کافی فکری و اجتماعی تأمل می شود و فرد به رشد می رسد. البته در قرآن «رشد» به معنای راه یابی و هدایت به مقصد است و در مقابل «غی» قرار دارد؛ یعنی فرد به قابلیت کافی برای تنظیم و تدبیر امور اقتصادی و اجتماعی خودش می رسد» و بعد از آن مرحله دوم دوران «استوا» بروز می یابد که به معنای استقرار و اعتدال است و نوسانات و هیجانات بلوغ پایان می یابد و فرد در آغاز راهی قرار می گیرد که در آن ثبات و استواری در زندگی او ظهور می کند و لازمه آن دست یافتن به نبوغی استقرار در حالات عاطفی، فکری و اجتماعی است (باقری، 1385).

2- ویژگی های دوران جوانی

شرفی (1379)، پنج ویژگی مهم زیر را برای این دوران بر می شمارد:

1-2- جوان استقلال طلب است: چنانکه گفته شد جوانی حفاصل میان نوجوانی و میان سالی است. یکی از اساسی ترین ویژگی های کودک یا حتی نوجوان وابسته بودن اوست. مثلاً کودک به پدر و مادر، اطرافیان و حتی آموزگاران خویش وابسته است. این وابستگی تنها وابستگی عاطفی نیست؛ بلکه در بروز رفتارها نیز نوعی مقلد و وابسته به شمار می آید. یا در تصمیم گیری مستقل عمل نمی کند و به گونه ای احساس وابستگی می نماید؛ اما جوان وابسته خو نیست و از تعلق و وابسته بودن گریزان است. او می خواهد خود بیندیشد، خود تصمیم بگیرد و خود رفتار نماید. با آنکه ممکن است رفتارها و تصمیم های او نادرست باشد؛ اما به دلیل حس استقلال طلبی و خودبستگی، همه عوارض این گریز از تعلق را می پذیرد و بر پای خویش می ایستد.

اگر والدین یا حتی معلمان به دلیل این استقلال طلبی او را همواره به خود واگذار کنند، جوان دچار مشکل می شود. شاید حتی این خوی مثبت او به خلق ناهنجار مبدل گردد. از سویی عدم اعتماد به جوان

و با زبان کودکانه با او سخن گفتن و در ریزودرشت امور او دخالت نمودن نه تنها اثر مثبتی بر جای نخواهد گذاشت، بلکه او را عصیان‌گر و پندگریز خواهد ساخت.

2-2- جوان در فشار و پرخاشگر است: یکی از اساسی‌ترین خصائص بیولوژیکی جوان در فشار بودن و در نتیجه پرخاشگری اوست. کارکرد سیستم زیستی جوان و التهابات و غرایز مختلف وی به نوعی او را در فشار نشان می‌دهد و نتیجه طبیعی این در فشار بودن، بروز رفتارهای پرخاشگرایانه است. اگر خوی پرخاشگری او مورد توجه قرار نگیرد و صرفاً به پیش زمینه‌های تعلیمی و تربیتی ارجاع داده شود از این روز زمینه نادیده گرفتن و حتی سرکوب آن فراهم آید، نه تنها جوان رام و مطیع نمی‌شود، بلکه ممکن است به صورت موقتی نیروهای سرکوب شده پنهان بماند و در موقعیتی دیگر و به صورت ضایعه و فاجعه بروز و ظهور نماید. در هر صورت این ویژگی جوان، رفتار سنجیده منطقی و ظریف و روان شناسانه را طلب می‌کند تا خصلت یادشده به بحران منجر نشود.

3-2- جوان برتری جوست: شاید این ویژگی به نوعی با روحیه استقلال طلبی جوان در ارتباط باشد. مسلماً وقتی حس استقلال طلبی در جوان وجود داشته باشد، حس استعلا و برتری طلبی از آن سرچشمه خواهد گرفت و جوان را همواره در رقابت و برتری جویی قرار خواهد داد.

4-2- جوان احساس خلاء می‌کند: به طور طبیعی جوان مثل کودک مورد توجه نیست و از این رو اطراف خویش را خالی می‌یابد. چنانکه گفته شد جوان استقلال طلب است و استقلال طلبی ممکن است گاه به احساس خلاء منجر شود. چون خود تصمیم می‌گیرد، یا می‌خواهد تصمیم بگیرد و خود رفتار نماید و مقلد و وابسته نباشد احساس خلاء به او دست می‌دهد. این

احساس خلاء باعث می‌شود که؛ الف) خواهان جلب توجه باشد. ب) به همدلی و همراهی میل پیدا نماید. ج) رفتارهای توجه برانگیز را از خویش بروز دهد. پوشش‌های متفاوت، الگوبرداری از مدل‌های غیربومی و عجیب، فعالیت‌ها و حرکات احساسی، نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد رفتار جوان توجه برانگیز است.

5-2- جوان با بحران مواجه است: بحران شخصیت یا هویت، بحران روابط اجتماعی، بحران خانواده، بحران جنسی و بحران کار برخی از بحران‌هایی که جوان با آن در چالش است. در ادامه این مقاله به توضیح برخی از این موارد می‌پردازیم.

1- هویت

هویت کلمه ای است عربی که در زبان فارسی به جای واژه انگلیسی (Identify) به کار می رود. معین در فرهنگ فارسی تحت عبارت «هویت» معانی ای از قبیل «ذات باری تعالی»، «هستی و وجود» و «آنچه موجب شناسایی شخص می شود» را می آورد. ولی در کل هویت مفهومی است که در علوم مختلف دارای فضای مفهومی خاصی است. هویت در اصل «هو هویت» بوده و به معنی این همانی یا اتحاد به ذات است. اتحاد به ذات به معنی اتصاف و شناخته شدن و یکی بودن موصوف با صفات اصلی و جوهری موردنظر است. زمانی که از هویت پدیده ای سخن به میان می آید، باید آن سخن طوری باشد که نشان دهد پدیده مزبور به راستی گویای هیئت و ماهیت وجودی خویش است (الطایبی، 1378).

البته، درباره مفهوم و دامنه هویت دیدگاه های متفاوت وجود دارد. عده ای هویت را دارای سه کارکرد اصلی می دانند: افزایش توان گزینشی، ایجاد امکان ارتباط با دیگران، نیروبخشی و نرمش پذیری انسان. این نرمش پذیری تا جایی است که می تواند هویت فرد را با جوهره ای ویرای خود، یعنی ملت، پیوند زند. (گیرنا، 1378). هویت، با تقویت وجه تمایز فرد با دیگران مجموعه ای از خصایل فردی (اشرف، 1375) را در فرد پدید می آورد که جزئی از معنا و هستی وجود او تلقی می شود که فرد به اعتبار آن و با اتکا به آن می تواند خود را از دیگران متمایز بداند و برای خود حق و قدرت انتخاب قائل شود و توان برقراری ارتباط با دیگران را در خود احساس نماید. همچنین، بر اساس آن، به تنظیم نحوه تعامل با دیگران اقدام می نماید. البته، صاحب نظران علوم اجتماعی نیز تعاریف مختلفی برای هویت ارائه کرده اند، از جمله، هویت معطوف به چپستی و کیستی، من و ما است. من فردی، من جمعی و من ملی نیز در این قاعده می گنجد. آن بخش از قلمرو حیات که فرد خودش را با آن معرفی می کند و در قبال آن احساس تعهد و تکلیف می کند، هویت او را شکل می دهد (صدر، 1377).

هویت انسانی عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه های مربوط به آن ها که فرد آن ها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و با یافتن تصوراتی از خود به دست می آورد و در جواب سؤال من کیستم ارائه می دهد. هویت یک فرد می تواند فردی یا جمعی باشد. هویت فردی به خصوصیات و مشخصاتی اشاره دارد که فرد به عنوان یک شخص منحصر به فرد و متفاوت از دیگر افراد جامعه، آن ها را به خود منتسب می کند. هویت اجتماعی یک فرد به خصوصیات و مشخصات و تفکراتی که فرد آن ها را از طریق اشتراکات اجتماعی و عضویت در گروه ها شامل نژاد، مذهب، قومیت،

م_لیت، جنسیت، احزاب سیاسی و... کسب می کند. هویت اجتماعی یک فرد باعث ایجاد «ما» در برابر «آن ها» می شود (همان).

بنا بر هویت جمعی در مباحث جامعه شناختی مطرح می شود که در این میان هویت ملی، بالاترین سطح آن است. هویت ملی بیشتر ناظر به درونی کردن هویت جمعی جامعه از طرف فرد است. فرد در طول جامعه پذیری هویت ملی را با تمام ابعادش درونی می کند و آن ها را جزئی از شخصیت خویش می سازد. از طریق درونی کردن هویت ملی است که فرد به تشابهات ملی خود با هم وطنانش پی می برد و نوعی احساس دل بستگی و تعهد به آن ها و جامعه احساس می کند و به تفاوت های خود به عنوان عنصری از جامعه با جوامع دیگر آگاه می شود و این آگاهی از تفاوت ها، پیوند او را با جامعه خویش استحکام می بخشد (احمدلو، 1381).

2- بحران هویت

عدم توانایی فرد در تحصیل هویت انسانی، به صورت های مختلفی تعبیر شده است. برخی از صاحب نظران از آن با تعبیر «گم کردن خویش» یا «از خودبیگانگی» یاد می کنند. روان شناسان از این حالت اغلب تحت عناوینی چون: «آشفته گی هویت»، «اختلال هویت» و «بحران هویت» یاد می کنند و در توصیف آن می گویند: «بحران هویت عبارت است از عدم توانایی فرد در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد». به اعتراف همه صاحب نظران، جدی ترین بحران در طول زندگی انسان در خلال شکل گیری هویت او رخ می دهد؛ چون شخصی که فاقد یک هویت متشکل قابل قبولی باشد در طول زندگی با مشکلات بسیار زیادی روبه رو خواهد شد. چنین شخصی در درجه اول از حقیقت وجودی خود و استعداد و توانمندی هایی که دارد، آگاهی لازم ندارد و در درجه دوم، از هدف خلقت و نقشی که در نظام هستی بر عهده اوست بی اطلاع است، در نتیجه، از تشخیص شیوه درست ارتباط با دیگران و برخورد با پیش آمدها نیز پاسخ به اصلی ترین پرسش های زندگی عاجز است. مجموعه این امور در نهایت، او را دچار سردرگمی در اغلب موضع گیری ها می کند. طبیعی است که وقتی فرد خود را نشناخت و هدف از آفرینش

جهان و انسان برای وی معلوم نگشت و با وظایفی که در جامعه بر عهده دارد آشنا نشد، نمی تواند نقش مثبتی در زندگی ایفا کند. بروز چنین وضعی و تزلزل فکری اعتقادی مهم ترین خطری است که سعادت انسان را در طول حیات مورد تهدید قرار می دهد (نوردی، 1369، 64). یکی از مباحث مهم در روان شناسی «رشد خود» است که مهم ترین موضوعات آن عبارت اند از رشد خودانگاره، عزت نفس، رشد انگیزش پیشرفت، رشد کنترل خود، رشد شناخت دیگران و رشد هویت.

اریک فروم نیازهای اختصاصی انسان را از منظر روان شناختی مشتمل بر نیاز به تعالی، نیاز به وابستگی، نیاز به هویت، نیاز رجوع به اصل و نیاز به مبنای جهت گیری می داند (فروم¹)،
(1947).

در تعریف هویت، از هویت فردی و اجتماعی سخن به میان آمد. لذا از دو منظر فردی و اجتماعی بحران هویت قابل تعریف می شود، به طور کلی بحران هویت عبارت است از وضعیتی نسبتاً پرتنش و متزلزل که معمولاً معطوف به نقطه عطف و دگرگونی است. منظور از بحران هویت فردی احساس تنهایی، ناکامی، ناامنی، عدم اطمینان، پوچی و خطاکاری در فرد است. در واقع این شاخص ها یا برخی از آن ها وقتی به شکل حاد می رسند و زندگی را برای فرد غیرقابل تحمل می سازد که فرد دچار بحران هویت شده است. در بحران هویت فردی، فرد تصویر مناسب و مفیدی از خود ندارد و دائماً با محیط و خود درگیر است و چیزی وی را ارضا نمی کند؛ اما در بحران هویت اجتماعی نوعی احساس بیگانگی از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و گاه تنفر از آن ها دیده می شود. فرد به عناصر فرهنگی جامعه (مذهبی، قومی، ملی) چندان تعلق خاطر ندارد و مهم تر از همه اینکه متوجه ارزش ها و هنجارهای دیگر است. ارزش ها و هنجارهای فرهنگ بیگانه که گاه در تضاد با فرهنگ وی است.

سؤال سوم: چه عواملی بر شکل گیری هویت و بحران هویت جوانان تأثیر دارند؟

اشاره

در شکل گیری هویت فردی و اجتماعی، عناصر پیدا و پنهان بسیاری مؤثرند و این مقوله دارای مؤلفه های متعدد است که خانواده، قشر و طبقه اجتماعی، گروه دوستان، آموزش های رسمی یا غیررسمی، اسطوره ها، تاریخ، دین، زبان، سنت ها، میراث های فکری و فرهنگی، گروه های مرجع، ساختار اجتماعی، رسانه های جمعی، فرآیند جهانی شدن و ده ها عوامل دیگر که هر یک می تواند به نوعی و تا حدی در تکوین هویت فرد تأثیر بگذارد. از بین عوامل ذکر شده، شش عامل خانواده، آموزش و پرورش، رسانه ها، ساختارهای اجتماعی، گروه های مرجع و جهانی شدن را که به نظر می رسد در تکوین هویت فرد از بقیه عوامل مؤثرتر و پایدارتر باشند و در شرایط کارکرد منفی آن ها بحران هویت ایجاد می شود را به اختصار مورد بررسی قرار دهیم. (سبحانی جو، 1383).

1- خانواده

خانواده، هسته اولیه شکل گیری هویت فرد است و این امر از هنگام تولد و آنگاه آغاز می شود که پدر و مادر با نام گذاری کودک خود، جایگاه یا موقعیت ویژه ای به فرزند خود می دهند. از آن پس با رشد تدریجی

ص: 77

کودک طی چند سال، تعلقات خانوادگی او بیش تر و بیش تر می شود تا به نوجوانی برسد. در آغاز نوجوانی شخص می تواند به راحتی موقعیت خود را در میان خانواده خویش (هویت خانوادگی) و همچنین موقعیت خانواده خود را در جامعه تشخیص دهد و بر این اساس احساس تشخیص فردی و اجتماعی کند (ربانی، 1381)

اولین عامل و مهم ترین ابزار جامعه پذیری افراد جامعه خانواده است؛ زیرا اجتماعی شدن افراد از خانواده شروع می شود. نوزاد انسانی در خانواده رشد و نمو می کند و رفتارهای اجتماعی، هنجارها و ارزش ها را می آموزد و یاد می گیرد که چگونه با دیگران تعامل داشته باشد؛ بنابراین هویت انسانی در خانواده شکل می گیرد. حال اگر خانواده ای دچار اختلال و نابسامانی باشد و کارکرد و نقش اصلی خود یعنی تربیت و پرورش را از دست بدهد، فرآیند جامعه پذیری به خوبی انجام نمی شود. در این وضعیت فردی که وارد عرصه های مختلف اجتماعی شده است، دچار بحران هویت می شود و نمی تواند خود را با ارزش های پذیرفته شده جامعه هم نوا کند و نقش خود را به خوبی ایفا نماید (همان).

2- رسانه های جمعی

یکی از خاستگاه هایی که هنجارها و ارزش ها از آنجا نشر و اشاعه پیدا می کند رسانه های جمعی، مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات اند. وسایل ارتباطی با رشد چشمگیر خود، دنیای انسان را به یک دهکده کوچک جهانی تبدیل کرده اند. امروزه، برنامه ریزان و متخصصان امر ارتباطات به صورت مداوم چشم و گوش ملل را با اندیشه ها و تفکرات خود در معرض هجوم و بمباران اطلاعاتی قرار می دهند. در کنار رشد وسایل ارتباطی و ارائه اخبار و داده های پردازش شده، مهم ترین ویژگی این هجمه که ذهن و روان انسان را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده، این است که با استفاده از شگردهای دست کاری اطلاعات به نحو مؤثر، داده های ورودی را طوری تنظیم می کنند که در نهایت بعد از پردازش، در خروجی با هدف های از پیش تعیین شده مواجه شوند؛ بنابراین رسانه های جمعی تأثیر بسزایی در زندگی مردم دارند. آن ها می توانند اندیشه های جدیدی را در بین مردم به وجود آورند و در صورت شکاف بین هنجارهای حاکم بر جامعه و سیاست ها و روش های اجرایی نظام، آن ها را به حداقل برسانند. گاهی اوقات گفته می شود که رسانه ها به اعمالی دست می زنند تا در ذهن مخاطبان رفتارها تقریباً غیرارادی شکل گیرد. این عمل را خلسه رسانه ای می نامیم. خلسه رسانه ای عبارت است از یک حالت القایی در هشیاری فرد که در آن حالت، فرد به تلقینات

هیپنوتیزم کننده، با ایجاد تغییراتی در ادراک، تفکر و رفتار خود، واکنش نشان می دهد. (بخشایش، 1382). با دقت در این فرآیند به خوبی می توان به نقش رسانه ها در تکوین یا بحران هویت پی برد.

3- ساختارهای اجتماعی

ساختارهای اجتماعی به گونه ای در شخصیت انسان تأثیر می گذارند که فرد احساس می کند در یک چهارچوب جبرگونه اجتماعی عمل می کند و همواره تحت نظر دیگران است. لذا سعی می کند رفتار فردی و جمعی خود را به گونه ای تنظیم کند که حداکثر رضایت دیگران را جلب نماید.

چالش سنت و مدرنیته یکی از عوامل ایجاد بحران هویت اجتماعی است که از تغییرات ساختارهای کلان جامعه متأثر است (حاج حسینی، 1389)؛ بنابراین به طور خلاصه در فرایند توسعه و دگرگونی جامعه، باورها، اعتقادات و رفتار انسان نیز دستخوش استحاله و تغییر می شود و این تغییر و دگرگونی با مظاهری همچون خانواده مدرن، در کلیت اجتماع بحران ایجاد می کند و این بحران قبل از همه هویت جمعی را در معرض آسیب قرار می دهد.

4- آموزش و پرورش

آموزش که می توان آن را تربیت یا پرورش به معنای اعم کلمه دانست، عملی است آگاهانه و انسانی که فراتر از عوامل طبیعی یا غریزی عمل می کند و از این رو اثری معمولاً پایدار دارد. چنان که می دانیم آموزش، حتی آموزش هایی که از راه هایی چون (شرطی شدن) به واقع ناخودآگاه صورت می گیرد، به مرور زمان جزئی از خوی و منش فرد شده، از وجود او زایل نمی شود. برعکس، تأثیر عوامل طبیعی و غریزی بر رفتار، موقت و محدود است. آموزش و پرورش، مهم ترین رکن توسعه همه جانبه محسوب می شود و معلمان و مربیان، کلیددار توسعه پایدار به شمار می آیند و مدارس، مهم ترین کانون تعلیم و تربیت، انسان سازی و فرهنگ سازی تلقی می گردند. کلاس درس و تخته، میز و نیمکت و تجهیزات، راهرو، حیاط، زمین، کتابخانه و آزمایشگاه، هرکدام دارای یک فرهنگ و روح حاکم بر آن است که همراه با کتاب و معلم، مجموعه ای از اهداف تعلیم و تربیت را شکل می دهد. مدرسه، بهترین جایی است که تجلی بخش مفاهیم ذهنی و نظری و تحقق بخش احساس مسئولیت اجتماعی است. نحوه ارتباط با آحاد جامعه، قانونمندی، نظم پذیری، انضباط، نظافت، معنویت و اخلاق، بهداشت، صبر و گذشت و ایثار، محبت و عاطفه، همه از واژگان مقدسی است که در این کانون اصلی تعلیم و تربیت تحقق می یابند. (مظفر، 1379)

در زمینه تکوین هویت، آموزش نقش اساس دارد و از این روست که به ویژه هنگامی که بحث از هویت ملی به میان می آید، دولت ها و حکومت ها برای تکوین آن در شخصیت بچه ها به امر آموزش (اعم از آموزش مدرسه ای و دانشگاهی، تبلیغ و

نمایش فیلم) بیش از هر چیز اهمیت می دهند. امروزه، چنان که

می دانیم بخشی از آموزش های عمومی در هر کشور به مبحث هویت (ملی) اختصاص دارد که در قالب درس های مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی به صورت مستقیم و سایر دروس به صورت ضمنی، عرضه می شود. اشاره می کنیم که تکوین هویت در ابعاد مختلف، از طریق آموزش امکان پذیر است. هویت دینی هم در واقع تحت تأثیر آموزش است که در خانواده، جامعه و مدرسه، شکل می گیرد. به همین ترتیب برای پرورش یا تکوین هویت اجتماعی، هویت فرهنگی، هویت ملی، هویت سیاسی و هویت تمدنی در فرد و جامعه، افراد یا گروه ها را می توان تحت انضباط و آموزش قرار داد و این بسیار مؤثرتر از هر شیوه دیگری است. یادآوری می کنیم که نظام آموزشی که باید وظیفه هویت بخشیدن به جامعه را داشته باشد، ممکن است خود موجب بحران هویت شود. در حال حاضر نظام آموزشی ما نیز از مدرسه تا دانشگاه تا حدی زیادی دچار مشکل است و متأسفانه از حل آن ناتوان است. امروزه بخش قابل توجهی از پروردگان نظام آموزشی ما بیش از آن که پاسدار فرهنگ و هویت ملی خود باشند، نظرشان معطوف به فرهنگ غربی است و گرایش دارند که شیوه زندگی خود را بر اساس معیارهای غربی انتخاب کنند و همین گرایش پدیده هائی چون فرار مغزها، مدگرایی، از خودبیگانگی و شیفتگی در برابر مظاهر تمدن غربی را رقم می زند. (همان)

5- گروه های مرجع

گروه مرجع آن گروهی است که عقاید، اعمال و رفتارهایش مورد توجه، اعتماد و عمل اعضای خودش یا سایر کسانی است که احتمالاً در آن گروه حتی عضویت ندارند. به عنوان مثال برای پیروان مذهبی معین، پیشوایان دینی، گروه مرجع به حساب می آیند، یار برای اعضای فلان حزب سیاسی، رهبران حزب به سبب اندیشه و عملکردشان، گروه مرجع محسوب می شوند. به طور کلی، گروه هائی چون پزشکان، مهندسان، روحانیان، روزنامه نگاران، ورزشکاران، استادان دانشگاه، دانشجویان معترض، نویسندگان، سینماگران، خوانندگان و ده ها گروه دیگر را می توان نام برد که می توانند بسته به موقعیت و شرایط اجتماعی خود به عنوان (گروه مرجع هویت ساز) مورد توجه جامعه قرار گیرند (ربانی، 1381). گروه مرجع لزوماً گروهی نیست که فرد بدان تعلق داشته باشد؛ اما به هر حال در آرزوی عضویت یا تداوم عضویت خویش در آن است. (ساروخانی، 1370) باید دانست که گروه هائی مرجع همواره نقش مثبت ایفا نمی کنند. چه بسا یک گروه برای بخشی از جامعه گروه مرجع به حساب آید، ولی همان گروه برای بخش دیگری از جامعه یک دشمن تلقی شود.

6- جهانی شدن و کثرت گرایی فرهنگی و تأثیر آن در بحران هویت

نظریه های مربوط به هویت، چه به صراحت و چه به طور ضمنی، در کانون نظریه های علوم اجتماعی و به ویژه جامعه شناسی قرار دارد، امروزه نیز هویت، با توجه به مسئله کثرت گرایی فرهنگی و روند جهانی شدن، معنایی نو یافته است و گزاف نخواهد بود اگر بگوییم از روزگار کهن نیز جهانی شدن به معنای درهم آمیزی میراث فرهنگی اجتماعات گوناگون، از راه تأثیر و تأثر تمدن های مختلف بر یکدیگر و ایجاد مجموعه های تمدن فراگیر وجود داشته است؛ با وجود جابه جایی و پراکنش گسترده فرهنگی در دو هزاره گذشته، آن میراث های فرهنگی موجود در جوامع مختلف، چنان که در شکل دهی منظومه های تمدنی نقش داشتند که عناصر هویت سازی می توانستند دوام یابند و در نتیجه، همانندی های قابل تشخیص بین هویت های نسل های مختلف، به مراتب بیش از تفاوت هایشان بود. حاصل این وضعیت این بود که پرسش از هویت به عنوان مسئله ای نفس گیر، آن گونه که امروز احساس می شود، عینیت نمی یافت. (خلیلی، 1378).

عده ای از پژوهشگران فرایند جهانی شدن را عامل اصلی بحران هویت به شمار می آورند و بدین صورت بیان می کنند که فرایند جهانی شدن با دگرگون ساختن شرایط و چارچوب سنتی هویت سازی و تضعیف عده ای و تخریب عوامل و منابع سنتی هویت سازی را در جهان کنونی دشوار و مسئله ساز می کند. (گل محمدی، 1380) جهانی شدن تأثیر خود را بر مسئله هویت ملی نوجوان و جوانان بیشتر از طریق رسانه ها نشان می دهد. در امر جهانی شدن قیدوبندهای جغرافیایی، هنجارهای اجتماعی و ملی از میان می رود و روابط انسانی، کیفیت بدون مرز و بدون زمان به خود می گیرد. طرفداران این نظریه برای دستیابی به این هدف از وسایل ارتباط جمعی مانند ماهواره، اینترنت و پست های الکترونیکی به عنوان ابزار مهم و اصلی استفاده می کنند جهانی شدن رسانه ها، فرسایش هویت ملی و فرهنگی را در پی دارد.

سؤال چهارم: نقش مسجد در شکل دهی به هویت جوانان چیست؟

اشاره

مسجد همیشه برای ما علاوه بر اینکه یک مکان مقدس بوده، القاء کننده نقش همبستگی و تلاش برای پیروزی نیز بوده است. این مکان مقدس همیشه در تاریخ این سرزمین، محور اصلی فعالیت های مذهبی و انقلابی مردم بوده و آثار بابرکت این اثر نیز به عینه برای ما وجود داشته است. امروزه و در این مقطع از تاریخ (با وجود القاء بی هویت در جوامع)، این نقش هویت بخشی مسجد می تواند پررنگ تر از گذشته نمودار باشد. مسجد نقش تعیین کننده ای در تولید سرمایه اجتماعی دارد و این نقش از کارکردی

حاصل شده است که مسجد در دوران انقلاب اسلامی پیدا کرد. مسجد در رکن اعتماد اجتماعی نقش قابل توجهی دارد. مسجد در ایجاد و تقویت روح برادری و برابری نقش بسیار بزرگی را در جامعه کنونی کشور ایفا می کند. مسجد می تواند با

افزایش آگاهی اجتماعی و فرهنگی، هویت جمعی، مشارکت اجتماعی و حس برابری و برادری از بی هویتی جلوگیری کند، همان مسئله ای که در حال حاضر و در دنیای مدرن، حلقه گمشده انسان امروز است. این بی هویتی از نتایج شوم و تأسف بار مدرنیسم غرب است. در این قسمت به نقش مسجد در افزایش آگاهی اجتماعی و فرهنگی، هویت جمعی، مشارکت اجتماعی و حس برابری و برادری به عنوان افزایش دهنده هویت افراد جوان اشاره می شود:

1- مسجد و افزایش آگاهی و خودشناسی

همان طور که گفته شد، هویت انسانی عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات فردی و اجتماعی که فرد آن ها را از طریق توانایی کنش متقابل با خود و با یافتن تصوراتی از خود به دست می آورد و در جواب سؤال من کیستم ارائه می دهد. انسان با شناختن خود و نیز با برخوردار شدن از چشم انداز درست جهت سیر و حرکتی که خواه ناخواه در این عالم می پیماید، خواهد توانست به زندگی انسان معنا بخشد و او را به زندگی امیدوار سازد. با توجه به این تعریف و اهمیت دانش و آگاهی های فرد در تعریف هویت، مهم ترین مسئله در هویت بخشی جوانان افزایش آگاهی های مختلف آن ها توسط مسجد و ارکان آن است. مسجد و ارکان آن از طرق مختلف می تواند باعث آگاهی و خودشناسی جوانان بشوند. امامان جماعات، کانون های و پایگاه های بسیج و کتابخانه های واقع در مساجد از جمله مواردی در مساجد هستند که می توانند باعث افزایش آگاهی و خودشناسی جوانان شوند.

از عواملی که می تواند در آگاهی و خودشناسی جوانان مسجدی مؤثر باشد، توانایی و اندوخته های علمی امام جماعت مسجد است، چراکه ممکن است سؤالی از طرف جوانان در حیطه تخصصی او مطرح شود تا او با استفاده از معلومات خود در زمینه های مختلف از جمله جامعه شناسی و روان شناسی جوانان و غیره، پاسخ دهد. طبیعتاً قدرت علمی روحانی مسجد باعث اطمینان و اعتماد مردم، به خصوص جوانان می شود و آنان نیز همواره سعی می کنند در مواقع لزوم با او ارتباط برقرار سازند و با اطمینان خاطر و طیب نفس با وی معاشر باشند و از کمالات و معلومات او بهره مند شوند.

مورد دیگر برای افزایش آگاهی و خودشناسی جوانان در مسجد، برنامه های کانون فرهنگی و پایگاه های بسیج است. این کانون ها برنامه های فرهنگی و دینی تدارک می بینند و در آن با به کارگیری

معلمان و مربیان خوب و مسلط به جوان در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری و ورزشی آموزش می دهند و پاسخ گوی همه سؤالات جوانان به خصوص سؤالات و شبهات دینی هستند. (1)

کتابخانه های مساجد هم منبع دیگری هستند که از طریق آن، جوانان می توانند آگاهی و خودشناسی خود را تقویت کنند. هرچند که در همه مساجد کتابخانه وجود ندارند ولی وجود کتابخانه در مساجد باعث می شود که جوانان محله به کتابخانه مراجعه کنند و با مطالعه آن به افزایش دانش خود در همه زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، هنری و ورزشی مبادرت ورزند.

2- مسجد و افزایش هویت جمعی

فرهنگ مدرنیسم، در طی فرآیندی هدفمند و برنامه ریزی شده، افراد را کوچک می کنند، آن ها را اتمیزه می کنند یعنی و از روح جمعی جدا کردن و فروبردن در لاک تنهایی و این نقطه آغاز راه شوم و بی پایان بی هویتی در جامعه است. برای رفع این مشکل در جامعه خودمان مسجد قرار دارد که در اینجا روح جمعی و هویت جمعی را در افراد خودش تقویت می کند. در اینجا مسجد در واقع شخصیت و حیثیت دین افراد را تقویت می کند و باعث می شود حتی کسی هم در این مرحله دچار خلأ هویتی است، خود را در مسجد دریابد. از این رو است که می بینیم اگر مسجدی در یک محله قرار دارد، در واقع کانون هویت آن محله است و فعالیت های جمعی از آنجا آغاز می شود و در رأس آن، مردم و افراد خود را به نام آن مسجد می شناسند. این اثربخشی می تواند در عصر حاضر وجود داشته باشد و باید وجود داشته باشد (فتیحی، 1379).

بنابراین می توان با راه کارهایی جوانان را جذب مسجد کرد و آن ها را در ارتباط و تعامل با دیگر افراد مسجد قرار داد تا آن ها احساسی از ما بودن داشته باشند و هیچ گاه احساس تنهایی نکنند و همواره خود را به عنوان جوانی مذهبی و مسجدی بشناسند و دارای هویت باشند.

3- مسجد و افزایش مشارکت اجتماعی

کارویژه های مساجد در صدر اسلام در حقیقت ترسیم کننده جایگاه ویژه مسجد در حیات جامعه اسلامی و بیانگر نقش برجسته آن در خلق انگیزه مشارکت آگاهانه عمومی از دیدگاه اسلام است. مساجد در صدر اسلام در جایگاه کانونی برای تهییج، تحریک و ترغیب مردم به همکاری، همیاری، همبستگی

ص: 83

1- - درباره کانون فرهنگی و پایگاه بسیج مساجد در بخش بعدی بیشتر توضیح داده می شود.

و مساعدت عمل کرده، تعامل ها و کنش های اجتماعی را تسهیل می کرد و می توان ادعا کرد که حیات اجتماعی اسلام در برهه های زمانی گوناگون و حساس تاریخی به واسطه نقش مسجد در پدیدساختن مشارکت اجتماعی احیا، تقویت و حفظ شده است. حضور در مسجد از آنجاکه روحیه همبستگی و تعاون را در قالب مشارکت های غیررسمی نهادینه می کند، مشارکت اجتماعی را در پی داشته، به خلق سرمایه اجتماعی می انجامد؛ به طور مثال، حضور مستمر افراد در مسجد و نهادهای مرتبط با آن، در مدتی کوتاه، ناخودآگاه باعث تحریک احساس های درونی نسبت به

یکدیگر می شود و همین امر حس همیاری و همکاری را در افراد جامعه تقویت و نهادینه می کند (نقی پور و منتظری، 1389، ص 68).

گذشته از این، انگیزه هایی که رنگ الهی به خود می گیرد، در تثبیت روابط پدید آمده، نقش کلیدی دارد و انتظار بر آن است که مشارکت اجتماعی برآمده از این نهاد، کارکردی مناسب تر و کاراتر از عضویت، مشارکت در انجمن یا باشگاه ورزشی داشته باشد. مطابق با این رویکرد، شاید بتوان یکی از دلایل اصلی تأکیدها و سفارش های فراوان دین مبین اسلام مبنی بر حضور در مساجد و شرکت در نماز جماعت (نور، 24) را نقش کلیدی این نهاد در خلق مشارکت آگاهانه اجتماعی دانست.

4- تقویت روحیه برابری و برادری

اثرات مثبت حضور در مساجد به این دلیل است که اطمینان و آسایش حاصل از حضور در مسجد، توانایی انجام صحیح، وظایف و تکالیف شرعی دیگر را نیز به دست خواهد داد. مسجد فضایی را به وجود می آورد که روح تعبد و انگیزه های استوار بندگی خداوند متعال در چنین فضای آکنده از رحمت الهی در کالبد اهل آن دمیده می شود و دل و جان حاضران با رایحه خوش معنویت جلا می یابد. مسجد قوانین نوشته ندارد، اما ضوابطی نانوشته، اما مقبول نزد اهل آن وجود دارد که تعالی بخش روح انسان هاست. آداب و مقررات مسجد برای همه یکسان است و کسی امتیازی بر دیگران ندارد و همه باید آداب مسجد را رعایت کنند. در نماز جماعت همه به یک شکل و در یک قالب کلی نماز می گذارند و کسی نمی تواند با تکبر و غرور خود را از دیگران برتر بداند و خارج از این چارچوب رفتار کند. مساجد که محل ظهور ارزش های والای اخلاص، توحید، تسلیم و عبادت هستند، برخلاف معابد و کلیساها از توانمندی های ویژه و گسترده ای برخوردارند. این اماکن مقدس به عنوان خانه خدا و محل عروج مؤمن، جایگاه بروز و ظهور وحدت و مساوات هستند. به نحوی که همه افراد از هر نژاد و رنگی و با هر سن و شغلی و با هر موقعیت و سرمایه ای، برادرانه و بدون هیچ تشریفاتی در کنار یکدیگر و در قالب صف های منظم به عبادت مشغول

می شوند؛ با هم قیام و قعود و رکوع و سجود می کنند؛ با هم رکوع کرده و قنوت می خوانند و به هیچ روی از یکدیگر پیشی نمی گیرند. این نظم و هماهنگی بی نظیر در یک زمان و مکان مشخص و با الفاظ و حرکات یکسان و با اقتدا به امامی پرهیزگار، سبب ایجاد روح نظم و وحدت و یگانگی، برابری و برادری و در نهایت دمیده شدن روح ایمان و پرورش تقوا در ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی و... در جان ها می شود (سمیعی و عموزاده، 1393، ص 81)؛ بنابراین جوانان با حضور بیشتر در مسجد و برقراری پیوندهای قوی تر با نهادهای دینی و ارتباط نزدیک تر با برادران اسلامی خود، بیشتر به فلسفه آفرینش آگاهی می یابند و در صورت بروز مشکل، می توانند به کمک دیگران به رفع مشکل هویتشان پردازند.

سؤال پنجم: نقش مسجد در حل بحران هویت جوانان چیست؟

اشاره

اگر نوجوان در کسب هویتی سالم توفیق یابد، احساس هدفمند بودن زندگی در او ایجاد خواهد شد. چنانچه نتواند هویتی سالم را در خود شکل دهد، از احساس تنهایی و خود بیگانگی رنج خواهد برد و این نـاـاشـی از شکست او در تعیین نقش اجتماعی خویش است. دین و نهادهای مرتبط با آن خصوصاً مسجد به عنوان عاملی اجتماعی در شکل گیری هویت در طول دوره نوجوانی و جوانی تأثیر قابل توجهی دارد.

به طور کلی مسجد دارای چند رکن اصلی است که از این موارد می توان به امام جماعت، هیئت امناء، خیرین مسجد، خادمین و متولیان مسجد، پایگاه های بسیج مساجد و کانون های فرهنگی هنری مساجد اشاره کرد. این ارکان مهم، سه رکن امام جماعت، پایگاه های بسیج مساجد و کانون های فرهنگی هنری در مسجد از جمله ارکانی هستند که می توانند بیشترین تأثیر را بر جوانان در شکل گیری هویت و حل بحران هویت آن ها بگذارند که در ادامه به نقش هرکدام اشاره می شود.

1- امام جماعت

هویت بخشی یعنی دادن شناسنامه به فرد، اینکه او بداند شخصیتی دارد تعریف شده؛ شخصیتی که باید تلاش کند آن را حفظ کرده و در جهت کمال و سعادت واقعی، پرورش دهد. این مهم اگر خواسته باشد از سوی امام جماعت نسبت به جوانان عملی شود باید بعد از آشنایی او با شخصیت فعلی آن ها صورت پذیرد. توجه به علاقه مندی ها و نیازهای مخاطب از مهم ترین اصل ها در عرصه تبلیغ و جذب است که نادیده گرفتن آن حاصلی جز خستگی برای مبلغ و سردرگمی و در نهایت زدگی برای مخاطب نخواهد داشت. همان طور که قبلاً گفته شد، دوره جوانی به دلیل اهمیت و ویژگی هایی که جوانان در این دوره دارند،

دوران حساسی است که نیازمند توجه بیشتر بزرگ ترها است. برای همین شریف پور (1380) بیان می کند امام جماعات در مواجهه با قشر جوان و هویت بخشی به آن ها و حل بحران های هویتشان، موارد زیر را انجام می دهند:

1-1- شناساندن فرد به خود او: اینکه او کیست و از چه جایگاه اجتماعی برخوردار است و اینکه پیشینه تاریخی او از نظر مذهبی و ایرانی بودن چیست؛ پرسش هایی است که پاسخ عالمانه و متناسب با سطح فکر و درک دانش آموز می تواند کمک شایانی به خودشناسی و خویشتن باوری او کند. جوان مسلمان ایرانی باید بداند هویت دینی او برگرفته از انسان هایی پاک و بی همتایی به نام اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است و او از نسل رادمردانی چون ابوذر و سلمان است. این دانش آموزان که در عرصه علمی موفق بوده اند اگر بدانند ادامه دهنده راه دانشمندان بزرگی چون بوعلی و فارابی، چمران هایند که افتخار این سرزمین

گشته اند به خود می بالند و دیگر چشم به دانشمندانی نخواهند دوخت که با فرهنگ والای اسلامی ایرانی ما بیگانه بلکه در ستیزند.

2-1- ترسیم هدف و راه رسیدن به آن: گام دوم بعد از بیان موقعیت فعلی، ارائه هدف و راه رسیدن به آن است. اینکه بدانند از جایی که اکنون در آن قرار گرفته باید به سوی کدام هدف و از کدامین مسیر حرکت کند مرحله دوم هویت بخشی و حل بحران هویت را تشکیل می دهد. پاسخ به این دو سؤال نیز باید در قالبی استدلالی و متناسب با قدرت دریافت جوانان برای او بیان می شود. در این مرحله نیز لازم است از امر ونهی و یا تشویق و توبیخ های مرسوم پرهیز نمود؛ چراکه این گروه، هر کاری را که به آن ها توصیه می شود، نخست می خواهند بدانند چرا؛ که اگر پاسخ قانع کننده ای دریافت کردند می پذیرند و اگر چنین پاسخی را نشنیدند بعید است که آن را قبول کنند هرچند در ظاهر وانمود کنند که پذیرفته اند. برای این بخش، شایسته است پاسخ ها از دو مرجع تخصص و تعهد شنیده شود؛ یعنی جوانان در کنار انس با امام جماعت و دریافت آموزه های اسلامی متناسب از او با متدینی که در رشته های دانشگاهی به موفقیت های چشم گیری دست پیدا کرده اند نیز آشنا شده و با آن ها نیز ارتباط داشته باشند تا باور کنند علم و دین از یکدیگر جدا نیستند و می توان از مسجد به مدارج علمی شایسته و مفید به حال جامعه اسلامی رسید.

3-1- چرایی باطل بودن جریان های معارض و ناهم سو با اسلام: گام سوم که در اهمیت، دست کمی از دو مرحله قبل ندارد مصون سازی جوانان نسبت به هجمه فرهنگ های بیگانه است. تهاجم فرهنگی در عرصه علمی و عملی، واقعیتی است که امروز باور و رفتار افراد جامعه اسلامی ما را به جد تهدید می کند و این جوانان نیز از این هجمه در امان نیستند. بی توجهی به این اصل، گاه سبب می شود زحمت های طولانی

همه بر باد رود و دانش آموزی که روزها بلکه سال ها با مسجد و اهل آن مروده داشته به راحتی دست از باورهای خود شسته و یا حداقل دچار تردید جدی در آن ها شود و این یعنی خودباختگی فرهنگی. برای مقابله با این پدیده شوم ضمن تلاش، جدیت و برنامه ریزی دقیقی که در دو مرحله قبل باید صورت گیرد در این بخش نیز ضروری است تا جریان های معارض موجود که درصدد تهاجم به باورهای دینی هستند به درستی برای او شرح و تبیین شود. باید برای او روشن شود که اگر فلان جریان و مکتب و یا عقیده و رفتار غلط است چرا. باز باید متذکر شد که امر ونهی و سخنان توصیفی صرف، برای این قشر قانع کننده نبوده و اثر چندانی ندارد؛ بنابراین لازم است با مطالعه و یا کمک گرفتن از متخصصان امر، به خوبی برای جوانان روشن شود که چرا فلان آیین و یا فلان رفتار و عقیده باطل است و باید از آن فاصله گرفت.

خلاصه اینکه ترسیم موقعیت موجود، ارائه هدف و تبیین راهی که باید در آن حرکت کنند در قالب استدلال منطقی متناسب با ذهن و میزان دریافت جوانان آن هم با تکیه بر مبانی و معارف ناب اسلامی وظیفه ای مهم و لازم در جهت هویت بخشی و حل بحران هویت به جوانان است که ائمه جماعت با توجه با جایگاه اجتماعی که از آن برخوردارند بهتر از هر کس دیگر می توانند این وظیفه را به انجام برسانند.

2- کانون های فرهنگی هنری مساجد

کانون های فرهنگی هنری مساجد بر اساس مصوبه 302 شورای عالی انقلاب فرهنگی از سال 1371 با هدف مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن و احیای کارکردهای فرهنگی مساجد فعالیت خود را آغاز کرده است. دشمنان انقلاب اسلامی پس از ناامیدی در جنگ تحمیلی اقدام به تهاجم فرهنگی و جنگ نرم کردند و کم کم آن قدر پیشروی کردند که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در سال های اخیر از این جنگ نرم و ناتوی فرهنگی با عنوان، جنگ تمام عیار فرهنگی نام بردند. کانون های فرهنگی و هنری مساجد یکی از سرمایه های نظام هستند که در سنگر مساجد با هدف مبارزه با تهاجم فرهنگی ضمن تربیت نیروی جوان و متعهد در سایه سار ائمه جماعات فعالیت می نمایند (محمدی چمردانی، 1388، ص 73).

در شرایط امروز جامعه و در مواجهه با حجم گسترده و بی امان تهدیدات فرهنگی، افکار عمومی جامعه باید به سمت شناخت و معرفت عمیق دینی سوق داده شود و نخبگان و متولیان دینی نیازهای فرهنگی و اجتماعی را با تولیدات علمی و معرفتی پاسخ دهند و بستر مناسب برای استقرار چارچوب های نوین معرفتی که منطبق بر اصول دینی و متناسب با جهان نوین است مهیا شود و در این راستا مساجد و کانون های فرهنگی هنری آن سهم اساسی را برعهده دارند. فعالیت کانون های فرهنگی در مسجد بر

اساس آموزه های اسلام، در راستای نقش آفرینی عمیق دین در ایجاد تشکل های اجتماعی است در واقع نظام دهی به یک تشکیلات منسجم و هدفمند دینی. چون همان طور که اشاره شد اسلام تأسیس مرکز تجمع عمومی مسلمانان را با نام «مسجد» و فعالیت های فرهنگی و اجتماعی را در مساجد در اولویت قرار داده و اجتماع در آن را به نیکوترین وجه ستوده و شدیدترین تأکیدات را در راستای حفظ این سنگرهای توحیدی ابراز داشته است. استقرار کانون های فرهنگی در سنگر مساجد که محوری ترین نهاد فرهنگی اجتماعی نظام محسوب می شوند، باعث شده در رأس فعالیت های گسترده این کانون ها، ترویج فرهنگ مسجد و مسجد محوری قرار بگیرد (همان، ص 75).

بنابراین می توان نتیجه گیری کرد که کانون های فرهنگی هنری مساجد دو هدف اصلی دارند: یکی مقابله با جنگ نرم که جوانان را هدف قرار داده است و در تلاش است با تبلیغات و فعالیت های مرتبط با آن فرهنگ غربی را به جوانان کشور القا کند

و آن ها را از فرهنگ خود دور کند و آن ها را دچار بحران هویت از فرهنگ خوی نماید. دوم، اینکه این کانون ها با ابزار خودی به مقابله با جنگ نرم می روند. به عبارت دیگر ترویج دین، فرهنگ دینی و هویت ایرانی-اسلامی به مبارزه با تهاجم های فرهنگی می پردازند؛ بنابراین کانون های فرهنگی هنری مساجد را می توان از جمله مواردی در مسجد دانست که از بحران های هویت جوانان جلوگیری می کند.

3- پایگاه های بسیج مساجد

پایگاه های بسیج حاضر در مساجد، بازوهای اجرایی نیروی مقاومت بسیج هستند. پس از تشدید تهاجم فرهنگی غرب، مجلس شورای اسلامی در مهرماه سال 1370 با تصویب لایه ای بخشی از مأموریت «مبارزه و مقابله با تهاجم فرهنگی» را به نیروی مقاومت بسیج واگذار نمود. بسیج، نیز که در دوران تهاجم نظامی به شکلی اعجازانگیز با عاملین استکبار جهانی به مبارزه و مقابله برخاسته بود، بلافاصله پس از تصویب مجلس در پی چاره برآمد، اما این بار به خوبی می دانست که دشمن به شکلی فراگیرتر و عمیق تر، هرچند به صورت پنهان، ارزش های فرهنگ و انقلاب او را مورد یورش قرار داده است. از همین روی، تلاش های استکباری و فراگیر بیشتری فراسو نهاد. برای مثال، از همان آغاز مبادرت به تشکیل کانون های متعددی نمود و طرح های فرهنگی و آموزشی مختلفی، از جمله طرح میثاق و طرح صالحین را اجرا نمود (بابایی و همکاران، 1390، ص 2).

یکی از طرح های اجرایی مهم و گسترده در پایگاه های بسیج مساجد، طرح صالحین است. با توجه به

اهمیت فرهنگ خودی در هر جامعه ای و توجه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای به مقوله فرهنگ و ضرورت کادرسازی نیروهای متعهد، سازمان بسیج بر آن شد که در راستای تحقق منویات معظم له، نظام تربیتی صالحین را برای پایگاه های بسیج برنامه ریزی و اجرا کند. به منظور حراست از دستاوردهای نظام مقدس اسلامی و مقابله با جنگ نرم سازمان بسیج مستضعفین از اوایل سال 87 طرح بزرگ صالحین را پایگاه های مقاومت بسیج محلات به مرحله اجرا درآورد. شجره طیبه صالحین، به معنای اخص، درصدد راه اندازی حلقه های تربیتی در مسجد، با هدف ایجاد یا تغییر رفتار در مخاطبان، مبتنی بر مکتب تربیتی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است، اما صالحین به معنای عام، به فعال سازی، رونق و احیای مساجد شیعه در آخرالزمان می اندیشد. تربیت انسان مؤمن، بصیر، مجاهد، فعال، انقلابی و دارای موضع از اهداف اصلی و اساسی شجره طیبه صالحین است. صالحین درواقع، به منزله هموار کردن مسیر ظهور امام عصر (عج)، کادرسازی دوباره برای انقلاب و نیز جریان سازی فرهنگی در کشور، با هدف غالب شدن رویکرد فرهنگی در تشکل های فرهنگی و دینی است (میرمحمدتبار، 1393، ص 6).

مخاطب اصلی برنامه های نیروی مقاومت بسیج و پایگاه های بسیج در مساجد، جوانان هستند. پایگاه های بسیج در مساجد با انجام اقدامات فرهنگی توانست سالیانه چند میلیون جوان را که بیش از همه آماج تهاجم فرهنگی اند، تحت پوشش قرار دهد و هر یک را به فراخور استعدادها، نیازها و علائق در یک یا چند مقوله فرهنگی، هنری، عقیدتی، سیاسی و علمی تحت آموزش قرار دهد. نیروی مقاومت بسیج و پایگاه های بسیج در مساجد در تمام این فعالیت ها درصدد آن بود تا ارزش های دینی را در جوانان تقویت کند، هنجارهای مختلف را به آنان بیاموزد، اعتمادبه نفس آنان را نیرومند سازد، پیوند آنان را با رهبری نیرومند سازد و روحیه سلحشوری و مبارزه با استکبار را در آنان ایجاد کند (بابایی و همکاران، 1390، ص 5)؛ بنابراین می توان تأکید کرد که پایگاه های بسیج حاضر در مساجد با هدف مقابله با تهاجم فرهنگی و با اجرای برنامه های فرهنگی، تفریحی، ورزشی با توجه به مبانی دینی، سعی دارند که جوانان را به فرهنگ و سنت و دین خود بیشتر آشنا کنند و زمینه های دوری از آن را از بین می برند و با این کار در تلاش اند تا با تهاجم فرهنگی دشمنان غربی مبارزه کنند و مانع بحران هویت جوانان گردند.

(د) نتیجه گیری

بخش عمده ای از دگرگونی های امروزی که در پهنه هایی همچون ارتباطات و فن آوری پدیدار گشته است، اگرچه برخی از شاخصه های زندگی بشر امروزی را بهبود بخشیدند، از جمله رفاه، امنیت، تولید علم،

تغییر در مفهوم زمان و مکان و توجه به تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها در عرصه‌های مختلف از جمله فرهنگ؛ اما به هر رو، بشر امروزی را با چالش‌هایی نیز روبرو ساخته است که یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین آن‌چالش‌ها، مسئله هویت و بحران هویت نوجوانان و جوانان است. چنین به نظر می‌رسد راه عبور از این بحران، تأکید بر دین و نهادهای مرتبط با آن مثل مسجد است و تنها راه جلوگیری از بروز بحران و تعارضات هویتی، تأکید بر جهت‌گیری برنامه‌های نهادهای مذهبی مثل مسجد به سوی فهم فرهنگی است.

در این مقاله سعی شد رابطه مسجد، جوانان و هویت آن‌ها را بررسی شود. در ابتدا به بررسی ویژگی‌های دوره جوانی و مفاهیم هویت و بحران هویت اشاره گردید و در نهایت به نقش و تأثیر مسجد را هم در هویت بخشی به جوان و هم در حل بحران هویت پرداخته شد.

نتایج تحقیق نشان داد که مسجد نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت بخشی به جوانان دارد. مسجد می‌تواند با افزایش آگاهی اجتماعی و فرهنگی، هویت جمعی، مشارکت اجتماعی در این امر سهیم باشد. همچنین مسجد در رکن اعتماد اجتماعی نقش تام و تعیین‌کننده‌ای دارد. مسجد در ایجاد و تقویت روح برادری و برابری نقش بسیار بزرگی را در جامعه کنونی کشور ایفا می‌کند.

همچنین نتایج حکایت از این دارند که نهادهای دینی مثل مسجد می‌تواند از بحران هویت افراد، به خصوص نسل جوان، جلوگیری کند. سه رکن امام‌جماعت، پایگاه‌های بسیج مساجد و کانون‌های فرهنگی هنری در مساجد از جمله ارکانی هستند که

می‌توانند بیشترین تأثیر را بر جوانان در شکل‌گیری هویت آن‌ها بگذارند. همچنین امام‌جماعت از سه طریق شناساندن فرد به خود او، ترسیم هدف و راه رسیدن به آن و چرایی باطل بودن جریان‌های معارض و ناهم‌سو با اسلام می‌تواند به جوانان در حل بحران هویت کمک کند.

پیشنهادها

معیار خوب بودن هر تحقیق علمی، ارائه راهکارهای عملی است. در این تحقیق با توجه به موضوع تحقیق، پیشنهادها عملی ارائه می‌گردد. برای افزایش نقش مساجد، به عنوان نهادها و امکان مذهبی، بر هویت بخشی جوانان باید روی دو موضوع اصلی در مساجد تمرکز کرد. ابتدا باید جوان‌ها جذب مسجد و بعد از آن، باید نوع برنامه‌ها و فعالیت‌های مساجد را مورد توجه قرار داد تا هویت بخشی به جوان از طریق مساجد به نحو احسن صورت بپذیرد. برای رسیدن به این دو امر مهم راه‌کارهایی پیشنهاد می‌شود:

توسعه و ارتقای فعالیت های فرهنگی و سیاسی مسجد.

ب- برگزاری کلاس های هنری و علمی در رشته های گوناگون، تأسیس مکان های مناسب ورزشی و دعوت از مربیان باتجربه برای آموزش، برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی، نمایش فیلم و اجرای تئاتر و مانند آن با رعایت موازین اسلامی.

د- در انتخاب امام جماعت ب- ویژگی های خاص. (خوش رفتاری با جوانان، برخورداری از تقوای کافی و مانند آن)

تشکیل و تقویت کتابخانه مناسب برای مسجد و در اختیار داشتن کتاب های مفید و متنوع و برگزاری مسابقات کتاب خوانی، قصه نویسی و خلاصه نویسی کتاب و مانند آن.

تشویق و تحسین جوانان و نوجوانان مراجعه کننده به مساجد با اعطای جایزه های متنوع.

ایجاد روحیه شادابی و طراوت همراه با حفظ حریم های اسلام به مساجد از طریق اجرای برنامه های فرهنگی، آموزشی و هنری و برگزاری اعیاد اسلامی مثل قربان، نیمه شعبان، فطر، غدیر، میلادیه های ائمه اطهار علیهم السلام.

برنامه ها و فعالیت های مساجد نیز باید ویژگی هایی داشته باشد تا به مسئله هویت بخشی جوانان یاری رساند:

پرهیز از اجرای برنامه های یکنواخت، تکراری و خسته کننده.

«اصل آسان گیری» و «اصل اعتدال و میانه روی» در آموزش مسائل و مفاهیم دینی به نوجوانان و جوانان.

مشارکت دادن جوانان در امر برنامه ریزی های فرهنگی-اجتماعی و اجرای برنامه ها.

توجه به مقتضیات زمان و مسائل مبتلابه روز جامعه در برنامه ریزی های فرهنگی-اجتماعی به نیازها، علایق و سلیق نوجوانان و جوانان.

بررسی و تحقیق درباره نیازهای نسل جوان و ایجاد برنامه هایی در جهت برطرف کردن نیازهای آن ها در قالب برنامه های فرهنگی-اجتماعی

ص: 91

1. قرآن کریم.
2. احمدلو، حبیب، بررسی رابطه میزان هویت ملی و قومی در بین جوانان تبریز، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، 1381.
3. اشرف، احمد، هویت ایرانی. مجله گفت وگو، 1375.
4. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه. جلد سوم.
5. الطائی، علی، بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان، 1378.
6. بابایی، محمدباقر، کاوسی، اسماعیل، محمدی، علی، «بررسی نقش بسیج در مقابله با تهاجم فرهنگی در میان جوانان شهر تهران»، مجله مطالعات جهانی شدن، دوره 2، شماره 5: 1-24، 1390.
7. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، تهران انتشارات مدرسه، 1385.
8. بخشایش، اردستانی، احمد، «از جریان آزاد اطلاعات تا خلسه رسانه ای»، نشریه رشد علوم اجتماعی، 1382.
9. حاجی حسینی، حسن، «بحران هویت»، فصلنامه کتاب زنان، شماره 17، 1389.
10. خلیلی، اسماعیل، «هویت در نظام تک جهانی». مجله اندیشه و جامعه، شماره 9، 1378.
11. دادستان، پریخ، منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک 2، تهران، انتشارات رشد، 1383.
12. ربانی جعفر، هویت ملی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، 1381.
13. ساروخانی باقر، فرهنگ واژگان علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، شماره 14، 1370.
1. _، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد 1، چاپ هفتم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1383.
2. سبحانی جو، حیات علی، «هویت و بحران هویت»، پیوند، آبانماه- شماره 301، 1383.
3. سمیعی، محمد، عموزاده، حنیف، «سرمایه اجتماعی مساجد و انقلاب اسلامی ایران»، مجله پژوهش های سیاسی، شماره 4: 73-102، 1393.
4. شریف پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380.
5. شرفی، محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهران، سروش، 1379.

6. ____، جوان و بحران هویت، تهران. انتشارات سروش، 1379.

7. شفیع آبادی، عبدالله، مبانی روان شناسی رشد، تهران، شرکت سهامی چهر، 1383.

ص: 92

8. شولتس، دوان، روان شناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، چاپ پنجم، تهران، نشر نو. 1393.
9. صدر، ضیاء، کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان. تهران، اندیشه نو، 1377.
10. ضرغام حاجبی، مجید، «بررسی نقش سازمان ها و نهادهای دینی در هویت بخشی جوانان شهرستان قم»، مجله پژوهش نامه استان قم، شماره 5: 61 تا 76، 1388.
11. فتحی، حسن، اسلام و مکانیزم نظارت و اصلاح، مؤسسه مطالعات اسلامی، لندن، 1379.
12. کمالی لطف، نسرین، نقش مسجد در تعلیم و تربیت نوجوانان، تهران، دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1391.
13. گل محمدی، احمد، «جهانی شدن و بحران هویت». فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم. شماره 12 و 10، 1380.
14. گیرنا، مونتسرات، مکاتب ناسیونالیسم: ناسیونالیسم و دولت-ملت در قرن بیستم. ترجمه اجتهادی، آ.م. انتشارات وزارت امور خارجه، 1378.
15. محمدی چمردانی، هاشم، «نیازسنجی آموزشی مدیران کانون های فرهنگی هنری مساجد هرمزگان از دیدگاه مدیران و اعضا»، پژوهش نامه فرهنگی هرمزگان، سال هفتم، شماره 2 (پیاپی 14): 70-80، 1388.
1. مظفر، حسین، فرهنگ و تربیت در آموزش و پرورش، انتشارات مدرسه، 1379.
2. میرمحمدتبار، سید احمد، بررسی تأثیر اجرای طرح صالحین بر امنیت فرهنگی بسیجیان، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی سازمان مطالعات بسیج، 1393.
3. نجفی، محمود، «نقش دین در حل بحران هویت نوجوانان»، مجله رشد معلم، شماره 191، 1384.
4. نظرپور، محمدنقی، منتظری مقدم، مصطفی، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی؛ مطالعه ای درباره مشارکت اجتماعی از منظر اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره 37: 57-87، 1390.
5. نوردبی، ورنون، راهنمای نظریه: روانشناسان بزرگ. ترجمه رمضان دولتی، تهران، انتشارات رشد، 1369.
6. هودشتیان، عطا، مدرنیته، جهانی شدن و ایران، تهران، چاپخش، 1381.

Erikson, 1968. . E. H., Identity: Youth and crisis, New York: Norton- 35

.Fromm, Erich,. Man for Himself, New York: Rinehart, 1947 -36

چکیده

مسجد مهم‌ترین مکان و اصلی‌ترین پایگاه دینی در یک جامعه اسلامی است. مسجد مرکز اصلی دین، معنویت و اخلاق و انتقال آن به نسل جوان است. پاسداری از نظام اعتقادی و دینی جامعه از مهم‌ترین رسالت‌های مسجد است. یکی دیگر از رسالت‌های مهم مسجد، ارائه آموزش‌های لازم در حوزه اعتقادات دینی و اجتماعی به عموم مردم و آموزش‌های تخصصی به خواص جامعه است. گستردگی عملکرد برخی مساجد در طول تاریخ چنان بوده است که دارای نقش و کارکردی دانشگاهی بوده اند.

یکی از پرسش‌هایی که همواره در ذهن روحانیان و فعالان امور مساجد مطرح می‌شود، چگونگی اولویت بندی ارائه برنامه‌های آموزشی و تربیتی به جوانان است. پرسش دیگر این است که ارتباط و تعامل جوانان با مجموعه مساجد با چه شاخصه‌هایی در حوزه آموزشی و تربیتی، پویاتر و فعال‌تر خواهد بود. این پژوهش به صورت نظری، کتابخانه‌ای و نیز از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با تعدادی از جوانان انجام شده و در پی آن بوده است که با بررسی نیازهای رشدی، روان‌شناختی و اجتماعی جوانان و تعیین اولویت‌های آموزشی و تربیتی مساجد بر اساس آن‌ها، قدرت جذب جوانان و اثربخشی مساجد را بر جوانان افزایش دهد. نتایج این تحقیق نشان داده است که در صورت اولویت‌بندی برنامه‌های آموزشی و تربیتی بر اساس نیازهای 28 گانه جوانان که نیروی برانگیزاننده و محرک اصلی رفتارهای آن‌ها هستند، می‌توان با قوت بیشتر و برانگیزانندگی درونی، جوانان را بهتر به برنامه‌های مساجد جذب کرد.

واژگان کلیدی: جوان، نیازها، مسجد، آموزش، تربیت.

ص: 95

در این مقاله ابتدا به تعریف مفاهیم جوان، آموزش و تربیت را می پردازیم. در این بررسی کوتاه، ارتباط آموزش و تربیت‌های ضروری در حوزه مسجد و مبادی تصدیقی این پیوند ارگانیک را از منظر رشدی مطرح می کنیم. پس از آن از نیاز روزافزون انسان معاصر به رشد و تعالی متناسب با شرایط سنی جوانان سخن می گوئیم. اثبات روزافزونی گرایش جوامع معاصر به زیست معنوی، بر اساس نمودهای عینی و تحلیل‌های روان شناختی انجام می شود. بحث اصلی پژوهش حاضر، بررسی نیازهای اساسی یک جوان و متناسب با آن، ارائه اولویت‌های آموزشی و تربیتی و نیز مصادیق رفتاری الگوهای عملی با توجه به شرایط جوانی است.

الف) تعریف مفاهیم

اشاره

مهم ترین راه صیانت معنوی جامعه از آسیب‌های مختلف، بازگشت به مذهب اصیل و ریشه دار است. بدین منظور لازم است بدانیم برای دستیابی به این هدف در حوزه جوانان، از چه راهی و با چه اولویت‌هایی در حوزه‌های آموزشی و تربیتی امکان جذب بیشتر جوانان را خواهیم داشت. با بهره‌گیری از خرد، روش‌های علمی و دقت در تجربه‌های فرهنگی و تاریخی می توان به این مهم دست یافت. اهتمام مدیران، مسئولان فرهنگی و به ویژه روحانیان و فعالان اصلی مسجد به بهره‌گیری از نظرهای کارشناسانه و تلاش برای به کارگیری ظریف آن‌ها می تواند کمک شایان توجهی به ضمانت اثربخشی آن‌ها در جامعه جوان و تعمیق معنویت و تربیت صحیح افراد جامعه کند. ابتدا به تعریف مفاهیم «جوانی» و «آموزش و تربیت» می پردازیم:

1. جوانی

در تعریف دوره‌های سنی مختلف بین روان‌شناسان اتفاق نظر وجود ندارد. صاحب نظران بر اساس مبانی مختلف فکری و با در نظر گرفتن شرایط رشدی، مقاطع سنی متفاوتی را برای تعیین دوره‌های کودکی، نوجوانی و جوانی در نظر گرفته اند. تعریف جوان نیز بسته به شرایط متغیر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متفاوت است.

در مطالعه‌ای که سازمان ملل متحد با موضوع وضعیت جهانی جوانان در دهه 1990 انجام داد، این تعریف را از جوانی ارائه کرد: جوانی مرحله‌ای انتقالی از علائق و آسیب‌پذیری‌های دوران کودکی به حقوق

و مسئولیت‌های دوران بزرگ سالی است. جوانی مرحله تکالیف و مشکلات جدید است و نوجوانی معمولاً دورانی موقت شناخته می‌شود که طی آن، جامعه فرد را دیگر یک کودک نمی‌داند، ولی در عین حال به او موقعیت کامل یک بزرگ سال را اعطا نمی‌کند. جوانان در موقع بلوغ معمولاً از موقعیت کامل بزرگ سالان و حقوقی مانند تشکیل خانواده، اشتغال به کار و حقوق سیاسی برخوردار نیستند. قبل از اینکه جوان فرصت داشته باشد، از این مرحله انتقالی که جوانی نامیده می‌شود، عبور کند، اغلب با مشکلات گوناگونی در زمینه‌های بهداشت، مسائل خانوادگی، مسائل آموزشی، رشد و پیشرفت مواجه می‌شود. بر اساس تقسیم‌بندی‌های آماری دبیرخانه سازمان ملل متحد، جوانان در گروه سنی 15 تا 24 ساله قرار می‌گیرند.

شورای عالی جوانان در سال 1371 برای اولین بار گروه سنی 12 تا 25 سال را به عنوان سن جوانی در جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد و این مسئله مبنایی برای برنامه‌ریزی و سامان‌دهی امور جوانان شد؛ البته مقرر شد که نوجوانان هم در سیاست‌گذاری‌های شورا و کمیسیون‌ها مورد توجه قرار گیرند و کمیسیون‌های اشتغال و ازدواج در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های خود تا سن 30 سالگی را مد نظر قرار دهند. در سال 1384 در این تعریف بازنگری شد و گروه سنی 15 تا 29 سال به رسمیت شناخته شد؛ این تغییر به علت تکامل در رویکردها بود. در تصمیم‌گیری سال 84 با در نظر گرفتن مسائل اجتماعی نوپدید که رسیدن به سن ازدواج و تشکیل خانواده را به تعویق انداخته است، دامنه سنی از 25 تا 29 سال امتداد یافت (سطوتی، 1392).

هر چند به دلیل تفاوت‌های روان‌شناختی که وجود دارد، با ملاک قراردادن این دامنه سنی دچار اشکالاتی می‌شویم، در این مقاله بر اساس تصمیم شورای عالی جوانان در سال 1384، دوره جوانی را شامل گروه سنی 15 تا 29 سال در نظر می‌گیریم.

2. آموزش و تربیت

آموزش یا تعلیم به معنای آموختن، یعنی انتقال معلومات از معلم به متعلم است و در تعریف آن گفته‌اند: پرورش نیروی فکری و بُعد عقلانی انسان و به تعبیر دقیق‌تر، فراهم آوردن زمینه برای رشد و شکوفایی استعدادهای ذهنی انسان و یا در مرحله کامل‌تر ایجاد خلاقیت و ابتکار در فکر و نیروی اندیشه انسان (باقری، 1386).

آموزش و پرورش (تربیت) به طور روشن به مجموعه فرایندهایی گفته می‌شود که نتیجه آن‌ها رشد انسان فرهیخته به صورت آرمانی است (تقی‌پور، 1393). طبق یک تعریف دیگر، آموزش فرایندی منظم

و پیوسته با هدف هدایت رشد جسمانی و روانی یا رشد همه جانبه شخصیت برای کسب معرفت بشری، هنجارهای اجتماعی و شکوفاسازی استعدادهای فردی است (سیف، 1389). در این تعریف به چهار بخش مهم توجه شده است: 1. شکوفاسازی فردی؛ 2. رشد اجتماعی؛ 3. متعهد شدن به جامعه؛ 4. شناخت عالم طبیعت.

فعالیت‌های تربیتی یا آموزشی تمام جنبه‌های زندگی را دربرمی‌گیرند. هدف‌های پرورش عموماً خیلی کلی و جامع و دوره‌های پرورشی طولانی و پیوسته هستند. در پرورش یادگیرنده با علاقه و شناسایی استعدادهایش مسیر رشد خود را مشخص می‌کند. پرورش (تربیت) به سه شکل رسمی (پیش از دبستان تا آخر دانشگاه)، غیررسمی و مستمر ضمنی انجام می‌گیرد؛ اما مهم‌ترین و گسترده‌ترین روش آن، همان آموزش رسمی است که در همه کشورها وجود دارد و همه موظف به حضور در آن هستند (تقی‌پور، 1393).

یکی از مراکز مهم آموزش غیررسمی و مستمر که در همه محله‌ها وجود دارد و هیچ‌گاه هم تعطیل نمی‌شود، مساجد هستند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم در آموزش و تربیت جوانان اثرگذارند. مهم‌ترین کارکرد مسجد در بحث آموزش، گسترش نگرش، دانش، مهارت و انتقال الگوهای رفتاری مورد نیاز به فرد برای داشتن عملکردی مناسب در قالب یک فرد معتقد در جامعه است. ابزار آموزش در مسجد کلاس‌های آموزشی و برخورد چهره به چهره با جوانان و فراهم کردن فرصت‌هایی برای آنان است تا مسائل را به خوبی یاد بگیرند.

یادگیری نتیجه همه انواع آموزش است. هدف آموزش آسان کردن یادگیری است. یادگیری یک فرایند درونی است؛ اما آموزش یک فعالیت بیرونی برای یادگیری است. یادگیری کسب اطلاعات و اندیشه‌های تازه، عادت‌ها، مهارت‌ها، روش‌های حل مسئله، اعمال و رفتار است. طبق مشهورترین تعریف، یادگیری فرایند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری و حاصل تجربه است (کیمبل، 1961، به نقل از سیف، 1392).

یادگیری نوعی توانایی ایجادشده در فرد است و تنها از طریق مشاهده آن در رفتار آشکار فرد (رفتارها دو دسته هستند: آشکار و پنهان) می‌توان به آن پی برد. به رفتار قابل مشاهده عملکرد گفته می‌شود. یادگیری می‌تواند عمدی یا اتفاقی باشد؛ اتفاقی یعنی از قبل پیش‌بینی نشده و بدون برنامه‌ای مشخص باشد؛ مثل یادگیری‌های روزمره انسان‌ها از اطراف خود. بسیاری از آموزه‌های انسان از طریق یادگیری پنهان و غیررسمی اتفاق می‌افتد؛ از همین رو روحانی و سایر افراد اثرگذار در مسجد باید بدانند که کوچک‌ترین رفتار و گفتار آن‌ها که ممکن است برای خودشان بی‌اهمیت باشد، از منظر دیگران، به ویژه

جوانان که مراقب اعمال اطرافیان هستند و به بعضی افراد به دیده الگو می نگرند، مورد توجه خاص قرار می گیرد و بر آن ها تأثیر می گذارد.

تفکر می تواند نوعی رفتار محصول یادگیری به حساب آید و یاد گرفته شود و سپس از طریق خود تفکر، خیلی چیزهای جدید یاد گرفته و خود به وسیله ای برای یادگیری تبدیل شود. آموزش می تواند رفتار آشکار یا غیر آشکاری را که در نهایت در رفتار آشکار نمایش داده می شود، تغییر دهد؛ تغییری نسبتاً پایدار بر اثر تجربه. رفتارهای پنهان مانند تفکر، تخیل، باورها، ارزش ها و اعتقادات؛ پس عملکرد محصول یادگیری است. نسبت بین یادگیری و عملکرد مانند نسبت دانستن چگونه انجام دادن یک کار و انجام دادن آن کار است (سیف، 1392).

بروز ندادن رفتار ظاهری یا عملکرد آیا می تواند نشانه یادگیری باشد؟ عملکرد فرد تحت تأثیر انگیزش و هیجان، خستگی، بیماری و موارد مشابه ممکن است نشان داده نشود؛ مانند عملکرد یک دانش آموز در جلسه امتحان بر اثر اضطراب. در چنین مواردی آیا یادگیری انجام شده است یا خیر؟ چقدر انجام شده است؟

یادگیری، درون فردی و معطوف به یادگیرنده است، اما آموزش مستلزم فعالیتی بیرونی است که حداقل بین دو نفر معلم و دانش آموز اتفاق می افتد. آموزش وسیله رسیدن به هدف، یعنی یادگیری است. یادگیری فعالیتی است که توسط یادگیرنده و در درون او انجام می شود. وولفولک (1995) می گوید: «هیچ کس نمی تواند به جای دیگری یاد بگیرد. یادگیرندگان دانش ها و مهارت های خودشان را خلق می کنند. نقش معلم تدارک دیدن (فراهم آوردن) و هماهنگ کردن تکالیف، موقعیت ها، گفتگوها و کاوش هایی است که از یادگیری و استقلال یادگیرندگان حمایت می کند».

(ب) عوامل موثر در آموزش

1. آمادگی و توانایی یادگیری (فراهم کردن زمینه های یادگیری)

جوان باید از نظر جسمی، عاطفی و عقلی رشد کافی کرده باشد تا بتواند به خوبی یاد بگیرد و زمانی آموزش برایش مفید است که از هر نظر آمادگی لازم را داشته باشد. جوان حتی اگر بعضی از جنبه های آمادگی را کسب نکرده باشد، یادگیری برایش کسل کننده خواهد بود و چندان پیشرفتی نخواهد داشت؛ مثلاً در آموزش مبانی اعتقادات اگر یک جوان از نظر جسمی و روانی آمادگی یادگرفتن را نداشته باشد، جریان یادگیری او در این زمینه بسیار کند خواهد بود.

آمادگی در زمینه های مختلف متفاوت است. ممکن است فرد از لحاظ عقلی آماده باشد، ولی از نظر عاطفی احساس خوبی به موضوع مورد نظر نداشته باشد. هر چه فرد آمادگی بیشتری برای انجام دادن رفتار معینی داشته باشد، برای انجام دادن آن به محرک کمتری نیاز دارد؛ مثلاً خنداندن یک انسان خوشحال بسیار ساده تر از خنداندن یک شخص غمگین است. هر چه فرد آمادگی کمتری داشته باشد، تحرک بیشتری برای ایجاد آن رفتار لازم است. تدریس و فعالیت آموزش دهنده زمانی بیشترین تأثیر را در یادگیری خواهد داشت که شاگرد به آمادگی لازم رسیده باشد؛ در غیر این صورت شاگرد همچون چراغی که فتیله آن پایین کشیده شده باشد، هرگز برافروخته نمی شود و چیزی نخواهد آموخت (سیف، 1385).

2. رغبت

یکی از عواملی که نقش مهمی در جریان آموزش و یادگیری دارد، میل و رغبت جوانان به آموختن است. رغبت چیزی است که نیروی فعالیت را افزایش می دهد. جوانان در ضمن یادگیری فعال باید به موضوعی که می خواهند فراگیرند، علاقه مند باشند. برای ایجاد رغبت، لازم نیست موضوعات آموزشی را به طور تصنعی جالب نشان دهیم؛ همین که مطالب و مفاهیم بر اساس نیاز جوانان تنظیم شده باشد و مسائل اساسی و واقعی آنان را مطرح سازد و به آنان در برخورد با محیط کمک کند، رغبت آنان را بر خواهد انگیخت (دانشنامه روان-شناسی).

3. مشخص کردن آنچه باید آموخته شود

ابتدا باید مسئله ای که قرار است یاد گرفته شود، به طور دقیق تعیین و سپس فرایند یادگیری که شامل تجربه یادگیرنده معینی است، آغاز شود. نباید مطلب آموختنی آشفته و مبهم باشد (نقی پور، 1393).

4. انگیزه و هدف

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم، ایجاد انگیزه و داشتن هدف است. هدف به فعالیت انسان جهت و نیرو می دهد. اگر انسانی در طول زندگی خود هدف قابل وصولی نداشته باشد، پویایی و حرکت خود را از دست خواهد داد. هدف ارزشمند، فرد را به خواستن و طلب کردن وادار می کند. در مساجد هدف های تربیتی باید انعکاسی از احتیاجات و تمایلات جوانان باشد و به طور واضح بیان شود (دانشنامه رشد، 1391).

جوانان و اهالی مسجد باید بدانند غرض از فعالیت های آموزشی در یک مقطع زمانی خاص چیست.

مشخص بودن هدف ها در مسجد سبب هماهنگی بیشتر فعالیت های معلم و شاگرد می شود و آنان را به اجرای فعالیت های متنوع بر می انگیزد و جهت و میزان پیشرفت آنان را نشان می دهد، محیط مسجد را آموزنده و نشاط آور می سازد و سطح یادگیری جوانان را گسترش می دهد و یادگیری را عمیق تر و مؤثرتر می کند. نکته مهم دیگر داشتن هدف مشخص توسط خود جوان است. این هدفمندی نیروی بسیار عظیمی را در فرد تولید می کند و باعث می شود که برای حصول آن اهداف همواره در حال حرکت و تلاش باشد.

5. شخص و تجربه های قبلی او

آمدگی جوان در حد وسیعی تحت تأثیر تجارب اوست. فرد زمانی می تواند مفاهیم و مسائل جدیدی را درک کند که آن مفهوم و مسئله جدید با ساخت شناختی او مرتبط باشد به تعبیر دیگر فرایند یادگیری مانند روند رشد است؛ همچنان که رشد جریانی دائمی است، یعنی گذشته، حال و آینده آن با هم ارتباط دارد، یادگیری نیز جریانی است که در آن تجربه های قبلی شخص، پایه و اساس وضعیت فعلی یادگیری او را شکل می دهد؛ بنابراین آنچه فرد در آینده خواهد آموخت، باید متناسب با تجربه های او در زمان حاضر باشد. فرد وقتی مفهومی را واقعاً می آموزد که پایه و ریشه در تجارب گذشته اش داشته باشد. اگر این ارتباط برقرار نشود، یادگیری به معنای خاص خود صورت نخواهد گرفت. بنابراین روحانی همواره باید فعالیت های آموزشی را بر اساس تجرب های گذشته جوانان و متناسب با ساخت شناختی آنان طراحی و اجرا کند؛ توجه به این امر شرط اساسی موفقیت در کارهای تربیتی است. روحانی آگاه در فعالیت های آموزشی و پرورشی ابتدا زمینه ها و تجارب گذشته جوان را بررسی می کند، توان او را برای درک و تجزیه و تحلیل مسئله جدید می سنجد و بعد مفاهیم نورا با توجه به سطح دانش او ارائه می کند (تقی پور، 1393).

6. سن

روحانی باید با توجه به سنین مختلف رشد، هم از روش های متفاوتی برای آموزش دادن بهره بگیرد و هم محتواهای متنوعی که مناسب با شرایط مخاطب باشد، ارائه کند. در دوره جوانی که رشد مغزی به تکامل خود نزدیک شده است، می توان از روش های استدلال عقلی و منطقی برای اقناع جوانان بیشتر بهره برد. گفتگو کردن متناسب با سن و فهم مخاطب توصیه ای است که در روایت نبی مکرم اسلام m به روشنی بیان شده است، آنجا که می فرماید: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»: ما جمعیت پیامبران، مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن گوئیم (محمدی ری شهری، 1380).

جوانی که بهره هوشی متوسط به بالا دارد، در آموزش با سرعت بیشتری مطلب را دریافت می کند و آمادگی دریافت مطلب جدید را دارد؛ ولی آن هایی که بهره هوشی پایین تری دارند، نیازمند کندی در سرعت آموزش هستند تا بتوانند مطالب قبلی را به خوبی تجزیه و تحلیل کنند و خود را به حد بقیه برسانند؛ بنابراین روحانی در ارائه آموزش های مختلف باید به این مسئله مهم توجه داشته باشد. ممکن است یک جوان از نظر رشد جسمی یا سن شناسنامه ای 23 ساله باشد، ولی از نظر سن عقلی و هوشی در شانزده سالگی قرار داشته باشد.

8. موقعیت و محیط آموزش و یادگیری

موقعیت و محیط یادگیری مانند نور، هوا، تجهیزات و امکانات آموزشی از عوامل بسیار مؤثر در آموزش است. طبیعی است که هر چه امکانات آموزشی، کتابخانه و منابع مختلف علمی و دینی مناسب تر و بیشتر باشد، یادگیری مخاطبان در مقایسه با یادگیری شاگردان مدرسه ای که دارای فضای مناسب نیست و در آن جز کتاب درسی منبع دیگری یافت نمی شود، بسیار متفاوت خواهد بود.

محیط ممکن است عاطفی باشد؛ رابطه روحانی با جوانان، رابطه جوانان با هم، رابطه والدین با هم و نگرش والدین و مربیان در زمینه تربیت کودکان، همه می تواند در میزان یادگیری مخاطبان مؤثر باشد. موقعیت آموزش منظم همراه با محبت و احترام متقابل، نسبت به محیط های خشک و تهی از عواطف تأثیر بیشتری در یادگیری خواهد داشت. عاطفه می تواند یک عامل بسیار مؤثر در جریان یادگیری باشد. عواملی نظیر احساس ناامنی، ترس، اضطراب، ناامیدی، شک و تردید می توانند در یادگیری شخص اختلال ایجاد

کنند؛ از سوی دیگر اگر محیط آموزشی از همه امکانات یادشده برخوردار باشد، شاگرد را به کنجکاوی و تلاش برای یادگیری و حل مسائل ذهنی خود وادار می سازد. البته محیط و موقعیت تلاش برای یادگیری و حل مسائل ذهنی باید متناسب با آمادگی، استعداد، نیاز و گرایش شاگردان باشد. اگر مجموعه عوامل موجود در محیط برای شاگرد برانگیزنده و قابل درک نباشد، مسئله ای در ذهن او ایجاد نخواهد شد یا در صورت وجود مسئله، شاگرد توانایی حل آن را نخواهد داشت؛ به هر حال امکانات محیط آموزشی، اعم از نیروی انسانی و تجهیزات، وضع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده نگرش والدین و مربیان به مدرسه و معلم و هزاران عامل محیطی دیگر می تواند در کیفیت و کمیت یادگیری جوانان مؤثر باشد (سیف، 1385).

9. فرهنگ

روحانی باید با خرده‌فرهنگ و قومیت منطقه خود آشنایی کافی داشته باشد و بداند که با توجه به شرایط فرهنگی این منطقه، چه زمانی و چگونه باید به آموزش پردازد و در آموزش خود از کجا و با چه روشی آغاز کند که در تقابل با شرایط فرهنگی آن محل قرار نگیرد، بلکه بتواند از آن شرایط به شکل یک فرصت مناسب برای دادن آموزش‌های لازم به جوانان بهره‌گیری نماید.

10. نیازهای یادگیرنده

روحانی و برنامه‌ریزان مسجد باید بتوانند اطلاعاتی را که دانستن آن‌ها برای جوانان ضروری و حیاتی است، تعیین کنند و با توجه به اولویت‌های در نظر گرفته شده، به گونه‌ای آموزش را به صورت انگیزشی و جذاب آغاز کنند که موجب جذب حداکثری سایر جوانان به کلاس‌های آموزشی مسجد شود.

11. منابع موجود

ممکن است در حین آموزش روحانی تشخیص دهد که بعضی از مخاطبان نیازمند حمایت بیشتری از سوی خانواده‌هایشان هستند و یا به امکانات و شرایطی فراتر از کلاس‌های آموزشی نیاز دارند که در این صورت باید تلاش کند تا حد ممکن این شرایط را از راه‌های ممکن فراهم سازند. گاهی هم نیاز به جلسه گفتگو و مشاوره فردی وجود دارد که در این صورت باید در یک محیط امن و همراه با اعتماد و رابطه حسنه این امکان فراهم گردد.

12. روش تدریس معلم

معلم با شناخت استعدادها، علاقه‌ها و توانایی‌های شاگردان، آنان را به مسیر صحیح یادگیری هدایت می‌کند. چنین نقشی به دانش و اعتقادات معلم بستگی دارد؛ هرچند کنجکاوی و ارضای آن از بدیهی‌ترین احتیاجات شاگردان است. اگر معلم با نظریه‌ها و اصول یادگیری آشنا نباشد و تدریس را فقط انتقال واقعیت‌های علمی بداند و تجربه‌های یادگیری را منحصر به نشستن در کلاس، گوش دادن و حفظ کردن مطالب شنیده یا نوشته شده در کتاب تصور کند، مسلّم است که در تقویت کنجکاوی و پرورش استعداد و تفکر علمی شاگردان موفقیت چندانی به دست نخواهد آورد؛ زیرا شاگرد که همواره علاقه مند به فکر کردن است، در بررسی عوامل مختلف باید فرصت حرکت و جنبش داشته باشد تا بتواند به هدف‌های آموزشی

برسد. یادگیری بدون تلاش و فعالیت و تعامل با محیط صورت نخواهد گرفت. کسی که می‌خواهد یاد بگیرد، باید فعالیتی متناسب با علائق و توان خود داشته باشد و اگر در روش تدریس معلم این نکات در نظر گرفته نشود، مدرسه و کلاس برای شاگرد جالب توجه و جذاب نخواهد بود؛ اما اگر معلم خود را راهنما و ایجادکننده شرایط مطلوب یادگیری بداند و به جای انتقال اطلاعات، روش کسب تجربه را به شاگردان بیاموزد، آنان در برخورد با مسائل فعال تر خواهند شد، از منابع مختلف استفاده خواهند کرد، اطلاعات لازم را به دست خواهند آورد، به سازماندهی آن خواهد پرداخت و آن را تحلیل خواهند کرد تا بتوانند به حل مسائل نایل شوند (دانشنامه رشد، 1391).

با چنین روشی، شاگرد نه تنها حقایق علمی را فرامی‌گیرد، بلکه با روش های علمی کسب معرفت نیز آشنا خواهد شد، روش کارکردن را با منابع مختلف و نحوه استفاده از مطالب درسی برای حل مسئله را خواهد آموخت و در فرایند یادگیری، ابتکار و خلاقیت خود را به کار خواهد انداخت (سیف، 1385).

دو دسته کلی استاد در تعامل بین معلم و متعلم وجود دارد: دسته اول استادان درس نگر هستند که صرفاً محتوای دروس و انتقال آن به فراگیرندگان مطمح نظر آن هاست؛ ولی دسته دوم استادان شاگردنگر هستند که شاگردان را محور اصلی فعالیت های آموزشی خود قرار می‌دهند و به دنبال پرورش انسان با چارچوب های آموزشی و تربیتی موردنظر هستند. این گروه از استادان به صورتی رابطه مدار تلاش می‌کنند محتوای درسی را در یک جو صمیمی و جذاب به شاگردان انتقال دهند (نعیمی، 1389).

13. ابزارهای کمک آموزشی

تنوع در آموزش و استفاده از ابزارهای جدید برای انتقال دانش و مفاهیم، یکی از ضروریات تدریس در سال های اخیر است که در افزایش بازدهی آموزش، تأثیر انکارناپذیری دارد. استفاده از دستگاه ویدئو پرژکتور و تنوع در پخش پاورپوینت، فیلم و عکس، تخته های هوشمند و یا حداقل استفاده از دستگاه های پخش صوت و تصویر کمک شایان توجهی به اثربخشی آموزش می‌کند.

14. توجه از کل به جزء

روانشناسان مکتب گشتالت معتقدند کل، اجزا را در یک طرح و زمینه قرار می‌دهد و ارتباط آن ها را روشن می‌سازد. به نظر ایشان، اجزا به تنهایی بی معنا و نامفهوم هستند، ولی وقتی در یک طرح زمینه قرار بگیرند، معنا و مفهوم آن ها روشن می‌شود. طرح یا کل قابل انتقال و تعمیم است، اما اجزا و کیفیت خالص

آن‌ها این خصوصیت را ندارد. طرح یا کل، عناصر را مشخص می‌سازد و آن‌ها را در یک زمینه خالص و منظم به هم ارتباط می‌دهد. مطالعه فرایند یادگیری نشان می‌دهد که حرکت از کل به جزء روند یادگیری را بهتر و فهم مطالب را آسان‌تر می‌کند. البته کل معادل مجموع اجزا نیست و بررسی تک تک اجزا و روی هم قرار دادن آن‌ها سبب تصور کل نمی‌شود. کل عبارت است از نحوه ارتباط و پیوند اجزا با هم و تا این ارتباط مشخص نشود، اجزا قابل فهم نیستند (دانشنامه رشد، 1391)؛ مثلاً اگر شما تمام اجزای یک خودرو، اعم از لاستیک‌ها و موتور و پیچ‌ها و دیگر اجزای به کاررفته در یک خودرو را روی هم در یک نقطه بدون نظم مشخص بریزید، هرچند تمام اجزای یک خودرو وجود دارد، شما خودرویی در اختیار ندارید.

در جریان تدریس معلم باید در حد امکان، ابتدا مطالب درسی را به صورت کل مطرح کند و ارتباط اجزا با کل را مشخص سازد و پس از آن به بررسی و تحلیل اجزا بپردازد. مطالعه جزئیات بدون در نظر گرفتن رابطه آن‌ها با هم و همچنین رابطه آن‌ها با کل، موجب پریشانی فکر خواهد شد؛ در حالی که مطالعه از کل به جز با مشخص کردن روابط جز با کل، به فراگیران قدرت تحلیل می‌دهد و در نتیجه یادگیری آن‌ها معنا دار می‌شود؛ به عبارت دیگر، حفظ و تکرار، جای خود را به فهم و اندیشه می‌دهد (سیف، 1385).

15. تکرار، تمرین و مرور

منظور از تکرار عمدتاً گفتن یک مطلب برای خود با صدای بلند یا آهسته است. ساده‌ترین نوع تکرار یا مرور با هدف نگهداری یک موضوع در حافظه کوتاه‌مدت تا زمان استفاده از آن انجام می‌شود (سیف، 1392).

تأثیر تمرین و تکرار در کل فرایند یادگیری و حیطه‌های مختلف آن، به ویژه در حیطه روانی - حرکتی، انکارناپذیر است. همه این ضربه‌ها المثل قدیمی «کار نیکو کردن از پر کردن است» را شنیده‌اند و واقف‌اند که بازی روی یخ یا رانندگی، فقط در نتیجه تمرین و تکرار یاد گرفته می‌شود و اگر تکرار نباشد، این آموزش‌ها دیر یا زود به فراموشی سپرده خواهد شد؛ ولی این نکته نیز انکار نشدنی است که کیفیت اجرای تمرین، مقدار و زمان آن نقش بسیار مهمی در تثبیت شدن یا نشدن رفتار دارد. چنان‌که آزمایش‌های متعدد نشان داده است، اجرای تمرین در زمان غیر متمرکز، اثر یادگیری بیشتری نسبت به اجرای تمرین در زمان متمرکز دارد؛ مثلاً شاگرد موضوع مورد یادگیری را در دو تمرین بیست دقیقه‌ای، زودتر از یک تمرین چهل دقیقه‌ای یاد می‌گیرد؛ از همین رو تمرین و تکرار مؤثر باید شرایط و ویژگی خاصی داشته باشد؛

از جمله اینکه باید منظم و مرتب و طول دوره های آن مناسب باشد و در شرایط واقعی و طبیعی انجام پذیرد. تمرین نباید بیش از حد طولانی و خستگی آور باشد. هرگاه عملی به طور سریع و متوالی تکرار شود، اغلب موجب کاهش کارایی تمرین می شود؛ به این معنا که شخص در انجام دادن آن عمل به تدریج کندتر و ضعیف تر می شود تا اینکه سرانجام از انجام دادن آن سرباز می زند؛ در واقع خستگی یادگیری را کاهش می دهد (دانشنامه رشد، 1391).

16. تقویت

گفتار، کردار یا پاداشی که احتمال تکرار یک موضوع آموزش داده شده را افزایش دهد، تقویت نامیده می شود که دارای انواع مختلفی است. آموزش دهنده منبع بسیار مهمی برای تقویت موضوع آموزش داده شده است. یادگیرنده ای که قبل یا بعد از انجام آموزش، تقویت می شود، احتمال تکرار رفتار تشویق شده را افزایش می دهد. مهم ترین نوع تقویت کننده ها، تقویت کننده های اجتماعی هستند؛ مانند لبخندزدن، تأیید با چهره و تکان دادن سر، تعریف کردن، تشویق های کلامی، استفاده از الفاظ محبت آمیز و برجسته کردن ویژگی های مثبت یک شخص در میان جمع (سیف، 1385).

ج) منابع تعیین اهداف و اولویت های آموزشی و تربیتی

باید بینیم که برای تعیین درست اولویت های آموزشی و تربیتی چه منابعی را باید مورد مطالعه و دقت نظر قرار دهیم تا به نتایج قابل وصول برسیم. تقی پور (1393) منابعی را که برای تعیین اهداف آموزشی و تربیتی باید مورد بررسی قرار گیرند، به پنج دسته کلی زیر تقسیم می کند:

1. بررسی و مطالعه جوان و نیازهای اساسی او؛ 2. جامعه و نیازهای آن؛ 3. نظریات اصحاب علم؛ 4. استعانت از روان شناسی یادگیری و پرورشی؛ 5. فلسفه آموزش و پرورش مستقر در جامعه.

ما در این مقاله بر مبنای بررسی دقیق نیازهای اساسی جوان، در صدد تحلیل و بررسی اولویت های آموزشی و تربیتی به صورت طبقه ای هستیم.

د) نیازهای اساسی جوان

اشاره

مهم ترین دغدغه تربیتی انسان های نیک اندیش، معلمان، مربیان و روحانیان دلسوز و متعهد این است که با اصلاح رفتار خویش و دیگران، همگان را به سوی سعادت دنیا و آخرت رهنمون شوند؛ اما برای

رسیدن به این مقصود مهم و البته دشوار، لازم است ابتدا ماهیت انسان شناخته شود و ریشه‌های رفتار او مشخص گردد تا آموزش لازم برای رشد افزون تر یا اصلاح رفتار با شناخت ریشه‌ها، صحیح‌تر و سریع‌تر انجام شود.

عواملی از درون یا بیرون از وجود انسان به عنوان محرک در رفتار و سرنوشت او تأثیر مهم و بسزایی دارند. در این مقاله ما به دنبال آشنایی با عوامل محرک درونی یا نیازها هستیم. وقتی از نیاز صحبت می‌کنیم، هدفمان این است که به چرایی رفتار انسان پاسخ دهیم. روان‌شناسان معتقدند که نیازها به وجود آورنده انگیزه‌ها هستند و انگیزه‌ها مؤلفه رفتار؛ به عبارت دیگر نیاز یک سطح تشش در موجود زنده ایجاد می‌کند و موجود زنده می‌کوشد با برآوردن نیازها این تشش را کاهش دهد (گنجی، 1389)؛ پس نیاز در واقع سه کار انجام می‌دهد: 1. به رفتار انرژی می‌دهد. 2. باعث تداوم و استمرار رفتار می‌شود. 3. رفتار را در جهت مناسبی هدایت می‌کند تا باعث ارضای نیاز شود.

حالا- با دانستن اهمیت نیازها و آشنایی با هفت طبقه نیازهای انسان و سه کار مهم آن‌ها، برای اینکه بتوانیم تعاملی اثربخش و یک برنامه ریزی آموزشی و تربیتی درست و منطبق با ویژگی‌های سرشتی جوانان داشته باشیم، لازم است به این نکته بسیار مهم روان‌شناختی پردازیم که اصولاً جوانان دارای چه

نیازهای اساسی هستند؛ زیرا با دانستن این نیازها، به شناختی بهتر و متناسب با ماهیت شخصیتی آن‌ها خواهیم رسید و می‌توانیم با علم به این شاخصه‌ها، اولویت‌های تعاملی، آموزشی، اخلاقی و تربیتی را در فعالیت‌های مسجد تنظیم کنیم تا بتوانیم در تعاملی کارآمد با اثربخشی افزون‌تری به جذب جوانان در برنامه‌ها و امور مسجد نائل شویم.

1. نیاز به مذهب و معنویت

انسان از ابتدای تولد و در دوران طفولیت سرشار از فطرتی پاک و زلال است که جوشش‌های درونی انسان را که همان بعد اخلاقی و مذهبی است، سبب می‌شود. نوجوان با دل و روح زلال و آرمان‌طلبی که دارد، به دنبال عدالت‌طلبی و حقیقت‌جویی و خداخواهی است. اعتقاد به خداوند و داشتن ایمان به او و در پی آن، درپیش گرفتن الگوهای صحیح رفتاری و اعتقادی، نه تنها روش زندگی مناسب را به کودکان و نوجوانان می‌شناساند، بلکه ارزش‌هایی را که لازمه یک زندگی سالم است، به آنان معرفی می‌کنند. اعتقاد نداشتن به ارزش‌های صحیح زندگی باعث می‌شود نوجوانان معیارهایی بی‌ارزش را انتخاب کنند و در نهایت به سرخوردگی و پوچی در زندگی دچار شوند. (حجازی، 1391).

نجات از بسیاری از تشویش‌ها و اضطراب‌های روحی با گرایش انسان به مذهب و یاد خدا تحقق

می یابد. به نظر روان شناسان دوران بلوغ و جوانی دوره بروز احساسات مذهبی و شکفته شدن تمایلات ایمانی و اخلاقی است. در این دوره، جوانان به طور فطری از عالم مبدأ باخبر می شوند و در جستجوی حقیقت هستند. گالاتز، فیز، و برگین اظهار می دارند که «مذهب» با «سلامت روانی» همبستگی مثبتی دارد؛ به عبارت دیگر افراد مذهبی دارای سلامت روانی و انعطاف پذیری بیشتری نسبت به افراد غیر مذهبی هستند. همچنین ویلیام جیمز می گوید: «مؤثرترین داروی شفابخش نگرانی های انسان همان ایمان و اعتقاد مذهبی او به خداست». مانسون نیز در سال 1998 در پی تحقیقاتی در باب نقش مذهب در بهداشت روانی افراد، به این نتیجه رسید که دعا یکی از رفتارهای مذهبی مرتبط با سلامت روانی و تندرستی است (اکبری، 1381، به نقل از سایت حوزه).

برخی از روان شناسان اذعان داشته اند که اعتقاد به خدا و توکل به او نیرویی در انسان ایجاد می کند که باعث می شود در برخورد با مشکلات با تلاشی مضاعف، امیدوارانه راه رسیدن به کمال و موفقیت را طی کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «هر کس بر خدا توکل کند، امور سخت و سنگین بر او خوار و نرم و آسان می شود و اسباب و وسیله ها برایش فراهم می گردد و در آسایش، راحتی و کرامت جای می گیرد». (خوانساری، 1379)

اعتقاد به یک منبع معرفتی ثابت و پر قدرت موجب اتصال انسان به سرچشمه فیض ازلی و ابدی و تقویت مداوم درونی او می شود؛ از همین روی است که روان شناسی به سمت و سوی اصلی خود که اخذ آرامش از منبع اصلی و حقیقی آن است، پیش می رود؛ چراکه بنا بر فرمایش قرآن کریم «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: 28).

برای پاسخگویی به این نیاز می توان کلاس های آموزشی و تربیتی در حوزه احکام و اعتقادات دینی، معنویت واقعی، اخلاق عملی، عرفان اسلامی، آشنایی با شخصیت و سیره اهل بیت علیهم السلام، بزرگان دینی و معنوی و ارائه الگوهای دست یافتنی برگزار کرد و با سیراب کردن این نیاز جوانان، زمینه جذب آن ها را فراهم نمود. غفلت ما از پاسخگویی صحیح به این نیاز، موجب جذب جوانان به عرفان های کاذب شده است و این یعنی قدرت شدید این نیاز اگر به درستی هدایت نشود، می تواند باعث گمراهی جوانان شود.

2. نیاز به حقیقت جویی

نیاز به شناخت حقیقت را می توانیم نیاز به دانایی یا دریافت واقعیت جهان نیز بنامیم. مقصود این است که در انسان چنین گرایشی وجود دارد: گرایش به کشف واقعیت ها آن چنان که هستند، درک حقایق

پدیده‌ها؛ اینکه انسان می‌خواهد جهان را، هستی را، اشیاء را آن‌گونه که هستند، بشناسد. از دعاهای منسوب به پیغمبر اکرم a است که «اللّٰهُمَّ ارنی الاشیاء کما هی». اساساً هدف آنچه «حکمت» و «فلسفه» نامیده می‌شود، پاسخ به همین نیاز انسان است. اصلاً اگر بشر به دنبال فلسفه رفته، برای پاسخگویی به همین حس بوده است و می‌خواسته حقیقت جهان و اشیاء را درک کند؛ بنابراین می‌توان این حس را «حسّ فلسفی» هم نامید. این

مسئله در پی حقیقت بودن یا حقیقت جویی، از نظر فیلسوفان همان کمال نظری انسان است؛ یعنی انسان به طور ذاتی و بالفطره می‌خواهد به کمال نظری برسد و حقایق جهان را درک کند. (مطهری، 1385).

3. پرسشگری و رفع شبهات دینی

جوان جامعه ما نیاز دارد به پرسش‌های دینی اش پاسخ داده شود و اقناع گردد؛ به تعبیر دیگر پاسخگویی به سؤالات جدید نسل جوان و قانع کردن او و تطبیق دادن شیوه پرداختن به احکام دینی با شرایط و اقتضائات جوان امروز و شرایط پیش رو از ضروریات است. گویی جوان، خود می‌گوید: «ذهن من پُر است از سؤالات فراوان از دین. اگر جوان به غنای فرهنگی - دینی برسد و فقر فرهنگی نداشته باشد، به تدریج بر همه مشکلات غلبه خواهد کرد؛ در آن صورت، فرهنگِ درست دین‌داری و مظاهر رفتاری آن را می‌آموزد.

در این زمینه پیشنهاد می‌شود روحانیان جلساتی با جوانان داشته باشند و از ایشان بخواهند هر سوال و شبهه‌ای که در حوزه مسائل دینی دارند، بدون هیچ محدودیتی بپرسند و آن‌ها نیز با سعه صدر و به صورت دقیق پاسخ لازم را ارائه کنند و در صورت نیاز به مطالعه و یا کسب اطلاع دقیق، هیچ ابایی از گفتن «نمی‌دانم» یا «مطمئن نیستم و باید بیشتر بررسی کنم»، نداشته باشند که در این صورت گوهر ارزشمند «اعتماد» روح حقیقت‌جوی جوانان را نیز با خود همراه خواهند کرد.

4. نیاز به شناخت هویت و تثبیت آن

شناخت جوان از خود و رسیدن به پاسخ این پرسش که «او کیست و چیست»، باعث تقویت احساس هویت و حفظ تعادل روانی و عاطفی در مقابل فشارهای درونی و بیرونی می‌شود. به نظر اریکسون هویت عبارت است از افتراق و تمیزی که فرد بین خود و دیگران قائل می‌شود. از دید او هویت یک سازه روانی - اجتماعی است که طرز فکر، عقاید فرد و نحوه ارتباط او با دیگران را دربرمی‌گیرد. هویت فردی نیز جنبه‌هایی از هویت است که کمک می‌کند فرد خودش را از دیگران جدا کند و شامل دسته‌ای از

ارزش‌ها، باورها و هدف‌هایی است که فرد دارد و از دید دیگران پنهان نیست (برقی مقدم، 1388). هویت در کنشی دائمی با جهان فیزیکی و اجتماعی رشد می‌کند و این فرایند رشدی در قالب ساخت‌های شناختی ظاهر

می‌شود. هویت اساساً یک نظریه راجع به خویش‌شناسی است که شامل فرضیات، ساختارها و قیاس‌های منطقی منطبق با افراد است (نعیمی، 1393).

هویت‌یابی از اواخر دوره نوجوانی شروع می‌شود و تا اوایل دوره جوانی ادامه دارد. وظیفه اهالی مسجد در این دوران، صبوری و مدارا کردن با بعضی رفتارهای جوانان نارس است؛ همچنین تعامل مثبت و همراهی کردن با جوانان و در کنار ایشان قرارگرفتن، با آن‌ها همراه بودن و با هم طی طریق کردن موجب دریافت الگوی عملی اخلاقی و رفتاری خواهد بود و در واقع از طریق «القا» آموزش تربیتی در جوان محقق می‌شود. حضور جوانان در مسجد و پذیرش ایشان توسط اهالی مسجد، هویت جدید «جوان مسجدی» به آن‌ها اعطا می‌کند.

5. نیاز به خوداتکایی و استقلال

در دوران جوانی وابستگی‌های عاطفی تبدیل به دل‌بستگی‌های عاطفی و به تدریج اتکای بیشتر به خود می‌شود. در این دوره جوان سعی می‌کند، تصمیمات زندگی خود را به صورت مستقل بگیرد و آن‌ها را به انجام برساند؛ زیرا چنانچه فرد احساس کند که تحت تسلط و نفوذ دیگران است، علاقه و اشتیاق به ادامه زندگی را از دست می‌دهد. استقلال جوانان از ابعاد مختلفی قابل بررسی است؛ از جهات عاطفی، اقتصادی، فکری و فردی. در دوره نوجوانی و جوانی، انسان بیش از سایر دوره‌های زندگی خود مجال خودنمایی پیدا می‌کند. چنانچه شخص در این دوره با فرصت کافی توانایی‌ها و علایق واقعی خویش را به عرصه ظهور و نمایش برساند، می‌تواند واقعیت درونی خود را بهتر بشناسد؛ چنین شناختی منجر به خودشناسی خواهد شد و کسی که توانایی‌ها و امکانات و ضعف خود را خوب بشناسد، آینده بهتری را برای خود ترسیم می‌کند (کشاورزی، 1386).

6. نیاز به تعلق به گروه

در جریان رشد فردی و استقلال‌طلبی و با کم‌رنگ شدن وابستگی به خانواده، جوان وارد گروه‌های همسالان و سایر گروه‌های اجتماعی مانند کانون‌ها، انجمن‌ها، هیئت‌ها و بسیج می‌شود. در بعضی مواقع

معیارهای گروهی بیشتر از معیارهای خانواده و مدرسه در رفتار نوجوانان و جوانان تأثیر دارد و آن‌ها تلاش

می کنند در بیشتر معاشرت ها و رابطه صمیمانه با آن ها، خود را با معیار گروه منطبق سازند. جوان برای احساس تعلق به گروه، بیشترین فعالیت را از خود بروز می دهد. گروه همسالان جایی است که نوجوانان و جوانان می توانند توانایی ها و استعداد های خود را در حد اعلا نشان دهند و رضایت خاطر کسب کنند. ورود به گروه و تعلق داشتن به آن به معنای پذیرش و قبول گروه توسط جوان است. هر نوع رویدادی که بر این پذیرش اثر بگذارد، جوان را دچار تزلزل، احساس بی اعتمادی به خود و احساس بی کفایتی خواهد نمود؛ اینجاست که گروه می تواند اثر نرم و خاص خود را در تغییر جوان نشان دهد. جوانان برای گریز از تنهایی و غربت، اشتیاق عمیقی به گروه پیدا می کنند و شاید به وجود آمدن این همه گروه های علنی و غیرعلنی به علت نیاز به «احساس تعلق» باشد که در جایی دیگر برآورده نمی شود (نعیمی، 1393).

برای پاسخگویی صحیح به این نیاز، تقویت فعالیت ها و برنامه های متنوع کانون های فرهنگی و هنری مساجد، هیئت های مذهبی، پایگاه بسیج و تشکیل حلقه های علمی-معنوی می تواند در عمل اثربخشی خود را در ارضای این نیاز جوانان نشان دهد.

7. نیاز به اثبات خود و ابراز وجود

جوان به شدت نیازمند آن است که دیگران حضور او را قدر بدانند و ارج نهند و شخصیت او را به حساب آورند. این مسئله نوعی تمرین شخصیت برای جوانی است که در حال کسب استقلال از خانواده پدری است و انگایش را از خانواده برمی دارد و به خود تکیه می کند. خانواده هایی که به این نیاز جوانان خود جامه عمل می پوشانند و به موقع پاسخگویی احتیاجات واقعی و اساسی شخصیت آن ها می شوند، کمتر در تقابل با جوانان خویش قرار می گیرند و این دوران را با آرامش بیشتری سپری می کنند (شرفی، 1383).

8. نیاز به دل بستگی های عاطفی، دوستی و مهربانی

یکی دیگر از نیازهای جوان نیاز عاطفی است. خلأ محبت یا دوست داشتن و دوست داشته شدن، آثار منفی بر روح و روان یک جوان دارد. کمبود محبت در اکثر مواقع، باعث بروز رفتارهایی از سوی انسان ها می شود که نتیجه آن احساس حقارت است و ممکن است باعث احساس تنهایی و انزوا در جوان شود. جوان نیاز به محبت والدین، محبت دوستانه و در سال های بعدی محبت همسری و حتی محبت های معلم خود دارد. وقتی جوان در مسجد با اخلاق خوش اهالی مسجد و جویاشدن احوال و وضعیت خود مواجه می شود، ضمن تجربه یک احساس خوب، پیوند عاطفی هم با ایشان برقرار می کند و این امر موجب

9. نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده

اولین نیاز در سلسله مراتب مازلو شامل مجموعه‌ای از نیازهای فیزیولوژیکی لازم برای تعادل حیاتی بدن، آرامش و بقاست. یکی از این نیازهای بسیار ضروری و پر قدرت، نیاز جنسی است که خداوند در وجود انسان‌ها قرار داده و راه صحیح ارضای آن را نیز ازدواج نامیده است (گلزاری، 1394). با ازدواج علاوه بر تأمین نیاز جنسی، چند نیاز دیگر انسان نیز برآورده می‌شود. نیاز جوان به استقلال و دوست داشتن و دوست داشته شدن از همین نیازهاست که با ازدواج برآورده می‌شود و بنا بر فرمایش قرآن کریم در سوره مبارکه روم، به آرامش و مودت و محبت می‌رسد.

نیاز به ازدواج یک اساسی و بسیار پر قدرت در آدمی است که تأمین آن به عوامل گوناگونی بستگی دارد. نقش اهالی مساجد از جهات گوناگون قابل بررسی است؛ از جمله به عنوان تسهیل کننده و یاری دهنده در مسئله ازدواج جوانان، به ویژه از نظر فکری و شناختی. برگزاری کلاس‌های آموزشی برای شناخت معیارهای ازدواج، چگونگی تطابق معیارها با مصادیق، بررسی شرایط لازم برای ازدواج، مهارت‌های همسر داری، آفت‌های روابط زوجین، همسر داری فوق العاده و روش و منش اولیای الهی در ارتباط با همسر از مواردی است که اهالی مسجد می‌توانند با برگزاری آن‌ها، به هر چه بهتر برآورده شدن نیاز جوانان به تشکیل یک خانواده موفق و صمیمی و سالم کمک کنند.

10. نیاز به امنیت و آسایش

احساس امنیت و آسایش بیش از هر چیز دیگری ادامه زندگی را سهل و آسان می‌کند. چنانچه جوان، امنیت و آرامش را در محیط زندگی خود و از آن بهتر در درون خویش، احساس نماید، راحت تر می‌تواند خود را با محیط اطراف وفق دهد و آن را نیز کامل تر بشناسد و با این شناخت، بهتر می‌تواند آینده‌ای روشن و سرشار از سعادت و نیک‌بختی را برای خود رقم بزند. این امنیت و آسایش در پرتو عمل به دستوره‌های دینی و رعایت حقوق انسانی و ایمانی سایر انسان‌ها بیشتر و بهتر تأمین می‌شود و روحانی مسجد می‌تواند با ارائه نکات اخلاقی و تعریف و توضیح شرح حال بزرگان و نحوه سلوک عملی ایشان در میان مردم، به این امر کمک کند.

11. نیاز به کسب مقبولیت و احترام

همه انسان‌ها از جمله جوانان دوست دارند مورد تکریم و احترام دیگران باشند و دیگران در برخورد

با آن‌ها این احترام و ادب را در کردار، گفتار و حالات چهره و رفتار خود نشان دهند. جوانان به دلیل داشتن ارزش‌های ثابت و استوار و معمولاً آرمانی‌شان، به حفظ شدن احترام، عزت نفس و مقبولیتشان نزد دیگران نیاز و تمایل ویژه‌ای دارند؛ بنابراین وقتی ببینند که می‌توانند به خوبی انتظارات و توقعات محیط و اطرافیانشان را برآورده کنند، در این جهت حرکت می‌کنند. داشتن توقع احترام از دیگران و احترامی که فرد به خویشان می‌گذارد، باعث می‌شود که نیاز فرد به احترام و عزت نفس، در جامعه ارضا شود.

اهالی مسجد می‌توانند با گذاشتن احترام فراوان به جوانان با بلندشدن پیش پای آن‌ها وقتی وارد مجلس می‌شوند،

احوال پرسبی کردن گرم با آن‌ها، لبخندزدن و دست دادن با رعایت ادب، درخواست سکوت از دیگران وقتی جوانان صحبت می‌کنند، تشویق و قدردانی کردن از آن‌ها در مقابل جمع، بازگرددن شایستگی‌های ایشان برای دیگران و صحبت کردن با آن‌ها با زبان نرم و شیوا و چهره‌ای بشاش و خندان، در ارضای این نیاز و جذب جوانان موثر باشند. عمل کردن به این موارد در واقع آموزش عملی هم در رفتارهای تربیتی به جوانان می‌دهد. امام صادق علیه السلام در این باره

می‌فرماید: «کونوا دُعَاءَ لِلدَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ، لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْاِحْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَاِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ»: مردم را با غیر زبان خود [به مذهب خویش] دعوت کنی، تا پارسایی و سخت‌کوشی [در عمل و عبادت] و نماز و خوبی را از شما ببینند؛ زیرا این‌ها، خود [بهترین] مبلّغ‌اند (عاملی، 1393).

12. نیاز به قدردانی

انسان در دوره نوجوانی و جوانی نیاز دارد که اطرافیانش از تلاش‌ها و کارهای مفید او قدردانی و تشکر کنند؛ بنابراین چنانچه از وی تشکر و قدردانی نشود و مورد حمایت و تشویق قرار نگیرد، نوعی بی‌انگیزگی و ناامیدی به فرد دست خواهد داد.

13. نیاز به هدفمندی

زندگی انسان بدون هدف فاقد معناست. انسان‌ها سعی می‌کنند به فعالیت‌هایی دست بزنند که برای آن هدفی در نظر گرفته‌اند و تلاش برای رسیدن به همین هدف هاست که نیروی تحرک آن‌ها را چندین برابر می‌کند؛ بنابراین بین هدف و تحرک نوعی همبستگی مثبت وجود دارد؛ یعنی هرچه هدف بزرگ‌تر باشد، تحرک و فعالیت نیز بیشتر است. به همین دلیل جوانانی که هدف مشخصی را دنبال نمی‌کنند و یا هدف کوچکی را برای خود تعریف کرده‌اند، زندگی‌شان فاقد ارزش است و دائماً افسردگی، بی‌انگیزگی و ناامیدی

همراه با احساس تنهایی، پوچی و سردرگمی به آن‌ها دست می‌دهد (سایت حوزه، 1391).

14. نیاز به جلب توجه و احساس دیده شدن (پذیرش و مقبولیت)

یکی از نیازهای اساسی یک جوان این است که مقبول خانواده و اطرافیانش باشد. جوان باید احساس کند که موقعیت مطلوب و قابل قبولی در بین افراد مهم زندگی و اطرافیانش دارد. اهالی مسجد با توجه به مراداتی که با جوانان برقرار می‌کنند و نیز سوابق ذهنی و تجربیات شخصی که از ارتباط با جوانان خودشان دارند، به برنامه‌ای عملی می‌رسند که بر اساس آن، جوانان یک مسجد از موقعیت و جایگاه یکسانی در نزد آن‌ها برخوردار نیستند؛ بلکه برخی جوانان نزد آن‌ها در شرایط بهتر و بعضی دیگر در

وضعیت نامطلوبی قرار دارند که این احساس قرار داشتن در وضعیتی نامطلوب، ممکن است منجر به کناره‌گیری و در نهایت جدایی جوان از مسجد شود (نعیمی، 1393).

واگذار کردن برخی از کارهای مسجد به جوانان موجب می‌شود که این نیاز در آن‌ها برطرف شود و احساس مفید و موثر بودن بیشتری داشته باشند. برخی از جوانان دوست دارند میکروفون مسجد را به دست بگیرند و مداحی کنند یا مولودی بخوانند؛ اگر حداقل شرایط لازم را داشته باشند، دادن اجازه این کار به آن‌ها بسیار مفید خواهد بود.

15. نیاز به جلب اعتماد دیگران

جوان دوست دارد مورد اعتماد واقع شود و به وی کاری سپرده شود که مهم است و در شرایط عادی به افرادی بزرگ‌تر از سن او واگذار می‌شده است؛ لذا تمام تلاش خود را برای نشان دادن توانایی و کارایی اش صرف می‌کند تا بتواند اعتمادی را که به او می‌شود، ارج گذاشته، تقویت نماید.

16. نیاز به دیده شدن، شنیده شدن و شناخته شدن

یکی از نیازهای مهم جوانان درک شدن ایشان توسط افراد بزرگ‌سال، به ویژه اعضای خانواده است. جوانان نیاز به گفتگو و عمیق شدن روابطشان با دیگران دارند تا بتوانند با تحکیم روابط با آن‌ها دلتنگی‌های خود را با ایشان در میان بگذارند. از سوی دیگر نیاز به مطرح شدن در جمع و کسب شهرت نیز در جوانان وجود دارد. این نیاز برای جوانی که در حال استقلال‌خواهی است، به قدری جدی است که گاهی اوقات برای به دست آوردن آن انواع خطرات مختلف را به جان می‌خرد. اهالی مسجد می‌توانند متناسب با این نیاز جوانان، اقدام به طراحی برنامه‌هایی نمایند که آن‌ها بتوانند با نشان دادن توان و لیاقت خود، این نیاز خود به

مطرح و دیده شدن را در جهت درست ارضا کنند و جذب فعالیت های معنوی گردند (نعیمی، 1393).

17. نیاز به تجربه مسئول بودن

یکی از نیازهای بسیار مهم جوان این است که مسئولیت کاری به او سپرده شود و آن کار با اجازه، هماهنگی و همکاری وی به انجام برسد. این مسئله همزمان چند نیاز دیگر جوان را نیز ارضا می کند؛ مانند نیاز به جلب اعتماد دیگران، نیاز به احساس بزرگ شدن، نیاز به کسب احترام، نیاز به تجربه اندوزی، نیاز به مورد توجه واقع شدن و نیاز به اثبات خود (کشاورزی، 1386)؛ بنابراین خوب است که مسئولیت بعضی از کارهای مسجد را به جوانان بدهیم. آن ها برای اینکه خودشان را نشان دهند، تمام تلاش خود را برای موفقیت در این امر به کار خواهند گرفت.

18. نیاز به اشتغال فکری و جسمی

جوان سرشار از انرژی است و لازم است این انرژی در موقعیت های مناسب به کار گرفته شود. اگر این اتفاق نیفتد، با توجه به گرایش های غریزی جسمانی که در فرد وجود دارد، این انرژی به مسیرهای نادرست منحرف خواهد شد؛ بنابراین باید با یک برنامه ریزی دقیق، اوقات فراغت نوجوان و جوان را با برنامه های متنوع و مفرح فکری و جسمی به جهات مقبول هدایت کرد و به صورت بهینه از آن ها استفاده مطلوب را به عمل آورد. (حوزه، 1391).

19. گرایش به کمال

مرز تفکیک انسان از سایر موجودات، عشق به برترین هاست و این حس است که به انسانیت معنا می بخشد. از این منظر کمال گرایی نیاز روحی بشر تلقی می شود. کمال گرایی به جوانان بیش از بزرگسالان پویایی می بخشد و آرمان نوینی پیش رویشان قرار می دهد. مذهب از سرچشمه های اصیل و منابع قابل اتکایی است که می تواند کمال گرایی جوان را ارضا کند و با تدوین ساختار ارزش ها، برای پرسش های فطری نوجوان در خصوص ارزش های اخلاقی و معنوی پاسخ های مناسبی تدارک ببیند. سلوک اخلاقی انسان را بر شالوده مذهب بهتر می توان بنا کرد. استخراج نمونه های بدیع و جذّاب از فرهنگ اسلامی در زمینه کمال جویی و استعلا و تدوین آن ها در قالبی روان و شیوا، می تواند به نحوی مطلوب و مؤثر ذهن جوانان را قانع کند؛ چراکه عرفان اسلامی مظاهر کم نظیر و تحول آفرینی از کمال جویان را در خود دارد.

جوان با درک دقیق و تفسیر صحیح کمال گرایی، به نقطه ای می رسد که به بی حاصلی و پوچی بسیاری از آرزوهای بشری واقف می شود؛ آن گاه با چشم اندازی گسترده از قله آگاهی به بستر حرکت های بشری

می نگردد و در تکاپوی روزمره زندگی از استعلای روحی غافل نمی ماند (شرفی، 1383).

20. نیاز به تجربه اندوزی

جوان نیاز دارد در موقعیت هایی قرار بگیرد که بتواند زندگی اجتماعی را یاد بگیرد، با دیگران ارتباط برقرار کند و در جهت رسیدن به یک هدف مشترک در قالب کار جمعی و گروهی تلاش کند و سهم خود را در این تلاش جمعی ادا نماید. هرچند در این راه ممکن است با توجه به سن و سال و شرایط جوانی و کم تجربگی جوان، اشتباهاتی سهوی هم رخ بدهد، اهالی مسجد باید با دیده اغماض به مسائل بنگرند و اجازه این آزمون و خطا را برای رشد هرچه بیشتر به جوان بدهند. اگر جوان در چینی شرایطی اشتباهی مرتکب شود و در محیطی دوستانه همراه با رأفت و عطوفتی معنوی آن اشتباه را تصحیح کند، از بسیاری از آسیب های احتمالی آینده پیشگیری خواهد شد و جامعه هزینه اشتباهات بزرگ تر جوان امروز و بزرگسال فردا را نخواهد داد (نعیمی، 1393).

21. نیاز به تخلیه هیجان

دوره جوانی اوج انرژی، تحرک و نشاط و نیز دوره اوج هیجان خواهی و بی باکی فرد است. جوان موجودی است سرشار از انرژی و آمال و آرزو. جوان جنب و جوش و پویایی می خواهد؛ انرژی هایی دارد که مازاد بر نیاز است و باید جهت دهی و در جهت مناسب از آن ها استفاده شود و اگر برنامه ریزان برای استفاده از آن ها برنامه ای نداشته باشند، جوان خود راهی برای تخلیه این انرژی و ارضای حس تحرک جویی و هیجان طلبی پیدا می کند. همین است که می بینیم بعضی از جوانان برای تخلیه انرژی و حس هیجان طلبی خود چگونه در اتوبان ها رانندگی می کنند. با علم به این موضوع می توان برنامه های آموزشی متناسبی را از

طریق پایگاه های بسیج مستقر در مساجد برای جوانان طراحی کرد و در محیطی معنوی، کنترل شده و مورد تأیید، به این نیاز جوانان جامه عمل پوشاند.

برنامه های متعدد و متنوعی که به کمک پایگاه بسیج مسجد می توان انجام داد، برای ارضای این نیاز جوانان بسیار راهگشاست؛ به خصوص کلاس های آمادگی دفاعی، دفاع شخصی، نبرد در کوهستان، زندگی در شرایط سخت، رزم شبانه و یا هماهنگی برای اعزام جوانان به میدان تیر.

22. نیاز به ورزش و تندرستی

فعالیت جوان در باشگاه های ورزشی برای او هم تندرستی می آورد و هم تفریح و لذتی است که باعث می شود او به خوبی به درس و کار خود بپردازد؛ در ضمن یک راه بسیار خوب هم برای صرف انرژی در

23. نیاز به اشتغال

شغل یک عامل درآمدزای اقتصادی و عاملی برای دستیابی به جایگاه اجتماعی است و با اشتغال بسیاری از نیازهای پیش گفته جوان از جمله نیاز اقتصادی، ازدواج، استقلال، جلب اعتماد دیگران، تخلیه هیجانات، هدفمندی، تعلق به گروه، مقبولیت، احترام و تجربه مسئول بودن نیز مرتفع می شود.

24. نیاز به سرور، شادی و نشاط

خوشحالی و خرسندی یک حالت روانی است که در آن فرد احساس عشق، لذت، خوشبختی و یا شادی می کند. مسائل مختلفی همچون مسائل زیستی، روان شناختی و یا دینی برای تبیین دلیل و منشأ خرسندی ذکر شده است. دانشمندان دریافته اند که شادی و خوشحالی سبب تقویت سیستم دفاعی بدن و سیستم اعصاب انسان می شود. تحقیقات نشان داده است شادی رابطه مستقیمی با مسائلی چون روابط و تعاملات اجتماعی، وضعیت فرد از نظر داشتن شریک زندگی، کار، درآمد و حتی نزدیکی به انسان های شاد دارد. فیلسوفان و متفکران مذهبی شادی را واژه ای برای توصیف یک زندگی خوب و موفق و نه صرفاً یک احساس تعریف می کنند (سایت دانشنامه آزاد). بنابراین برنامه ریزان و مسئولان باید شرایطی را فراهم کنند

که جوانان از راه های منطقی، طبیعی و صحیح به شادی دست یابند؛ چراکه اگر این شرایط مهیا نشود، جوان خود به دنبال راه هایی برای رسیدن به نشاط و شادی می رود که ممکن است از نظر جامعه صحیح نباشد. دلیل اینکه برخی از جوانان ما به سوی برخی از ماده های روانگردان می روند، تلاش برای پاسخگویی به همین نیاز و جستجوی نشاط است، اما قدرت تشخیص راه از بیراه را ندارند. در مساجد برگزاری مداحی و مرثیه خوانی بسیار معمول تر از برگزاری مجالس مولودی خوانی و شادی اهل بیت علیهم السلام است. لازم است توجه داشته باشیم که این یکسویه نگری موجب دفع جوانان می شود و حتماً باید مراسم های شادی اهل بیت علیهم السلام نیز با شور و نشاط بیشتری برگزار گردد.

25. نیاز به گردش و تفریح

کارهایی که عموماً در اوقات فراغت برای کسب لذت و رضایت فردی یا جمعی انجام می شود، تفریح و گاه گردش نامیده می شود. در دوره جوانی نیاز به تفریح و گردش شدت بیشتری دارد و باید در برنامه ریزی برای جوانان برآوردن این نیاز روحی آنان نیز مدنظر قرار گیرد. چقدر خوب است که روحانی مسجد همراه

با جوانان در بعضی از اوقات پایان هفته، یک گردش نیم روزه یا یک روزه به کوه، جنگل، یا نقاط دیدنی و تفریحی اطراف محل برگزار کنند و در این برنامه ها که ارتباطات بسیار محبت آمیزی هم بین ایشان برقرار می گردد، ضمن گفتارهای پندآموز، سخنان نغز و حکایات شیرین و اثربخش را در گفتار و رفتار به جوانان منتقل کنند و به صورت شناختی و عملی برای آن ها کلاس های آموزشی و تربیتی برگزار کنند.

26. حس برتری جویی و رقابت طلبی

احساس خوداتکایی، جوان را برای حضور در میدان رقابت ها آماده و او را برتری جو می سازد. حس استقلال جویی نیز حس برتری طلبی را در جوان که سرشار از انرژی و نیروهای پراکنده و انتظام نیافته است، شکوفا و تقویت می کند. برگزاری برنامه هایی که حس رقابت سالم را بین جوانان ایجاد و فرصت لازم را برای بروز توانمندی هایشان فراهم کند، می تواند برای برآورده کردن این نیاز جوانان مفید باشد؛ مانند برنامه های ورزشی مختلف و مسابقات فرهنگی و هنری.

27. نیاز به خودشکوفایی و تکامل

نوجوانان و جوانان علاقه مندند که آنچه را در درون خود به صورت بالقوه دارند، به صورت بالفعل درآورند تا به دیگران نمایش دهند. پیامد چنین رفتاری احساس بزرگ شدن، بلوغ و سلامت روان است. هرچند ممکن است فرد در رسیدن به چنین اهدافی موفقیت زیادی نداشته باشد و استعدادهایش، آن گونه که می خواهد، شکوفا نگردد، نیاز به تلاش برای رسیدن به آن را در خود احساس می کند و گاه می کوشد با تلاش و اقدامات خود، ظرفیت ها و توانایی های علمی اش را محک می زند. در همین راستا، نوجوان سعی می کند هر کاری را به او واگذار شده است، به بهترین شکل ممکن انجام دهد. شاید تحقق بخشیدن به ارزش ها و آرمان ها و اعمال مذهبی، انسانی، اجتماعی و نظایر آن نیز مربوط به ارضای همین نیاز باشد. گاه فرد برای رسیدن به هدف های خود، حتی از جانش نیز مایه می گذارد؛ مانند شهیدان که جانشان را فدای اعتقادات و آرمان های خود کردند تا به حد کمال برسند.

یک جوان «خودشکوفا» به «خودتلاشگری» بها می دهد و از بستر خودتلاشگری، زمینه را برای رشد همه جانبه خویش فراهم می سازد. جوانی که به «خودکارآمدی» دست پیدا کند، در پی آن، پنجره های دیگر خودشکوفایی نیز به روی وی گشوده خواهند شد. یکی دیگر از ویژگی های جوان و نوجوان خودشکوفا این است که مدیریت زمان را جدی می گیرد و از زمان به بهترین نحو بهره می برد؛ مانند جوانی که

ساعتی

از اوقات فراغتش را در کتابخانه به مطالعه می پردازد و یا ساعت ها سرگرم یادگیری یک مهارت است و یا جوانی که در اقتصاد خانواده سهیم می شود (برجعی، 1391).

مسجد در صورت دارابودن امکانات جانبی، می تواند بهترین محیط را برای خودشکوفایی جوانان فراهم کند؛ چراکه از یک طرف دارای یک محیط پاک و مقدس در جهت پالایش ذهنی و تعالی معنوی فرد است و از طرف دیگر با ارضای سایر نیازهای یک جوان، بهترین فرصت را برای تبدیل توان های متعدد بالقوه او به بالفعل فراهم می نماید.

28. نیازهای رشدی

با فرض اینکه نیازهای اولیه انسان ارضا شده باشد و شخص از دستیابی به آن ها محروم نشده باشد، نیازهای رشدگرای او شروع به ظاهر شدن می کند و او را بی قرار و ناخشنود می سازد. هرچند ممکن است شخص احساس گرسنگی، ناامنی، کمبود محبت یا حقارت نکند، برای اینکه فردی شایسته و مورد توجه دیگران باشد، تلاش می کند. منشأ این تلاش همان تمایل به بهتر شدن و تبدیل شدن به آن چیزی است که شخص تصور می کند شایستگی آن را دارد (گلزاری، 1394).

با توجه به رشد روزافزون علم و تکنولوژی، انتظار می رود جوان امروزی همواره در حال یادگیری مطالب و موضوعات جدید و رشد روزافزون باشد و بکوشد مهارت های جدید را به خوبی بیاموزد و به خوبی نیز به کار ببندد؛ چراکه به نظر می رسد، نیازهای شناختی مانند دانستن، فهمیدن و کاویدن و نیز نیازهای ذوقی مانند علاقه به تقارن، نظم و زیبایی از جمله مهم ترین نیازهای رشدی انسان باشند.

بررسی اولویت های آموزشی و تربیتی برای جذب حداکثری نسل جوان

با توجه به نیازهای اساسی جوان و دانستن اینکه این نیازها نیروی عظیمی تولید می کنند و رفتار انسان را در جهت ارضای آن ها سوق می دهند، لازم است برنامه های آموزشی و تربیتی به گونه ای در راستای ارضای آن ها تنظیم شود که جذابیت لازم را برای جوانان داشته باشد تا بتوان با استفاده از حضور و شرکت جوانان در این برنامه ها و اقتناع حاصل از آن ها، از امکان و فرصت اثربخشی و تغییر شناختی و رفتاری مثبت در جوانان برخوردار شد. در یک تقسیم بندی جامع می توان نیازهای 28 گانه پیش گفته را به هفت طبقه به صورت زیر طبقه بندی کرد:

1. نیازهای زیستی و جسمانی؛ 2. نیازهای روانی و ذهنی؛ 3. نیازهای عاطفی؛ 4. نیازهای اعتقادی و

معنوی؛ 5. نیازهای فرهنگی و اجتماعی؛ 6. نیازهای اقتصادی؛ 7. نیازهای رشدی.

اگر برنامه‌های آموزشی و تربیتی بر اساس طبقه‌بندی نیازهای فوق اولویت‌بندی گردد، از قدرت جذب و اثرگذاری بیشتری برخوردار خواهد بود و احساس نیاز، عشق و علاقه را ایجاد و از درون فرد

نیروی تولید می‌کند که موجب حرکت فرد می‌گردد. برنامه‌های آموزشی و تربیتی ای که منطبق بر این نیازها و انگیزهای درونی فرد باشد، با کشف فوق‌العاده ای مواجه خواهد بود.

در اولویت بندی هفت طبقه نیازهای مذکور، قطعاً نیازهای طبقه اول که نیازهای زیستی و جسمانی هستند، در اولویت اول قرار دارند. بخش زیادی از برآوردن این نیازها وابسته به تأمین مایحتاج ضروری زندگی و خارج از بحث این مقاله است؛ ولی نحوه و چگونگی تلاش برای ارضای آن‌ها، یعنی رعایت آداب لازم در این خصوص، وابسته به برنامه‌های آموزشی در حوزه نیازهای اجتماعی است؛ به همین دلیل لازم است برنامه‌های آموزشی متناسب با این مجموعه نیازها نیز در این بخش مورد توجه قرار گیرد.

یکی از نیازهای مهم جوانان شنیده شدن و دیده شدن و صحبت کردن است. گله و شکایت بسیاری از جوانان این است که ارتباط درستی با پدر، مادر، اعضای خانواده و حتی معلمان و اولیای آموزشی خود ندارند و یا به دلیل سردی روابط عاطفی، امکان و جرئت لازم را برای طرح مسائل خود با خانواده و استفاده از کمک‌های فکری آن‌ها ندارند؛ بنابراین یکی از اولویت‌های اولیه و مهم، آموزش خانواده‌ها در حوزه‌های مختلف مرتبط با جوانان است؛ همچنین باید بحث مشاوره با جوانان جدی‌تر گرفته شود و به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی در برنامه‌ها مدنظر قرار گیرد.

هر برنامه آموزشی که تنظیم می‌شود، اول باید جایگاه آن را در سلسله مراتب نیازهای هفت‌گانه تعیین کرد و در صورت توجیه پذیر بودن از نظر داشتن اولویت در طبقه بندی مذکور، آن را در جدول برنامه‌ها قرار داد. اولویت طبقات دیگر بر اساس شرایط فرهنگی - اجتماعی و سایر متغیرها اندکی متفاوت است که بر این اساس، قدرت و قوت نیازهای آن طبقات نیز با شدت و ضعف بیشتری همراه است که باید در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ شود.

نتیجه‌گیری

یکی از مباحث مهم در حوزه روان‌شناسی انگیزش است. انگیزش عاملی است که در ما تحرک ایجاد می‌کند و ما را برمی‌انگیزد، به حرکت وامی‌دارد و به سوی انجام رفتار معینی سوق می‌دهد. از طرف دیگر،

نیازها، به ویژه نیازهای اساسی انسان، زمینه‌ساز و بیدارکننده انگیزه‌های رفتاری هستند. می‌توان در طرحی ساده،

رابطه موجود بین سه مفهوم نیاز، انگیزش و رفتار را این گونه نشان داد: نیاز ← انگیزش ← رفتار.

هرگونه تعامل و برنامه ریزی برای مسائل آموزشی و تربیتی برای نسل جوان باید معطوف به پاسخگویی به نیازهای اساسی آنان باشد تا آن نیروی محرک و برانگیزاننده برای حضور پرشور جوانان و حضور حداکثری ایشان در برنامه ها را به همراه داشته باشد. در صورتی که برنامه های آموزشی که برای جوانان در نظر گرفته می شود، بدون توجه به نیازهای اساسی ایشان تدارک دیده شود، با کم توجهی و استقبال کم آنان مواجه خواهد شد. با نگاهی به برنامه های آموزشی که در حوزه جوانان برگزار می شود، مشاهده می کنیم که بعضی از این برنامه ها از استقبال زایدالوصفی مواجه اند؛ مانند کارگاه های آموزشی که در حوزه ازدواج و مسائل متعدد پیرامونی آن، از همسان گزینی تا مهارت های همسرداری و آفت های روابط صمیمانه زوجین، تشکیل می شود. علت اصلی این استقبال نیاز شدیدی است که جوانان به دریافت این آموزش ها که منطبق بر نیازهای اساسی ایشان است، دارند. وقتی بر اساس هرم نیازهای جوانان به این مسئله نگاه می کنیم، چرایی این استقبال برای ما روشن تر می شود؛ بنابراین لازم است هرگونه برنامه ریزی در حوزه جوانان، با توجه خاص به این مقوله انجام گردد.

تا زمانی که چرخه معیوب فعلی اصلاح نشود و امکان ارتباط گیری و گفتگو با جوانان بر اساس اولویت دهی به نیازهای اساسی ایشان فراهم نگردد، نمی توان انتظار جذب حداکثری جوانان و اثربخشی برنامه های آموزشی و رخ دادن تغییرات قابل توجه در حوزه های مختلف مرتبط با جوانان را داشت؛ اما اگر برنامه های آموزشی جوانان بر حسب اولویت نیازهای اساسی ایشان تنظیم شود، می توان انتظار داشت که با حضور پرشورتر جوانان مواجه شود. حضور پررنگ جوانان و گفتگو و ارائه مطالب و استدلال های لازم به آن ها منجر به تغییر و اصلاح افکار آنان می شود. پس از ایجاد تغییر در افکار و شناخت (نگرش)، احساس فرد در مقایسه با قبل تغییر خواهد کرد؛ زیرا شناخت جدید، احساس جدید به همراه می آورد و در مرحله بعدی و پس از تغییر در احساس، رفتار فرد نیز تغییر می کند:

تغییر در نگرش (شناخت) ← تغییر در احساس ← تغییر در رفتار

فهرست منابع

1. اکبری، ابوالقاسم، مشکلات نوجوانی و جوانی، ساوالان، تهران، 1381.
2. اون، هارچی، مهارت های اجتماعی و ارتباط میان فردی، ترجمه فرشته فهیم، نشر زندگی، تهران،

3. باقری، خسرو، «مفهوم شناسی در باب تربیت»، نشریه فرهنگ عمومی، شماره 29، 1380.
4. براندن، ناتالی، مسئولیت پذیری، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، انتشارات شباهنگ، چاپ دوم، تهران، 1387.
5. برجعلی، احمد، مصاحبه با پایگاه اطلاع رسانی حوزه: 1391، www.hawzah.net.
6. برقی مقدم، جعفر و دیگران، «ارتباط سبک های هویت با عوامل انگیزنده و احساس موفقیت»، فصل نامه فراسوی مدیریت، سال سوم، شماره 11، ص 135، 1388.
7. برک، لورای، روان شناسی رشد، جلد دوم (از نوجوانی تا پایان زندگی)، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران، 1391.
8. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، 1391. www.hawzah.net.
9. پایگاه اطلاع رسانی دانشنامه رشد، 1391، www.daneshnameh.roshd.ir.
10. تقی پور ظهیر، علی، مبانی و اصول آموزش و پرورش، نشر آگه، چاپ یازدهم، تهران، 1393.
11. حجازی، بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی ها و جنبه ها، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، 1391.
12. خالقی ثمرین، عادل و شیخ پور، محمود، شیوه های ارتباط مؤثر، انتشارات تندیس علم، تهران، 1387.
13. خوانساری، آقاجمال، شرح غررالحکم و دُررُالکلم، جلد پنجم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1379.
1. دبلیو، جیمز و وندر زندن، روان شناسی رشد، ترجمه حمزه گنجی، انتشارات بعثت، تهران، 1377.
2. رحیمی نیک، اعظم، تئوری نیاز و انگیزش، نشر زندگی، تهران، 1389.
3. سیف، علی اکبر، روش های تغییر و اصلاح رفتار، نشر آگاه، تهران، 1389.
4. ، روان شناسی پرورشی، نشر آگاه، تهران، 1385.
5. ، روش های مطالعه و یادگیری، نشر دوران، ویرایش دوم، تهران، 1392.
6. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، منادی تربیت، چاپ ششم، تهران، 1383.
7. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، انتشارات رشد، تهران، 1382.
8. شهرآرا، مهرانز، روان شناسی رشد جوان: دیدگاه تحولی، علم، تهران، 1384.

9. عاملی، شیخ حر، جهادالنفس، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، 1393.
10. فیشر، رابرت، آموزش یادگیری به کودکان، ترجمه فروغ کیان زاده، نشر رسش، تهران، 1386.
11. قرآن کریم.
12. کشاورزی، محمدعلی، مسائل نوجوانان و جوانان، نشر روزبهان، تهران، 1386.
13. گلزاری، محمود، پایگاه اینترنتی سپیده دانایی، تاریخ انتشار: 18 فروردین 1394.
14. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، ارسباران، تهران، 1389.
15. محمدخانی، شهرام، آشنایی با مشکلات روانی و اجتماعی شایع در بین کودکان و نوجوانان، انتشارات طلوع دانش. تهران، 1383.
16. محمدی‌ری‌شهری، محمد، تبلیغ بر پایه قرآن و حدیث، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث. قم، 1380.
17. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، جلد سوم، صدرا، تهران، 1385.
18. منادی، مرتضی، عوامل مؤثر در بهبود زندگی، نشر آوای نور، تهران، 1391.
19. نجفی، سید محمود، «بررسی رابطه کارآیی خانواده و دین داری با بحران هویت دانش آموزان دختر و پسر پایه سوم رشته های تحصیلی نظری مقطع متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی 81-82»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، 1382.
1. نعیمی، ابراهیم، «بررسی جاذبه‌های رفتاری اهالی مسجد در جذب و حفظ نوجوانان و جوانان»، کتاب سال مرکز رسیدگی به امور مساجد، تهران، 1393.
2. «راهکارهایی برای تعالی، تأثیر روان‌شناختی استاد بر جامعه دانشگاهی»، نشریه عالم ملکوتی، دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، 1389.
- ، یادداشت‌ها، مشاهدات، تجربیات شخصی و گفتگوها با تعدادی از اعضای محترم هیئت امنای مساجد، روحانیون، دانش‌آموزان، جوانان مسجدی و غیر مسجدی.

حضور حداکثری جوانان در مسجد لوازمی دارد که اصل تغافل یکی از آن‌هاست. تغافل یکی از اصول مهم تربیتی و به معنای چشم پوشی و اظهار بی خبری از گناه یا خطای دیگران است. تغافل ریشه در دلسوزی و مهر و محبت سرشار بزرگان مسجد دارد؛ بنابراین برای بردن بهره مناسب از این اصل، پیش از هر چیز باید نحوه نگرش بزرگ ترهای مسجد به جوانان را تصحیح نمود. این اصل که برخاسته از قرآن و روایات است، ریشه در اصول اساسی دیگری در آیین ما دارد؛ اصولی نظیر مصلحت، تعقل، حفظ کرامت انسانی، حفظ آبروی مؤمن، پرده پوشی بر لغزش های مؤمن، حلم، مدارا و برخورد بزرگوارانه با خطای دیگران و نیز جلوگیری از گسترش گناهان اجتماعی، اصل هایی اساسی هستند که اصل تغافل بر مبنای آن‌ها شکل گرفته است. در مقابل تغافل شایسته، تغافل مذموم و نکوهیده هم وجود دارد که می توان با استفاده از نکات مرتبط با ریشه های تغافل به مرز میان این دو نوع از تغافل دست یافت.

ظاهر مسئله تغافل گویای نوعی مخالفت با مسئله امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا ظاهر تغافل، چشم پوشی از گناه دیگران است و ظاهر امر به معروف و نهی از منکر، برخورد آمرانه و مواجهه جدی با گناه؛ ولی با توجه به منابع دینی روشن می شود که اولاً تغافل، خود گونه و روشی از امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا خاستگاه هر دو در مصلحت و اثرگذاری در طرف مقابل است. ثانیاً تغافل در لغزش های کوچک و غیرعلنی مطرح است که معمولاً منجر به گستاخی و سوءاستفاده شخص خاصی نمی شود. تغافل ثمرات متعددی دارد که از آن جمله می توان به دادن فرصت توبه و جبران لغزش ها به جوان، جذب حداکثری جوانان به مسجد، خروج از ورطه عناد و لجبازی، ارزشمند شدن تذکر در نگاه جوان و پرهیز از تش های اجتماعی اشاره کرد.

کلیدواژه ها: تغافل، صفح، اغماض، چشم پوشی، وانمود کردن به بی خبری، خود را به غفلت زدن.

مسجد مهم ترین پایگاه دینی مسلمانان است که قوت و صلابت آن نشانه قدرت مسلمانان و ضعف و رخوت آن نشانه سستی و خمودی جامعه اسلامی است. روشن است که آبادانی مساجد، تنها به ساخت و ساز و توسعه مکانی آن نیست؛ بلکه مهم تر از ساختمان ظاهری، آبادسازی معنوی و تکاپوی اجتماعی آن است. والاترین مصداق آبادانی مساجد، حضور پرشور و فعال در این مکان عبادی است که باید با برنامه ریزی و مدیریت مسئولان آن به جذب حداکثری منتهی شود و مساجد را هر روز پررونق تر از گذشته گرداند.

اگرچه برای رسیدن به جذب حداکثری باید برای همه اقشار جامعه برنامه ای مدوّن تعریف کرد، باید عنایت داشت که در این میان هیچ قشری پراهمیت تر از جوانان نیست؛ چراکه اولاً طراوت و تکاپوی هر محیطی نیازمند نیرویی پرتلاش و فعال است و ثانیاً سرمایه گذاری بر نیروی جوان، بیمه کردن آینده ایمانی جامعه به حساب می آید. حضور حداکثری جوانان در مساجد لوازمی را می طلبد که پیش از هر کس، متولیان امور گوناگون مسجد باید به آن پایبند باشند تا در نهایت به صورت یک فرهنگ عمومی در یکایک نمازگزاران نهادینه گردد.

جوان خواسته ها و نیازها و رفتارهای خاص خود را دارد و مواجهه با آن نیز رفتارهای ویژه و متناسب با خود را طلب می کند؛ از همین رو همه باید برای این حضور مبارک بکوشند و زیرساخت های لازم را مهیا سازند. در همین راستا یکی از اصول مهم در رفتارشناسی با جوان اصل تغافل است که در این نوشتار به بررسی آن خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مفهوم شناسی تغافل

اصل تربیتی تغافل

تغافل یکی از اصول مهم تربیتی است که لازم است در تمامی محیط های تربیت محور به اجرا درآید. این اصل مهم تربیتی در مسجد نیز کاربردی قابل توجه دارد؛ چراکه مسجد ارزشمندترین سرای رشد و تکامل و تربیت انسان است.

تغافل، چنانکه در واژه شناسی به تفصیل بیان خواهد شد، به معنای چشم پوشی و اظهار بی خبری از گناه یا خطای دیگران است؛ از آنجاکه جوانان مخاطب اصلی مسائل تربیتی هستند، می توان گفت که این اصل، بیش از دیگر اقشار، برای این گروه اجتماعی مصداق خواهد داشت. خاستگاه این اصل تربیتی، آیات قرآن و روایات معصومان است که با بیان های مختلف به زوایای آن پرداخته اند.

«غفلت» به معنای فراموش کردن، سهو و بی‌خبری و سهل‌انگاری است (دهخدا، 1341، ج 10، ص 14774)؛ به بیان دقیق‌تر، غفلت به معنای سهوی است که به جهت کمی مواظبت و هوشیاری، بر انسان عارض می‌شود. چنانکه راغب می‌گوید: «الْغَفْلَةُ: سَهْوٌ يَعْتَرِي الْإِنْسَانَ مِنْ قَلَّةِ التَّحْفُظِ وَ التِّيَقُّظِ»؛ (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 609)؛ اما «تغافل» به معنای نادیده‌انگاشتن، چشم‌پوشی کردن، خویشتن را به غفلت زدن و تظاهر به نادانی است؛ به عبارت دیگر تغافل یعنی شخصی که چیزی را می‌داند و از آن آگاهی دارد، از روی مصلحت، خود را غافل و بی‌خبر نشان می‌دهد و به گونه‌ای برخورد می‌کند که طرف مقابل تصور کند که او از موضوع بی‌خبر است. ابن منظور می‌نویسد: «التَّغَاوُلُ: تَعَمُّدُ الْغَفْلَةِ عَلَى حَدِّ مَا يَجِيءُ عَلَيْهِ هَذَا النَّحْوِ» (ابن منظور، 1414ق، ص 497).

تفاوت اساسی میان غفلت و تغافل

غفلت ضد یقظه و هوشیاری و بیداری است. این نکته را به خوبی از فرمایش امیرالمومنین علیه السلام می‌توان فهمید که می‌فرماید: «وَ اسْتَيْقِظُ مِنْ غَفْلَتِكَ: از خواب غفلت بیدار شو» (نهج البلاغه، خطبه 153).

از سوی دیگر، غفلت تفاوتی اساسی با جهل و نادانی دارد؛ چراکه غافل نادان نیست، بلکه پس از علم و دانایی به موضوع، در اثر سهو و فراموشی از آن روگردان شده است؛ بنابراین غفلت فراموشی بعد از توجه است. غفلت گاه عذری پذیرفته شده به حساب می‌آید و آن در صورتی است که علت غفلت، عدم اتمام حجت باشد؛ مانند این آیه قرآن که می‌فرماید: «ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَ أَهْلِهَا غَافِلُونَ»: پروردگارت هیچ‌گاه (مردم) شهرها و آبادی‌ها را به خاطر ستم‌هایشان در حال غفلت و بی‌خبری هلاک نمی‌کند. (بلکه قبلاً رسولانی برای آن‌ها می‌فرستد) (انعام: 131).

ولی غالباً علت آن، بی‌دقتی خود شخص است که در این صورت مذموم و نکوهیده خواهد بود؛ مانند این آیه شریفه که می‌فرماید: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»: آن‌ها همچون چهارپایان هستند؛ بلکه گمراه‌تر. اینان همان غافلان اند (اعراف: 179).

مراد از غافلان در فرهنگ قرآنی کسانی هستند که از هدف آفرینش و فلسفه آن غفلت ورزیده‌اند و توجه و التفاتی به آن نداشته و سرگرم دنیا شده‌اند و به خدا و سرانجام کارشان در آخرت اعتنایی ندارند؛ بنابراین مقصود از غفلت در بیشتر آیاتی که این واژه درباره مردم به کار رفته، غفلت غیر معذور و مذموم است. (قرشی بنایی، 1412ق، ج 5، ص 112).

با توجه به آنچه گفته شد، تغافل دقیقاً در نقطه مقابل غفلت قرار دارد؛ چراکه تغافل، بدون سهو و فراموشی و با توجه کامل انجام می شود؛ بنابراین باید گفت که تغافل، تنها نمایشی از غفلت است که دقیقاً با هوشیاری کامل و به دور از هرگونه غفلت انجام می گیرد. افزون بر توجه و هوشیاری، عمد و تعمّد نیز از شاخصه های اصلی تغافل است که وجه تمایز بیشتری میان این دو واژه ایجاد می کند.

اصل تغافل، برآمده از بیداری و عدم غفلت

همان گونه که پیش تر نیز بیان شد، میان غفلت و تغافل تفاوتی اساسی وجود دارد: تغافل ریشه در هوشیاری و توجه و تعمّد دارد، اما ریشه غفلت، دقیقاً در نقطه مقابل آن یعنی سهو و بی توجهی است؛ بنابراین می توان گفت که تغافل ابزاری عقلایی است که می تواند ثمرات فراوانی در پی داشته باشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ أَحْتِمَالٌ وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ»: خردمند نصفش تحمل و بردباری است و نصف دیگرش نادیده گیری (آمدی، 1366، ح 2378).

اصل تغافل در قرآن

از خود واژه تغافل در قرآن استفاده نشده، اما در برخی از آیات، از واژه های مشابه و هم مفهوم با آن بهره گیری شده است؛ همچنین از مضمون برخی از آیات قرآن نیز مفهوم تغافل قابل فهم و برداشت است که در ادامه مباحث به برخی از این آیات اشاره خواهد شد.

یکی از واژه هایی که شباهت مفهومی با «تغافل» دارد، واژه «صفح» است که در قرآن هشت بار از آن ریشه استفاده شده است. اصل واژه «صفح» به معنای جانب و روی هر چیزی است؛ مثل صفحه صورت، صفحه سنگ

و یا صفحه شمشیر. چنانکه خلیل می گوید: «الصفح: الجنب من كل شیء... صفحه الرجل: عرض صدره» (ابن احمد، 1405ق، ج 3، ص 122)؛ اما «صفح» در اصطلاح به معنای اغماض، نادیده گرفتن و روی گرداندن از خطا و اشتباه دیگران است که یک گام از عفو و گذشت بالاتر است (قرشی بنایی، 1412ق، ج 4، ص 131)؛ چنان که قرآن می فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ: آن ها باید عفو کنند و چشم بپوشند (و نادیده بگیرند). آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد؟ (نور: 22). مطلب قابل توجه این است که راغب افزون بر این معنا، به یک نکته کلیدی دیگر نیز اشاره کرده است. وی این واژه را به معنای «سرزنش نکردن گناه کار» دانسته است که شباهت زیادی با معنای تغافل دارد. وی می گوید: «و الصَّفْحُ تَرْكُ التَّزْيِيبِ وَ هُوَ أَلْبَغُ مِنَ الْعَفْوِ» (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 486).

طبرسی برای مطابقت این اصطلاح با معنای اصلی واژه چنین می گوید: «صَفَحْتُ عَنْهُ مَمَكْنُ اسْتِ دُو مَعْنَا دَاشْتَه بَاشَد: یَکِی اَیْنِکَه اَو رَا بَه گَنَاشِ مَوَآخِذَه نَکَرْدَم وَ رَوِی خَوْش بَه اَو نِشَان دَادَم؛ دِیْگَر اَیْنِکَه چِیْزِی کَه بَاعْثُ تَغْیِیْر صَوْرَتِش بَاشَد، اَز مَن نَدِیْد» (طبرسی، 1372، ج 1، ص 35).

به تعبیر قرآن، این اغماض و چشم پوشی باید با ظرافتی نیکو و بدون اظهار اندک کدورتی انجام گیرد. قرآن می فرماید: «إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ: قیامت به یقین خواهد آمد، پس، از آن ها به طرز شایسته ای صرف نظر کن (و آن ها را بر نادانی هایشان ملامت ننما)» (حجر: 85)؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که این اصل اساسی به صورت تلویحی در قرآن مطرح شده و خداوند بارها مؤمنان را به آن سفارش کرده است.

تغافل در روایات

روایات اهل بیت علیهم السلام در بردارنده آموزه های اخلاقی فراوانی در حوزه رفتار فردی و اجتماعی هستند که یکی از زیباترین و دقیق ترین آن ها اصل تغافل است. گاهی در برخی از روایات از واژه هایی نظیر «تغافل، تجاهل، تعامی و تغامس» استفاده شده است که به صورت مستقیم به اصل مهم تغافل اشاره دارد. گاه نیز در قالب مفاهیمی نظیر «قبیح سرزنش و شمارش عیوب دیگران» و یا لحسن مسامحه در رفتار با دیگران و مدارای عمومی «تجلی می یابد. در حقیقت وجه مشترک میان همه این مفاهیم و معانی، چشم پوشی از رفتاری ناشایست به خاطر مصلحتی بزرگ تر است.

گفتار دوم: نقش تغافل در مواجهه اهالی مسجد با جوان

اشاره

بر اساس آموزه های دینی ما مسجد مکانی برای رشد و کمال و تربیت انسان ها است و اختصاصی هم به قشر خاصی ندارد؛ بنابراین در سرای تربیت محور مسجد باید از بهترین و کارآمدترین اصول تربیتی استفاده شود و همه افراد مرتبط با این محیط تربیتی خود را ملزم به این اصول و ابزارها بدانند. با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، یکی از ابزارهای مهم تربیتی که نباید از آن غافل شد، اصل تغافل است که لزوم آن در محیط مسجد، به دلیل ارتباط فعال و همه جانبه مسجدی ها با یکدیگر، بیش از دیگر محیط های تربیتی احساس می شود.

بزرگان مسجد و سنگینی وظایف رفتاری آن ها در قبال جوانان

دین اسلام رابطه افراد جامعه اسلامی را یک رابطه صمیمی و سرشار از محبت تعریف کرده است. مؤمنان در جامعه اسلامی برادر یکدیگرند و رفتارشان با یکدیگر بر اساس چنین دیدگاهی تعریف شده

است. مسجد اوج تبلور ایمان در جامعه اسلامی است؛ بنابراین در محیط مسجد باید اخوت و برادری رنگی و بویی بی نظیر داشته باشد. از طرفی این پیوند پر محبت، نقش های دیگری را برای مسجدی ها ایجاد می کند که هرگز نباید از آن ها غافل شد. بزرگ سالان مسجد نقش پدری و یا مادری در قبال کودکان و نوجوانان و جوانان مسجدی خواهند داشت که این مسئله، وظایفی را بر گردن هر دو طرف ایجاد می کند.

وظیفه جوانان و نوجوانان مسجدی در قبال بزرگ سالان، حفظ ادب و احترام و معاشرت شایسته با آن هاست؛ اما در این میان نباید از وظایف بزرگ سالانی که در مسجد نقش والدین را ایفا می کنند، غافل شد. اگر چنین نگاهی در میان یکایک نمازگزاران مسجد نهادینه شود، رفتارهای دلسوزانه جای برخوردهای نامعقول را خواهد گرفت و تنش های بی مورد، از جامعه معنوی مسجد رخت خواهد بست. تغافل معقول و بر اساس مصالح حقیقی، یکی از همان رفتارهای دلسوزانه ای است که بزرگان و نمازگزاران فعال مسجد باید به آن پایبند باشند و به وسیله آن از ریزش های نامتعادل جلوگیری نمایند.

بزرگ سالان مسجد و یاری رسانی به جوانان در رسیدن به مطلوب

به طور کلی یکی از مهم ترین وظایف والدین در قبال فرزندان، یاری رساندن به آن ها در انجام وظایف است. والدین باید دست فرزندان را بگیرند و در انجام وظایف به آن ها کمک کنند و گاه نیز به دلیل وجود بعضی مصالح، از کنار برخی از لغزش ها بگذرند و از آن ها چشم پپوشند. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ

وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ. قَالَ: قُلْتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرٍّ؟ قَالَ: يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا يُرْهَقُهُ وَ لَا يَخْرُقُ بِهِ: خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر فرمان بری از خدا (یا والدینش)، یاری کند. راوی می گوید: پرسیدم: چگونه او را در فرمان بری یاری کند؟ فرمود: آنچه را در توانش بوده، بپذیرد و از آنچه در توانش نیست، بگذرد و او را به آنچه نمی تواند، و ندارد و بر او سخت نگیرد» (کلینی، 1365، ج 6، ص 50).

اگر نگاه بزرگان مسجد به جوانان و نوجوان، با چنین رویکردی همراه شود، رشد و تکامل نسل جوان، به پشتوانه بزرگ سالان، دوچندان و یا چندین برابر خواهد شد؛ به بیان دیگر لازمه اجرای اصل تغافل در میان آحاد نمازگزاران، وجود نگاهی پدرانه، دلسوزانه و سرشار از محبت و عطوفت است.

تغافل و تجاهل مذموم و نکوهیده

چشم پوشی از خطای دیگران گاه مذموم و نکوهیده است؛ زیرا یا مصلحت واقعی در کار نیست و یا تأثیرات منفی آن بیشتر از عواید مثبت آن است. همچنین گاهی تغافل از روی انفعال و اجبار است که

دیگر از حالت عملیاتی و تأثیرگذار خارج خواهد شد و معمولاً ضررهای غیرقابل جبرانی را نیز در پی خواهد داشت.

در بخش های بعد به برخی از محورهای فراوان در تغافل اشاره خواهد شد که بی توجهی به آن ها انسان را به تغافل نکوهیده خواهد کشاند. بنابراین نکات قابل ملاحظه ای در اجرای این اصل دقیق و پر ظرافت وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. تغافل نابجا و نکوهیده ممکن است مصادیق فراوانی داشته باشد که برای روشن شدن مطلب تنها به برخی از این مصادیق آن اشاره می شود:

1. تغافل برخاسته از گناه؛

2. تغافل با هدف فرار از مسئولیت؛

3. تغافل برخاسته از تعصب؛

4. تغافل ناشی ترس؛

5. تغافل به دلیل ترس از به خطرافتادن جایگاه و محبوبیت؛

6. تغافل برای مجبور نشدن به یاری رسانی به دیگران؛

7. تغافل از سر حسادت و به دلیل میل به رسوا شدن دیگران؛

8. تغافل برای اینکه دیگران هم گناه شخص را نادیده بگیرند.

این ها تنها مصادیقی از تغافل مذموم است که به عنوان نمونه مطرح شد. حال با توجه به نکاتی که در بخش های بعد اشاره خواهد شد و محدوده تغافل پسندیده و ممدوح را روشن خواهد کرد، می توان به مصادیق بیشتری از چنین تغافلی دست یافت. اهالی مسجد باید توجه داشته باشند که تغافل را نباید در همه جا و در برابر همه کس به کار گرفت.

انتخاب موقعیت مناسب برای تغافل

اگرچه تغافل یک اصل تربیتی است که در آموزه های دینی ما به آن سفارش شده است، باید دانست که هر دستورالعملی ضوابط و محدوده خاص خود را دارد و دقت و توجه مخصوص به خود را می طلبد. این ابزار کارآمد تربیتی اگر بجا و در موقعیتی مناسب استفاده شود، نتایج بسیار خوبی خواهد داشت؛ اما اگر نابجا و در غیر مورد خود به کار گرفته شود، نه تنها تأثیری شایسته و مفید نخواهد گذاشت، بلکه در بعضی از مواقع مضر و زیان بخش نیز خواهد بود. برای دست یابی به موقعیت های مناسب برای اجرای این اصل کارآمد، باید پیش از هر چیز به ریشه های اساسی این اصل توجه کرد و به صورت مبنایی با آن آشنا شد.

هرچند اصل تغافل به خودی خود یکی از اصول تربیت دینی است، باید دانست که این اصل بر پایه اصولی اساسی تر بنیان نهاده شده است که توجه به این اصول اساسی، هم آگاهی و اطمینان ما را به این اصل تربیتی بیشتر می کند و هم در مقام عمل، تشخیص میان تغافل ممدوح و مذموم را آسان می سازد. این اصول اساسی عبارت اند از:

1. مصلحت، ریشه اساسی تغافل ممدوح

امام سجاد علیه السلام در بستر بیماری به فرزندانش چنین وصیت نمود: «يَا بُنَيَّ أَنْ صَلَّحَ شَأْنِ الدُّنْيَا بِحَدِّ أَفْيَرِهَا فِي كَلِمَتَيْنِ: إِصْلَاحُ شَأْنِ الْمَعَاشِ مِلْءٌ مَكِّيَالٍ ثُلَاثَةُ فِطْنَةٍ وَ ثُلُثُهُ تَغَافُلٌ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ لَا يَتَغَافَلُ عَنْ شَيْءٍ قَدَّعَرَفَهُ فَفَطَنَ فِيهِ»: ای فرزندم! مصلحت (و راه و رسم) زندگی دنیا با همه جوانبش در دو کلمه جمع می شود: اصلاح زندگی پیمانه پری است که دوسوم آن هوشیاری و زیرکی و یک سوم آن تغافل است؛ زیرا انسان، تنها در مورد چیزی که می داند و متوجه آن است، وانمود به بی خبری می کند و تغافل می نماید» (خزاز رازی، 1401ق، ص 239).

بنابراین تغافلی که در تعالیم دینی ممدوح شناخته شده است و اهل بیت علیهم السلام نیز پیروان خود را به رعایت آن تشویق کرده اند، تغافلی است که از یک سو ریشه در مصلحت عقلایی دارد و از سوی دیگر هماهنگ با اخلاق و دیگر فضایل انسانی است. در حوزه مسائل تربیتی که نهاد مسجد نیز که یکی از اساسی ترین پایگاه های تربیت دینی به حساب می آید، تغافلی ممدوح و ستوده است که به قصد اصلاح رفتار و تربیت دیگران انجام گیرد؛ اما اگر چنین قصدی در کار و یا مصلحتی مشابه این در میان نباشد، نمی توان تغافل را پسندیده دانست؛ البته باید در نظر داشت که این یک مصلحت اندیشی حقیقی است و با مصلحت اندیشی های شخصی و سلیقه ای متفاوت است؛ یعنی مصلحتی است که رشد تربیتی جوان را در پی دارد و در سایه چشم پوشی از خطا و گناه او، به او اجازه بازیابی شخصیت خود را می دهد و به تفکر و اندیشه پویا خواهد انجامید و در نهایت به بازگشت خودخواسته شخص از خطا و گناه منتهی خواهد شد.

2. اصل تعقل اجتماعی

یکی از اصول رفتاری اسلام، برخورد عاقلانه در آداب و معاشرت عمومی است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَ مِنَ الْعَقْلِ الْفِطْنَةُ وَ الْفَهْمُ وَ الْحِفْظُ وَ الْعِلْمُ... وَ هُوَ دَلِيلُهُ وَ مُبْصِرُهُ وَ مِفْتَاحُ

أمره: عقل و خرد، پشتوانه انسان است و هوشمندی و فهمیدگی و حافظه و دانش، از خرد برمی خیزد... و خرد راهنمای او و مایه بینش و بصیرتش و کلید کارهای اوست» (شیخ صدوق، 1385، ج 2، ص 103).

همین هوشمندی و تعقل حکم می کند که انسان در بسیاری از مواقع از برخورد مستقیم پرهیزد و به وسیله وانمودکردن به بی خبری، در پی یافتن راهکاری برای اصلاح شخص برآید. امیر المومنین علی علیه السلام می فرماید: «لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهُلِ: خردی همانند وانمودکردن به بی اطلاعی نیست» (آمدی، 1366، ح 10503).

با توجه به این نکته باید گفت که تغافل ستودنی است که برآمده از اندیشه و تعقل باشد؛ بنابراین تغافل یک تاکتیک کارآمد تربیتی است که با تدبیر و اندیشه همراه است. در محیط مسجد نیز باید به این مسئله توجه ویژه داشت و از تغافل های غیرعقلایی پرهیز کرد. در همین راستا نباید به بهانه تغافل، جوان را به حال خود رها کرد و او را در مواجهه با خطا یا اشتباه خود تنها گذاشت؛ بلکه باید با رصد اخلاقی و پشتیبانی شایسته از او، به ترمیم مشکل او همت گمارد؛ برای نمونه ممکن است یکی از اهالی مسجد به صورت تصادفی سخنان گروهی از جوانان مسجدی را بشنود که مشغول غیبت یا تمسخر یا بددهانی هستند. در چنین شرایطی اگر چشم پوشی از این معضل اخلاقی، همراه با یک برنامه ریزی حساب شده و دقیق و با مشورت و هماهنگی امام جماعت

صورت بگیرد، نتایج بسیار خوبی را در پی خواهد داشت. این برنامه ریزی می تواند با انتخاب موضوع سخنرانی توسط امام جماعت یا دیگر سخنران های مرتبط با مسجد انجام گیرد و یا در قالب یک بروشور جذاب و کوتاه به پیامدهای نامناسب آن معضل اخلاقی اشاره داشته باشد. با وجود این باید توجه داشت که اگر این معضل اخلاقی بیش از این ها در جامعه کوچک جوانان مسجد رسوخ کرده باشد، دیگر نباید به اصل تغافل بسنده کرد و باید راهکارهای دیگری را نیز در کنار آن تدبیر نمود.

3. اصل مراقبت از کرامت انسانی

خداوند به همه انسان ها موهبتی عنایت کرده که همه موظف به مراقبت ویژه از آن هستند. قرآن می فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...: همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم (و به آن ها کرامت بخشیدیم)» (اسراء: 70).

بدین ترتیب هیچ کس حتی خود اشخاص حق ندارند به محدوده کرامت انسانی تجاوز کنند و آن را به ورطه تباهی بکشانند، مگر اینکه مصلحتی بالاتر با آن در تعارض باشد و آن را تحت الشعاع خود قرار دهد؛ بنابراین اصل اولی، مراقبت تمام و کمال از کرامت همه انسان هاست. یکی از زمینه های بزه کاری و انجام

کارهای خلاف آن است که انسان احساس کند، در جامعه جایگاهی ندارد و دیگران به او اعتنا نمی کنند و برای او ارزشی قائل نیستند؛ در این صورت احساس حقارت و بی آبرویی او را به هر گناهی می کشاند. همین جاست که اصل تغافل برای صیانت از کرامت انسانی، کارآمدی خود را نمایان می کند تا کرامت و شخصیت افراد شکسته نشود.

در داستان حضرت یوسف علیه السلام می خوانیم که برادران یوسف که پس از مدت ها او را دیده بودند و او را نمی شناختند، پس از جریان گم شدن پیمانۀ پادشاه به او گفتند: «قَالُوا إِنْ يَسَّرَ رِزْقَ فَعَدَّ سَدْرَ قَ أَخٍ لَهُ مِنْ قَبْلُ: (برادران) گفتند: اگر او (بنیامین) دزدی کند، (جای تعجب نیست؛ زیرا) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد»؛ اما حضرت یوسف با مخفی نگاه داشتن این مسئله، کرامت برادران گناه کار خود را حفظ کرد و آبروی آن ها را نریخت. قرآن می فرماید: «فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَ لَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ: یوسف (سخت ناراحت شد ولی) این (ناراحتی) را در درون خود پنهان داشت و برای آن ها آشکار نکرد» (یوسف: 77).

باید توجه داشت که جوانان ما در مساجد، برادران دینی و ایمانی ما هستند که گاهی ممکن است اشتباه و یا گناهی از آن ها سر بزنند. باید تا آنجا که ممکن است، با ابزار تغافل اصل حفظ کرامت انسانی را در مورد آن ها رعایت کرد و از شخصیت آن ها مراقبت نمود.

4. اصل حفظ آبروی مؤمن

یکی از بزرگ ترین نتایج ابزار تربیتی تغافل، حفظ آبروی مؤمن در محیط دینی است. آبروی یکی از سرمایه های مهم انسان است که آیین ما حفاظت از آن را بر همگان واجب دانسته است. آبروی مؤمن تمام سرمایه و اعتبار اوست. پس اصل آن است که تا آنجا که ممکن است، از این سرمایه ارزشمند حفاظت شود. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْصَدَ لِمَحَارَبَتِي: خدای تعالی فرموده است: هر که به دوستی از دوستان من، اهانت کند، قطعاً برای جنگ با من کمین کرده است» (کلینی، 1365، ج 2، ص 351).

گاهی جوان یا نوجوان برای اولین بار مرتکب خلافتی می شود که دیگران از آن بی خبر هستند؛ در چنین شرایطی اصل حفاظت از آبروی مؤمن، خود را در ابزار تغافل نشان می دهد و به پشتیبانی از آبروی جوان می شتابد. از این گونه روایات می توان فهمید که تغافل گاهی از حد یک ابزار تربیتی فراتر می رود و تا حد یک واجب پراهمیت صعود می کند.

5. اصل سخت گیری در اثبات گناه دیگران

اگرچه اسلام برای برخی از گناهانی که جنبه اجتماعی دارند، تنبیهات سختی را در نظر گرفته، اما در مقابل برای اثبات آن گناهان نیز شرایطی بس دشوار قرار داده است؛ گویا از یک سو می خواهد مردم را از آلودگی گناه بترساند و دور کند و از سوی دیگر می خواهد تا آنجا که ممکن است، کسی را به محدوده تنبیه نکشاند. شاهدان چهارگانه که باید به صورتی عینی بر ارتکاب برخی از جرایم نظیر زنا شهادت دهند تا ارتکاب آن گناه ثابت شود، نشان دهنده آن است که شارع مقدس، در مسئله اثبات گناه خصوصاً در دیدگاه مردم، اصل را بر پایه عدم ارتکاب قرار داده است. این سخت گیری در اثبات گناه گاه به قدری در قوانین الهی مشهود است که گویی اثبات چنین مسئله ای در شرایط عادی غیرممکن است؛ بنابراین باید گفت که اگرچه خداوند در برابر گناه، وعده هایی دردناک و سخت داده است، در بعد اجتماعی، اصل را بر عدم اثبات گناه و حفظ آبرو و کرامت انسان ها قرار داده است.

سیره معصومان نیز گویای آن است که آن بزرگواران حتی در برابر اقرار دیگران وانمود به نشنیدن می کردند و تمام تلاش خود را در جهت حفظ آبرو و مراقبت از کرامت مردم به کار می بستند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَجُلٌ فَقَالَ إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهَّرْنِي فَصَرَفَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجْهَهُ عَنْهُ فَأَتَاهُ مِنْ جَانِبِهِ الْآخِرِ ثُمَّ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ فَصَرَفَ وَجْهَهُ عَنْهُ ثُمَّ جَاءَ الثَّلَاثَةَ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي زَنَيْتُ وَعَذَابُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ لِي مِنْ عَذَابِ الْآخِرَةِ... فَأَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُرْجَمَ... ثُمَّ قَالَ لَوْ اسْتَبْرَأْتُ لَمَا تَابَ كَانَ خَيْرًا لَكَ: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من زنا کرده ام؛ پس مرا پاک گردان. حضرت رویش را از او برگرداند (و حرف او را نشنیده گرفت). او نیز از سمت دیگر خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و همان سخنان را تکرار کرد و حضرت دوباره از او روی برگرداند؛ سپس وی برای بار سوم خدمت حضرت آمد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، من زنا کرده ام و (می دانم که) عذاب دنیا آسان تر از عذاب آخرت است... حضرت دستور به سنگسار داد... سپس فرمود: اگر مخفی می داشت و توبه می کرد برای او بهتر بود» (همان، ج 7، ص 185).

آخرین جمله حضرت نشان از همان مصلحتی دارد که در تغافل نیز مطرح است؛ مصلحتی که منتهی به توبه و بازگشت گنه کار شود و او را از مسیر تباهی به جاده خوبی ها بکشاند.

6. اصل پرده پوشی بر لغزش های مؤمن

به جز تعداد اندکی از انسان ها که معصوم و از هرگونه خطا و گناه و لغزش مصون هستند، دیگر انسان ها ممکن است گرفتار نفس اماره شوند و در برهه ای از زندگی اسیر وسوسه شیطان گردند. از روایات

اهل بیت علیهم السلام برمی آید که مؤمن باید همانند یک رزمنده هوشمند، بلافاصله پس از برخورد تیرهای مسموم شیطان، دوباره از جا برخیزد و به بازسازی خود پردازد؛ اما اگر این لغزش ها در میان مردم علنی شود، پیامدی جز سرزنش و نکوهش نخواهد داشت و رزمنده را از ادامه مبارزه باز خواهد داشت. به همین دلیل است که امام باقر علیه السلام می فرماید: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُؤَاخِيَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ عَثْرَاتِهِ وَزَلَّاتِهِ لِيُعْتَفَ بِهَا يَوْمًا مَا: نزدیک ترین چیزی که بنده را به کفر می کشاند، این است که شخصی عقد برادری در دین بسته باشد و لغزش ها و خطاهای برادر مؤمنش را شماره کند تا روزی او را به وسیله آن ها سرزنش کند» (همان، ج 2، ص 354).

بنابراین اصل آن است که تا آنجا که می شود، گناهان دیگران را مخفی بداریم و به هیچ وجه به علنی شدن آن راضی نباشیم. گزارش های فراوانی در سیره معصومان وجود دارد که خود گویای تمام و کمال این اصل پراهمیت است. اصبع بن نباته می گوید: «أَتَى رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهَّرْنِي

فَأَعْرَضَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِوَجْهِهِ عَنْهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ اجْلِسْ فَأَقْبَلَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْقَوْمِ فَقَالَ أَيْعِزُّ أَحَدَكُمْ إِذَا قَارَفَ هَذِهِ السَّيِّئَةَ أَنْ يَسْتُرَ عَلَى نَفْسِهِ كَمَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَامَ الرَّجُلُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهَّرْنِي فَقَالَ وَ مَا دَعَاكَ إِلَى مَا قُلْتَ قَالَ طَلَبُ الطَّهَارَةِ قَالَ وَ أَيُّ الطَّهَارَةِ أَفْضَلُ مِنَ التَّوْبَةِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ أَصْحَابِهِ يُحَدِّثُهُمْ فَقَامَ الرَّجُلُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهَّرْنِي فَقَالَ لَهُ أَنْتَ رَأَى شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ أَقْرَأْ فَاقْرَأْ فَأَصَابَ فَقَالَ لَهُ أَنْتَ عَرَفْتَ مَا يَلْزُمُكَ مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي صَدْرِكَ وَ زَكَاتِكَ فَقَالَ نَعَمْ فَسَأَلَهُ فَأَصَابَ فَقَالَ لَهُ هَلْ بِكَ مِنْ مَرَضٍ يَعْرُوكَ أَوْ تَجِدُ وَجَعًا فِي رَأْسِكَ أَوْ شَيْئًا فِي بَدَنِكَ أَوْ غَمًّا فِي صَدْرِكَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَا... مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت: یا امیر المؤمنین، من زنا کرده ام. مرا با اجرای حد الهی پاک گردان. حضرت از او روی گردانید. سپس به او فرمود: بنشین. پس رو به مردم کرد و فرمود: آیا کسی از شما که مرتکب چنین گناهی می شود، نمی تواند آن را پوشیده نگاه دارد، چنانکه خداوند آن را از دیگران پوشانیده است؟

اندکی بعد آن مرد برخاست و گفت: یا علی، من زنا کرده ام. مرا پاک ساز. حضرت پرسید: چه تورا وادار کرد که این کلام را در این جمع بگویی؟ گفت: طلب پاک شدن از گناه. حضرت فرمود: چه طهارت و پاک شدنی بالاتر از توبه است؟ سپس رو به یاران خود کرد و مشغول به سخن شد. مرد برخاست و گفت: یا امیر المؤمنین! من زنا کرده ام. مرا پاک ساز. حضرت فرمود: آیا چیزی از قرآن خوانده ای؟ گفت: آری، فرمود: بخوان. مرد شروع کرد و درست خواند. حضرت پرسید: آیا مبتلا به بیماری یا ناراحتی عصبی هستی که گاهی تورا فرامی گیرد؟ یا به سردردی گرفتاری؟ یا چیزی در بدن تو است؟ یا در سینه تو اندوهی است و تورا ناراحت ساخته؟ مرد گفت: یا امیر المؤمنین! نه...» (شیخ صدوق، 1413ق، ج 4، ص 23).

در این روایت چهار نکته اساسی وجود دارد: اولین نکته لزوم پرده پوشی بر گناه است؛ دوم اینکه هیچ کس پرده پوش تر از خود پروردگار نیست؛ سوم اینکه یکی از نتیجه های مهم تغافل، ایجاد بستری برای توبه است؛ چراکه حضرت در این جریان فرموده است: «أَيُّ الطَّهَّارَةِ أَفْضَلُ مِنَ التَّوْبَةِ»؛ چهارم اینکه سؤالات مکرر حضرت نشانه آن است که باید تا آنجا که می شود، راهی برای خروج از چنین وضعیتی یافت؛ اما با کمال تأسف باید گفت که گاهی بعضی از بزرگ ترها دقیقاً عکس چنین برخوردی را از خود نشان می دهند. آن چنان که گویا دامی برای جوان مسجدی پهن کرده اند تا او را به محاکمه بکشند و در برابر خطای رخ داده، او را مورد بازخواست یا سرزنش قرار دهند.

7. اصل برخورد بزرگوارانه با خطای دیگران

یکی دیگر از اصول برخاسته از معارف دینی، بزرگواری و کرامت در برابر لغزش های دیگران است. این اصل را می توان از فرمان های متعددی نظیر عفو و گذشت، صبر و شکیبایی در برابر خطای دیگران و همچنین مدارای با عموم مردم برداشت کرد؛ اما به صورت اختصاصی نیز پیرامون ارتباط تغافل با بزرگواری انسان سخن به میان آمده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «مِنْ أَسْرَفِ أَعْمَالٍ (أَحْوَالِ) الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ (تغافله) عَمَّا يَعْلَمُ: از بهترین رفتارهای (حالات) شخص بزرگوار، بی خبر وانمود کردن خود است، از آنچه (از خطاها و بدی های مردم) می داند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۲).

بنابراین تغافل ریشه در بزرگواری انسان دارد و نشانه کرامت نفس اوست. در محیط مسجد نیز همه نمازگزاران باید با بزرگواری و کرامت خود این اصل را معیار عمل قرار دهند و در مواجهه با خطاهای احتمالی جوانان، برخوردی مناسب بکنند.

8. اصل حلم و مدارا در برابر رفتار دیگران

لازمه روابط اجتماعی مسالمت آمیز، افزایش آستانه تحمل یکایک افراد جامعه است که این مهم با عمل کردن به دو فرمان حلم و مدارا عملیاتی خواهد شد. در آموزه های دینی ما به صورت عمومی به این مسئله اشاره شده است: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا: و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین بی تکبر راه می روند و هرگاه جاهلان آنان را طرف خطاب قرار دهند (و سخنان نابخردانه گویند)، با ملایمت (و مدارا و سلامت نفس) پاسخ دهند» (فرقان: 63). امیر مؤمنان علی علیه السلام مهم ترین مصداق این مسئله را تغافل معرفی کرده، می فرماید: «لا

حِلْمٌ كَالْتَّعَافُلِ: هیچ گونه ای از بردباری همچون نادیده گرفتن و وانمود کردن به بی خبری نیست» (آمدی، 1366، ح 10502).

حقیقتاً سخت است که انسان در برابر کردار زشت دیگران سکوتی عاقلانه و راهبردی اختیار کند؛ خصوصاً اگر این رفتار ناشایست، نوعی بی احترامی به خود او باشد و شخصیت او را تحت الشعاع خود قرار دهد؛ اما همین دشواری هاست که جایگاه حلم و بردباری را نمایان می کند. در سیره معصومان علیهم السلام گزارش های فراوانی پیرامون ارتباط تغافل و بردباری وجود دارد. نقل است که: «اسْتَطَالَ رَجُلٌ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَغَافَلَ عَنْهُ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ يَاكَ أَعْنِي فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَنْكَ أُغْضِي: شخصی بر امام سجاد علیه السلام درشتی و تکبر

ورزید؛ حضرت تغافل کرد و خود را به بی خبری زد. آن شخص به حضرت گفت: با تو بودم. حضرت فرمود: و من هم از تو چشم پوشیدم» (اربلی، 1381ق، ج 2، ص 10).

جوان مسجدی اگرچه به طور معمول برخوردی مؤدبانه و همراه با احترام دارد، ممکن است گاهی از سر ناپختگی و شور و حال جوانی، برخوردی نامناسب با بزرگ ترها از او سر بزند که تغافل می تواند در درازمدت او را به عملکرد خود هوشیار و آگاه سازد؛ البته چنین عملکردی در مقام بیان، بسیار آسان اما در مقام عمل قدری دشوار است.

9. اصل اختفا و گسترش ندادن گناهان اجتماعی

بنا بر آیات قرآن گسترش و شیوع گناه از گناهان کبیره به حساب می آید و عذابی دردناک در پی دارد. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، برای آنان عذاب دردناکی در دنیا و آخرت است» (نور: 19).

علاقه به اشاعه فحشا گاهی با زبان و قلم است و گاهی با ایجاد مراکز فحشا و تشویق دیگران به گناه و قراردادن امکانات گناه در اختیار آنان. جالب است بدانیم امام صادق هویدا کردن گناه دیگران را نیز مصداقی از این مسئله برشمرده است. ایشان می فرماید: «مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَاهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: "إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ": هر کس درباره مؤمنی هر آنچه را گوش هایش شنیده و چشمانش دیده، بگوید، از مصداق این آیه شریفه است: "کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم باایمان شیوع یابد، برای آنان عذاب دردناکی در دنیا و آخرت است"» (کلینی، 1365، ج 2، ص 357).

بنابر آنچه بیان شد، تغافل نیز هم راستای با این اصل کلی، از شیوع زشتی‌ها در میان مؤمنان جلوگیری می‌کند و اجازه گسترش کژی‌ها را نخواهد داد؛ پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که همه مؤمنان، خصوصاً نمازگزاران مسجد، باید مراقب باشند که با برخوردی ناشایست، مسبب شیوع فحشا و گناه نگردند.

روی گرداندن پیامبر صلی الله علیه و اله و امیرالمؤمنین علیه السلام در دو ماجرای که شخصی با زبان خود اقرار به گناهی کبیره کرده بود، گویای همین اصل مهم است. امیر مؤمنان علیه السلام در همان ماجرای پیشین به فرد خاطی فرمود: «أَيَعِزُّ أَحَدُكُمْ إِذَا قَارَفَ هَذِهِ السَّيِّئَةَ أَنْ يَسْتُرَ عَلَى نَفْسِهِ كَمَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ؟: آیا کسی از شما که مرتکب چنین گناهی می‌شود،

نمی‌تواند آن را پوشیده نگاه دارد، چنانکه خداوند آن را از دیگران پوشانیده است؟» (شیخ صدوق، 1413ق، ج 4، ص 23).

گفتار سوم: محدوده تغافل و رابطه آن با امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

یکی از مهم‌ترین وظایف دینی هر مسلمانی امر به معروف و نهی از منکر است. این دو واجب بزرگ که از فروع دین اسلام است، از جمله ده واجب اساسی آیین ما به حساب می‌آید. قرآن بارها به صراحت از وجوب پایبندی مسلمانان به این دو واجب سخن گفته و ارزش و معیار امتیاز امت‌ها را به عمل کردن به این دو واجب گره زده است. خداوند می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ... شما بهترین امتی هستید که برای مردم ظاهر (و گزیده) شده‌اید؛ به خوبی‌ها فرمان می‌دهید و از بدی‌ها و زشتی‌ها نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران: 110).

بنابراین به راحتی نمی‌توان از کنار این دو واجب پراهمیت گذشت و آن‌ها را به گوشه‌ای وانهاد؛ از سوی دیگر ظاهر مسئله تغافل گویای نوعی مخالفت با این دو واجب پراهمیت است؛ چراکه ظاهر تغافل چشم‌پوشی از گناه دیگران است و ظاهر امر به معروف و نهی از منکر مقابله با آن؛ به همین دلیل است که باید رابطه میان این دو مسئله را تعریف کرد.

1. تغافل، گونه و روشی از امر به معروف و نهی از منکر

توجه در مفهوم و ساختار اصل تغافل نشان می‌دهد که این اصل نیز زیرمجموعه‌ای از امر به معروف و نهی از منکر به حساب می‌آید و مسئله مجزا و جداگانه‌ای نیست. نگاهی اجمالی به روایات امر به معروف و نهی از منکر نشان می‌دهد که شرط اساسی برای واجب شدن این فریضه، احتمال تأثیرگذاری در طرف مقابل است؛ بنابراین آنچه در امر به معروف و نهی از منکر مهم است، اثرگذاری است که با توجه به شرایط

مختلف زمانی و مکانی، ممکن است به روش های مختلفی محقق گردد. گاهی امر به معروف و نهی از منکر باید به بیان یک مسئله و آگاهی دادن محدود شود؛ گاه باید با یک اخم ساده در حرکات چهره ظاهر شود؛ گاه باید با مهربانی و ملاحظت بیان شود؛ گاهی با تشویق به سوی خوبی ها و وعده پاداش دادن امکان پذیر خواهد بود. گاهی باید با تذکر زبانی محکم و آمرانه، مطلبی را به صورت واضح و صریح به فرد خاطی فهماند. گاه نیز

ممکن است بتوان در قالب طنز، دیگران را از خطا و اشتباهشان آگاه کرد؛ به همین ترتیب گاهی هم با سکوتی فعال و راهبردی می توان تأثیری جدی بر طرف مقابل گذاشت.

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر روش های مختلفی دارد که تغافل یکی از آن هاست؛ به شرط آنکه مصلحت تغافل هم راستای با این دو واجب پراهمیت باشد و بتواند فرد خاطی را به معروف دعوت کند و از منکر بازدارد؛ پس باید توجه داشت که گاه کارایی تذکر زبانی قابل مقایسه با تغافل نیست؛ بلکه تأثیر تغافل بسیار بیشتر از بیان است؛ حتی می توان گفت که گاهی به زبان آوردن برخی از مطالب می تواند تأثیر منفی داشته باشد و دقیقاً مخالف با اهداف عالی امر به معروف و نهی از منکر به حساب آید؛ بنابراین همه ما باید در انتخاب یک روش مناسب برای امر به معروف و نهی از منکر بکوشیم و از برخورد ظاهری و انتخاب عجولانه و سطحی بپرهیزیم.

2. تغافل در برابر لغزش ها و عیب های کوچک

با اینکه تغافل یکی از شیوه های امر به معروف و نهی از منکر است، باید در نظر داشت که این روش در همه جا و در همه مواقع کارساز نیست و محدوده ای برای آن در نظر گرفته شده است. تغافل در مسائل مهم، نظیر مواجهه با دشمنان و کفار که گاه برای براندازی نظام اسلامی نقشه می کشند، هیچ توجیهی ندارد و دقیقاً خلاف مصلحت است؛ همچنین تغافل در مواقعی که مماشات با گناه سبب شیوع آن و اشاعه فحشا می شود، راهی ندارد؛ بنابراین تغافل تنها در مورد خلاف های شخصی و جزئی مطرح است؛ لغزش ها و خطاهایی که گاهی از جوانان سر می زند و از سر ناآگاهی و یا ناآشنایی و یا غفلت و بی تجربگی دچار آن می شوند، روشی را می طلبد که آن ها را برای بازسازی خود و فهم و درک عمیق تر از مسائل زندگی مهیا سازد. این مطلب با نحوه برخورد پروردگار با گناهان صغیره و کبیره نیز تناسب بسیاری دارد؛ چراکه بنا بر فرمایش قرآن کریم، با اینکه خداوند به راحتی از گناهان صغیره می گذرد، گناهان کبیره را شایسته مؤمن نمی داند. قرآن می فرماید:

«الَّذِينَ يَجْتَبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ...» (نیکوکاران) کسانی (هستند)

که به جز گناهان صغیره (که گاه آلوده به آن می شوند) از گناهان بزرگ (کبیره) و اعمال زشت دوری می کنند» (نجم: 32).

«لَمَم» به معنی نزدیک شدن به گناه است؛ به همین دلیل از گناهان صغیره به «لَمَم» تعبیر شده است؛ چنانکه راغب می گوید: «اللَّمَمُ مقاربه المعصیه و یعبّر به عن الصّغیره» (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 746). این واژه گاهی به معنی نزدیک شدن به چیزی بدون انجام آن است و گاه به اشیاء قلیل و کم نیز اطلاق شده است؛ به

همین جهت برخی از مفسران آن را به گناه صغیره و برخی به گناهان کم اهمیت تفسیر کرده اند. گاهی هم به هرگونه گناهی که عادت نشده باشد و گاه گاه اتفاق بیفتد و انسان پس از توجه، توبه کند، اطلاق می شود (مکارم شیرازی، 1374، ج 22، ص 538).

بنابراین تغافل منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر ندارد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر زبانی و آمرانه، مربوط به واجبات و محرمات است که از محدوده تغافل بیرون است. روشن است که جوان مسجدی اگر گرفتار لغزشی شود، معمولاً از نوع گناهان کبیره نیست؛ به همین جهت باید در مواجهه با آن از اصل تغافل استفاده کرد؛ اما اگر از این دایره خارج شد، باید راهکاری دیگر برای آن اندیشید.

3. تغافل در برابر گناهان غیرعلنی

یکی از حکمت های امر به معروف و نهی از منکر، گسترش نیافتن زشتی ها در عموم جامعه است. گویی خداوند این دو واجب پراهمیت را برای صیانت از حریم اجتماع مسلمین قرار داده است؛ بنابراین در بسیاری از مواقع باید در برابر گناهی که در جامعه علنی شده و گسترش پیدا کرده است، با تمام وجود ایستاد؛ در چنین شرایطی سکوت و مماشات راهی ندارد؛ زیرا سکوت مفاسد اجتماعی بسیاری را در پی خواهد داشت؛ اما در برابر گناهان غیرعلنی و مخفی و یا گناهان صغیره ای که ریشه در غفلت و بی توجهی دارد، تغافل بهترین روش تربیتی است. روشن است که اگر لغزشی از جوانی که به مسجد راه پیدا کرده است، سر بزند، به طور معمول از سر بی توجهی و کم تجربگی اوست؛ چراکه جوان بزه کار و هنجارشکن راهی به مسجد ندارد و خاستگاه دیگری را می طلبد؛ بنابراین مرز امر به معروف و نهی از منکر در مواجهه با جوان مسجدی، به طور معمول همان شیوه تغافل است که باید در میان همه نمازگزاران نهادینه گردد.

البته گاهی هم خطا و لغزش جوان مسجدی به گونه ای است که دیگر مصلحتی در تغافل وجود ندارد؛ در چنین مواردی که گناه و لغزش به عموم جامعه کشیده شده است و خطر شیوع و گسترش آن وجود دارد، نباید در برابر آن تعلل کرد و از برخوردی آمرانه و متناسب اجتناب نمود؛ چراکه در چنین شرایطی، مصلحت جامعه بر مصلحت فرد اولویت دارد و لزوم جلوگیری از اشاعه فحشا مصلحت بالاتری را ایجاد می کند.

4. وجود مصلحتی افزون بر مصالح دیگر

همان طور که گفته شد، محور اصلی مسئله تغافل وجود مصلحتی است که سکوت در برابر خطای جوان را به یک ارزش و راهبرد تبدیل می‌کند؛ اما باید توجه داشت که این مصلحت باید توان رویارویی با مصلحت بیان صریح و تذکر لسانی را داشته باشد؛ بنابراین استفاده از تغافل در مواردی راه دارد که امکان و احتمال اصلاح امور فاسد و خطاها و لغزش‌ها وجود داشته باشد؛ اما اگر این نوع رفتار در شرایطی انجام شود که همانند سکوت در برابر منکر باشد، می‌تواند به شخص و دیگران آسیب برساند و زمینه ساز گسترش فساد و نابهنجاری در جامعه شود؛ بنابراین تغافل زمانی نقش تربیتی و اصلاحی دارد که در جای خود و به درستی و به قصد اصلاح انجام گیرد و احتمال اصلاح رفتاری از سوی فرد لغزش کار وجود داشته باشد. در این صورت است که با تغافل می‌توان به اصلاح جامعه و رفتار اجتماعی دیگران کمک کرد.

5. تغافل در خواسته‌های غیر اساسی بزرگ‌ترها

گاهی بزرگ‌ترها به دلیل آینده‌نگری و یا تجربه‌ای که دارند، تمایلات و خواسته‌های بجایی از جوانان دارند، اما روحیه جوان به دلیل علاقه مندی به تجربه کردن، پذیرای تمایلات آن‌ها نیست. باید در نظر داشت که ابراز عقیده مداوم و راهنمایی بیش از اندازه، جوان را در یکی از این دو مشکل غوطه‌ور خواهد کرد: چنین جوانی یا به صورت مداوم پذیرای راهنمایی دیگران خواهد بود که نتیجه‌ای جز انفعال در تصمیم‌گیری و عدم استقلال نخواهد داشت و یا در برابر تذکرات مداوم دیگران موضعی تدافعی خواهد گرفت و دیگر در هیچ شرایطی پذیرای سخن حق بزرگ‌ترها نخواهد بود. امیرالمؤمنین علیه السلام پیرامون سیره رفتاری پیامبر صلی الله علیه و اله می‌فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَائِمَ الْبُشْرِ سَهْلَ الْخُلُقِ لَيِّنَ الْجَانِبِ لَيْسَ بَقَطُّ وَ لَا غَلِيظٌ وَ لَا صَخَّابٌ وَ لَا فَحَّاشٍ وَ لَا عَيَّابٌ وَ لَا مَدَّاحٍ يَتَغَافَلُ عَمَّا لَا يَشْتَهِي فَلَا يُؤَيِّسُ مِنْهُ وَ لَا يُخَيِّبُ فِيهِ مُؤَمِّلِيهِ: رسول خدا صلی الله علیه و اله همواره خوش‌رو، سهل‌گیر و نرم‌خو بود؛ خشونت و تندخویی نداشت؛ پرخاش‌جویی و دشنام‌گویی نمی‌نمود؛ عیب‌جویی یا مداحی نمی‌کرد؛ از آنچه نمی‌پسندید، تغافل می‌فرمود و در عین حال کسی را مأیوس نمی‌ساخت و دیگران را که بدان مایل بودند، ناامید و رانده نمی‌کرد» (شیخ صدوق، 1361، ص 83).

6. مراقب سوء استفاده و گستاخی فرد خاطی بودن

یکی از آسیب‌های احتمالی تغافل سوء استفاده فرد خاطی و گستاخی او در برابر دیگران است؛ به همین جهت پیش از استفاده از این روش تربیتی باید به عواقب آن اندیشید. بیشتر جوانانی که به محیط‌های دینی

و مذهبی راه دارند، دارای شرم و حیایی افزون از دیگر هم سالان خود هستند؛ به همین جهت در اکثر موارد، سوءاستفاده و گستاخی در میان آنان وجود ندارد؛ اما باید دانست که مرز استفاده از ابزار تغافل، سوءاستفاده نشدن از آن است؛ چراکه اگر چنین شود، دیگر مصلحتی وجود نخواهد داشت؛ به همین دلیل باید مراقب بود که جوان از تغافل برداشت دیگری نداشته باشد و دیگران را ساده لوح و بی توجه نیانگارد.

گفتار چهارم: ثمرها و آثار تغافل

اشاره

توجه به ثمرهای این اصل تربیتی و کارآمد سبب می شود انگیزه بیشتری برای اجرای آن در محیط مسجد ایجاد شود و افراد بیشتری به انجام آن تشویق شوند. برخی از این نتایج عبارت اند از:

1. یافتن فرصت توبه و جبران لغزش ها

انسان ممکن الخطاست و به طور طبیعی به علل گوناگون درونی و بیرونی، دچار خطا و اشتباه و لغزش می شود که اگر باب توبه و عفو و گذشت از سوی خدا و خلق خدا بر او بسته باشد، دیگر نمی توان امیدى به اصلاح شخص و جامعه داشت. سرزنش یا تذکرات مداوم به شخص خاطی، فرصت بازسازی را از او می گیرد و اجازه اصلاح را از او می ستاند. این مسئله در مورد جوانان از ظرافت بیشتری برخوردار است، چراکه روحیه جوان حساس تر از دیگران است و تذکرات پی درپی سبب آزرده خاطر شدن او می شود.

2. جذب حداکثری جوانان به مسجد

روحیه جوان بسیار حساس و شکننده است و ممکن است او با یک رفتار نامناسب رنجیده خاطر شود؛ بنابراین در تعامل رفتاری با جوان باید مراقبت بسیاری داشت و از رفتارهای پرحاشیه پرهیز کرد. یکی از تأثیرات تغافل، همراهی با عواطف جوانان است. تغافل سبب می شود جوان از محیط مسجد فراری نباشد و فضای معنوی آن را برای خود مکانی امن و آرام به حساب آورد. اگرچه جوان به جهت فضای حاکم در مسجد، جسارت ارتکاب گناه ها و لغزش های بزرگ را به خود نمی دهد، می داند که اگر در اثر جهل و نابخردی و یا ناآگاهی و بی تجربگی، خطایی از او سر بزند، دیگران با بزرگواری و دل سوزی با او برخورد خواهند کرد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره کارکرد محبت آمیز تغافل در جلب دل های دیگران می فرماید: «تَغَاغَلُ يُحْمَدُ أَمْرًا: چشم پوشی کن تا مورد ستایش قرار گیری» (آمدی، 1366، ح 4570)؛ بنابراین یکی از مهم ترین ابزارهای جذب حداکثری جوانان به مسجد، استفاده متناسب از این ابزار کارآمد تربیتی است.

3. هموارشدن مسیر تعاملات اجتماعی

در یک محیط اجتماعی نظیر مسجد، گاهی یک تنش کوچک و یا یک معضل پیش پا افتاده، مسیر عادی امور روزمره را بر هم می زند و همه افکار را به سوی خود می کشاند. روشن است که توجه به مسائل کوچک، انسان را از توجه به مسائل مهم تر بازمی دارد و او را به مسائل کم ارزش مشغول می کند. یکی دیگر از نتایج تغافل، هموار ساختن مسیر عادی کارهای هر محیط اجتماعی نظیر مسجد و جلوگیری از افتادن به دام ناملایمات بی مورد است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغُضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَغَصَّتْ عَيْشَتُهُ؛ هرکس که نسبت به بسیاری از کارها بی توجهی و چشم پوشی نکند، زندگی اش ناگوار شود» (همان، ح ۹۱۴۹).

4. حفظ جایگاه اجتماعی تغافل کننده

تذکر بیش از اندازه و مکرر به هرکسی پیامدهای منفی بسیاری دارد که یکی از آن ها بی اثر شدن تذکر و عدم تأثیرگذاری آن در دیگران است؛ چنین کاری خصوصاً در مواجهه با جوانان پیامدهای منفی بیشتری خواهد داشت. یکی دیگر از تأثیرات چنین رفتاری، از بین رفتن پیوند محبت میان اقشار گوناگون جامعه است؛ پیوندی که در محیط مسجد بسیار ضروری است و یکی از لوازم اصلی اجتماع پر شور مسلمانان است. جوانی که خود را مدام در معرض تذکر بزرگ ترها ببیند، از آن ها فراری خواهد شد و دیگر ارزش و جایگاهی برای چنین افرادی در نظر نخواهد داشت. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «وَعَظَّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ؛ با تغافل و نادیده گرفتن امور ناچیز و بی ارزش، بزرگی و بزرگواری خود را حفظ کنید» (حرانی، 1404ق، ص 224)

از بین رفتن موقعیت اجتماعی بزرگ سالان بسیار خطرناک است که پیش از هرکسی، خود آن ها باید به حراست از آن همت گمارند؛ چراکه این قدر و منزلت، در مواقع حساس بسیار کارآمد است و پناهگاهی برای مواقع اضطرار جوانان به حساب می آید؛ بنابراین هیچ کس، حتی خود فرد، حق ندارد تیشه بر ریشه این پناهگاه مطمئن بزند و کرامت بزرگ ترها را خدشه دار کند. اگر همین نکته پراهمیت یعنی تغافل از لغزش های جوان

رعایت نشود، ممکن است شخصیت و کرامت بزرگ ترها مورد بی مهری و اهانت قرار گیرد و جوان را، خواسته یا ناخواسته، در مسیر جسارت ها، برخوردهای غرض آلود و لغزش های عامدانه سوق دهد. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «لَا تُكْثِرَنَّ الْعِتَابَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الضَّغِينَةَ وَيَدْعُو إِلَى الْبَغْضَاءِ؛ زیاد سرزنش مکن؛ زیرا این کار کینه به بار می آورد و به دشمنی و نفرت می کشاند» (آمدی، 1366، ح 10412).

چشم پوشی و تغافل، سبب می شود که شخص خطاکار با احساس احترام و اعتمادی که از سوی دیگران می بیند، در جهت جبران لغزش ها برآید و برای باقی ماندن اعتماد و حسن ظنّ دیگران تلاش کند.

5. خروج از ورطه عناد و لج بازی

استفاده نکردن از ابزار تغافل، انسان را به تذکرات پیاپی می اندازد که معمولاً به ملامت و سرزنش فرد خاطی خواهد انجامید. در آموزه های ما به شدت از سرزنش زیاد، نهی شده و آثار مخرب آن گوشزد شده است. یکی از تأثیرات مخرب سرزنش، انداختن فرد خاطی به پرتگاه لجاجت و دشمنی است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «الإفراطُ في الملامه يشبُّ نارَ اللّجاجة: زياده روی در سرزنش، آتش لجاجت را شعله ور می کند» (همان، ح ۱۷۶۸). تغافل سبب می شود که از یک سو جوان از سر لجاجت، در مسیر خطای خود غوطه ور نشود و از سوی دیگر با گذر زمان و بازشناسی خود، به سوی جبران خسارت روی آورد.

6. ارزشمند شدن تذکر در نگاه جوان

یکی دیگر از پیامدهای منفی تذکرات پیاپی، از بین رفتن ارزش امر به معروف و نهی از منکر و لوث شدن جایگاه آن است. چنانکه امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «إيّاك أن تُكرّر العتَبَ؛ فإنّ ذلك يُغري بالذنبِ ويُهون العتَبَ: از سرزنش کردن های مکرّر بپرهیز؛ زیرا این کار (فرد را) بر گناه (و خلاف کاری) جری می کند و سرزنش را بی ارزش می سازد» (همان، ح 3748).

تغافل و چشم پوشی باعث می شود که جوان، تذکر و عتاب بزرگ ترها را همچون درّی گران بها ارج نهد و به آن جامعه عمل بیوشاند.

7. پرهیز از تنش های اجتماعی

معمولاً اختلافات و تنش های اجتماعی از سمت یکی از طرف های دعوا آغاز می شود و از سوی طرف مقابل پیگیری شده، ادامه می یابد. در چنین شرایطی اگر یکی از دو طرف دعوا کوتاه بیاید، معمولاً دعوا ختم به

خیر خواهد شد؛ اما به طور معمول هیچ کس حاضر به کوتاه آمدن نیست. یکی از راهکارهای ارائه شده توسط اهل بیت علیهم السلام تغافل در برابر رفتار ناسالم طرف مقابل است که منجر می شود این بمباران دوطرفه پایان یابد. این تغافل به قدری لازم است که به گفته امام صادق علیه السلام بی توجهی به آن موجب لعنت و برائت پروردگار خواهد شد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَا يَفْتَرِقُ رَجُلَانِ عَلَى الْهَجْرَانِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ أَحَدُهُمَا

الْبِرَاءَةِ وَاللَّعْنَةَ وَرَبِّمَا اسْتَحَقَّ ذَلِكَ كِلَاهُمَا فَقَالَ لَهُ مُعْتَبٌ. جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا الظَّالِمُ فَمَا بَالُ الْمُظْلُومِ؟ قَالَ لِأَنَّهُ لَا يَدْعُو أَخَاهُ إِلَى صِلَتِهِ وَ لَا يَتَّعَامَسُ لَهُ عَنْ كَلَامِهِ: هیچ گاه دو نفر با حالت قهر از یکدیگر جدا نشوند، مگر اینکه یکی از آن دو سزاوار بیزاری (خدا و رسولش از او) و لعنت باشد و چه بسا که هر دوی آن‌ها سزاوار این امر باشند. پرسیدم: خدا مرافدایتان گرداند، ظالم، درست (که مستحق این کیفر است)، اما مظلوم چرا؟ حضرت فرمود: برای آنکه برادرش را به آشتی با خود دعوت نمی‌کند و از سخن او چشم نمی‌پوشد» (کلینی، 1365، ج 2، ص 344).

نتیجه گیری

1. تغافل یکی از اصول راهبردی و تربیتی اسلامی است که باید به شکل یک ابزار کارآمد در محیط مسجد مورد توجه قرار گیرد.
2. همه کسانی که به نحوی با مسجد در ارتباط اند، باید استفاده از این روش تربیتی را بیاموزند و سازوکار آن را در نظر داشته باشند.
3. تغافل ریشه در هوشیاری بزرگان مسجد دارد و دقیقاً نقطه مقابل غفلت است؛ بنابراین نباید سبب رهاکردن جوان و وانهادن او شود.
4. تغافل ریشه در دل سوزی و مهر و محبت سرشار بزرگان مسجد دارد؛ بنابراین پیش از هر چیز باید نحوه نگرش بزرگ ترهای مسجد به جوانان را تصحیح نمود.
5. در مقابل تغافل شایسته، تغافل مذموم و نکوهیده هم وجود دارد که می‌توان با استفاده از نکات مرتبط با ریشه های تغافل، به مرز میان این دو نوع دست یافت.
6. تغافل شایسته ریشه در اصول زیر دارد:
 - 6-1. مصلحت، ریشه اساسی تغافل ممدوح؛
 - 6-2. اصل تعقل اجتماعی؛
 - 6-3. اصل مراقبت از کرامت انسانی؛
 - 6-4. اصل حفظ آبروی مؤمن؛
 - 6-5. اصل سخت گیری در اثبات گناه دیگران؛
 - 6-6. اصل پرده پوشی بر لغزش های مؤمن؛
 - 6-7. اصل برخورد بزرگوارانه نسبت به خطای دیگران؛

8-6. اصل حلم و مدارا در برابر رفتار دیگران؛

9-6. اصل اختفا و عدم گسترش گناهان اجتماعی.

7. یکی از سؤالات پیرامون تغافل این است که این اصل تربیتی چه رابطه ای با امر به معروف و نهی از منکر دارد. توجه در منابع دینی نشان می دهد که:

7-1. تغافل خود گونه و روشی از امر به معروف نهی از منکر است؛ زیرا شرط امر به معروف و نهی از منکر، اثرگذاری است و تغافل نیز در پی تأثیرگذاری و تربیت طرف مقابل است.

7-2. تغافل در برابر لغزش های کوچک است؛ اما اگر گناهان بزرگ تری در محیط مسجد انجام شد، باید از روش های دیگری در کنار تغافل استفاده کرد.

7-3. تغافل در برابر گناهان غیرعلنی است؛ اما برخورد آمرانه در مواقعی انجام می گیرد که گناه به عرصه اجتماع سرایت کرده باشد.

7-4. از تغافل زمانی استفاده می شود که مصلحتی بزرگ تر از برخورد آمرانه وجود داشته باشد؛ اما اگر مصلحت برخورد آمرانه بیشتر بود، دیگر نوبت به اجرای تغافل نخواهد رسید.

7-5. تغافل در مواردی انجام می شود که منجر به سوءاستفاده و گستاخی فرد خاطی نشود؛ در غیر این صورت باید از برخوردهای دیگری نظیر برخورد آمرانه استفاده کرد.

8. اجرای اصل تغافل نتایج فراوانی دارد که برخی از آن ها عبارت اند از:

8-1. دادن فرصت برای توبه و جبران لغزش ها؛

8-2. جذب حداکثری جوانان به مسجد؛

8-3. هموارشدن مسیر تعاملات اجتماعی؛

8-4. حفظ جایگاه اجتماعی تغافل کننده؛

8-5. خروج از ورطه عناد و لج بازی

8-6. ارزشمند ماندن تذکر در دیدگاه جوان؛

8-4. پرهیز از تنش های اجتماعی.

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه، تصحيح و تعليق صبحی صالح، انتشارات دارالهجره، قم، [بی تا].
3. ابن احمد، خليل، كتاب العين، تحقيق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، دارالهجره، قم، 1405ق.
4. ابن منظور، محمدبن مكرم، لسان العرب، دارالفکر، بیروت، 1414ق.
5. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمه، مکتبه بنی هاشمی، تبریز، 1381ق.
6. آمدی، عبدالواحدبن محمدبن تمیم، غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ش 1366.
7. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، 1404ق.
8. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایهاالأثر فی النصّ علی الأئمه الإثنی عشر، بیدار، قم، 1401ق.
9. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ سیروس، تهران، 1341ش.
10. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت، 1412ق.
11. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، من لایحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، 1413ق.
12. _____، معانی الأخبار، انتشارات جامعه مدرسین، قم، 1361ش.
13. _____، علل الشرائع، کتاب فروشی داوری، قم، 1385ش.
14. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، چاپ سوم، انتشارات ناصرخسرو، تهران، 1372ش.
15. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1412ق.
16. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1365ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1374ش.

جوان یکی از مهم ترین عناصر تشکیل دهنده جامعه و عامل پیشرفت و شکوفایی یا عامل انحطاط آن است. جوانان مهم ترین سرمایه های یک جامعه اند که فرهنگ و تمدن یک جامعه را حفظ کرده و در اعتلای آن می کوشند. جوانان هستند که در راه رشد و پیشرفت کشور خود می کوشند و آن را به قله های کمال می رسانند.

جوانان در صورتی می توانند در حفظ و رشد جامعه خود مؤثر باشند که توانایی ها و صلاحیت های لازم را به دست آورده باشند و به همین سبب، هر جامعه ای نگران جوانان خود است؛ هم از جهت ایجابی یعنی تربیت صحیح او و مجهز کردن او به توانایی ها و ابزارهای لازم برای زندگی موفق و ایفای نقش سازنده در پیشبرد جامعه؛ هم از جهت سلبی یعنی مراقبت و مواظبت از جوانان تا مبادا این سرمایه عظیم در مسیری انحرافی به کار بیفتد و جامعه را دچار ضعف و سستی کند.

کشور ما هم درباره جوانان دغدغه دارد و نگران است و این در بیانات رهبر انقلاب به بهترین وجه آشکار شده است. این مقاله درصدد است نظر مقام معظم رهبری را درباره جوانان بررسی و تشریح کند.

در باب جوانی تعریفی واحد و مورد قبول همه وجود ندارد. حقوقدانان، روان شناسان، جامعه شناسان، جمعیت شناسان و دیگر دانشمندان هر یک تعریف خاصی از جوانی ارائه می دهند و محدوده خاصی برای آن تعیین می کنند. فرهنگ ها و کشورهای مختلف نیز تعریف های خاص و متفاوتی از جوانی به دست می دهند.

دلیل این ناهماهنگی و اختلاف در تعریف جوانی و تعیین محدوده آن اختلاف در نوع تلقی از جوانی است. در رویکرد حقوقی، ملاک و معیار تقسیم افراد، چیزی جز شایستگی برخورداری از حقوق و

پذیرش مسئولیت های قانونی نیست. کسانی که به سنی معین رسیده باشند و این شایستگی را کسب کرده باشند، جوان و بزرگ سال و در غیر این صورت کودک و خردسال تلقی می شوند. به عبارت دیگر، در رویکرد حقوق چیزی به نام جوانی موضوعیت ندارد و افراد یا صغیر هستند یا کبیر. بر اساس این رویکرد، سن کسب شایستگی های ضروری در فرهنگ های مختلف متفاوت است. برای مثال، در نظام حقوقی اسلامی، سن 15 سالگی، سن آغاز جوانی و بزرگ سالی است و کسی که به این سن برسد، مکلف به تکالیف و برخوردار از حقوق اسلامی است. با وجود این، در بیشتر فرهنگ ها 18 سالگی به عنوان سن آغاز جوانی و بزرگ سالی به رسمیت شناخته شده است.

در رویکرد زیست شناختی، ملاک و معیار عبارت است از رشد یافتگی جسمی و زیست شناختی. کسانی که به لحاظ جسمی به اوج رشد جسمی خود رسیده باشند، به گونه ای که همه توانایی های جسمی آن ها به فعلیت رسیده باشد که نمونه بارز آن قوت و قدرت جسمی و رشد توانایی جنسی است، جوان محسوب می شوند. از آنجاکه این رشد تدریجی و در طی چند سال اتفاق می افتد، جوانی یک دوره زمانی است که ابتدا و انتهایی دارد؛ هرچند در باب تعیین ابتدا و انتهای آن اختلاف نظر وجود دارد؛ اما می توان گفت ابتدای آن از بلوغ یعنی 13 تا 15 سالگی شروع می شود و انتهای آن نیز برحسب فرهنگ های مختلف و نظرات مختلف، 25 تا 35 و حتی 40 سالگی تعیین شده است.

البته، برخی این دوره را به دو دوره کوچک تر نوجوانی و جوانی تقسیم کرده و دوره نوجوانی را حدود 13-18 سالگی دانسته اند⁽¹⁾.

از آنجاکه ابتدای این دوره سن بلوغ است و سن بلوغ دختران با پسران متفاوت است و همچنین سن بلوغ پسران نیز بسته به نوع محیط و فرهنگ متفاوت است، دوره نوجوانی در دختران با پسران متفاوت است و سن بلوغ دختران معمولاً یک یا دو سال زودتر شروع شده و زودتر تمام می شود؛

ص: 150

همچنان که در فرهنگ ها و محیط های مختلف دوره نوجوانی پسران نیز متفاوت است. این مطلب در مورد دوره جوانی نیز صادق است.

شاید به همین جهت است که در برخی کشورها ابتدای جوانی را ده سالگی و در کشورهای دیگر تا 15 سالگی و انتهای آن نیز 24 تا 40 سالگی مشخص شده است. (1) مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز جوانی را به 10 تا 24 سالگی محدود کرده است. (2)

در حالی که یونسکو گروه سنی 15-40 سالگی را معادل جوانی تعریف کرده و این تعریف مورد قبول بین المللی قرار گرفته است. (3)

روانشناسان معمولاً جوانی و نوجوانی را دو دوره از دوره های تحول و رشد روانی انسان می دانند و معتقدند در این دو دوره تحولات خاصی در روان و توانایی های روانی انسان اتفاق می افتد. برای مثال، اریکسون تحول دوره نوجوانی را هویت یابی و تحول دوره جوانی را عشق و صمیمیت می داند. (4) محدوده سنی این دوره از نظر روانشناسان همان محدوده سنی در رویکرد زیستی - جسمی است.

از نظر جامعه شناسان افراد سه دسته اند: بزرگ سال، خردسال و جوان. بزرگ سال کسی است که عضوی مستقل از اعضای جامعه است و در تأمین نیازهای خود به کسی وابسته نیست و در فرایند اجتماعی نیز مشارکت دارد. مشخصه های مهم بزرگ سالی عبارت است از برخورداری از شغل، خانواده و مشارکت در امور اجتماعی. خردسال کسی است که در تأمین نیازهای خود به دیگران وابسته است، در فرایند اجتماعی مشارکت ندارد و عضو مستقل جامعه نیست. جوان کسی است که نه بزرگ سال است نه خردسال؛ یعنی شغل مناسب ندارد، ازدواج نکرده است و در حال کسب آمادگی برای این امور است.

بر اساس این رویکرد، سن آغاز و انجام جوانی برحسب جامعه های گوناگون، متفاوت است. در جوامع سنتی اصلاً فاصله ای میان کودکی و بزرگ سالی نیست اما در جوامع مدرن این فاصله گاه به 10 تا 15 سال هم می رسد.

به هر حال، علی رغم این اختلاف نظرها شاید بهتر باشد همان قلمروی را که در رویکرد زیستی - جسمی معین شده به عنوان قلمرو جوانی در نظر گرفت؛ زیرا این محدوده با مقداری مسامحه تقریباً مورد اتفاق همه است؛ بنابراین، در این نوشته سن 20-40 سالگی را به عنوان دوره جوانی در نظر می گیریم که تلقی کرد که هم تا حدود زیادی با معیار جامعه شناختی سازگار است، هم با معیارهای روان شناختی و زیست شناختی و از همه مهم تر با معیارهای عمومی و عرف مردم کشور ما.

ص: 151

1- . طباطبایی و مختاری، روان شناسی جوانی، ص 14.

2- . گزارش وضعیت جهانی جوانان، 2003، ص 531 به نقل از طباطبایی و مختاری، ص 20.

3- . طباطبایی و مختاری، روان شناسی جوانی، ص 20.

4- . طباطبایی و مختاری، ص 27-28.

از آنجاکه در این تحقیق داده‌ها به صورت کمی بررسی نمی‌شوند، تحقیق کیفی از نوع تحلیل متن است که در آن، اسناد و مدارک حاوی سخنان مقام معظم رهبری مطالعه شده و با روش فیش برداری داده‌های موردنیاز جمع‌آوری می‌شود. مطالعه سخنان مقام معظم رهبری سؤال محور، عمیق و دقیق است. سؤال محور است؛ زیرا از ابتدا محقق سؤال‌های موردنظر خود را مشخص کرده و برای یافتن پاسخ به آن‌ها به مطالعه سخنان مقام معظم رهبری می‌پردازد. عمیق و دقیق است؛ زیرا هم به دنبال مطالبی است که

به صراحت در سخنان مقام معظم رهبری راجع به سؤالات تحقیق مطرح شده و هم به دنبال مطالبی مرتبط با سؤالات است که گرچه به صراحت مطرح نشده‌اند، اما از دیگر سخنان وی قابل استنباط و استخراج است.

پس از مطالعه، داده‌های به دست آمده طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌شوند و در نهایت، نظام فکری مقام معظم رهبری در مورد جوانان استخراج و تدوین می‌شود.

دیدگاه و مدل نظری

برای مطالعه در باب جوان دو مدل رایج وجود دارد: مدل روان‌شناختی و مدل جامعه‌شناختی. در مدل روان‌شناختی تحولاتی که در ابعاد مختلف وجودی جوان رخ می‌دهد، از قبیل تحولات جسمی، جنسی، شناختی، اخلاقی، مذهبی و عاطفی و نیز مسائل و مشکلاتی که جوان با آن مواجه است از قبیل هویت‌یابی، ناسازگاری، بزهکاری و مسائل تحصیلی، بررسی می‌شود. در مدل جامعه‌شناختی بررسی نقش، کارکرد و جایگاه اجتماعی جوانان و نیز مسائل و مشکلاتی که جوانان در اجتماع با آن‌ها مواجه هستند از قبیل اشتغال، ازدواج، جامعه‌پذیری و مانند آن می‌پردازد. در این تحقیق هیچ‌یک از این دو مدل نمی‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

این دو مدل رایج برای تحقیق حاضر مناسب نیست؛ زیرا تحلیل محتوای سخنان مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ایشان نه از دید یک روان‌شناس صرف و نه از دید یک جامعه‌شناس صرف، بلکه از دید یک رهبر و یک مربی درباره جوان سخن گفته است؛ و به همین جهت، با تحلیل محتوای سخنان ایشان می‌توان به یک مدل دیگری رسید که من آن را «مدل مدیریتی-تربیتی» می‌نامم. در این مدل جوان موجودی فعال تلقی می‌شود که با داشتن سرمایه‌ها و داشته‌هایی گران‌قدر، به صورت طبیعی در مسیر دستیابی به کمال در حرکت است. گرچه در این مسیر خطراتی او را تهدید می‌کند، برای رسیدن

به مقصد کمال و پشت سر گذاشتن خطرات، بایسته‌هایی لازم دارد. این الگو چهار عنصر اساسی دارد: 1. ویژگی‌های جوان، 2. توانایی‌ها، امکانات و فرصت‌های جوان، 3. خطرات و تهدیدهای پیش روی جوان، 4 و بایسته‌ها و وظایف جوان. در ادامه اجزا و عناصر این الگو و دیدگاه را توضیح می‌دهیم.

ویژگی‌های جوان

اشاره

از نظر مقام معظم رهبری جوان به صورت کلی ویژگی‌های خاصی دارد که با ویژگی‌های کودک و بزرگ سال متفاوت است و همین امر به جوان موقعیت ویژه‌ای می‌بخشد که باید مورد توجه قرار بگیرد.

الف) برخوردار از استعدادهای عالی و گوناگون

یکی از ویژگی‌های ممتاز جوان ایرانی از نظر مقام معظم رهبری برخوردار بودن از استعدادهای گوناگون در سطح عالی است. وی در موارد متعدد به این مطلب تصریح کرده‌اند. «من در نسل جوان کشورمان، این استعداد را می‌بینم. من نمی‌خواهم گزافه بگویم، شعار هم نیست؛ هیچ کس از ما توقع نکرده که بیاییم این حرف‌ها را بزنیم؛ این‌ها واقعیت است. جوان ایرانی در استعدادهای گوناگون، یک ظرفیت سطح بالا را داراست. اگر ما مسئولان شناسیم، گناه ماست؛ اگر خود او این ظرفیت را نشانسد، گناه اوست. گناه هم نتیجه خودش را دارد؛ از راه ماندن و به مقصود نرسیدن است؛ اما اگر چشم را باز کنیم، راه را پیدا کنیم، همت بگماریم و هدف را گم نکنیم، بدون تردید خواهیم رسید.»⁽¹⁾

ب) برخوردار از روح پاک

یکی دیگر از ویژگی‌های جوان داشتن روح پاک و قلب بی‌آلایش است. «اولین شرط دعا این است که با دل باطراوت و بی‌آلایش درخواست شود؛ مثل دل جوان‌ها؛ لذا دعای جوانان اقبال و احتمال اجابت را بیش از همه دارد. گاهی بعضی‌ها به بنده میگویند برای جوان‌های ما دعا کن. البته ما همیشه برای همه جوان‌ها دعا می‌کنیم اما در واقع این جوان‌ها هستند که اگر قدر دل بی‌آلایش و باطراوت خود را بدانند، دعای آن‌ها از هر دعایی می‌تواند به استجاب نزدیک‌تر باشد.»⁽²⁾

به همین جهت است که جوانان در امور معنوی نیز پیشگام هستند و حضور آن‌ها در مراسم عبادی و معنوی چشمگیر است. «این جوان‌های عزیز ما در جلسات قرآن، در جلسات ذکر و دعا، در جلسات توسل،

ص: 153

1- .بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان - 18/08/1385

2- .بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران - 29/07/1384

آن چنان حضور نورانی ای دارند که انسان لذت می برد. در روزهای آینده، همین مراسم اعتکافی که جوانان ما راه می اندازند، پدیده شگفت آوری است.»⁽¹⁾

از نظر مقام معظم رهبری جوانان ما از نظر ایمان و تقوا نیز در وضعیت خوب قرار دارند: «من به چشم می بینم و می توانم گواهی بدهم که جوانان انقلابی امروز ما، از جوانان انقلابی آغاز انقلاب، اگر از لحاظ ایمان و تقوا و استحکام عقیده بهتر نباشند، عقب تر نیستند.»⁽²⁾

ج) آرمان خواهی و چشم داشتن به قله های بلند

جوان از نظر مقام معظم رهبری آرمان خواه است و چشم به قله های بلند دارد. «برای من دیدار با شما جوانان عزیز از دو جهت مهم است: یکی اینکه خود حضور در میان جوانان، شنیدن از آن ها، گفتن با آن ها، به انسان روحیه جوانی و نشاط می بخشد؛ که ما امروز در مسئولیت های مختلف به این روحیه نشاط نیازمندیم. در یک چنین جمع هایی، حالت ابتکار و نوآوری و طلبکاری قله های بلند موج میزند؛ و این همان چیزی است که برای ما مطلوب است.»⁽³⁾

د) سرشار از نیرو، امید و نشاط

جوان ها هم از نظر جسمانی و هم از نظر روحی سرشار از نشاط و امید و انرژی هستند. «جوان ها همان طور که جسمشان نشاط و تازگی و نیرو دارد، روحشان هم سرشار از نشاط است.»⁽⁴⁾

و همین ویژگی باعث می شود تا ایشان برای جوان نقش مهمی در تحقق اهداف و آرمان های انقلاب قائل شوند: «بنده معتقدم که آرمان های انقلاب - که چهارچوب هایش مشخص است، بنده هم بعضی ها را تصریح خواهم کرد و اسم خواهم آورد - بدون نیرو و نشاط و جسارت جوانی، قابل تعقیب و قابل دسترسی نیست. نسبت شما با آرمان ها، این چنین نسبتی است. عقیده من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرک و همچنین جسارت، یعنی خط شکنی ها که در جوان ها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمان ها دست پیدا نخواهیم کرد.»⁽⁵⁾

ص: 154

1- .بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی 14/03/1390 u-

2- .گزارشی از حاشیه های مراسم سالگرد رحلت بنیان گذار جمهوری اسلامی در حرم مطهر امام خمینی (ره) - 15/03/1390.

3- .بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه - 24/07/1390.

4- .بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل - 05/05/1379.

5- .بیانات در دیدار دانشجویان - 06/05/1392.

با توجه به ویژگی هایی که به صورت طبیعی در جوانان وجود دارد، آنان فرصت ها و امکانات بی نظیری در اختیار دارند که اگر از آن ها درست استفاده کنند، در رشد و اعتلای خود و نیز جامعه بسیار تأثیرگذار خواهند بود. برخی از این امکانات و فرصت ها عبارت اند از:

الف) آینده ساز

جوانان سازندگان آینده جامعه خود هستند. آنان نه تنها فرهنگ و تمدن خود را حفظ می کنند، بلکه آن را اصلاح و ارتقا و اعتلا می بخشند. شاید با جرئت بتوان گفت که همه فرصت ها و امکانات جوان در همین عبارت «آینده سازی» جمع شده است. این مطلب را رهبری در موارد مختلف با عبارت های گوناگون بیان کرده اند. گاه با عبارت «آینده ساز»: «به برکت اسلام، آینده این انقلاب، آینده این نظام و آینده این کشور، آینده ای بسیار روشن و درخشان است. آنی که باید این آینده را شکل دهد، عمدتاً شما جوانان هستید.»⁽¹⁾

«آنچه من به شما جوانان - چه شما پاسداران، چه شما دانشجویان، چه شما دانش آموزان و چه شما جانبازان - عرض می کنم، این است که: عزیزان من! شماها جوانانی هستید که امروز و فردای نظام بر دوستان است. زمانی یک عده جوان در این کشور بودند، کارهایی کردند تا اینجا رساندند؛ از اکنون به بعد مال شما، روز شما، تکلیف شماست.»⁽²⁾

گاه با عبارت امیدهای آینده ملت و جامعه: «دانشجویان و دانش آموزان که جوانان فعال در عرصه علم و دانش و معرفت و آگاهی اند و خود را برای آینده اداره کشور در لایه های مختلف آماده می کنند، در واقع امیدهای آینده ملت و جامعه اند.»⁽³⁾

و گاه با عبارت عنصر اصلی عزت کشور: «یکی از عناصر اصلی برای عزت هر کشور و تأمین آینده هر کشور، جوانانی هستند که امروز مشغول تحصیل اند. هرچه تحصیل این ها، کارکرد این ها، پرورش فکری و اخلاقی و دینی این ها بهتر و بیشتر باشد، آینده کشور از همه نظر بیشتر تأمین است.»⁽⁴⁾

ب) عامل پیشرفت و کارهای بزرگ

جوانان با توجه به توانایی ها و امکاناتی که در اختیار دارد، می تواند یک جامعه را به مراتب بالایی

ص: 155

1- . بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان - 11/08/1373.

2- . بیانات در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش آموزان - 11/08/1379.

3- . همان.

4- . همان.

از پیشرفت و توسعه برساند؛ توسعه اقتصادی، سیاسی و علمی و معنوی. رهبری بر این مطلب بسیار تأکید دارند و به ویژه بر نقش مهم جوانان در پیشرفت علمی در زمینه سلول های بنیادین و هسته ای تأکید دارند:

«خوب است شما بدانید که در بعضی از بخش های بسیار حساس علمی کشور ما کارهایی شده که هنوز در دنیا صورت نگرفته است. در فناوری تولید سلول های بنیادی که بنده چند وقت پیش، از آن یاد کردم، یک مشت جوان مثل شماها که در تهران هستند، فعالیت می کنند. این ها همت کردند و رفتند از دیگران یاد گرفتند؛ خودشان هم فکر کردند، سرمایه گذاری فکری کردند و توانستند کلید تولید و انجماد و حفظ و کاشت سلول های بنیادی را به دست بیاورند. امروز این ها برای اولین بار در ایران سلول های بنیادی انسولین ساز را تولید کرده اند که در دنیا هنوز تولید نشده است.»⁽¹⁾

«امروز در سرتاسر کشور، در استان های مختلف، در شهرهای کوچک و بزرگ، بخصوص در مراکز علمی و حساس، جوان های ما کارهای حساس بزرگی را از لحاظ علمی و فناوری دارند انجام می دهند؛ کارهایی است که بعضی از آن ها صددرصد به نتیجه رسیده است، بعضی هم در راه است. این ها را ملت ایران خواهند دید. این کارهای علمی مایه اعتماد به نفس ملت ایران است، مایه رونق اقتصادی است. تجارت های پرسود مادی، ناشی از پیشرفت های علمی است. جوانان ما در این زمینه وارد شدند. آمارهای جهانی هم این را تأیید کرد. البته مسئولان هم تلاش های باارزشی می کنند.»⁽²⁾

ج) برخوردار از ایمان و تقوا

ملت ما این راه را خوب حرکت کرده است، راه امام را حفظ کرده است. من به چشم می بینم و می توانم گواهی بدهم که جوانان انقلابی امروز ما، از جوانان انقلابی آغاز انقلاب، اگر از لحاظ ایمان و تقوا و استحکام عقیده بهتر نباشند، عقب تر نیستند. من از صمیم قلب و از بن دندان گواهی می دهم و اعتقاد دارم که بهترین نقش را مردم ایفاء کرده اند؛ ارزش ها را نگه داشته اند، حفظ کرده اند و پای آن ایستاده اند؛ مردم بودند که نقشه های دشمنان ما را خنثی کردند.⁽³⁾

د) عامل تحقق اهداف و آرمان های انقلاب

چنانکه جوانان در دهه پنجاه و شصت بار انقلاب را به دوش کشیدند و آن را به پیروزی رساندند و

ص: 156

1- .بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه های استان همدان - 17/04/1383

2- .بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه - 20/07/1390

3- .بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره) - 14/03/1390

در مقابل توطئه های دشمنان آن را حفظ کردند، تحقق اهداف انقلاب و اعتلای آن نیز در گرو تلاش و کوشش جوانان این کشور است. «آرمان های انقلاب - که چهارچوب هایش مشخص است، بنده هم

بعضی ها را تصریح خواهم کرد و اسم خواهم آورد - بدون نیرو و نشاط و جسارت جوانی، قابل تعقیب و قابل دسترسی نیست. ... عقیده من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرک و همچنین جسارت، یعنی خط شکنی ها که در جوان ها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمان ها دست پیدا نخواهیم کرد. لذا جوان ها در زمینه دسترسی به آرمان ها و تحقق آرمان های انقلاب و آرمان های اسلامی، دارای مسئولیت های بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالایی هم دارند. هرکسی که در پی تحقق آرمان ها است، باید نقش جوان ها را جدی بگیرد؛ و بدانید بنده نقش جوان ها را جدی می گیرم.» (1)

خطرات و تهدیدها

اشاره

در مقابل فرصت هایی که در مقابل جوانان در زمینه پیشرفت و اعتلای فردی و جمعی وجود دارد، خطراتی نیز آنان را تهدید می کند که در سخنان رهبری چند تهدید مهم تشریح شده است:

الف) تأثیرپذیری از تبلیغات دشمنان

دشمنان با تأسیس ایستگاه های رادیویی، تلویزیونی، سایت های اینترنتی و ... با تمام توان خود به دنبال القای فرهنگ و تمدن و ارزش ها و جهان بینی خود به مردم به ویژه نسل جوان هستند تا از این طریق آنان را از فرهنگ اصیل اسلام و انقلاب اسلامی جدا کنند. یکی از خطرات این است که جوانان تحت تأثیر این تبلیغات قرار بگیرند. «برای اینکه مردم را ناامید کنند، بخصوص نسل جوان را ناامید کنند، افق آینده را در مقابل نسل جوان و مردم تیره و تار نشان می دهند، برای اینکه مردم را از صحنه خارج کنند. لیکن نکته اساسی این است که دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام اسلامی در طول این سی و دو سال، همه تلاشی را که در این دو مورد انجام داده اند، سرمایه گذاری های خسارت باری بوده است؛ نتیجه ای نگرفتند و شکست قطعی خوردند. آن ها خیال می کردند می توانند مردم را از نظام اسلامی جدا کنند.» (2)

تلاش جوانان برای بصیرت افزایی است. خود جوان ها باید در این زمینه تلاش کنند. دشمن را باید شناخت، روش های دشمن را باید شناخت؛ این کاری است که بر عهده خود جوان هاست.

ص: 157

1- . بیانات در دیدار دانشجویان - 06/05/1392

2- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم - 27/07/1389

ب) تأثیرپذیری از شبهات

در همین راستا یکی از فعالیت‌های دشمنان طرح شبهاتی درباره معارف اسلامی به منظور جدا کردن نسل جوان از معنویت و دین‌داری است و یکی از خطرات نیز تأثیرپذیری جوانان از این شبهه هاست. راه برخورد با این تهدید نیز از نظر مقام معظم رهبری «تقویت ایمان دینی، تأمین نیازهای فکری و استفهام‌های نسل جوان است؛ که این عمده‌تاً متوجه به روحانیت و حوزه‌های علمیه است. دائماً شبهه‌القائه می‌کنند؛ باید به طور دائم و به روز پاسخ شبهه‌ها را داد.» (1)

ج) لذت‌گرایی

جوان در دوره‌ای از زندگی قرار دارد که همه‌گرایش‌ها و امیال در او قوی هستند و همین ممکن است او را از مسیر صحیح منحرف کند. رهبری در سخنان خود به این خطر توجه داشته و جوانان را از آن آگاه می‌کنند و توصیه‌هایی برای در امان ماندن از این تهدید ارائه می‌کنند.

«پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله از جوانی از صحابه خودشان خوششان آمد و برای او دعایی کردند و فرمودند: «اللّٰهُمَّ امتعه بشبابه»؛ (2)

یعنی پروردگارا! او را از جوانی خود متمتع کن، بهره‌مند کن. معلوم می‌شود همه جوانان از جوانی خود بهره‌مند نمی‌شوند که پیغمبر برای این جوان چنین دعایی را کرد. تمتع از جوانی، بهره‌مندی از جوانی به چه معناست؟ خطاست اگر خیال کنیم بهره‌مندی از جوانی به معنای لذت‌بردن از شهوات مادی جوانی است، سرگرمی‌های جوانی است، استفاده از لهویات در دوره جوانی است؛ این نیست بهره‌بردن از جوانی. در یک بیان دیگری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «ما من شابّ يدع لذه الدنیا و لهوها و اهرم شبابه فی طاعه الله الا اعطاه الله اجر اثنين و سبعین صدیقاً»؛ (3)

یعنی جوانی که دامن خودش را پاک نگه می‌دارد، از شهوات مادی دوری می‌گزیند، در پیش خدای متعال اجر هفتاد و دو صدیق را دارد. «در جوانی پاک بودن شیوه پیغمبری است». مثالی هم که خدای متعال به عنوان الگو در مقابل جوانان گذاشته است، یوسف پیغمبر است. تمتع از جوانی به این نیست؛ تمتع از جوانی این است که انسان - همچنان که در این حدیث هست - «اهرم شبابه فی طاعه الله»؛ جوانی را در اطاعت خدا بگذراند. اطاعت خدا هم فقط نماز خواندن نیست. البته نماز خواندن خیلی بافضیلت و مهم است و سازنده است، اما فقط این نیست. در عرصه وسیع

ص: 158

1- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم - 27/07/1389

2- . الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 52

3- . مجموعه ورام، ج 2، ص 60

زندگی، مصداق های زیادی برای اطاعت خدا هست؛ که یکی از مهم ترین آن ها ترک گناه است، آلوده نکردن دامن است. درس هم که شما می خوانید، اطاعت خداست؛ ابتکار هم که می ورزید،

اطاعت خداست؛ همین کارهایی که این جوان های عزیز اینجا گفتند - در زمینه مسائل شیمی، انرژی، علوم انسانی، پزشکی و غیره - تلاش در این راه ها، همه اطاعت خداست.»(1)

ایشان راه مبارزه با این تهدید را معنویت می دانند: «امروز، بحمدالله خدای متعال، قداست و معنویت این انقلاب را حفظ کرده است. جوانان پاک و طاهرند؛ اما بدانید زیور و عیش و شیرینی دنیا، چیز خطرناکی است و دل های سخت و انسان های قوی را می لرزاند. باید در مقابل این وسوسه ها، ایستادگی کرد. جهاد اکبری که فرمودند، همین است. شما که جهاد اصغرتان را خوب انجام دادید و امروز به این مرحله رسیده اید، باید بتوانید جهاد اکبر را نیز خوب انجام دهید.»(2)

بایسته ها و وظایف

اشاره

در مباحث پیشین، ویژگی ها، فرصت ها و امکانات و خطرات تهدیدکننده جوان را از دیدگاه مقام معظم رهبری بیان کردیم. در این قسمت به بیان بایسته هایی می پردازیم که یک جوان باید به آن ها پایبند باشد تا بتواند با تکیه بر ویژگی ها و توانایی های خود، از فرصت های بی نظیر خود به خوبی استفاده کرده و خطرات را به سلامت پشت سر بگذارد.

مقام معظم رهبری یک مجموعه منسجم از بایسته ها را برای جوان دانشجوی موفق مطرح می کند که هر دانشجو باید آن ها را سرلوحه زندگی خود قرار دهد. البته، این بایسته ها شامل طلبه ها هم می شود؛ چنانکه بسیاری از آن ها اختصاص به صنف خاصی از جوانان ندارد و شامل جوان پاسدار، کارگر، کاسب و غیره می شود. در اینجا نخست این بایسته ها را توضیح می دهیم و سپس بایسته های ویژه برخی از جوانان را بیان می کنیم؛ اما پیش از آن برخی بایسته ها را که عام و مشترک است بیان می کنیم.

بایسته های عام و مشترک

شناخت قدر و ارزش جوانی و تمتع از جوانی

یکی از مسائلی که جوان باید به آن توجه داشته باشد، هرچند معمولاً از آن غافل است، دانستن قدر و ارزش جوانی است. دوره جوانی فرصت بسیار مغتنمی برای رشد و تعالی معنوی و مادی است. همه

ص: 159

1- . بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه - 24/07/1390

2- . بیانات در دیدار جمعی از پاسداران - 05/10/1374

توانایی ها و امکانات برای حرکت شتابان به سوی کمال فراهم است و این دوره هم محدود است و اگر استفاده نشود از دست می رود. یکی از توصیه های مقام معظم رهبری به جوانان همین است. ایشان دریکی

از سخنان خود این مطلب را با استفاده از روایتی از پیامبر اکرم (ص) به خوبی تشریح می کنند و معتقدند قدردانی از جوانی به این است که آن را در راه اطاعت از خدا به معنای عام کلمه، نه تنها به معنای نماز خواندن و روزه گرفتن، صرف کند. اطاعت از خدا هم شامل عبادت است هم شامل مجاهدت علمی و سیاسی و ... «تمتع از جوانی این است که انسان ... جوانی را در اطاعت خدا بگذراند. اطاعت خدا هم فقط نماز خواندن نیست. ... در عرصه وسیع زندگی، مصداق های زیادی برای اطاعت خدا هست؛ که یکی از مهم ترین آن ها ترک گناه است، آلوده نکردن دامن است. درس هم که شما می خوانید، اطاعت خداست؛ ابتکار هم که می ورزید، اطاعت خداست؛ همین کارهایی که این جوان های عزیز اینجا گفتند - در زمینه مسائل شیمی، انرژی، علوم انسانی، پزشکی و غیره - تلاش در این راه ها، همه اطاعت خداست.»⁽¹⁾

قدردانی از پاک قلب در جوانی

یکی از ویژگی های جوانی داشتن قلب پاک و بی آلایش است و یکی از مصادیق قدردانی از جوانی، دانستن ارزش این قلب پاک و بهره برداری صحیح از آن در مسیر بندگی خداست. دعا و راز و نیاز با خدا، نماز و ارتباط با خدا در این دوره با توجه به طهارت قلب نقش مهمی در سرنوشت انسان دارد. رهبری به این مطلب هم توصیه می کنند: «درواقع این جوان ها هستند که اگر قدر دل بی آلایش و باطراوت خود را بدانند، دعای آن ها از هر دعایی می تواند به استجاب نزدیک تر باشد.»⁽²⁾

دشمن شناسی

هر کشوری مخالفان و دشمنانی دارد و هر چه یک کشور مهم تر و جایگاهش برجسته تر باشد، دشمنان آن نیز بیشتر خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران از آن جهت که احیاگر و بنیان گذار تمدنی نوین بر پایه دین اسلام است که با روند جاری حاکم بر جهان در تعارض است، دشمنانی دارد که برای نابودی و انحراف آن پیوسته و با جدیت در حال فعالیت هستند و نمونه هایی از توطئه های آن ها در طول این سی سال در برابر دیدگان مردم ایران و دنیا بوده است.

توجه داشتن به دشمن و ترفندها و توطئه های آن شرط لازم برای حفظ انقلاب و نظام است. مقام معظم رهبری یکی از بایسته های هر جوان را شناخت دشمن

ص: 160

1- . بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه - 24/07/1390

2- . بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران - 29/07/1384

و ترفندهای آن می داند: «خود جوان ها باید در

این زمینه تلاش کنند. دشمن را باید شناخت، روش های دشمن را باید شناخت؛ این کاری است که بر عهده خود جوان هاست.» (1)

«این حرکت و این راه، دشمنانی دارد؛ مانع ها و عایق هایی دارد؛ هم در محدوده درون خود انسان، هم در محدوده زندگی اجتماعی و هم در آفاق وسیع سیاسی. من در صحبت های خود بارها از دشمن اسم آورده ام و راجع به دشمن صحبت کرده ام. بعضی نسبت به این رویکرد، حساسیت نشان دادند؛ گفتند یا فهمانند که شما چرا مرتب به دشمن می پردازید. من در جواب آن ها همیشه گفته ام و اکنون هم میگویم که اگر فرض کنیم دشمنی بر سر هر راهی وجود دارد، خردمندانه نیست که انسان دشمن را نبیند و وجود او را عدم فرض کند. اگر فرض کنیم که دشمن در کمین ما نیست، این لزوماً به این معنا نیست که او در کمین ما نباشد. اگر دشمنی فرض می شود، باید او را شناخت و از او بر حذر بود. ما در زمینه مسئله سیاسی بزرگ کشورمان - یعنی پیدایش نظام نو، نظام بی سابقه، نظامی که دارای پیام و سخن تازه ای است؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی - از روز اول تا به حال با دشمنانی مواجه بوده ایم. اگر ما چشم خودمان را بر این دشمن ها ببندیم، این دشمن ها از بین نمی روند. اگر ما به خودمان تلقین کنیم که او دشمن ما نیست، او از دشمنی منصرف نخواهد شد؛ باید دشمن را شناخت.» (2)

ایشان برای دشمن شناسی مطالعه تاریخ به ویژه تاریخ کشورهای اسلامی را ضروری می دانند: «تاریخ را جدی بگیرید و با دقت نگاه کنید، ببینید چه اتفاقی افتاده است: «تک امة قد خلت» (3).

عبرت از گذشتگان، درس و آموزش قرآن است.» (4)

بایسته های جوان دانشجو

اشاره

مقام معظم رهبری درباره بایسته های جوان دانشجو مطالب بسیاری گفته اند که توجه به آن ها ضروری است. ایشان معتقدند دانشجو اگر بخواهد در زندگی تحصیلی و دینی و اجتماعی خود موفق باشد، باید به چند موضوع را سرلوحه کارهای خود قرار دهد که در میان آن ها تحصیل، تهذیب و ورزش بیش از همه مورد تأکید است و در موارد مختلف به آن تصریح کرده اند: «به نظر من دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند؛ خوب تهذیب اخلاق کند و خوب به ورزش بپردازد. من برای دانشجوی موفق، سه

ص: 161

1- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم - 27/07/1389

2- . بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل - 05/05/1379

3- . بقره، 134

4- . بیانات در دیدار جمعی از پاسداران - 05/10/1374

تحصیل علم

تحصیل علم اولین و مهم ترین وظیفه و بایسته یک جوان دانشجو است. البته، ممکن است برخی گمان کنند که در مقایسه با بایسته هایی مانند تهذیب نفس و ... این وظیفه چندان اهمیت ندارد؛ اما مقام معظم رهبری چنین نظری را رد می کنند: «درس، اول است. فلسفه حضور شما در آنجا درس خواندن است. اگر واقعاً دانشجویی درس نخواند، بلاشک بدانید که او مشغول ذمه است؛ یعنی ذمه اش مشغول مردم و خدا و همه است! هرکسی که سهمی در ایجاد این دانشگاه دارد، ذمه اش مشغول به اوست و باید پیش خدای متعال جواب دهد.» (2)

البته، تحصیل علم برای تحصیل علم نیست و هدف از آن رشد قدرت تفکر و درک و فهم دانشجو و تأثیرگذاری مثبت در جامعه و رشد و اعتلای کشور است. «خوب درس بخواند؛ خوب فکر و معرفتشان را بالا ببرند. سعی کنند در محیط خودشان اثر بگذارند؛ فعال باشند، نه منفعل؛ روی محیط خودشان، اثر فکری و روانی بگذارند.» (3)

«امروز جوان ها باید خردمندی خودشان را، معرفت و دانش خودشان را، ... هرچه ممکن است، تقویت کنند؛ درست همان مناطقی که دشمن می خواهد تقویت نشود. دشمن می خواهد دانش ما پیشرفت نکند؛ دانشگاه های ما به جای درس خواندن، به کارهای دیگر پردازند.» (4)

البته، هدف از تقویت خرد و عقل نیز پیدا کردن راه صحیح زندگی است. «این خرد برای چیست؟ این خرد برای پیدا کردن راه زندگی است. باید فکر کرد؛ باید با تحلیل و سنجش راه زندگی را پیدا کرد. مهم ترین توصیه من به شما جوانان عزیزم همین است.» (5)

هدف از کسب علم، علاوه بر امور پیش گفته، حفظ دین نیز است: ایشان با استناد به سخن امام علی علیه السلام «یا معشر الفتیان حصنوا اعراضکم بالادب و دینکم بالعلم؛ شرف و حیثیت انسانی خود را با ادب و دین خود را با دانش حفظ کنید»؛ می فرمایند: خیلی حرف مهمی است. دانش، دین را حفظ می کند؛ این منطق اسلام است. حال بگذار یاوه گویای معاند با اسلام دائماً درباره این که اسلام با علم کنار نمی آید،

ص: 162

1- .بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران - 22/02/1377

2- .بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی - 04/12/1377

3- .بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران - 22/02/1377

4- .بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل - 05/05/1379

5- .بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین - 26/09/1382

تهذیب نفس

تهذیب نفس که گاه از آن به عنوان «خودسازی» هم تعبیر می شود و ثمره آن تقواست، در کنار تحصیل، یکی دیگر از مهم ترین وظایف دانشجو است. در سخنان رهبری بر این مطلب بسیار تأکید شده است: «خودتان را بسازید، با نفس مبارزه کنید، اجرای حکم الهی را در محدوده شخص خودتان بزرگ بشمارید.»(2)

و به نماز، به توجه به خدا، به دعا و به توکل اهمیت بدهید.

«شما هرکس که باشید، متعلق به هر دانشگاهی که باشید، به هر جناح سیاسی و فکری که وابسته باشید، از تقوا و پارسایی بی نیاز نیستید. این اساس کار است. آدم وقتی با تقوا شد؛ یعنی مراقب خود بود - تقوا معنایش این است دیگر؛ یعنی انسان مراقب اعمال و رفتار خودش باشد که کار نادرست و بی قاعده از او سر نزند.»(3)

«شما جوانان - پسران و دختران - در آغاز راهید؛ هم توان دارید، هم قدرت انتخاب دارید و می توانید این راه را طی کنید؛ و این راه در جمهوری اسلامی و در هر نظام اسلامی و الهی، پیش پای انسان ها باز است. راه معنویت و صفا، کوچه بن بست نیست.»(4)

انس با قرآن

یکی از ابزارهای مهم برای خودسازی و تهذیب نفس انس با قرآن، یعنی تلاوت مرتب قرآن و تدبر در آن است. «انس با قرآن ... می تواند مهذب نفس باشد.»(5)

در راستای انس با قرآن، ایشان بر حفظ قرآن هم تأکید دارند. «نکته آخر هم که باز تکرار است و مکرر ما این را عرض کرده ایم، حفظ قرآن است. حفظ قرآن یک نعمت بزرگ است. این جوان ها و نوجوان ها سن توانائی حفظ را قدر بدانند. شماها در سنی هستید که می توانید حفظ کنید و در ذهنتان بماند.»(6) علت تأکید بر حفظ قرآن این است که خود قرآن سرمایه و ذخیره علمی برای انسان است و امکان

تدبر و فهم قرآن

ص: 163

1- ه. مان

2- .بیانات در دیدار با گروهی از دانشجویان و دانش آموزان - 15/08/1370

3- .بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی - 04/12/1377

4- .بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل - 05/05/1379

5- .بیانات در روز عید فطر در اجتماع مردم مشهد و زائران امام رضا (ع) - 15/01/1371

6- .بیانات در دیدار قاریان - 22/06/1386

را فراهم می آورد: «این یک سرمایه و ذخیره ای برای شماسست و امکان تدبیر در قرآنی که در حفظ انسان هست، به مراتب بیشتر از امکان تدبیر برای کسی است که قرآن را حافظ نیست.»⁽¹⁾

مقام معظم رهبری بر تدبیر در قرآن هم بسیار تأکید دارند و اصلاً هدف از انس با قرآن فهم آن است که از راه تدبیر به دست می آید: «من باز هم از شما جوانان خواهش می کنم که با معانی قرآن انس پیدا کنید و ترجمه قرآن را بفهمید. من بارها این را از جوانان خواسته ام و بسیاری هم اقدام کرده اند. قرآن را که هر روز تلاوت می کنید، هرچه تلاوت کردید، ترجمه آن را هم نگاه کنید. بگذارید این مفاهیم در ذهن جوان شما حک شود. در آن صورت فرصت تدبیر پیدا خواهید کرد.»⁽²⁾

انس با صحیفه سجادیه

مقام معظم رهبری انس با صحیفه سجادیه را نیز توصیه می کنند و معتقدند در این کتاب در قالب دعا معارف دینی هم بیان شده است: «خواهش می کنم عزیزان من، بخصوص جوانان، با صحیفه سجادیه انس بگیرند؛ زیرا همه چیز در این کتاب ظاهراً دعا و باطناً همه چیز، وجود دارد. امام سجاد علیه السلام، در این دعا هم مثل بقیه دعاهای صحیفه سجادیه، با این که در مقام دعا و تضرع است و با خدای متعال حرف میزند، اما سخن گفتنش، کأَنَّهُ از یک روال استدلالی و ترتیب مطلب بر دلیل و معلول بر عُلّت، پیروی می کند. اغلب دعاهای صحیفه سجادیه - تا آنجا که بنده سیر کرده ام - همین حالت را دارد. همه چیز مرتّب و چیده شده است. مثل این است که یک نفر، در مقابل مستمعی نشسته و با او به صورت استدلالی و منطقی حرف میزند. همان ناله های عاشقانه هم که در صحیفه سجادیه آمده است، همین حالت را دارد.»⁽³⁾

دعا، توسل، عبادت و حفظ ارتباط با خدا

یکی دیگر از عواملی که در تهذیب نفس و شکل گیری شخصیت دینی انسان بسیار مؤثر است ارتباط با خدا از راه عبادت و دعا و توسل است که مقام معظم رهبری به آن توصیه می کنند. «دعا و توسل، تضرع، روزه ماه رمضان و عبادات نیمه شب، مخصوصاً برای جوانان که تأثیر پذیری شان زیاد است، می تواند مهذب نفس باشد.»⁽⁴⁾

ایشان در جای دیگر، حفظ ارتباط با خدا را یکی از بایسته های

ص: 164

1- . همان

2- . بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم - 09/08/1379

3- . بیانات در خطبه های نماز جمعه - 14/11/1373

4- . بیانات در روز عید فطر در اجتماع مردم مشهد و زائران امام رضا (ع) - 15/01/1371

جوانان می‌داند: «همه مردم و بالخصوص جوانان عزیز، این ارتباطی را که به برکت این روزهای مبارک و شب‌های نورانی

با خدای متعال پیدا کرده‌اند، نگذارند قطع شود. این رابطه با خدا را حفظ کنید. وسیله حفظ این رابطه هم در اختیار همه هست. اگر همین نماز پنج‌گانه، با توجه، با حضور قلب و با این توجه که در مقابل خدا ایستاده ایم، خوانده شود، بهترین رابطه است و روزه روز دل‌شمارا نورانی‌تر خواهد کرد. آن جوان‌هایی که شب‌های قدر در مساجد، حسینیه‌ها و حرم‌های مطهر گرد هم آمدند، گریه کردند، دعا خواندند، قرآن سرگرفتند، احیاء گرفتند و دل‌هایشان را با نور محبت الهی نورانی کردند، این رابطه را حفظ کنند که از آن بهره‌مند خواهند شد. این شاءالله در طول زمان، در سال‌های دیگر، روزه روز این رابطه بیشتر خواهد شد. انسان از این راه هست که به کمال مطلوب و غایت خلقت خود، دست خواهد یافت. موفقیت در همه میدان‌های زندگی هم به همین وابسته است.» (1)

«عزیزان من! رابطه با خدا را جدی بگیرید. شما جوانید؛ به آن اهمیت بدهید، با خدا حرف بزنید، از خدا بخواهید. مناجات، نماز، نماز با حال و با توجه، برای شما خیلی لازم است. مبدا این‌ها را به حاشیه برانید.» (2)

ذکر و توبه

یکی دیگر از ابزارهای تهذیب نفس ذکر و توبه است. مقام معظم رهبری صفا و نورانیت باطن جوان را که امری طبیعی است زمینه‌ساز برای خودسازی و تزکیه نفس می‌داند و آنان را به استفاده از دو ابزار توبه و ذکر توصیه می‌کند: «مهم‌ترین مظهر قدردانی از جوانی همین است که از این صفا و نورانیت و از این نألودگی و پیراستگی طبیعی انسان جوان استفاده کنید و خود را در زمینه‌های تزکیه و اخلاق پیش ببرید. این ان شاءالله ذخیره همه زندگی شما خواهد شد. راهش هم رعایت دو نکته است؛ ذکر و توبه. ذکر یعنی یاد. یاد در مقابل غفلت است؛ غفلت از خدا، غفلت از وظیفه و مسئولیت، غفلت از هنگام حساس مواجهه با مأموران الهی در عالم ملکوت، عالم بعد از عبور از جسمانیت و محاسبه بزرگ انسان در مقابل خدا در قیامت. این یادها تعیین‌کننده است...» (3)

«نکته دیگر توبه است. ممکن است کسی بگوید ما که جوانیم و هنوز عمری از ما نگذشته که مثل شما گناه زیادی کرده باشیم و محتاج توبه باشیم. نه این درست نیست؛ توبه وظیفه همیشگی انسان است.»

ص: 165

1- . بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر - 02/08/1385

2- . بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران - 22/02/1377

3- . بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی - 22/02/1382

ورزش

یکی دیگر از بایسته های جوان به ویژه جوان دانشجویان از نظر مقام معظم رهبری ورزش است. ایشان ورزش را در کنار تحصیل علم و تقوا از ضروریات دانشجویی می دانند. ورزش برای همه مردم در همه سنین مفید و حتی ضروری است؛ اما برای جوان دانشجویی به ویژه ضرورت بیشتری دارد؛ زیرا افزون بر اینکه سلامت او را حفظ می کند، به او نشاط و شادابی می بخشد، انرژی اضافه او را تخلیه می کند و به او آرامش روانی می دهد و همین امور او را در تحصیل علم و تهذیب نفس نیز یاری می کند. خود ایشان نیز از همان جوانی به ورزش اهمیت می دادند و این رویه را تا امروز نیز ادامه داده اند.

فعال بودن و سالم سازی محیط و اجتماع

دانشجوی جوان وظیفه اش تنها خودسازی نیست؛ افزون بر این، او باید در ساختن جامعه نیز فعال باشد و جامعه را نیز در حد توان خود به سوی صلاح هدایت کند. «سعی کنید جامعه را به سمت مخالف آن پیش ببرید... گفتن در جاهایی کاربرد دارد؛ انسان باید بگوید تا ذهن طرف را روشن کند و احقاق حقی بکند، و الا هی گفتن و هی گفتن و برف انبار کردن و در گفتن ها دقت کردن... کاری از پیش نمی برد. این کار شماسست؛ یعنی آن هنر جوانی شما اینجا باید نشان داده شود که به مجرد این که چیز بدی را مشاهده کردید، آن دو عمل به خودی خود انجام گیرد: اول سالم کردن محیط خود و دوم ان شاءالله کوشش کردن برای سالم سازی محیط و اجتماع.»(2)

«به نظر من، جوانان انقلابی دانشگاه - چون بحث دانشجویان را داریم - سعی کنند خوب درس بخوانند؛ خوب فکر و معرفتشان را بالا ببرند. سعی کنند در محیط خودشان اثر بگذارند؛ فعال باشند، نه منفعل؛ روی محیط خودشان، اثر فکری و روانی بگذارند. این شدنی است. یک جوان گاهی اوقات می تواند مجموعه پیرامونی خودش را - کلاس را، استاد را و حتی دانشگاه را - زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد. البته این کار با سیاسی کاری به دست نمی آید؛ با معنویت به دست می آید، با صفا به دست می آید، با استحکام رابطه با خدا به دست می آید.»(3)

ص: 166

1- همان

2- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی - 04/12/1377

3- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران - 22/02/1377

برای هر فرد به عنوان عضوی از یک جامعه، درک و فهم سیاسی یکی از ضروریات است و برای دانشجویان این ضرورت دوچندان است. دانشجویان باید بتوانند جریان‌های سیاسی و فعالیت‌های سیاسی جاری در کشور خود و در کل جهان را بشناسند و ارزیابی کنند تا بتوانند موضعی درست در مقابل آن‌ها اتخاذ کنند. از دانشجویان پذیرفته نیست که نسبت به مسائل سیاسی بی‌طرف و بی‌اطلاع باشند. البته، این به معنای سیاست‌بازی نیست. «بلاشک درس خواندن همه وقت دانشجویان را نمی‌گیرد؛ برای او وقتی باقی می‌ماند که باید این وقت را برای مسائل فکری، برای مسائل سیاسی - البته سیاست‌بازی نمی‌گویم - استفاده کند. کار سیاسی در دانشگاه نباید حالت افراط و تفریط داشته باشد. یک وقت هست که تفریطی وجود دارد؛ اصلاً دانشگاه همین‌طور مثل یک مرده است! این همه جوان وجود دارند که گاهی در مسائل سیاسی، نه موضعی می‌گیرند و نه حرفی می‌زنند! بنده در موقعی گفتم خدا لعنت کند کسانی را که دانشگاه را به این طرف سوق می‌دهند. یک وقت هم دانشجویان در همه مسائلی که هیچ ارتباطی با او ندارد - مسائل و مشکلات گوناگونی که مربوط به گروه‌ها و جناح‌هاست - بیایند وارد کنند؛ از نیروی جوان او استفاده کنند و او را این طرف و آن طرف بکشانند؛ این هم به نظر من افراط است.» (1)

«شما باید کمک کنید که به وسیله نشریات شما، دانشجویان قدرت تحلیل پیدا کنند؛ یعنی مسائل سیاسی را بفهمند و اصلاً متوجه شوند که این موج سیاسی چیست؛ این کسی که الان این اقدام را می‌کند، این حرف را می‌زند، این حرکت را می‌کند، برای چیست؛ یعنی قدرت تحلیل سیاسی پیدا کنند» (2)

تلاش برای رشد و پیشرفت کشور

یکی از اهداف مهم تأسیس دانشگاه و تربیت دانشجویان در هر کشوری رشد و پیشرفت جامعه است. از این رو، یکی از بایسته‌های مهم و اساسی جوانان به ویژه دانشجویان رشد و پیشرفت کشور است و مقام معظم رهبری این مسئولیت را متوجه جوانان دانشجویان می‌داند: «بایستی کشور را به آن پایه‌ای که لازم است، برسانید. این، مسئولیت عظیم نسل جوان روشن‌فکر تحصیل کرده این کشور است و شما برادران و خواهرانی که در این دانشگاه تحصیل کرده‌اید، تصور من این است که در این زمینه بار سنگین تری بر

ص: 167

1- بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی - 04/12/1377

2- . همان

البته، در این راه موانعی هست و دشمنان درصدد جلوگیری از آن هستند؛ اما جوانان نباید از آن ها

بهراسند: «جوانان و صاحبان دانش و اندیشه و خرد باید تلاش کنند. تصوّر هم نکنید که دشمن می تواند جلو این تلاش را بگیرد؛ نه. حداکثر کاری که این دشمن که امروز در مقابل ملت هاست - یعنی امریکا - می تواند بکند، عبارت است از کار نظامی و جاسوسی که یکی مثل صدام مفلوک بدبخت را در بیغوله و حفره پیدا کند، یا این که به کار فساد و ابتذال پراکنی به وسیله رسانه های جمعی و کارهای فرهنگی پردازد؛ و الا حتی از راه فشارهای اقتصادی هم آن چنان که می خواهد، برایش میسر نیست.»(2)

مطالبه عدالت

عدالت یکی از مهم ترین ارکان و قواعد حکومت مطلوب است و در اسلام نیز بر آن بسیار تأکید شده و امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب در راه استقرار آن به شهادت رسیدند و در جمهوری اسلامی نیز یکی از ارکان اساسی است و به همین جهت، عدالت یکی از خواسته های مهم جامعه انقلابی ایران است. مقام معظم رهبری نیز بر این خواسته مردم تأکید دارند و معتقدند مردم به خصوص جوانان دانشجوی باید این را از دولتمردان مطالبه کنند: «بایستی عدالت آن چنان از طرف مردم، قشرها و بخصوص جوانان مطالبه شود که هر مسئولی - چه بنده و چه هر کس دیگری که در جایی مسئول است - ناچار باشد به مقوله عدالت، ولو برخلاف میلش هم باشد، پردازد.»(3)

و مطالبه عدالت در محیط دانشجویی به این معناست «که عدالت، گفتمان غالب در محیط های جوان و دانشجویی شود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسئولی بخواهند.»(4)

لازمه این امر این است که دانشجو حرفش را صریح بزند: «حرفتان را صریح بزنید؛ آنچه را که می زنید، از دل بزنید؛ و اگر چنانچه معلوم شد که اشتباه است، سریع پس بگیرید؛ راحت.»(5)

جلوگیری از ایجاد رکود در دانشگاه

با توجه به بایسته های دانشجویی از دیدگاه مقام معظم رهبری از قبیل مطالبه عدالت، تلاش در

ص: 168

1- .بیانات در دانشگاه تربیت مدرس - 12/06/1377

2- .بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین - 26/09/1382

3- .بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی - 22/02/1382

4- . همان

5- .بیانات در دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب - 07/07/1387

راستای رشد و پیشرفت کشور، توانایی درک و تحلیل سیاسی، روشن است که دانشگاه باید محیطی پویا و فعال و سرزنده باشد. از این رو، مقام معظم رهبری با رکود و خمودی دانشگاه‌ها مخالفت کرده، از دانشجویان می‌خواهند با رکود مقابله کنند. «البته تا آنجایی که بنده از دانشگاه‌ها اطلاع دارم، احساس رکود نکرده‌ام؛

بلکه به عکس، نشاط وجود دارد؛ هم نشاط سیاسی و هم نشاط علمی و درسی. اگر واقعاً درجایی احساس شود که رکودی وجود دارد، باید مجموعه‌های جوان نگذارند و مانع شوند. واقعاً رکود در محیط جوان دانشجویی به هیچ وجه مصلحت نیست.»⁽¹⁾

کار عمیق فرهنگی

از آنجاکه دانشگاه محل تبادل علم و آگاهی است، بهترین محیط برای شکل‌گیری هویت دانشجویان و انتخاب و درونی کردن ارزش‌ها و باورها و مطلوب‌ها است. این امر مستلزم کار فرهنگی عمیق است. به همین جهت، یکی از خواسته‌های مقام معظم رهبری از جوانان دانشجو و دیگر فعالان در دانشگاه، کار عمیق فرهنگی است. «تهاجم فرهنگی یک مسئله بسیط نیست؛ بلکه طراح‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که دشمن برای هدف قرار دادن اعتقاد، اخلاق و فضیلت در قشرهای مختلف می‌کند، هرکدام به نحوی با وسایل و ابزارهای فرهنگی است و طبعاً مقابله با آن‌ها نیز متنوع است و نمی‌شود یک نسخه واحد برای همه‌جا نوشت. به نظر من در محیط دانشگاه، همین مجموعه‌ها - تشکل‌هایی که نام‌های آن‌ها خطاب به بنده خوانده شد - خوب کار می‌کنند. الان کارهای خوبی در دانشگاه‌ها انجام می‌گیرد. آن‌طور که من در ذهنم هست، در بعضی از دانشگاه‌ها کارهای بسیار خوب فرهنگی از طرف خود جوانان انجام می‌گیرد. این را هم عرض کنم که در خیلی از این زمینه‌ها اصلاً شما نباید از بنده بپرسید که چه کار کنیم. شما خودتان جوانید، با فکر و دانشجو هستید؛ بگردید ببینید چه کار باید بکنید. خیلی تلاش و مجاهدت در زمینه‌های فرهنگی خوب می‌شود کرد؛ البته مواظب باشید عمیق باشد. کار سطحی فرهنگی مفید نیست؛ گاهی هم مضر است.»⁽²⁾

در همین راستا ایشان خواستار نشان دادن حقیقت دین اسلام و مذهب تشیع بدون درآمیختن با بدفهمی‌ها و خرافات هستند: «این را، هم جوانان ما - جوانان فرزانه ما، دانشجویان ما، طلاب فاضل ما - هم مجموعه‌هایی که متصدی آموزش اند، متصدی تبلیغ اند، متصدی پرورش افکار و اذهان هستند، باید

ص: 169

1- . بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی - 22/02/1382

2- . همان

توجه کنند. نشان دادن آن حقیقتی که در اختیار مذهب امامیه و پیروان اهل بیت (علیهم السلام) هست به مخاطب، مساوق با قبول مخاطب و همراه با تصدیق و پذیرش مخاطب است. حقیقت را باید نشان داد. باید سعی کنیم پیرایه ها، خرافه ها، ادعاهای دروغین، کج فهمی ها، بدفهمی ها دخالت نکنند.»(1)

همچنین خواستار پاسخگویی به شبهات مطرح برای جوانان هستند. «تقویت ایمان دینی، تأمین نیازهای فکری و استفهام های نسل جوان است؛ که این عمدتاً متوجه به روحانیت و حوزه های علمیه است. دائماً شبهه القاء می کنند؛ باید به طور دائم و به روز پاسخ شبهه ها را داد.»(2)

جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی حاضر نشان داد که:

- دیدگاه های مقام معظم رهبری درباره جوانان را می توان در یک مدل مدیریتی- تربیتی قرار می گیرد که دارای چهار عنصر اساسی است: 1. ویژگی های جوان، 2. توانایی ها، امکانات و فرصت های جوان، 3. خطرات و تهدیدهای پیش روی جوان، 4. بایسته ها و وظایف جوان.

- ویژگی های جوان از دیدگاه رهبری عبارت اند از: برخورداری از استعدادهای عالی و گوناگون، برخورداری از روح پاک، آرمان خواهی و سرشاری از نیرو و امید و نشاط.

- توانایی ها و امکانات و فرصت های جوان عبارت اند از: آینده ساز، عامل پیشرفت، برخورداری از ایمان و تقوا، عامل تحقق اهداف و آرمان های انقلاب.

- خطرات و تهدیدها عبارت اند از تأثیرپذیری از تبلیغات دشمنان، تأثیرپذیری از شبهات و لذت گرایی.

- بایسته ها و وظایف مشترک جوان عبارت اند از: شناخت قدر و ارزش جوانی، شناخت قدر و ارزش پاکی قلب و دشمن شناسی و بایسته ها و وظایف جوان دانشجو عبارت اند از: تحصیل، تهذیب، ورزش، سالم سازی محیط، کسب توانایی فهم سیاسی، تلاش برای رشد و اعتلای کشور، مطالبه عدالت، جلوگیری از رکود دانشگاه و کار عمیق فرهنگی.

- از نظر رهبری، جوانان نه یک تهدید و مانع، بلکه عامل رشد و اعتلای کشور و عامل تحقق اهداف انقلاب هستند؛ و این نشان می دهد که تاکنون جوانان نقش مهم و مثبت در رشد کشور داشته اند.

- از نظر رهبری، جوانان از نظر هویت دینی و مذهبی در سطح مطلوب هستند؛ بنابراین، ایشان

ص: 170

1- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان - 27/05/1387

2- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم - 27/07/1389

دیدگاهی مثبت به جوانان دارند و نظراتی را که معتقدند جوانان به لحاظ هویت دینی ضعف دارند، قبول ندارد.

-البته، برای خطراتی که جوانان را تهدید می کند باید چاره ای اندیشیده شود.

-در مجموع، از نظر مقام معظم رهبری الگوی مطلوب برای جوان ایرانی، چنانکه خود ایشان تصریح کرده اند، عبارت است از ترکیب علم، ایمان و کوشش و فعالیت. «اگر بخواهم این الگوی مطلوب را در یک جمله معرفی کنم، عبارت است از: ترکیب علم، ایمان، تلاش. هم علم را جدی گرفتند، هم ایمان و پابندی و تقوا را؛ نه به صورت یک سربار، بلکه به شکل یک عنصر اصلی در بافت مجموعه و در بافت کار؛ و هم خستگی را فراموش کردند.»⁽¹⁾

فهرست منابع

1. بیانات مقام معظم رهبری <http://farsi.khamenei.ir/speech>
2. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، منادی تربیت، 1391.
- کاظم زاده طباطبایی، سید رسول و مختاری، عباس، درآمدی بر روان شناسی جوانی، آوای نور، 1391.

ص: 171

1- . بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان - 1386/04/25

مسجد یکی از بهترین نهادهای دینی است که می تواند نقش مهمی در تربیت حماسی جوانان ایفا کند. تربیت حماسی تربیتی پویا مبتنی بر مبانی دینی و با تأکید بر عناصر عزت و فتوت برای دفاع از حق و عدالت است؛ بنابراین تربیت حماسی از دو مؤلفه اصلی یعنی فتوت و عزت تشکیل شده است و کسی که روح تربیت حماسی در او دمیده شده است، در مقابل حق کشی سکوت نمی کند و خود نیز تن به ذلت نمی دهد. برای تربیت حماسی جوان باید عزت نفس در او تقویت شود و برای این کار، راهکارهایی همچون جداسازی رفتار شخص از شخصیت او و گوش کردن فعال پیشنهاد می شود؛ برای تقویت روحیه فتوت نیز روش هایی همچون ارائه الگوهای مناسب و تقویت رفتار جرتمندانه توصیه می شود. یک مربی آگاه برای شکل دهی تربیت حماسی هم باید از روش های مختلف که عامل شکل دهی تربیت حماسی است، استفاده کند و هم از عوامل مخرب جلوگیری نماید؛ از همین روی در پایان این مقاله به عوامل مخرب در تربیت حماسی مانند تخریب شخصیت جوان، ترس و جبن اشاره شده است.

کلیدواژه ها: مسجد، جوانان، تربیت حماسی.

یکی از مسائل مهم در امر تربیت پرورش افرادی است که بتوانند از حق دفاع کنند و در این امر هراسی به دل راه ندهند و از عزت نفسی بالا و رفتاری جرئتمندانه برخوردار باشند تا بتوانند واجبات الهی همچون امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند؛ تربیت افرادی که در عین ظلم نکردن، ظلم پذیر هم نباشند. تربیت حماسی عهده دار این امر خطیر است. بعد از خانواده بهترین مکان برای تربیت نسلی حماسی، مسجد است؛ اگر این مکان مقدس در جوامع اسلامی جایگاه واقعی خود را بیابد، می تواند نسلی را تربیت کند که حماسه و عزت در روح آن ها موج بزند. نمونه بارز این تربیت را پیش از انقلاب اسلامی شاهد بودیم. مساجد در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران نقشی اساسی و مهم بر عهده داشتند. این مساجد بودند که در آن ها روح عزت و فتوت، روح حماسه و دفاع از حق و حقیقت در کالبد جوانان دمیده شد. روحانیان و ائمه جماعات آگاه و بصیر در ایجاد این روح حماسی بسیار مؤثر هستند. آن ها می توانند با برنامه ای درست و منسجم معارف حقیقی را به جوانان منتقل کنند و آن ها را آماده پذیرش تربیت حماسی کنند.

نکته مهم دیگر در تربیت حماسی این است که این تربیت امری دفعی نیست که یک باره حاصل شود؛ بلکه امری تدریجی است که نیاز به زمان دارد؛ لذا تربیت حماسی به یک باره در جوانی شکل نمی گیرد؛ بلکه بذر آن باید قبل از تولد کاشته شود تا با تربیت درست در کودکی اولیه و میانی و نوجوانی، جوانه زده، شکوفا شود و رشد کند؛ به همین دلیل است که در روایات ما توصیه های فراوانی درباره انتخاب همسر و در ادامه، تربیت همراه با «عرامه» و «کرامت» در کودکی شده است. در روایت آمده است که بازیگوشی کودک در کودکی خوب است و نه تنها نباید با آن برخورد شود، بلکه باید فرزندان طوری تربیت شوند که این بازیگوشی در آن ها شکل بگیرد.

عرامه در لغت به معنای زشت خوبی و سخت گیری در اخلاق و اظهار کردن بدخلقی در عمل است (راغب اصفهانی، 1412). البته با توجه به توصیه ای که در روایات در این خصوص شده، روشن می شود که عرامه بیشتر به معنای شیطنت و بازیگوشی است؛ در واقع همان رفتار جرئتمندانه است که در بزرگ سالی یکی از مهم ترین عوامل موفقیت افراد است؛ زیرا فرصت ها همچون ابرهای زودگذر عبور می کنند (1) و کسی که جرئت ورزی پایینی داشته باشد، نمی تواند از این فرصت ها به موقع استفاده کند؛ به همین دلیل در روایت آمده است هر کس بترسد، محروم می شود. (2)

مرحوم شهید بهشتی تعبیر زیبایی دارد که گفتنش خالی از لطف نیست. ایشان می گوید: «اسلام

ص: 174

1- . قال علی علیه السلام: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَاتْتَهُزُّوا فُرْصَ الْخَيْرِ».

2- . قال علی علیه السلام: «مَنْ هَابَ حَابًا» .

نوجوان فضول بار می آورد»!⁽¹⁾ در جایی دیگر امام علی علیه السلام در کلامی گوهر بار توصیه می کنند که جوانان خود را به جدال و مرء سوق دهید؛⁽²⁾ البته جدالی که در اینجا مدنظر است، همان جدال احسن است. این روحیه در واقع همان روحیه حماسی است که جوان را آماده می سازد تا با کلامی متین و مُتقن از حق و حقیقت دفاع کند.

الف) تعریف تربیت

برای تربیت تعاریف متفاوتی ارائه شده است. جوهری در صحاح الغه معانی «مالک، اصلاح کننده و تمام کننده» را برای این کلمه قائل شده است (مصطفوی، 1426). راغب در مفردات تربیت را این گونه تعریف کرده است: «الرب فی الاصل التریبه و هو انشاء الشیء حالاً فحالیاً الی حد التمام» (راغب اصفهانی، 1412). نویسنده کتاب التحقیق پس از نقل نظرات یادشده، این معانی را از جمله مصادیقی برمی شمارد که به یک اصل بازمی گردند و آن عبارت است از: «سوق دادن شیء به سوی کمال». وی متذکر می شود که این معنا جایز است که به هر یک از ابعاد وجودی انسان اعم از ذاتیات، عوارض، اعتقادات و معارف، اخلاقیات، اعمال و آداب و یا علوم رایج تسری یابد. این معنا حتی اختصاص به

انسان ندارد، بلکه شامل حیوانات و نباتات نیز می شود و بنا به اقتضای هر چیزی و شأن و کمال آن صورت می گیرد. شهید مطهری تربیت را این گونه تعریف می کند: تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت در آوردن و پروردن (مطهری، 1388).

حال اگر بخواهیم تعریف جامعی از تربیت پیشنهاد کنیم، باید تعریف ما تمامی معانی مذکور را متضمن باشد؛ بنابراین تعریف تربیت عبارت خواهد بود از: «فراهم نمودن بستری برای برانگیختن و رشد هرگونه استعداد بالقوه در یک موجود، به نحوی که بتواند به شکلی مستمر او را در راه رسیدن به کمال وجودی یاری دهد» (برومند، 1380).

ب) حماسه در لغت

در فرهنگ لغات قاموس آمده است: «حَمَس» بر وزن «فَرَح» یعنی در دین و کارزار سخت و محکم است و اسم از این فعل، «حمس» و «احمس» است. ابن اثیر در جلد اول کتاب نهاییه می نویسد: «حمس»

ص: 175

1- <http://www.pishani.ir>.

2- قال علی علیه السلام: «مروا الأحداث بالمراء و الجدال».

جمع «أحمس» است و آنان طایفه قریش و اولاد آنان و طایفه کنانه و جدیله قیس هستند. آنان به این دلیل «حمس» نام گرفته اند که در دین خود «تحمس» یعنی شدت و استواری داشتند و از شجاعان عرب بودند (مطهری، 1388). استاد شهید مطهری درباره معنای لغوی حماسه می گوید: کلمه «حماسه» به معنای شدت و صلابت است و گاه به معنای شجاعت و حمیت استعمال می شود. (مطهری، 1388) فراهیدی در کتاب العین می گوید: رجلٌ أحمسٌ أي شجاع (فراهیدی، 1409).

ج) تربیت حماسی در اصطلاح

تربیت حماسی اصطلاحی نوظهور است که کمتر در منابع به آن پرداخته شده است. استاد حاج علی اکبری تربیت حماسی را این گونه تعریف می کند: تربیت حماسی یعنی همان تربیت دینی ناب و معتدل، با برجسته سازی عنصر حماسه و فتوت، متناسب با نیازهای زمان (حاج علی اکبری، 1389). شهید مطهری حماسه را این گونه تعریف می کند: «حماسه نوعی احساس شخصیت است در مقابل دیگران...» ایشان در ادامه بیان می کنند: «ولی بعضی ها در خود احساس شخصیت می کنند، نوعی حماسه در روح آن ها هست. در ملت آلمان حماسه "آلمان برتر از همه است" وجود داشت. در عرب نیز خوی تفوق عرب بر غیر عرب بود و اسلام با آن مبارزه کرد. کم و بیش در هر قومی نوعی حماسه هست. از نظر اسلام همه حماسه های قومی مذموم است». شهید مطهری حماسه را به طور کلی توجه به نوعی کیفیت معنوی زندگی می داند. چیزی که هست، این است که بعضی کیفیت ها موهوم و بی اساس است، مانند اینکه «آلمان یا باید معدوم شود و یا بر دنیا سیادت کند» و نوعی کیفیت است که واقعیت دارد و آن اینکه حیات شخص یا ملت، محکوم دیگران نباشد (مطهری، 1388).

کلمه «حماسه» در مواردی از این دست به کار می رود:

1. شعر حماسی: در آن غیرت، شجاعت و مردانگی موج می زند و روح را تحریک می کند و به هیجان می آورد.
2. سخن حماسی: سخنی است که در آن بویی از غیرت، شجاعت، مردانگی، ایستادگی و مقاومت باشد.
3. سرگذشت و تاریخ حماسی: تاریخی است که پر از غیرت، شجاعت، مردانگی، ایستادگی و مقاومت باشد.
4. شخصیت حماسی: اشخاصی هستند که روحیه غیرت مندی، حمیت، شجاعت، ایستادگی و حس دفاع از حقوق و حس عدالت خواهی دارند (مطهری، 1388).

از میان این چهار اصطلاح، مورد چهارم در باب نوع تربیت بیشترین کاربرد را دارد. شخصیت حماسی،

روحیه انسان ساخته شده و تربیت شده ای است که از لحاظ روحی، غیرت و حمیت و شجاعت و سلحشوری را تحریک کند و از لحاظ بدنی، خون را در عروق به جوش آورد و به بدن، نیرو و حرارت و چابکی و چالاکی ببخشد؛ به عبارت دیگر روحیه انقلابی ایجاد کند و حس مقاومت در مقابل ستم و ستمگر را به وجود آورد. شهید مطهری در این باره چنین گفته است: یک شخصیت حماسی کسی است که در روحش این موج وجود دارد؛ یک روحیه متموجی از عظمت، غیرت، حمیت، شجاعت، حس دفاع از حقوق و حس عدالت خواهی دارد (مطهری، 1388).

پس حماسه کیفیتی از زیستن و حکایتی از قوت روح است. انسان حماسی بی اعتنا نیست؛ ظلم و عدل نزد او یکسان نیست؛ سستی و رخوت را به رسمیت نمی شناسد؛ بیش از همه از تکلیف گریزی و عافیت طلبی گریزان است. انسان حماسی دارای روحی بزرگ است؛ از هر چه حقیر است، نفرت دارد؛ کوله بار رنج و محنت را بر جسم خویش تحمیل می کند، اما ذره ای حقارت را بر روح خویش نمی پذیرد. انسان حماسی درد دارد؛ او حقیقتاً انسان است؛ از وضعیت موجود رضایت ندارد؛ سکون را نمی پسندد؛ همواره به افقی برتر چشم دارد؛ می شورد و می شوراند و نمی تواند بی اعتنا بماند. پس حماسه به منزله شعله ای در میان تاریکی است و حرکتی در خلال سکون ها و سکوت های مرگ بار است (موسوی، 1392).

با توجه به تعاریف مطرح شده، می توان تربیت حماسی را این گونه تعریف کرد: «تربیت حماسی، تربیتی پویا، مبتنی بر مبانی دینی و البته با تأکید بر عنصر عزت و فتوت برای دفاع از حق و عدالت است». همان طور که در این تعریف آمده است، تربیت حماسی یک تربیت پویاست؛ به این معنا که متربی در امر تربیت فعال است و صرفاً منفعل و تأثیرپذیر نیست. تربیت موردنظر ما تربیت دینی است، نه هرگونه تربیت همچون تربیت سکولاریسمیغ ضمن آنکه در تربیت حماسی، عنصر عزت و فتوت برای دفاع از حق و عدالت از اهمیت زیادی برخوردار است، نه دفاع از هرگونه مرام و مسلکی.

د) جوان

جوانی مرحله ای از رشد است که افراد پس از پشت سر گذاشتن نوجوانی وارد آن می شوند. جوانی یکی از مهم ترین مراحل رشد هر انسانی است و جوانان نیروی اصلی هر اجتماعی هستند. روایات تأکید فراوانی بر قدردانستن این مرحله از رشد و این مسئله دارند که دل های جوانان به خیر نزدیک تر است. (1)

درباره محدوده دوره سنی جوان، هم در بین روان شناسان و هم در بین دستگاه های مسئول در

ص: 177

1- قال رسول الله 7: «اوصیکم بالشبان خیرا فانهم ارق افنده ان الله بعثنی بشیرا و نذیرا فحالفنی الشبان و خالفنی الشيوخ».

کشورهای مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی از روان‌شناسان سنین ۱۸ تا ۳۰ را سن جوانی می‌دانند. شورای عالی جوانان در کشور ما سن ۱۵ تا ۲۹ را رسماً به عنوان سن جوانی تعیین کرده است؛ اما در کشورهای دیگر این دامنه متفاوت است؛ برای نمونه در آفریقای جنوبی ۱۴ تا ۳۵ سال، در چین ۱۴ تا ۲۸ سال و در مالزی ۱۵ تا ۴۰ سال این دامنه را تشکیل می‌دهد.

برای تعیین دامنه سنی جوانی رویکردهای متفاوتی وجود دارد. بر اساس رویکرد مذهبی، جوان کسی است که دوران خردسالی را گذرانده و با بلوغ جسمانی، از برخی حقوق فطری و شرعی که در دوران کودکی امکان تحقق آن‌ها وجود نداشته است، برخوردار شده است؛ مانند حق تسلط بر اموال، ازدواج، طلاق، و خرید و فروش. در رویکرد زیست‌شناختی و به تبع آن علوم زیستی و پزشکی، با معیارهایی نظیر وضعیت جسمانی، قدرت بدنی، سیستم عصب‌شناختی و ساختار مغز، عملکرد غدد درون‌ریز، وضعیت کودکی تا کهنولت تعیین می‌گردد. در رویکرد جامعه‌شناسی، جوانی یک فرایند و سازه اجتماعی است که با وقایع هنجاری مانند ازدواج، فرزندآوری و اشتغال تعریف می‌شود.

با توجه به دیدگاه‌های مختلف، در یک جمع بندی می‌توان گفت که دوره جوانی از حدود ۱۸ سالگی شروع می‌شود و گاه تا ۴۰ سالگی را شامل می‌شود؛ البته در این میان، از ۱۸ تا ۳۰ سالگی را مرحله گذار می‌نامند. اریکسون این مرحله از رشد را مرحله صمیمیت در برابر انزوا می‌نامد (برک، ۱۳۹۰). در این مرحله از رشد است که افراد گرایش به شکل‌دهی یک صمیمیت پایدار دارند و این نیاز را در قالب ازدواج و برقراری یک رابطه صمیمانه با همسرشان دنبال می‌کنند.

ح) مؤلفه‌های اصلی در تربیت حماسی

اشاره

دو مؤلفه اصلی در تربیت حماسی مطرح است: ۱. عزت؛ ۲. فتوت.

۱. عزت

اشاره

عزت نفس یکی از مؤلفه‌های اساسی در تربیت حماسی است. عزت در لغت یعنی شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود. در اصل از «ارض عزاز» یعنی زمین محکم و نفوذناپذیر گرفته شده است و شیء کمیاب را از آن جهت عزیز و عزیزالوجود می‌گویند که در آن، حالت توانایی قرار گرفته و رسیدن به آن سخت است. با توجه به معنای صلابت و حالت شکست‌ناپذیری، این واژه، در معانی دیگری مانند غلبه، صعوبت، سختی، غیرت و حمیت استعمال شده است.

ص: ۱۷۸

عزت در معنای اول به مفهوم قاهر و غالب بودن و نه مقهور و مغلوب بودن است و معنای حقیقی آن، مختص به خدای عزوجل است؛ زیرا به غیر از خداوند، همه موجودات ذاتاً فقیر و در نفس خویش ذلیل هستند و مالک هیچ چیزی برای خود نیستند، مگر آنکه خداوند با رحمت خود بهره ای از آن به آن‌ها ببخشد؛ چنان که این را با مؤمنان انجام داده و فرموده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: 8).

در قرآن کریم نیز واژه عزت به همان معنای لغوی به کار رفته است؛ یعنی شکست ناپذیری، توانایی و مغلوب نشدن. واژه «العزّه» ده بار و «عزیز» 92 بار و مشتقات دیگر آن بسیار در قرآن آمده است و هر جا به معنای خاصی که گونه ای ارتباط با شکست ناپذیری دارد، اشاره دارد. چنان که این تعبیر غالباً در معنای نیک و شایسته استعمال شده است و ذات الهی را به «العزیز» یا «عزیز» توصیف می نماید: «وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

عزت نفس و کرامت نفس دو واژه ای هستند که در منابع دینی ما به یک معنا به کار رفته اند. شهید مطهری کرامت نفس را به معنای احساس بزرگواری و

انسانیت می داند و اشاره می کند که کرامت نفس از چنان اهمیتی برخوردار است که پیامبر اسلام صلی الله علیه واله هدف بعثت خود را کامل کردن کرامت های اخلاقی برمی شمارند و می فرمایند: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». روح کریم از هرگونه پستی همچون غیبت، تهمت و دروغ دوری می کند و خود را برتر و بالاتر از این‌ها می داند.

امیرالمؤمنین نیز در سفارش های خود به فرزندشان این گونه می فرماید: «اَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ...: فرزندم! روح خودت را بزرگواری برتر از هر کار پستی بدان». به طور کلی ایشان تمام اخلاق دنیّه را به حساب پستی نفس می گذارد و ریشه همه اخلاق رذیله را دنائت نفس می داند؛ برای نمونه در باب غیبت می فرماید: «الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ: غیبت تلاش انسان عاجز و ناتوان است». انسان شجاع، آدمی که احساس کرامت و شرافت در روح خودش می کند، اگر از کسی انتقادی دارد، سخنش را در مقابل شخص می گوید یا حداقل در مقابل او سکوت می کند.

عزت نفس (Self-Esteem) در روان شناسی مفهومی است که به ادراک فرد از ارزش شخصی و به تعبیر بهتر، «خودارزشمندی» اشاره دارد. این ادراک، همان ارزشیابی عاطفی فرد از خود است که معمولاً بر اساس ویژگی های مثبت و منفی سنجیده می شود. برخی از روان شناسان گفته اند: «عزت نفس چگونگی احساس ما درباره خودمان است و می توان گفت کلید رفتار فرد است» و به «قضاوت شخصی فرد از ارزش خود» نیز تعریف شده است.

عزت نفس یا ارزشیابی شخص از خود، یکی از مهم ترین عوامل تحوّل روانی فرد است. بدون تردید افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند، تصویر خوب و مثبتی از خود دارند و از بسیاری جهات با افراد

دارای عزت نفس پایین تفاوت دارند. آن‌ها اهداف بالاتری را انتخاب می‌کنند، اضطراب کمتری دارند، فشار روانی کمتری را تجربه می‌کنند، به شکست و انتقاد کمتر حساس هستند، احساس کنترل بیشتری دارند؛ یعنی کمتر از احساس درماندگی رنج می‌برند، تمایل بیشتری به مواجهه و رویارویی با مشکلات دارند، تمایل بیشتری به کاوش و جستجو دارند و به طور کلی از نظر اخلاقی افراد برانگیخته‌ای هستند که نه فقط شایسته‌اند، بلکه نگرشی مثبت به خود دارند.

اشاره شد که در معنای «عزت»، قوت و شکست ناپذیری نهفته است؛ «عزت نفس» نیز دارای همین مفهوم است و در آن، حفظ آبرو، عدم کرنش و در یوزگی در برابر زور و زر، لحاظ شده که بالاترین نوع شکست ناپذیری و قوت است. جوهر عزت نفس به عنوان خلق و خوی برتر، ابتدا در جان و روح انسان جوانه می‌زند و شخصیتی را تربیت می‌کند که در برابر وسوسه‌ها و معاصی، موفق و سازش ناپذیر است و در مرحله بعد، او را از خضوع و سازش و خودباختگی در برابر ستم و بی‌عدالتی و هر آلودگی دیگر بازمی‌دارد؛ چنان که علی علیه السلام فرمود: «المؤمنُ نفسه أصلبُ من الصلْدِ: نفس مؤمن از سنگ خارا سخت‌تر است». هیچ چیز مانند فقدان عزت نفس، آدمی را مستعد تباهی نمی‌سازد؛ زیرا وقتی ذلت بر وجود فرد حاکم شد، او را آماده پذیرش هر خواری و پستی و به تعبیر اقبال لاهوری، «بندگی آدم» می‌کند؛ کاری که حتی حیوانات هم در مقابل هم‌نوع خود نمی‌کنند؛ بنابراین ریشه همه ناهنجاری‌ها و تباهی‌گری‌ها در ذلت نفس است؛ حتی مبتلا شدن به تکبر، خودپسندی و گردن‌کشی به سبب پستی و حقارتی است که متکبر در خود احساس می‌کند و حتی نفاق که هلاک‌کننده‌ترین بیماری دل است، ریشه در ذلت نفس دارد.

رسول اکرم صلی الله علیه و اله می‌فرماید: «اطلبوا الحوائج بعزّه الأنفس: «حوائج و خواسته‌های خود را با عزت نفس طلب کنید». حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «ساعة ذلّ لا تقی بعزّه الدّهر»: یک ساعت ذلت با عزت تمام دوران زندگی برابری نمی‌کند». امام سجّاد علیه السلام چنین می‌فرماید: «ما أحبّ أن لی بذلّ نفسی حمر النعم: دوست ندارم دارای شتران سرخ مو (کنایه از ثروت کلان) باشم، ولی در برابر تحصیل آن لحظه‌ای تن به ذلت دهم». امام حسین علیه السلام نمونه بارزی از عزت و نپذیرفتن ذلت هستند و این خط سرخ عزت را برای همه‌ی نسل‌ها با خون خود ترسیم کردند.

عاشورای حسینی، تبلوری از عزّت

تبلور و تجسم عزت به طور کامل در صحنه کربلا ظهور کرد. امام حسین علیه السلام که در دامان پیامبر تربیت یافته و آموزه‌های وحیانی و نبوی و علوی را چشیده بود، برای همیشه به بشریت درس کرامت، غیرت و

عزت داد. بنی امیه که هم خود مردمانی پست بودند و جز جنایت و رذالت در کارنامه خود نداشتند و هم در به ذلت کشیدن امت اسلامی سهم بسزایی داشتند، می خواستند ذلت بیعت با خود را بر آل محمد صلی الله علیه واله تحمیل کنند، اما آل الله با فدای جان، زیر بار نرفتند.

سخنان آن حضرت هر یک درسی است برای نائل آمدن به عزت الهی؛ مانند این جملات: «مثلی لایبایع مثله»، «لأعطيكم بيدي إعطاء الذليل: همچون ذلیلان، دست بیعت به شما نخواهم داد». ایشان در صبح عاشورا نیز فرمود: «به خدا سوگند آنچه را از من می خواهند (تسلیم) نخواهم پذیرفت تا اینکه خدا را آغشته به خون خویش دیدار کنم» و باز با رد درخواست بیعت ذلیلانه، فرمود: «ألا وإنّ الدعوى بين الدعوى قدر كزنى بين اثنتين؛ بين السله و الذله و هيهات منا الذله...» و در ادامه فرمود: «زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از اینکه ما به زیر بار ذلت برویم و دامن های پاک مادران و انسان های پاک دامن و جان های غیرتمند و نفوس باشرافت روا نمی دارند که اطاعت افراد پست را بر قتلگاه انسان های کریم و نیک منس مقدم بداریم» و در جای دیگر می فرماید: «موت فى عزّ خير من حياه فى ذلّ: مرگ باعزت، از زندگی با ذلت بهتر است». همچنین این سخن که در پهنه تاریخ، همواره درس عزت می دهد: «الموت أولى من ركوب العار: مرگ از پذیرش ننگ، سزاوارتر است».

امام حسین علیه السلام در سخنی ماندگار در مقابل تهدید مرگ بار لشکر حَرّ فرمود: من از مرگ باکی ندارم؛ مرگ راحت ترین راه برای رسیدن به عزت است. مرگ در راه عزت، زندگی جاودانه است و زندگی ذلت بار، مرگ بی حیات؛ مرا از مرگ می ترسانی؟ چه گمان باطلی! همتم بالاتر از این است که از ترس مرگ ظلم را تحمل کنم؛ جز اینکه مرا بکشید! مرگ بر مرگ در راه خدا؛ ولی شما با کشتنم نمی توانید شکوه و عزت و شرف مرا از بین ببرید. چه هراسی از مرگ؟

امام حسین علیه السلام، این اسوه عزت، پیروان صدیق خود را به این سیره حیات بخش دعوت کرده، می فرماید: «فلکم فیّ أسوه: من اسوه و الگوی شما هستم». این روحیه پرافتخار در سیره همه اهل بیت علیهم السلام موج می زند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «المنیّه و لا الدتیّه و التقلّل و لا التوسّل: مرگ آری، اما تن دادن به پستی هرگز؛ قناعت به کم آری، اما دست نیاز به سوی دیگری هرگز».

ابن ابی الحدید معتزلی می گوید: سرور کسانی که زیر بار ذلت نرفتند، کسی که به مردم حمیت و مرگ زیر سایه شمشیرها را آموخت و چنین مرگی را بر پستی و ذلت ترجیح داد، ابی عبدالله حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است که به

او و یارانش امان داده شد، اما از آنجا که نمی خواست تن به ذلت دهد و نیز خوف آن داشت که ابن زیاد،

اگر هم او را نکشد، به نوعی او را خوار و ذلیل سازد، مرگ را بر این زندگی ترجیح داد. پیام عاشورا پیام عزت است.

2. فتوت

«فتوت» در لغت به معنای جوانمردی و سخاوت همراه با بزرگواری و بزرگ منشی است. فتوت لغتی عربی و در فارسی به معنای جوانی، جوانمردی و بخشندگی است (نقیسی، 1385). این لغت از «فتی» مشتق شده است. کلمه فتی، به صورت های مختلف مفرد، مثنی و جمع، هشت بار در قرآن آمده است. فتی در اصطلاح کسی است که به رشد اخلاقی و روحی رسیده باشد. وجه نامیدن چنین اشخاصی به جوان و جوانمرد این است که انسان، پیش از اینکه به رشد اخلاقی برسد، همچون کودک است؛ اما جوان از لحاظ سلامت روحی و جسمی در بهترین دوره عمرش به سر می برد و جوانمرد هم از نظر کمالات اخلاقی در بهترین و قوی ترین حالات است (ابن المعمار، 1985).

کلمه «فتی» (جوانمرد) به معنای اصطلاحی مذکور قبل از اسلام نیز در میان عرب ها به کار می رفته است و شخصی را که به عقیده ایشان در اخلاق، انسانیت و فضیلت به کمال می رسید و یا دست کم دارای دو صفت سخاوت و شجاعت (که عرب ها بزرگ می شمردند) بود، تا جایی که در اثر سخاوت خود زیر بار قرض و فقر و تنگ دستی می رفت و یا بر اثر شجاعت، جان عزیز خود را فدای دیگران می کرد، «فتی» می نامیدند. (نقیسی، 1385).

امیر مؤمنان علی علیه السلام در روایتی جوانمردی و فتوت را در چهار چیز می داند: «وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْفُتُوَّةُ أَرْبَعَةٌ: التَّوَّاضُعُ مَعَ الدَّوْلَةِ وَالْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ وَالنَّصِيحَةُ مَعَ الْعِدَاوَةِ وَالْعَطِيَّةُ بِلَا مِنَّهٍ» (دیلمی، 1412): 1. تواضع داشتن با ثروت؛ 2. گذشت با قدرت؛ 3. نصیحت با دشمنی؛ 4. بخشش بدون منت.

در روایت دیگری این گونه آمده است: «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ تَذَاكُرْنَا أَمْرَ الْفُتُوَّةِ عِنْدَهُ فَقَالَ أَنْتُنَّوْنَ أَنْ الْفُتُوَّةَ بِالْفُسْقِ وَالْفُجُورِ؟ إِنَّمَا الْفُتُوَّةُ طَعَامٌ مَوْضُوعٌ وَ نَائِلٌ مَبْدُولٌ وَ بَشْرٌ مَعْرُوفٌ وَ أَدَى مَكْفُوفٌ وَ أَمَّا تِلْكَ فَشَطَارَةٌ وَ فِسْقٌ؛ ثُمَّ قَالَ مَا الْمُرُوءَةُ؟ قُلْنَا لَا نَعْلَمُ. قَالَ الْمُرُوءَةُ وَاللَّهِ أَنْ يَضَعَ الرَّجُلُ خَوَانَةَ فِي فِنَاءِ دَارِهِ: رَاوِي مِي گوید: در موضوع فتوت در محضر حضرت صادق علیه السلام صحبت کردیم؛ فرمود: شما فکر می کنید که فتوت به معنای بی بندوباری و آزادی و فسق و فجور است؟ هرگز؛ فتوت و جوانمردی یعنی غذای آماده و مال بذل و بخشش شده و چهره باز و گشاده و آزار و اذیت به مردم را بازداشتن».

با توجه به این دو روایت و تعریف اصطلاحی «فتی»، برخی از ویژگی های فتوت به دست می آید. در واقع جوانمرد (فتی) کسی است که ویژگی های چون شجاعت، سخاوت، بدون منت با دیگران برخورد کردن، تواضع و گشاده رویی، خیرخواهی و آزار نرساندن به دیگران را داشته باشد.

و) راهکارهای تقویت عزت نفس در جوانان

همان طور که گذشت، یکی از مؤلفه های اصلی تربیت حماسی در جوانان عزت است. عزت نفس در معارف اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است. عزت نفس حقیقی تنها در سایه قرب الهی است که شکل می گیرد؛ زیرا خداوند متعال آن را مختص به خود و مؤمنان کرده است؛ بنابراین جستجوی آن در هر کوی و برزنی ممکن نیست.

باید توجه داشت که حس عزت نفس در طول زندگی به تدریج تکامل پیدا می کند؛ از نوزادی و حتی دوره جنینی آغاز و طی مراحل پیچیده تر می شود. نخستین نظر و احساسی که کودک به خود پیدا می کند، برداشت پیچیده ای است که از واکنش های سایر افراد مهم از جمله والدین ناشی می شود (کلمز، 1383)؛ بنابراین در فرایند شکل گیری عزت نفس کودک، والدین نقش اساسی و محوری را بر عهده دارند (خسروی، 1380)؛ اما در ادامه یعنی نوجوانی و جوانی، این گروه های اجتماعی هستند که نقش محوری را در شکل گیری شخصیت نوجوان و جوان و به تبع آن عزت نفس جوان بر عهده دارند. نوجوانان و جوانان، بیش از آنکه از والدین خود تأثیر بپذیرند، از گروه های اجتماعی و هم سال خود تأثیر می پذیرند. بهترین مکان برای برآوردن نیاز به حضور در گروه های اجتماعی، مساجد هستند. غفلت از این مسئله می تواند نتایج ناگواری به همراه داشته باشد. جذب جوانان در گروه های کاری به علت وجود این خلأ است؛ لذا مساجد می توانند به عنوان یک کانون معنوی و عبادی، ضمن تأمین نیاز نوجوانان و جوانان به جامعه پذیری و اجتماعی شدن، عزت و کرامت را هم به آن ها منتقل کنند. برای تقویت عزت نفس در جوانان لازم است، والدین و مربیان اقداماتی را انجام دهند که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

برخورداری از والدین و مربیان با عزت نفس بالا

بهترین راه برای کسب عزت نفس، داشتن والدین و مربیان است که خود از عزت نفس بالا برخوردار باشند و بتوانند از این حیث الگوی مناسبی برای متربی خود باشند؛ زیرا یکی از بهترین روش های یادگیری، یادگیری مشاهده ای است. در این روش، متربی رفتارهای مربی خود را می آموزد و با تکرار باعث درونی شدن آن ها می شود. در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که: «مَنْ نَصَّبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلَعَلَّهِ أَنْ يَسْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِ: آن که خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد و پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید، باید به

کردار ادب نماید و آن که خود را

تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد».

در مراحل اولیه رشد والدین نقش اساسی را در شکل دهی شخصیت فرد ایفا می کنند، اما با ورود کودکان به مرحله نوجوانی و جوانی، با اجتماعی شدن آنان، تأثیر والدین در کنار تأثیر مربیان و دوستان است که شخصیت جوان را شکل می دهد؛ بنابراین داشتن مربیانی با عزت نفس بالا می تواند نقش مهمی را در شکل دهی عزت نفس جوانان ایفا کند؛ به همین دلیل است که دستورهایی زیادی به افراد داده شده است که مربیان الهی را الگوی خود قرار دهند و با توجه به همین نکته است که خداوند متعال در جای جای کتاب خود، الگوهای زیادی را برای مؤمنان و رهپویان طریق حق معرفی کرده است؛ برای نمونه می فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ: به راستی رسول خدا صلی الله علیه واله برای شما الگوی رفتاری شایسته ای است» و نیز می فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...: در ابراهیم علیه السلام و پیروان وفادار او برای شما الگوی نیکویی است».

برخورد عزتمندان با جوانان

در نوجوانی و جوانی اگر جامعه زمینه ای را فراهم کند که احساس ارزشمندی به جوانان منتقل شود، می توان انتظار جوانانی با عزت نفس بالا را داشت. ما در عصر خودمان شاهد این گونه رفتار امام امت با جوانان بودیم؛ رفتاری که آن چنان عزت نفسی را به جوانان منتقل کرد که آنان را از مراکز فساد پهلوی به مساجد و در نهایت جبهه های حق علیه باطل کشاند. این گونه رفتار با جوانان، در واقع برگرفته از سیره رسول خدا صلی الله علیه واله و معصومین علیهم السلام است. رسول خدا صلی الله علیه واله در قول و در عمل همواره توصیه می کردند که جوانان را دریابید: «اوصيكم بالشبان خيرا فانهم ارق افئدة ان الله بعثني بشيرا ونديرا فخالفتني الشبان و خالفتني الشيوخ: به شما درباره جوانان به نیکی سفارش می کنم که آن ها دلی رقیق تر و قلبی فضیلت پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوتم سر باز زدند و به مخالفتم برخاستند».

در روایتی از امام صادق علیه السلام به والدین توصیه شده است که «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ: فرزندانان را تکریم کنید و آنان را نیکو تربیت کنید تا بدین وسیله آمرزیده شوید». در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه واله نقل شده است که فرمودند: «اوسعوا للشباب في المجلس و افهموا الحديث فانهم الخلوفا و اهل الحديث: برای جوانان در

مجلس ها جا باز کنید و حدیث را به آنان بفهمانید، زیرا آنان جانشین (پدران

خویش) و اهل حدیث اند» (دیلمی، 1418). در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و اله به والدین توصیه شده است که فرزندان شان را با کنیه صدا بزنند. (1)

می دانیم که عرب زمانی که قصد دارد کسی را احترام کند، او را با کنیه اش صدا می زند؛ ضمن آنکه ایشان نهی کرده اند از اینکه والدین به فرزندان شان فحش بدهند؛ (2)

متأسفانه برخی از والدین و مریبان با دیده حقارت به فرزند و یا مربی خود می نگرند که این امر باعث لطمه وارد شدن به عزت نفس آنان می شود.

در مجموع از روایات (سفارش در خصوص جوانان، برخورد کریمانه با آن ها، جا باز کردن، با کنیه صدا زدن و فحش ندادن) این گونه برداشت می شود که در هر حال باید با فرزندان و جوانان جامعه با عزت و کرامت برخورد کرد تا آنان نیز برای خود ارزش و احترام قائل شوند و بدین وسیله در مقابل بسیاری از امور زشت و ناپسند مصون گردند. (3)

این امر می تواند در مساجد با احترام قائل شدن برای جوانان از ناحیه امام جماعت و هیئت امنا و دیگر نمازگزاران محقق شود.

پذیرش شخصیت جوانان و واگذاری مسئولیت به آنان

پیامبر گرامی اسلام در طول مدت حکومت شان بسیاری از مسئولیت های مهم را به جوانان واگذار می کردند؛ برای مثال مصعب بن عمیر کسی بود که به دستور پیامبر برای تبلیغ اسلام عازم یثرب شد. در تاریخ از او به «فتیّ حَدَّثَا» یعنی جوان نورسیده یاد شده است (صادقی اردستانی، 1379) و یا پیامبر صلی الله علیه و اله پس از فتح مکه، عتاب بن اُسَید را به فرمانداری مکه برگزید که در تاریخ سن او را در آن زمان 18 تا 20 سال ذکر کرده اند. حضرت در پاسخ به اعتراض برخی فرمودند: «فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ بَلِ الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَكْبَرُ وَ هُوَ الْأَكْبَرُ». حضرت شرط بزرگی را داشتن فضیلت و نه کبر سن معرفی کردند (حسن بن علی علیه السلام، 1409). همچنین پیامبر صلی الله علیه و اله دو مأموریت فرهنگی و نظامی به اسامه بن زید که فرزند زید بن حارثه بود، واگذار کرد: اول اعزام برای تبلیغ به یکی از روستاهای یهودی نشین فدک و دوم واگذاری فرماندهی سپاه اسلام به وی در سال دهم هجرت، در حالی که او هجده سال بیش نداشت (صادقی اردستانی، 1379).

با توجه به اسوه بودن رسول خدا صلی الله علیه و اله لازم است همه مسئولان مسجد در این مسیر گام بردارند و با ایجاد شرایط مناسب، از انرژی و نیروی جوانان در اجرای مسئولیت های مسجد بهره ببرند. این امر هم

ص: 185

1- . قال رسول الله صلى الله عليه واله: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْكَنْيَةِ قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِمُ الْأَلْقَابُ».

2- . قال رسول الله صلى الله عليه واله: «وَلَا تَدْعُوا عَلِيَّ أَوْلَادِكُمْ».

3- . وقال علي عليه السلام: «من كرمت عليه نفسه هانت عليه شهوته» .

باعث پیشبرد بهتر کارها و هم باعث ایجاد احساس تشخص در جوان می‌گردد. مسئولان مسجد با دادن مسئولیت به جوانان، می‌توانند احساس عزت و کرامت را به آنان منتقل کنند. جامعه ما در برهه‌ای از زمان توانست به خوبی از این انرژی انباشته استفاده درست کند که ثمرات آن را در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس شاهد بودیم؛ اما در شرایط کنونی به هر دلیلی متأسفانه این مسئله مورد غفلت قرار گرفته است.

پرهیز از سرزنش کردن جوانان

سرزنش کردن جوان باعث می‌شود جوان دچار احساس حقارت بشود و خود را کم ارزش و بی‌مایه بداند؛ ضمن آنکه زمینه لجاجت را نیز در او ایجاد می‌کند. بدین سبب امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «زیاده روی در سرزنش کردن، آتش لجاجت را شعله ور می‌سازد». خصوصاً این امر در مورد جوانان باید بیشتر رعایت گردد؛ زیرا آنان روحیه‌ای بسیار حساس دارند و این روحیه حساس تأثیر سرزنش را در شخصیت آنان دوچندان می‌کند. خوب است در این موارد از روش‌های غیرمستقیم استفاده شود، همان‌طور که در روایات معصومین علیهم السلام آمده است؛ برای مثال در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که خطاکار را با پاداش دادن به نیکوکار تشبیه کنید⁽¹⁾؛ بنابراین روحیه حساس جوان، دقت نظر همه دست‌اندرکاران مسجد را می‌طلبد تا خدایی نکرده، برخورد بد با آنان باعث خرد شدن شخصیت جوان و جدایی او از مسجد نگردد.

جداسازی رفتار از شخصیت

اگر جوان اشتباهی مرتکب شده است، نباید شخصیت او را خرد کرد و زیر سؤال برد؛ بلکه انتقاد باید متوجه رفتار او باشد. همان‌طور که پزشک بیمار خود را در همه حال دوست دارد و اگر با چیزی دشمن است، آن چیز بیماری است نه خود بیمار؛ لذا اگر قرار است مؤاخذه‌ای صورت گیرد، باید این امر متوجه رفتار جوان گردد، نه شخصیت او.

این تکنیک در روان‌شناسی کاربرد فراوانی دارد؛ زیرا اگر انتقاد و مؤاخذه مستقیماً متوجه شخصیت جوان گردد، باعث می‌شود که به تدریج در او عقده حقارت شکل بگیرد و عزت نفس او که مهم‌ترین عامل بازدارنده از ارتکاب خطاست، کاهش یابد. همچنین باعث می‌شود، جوان انتقادی که شخصیت او را هدف قرار داده است، نپذیرد؛ زیرا

زمانی که از شخصیت جوان انتقاد می‌شود، به صورت خودکار مکانیزم‌های

ص: 186

1- «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُوا: «أَزْجِرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ».

دفاعی همچون توجیه‌گری، فرافکنی یا انکار برای حفظ شخصیت (خود) در او به کار افتاده، مانع آن می‌شود که انتقاد را بپذیرد و این یعنی بی‌اثر شدن هدف تربیتی که اصلاح رفتار غلط جوان بوده است.

در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام نیز می‌بینیم که ایشان رفتار مشرکان را نفی می‌کنند و نه شخصیت آنان را: «قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ: گفت: ای قوم، من از شریک‌هایی که شما (برای خدا) می‌سازید، بیزارم» (انعام: 78). در آیه‌ای دیگر حضرت این‌گونه با مشرکان مواجه می‌کند: «إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ: من از آنچه می‌کنید، بیزارم».

با دقت در آیات الهی، متوجه می‌شویم که شش مرتبه هنگام برائت جستن از مشرکان و کفار از عمل یا شرک و یا گناهان آنان بیزار می‌جسته شده است که این امر دقت و توجه قرآن به این نکته تربیتی را می‌رساند؛ البته برخی موارد هم هست که از افراد هم اعلام بیزار می‌شده است، (1)

که در این موارد افراد کار را به جایی رسانده‌اند که دیگر همه درها را به روی خود بسته‌اند و دل‌هایشان کاملاً سیاه شده است و در واقع دیگر امیدی به هدایت و تربیت آن‌ها وجود ندارد.

گوش دادن فعال

اشاره

یکی دیگر از عواملی که در تقویت عزت نفس جوان بسیار دخیل و از اهمیت زیادی برخوردار است، گوش دادن فعال به اوست. روان‌شناسان بین گوش دادن فعال و شنیدن تمایز قائل شده‌اند. رانکین، یکی از پژوهشگران پیشگام علم ارتباطات، در مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که حدود هفتاد درصد از زمان بیداری نمونه‌های آماری او در ارتباطات می‌گذرد. از این زمان، بخش‌هایی به گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن اختصاص دارد؛ که نسبت هر یک از آن‌ها به درصد، بدین ترتیب است: گوش دادن: 45 درصد؛ سخن گفتن: 30 درصد؛ خواندن: 15 درصد؛ نوشتن: 10 درصد. با توجه به این ارقام می‌توان دریافت که بخش عمده‌ای از زمان ارتباطی انسان‌ها به «گوش دادن» می‌گذرد. با وجود این، هنوز بسیاری از افراد «گوش دادن مؤثر» را یک مهارت نمی‌دانند، بلکه آن را مساوی با «شنیدن» می‌پندارند؛ درحالی‌که «گوش دادن» عملی ارادی است، که نیاز به دقت و توجه دارد؛ اما «شنیدن» عملی غیرارادی است که به دقت نیاز ندارد.

اگر شما در یک تحقیق ساده از اطرافیان خود پرسید که «آیا خوب گوش می‌دهید؟» قریب به اتفاق آن‌ها قاطعانه جواب می‌دهند «بلی» و حتی قائل‌اند همه آنچه را که طرف مقابل می‌گوید، درک می‌کنند؛

ص: 187

1- إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (ممتحنه: 4).

اما متأسفانه پژوهش‌های متعدد عکس این موضوع را نشان می‌دهد. این پژوهش‌ها بر این واقعیت تلخ استوارند که بیشتر ما گوش‌دهندگان خوبی نیستیم و حتی اصلاً گوش شنوایی نداریم. در روایتی از امیر بیان علی علیه السلام نقل شده است که «تَعَلَّمْ حُسْنَ الْإِسْدِ تِمَاعِ كَمَا تَعَلَّمْ حُسْنَ الْقَوْلِ: نیکو گوش کردن را بیاموزید، همان گونه که نیکو سخن گفتن را یاد می‌گیرید». یک مربی آگاه با خوب گوش دادن می‌تواند احساس ارزشمندبودن را به متری خود منتقل کند و از این طریق عزت نفس او را تقویت کند.

چگونگی گوش دادن فعال

ابتدا باید بدانیم که هنر گوش دادن به چه معناست؟ آیا صرف اینکه صبور باشیم و اجازه دهیم طرف مقابلمان آنچه را در دل دارد بیان کند، شنونده خوبی هستیم؟ اگر این طور باشد، پس بهترین شنونده‌ها کمروها هستند. شاید در مهمانی‌ها دیده‌اید که یک آدم پر حرف مدام در حال آسمان و ریسمان بافتن با کس دیگری است که لبخندی بر لب دارد، و مدام سر خود را تکان می‌دهد، اما علائم کلافگی و بی‌دقتی به گفتار طرف مقابل در او مشهود است. آیا چنین فردی شنونده خوبی است؟ بدون تردید نه.

هنر گوش دادن را نباید صرفاً بر اساس کمیت شنونده بودن و صبوری معنا کرد. ممکن است شما یک دقیقه به گفته‌های یک فرد با کیفیت بالا گوش دهید و واکنش مناسبی نیز در آن مدت کوتاه نشان دهید، اما ممکن است نیم ساعت شنونده باشید و در این مدت نه واکنش مناسبی در کار باشد و نه دقیقاً منظور گوینده را درک کرده باشید. هنر گوش دادن به معنای توانایی شناخت صحیح و عمیق افکار و احساسات فرد مقابل و لمس کردن آن‌هاست. گوش دادن فرایندی فعال محسوب می‌شود که نیازمند تلاشی متمرکز است. روان‌شناسان روش‌هایی را برای شنونده فعال بودن پیشنهاد کرده‌اند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

مشخص کردن هدف: مشخص نبودن هدف باعث سردرگمی و حواس‌پرتی می‌شود؛ زیرا افراد در هر دقیقه بین 100 تا 175 کلمه حرف می‌زنند، اما انسان می‌تواند تقریباً بین 600 تا 700 کلمه را در دقیقه به صورت هوشمندانه گوش دهد؛ لذا در فرایند گوش دادن باید مشخص کنید که در میان سخن‌گوینده به دنبال چه هستید و چه مطلبی را می‌خواهید بفهمید. در این صورت است که هدف مشعل‌راه می‌شود و شما برای رسیدن به مقصودتان، به مطالب‌گوینده دقیق می‌شوید. اگر در تمرکز روی گفته‌های دیگران دچار مشکل

1. می‌شوید، سعی کنید مطلب‌ها را در ذهن خود همان‌گونه که گفته‌اند، تکرار کنید. این امر علاوه بر کنترل حواس‌پرتی شما، باعث درک بهتر مطالب دریافتی نیز می‌گردد.

2. از بین بردن عوامل مزاحم: گاهی بعضی عوامل مانند محیط، سروصدا، هوای نامطبوع و بدون تهویه،

درجه حرارت و نوع نشستن باعث می شود حواس انسان پرت شده، تمرکز از بین برود. ما باید با شناسایی این عوامل و از بین بردن آن ها باعث ایجاد تمرکز شویم. البته گاهی اتفاق می افتد که نمی توان این عوامل را از بین برد، در این صورت باید با یک سری فعالیت ها باعث کم شدن این گونه مزاحمت ها بشویم.

3. نداشتن پیش داوری: ما نباید هیچ گونه قضاوتی درباره سخن گوینده، پیش از ارائه مطالبش داشته باشیم؛ زیرا بسیاری از مواقع، فرض ها و احتمالات ما اشتباه است. گاهی گوینده در آغاز ضعیف نمایان می شود، اما در ادامه به مباحث مهمی اشاره می کند.

4. پرسشگری: یک شنونده خوب به نحو منفعلی گوش نمی دهد؛ بلکه سعی می کند فرایند شناخت و لمس افکار و احساسات طرف مقابل را بهتر درک کند. چنین امری اتخاذ یک موضع فعال هنگام گوش دادن را ضروری می سازد و این موضع فعال عمدتاً در قالب پرسشگری نمود می یابد؛ لذا خوب است در ضمن گوش دادن، گاهی با پرسش های اکتشافی ابعاد جدیدی از مقصود گوینده را برای خود آشکار سازید.

5. نوشتن: نوشتن مطالب گوینده، باعث می شود که انسان به تمام جوانب سخن او توجه کند؛ البته در نوشتن باید تنها نکات مهم یادداشت شود. باید توجه داشت که برای بعضی، یادداشت برداری مزاحم گوش دادن است. این گونه افراد باید از یادداشت برداری بپرهیزند.

6. استفاده از ارتباط غیرکلامی: استفاده از رفتارهای غیرکلامی موجب بهبود ارتباط شما با گوینده می شود. ارتباط غیرکلامی شامل حرکت های چهره، ژست ها، تماس چشمی و حتی حالت ایستادن می شود. این ها نشان می دهند که شما با فرد مقابل ارتباط برقرار کرده اید و به راستی فعالانه گوش می دهید.

7. باز خورد دادن: به خاطر داشته باشید، آنچه گوینده می گوید و آنچه شما برداشت می کنید، ممکن است به طور شگفت انگیزی متفاوت باشد. تصورات، باورها و قضاوت های شخصی شما می تواند آنچه را می شنوید، تحریف کند. بازگویی آنچه از گوش دادن برداشت کرده اید، و نیز مطرح کردن این پرسش که «آیا آنچه من شنیده ام، درست است؟» می تواند شما را از درستی آنچه فهمیده اید، مطمئن سازد. همچنین این پیام را به گوینده منتقل می کند که شما کاملاً به حرف های او گوش می دهید.

1. منعکس کردن احساسات و محتوای کلام گوینده: یک شنونده خوب کاملاً همراه با احساسات گوینده پیش می رود و در واقع آینه احساسات و عواطف اوست. ما در ضمن گوش دادن باید احساسات و عواطف گوینده را به او منعکس کنیم تا او احساس کند که درک شده است؛ ضمن آنکه می توانیم هرازگاهی کلام گوینده را خلاصه کرده، به او منعکس کنیم. با این کار ضمن آنکه به گوینده این پیام را می رسانیم که ما کاملاً به کلام او توجه داریم، اگر خطایی هم در فهم ما رخ داده باشد، توسط گوینده اصلاح می شود.

یکی از بهترین شیوه های انتقال احساس ارزشمندی به جوانان گوش دادن درست به سخن آن هاست. امام جماعت مسجد در صورتی می تواند جوانان را به مسجد جذب و در روح آنان رسوخ کند که این مهارت را به خوبی آموخته باشد و به کار بندد. یکی از دوستان نقل می کرد: «در یکی از محله های شهرمان مسجدی بود که از جمعیت نمازگزار جوان زیادی برخوردار بود. بسیار دوست داشتم علت این امر را متوجه شوم تا اینکه یک روز راز این امر را یافتم. جوانی را در حیاط مسجد دیدم که خواهان پرسیدن سؤالی از روحانی مسجد بود. این روحانی بزرگوار ایستاد تا جوان سؤالش را مطرح کند. جوان سؤالش را مطرح کرد، اما سؤالش طول کشید؛ باین حال شاهد بودم که روحانی مسجد علی رغم سن بالایش با صبر و حوصله و محبت فراوان ایستاده بود و به سخنان او گوش می داد تا او تمام حرف هایش را زد. اینجا بود که راز علاقه جوانان محل به امام جماعتشان و شلوغی آن مسجد را فهمیدم».

ز) راهکارهای تقویت فتوت در جوانان

اشاره

همان طور که در تعریف فتوت بیان شد، فتی (جوانمرد) کسی است که ویژگی هایی مانند شجاعت، سخاوت، بدون منت با دیگران برخورد کردن، تواضع و گشاده رویی، خیرخواهی و آزارنرساندن به دیگران را داشته باشد. برای تقویت فتوت در جوانان می توان از روش هایی استفاده کرد که ذیلاً بعضی از آن ها را مطرح می کنیم:

فراهم کردن زمینه هایی برای بروز رفتار جوانمردانه

یکی از روش های مؤثر در ایجاد ویژگی های شخصیتی در افراد، انجام آن عمل و رفتار است. در واقع انجام مداوم یک رفتار باعث می شود که آن رفتار، افکار و عواطف متناسب با خود را در فرد شکل دهد و این عمل با تکرار، شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار دهد؛ لذا در روایات ما توصیه شده است که اگر حلیم و بردبار نیستی، خودت را به

حلم بزن(1)

و رفتارهای حلیمانه انجام بده تا به تدریج این ویژگی مثبت اخلاقی در شما شکل بگیرد. این مسئله در رفتارهای ناشایست نیز همین گونه است؛ برای مثال کسی که اهل سیگار کشیدن است، این رفتار بعد از مدتی در افکار و هیجانات او نیز تأثیر می گذارد و برای عمل خود توجهات زیادی می تراشد که مقدار کم آن ضرر ندارد یا فلان کس هم سیگار می کشید و مدت طولانی

ص: 190

1- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ».

عمر کرد و... حال که با این مکانیزم آشنا شدیم که هر رفتاری افکار و هیجانات هماهنگ با آن رفتار را به دنبال دارد، خوب است که در ایجاد رفتارهای درست از آن بهره مند شویم. در خصوص فتوت نیز هر چه زمینه‌هایی فراهم گردد که افراد بتوانند فتوت و جوانمردی را بیشتر به مرحله عمل بگذارند، این رفتار در آنان تقویت و زمینه رشد این خصیصه اخلاقی بیشتر فراهم می‌گردد. روحانیان مساجد می‌توانند با تشکیل هسته‌هایی برای انجام امور خیر، این روحیه را در جوانان مسجد تقویت کنند.

تقویت رفتارهای جوانمردانه

یکی از روش‌های مفید در یادگیری، روش شرطی‌سازی عامل است. در این روش که اصل و پایه آن تقویت است، هر رفتاری را که خواهان افزایش آن هستیم، تقویت می‌کنیم. به همین منظور متری باید رفتاری را که خواهان افزایش آن است، با روش‌های مناسب تقویت کند؛ این تقویت می‌تواند شامل تقویت‌کننده‌های مادی یا غیرمادی باشد؛ البته باید توجه داشت که نوع تقویت بسته به افراد مختلف، متفاوت است؛ برای مثال تقویت‌کننده‌های اجتماعی همچون تحسین در جمع و توجه و احترام گذاشتن به جوان می‌تواند برای او اثرگذارتر باشد. اگر این حس قدرشناس بودن به جوان منتقل شود، او با انگیزه بیشتری به سمت این خوی انسانی و الهی سوق پیدا می‌کند؛ از همین روست که تشکر و سپاس‌گزاری (1) از مخلوق نیز در کنار خالق توصیه شده است. ضمن آنکه رفتارهای جوانمردانه و مکارم اخلاقی به خودی خود احساس خوبی را به افراد منتقل می‌کنند و این خود می‌تواند یکی از عوامل تقویت‌کننده مهم برای تداوم این گونه رفتارها به شمار رود. خوب است که ما نیز به عنوان امام جماعت مسجد از این امر غافل نشویم و در هر مناسبتی برنامه‌ای را برای تشکر و سپاس‌گزاری از جوانانی که در مسیر رفتارهای جوانمردانه گام برداشته‌اند، داشته باشیم.

ارائه الگوهای مناسب

اشاره

یکی دیگر از روش‌های ایجاد ویژگی شخصیتی، اصل الگودهی است. همه ما در طول زندگی به دنبال الگوهای هستیم که با سرمشق قراردادن آن‌ها، مسیر زندگی خود را مشخص کنیم؛ در این میان جوانان این مسئله برایشان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ لذا معرفی الگوهای فتوت و جوانمردی می‌تواند این عطش دوران جوانی را تا حدود زیادی به درستی تأمین کند. در ادامه برخی از فتیان (جوانمردان) تاریخ را معرفی می‌کنیم:

ص: 191

1- «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق».

ایشان قبل از بعثت در حلف الفضول (پیمان جوانمردان) که جوانمردان مکه برای دادرسی بی نوایان تشکیل داده بودند، شرکت داشت. حضرت در خصوص این پیمان می فرمود: من هنگام بسته شدن حلف الفضول با عموهائیم در منزل عبدالله بن جدعان حضور داشتم؛ امضای آن پیمان به اندازه ای برای من ارزنده و مسرت بخش بود که راضی نمی شدم شادی و مسرتم را با مهم ترین ثروت عرب که شتران سرخ مو است، مبادله نمایم. اگرچه اکنون حکومت نیرومند اسلام، خود مجری عدل و داد است، اگر کسی امروز هم مرا بر اساس حلف الفضول به یاری خود بخواند و تقاضای رفع ستم نماید، اجابتش می کنم و به کمک وی می شتابم (فلسفی، 1379).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام

در میان پیروان حضرت رسول صلی الله علیه واله در فتوت بهترین مثال یک فتای حقیقی و کامل، امیرمؤمنان علی علیه السلام است. وقایع بسیاری در زندگی حضرت امیر علیه السلام ذکر شده که دلالت بر ظهور صفت فتوت در بالاترین درجه در وجود آن حضرت دارد. از جمله در جنگ احد زمانی که حضرت علی علیه السلام شجاعانه، خالصانه و به طرزی شگفت می جنگید، هاتف غیبی آواز داد: لافتی إلا علی لاسیف إلا ذوالفقار

در این بین ارائه الگویی از شهدا و رفتارهای جوانمردانه آنان به جوانان مسجد خالی از لطف نیست. خوب است که مسابقاتی از زندگی نامه های شهدایی همچون همت، باکری برگزار گردد تا به طور غیر مستقیم این الگوها به جوانان معرفی شود تا بتوانند در مسیر آنان گام بردارند.

تقویت ایمان و باورهای دینی

تواضع، گشاده رویی، خیرخواهی، شجاعت و سخاوت که مؤلفه های اصلی فتوت هستند، در واقع ویژگی های اخلاقی مهمی اند که در روایات و متون دینی بر آن ها تأکید شده است. رسول خدا نیز علت مبعوث شدن خود را اتمام این مکارم اخلاقی دانسته اند؛ لذا تقویت ایمان و باورهای دینی در جوانان منجر به تقویت این ویژگی های اخلاقی در آنان می گردد. ضمن آنکه ایمان و اعتقاد به یک مبدأ هستی بخش که همه امور در دست قدرت اوست، به جوان اعتماد به نفس و شجاعت در انجام امور را می دهد. همچنین باور به عالم غیب و جهانی ماوراء طبیعت که در آن حساب رسی دقیق به اعمال انجام می شود، فرد را از خودمحوری به سوی همکاری و دیگر دوستی سوق می دهد؛ زیرا این نگاه که دنیا مزرعه آخرت است، فرد

را به سخاوت، خیرخواهی و دیگر مکارم اخلاقی رهنما می شود.

بدون داشتن ایمان و باوری قوی، امکان شکل گیری فتوت و جوانمردی وجود ندارد؛ لذا یکی از برنامه هایی که باید مورد توجه همه عزیزان و برنامه ریزان مساجد باشد، تقویت ایمان و باورهای دینی جوانان است. ایمان عمل ساز و عمل، تقویت کننده ایمان است؛ لذا در امر تربیت نباید از این دو غافل شد.

ارائه دلیل

در هر مرحله از رشد، غلبه تربیت با یک روش خاص است؛ برای مثال در هفت سال اول، غلبه آموزش بر روش های غیرمستقیم و غیررسمی است؛ همچون بازی، شعر، مسابقه و...؛ در هفت سال دوم استفاده از روش های رسمی و گاهی سخت گیرانه مطابق طبع کودک است و مشکلی را ایجاد نمی کند؛ زیرا طبع کودک همان گونه که پیازه، یکی از روان شناسان معروف، نیز تأکید می کند، در پی پیروی اخلاقی است. اسلام عزیز نیز که کامل ترین مکتب انسان سازی است، این مرحله از رشد را مرحله غلامی می نامد؛ لذا کودک خودش نیز به دنبال اطاعت از امر مربی

است. شاید همه ما با کودکان دبستانی مواجه شده باشیم که حتی اگر نکته اشتباهی را از معلم خود فراگرفته باشند، باز هم بر آن تأکید می کنند. اما پس از هفت سال دوم و پشت سر گذاشتن کودکی و نوجوانی، دیگر اجبار و زور در مورد افراد جواب نمی دهد و جوان دیگر حاضر به پذیرش هر امری نیست و اطاعت پذیری از مراجع قدرت کاهش می یابد؛ بنابراین مربی آگاه با توجه به این تغییرات در مرتبه خود، باید از روشی استفاده کند که متناسب با سن او باشد و او را در رسیدن به مقصودش که همان تربیت مرتبی است، یاری رساند.

در این مرحله از رشد، قدرت بر مبنای زور و اجبار نتیجه ای به دنبال ندارد؛ بلکه برای رسیدن به نتیجه، قدرت بر مبنای تخصص، استدلال و دلیل نیاز است؛ به همین دلیل است که باید در برخورد با جوان بسیار دقت داشت که احساس اجبار و اکراه به او دست ندهد؛ زیرا در این صورت ممکن است این اجبار و اکراه او را به سمت مکانیزم های دفاعی (انکار، دلیل تراشی و...) سوق دهد و مانع از پذیرش حقیقت توسط او گردد.

یک مرتبه آگاه باید برای تغییر رفتار جوان از توجیه شناختی، ارائه دلیل و استدلال به بهترین وجه یاری جوید. در داستان حضرت لقمان نیز شاهد این نکته هستیم که این مرد حکیم در سفارش های خود به فرزندش هرگاه نکته ای را بیان کرده، دلیل آن را نیز توضیح داده است: «وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ: (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش، در حالی که او را موعظه می کرد، گفت: "پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است" (: لقمان: 13).

«وَلَا تَصَدَّ عُرْحَدَكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ: (پسرم) با بی اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد» (لقمان: 18).

در خصوص تقویت فتوت در جوانان نیز صرف توصیه و سفارش کفایت نمی کند، بلکه توجه دادن جوان به آثار این رفتار در جامعه انسانی و در روح خود انسان و یا مضرات دوری جامعه از این روحیه والا، تأثیر بیشتری بر او می گذارد و او را به سمت انجام رفتارهای جوانمردانه سوق می دهد. باید توجه داشت که این ایدئولوژی ها هستند که رفتارهای ما را رغم می زنند؛ بنابراین شاهد هستیم که تفکر اومانستی (انسان گرایی)، غرب و جوامع غربی را تا ورطه تباهی و سقوط کشانده است؛ جایی که هرکس به فکر خود و منافع خودش باشد، جایی که خدامحوری جای خود را به انسان مداری بدهد، دیگر جایی برای گذشت و فداکاری، جوانمردی و رشادت باقی نمی ماند و این گونه است که مکارم اخلاقی برای مطامع شخصی افراد به مسلخ می رود؛ لذا هرچه یک اندیشه از پشتوانه منطقی تر و عقلانی تری برخوردار باشد تأثیر بیشتری بر مخاطب خواهد داشت.

هماهنگی در رفتار و گفتار مربی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تربیت، هماهنگی بودن گفتار و رفتار مربی است؛ یعنی آنچه مربی می خواهد و به انجام آن دستور می دهد، پیش از هر چیز، خود عامل به آن باشد. انطباق گفتار و رفتار اهمیت فراوان دارد. مربیان آگاه موظف اند هرگاه انجام کاری را خواهان اند، خود نیز به آن بها داده، عمل نمایند. درباره مطابقت گفتار و رفتار و

اهمیت دادن به عمل، روایات متعددی از معصومان علیهم السلام رسیده است؛ از جمله امام صادق علیه السلام می فرمایند: «مردم را با اعمال خود به خوبی ها دعوت نمایید و تنها به زبان اکتفا نکنید»؛ یعنی آنچه را با زبان خوب یا بد می دانید در عمل هم مورد توجه قرار دهید.

گذشته از گفتار، سیره معصومان علیهم السلام نیز نشان می دهد که آنچه را آنان از دیگران می خواستند، پیش از همه، خود بدان عمل می کردند؛ برای نمونه، فاطمه زهرا علیها السلام ضمن هدایت فرزندان به انجام فرایض دینی، خود ارزش واقعی آن را عملاً به آنان نشان می دادند. در همین زمینه از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده است: «در یکی از شب های جمعه دیدم مادرم، زهرا علیها السلام تا صبح نماز خواند و برای تک تک همسایه ها دعا فرمود، ولی برای خود و اهل خانه دعایی نکرد. پرسیدم: چرا این همه برای دیگران دعا کردی و برای خودت دعا نکردی؟ فرمود: یا بنی، الجائرُ ثمَّ الدارُ؛ فرزندم، اول همسایه، بعد اهل خانه».

از آنچه گفته شد، لزوم مطابقت رفتار با گفتار مری روشن گردید. در کلام الهی نیز ما شاهد هستیم که خداوند متعال از گفتار بدون عمل نهی کرده و آن را مورد سرزنش قرار داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْلَمُونَ: ای کسانی که ایمان آورده اید چرا آنچه را که انجام نمی دهید می دهید می گوید» (صف:2).

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ وَتَسُونَ أَنْفُسَكُمْ: آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید؟» (بقره: 44)

ه) عوامل مخرب در شکل گیری تربیت حماسی

تضعیف باورهای دینی

یکی از عوامل مهم شکل گیری تربیت حماسی در جوانان، داشتن ایمان و باورهای قوی دینی در آن هاست؛ لذا هر آنچه باعث تضعیف این باورها شود، تربیت حماسی را نیز در آن ها تضعیف می کند. جوانی که روح تربیت حماسی در او دمیده شده است، جوانمردی و عزت را سرلوحه کار خود در زندگی قرار می دهد. او اهل گذشت و جان فشانی برای دفاع از حق است. چنین جوانی حاضر نیست، ذلت را بپذیرد و تن به خواری دهد؛ لذا ما در طول تاریخ شاهد هستیم، هرگاه دشمنان نتوانسته اند رودررو در مصاف با حکومت های اسلامی راه به جایی ببرند، با حربه تهاجم فرهنگی دست به تخریب و تضعیف باورهای دینی جوانان زده اند و از این طریق به اهداف شوم خود رسیده اند. نمونه بارز این مسئله را در تاریخ آندلس مسلمان شاهد هستیم. زمانی که دشمنان نتوانستند از طریق نظامی بر آن جامعه اسلامی پیروز شوند،

با ترویج مراکز فساد و سست کردن ایمان و باورهای دینی جوانان مسیری را برای رسیدن به اهداف شوم خود فراهم کردند و در نهایت آنچه نباید رخ می داده واقع شد و حکومت اسلامی که چندین قرن در آندلس استوار و پابرجا بود، با شکست سنگینی مواجه شد و همه مسلمانان نیز یا کشته و یا کوچ داده شدند؛ این نتیجه تضعیف باورهای دینی در جامعه اسلامی است.

تخریب شخصیت جوان

کسی که برای خود ارزشی قائل نیست، چگونه می تواند برای دیگران ارزش و احترام قائل شود و به حقوق آن ها احترام بگذارد. تخریب شخصیت جوان نه تنها ریشه تربیت حماسی را در او می خشکاند، پایه های انسانیت و نوع دوستی را نیز در او متزلزل می گرداند؛ لذا اگر ما خواهان شکل گیری تربیت حماسی

در جوان هستیم، باید تا می توانیم در جهت تکریم شخصیت او گام برداریم. جوانی که کرامت نفس و عزت نفس در او شکل گرفته است و برای خود شخصیت قائل است، تن به هر کاری نمی دهد و در مقابل هواهای نفسانی مقاومت می کند؛(1) اما اگر شخصیت جوان تخریب شود، دیگران نمی توان امید به انجام رفتارهای پسندیده از او داشت؛ لذا یک مربی آگاه هرگز نباید از پیام های سمی که شخصیت جوان را تخریب می کند، استفاده کند؛ بلکه باید از هر فرصتی برای تقویت شخصیت جوان بهره جوید.

روحیه منفعت طلبی و راحت طلبی

یکی از آفات بزرگ برای تربیت حماسی جوان، روحیه منفعت طلبی و راحت طلبی است. جوانی که این سرطان در روح و روانش ریشه دوانده است، دیگر انگیزه و گرایشی به از خودگذشتگی و ایثار ندارد و صرفاً به دنبال منافع خویش است؛ به همین دلیل است که در روایات توصیه شده که فرزندان را با برخی از مشکلات روبرو سازید تا در بزرگ سالی بردبار و صبور شوند. تبلی و راحت طلبی در فرهنگ دینی ما بسیار مذموم است و در روایات عامل فقر در دنیا و آخرت معرفی شده است؛(2)

لذا لازم است که در تربیت حماسی که نیاز به جوانمردی و فتوت دارد، از این آفت مهم جلوگیری گردد.

ترس و جبن

اشاره

تربیت حماسی در دل خود شجاعت و شهامت را به همراه دارد. در واقع حماسه آفرینی با ترس و جبن امکان پذیر نیست؛ لذا ما در جایگاه مربی باید همواره به دنبال تقویت روحیه شجاعت و شهامت در جوان باشیم. ترس مانع از وارد شدن جوان به بسیاری از حیطه ها می گردد و جوانی که سایه ترس بر او گسترده شده باشد، نمی تواند به وظیفه خود در حیطه تربیت حماسی عمل کند؛ زیرا این موریانه ترس ریشه تربیت حماسی را سست کرده، از بین می برد؛ از این روست که خداوند متعال در توصیف یاران رسول خدا صلی الله علیه واله می فرماید: «... اشداء علی الکفار...» و یا در روایات مؤمنان به کوه تشبیه(3) شده اند. تربیت حماسی تربیتی است که بر مبنای پرورش شجاعت در جوان شکل می گیرد. برای تقویت شجاعت اموری در آیات و روایات ذکر شده است که به بخشی از آن ها اشاره می کنیم:

ص: 196

- 1- . قال علی علیه السلام: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ».
- 2- . وَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْكَسَلُ يَصْرُبُ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا».
- 3- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْمُؤْمِنُونَ فَهْمُ كَالْجِبَلِ الرَّاسِخِ لَا تَحْرُكُهُ الْعَوَاصِفُ».

1-4. توکل

امام کاظم علیه السلام می فرماید: کسی که دلش می خواهد قوی ترین مردم باشد، بر خدا توکل کند. راوی سؤال کرد که اندازه توکل چه مقدار است، حضرت فرمود: غیر از خدا از هیچ کس نترسد. امیر مؤمنان علیه السلام در این خصوص می فرماید: توکل بر خدا بهترین تکیه گاه است. در روایت دیگری پیامبر صلی الله علیه و اله از جبرئیل علیه السلام پرسید که توکل چیست. جبرئیل گفت: توکل عبارت است از علم به اینکه مخلوق نه ضرر می زند و نه نفع می رساند، نه می بخشد و نه باز می دارد و عبارت از مأیوس بودن از خلق است.

2-4. ترس از خدا

امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسی که از خدا بترسد، خداوند همه چیز را از او می ترساند و کسی که از خدا نترسد، خداوند او را از هر چیزی می ترساند». انسان باید از خدا بترسد. دل مؤمن باید لبریز از این گونه ترس باشد؛ البته ترس از خدا از آن جهت نیست که خدا-نعوذبالله- موجود ترسناکی است. ترس از خدا معانی و مراتبی دارد. یک معنای ترس از خدا، ترس از خشم خدا و عذاب خدا در دنیا و آخرت است. منشأ خشم و عذاب الهی هم نافرمانی بشر است. انسان اگر از قدرت برتری بترسد، نافرمانی نمی کند و چه قدرتی به قدرت الهی می رسد. معنای دیگر ترس از خدا، لرزش دل در برابر هیبت و عظمت الهی است؛ از چنین ترسی در آیات قرآن به خشیت تعبیر شده است: «انما یخشى الله من عباده العلماء: از میان بندگان خدا، تنها عالمان هستند که از خدا می ترسند».

3-4. یاد خدا

قرآن می گوید: یاد خدا آرام بخش دل هاست. از جمله عواملی که باعث نگرانی و اضطراب ما می شود، ترس از آینده تاریک و مبهم، گذشته تاریک و آلوده انسان، ضعف و ناتوانی در مواجهه با حوادث طبیعی و دشمنان داخلی و خارجی، احساس پوچی، ترس از مرگ و... است که وقتی به قدرت بی منتهای الهی و عطوفتی که به بندگان دارد و اینکه بی نیاز از عذاب ماست، توجه پیدا کنیم، به ما آرامش می دهد و توان ما را زیاد می کند.

4-4. مواجهه با ترس

یکی از روش های مؤثر در برخورد با ترس و ازمیان بردن آن، مواجهه با آن امر ترسناک است. در روایتی

از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده است که هرگاه از چیزی ترسیدی، خودت را در آن بینداز. (1)

روش مواجهه یکی از فن‌های مهم در روان‌شناسی است که برای درمان اختلال‌های مختلف همچون وسواس که ریشه آن اضطراب است، استفاده می‌شود. در این روش به دلیل مواجهه مستمر با امر ترسناک که عامل اضطراب است، خوگیری رخ می‌دهد و دیگر سیستم فیزیولوژیک بدن به آن امر ترسناک واکنش نشان نمی‌دهد. اگر ترس‌های جوان کاهش یابد و شجاعت در او شکل گیرد، این روحیه شجاعانه تعمیم یافته، جزء ویژگی‌های اخلاقی او می‌گردد و اگر این‌گونه شود، ثمرات آن را در سرتاسر زندگی جوان شاهد خواهیم بود.

کمرویی

حیا یکی از ملکات اخلاقی است که در روایات ما نیز بسیار از آن یاد و به آن توصیه شده است. در روایت کسی که حیا ندارد، معادل کسی دانسته شده است که ایمان ندارد؛ (2)

اما متأسفانه این خصیصه مثبت در بسیاری از موارد، خصوصاً در قشر جوان و متدین جامعه با کمرویی خلط شده و کمرویی معادل حیا فرض شده است؛ حال آنکه حیا ممدوح و پسندیده و کمرویی زشت و ناپسند است؛ لذا یک مربی آگاه باید تفاوت این دو را به خوبی درک کند و سعی کند حیا را تقویت و در مقابل، کمرویی را برطرف کند. تفاوت شاخص و عمده این دو مفهوم در آن است که حیا مانع انجام رفتارهای ناپسند و ضد اخلاقی می‌گردد و در مقابل، کمرویی مانع انجام وظیفه عقلی و شرعی در فرد می‌گردد؛

لذا در روایت نیز حیا به دو بخش تقسیم شده است: حیا عقل و حیا حماقت. (3) حیا حماقت همان کمرویی است که مانع انجام وظیفه فرد می‌گردد.

روحیه منفعلانه و سازش کارانه

روحیه منفعلانه و سازش کارانه روحیه ای است که مانع از دفاع از حق می‌گردد. افراد منفعل یا سازش کار روح حماسی ندارند و نمی‌توانند در مقابل ظالم بایستند و از حق دفاع کنند. این دسته از افراد به دلیل آنکه روحیه حماسی ندارند، مرد میدان‌های سخت نیستند. آنان ترجیح می‌دهند به جای آنکه مبارزه و تلاش کنند، تسلیم شوند و سازش کنند.

امام حسین علیه السلام به همه ما درس تسلیم نشدن در مقابل ظالم دادند و این روحیه حماسی را به همه بشریت هدیه کردند تا جایی که گانندی رهبر آزادی بخش هند نیز الگوی خود را حسین بن علی علیه السلام معرفی می‌کند.

ص: 198

1- . قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا هَبْتَ أَمْرًا فَتَقَعْ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوَقُّيهِ أَعْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ».

2- . أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ».

3- . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْحَيَاءُ حَيَاتَانِ: حَيَاءُ عَقْلٍ وَحَيَاءُ حُمْقٍ؛ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَحَيَاءُ الْحُمْقِ هُوَ الْجَهْلُ».

ما نیز به عنوان یک مربی باید جوانان را به سمتی سوق دهیم که سبک ارتباطی خود را منفعلانه قرار ندهند. در واقع باید رفتارهای غیرمنفعلانه آن‌ها را دید و تقویت کرد. اگر در روایت نیز توصیه شده است که جوانان خود را به جدال و مراء ترغیب کنید، (1) شاید به همین دلیل است که آن‌ها بیاموزد که همواره تلاش کردن بهتر از تسلیم شدن است؛ البته همان طور که می‌دانیم، جدال در این روایت همان جدال احسن (2) است. رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره در تربیت خود به دنبال رشد و پرورش روح حماسی در جوانان جامعه اسلامی بودند؛ لذا از همان ابتدا به پدران توصیه می‌کردند که به فرزندان تیراندازی، سوارکاری و شنا را بیاموزید و خودشان نیز در این زمینه با برگزاری برخی مسابقات تلاش می‌کردند روحیه حماسی را در جوانان تقویت کنند. (3)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندان‌شان حسن و حسین علیهما السلام را در کودکی به کشتی وامی‌داشتند. (4) همه این موارد نشان از آن دارد که اسلام خواهان پرورش جوانانی است که روح حماسه در آن‌ها زنده باشد؛ جوانانی که در کوران مشکلات اهل خطر کردن باشند و بتوانند برای خود و جامعه اسلامی مفید باشند.

توصیه‌هایی کوتاه برای امامان جماعت و مسئولان مسجد در تربیت حماسی

1. همکاری با بسیج مسجد؛
2. تشکیل هسته‌های فتوت جهت کمک به نیازمندان؛
3. تشکیل حلقه‌های پژوهشی برای تحقیق در خصوص مسائل مربوط به عزت و فتوت؛
4. تهیه کتاب‌ها و جزوه‌هایی با موضوع خاطرات دفاع مقدس؛
5. برگزاری مسابقات مختلف ورزشی با همکاری کانون‌های مساجد؛
6. فراهم کردن اردوهای چندروزه در دل طبیعت، برای جوانان؛
7. واگذاری برخی از مسئولیت‌های مسجد به جوانان (برای مثال برگزاری اعیاد و عزاداری‌ها)؛
8. مشارکت دادن جوانان در تصمیم‌گیری‌های مسجد و نظر خواستن از آنان؛
9. برگزارکردن برنامه‌های دیدار با خانواده‌های شهدا دفاع مقدس.

ص: 199

1- قال علی علیه السلام: «مروا الأحداث بالمراء و الجدل».

2- قال الله الحكيم: «ادعُ إلى سبيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ».

3- امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله مسابقات اسب دوانی برگزار می‌کرد و به برنده مسابقه چند مثقال نقره جایزه می‌داد.

4- قَالَ فَلَمَّا أَتَى بِهِمَا مَنْزِلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ [قَالَ اصَّ طَرِعًا] فَأَقْبَلَايَصَّ طَرِعَانَ فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ هِيَ يَا حَسَنُ

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ > يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَقُولُ هِيَ يَا حَسَنُ وَهُوَ أَكْبَرُ مِنْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذَا جَبْرَائِيلُ يَقُولُ هِيَ يَا حَسَنُ يَا حَسَنُ فَصَدَرَ
الْحُسَيْنُ الْحَسَنُ.

با توجه به نکات بیان شده روشن می شود که هدف مکتب انسان ساز اسلام تربیت جوانانی است که روح حماسی در آن ها زنده باشد تا با انگیزه ای قوی و نیرومند در جهت تحقق اهداف عالی انسانی و اسلامی گام بردارند و در این راه از هیچ سرزنی نهراسند؛ مالک اشترانی که در رکاب امیر خود از بذل جان دریغ نداشته باشند و در عین شجاعت مثال زدنی، از جوانمردی و غیرت دینی نیز برخوردار باشند.

برای پرورش چنین نسل جوانی بهترین مکان مسجد است؛ آنجا که اجتماع مؤمنان شکل می گیرد و زمینه های تقویت ایمان دینی و ارائه الگوهای مناسب برای جوانان فراهم است و صدالبته متولیان امور تربیتی در مساجد باید با درک مناسب از روحیه جوان و هدایت او به سمت مؤلفه های عزت و فتوت، زمینه ساز تربیت حماسی آن ها گردند. آن ها همواره در این مسیر باید از آسیب هایی که ممکن است تربیت حماسی را دچار مشکل کند، آگاه باشند و از آن ها بپرهیزند؛ در این صورت است که می توان امید داشت نسل های بعد از انقلاب نیز همچون نسل انقلاب در مسیر رسیدن به آرمان ها تلاش کنند و در نگهداری و پاسداشت آن ها از هیچ جان فشانی دریغ نورزند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

1. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، مکتبه آیةالله المرعشی النجفی، قم، 1404ق.
2. ابن معمار، کتاب الفتوه، چاپ مصطفی جواد و دیگران، بغداد، 1958.
3. براندن، ناتانیل، روان شناسی عزت نفس، ترجمه مهدی قراچه داغی، نشر نخستین، تهران، 1393.
4. برومند، سیدمهدی، شیوه های تعلیم در قرآن و سنت، انتشارات کتاب مبین، قم، 1380.
5. بستانی، فؤاد افرام و رضا مهیار، فرهنگ ابجدی، انتشارات اسلامی، تهران، 1375.
6. تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات، قم، 1366.
7. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات (ط- الحدیثه)، انجمن آثار ملی، تهران، 1395ق.
8. خسروی، زهره، خانواده و عزت نفس، انتشارات احیای کتاب، تهران، 1380.
9. دیلمی، حسن بن محمد، إرشادالقلوب إلى الصواب، الشریف الرضی، قم، 1412ق.

10. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم- الدار الشامیه، بیروت- دمشق، 1412ق .
11. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، شریف رضی، قم، 1412ق/1370 ش .
12. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، انتشارات هجرت، قم، 1409ق.
13. فلسفی، محمدتقی، الحدیث: روایات تربیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلام، قم، 1368.
14. کلمز، هریس، روش های تقویت عزت نفس در نوجوانان، ترجمه آمینه کلارک، به نشر، مشهد، 1383.
15. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1407ق .
16. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، 1403ق .
17. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1368.
1. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، 1388.
2. موسوی، سیدمهدی، «تربیت حماسی، الگوی تربیت مهدوی»، فصل نامه علمی- پژوهشی مشرق موعود، شماره 26، تابستان 1392.
3. نفیسی، سعید، سرچشمه تصوف در ایران، نشر اساطیر، تهران، 1385.
4. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله و دیگران، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مکتبه الإسلامیه، تهران، 1400ق .
5. هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد صلی الله علیه واله، 2جلد، الهادی، قم، 1405ق.

مقاله حاضر با هدف شناسایی بایسته های سخت افزاری و جذاب سازی مساجد برای جوانان تهیه شده است. برای این منظور با بررسی ویژگی های جوانان و موانع جذب جوانان به مسجد در عرصه سخت افزاری مسجد، به روش مطالعه کتابخانه ای بررسی گردید و این نتیجه کلی به دست آمد که برای جذاب سازی مساجد برای جوانان، ضمن زیباسازی بنای مسجد اعم از سردر، مناره، گنبد، شبستان، محراب، صحن، بارو و رواق با استفاده از معماری و هنر اصیل اسلامی، امکانات و تجهیزات خدماتی و رفاه عمومی مسجد مثل منبر، میز خطابه، دستگاه های صوتی، روشنایی (نورافکن، لامپ و مهتابی های کم مصرف، برق اضطراری، چهارپایه بلند یا بالابر برقی)، گرمایشی و سرمایشی و تهویه مطبوع، سیستم اطفای حریق، دستگاه های امنیتی (دوربین مدار بسته، دزدگیر)، فرش، وسایل نظافت (جاروبرقی، بخارشوی، پرده هوا، پشه کش برقی و خوش بوکننده)، تجهیزات بهداشتی (سرویس های بهداشتی، حمام، آب گرم، صابون، مایع دستشویی، مایع ضد عفونی کننده، دستمال توالت و خشک کننده برقی) جاکفشی، آسانسور و پله برقی، باید تمیز، زیبا، مناسب و بهره مند از فناوری پیشرفته روز باشند.

تأمین امکانات و تجهیزات برای فعالیت های و خدمات متنوع و مورد نیاز و متناسب با روحیه جوانان

در مساجد مثل ایجاد فضاهای آموزشی، ورزشی و تأمین تجهیزات وسایل آموزشی و کمک آموزشی همچون رسانه های دیداری، دیداری - شنیداری، کتابخانه، کتاب، تخته سیاه، وایت برد و تخته هوشمند، سالن مطالعه، روزنامه و مجله، کامپیوتر، نوارخانه، بانک سی دی، رادیوضبط، ویدیو پروجکشن، تلویزیون مدار بسته، دستگاه پخش CD یا DVD و تلویزیون و تجهیزات ورزشی همچون میز پینگ پنگ، توپ و تور والیبال و بسکتبال، فوتبال دستی و انواع ورزش های فکری و وسایل اطلاع رسانی همچون کافی نت، خط اینترنت، سامانه ارسال پیامک، سیستم ارسال بلوتوث، بورد یا تابلو اعلانات مساجد، بیلبوردهای تبلیغاتی و تأمین تجهیزات آبدارخانه و آشپزخانه، صندوق نذورات و موقوفات، صندوق انتقادات و پیشنهادات، پارکینگ، محل نگهداری کودکان، خانه عالم، خانه خادم، استراحتگاه، آب سردکن و آب شیرین کن در جذب جوانان به مسجد مؤثر است.

کلیدواژه ها: جوانان، مسجد، سخت افزارهای مسجد، تجهیزات مسجد، امکانات مسجد

مقدمه

دوران جوانی، دوران حساس و سرنوشت ساز و تعیین کننده ی شخصیت فرد است. در این دوران غرور، هیجان، احساسات، شهوت و ناپختگی عقلی بر شخص سایه می افکند. قانون الهی یعنی قرآن و احادیث معصومان علیهم السلام می تواند این احساسات را در مسیر هدایت و هیجان و غرور را در طریق مثبت قرار دهد. جوانی بهترین و حساس ترین دوره ی عمر انسان به حساب می آید. در دوره جوانی است که انسان می تواند سرنوشت خویش را رقم بزند و افق آینده خود را روشن و درخشان و یا آن را تیره و تار سازد. در هر عصری جوانان بیشتر مورد توجه هستند و در شکل گیری موضوعات مختلف در جوامع نقش مؤثری ایفا می کنند.

جوانان آرمان خواه، دارای شور و نشاط و زیابطلب هستند. مسجد نیز به عنوان مهم ترین کانون مذهبی، زیبایی خاص خود را دارد. چگونه می توان میان جوانی و مسجد و به بیان دیگر میان دو زیبایی، پیوند برقرار کرد؟ اگر پیوند بین این دو برقرار شود، آینده جامعه تضمین خواهد شد.

مسجد یکی از عناصر مهم و مؤثر در جهان اسلام است. پیامبر اکرم علیه السلام با تأسیس اولین مسجد، جامعه اسلامی را در مدینه بنیان گذاری کرد. در زمان پیامبر، مسجد نه تنها مرکز عبادی - سیاسی، بلکه محور تمامی فعالیت های فرهنگی و اجتماعی مردم بود. مسجد علاوه بر اینکه محلی برای ادای فریضه نماز

بود، مرکزی برای آموزش، قضاوت، درمان، اطلاع رسانی و مشورت هم بود. در آن زمان مسجد به گونه ای بود که از صحن آن به عنوان فضای جمعی، از شبستان به عنوان تالار شهر، از گوشه های مسجد به عنوان مدرسه، در مانگه، شورای حل و فصل اختلافات و... استفاده می شد. جلسات بحث و سخنرانی و مناظره در مسجد شکل می گرفت و مسافران برای استراحت و شنیدن ایده های پیامبر به مسجد می آمدند.

در طول تاریخ شکل گیری شهرهای اسلامی، مساجد به عنوان فضاهای عمومی مهم و مردمی، دارای کارکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی بودند و در زندگی مردم نقش محوری داشتند.

به مرور زمان که سازمان ها و نهادهای مختلف در جامعه شکل گرفت، مساجد نیز بنا به ضرورت بسیاری از کارکردهای خود را از دست داده اند. تقلیل دادن جایگاه مسجد به نمازخانه، برداشت بسیار ناقص و محدودی از مفهوم مسجد است. کارکردهای فرهنگی و اجتماعی مسجد به عنوان یک مسئله در سال های اخیر با رویکردهای متفاوتی مورد توجه قرار گرفته است. دیدگاه های متعدد به صورت ایده های راهبردی و طرح های عمرانی و مدیریتی در قالب مساجد کوچک و بزرگ فراوانی تجسم یافته اند. ایجاد واحدهای بسیج فرهنگی، جهاد و شورای حل اختلافات در حاشیه مساجد نمونه هایی از این توجه است.

علیرغم پیشینه قوی مساجد در عملکردهای مختلف و تأثیر آن ها بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی جامعه، در حال حاضر از میزان تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مساجد کاسته شده است. از جمله علل این کاهش، کم شدن دامنه فعالیت های مساجد در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و حتی مذهبی است. همزمان با پیدایش سازمان ها، مؤسسات و نهادهای گوناگون اجتماعی، به مرور زمان از میزان فعالیت های مساجد کاسته شده است؛ به گونه ای که می توان گفت نیز با توجه به فعالیت های فزاینده وسایل ارتباط جمعی (صداوسیما) و حسینیه ها، ارائه برنامه های متعدد مذهبی نیز مسجد به تدریج تحت الشعاع قرار گرفته است. همچنین با رشد بی رویه شهرها و گسترش ساختمان های بلند و آسفتگی بصری موجود در منظر شهرها، عملکرد کالبدی مساجد نیز کم رنگ شده است. (تقوایی و معروفی، 1389 ص 221)

تنوع عملکردی مسجد در کارکردهای فرهنگی و اجتماعی می تواند حامل تبعات مثبت فراوانی برای آن باشد. احیای کارکردهای مسجد می تواند در جذاب سازی آن ها و جلب و جذب جوانان بسیار تأثیرگذار باشد.

پیشرفت های تکنولوژیک، بالا رفتن انتظارات و تغییرات جمعیتی کشور، تقاضاهای ذی نفعان برای پاسخگویی و ابزارهای جدید، ارائه برنامه های فرهنگی و تربیتی، همگی چالش های کنونی هستند که نیاز

به نوآوری در مساجد را ضروری می‌کند.

حضور در مسجد، افضل اعمال است و منشأ همه خوبی‌ها، عبادت است و بیمه شدن در برابر عذاب الهی، عامل دوری بلا و رفع گرفتاری است. با این وجود استقبال از مساجد به ویژه در نسل جوان کم رنگ است. هرچند که میزان حضور جوانان رو به افزایش است، اما این حضور در حد انتظار نیست. وجود مسائل و مشکلات مالی مساجد و عدم تأمین بودجه برای پرداخت حق الزحمه نیروی انسانی مساجد، فراموش شدن بسیاری از کارکردهای مسجد، بسته بودن درهای مساجد در بیشتر ساعات شبانه روز، سخنرانی‌های طولانی و تکراری و کمبود روحانی برخی از دلایل کم رنگ شدن حضور جوانان در مسجد است.

یکی از دلایل عدم گرایش جوانان به مساجد، ضعف مدیریت مسجد است. ضعف مدیریت کادر اجرایی مساجد، آن‌ها را به نمازخانه‌هایی تبدیل کرده است و برخی نیز تعطیل شده‌اند. در سال 1384 در حدود 6 درصد مساجد سه نوبت نماز جماعت اقامه می‌شد. بسیاری از مساجد از جهت بهداشتی و نظافت ظاهری جاذبه‌ای برای جوانان ندارند. (عباسی و همکاران، 1391ص 39)

تقلیل کارکردهای مسجد یکی از دلایل بی‌رونقی مساجد است و جوانان و نوجوانان به همین دلیل کمتر به مسجد مراجعه می‌نمایند. آموزش و پرورش و آموزش عالی که متکفل آموزش شدند، این کارکرد مسجد به کارکرد جنبی تبدیل شد و فقط آموزش‌های غیررسمی به مسجد واگذار شد. فرهنگ سراها که در جاهایی جدا از مسجد ساخته می‌شوند، کارکردهای جنبی مسجد را نیز به بیرون و دور از مسجد منتقل کرده است. درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها، کارکرد درمانی مسجد را انجام می‌دهند و هتل‌ها و مسافرخانه‌ها، کارکرد پناهگاه و

استراحتگاه بودن مسجد را به عهده گرفته‌اند. در طول ساعات شبانه روز، در مساجد فقط در ساعات خاصی به روی مؤمنان باز است و در غیر این ساعات، مؤمنان نمی‌توانند وارد مسجد شوند. اگر به گونه‌ای برنامه ریزی شود که بسیاری از این کارکردهای محذوف، دوباره احیا شود و یا حداقل به کارکرد جنبی مسجد تبدیل شود، زمینه حضور اقشار و گروه‌های مختلف در مسجد فراهم خواهد شد. احیای این کارکردها بدون تأمین و تهیه تجهیزات و امکانات و سخت‌افزارهای لازم امکان ندارد.

امروزه بسیاری از فعالیت‌های جنبی در داخل یا در جنب مساجد ایجاد شده است؛ اما به علت ضعف امکانات و تجهیزات، این فعالیت‌ها به خوبی انجام نمی‌شود و دارای تأثیرات و پیامدهای مورد انتظار نیست.

برای اینکه یک مسجد فعال داشته باشیم، ابتدا باید علل کاهش فعالیت‌های مساجد را بررسی کنیم و ببینیم مساجد خوب دارای چه ویژگی‌هایی هستند. عوامل مختلفی از جمله برنامه‌ها، نیروی انسانی، سخت‌افزار و تجهیزات موجود در مساجد می‌تواند در جذاب سازی مساجد مؤثر باشد. در این پژوهش

درصد دیدیم تا مشخص کنیم چه تجهیزاتی و سخت افزارهایی برای جذاب سازی مساجد مورد نیاز است که در صورت وجود نداشتن آن ها مساجد از رونق می افتند و اگر مساجد به این سخت افزار تجهیز شوند، فعال و پررونق خواهند شد؛ بنابراین سؤال اصلی ما در این مقاله این است: تجهیزات و سخت افزارهایی که در جذاب سازی مساجد مؤثرند کدام اند؟ هدف اصلی این مقاله، معرفی تجهیزات و سخت افزارهای جذاب کننده مسجد است. برای دست یابی به این هدف کلی باید به پرسش های فرعی زیر پاسخ داد:

1- موانعی که باعث عدم جذب جوانان به مسجد شده است، کدام اند؟

2- برای تنوع بخشی به فعالیت های مساجد متناسب با ویژگی ها و روحیه جوانان، چه امکانات، تجهیزات و سخت افزارهایی باید در مساجد تأمین شود؟

برای پاسخ به سؤال تحقیق، از روش مشاهده مستقیم و غیرمستقیم اسنادی (کتابخانه ای) استفاده شده است. در روش مشاهده مستقیم، بسیاری از مساجد قم مورد مشاهده قرار گرفت و امکانات و تجهیزات موجود در آن ها فهرست گردید و در روش کتابخانه ای، به کتب و مقالاتی که درباره مسجد نوشته شده است، مراجعه شده و ضمن شناسایی موانع و عوامل حوزه سخت افزاری که مانع جذب جوانان به مسجد می شود، تجهیزات و سخت افزارهای موجود و مورد نیاز نیز تشخیص داده شده اند.

پیشینه تحقیق

تاکنون درباره این که مسجد چه امکانات و تجهیزاتی نیاز دارد، کار مستقلی صورت نگرفته است. در بسیاری از تحقیقات مرتبط با مسجد و راه های فعال سازی آن، به برخی از امکانات و تجهیزات اشاره شده است. موسی هنرپیشه 20 راهکار برای جذاب سازی مساجد برشمرده است از جمله زیبایی معماری و نظافت

مسجد و محراب، عطر زدن مؤمنان و خوش بو شدن نمازگزاران، طراحی مراکزی برای بازی کودکان در کنار مساجد جامع و محل برگزاری نماز، اعلان اخبار مهم (بیان اطلاعیه های دهداری، شهرداری و سایر ادارات) در مساجد، فعال سازی تابلو اعلانات مسجد در دو بخش خواهران و برادران، برگزاری کلاس های قرآن و تقویتی درسی و کنکور در مسجد، نصب برنامه های مذهبی روی موبایل نمازگزاران، چندمنظوره کردن مساجد. (هنرپیشه، 1394)

نقره کار در سال 1393 مقاله ای تحت عنوان «ارزیابی و نقد طرح و ساختمان جدید مسجد ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در مجاورت تئاتر شهر تهران»، فضاهایی را که در این مسجد طراحی و پیش بینی شده، معرفی نموده است. «این مسجد و مجموعه فرهنگی آن در مقیاس یک مسجد جامع طراحی شده است. فضای سبز این

مسجد، پارک دانشجو است. دارای سه طبقه پارکینگ در زیرزمین است. شبستان آقایان و بانوان در دو طبقه طراحی شده است. دارای چهار طبقه مجموعه فرهنگی- خدماتی است. طبقه همکف به صورت پیلوت با مبلمان آزاد و سیار برای برگزاری نمایشگاه های متنوع و در عین حال در مراسم خاص برای گسترش شبستان در نظر گرفته شده است. کتابخانه در طبقه اول و کلاس های آموزشی در طبقه دوم و سالن اجتماعات و مراسم در طبقه سوم این مجموعه پیش بینی شده است. بین شبستان و مجموعه فرهنگی-خدماتی، یک حیاط نسبتاً بزرگی پیش بینی شد تا مزاحمت های همجواری شبستان و فضاهای فرهنگی-خدماتی به حداقل برسد. در طبقه منهای یک، فضای مناسبی برای فعالیت های بسیج و در زیر مجموعه فرهنگی-خدماتی و حیاط سالن پذیرایی و آشپزخانه، چند واحد تجاری، وضوخانه و سرویس های بهداشتی طراحی شد. شبستان دارای سه در ورودی بود. سر درب مسجد، مناره ها و گنبد خانه مسجد هم که بیانگر عبادتگاه بودن فضا است، طراحی شد.» (نقره کار، 1393ص 26-28)

محرمی در کتاب نقش مسجد در جامعه اسلامی از آغاز تا عصر عباسیان، تأسیسات عمومی مساجد صدر اسلام را شامل منبر، محراب، مقصوره، فرش، چراغ، کتابخانه، وضوخانه می داند. (محرمی، 1379ص 50-57)

حسینی زاده مهرجردی و میرنژاد در سال 1393 در مقاله ای به تبیین جایگاه مسجد جامع یزد در ایجاد حس مکان و هویت به فضای کالبدی شهر پرداخته اند و بیان کرده اند که در گذشته مفهوم شهر اسلامی و هویت کالبدی و بصری آن، با وجود مسجد جامع تحقق می یافت و به نمایش گذاشته می شد؛ اما امروزه سیمای بیرونی و کالبد شهر، انعکاس دهنده هویت ساکنان آن نیست و این عنصر هویت بخش دیگر در شهرهای جدید دیده نمی شود؛ اما مسجد جامع کبیر یزد همچنان به عنوان یک نماد مادی و معنوی و هویت بخش به کالبد شهر یزد، مورد توجه است. (حسینی زاده مهرجردی و میرنژاد، 1394ص 127)

مرکز امور مساجد در کتاب فروغ مسجد 7، مجموعه رهنمودهای مراجع تقلید، سخنرانی ها و مقالات ششمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد را گردآوری نموده است. در این مجموعه، جداسازی خدمات و کارکردهای مسجد، به عنوان علل رغبتی بسیاری از جوانان به مسجد ذکر شده است. با واگذاری هر کارکرد و نقش مسجد به سازمان ها و نهادهای دیگر، از تعداد مخاطبان مسجد کاسته می شود و به همان میزان مسجد نیز از رونق می افتد. در بخش مراسم مساجد معمولاً برای بچه ها و کودکان زیر 7 سال و بالای 7 ساله هیچ برنامه ریزی نشده است که خانواده ها بچه هایشان را بدهند و بروند سراغ برنامه های مسجد و بعد بیایند بچه هایشان را بگیرند و بروند. (مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1389ص 102)

به عقیده جعفری نیز از دست دادن کارکردهای مسجد یکی از دلایل بی رونقی مساجد است. مساجد نه تنها مرکزیت ارتباطی سابق را تا حدود زیادی ازدست داده اند، بلکه در مواردی مراکز فرهنگی جامعه اسلامی نیز محسوب نمی شوند. تأسیس، تقویت و تحرک سایر نهادهای اجتماعی پس از انقلاب اسلامی در تقلیل محوریت ارتباطی مساجد به محوریت فرهنگ آن ها مؤثر بوده است. در مواردی هم شاهد محوریت فرهنگی آن ها نیستیم. مساجدی هم وجود دارند که در عین قابلیت های ارتباطی بالا، از تأثیرگذاری فرهنگی محدودی برخوردارند. به عبارتی مساجدی داریم که قبل از اینکه قابلیت های محتوایی پیام در آن ها فراهم شده باشد، به مرکز تجمع افراد بسیار زیادی تبدیل شده اند. این پدیده بسیار عجیبی است. (جعفری، 1389ص 126)

نوری ها در کتاب چگونه مساجد را از غربت درآوریم؟ نداشتن پارکینگ، نبود فضای مناسب، مناسب نبودن نور، نبود فضای سبز در مسجد، نبود سکوت و آرامش در مسجد و کثیف بودن فرش ها را از عوامل مربوط به سخت افزار مساجد می داند که در بی رونق بودن و عدم تمایل جوانان برای حضور در مساجد مؤثر هستند. (نوری ها، 1383ص 30-41)

در تحقیق میرجلیلی علل بی رونق شدن مساجد و عدم رغبت جوانان برای مراجعه به مسجد را علاوه بر مسائل و درگیری های سیاسی و جناحی در مسجد، کمبود امکانات، عدم استفاده از رسانه فرهنگی، تبلیغات دینی سنتی بدون توجه به فناوری مدرن، بلندی صدای بلندگو، امن نبودن خیابان ها برای دختران، پارکینگ نداشتن مساجد، نبودن مکان مناسب برای نمازخواندن زنان، جدا و مستقل نبودن ورودی زنان و مردان گزارش کرده است. (میرجلیلی، 1389ص 614)

نوبهار در کتاب سیمای مسجد یکی از زمینه هایی را که سبب بی رونق شدن و عدم جذابیت مساجد می گردد، نصب تصاویر و تابلوهای اضافی و متعدد می داند که فضای شلوغی را در مسجد به نمایش می گذارد. وی می افزاید: شلوغ بودن و درهم و برهم بودن سالن یا شبستان مسجد از اشیاء اضافی مانند قاب عکس از جذابیت مسجد می کاهد. (نوبهار، 1373ص 240)

موظف رستمی در کتاب روش های جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و نماز جماعت یکی از موانع جذب جوانان به مساجد را عوامل سخت افزاری و فیزیکی می داند. او معتقد است که در کشور ما سیاست مدون و مشخصی در زمینه ساخت مسجد و نیز معیاری در خصوص اندازه و مساحت مسجد وجود ندارد. در بعضی محلات پرجمعیت، مساجدی با فضای کوچک و در برخی مناطق کم جمعیت، مساجد بزرگی ساخته شده است. در یک منطقه محدود چند مسجد ساخته شده است و در برخی محدوده های بسیار

بزرگ، هیچ مسجدی وجود ندارد. همچنین ساختن مسجد در محیط های آلوده از نظر محیطی و هم از نظر اخلاقی و ارزشی، عدم طراحی و نصب تجهیزات زیبا و پاکیزه در ساخت مساجد، دایر نبودن سرویس های بهداشتی، مجهز نبودن سرویس های بهداشتی مساجد به صابون یا مایع دستشویی و حتی دستمال کاغذی، عدم رعایت دقیق امور بهداشتی و نظافت سیستم های بهداشتی مسجد، وضوخانه، آبدارخانه، سرویس آشپزخانه، نداشتن کفشداری مناسب، نزدیک بودن دستشویی ها به شبستان مسجد و ایجاد بوی نامطبوع، بدبو بودن فرش های مسجد به دلیل عرق پا، نبود تأسیسات برودتی و حرارتی پیشرفته و مناسب با محیط جغرافیایی، مقاوم نبودن مساجد در برابر حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله و طوفان، نبود فضای مناسبی برای نصب اعلامیه و نوشتن آیات قرآن و احادیث، عدم استفاده یا استفاده اندک از معماری و هنر اصیل اسلامی و بومی در ساخت وساز مساجد، نبود مهد کودک و حسینیه در کنار مساجد، فرسوده و کهنه بودن بافت مساجد، فراهم نشدن تمهیدات لازم برای بهره مندی جانبازان و معلولان از فضای مسجد، عدم استفاده از رنگ های آرامش بخش همراه با طرح های تلفیقی معماری سنتی و جدید، عدم ایجاد فضای سبز، آب نما و چمن در حیاط مسجد و نمای بیرونی آن، نبود خانه عالم در جوار مسجد، نبود کتابخانه، قرائت خانه، کتب جدید و تازه منتشرشده، مجلات و روزنامه ها، جزوات کنکور، بسته بودن درب مساجد در بیشتر ساعات شبانه روز، نبود فضای مناسب آموزشی در مساجد، نبود پارکینگ، از جمله موانع جذب جوانان به مسجد محسوب می شوند. (موظف رستمی، 1385 ص 63-69)

الگوی پیشنهادی

مسجد جایگاه عبادت و پرستش و پایگاه تعلیم و تربیت و کانون هدایت افراد به صراط مستقیم الهی است. از این رو باید دارای ویژگی ها و جاذبه های خاصی باشد تا افراد را به سوی خود جذب کند و روح ایمان را در وجودشان تازگی بخشد.

در اسلام رکن اصلی تمامی فعالیت ها، خدامحور بودن آن هاست و به همین منظور، اسلام مساجد را کانون اصلی بسیاری از فعالیت ها قرار داده است. اگر در اسلام، مسجد، محلی برای مداوای مجروحان و مصدومان است، به این منظور است که سلامت روح مهم تر از سلامت جسم است. جسم زمانی مفید خواهد

بود که در راه رضای الهی قدم بردارد. اگر مسجد کانون آموزش بوده است، برای این منظور است که مهم ترین آموزش، شناخت خداوند و دستورات الهی است. سایر علوم در پرتو تعالیم اسلامی باید رشد و گسترش یابند. همچنین اگر مسجد، مکانی برای قضاوت شده است، به این منظور است که در صدور

احکام خداوند را شاهد و ناظر بر اعمال بدانند و احکام آن‌ها بر مبنای اصول و قوانین اسلامی باشد. به هر حال روح حاکم بر تمامی فعالیت‌ها باید عبادت خداوند متعال و معنویت باشد.

با واگذاری بسیاری از کارکردهای مسجد به سازمان‌ها و نهادهای مختلف و تأسیس و ساخت آن سازمان‌ها در فاصله‌های دور از مسجد، رنگ و بوی مذهبی نیز در فعالیت‌های آن‌ها کمتر شده است و خروجی و محصولات آن‌ها کمتر مبتنی بر اصول اسلامی است. لذا ما مسجدی را جذاب و تأثیرگذار و شوق‌آفرین می‌دانیم که ضمن داشتن کارکرد عبادی از کارکردهای متنوع دیگر نیز برخوردار باشد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری تأکید دارند، مساجد باید شوق‌آور و شوق‌آفرین باشند تا دل‌ها به آمدن به مساجد رغبت و شوق پیدا کند. (مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1389 ص 17-18)

مسجد فعال مسجدی است که علاوه بر حضور گسترده و چشمگیر مؤمنان و نمازگزاران در نماز جماعت، مراکز فرهنگی آن مثل کانون فرهنگی و هنری، پایگاه بسیج، تشکل‌های خواهران و کتابخانه آن فعال باشد و از برنامه‌های تبلیغی و آموزشی مناسبی برخوردار باشد. (حسینی، 1390)

وجود فضاهای فرهنگی و امکانات از قبیل کتابخانه و نوارخانه و ارائه خدمات آموزشی از عوامل مهمی است که در رونق و شکوفایی مسجد نقش دارند. مقام معظم رهبری ابزار تبلیغی، کتابخانه‌های مطلوب، روش‌های هنری برای تبلیغ مفاهیم دینی و تولید شوق به عبادت را از جاذبه‌های مساجد برمی‌شمارند. (مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1389 ص 17-18)

ویژگی‌های مسجد خوب و جذاب

مسجد و ویژگی‌های آن می‌تواند عامل جذابی برای جوانان و نوجوانان باشد. با توجه به ابزارها و شیوه‌های نوین فرهنگی، امروزه مساجد بدون امکانات و فعالیت‌های گوناگون و حساب شده نمی‌توانند با دیگر مراکز و ابزار به ظاهر فرهنگی رقابت کنند.

مسجدالنبی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را از لحاظ عملکردی می‌توان نمونه و الگوی مسجد خوب دانست این مسجد در نهایت سادگی و با استفاده از ساده‌ترین مصالح ساخته شده بود. باین حال، همین فضای ساده نیز برای عملکردهای گوناگونی استفاده می‌شد و هر فعالیت فضای مخصوص به خود را داشت. سادگی و بی‌پیرایگی این مسجد هرگز منجر به بی‌نظمی و تداخل عملکردها نشده بود. به جز دیوار نه‌چندان بلندی که دور زمین مسجد قرار داشت، بخشی از حیاط مسقف بود که برای عبادت و فعالیت‌های جانبی استفاده می‌شد.

مساجد در گذشته بسیار ساده ساخته می شدند. اولین مساجدی که در ایران ساخته شد، دارای گنبد بودند که با الگوگیری از مسجدالاقصی و همچنین با الگوگیری از آتشکده های دوره ساسانی ساخته شده اند. در ایران دوره ساسانی بیشتر آتشکده ها به صورت چهارطاقی و گنبددار مدور بودند و همین سبک در ساخت مساجد ایران به کار گرفته شد و سپس مناره بر آن افزوده شد. در کشورهای شمال آفریقا مساجد فاقد گنبد است و به صورت یک مناره ای ساخته می شود. مساجد قدیم تر در جهان عرب فاقد مناره هستند. مساجد در معماری ایران از سیر طراحی تکاملی برخوردارند. کاشی کاری سنتی از مهم ترین عناصر تزئینی مساجد ایرانی است.

در بنای مساجد کشور به ویژه مساجد تاریخی و مهم، اجزا و عناصری وجود دارد که هر یک از آن ها با توجه به جلوه های هنری که دارد، بسیاری از انسان ها را به خود جلب می نماید. بخش های اصلی بنای مساجد عبارت است از: سردر، آستانه، گنبد، بارو، گلدسته یا مناره، صحن، رواق، شبستان، محراب، کتیبه، نورگیر، در و پنجره.

سردر: به دروازه های بزرگ و مداخل اصلی ورود به مساجد، سردر می گویند. در سردر مساجد مهم، معمولاً سازه های ویژه ای ساخته می شود تا ورودی اصلی آن مجموعه را آسان یاب و برای همگان آشکار و نمایان سازد که به خود این سازه ها نیز سردر گفته می شود. معمولاً برای نهادهایی مانند مسجدهای مهم، سردرهای بزرگ ساخته می شوند.

آستانه: به در ورودی مسجد آستانه گفته می شود.

گنبد: سازه ای معماری شبیه نیم کره ای توخالی است که بر روی مرکز شبستان مسجد بنا می گردد.

بارو: شامل دیوار و حصار مسجد می شود.

محراب: طاق نمایی است که جهت قبله را در مسجد نشان می دهد که امام جماعت یا پیش نماز در اثنای نمازگزاردن در آن می ایستد. در مسجدها، محراب در وسط قبله مسجد قرار دارد. طرز قرارگرفتن محراب، جهت قبله را در داخل مسجد مشخص می کند. (رضاییان، بی تا، ص 127)

رواق: فضاهای سرپوشیده ی ستون دار است و یا از چشمه طاق هایی تشکیل یافته که در طرفین صحن یا میان سرای مسجد ساخته می شود. دهانه ی این گونه فضاها رو به صحن است و در ورودی مسجد را به شبستان متصل می کند.

شبستان: قسمتی از مسجدهای بزرگ است که دارای سقف است. شبستان ها فضاهای سرپوشیده و

دارای ستون های یک شکل و موازی اند که از یک طرف به صحن مسجد راه دارند.

کتیبه: به نوشته ای اطلاق می شود که روی سنگ یا کاشی در حاشیه سردر مساجد، اطراف محراب یا دورتادور مسجد نگارش می یابد.

نورگیر مسجد: اطراف شبستان و یا در دیوارهای گنبد، نورگیرهای زیبایی وجود دارد که به علت شدت و ضعف نور، طرح های بدیعی را به وجود می آورند. این پنجره ها که معمولاً در بغل ایوان ها نیز به وجود آمده اند و اصطلاحاً به آن ها پاچنگ می گویند، در اکثر مساجد قدیمی جزو عناصر مساجد هستند. نورگیرها از مصالح کاشی معرق، سنگ، آجر، کاشی و چوب ساخته می شوند و دارای نقوش اسلیمی (خطوط برگرفته از پیچک های گیاهی) یا هندسی هستند. در بعضی از مساجد قدیمی ایران نورگیرها از خشت خام هم با نقوش اسلیمی هستند و به علت وجود چند نور در آن ها، توجه همگان به آن معطوف می گردد.

عناصر تزئینی در معماری مساجد ایرانی یکی از موارد زیباسازی و جذاب کردن مسجد است. عمده ترین آرایه ها و عناصر تزئینی به کاررفته در مساجد، آجرکاری، گچ بری، کاشی کاری، خطاطی، گره و کادربندی، مقرنس، منبت کاری روی چوب و شیشه های رنگی، سفالگری، سنگ تراشی، آئینه کاری، خاتم کاری، سنگاب سازی، نگارگری، تذهیب، پرتوپردازی و آواپردازی است. (رضایی، 1382ص 326)

یکی از راه های استحکام پیوند جوانان با مساجد، زیبا ساختن مساجد و کانون های دینی است. مساجد از همان سردر تا درون مسجد (صحن، محراب، فضا، دیوارها) باید آراسته و پیراسته و جوان پسند باشد و از جاذبه های هنری و علمی در پیشانی مسجد استفاده شود. پاکیزگی، طراوت و زیبایی مسجد، در جذب جوانان بسیار مؤثر است. ساختمان مساجد هرچه زیباتر باشد، برای جوانان جذاب تر خواهد بود. هرچه جلوه های هنری در تزئین و زیبایی مساجد بیشتر وجود داشته باشد، جوانان که علاقه مند هنر و زیبایی هستند، بیشتر به مساجد تمایل پیدا می کنند.

فضای مناسب و ظاهر خوب

انتخاب محل احداث، نقشه مسجد، امکانات و فضای سبز آن و غیره باید حساب شده و از روی اصول باشد. ایجاد مسجد در کوچه و پس کوچه ها و با مساحت کم و بدون امکانات، رغبتی در دل جوانان به مسجد ایجاد نمی کند. (سورانی، ص 358)

پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و اله در این خصوص می فرمایند: کسی که به نیکی مساجد خدا را آباد کند، ثوابش از جانب خداوند بهشت است. (حر عاملی، بی تا، 507)

برای تلطیف هوا، ایجاد سایه و جاذبه، بخشی از زمین را می توان به عنوان باغچه و برای درخت کاری اختصاص داد. باغچه و محلی که در آن درخت کاری شده حکم مسجد را ندارد. (دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1385ص 143)

امروزه در بافت شهری، از خانه باغ ها به خصوص در طبقات پایین و متوسط جامعه که طیف مسجدی را هم تشکیل می دهند، خبری نیست. کودک و نوجوان و جوان در یک محاصره آپارتمانی به دوران تفریحات لازم محدود گردیده اند. لذا شوق بازی در فضای سبز زیبا و دلپذیر و گلگشت در کنار آب نماهای مسجد، می تواند با بلند شدن نغمه دلکش اذان از مأذنه مساجد، جذب و اشتیاق آنان را نسبت به مسجدروی شعله ور نموده و حتی پدران و مادران را الزاماً به سوی مسجد بکشاند و این خود از زمینه ها پیوند مسجد و خانه به شمار می رود. (رهبری، 1385ص 202)

ورودی مسجد باید به گونه ای باشد که دسترسی به آن برای زنان و مردان راحت باشد و همچنین محلی برای عبور معلولان و جانبازان قطع نخاعی وجود داشته باشد که با ویلچر حرکت می کنند.

همچنین در مساجد سنتی با ایجاد فضایی خارج از مسجد جهت وضو و نظافت، کاربران را برای ورود به مسجد آماده می کردند. این روش نیز همراه سنن دیگر پیامبر با ورود اسلام در ایران برای ساختن مسجد به کار رفت. بر همین مبنا در ایران زمین، از روزگاران کهن در پیش نیایشگاه و بیرون از آنجایی برای شست و شو فراهم می کردند تا مؤمنان نمازگزار پیش از آنکه به عبادتگاه وارد شوند، پلیدی ها را از خود بزایند و با شستن اندام و سر و تن و پوشیدن جامه ی پاکیزه آماده ی نیایش شوند. (پیرنیا، 1387، ص 11)

از نظر جوانان یک مسجد مطلوب علاوه بر برنامه های مذهبی، سیاسی و آموزشی باید دارای امکانات تفریحی، ورزشی، اقتصادی، پایگاه بسیج، امکانات فرهنگی، بهداشتی، سالن بازی کودکان، سالن مراسم و استراحتگاه باشد. (میرجلیلی، 1389، ص 608)

فضاها و ساختمان های مورد نیاز در مجموعه مسجد

اشاره

برای اینکه مسجد دارای کارکردهای متنوع و مختلف باشد، ضرورت دارد که به صورت مجموعه ای ساخته شود و برای هر کارکردی که از مسجد انتظار می رود، فضای مناسب نیز در نظر گرفته شود. یک مسجد فعال با کارکردهای مختلف به فضاهایی همچون شبستان مسجد برای اقامه نماز جماعت و برگزاری مراسم و مناسک مذهبی، فضاهای اداری مسجد مثل دفتر امام جماعت، دفتر هیئت امناء و حسابداری مسجد، دفتر بسیج برادران و خواهران، فضاهای خدماتی نظیر سقاخانه، صندوق قرض الحسنه،

دفتر رسیدگی به امور نیازمندان و ایتم، دفاتر مراکز کمک‌رسانی (کمیته امداد و هلال احمر)، شورای حل اختلاف، خانه امام جماعت، خانه خادم، یادمان شهدا و انقلاب (جهت زنده نگه داشتن پیام جاوید عاشورای حسینی و نمادهای پیروزی انقلاب اسلامی

و جانبازی شهدا و ایثارگران)، مجموعه فرهنگی-آموزشی، کتابخانه و بانک اطلاعات رایانه ای (وب سایت)، کارگاه های هنری، سالن چندمنظوره (برای سخنرانی، سمینار، مسابقات، نمایش فیلم)، ویدیوکلوپ و سرگرمی های رایانه ای، پارکینگ، چایخانه و رستوران، تالار برای برگزاری جشن ها و سوگواری ها، باشگاه ورزش های سبک رزمی و بدن سازی، سرویس های بهداشتی، تأسیساتی و پناهگاهی و امنیتی، فروشگاه و مغازه برای تأمین هزینه ها و مخارج مسجد نیاز دارد. (نقره کار، 1393، ص 24-25)

شبستان مناسب

شبستان مهم ترین فضای مسجد، محل برگزاری نماز و انجام عبادت، به قلب مسجد تشبیه شده است. مراسم آیینی همچون مراسم عزاداری، سوگواری، دعا و نیایش در ایام ویژه در شبستان مساجد برگزار می شود. اندازه شبستان در مساجد، بر مبنای نوع و جمعیت استفاده کننده آن متفاوت ساخته می شود. برای ساخت شبستان باید به نکات ذیل توجه کرد:

" باید به افزایش جمعیت منطقه در سال های آینده توجه کرد و اندازه آن را بیش از نیاز کنونی در نظر گرفت.

" باید یک شبستان اضطراری در اندازه کوچک در نظر گرفته شود تا وقتی که مرامی برپاست یا وقتی درب شبستان اصلی بسته است، مردم بتوانند نماز خود را در آنجا بخوانند.

" گنبد مسجد بر بالای سقف شبستان بنا گردد.

" برای تعبیه نور داخل شبستان، از پنجره هایی که بر روی دیوار یا ساقه گنبد قرار داده می شود و یا از سقف به صورت سراسر استفاده گردد.

" منبر و محراب در قسمت جلوی شبستان قرار داده شود.

" در داخل شبستان و به خصوص قسمت محراب و فضای اطراف آن از عناصر تزئینی مانند کاشی کاری، گچ بری، آجرکاری و کتیبه نویسی استفاده شود.

" شبستان زنانه و مردانه از هم جدا باشند. برای جداسازی این دو قسمت می توان از پرده یا پارتیشن استفاده نمود. ورودی شبستان زنانه و مردانه نیز باید مستقل و جدا باشد.

* فضای داخل شبستان زنانه باید چنان طراحی شود که بانوان بتوانند در آنجا کاملاً راحت و آزاد باشند.

* امکانات سرمایشی و گرمایشی و صوتی و تصویری در آنجا قابل دسترسی و استفاده باشد (دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1385، ص 172-173)

اگر شبستان زنانه در نیم طبقه بالای شبستان مردانه قرار دارد، علاوه بر داشتن پله های استاندارد و تجهیز پله ها به نرده برای جلوگیری از سقوط کودکان و زنان، بهتر است برای رفت و آمد زنان مسن و خانم های باردار از آسانسور یا پله برقی استفاده شود.

حسینیه

یکی از فضاهایی که هر مسجد نیاز دارد حسینیه است. با توجه به اینکه زنان در ایام خاصی نمی توانند وارد مسجد شوند، ضرورت دارد در کنار هر مسجد یک حسینیه ایجاد شود و به تجهیزات مسجد نیز مجهز گردد تا زمینه بهره مندی زنان را از برنامه های مسجد فراهم نماید.

منبر

منبر میز خطابه مسجد محسوب می شده است و در همه کارکردهای مسجد نقش داشته است. منبر گرچه ابتدا برای ایراد خطبه مورد استفاده بود، ولی بعدها در همه زمینه ها از آن استفاده شد. به طوری که مبلغان بر آن تبلیغ دین می کردند، واعظان بر روی آن مردم را اندرز می دادند، علما از آن احکام دین را بیان می نمودند و معلمان با نشستن بر آن تدریس می نمودند. قاضیان بر آن نشسته و حکم صادر می نمودند و حاکمان و خلفا برای مردم پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی سخن می گفتند. فرمان های حکومتی و اخبار مهم جامع از طریق منبر به اطلاع عموم می رسید و از این رو ابزار اطلاع رسانی آن زمان به شمار می آمد. حاکمان و کارگزاران حکومتی نیز از طریق منبر به اعتراضات مردمی پاسخ می دادند. (واشقانی فراهانی، 1391، ص 58-59)

در حال حاضر همه مساجد دارای منبر هستند. این منابر در مساجد مختلف با سایزها مختلف و از موادی مثل چوب، آهن، MDF ساخته شده است. با توجه به روحیه نوگرایی جوانان منبر مساجد باید به فناوری پیشرفته روز مجهز باشد. هر منبر باید به ویدیو پروژکتور متصل باشد تا همزمان با سخنرانی واعظ، اطلاعات به صورت متن، فیلم یا عکس به نمایش گذاشته شود. رنگ منبر نیز باید شاد و جوان پسند باشد.

بر اساس آیه 69 سوره بقره، رنگ زرد شادترین رنگ ها است. «إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ».

فرش مسجد

یکی از مواردی که در جذب مخاطب به مساجد مؤثر است، وجود فرش هایی ساده و یک رنگ و در عین حال به راحتی قابل جابه جایی و شستشو است. در بسیاری از مساجد، فرش هایی با طرح سجاده وجود دارد که در عین زیبایی، برای هر محیطی قابل استفاده است.

امکانات و تجهیزات نماز جماعت

یکی از ابزارهای لازم برای تعیین اوقات شرعی در مساجد، ساعت است. پیامبر در مسجدالنبی دیواری را ساخت که بر مبنای سایه آن اوقات پنج گانه نماز و سایر اوقات شرعی تعیین می شد. (مهدوی نژاد و مشایخی، 1389ص 73)

برای اقامه نماز جماعت در مسجد وجود مهر، جامه‌ری، سجاده و تسیح ضروری است. مهرهای مسجد همواره باید تمیز و قابل استفاده باشد. هر چه مهرهای داخل مسجد تمیزتر باشد، انگیزه مخاطبان برای شرکت در نماز جماعت بیشتر خواهد بود. برای افرادی که توان ایستادن ندارند و مجبورند که نماز خود را نشسته بخوانند، وجود صندلی های مخصوص نماز مناسب است. همچنین تعدادی عبا برای نمازگزاران می تواند مفید باشد.

در بخش خواهان علاوه بر امکانات فوق ضروری است که تعدادی چادر نماز در نظر گرفته شود.

در بسیاری از مساجد تابلوهایی وجود دارد که مشخص می کند که امام جماعت در حال اقامه نماز اول است یا دوم و با توجه به اینکه کدام تابلو روشن است، مأمومین می دانند که امام الآن مشغول خواندن چه نمازی است.

امکانات و تجهیزات قرائت قرآن

یکی از فعالیت هایی که در تمامی مساجد انجام می شود، قرائت قرآن و ادعیه و زیارت نامه است. برای این منظور، تجهیزاتی چون وسایل صوتی، قرآن، رحل، کتب ادعیه و مفاتیح الجنان مورد نیاز است. هم چنین لازم است قفسه های کتابخانه ای برای قرار گرفتن قرآن و کتب ادعیه در آن ها، در مسجد وجود داشته باشد.

پیامبر صلی الله علیه و اله می فرمایند «هر کس مسجدی را جاروب کند، خداوند برای او پاداش آزاد کردن یک بنده را می نویسد و کسی که خاشاکی را از مسجد خارج کند، خداوند برای او بهره و نصیبی دوچندان از رحمتش قرار می دهد.» (حر عاملی، ص 511)

تمیزی و پاک بودن از جمله عواملی است که باعث جذب جوانان به مسجد می شود؛ بنابراین غبارروبی و نظافت مسجد و همچنین نظافت سایر امکانات رفاهی مسجد مثل سرویس های بهداشتی از ضروریات مساجد است. (رضایی، 1382 ص 235) برای نظافت مساجد وجود جاروی دستی و برقی و سطل زباله الزامی است. همچنین بخارشو وسیله مناسبی برای نظافت دیوارها و پرده های کف و شیشه و کاشی های مسجد است. هرچه مسجد تمیزتر باشد، جوانان رغبت و تمایل بیشتری برای آمدن و بیشتر ماندن در مسجد خواهند داشت.

خوش بویی مساجد یکی از عوامل جذب جوانان به مسجد خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: خداوند خوش بو است و خوش بویی را دوست دارد. از این رو یکی از آداب قابل توجه در مسجد خوش بو کردن مسجد است (نهج الفصاحه، به نقل از دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1385، ص 142) پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید مساجد خود را جمعه ها خوش بو کنید. حضرت علی علیه السلام به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند «مساجد خود را هر هفته خوش بو کنید.» (نوری طبرسی، 1407، ص 381)

بنابراین نصب دستگاه های خوش بوکننده اتوماتیک هوا در مساجد در معطر سازی فضای مسجد و جذب جوانان به مسجد می تواند مؤثر باشد. معمولاً در مراسم مذهبی که در مساجد برگزار می شود، با گلاب فضا را خوش بو می نمایند. لذا شایسته است که مساجد به گلاب پاش مجهز گردد. برای جذاب سازی مساجد می توان رایحه مورد علاقه جوانان محل را سنجش کرد و متناسب با رایحه مورد علاقه آن ها، فضا را معطر نمود.

همچنین با نصب دستگاه های پشه کش برقی می توان مخاطبان را از شر حشرات موذی، رهایی بخشید. با استفاده از پرده هوا در ورودی های مساجد، می توان مانع ورود هرگونه حشره به داخل مسجد شد. معمول ترین شکل پرده هوا، یک فن رو به پایین است که بالای سردر مسجد نصب می شود.

پرده هوا برای ذخیره سازی انرژی از طریق کنترل انتقال هوا از بیرون به داخل و بالعکس، جلوگیری از تبادل هوای بیرون و داخل با یکدیگر، ایجاد یک محیط سالم تر و راحت تر به دلیل نگره داشتن حشرات موذی در بیرون و افزایش فضای مورد استفاده در نزدیکی محوطه درها به کار می رود؛ اگرچه دری که

خیلی خوب پوشیده و عایق بندی شده باشد، مؤثرتر خواهد بود؛ حتی از ترکیب این دو هم می شود استفاده کرد؛ بدین گونه که وقتی در باز است، پرده هوا روشن می شود و جریان هوا از داخل به خارج و بالعکس به حداقل می رسد.

یکی از تجهیزاتی که در زمینه نظافت مساجد نیاز است، وجود جاکفشی در مساجد است تا مخاطبان کفش های خود به داخل مسجد نبرند. در حال حاضر در اکثر مساجد کیسه های پارچه ای و پلاستیکی را در جلو وردی مساجد قرار داده اند که هم نمای ظاهری مسجد را به هم ریخته و هم خود این کیسه ها در اثر استفاده مکرر، کثیف تر از کفش ها هستند. لذا پیشنهاد می شود که هر مسجد مجهز به سیستم کفشداری گردد.

وضوخانه مسجد

یکی از مستحبات مربوط به معماری مسجد این است که وضوخانه آن را در کنار در ورودی بسازند. این کار سبب می شود که هم مسجد در معرض نجس شدن قرار نگیرد و هم نمازگزاران از بوی بد محل تطهیر اذیت نشوند. وضوخانه باید در فضاهای جانبی که عنوان مسجد ندارد، ساخته شود. (دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1385، ص 308)

یکی از امکاناتی که کنار مسجد نیاز است، دستشویی و وضوخانه است که باید مجهز به آب گرم و امکانات بهداشتی مثل صابون، مایع دستشویی، مایع ضد عفونی کننده، دستمال توالت و خوش بوکننده و خشک کننده برقی باشد و مرتب و منظم، تمیز و نظافت شود.

همچنین وجود حمام در کنار مساجد به ویژه مساجد بین راهی بسیار ضروری است؛ تا اگر احیاناً کسی مسافر بود و احتیاج به حمام داشت، مشکلی برای ورود به مسجد نداشته باشد. همچنین وجود حمام سبب می شود که بسیاری از مسافران برای استفاده از حمام، محل استراحت خود را کنار مسجد قرار دهند و در مدت حضور در محل از برنامه های مسجد نیز بهره مند شوند.

امکانات و تجهیزات آموزشی

یکی از راه های جذب جوانان به مساجد، ایجاد کتابخانه و قرائت خانه در مجموعه مسجد است. با توجه به این که یکی از کارکردهای مهم مساجد در طول تاریخ، کارکرد آموزشی بوده است، برای فعال سازی و جذاب سازی مدارس در این حوزه لازم است که تجهیزات و امکانات آموزشی به ویژه فناوری و رسانه های

نوین آموزشی نیز در مساجد تدارک دیده شود. در هر جریان ارتباطی، رسانه مناسب، سهم عمده ای در تسهیل انتقال پیام بین فرستنده و گیرنده دارد. رسانه آموزشی به عوامل، وسایل یا ابزاری گفته می شود که به خودی خود قادر به انتقال و رسانندگی پیام آموزشی هستند. وسایل کمک آموزشی اشیا، وسایل و ابزاری هستند که به فرایند آموزش و تدریس کمک می کنند و تنها در بخشی از آموزش از آن ها استفاده می شود.

آگاهی از نوع و طبقه بندی رسانه های آموزشی به انتخاب مناسب آن ها کمک می کند. یکی از طبقه بندی های نوین در این زمینه تقسیم رسانه ها به دیداری، شنیداری، دیداری- شنیداری و چند حسی است که در جدول زیر ویژگی های این طبقه بندی آمده است.

جدول (1): انواع رسانه های آموزشی

انواع رسانه	زیرگروه	توضیحات	
دیداری	نوشتاری	کتاب، روزنامه، مجله، اسناد و مواد تکثیر شده	
	غیر نوشتاری	تابلویی	گچی، ماژیکی، پارچه ای، مغناطیسی، الکتریکی و تابلوی اعلانات
		تصویری مات	طراحی و نقاشی، کاریکاتور، طرح خطی، نمودار، جدول، نقشه، پوستر، نشریه دیواری، عکس و پروژکتور اوپک
		تصویری شفاف	میکروفورم ها، تلق شفاف و بالاتاب، اسلاید و پروژکتور اسلاید، فیلم استریپ و پروژکتور فیلم استریپ
شنیداری		بیان مربی، رادیو، صفحه های شنیداری معمولی و لیزری، تلفن، نوارهای شنیداری، ضبط صوت	
دیداری- شنیداری	ساکن	کتاب، نوار یا cd شنیداری، مجموعه عکس و نوار یا cd شنیداری، مجموعه اسلاید یا فیلم استریپ ناطق	
	متحرک	فیلم متحرک، برنامه های تلویزیونی، ویدیو و ویدیوپروژکتور، رایانه و دیتاپروژکتور، ویدیو میجر (ویژوالایزر)	
چندحسی	سه بعدی	شیء واقعی، مدل، ماکت، میزشنی و منظره سه بعدی	
	موقعیت های یاددهی - یادگیری	شبیه سازی ها، بازی های آموزشی، آزمایشگاه زبان، گردش های علمی، اردوها و بازدید از اماکن	
	مجموعه ای از چند رسانه	برنامه چنداسلایدی، نمایش فیلم و اسلاید همزمان و بسته های آموزشی	

رسانه های مذکور بر اساس معیارهایی همچون همخوانی با هدف، محتوا، شیوه آموزشی، توانایی انتقال پیام مورد نظر، انطباق با ویژگی های مخاطب، شیوه آموزشی، موضوع آموزشی و شرایط و امکانات مالی (بودجه) انتخاب می شوند. (خاقانی زاده و شکراللهی، 1388، ص 129-130)

وسایل صوتی

مناسب بودن صوت در مسجد یکی از زمینه ها و عوامل جذب و نگهداری جوانان در مسجد است. بلند بودن صدا، قطع و وصل شدن صدای بلندگوها، پارازیت و خش داشتن صدا، برای مخاطب و کسانی که وارد مسجد می شوند، تنفر ایجاد می کند و سابقه ذهنی منفی از مسجد را در اذهان باقی می گذارد.

برای گفتن اذان، برگزاری مراسم دعا و زیارت، سخنرانی، پرسش و پاسخ، فعالیت آموزشی به دستگاه صوتی نیاز است. برخی از فعالیت ها مثل سخنرانی و عزاداری، نیاز به دستگاه صوتی ثابت دارد. برخی از فعالیت ها مثل جلسه قرائت دعا، جلسه پرسش و پاسخ به دستگاه صوتی ثابت و سیار نیاز است. امام جماعت برای اقامه نماز به سیستم صوتی که قابل نصب روی لباس باشد نیاز دارد.

سیستم صوتی و تصویری

یکی از تجهیزات مورد نیاز هر مسجد، رادیوضبط است. از طریق این وسیله هم می توان اذان رادیو را پخش کرد و هم می توان با استفاده از نوارهای مذهبی، مقدمات حضور مردم به ویژه جوانان را در مسجد فراهم نمود.

در حال حاضر با توجه به گسترش فناوری آموزشی، بسیاری از فعالیت های آموزشی در مساجد از طریق ویدیو پروجکشن امکان پذیر است. بسیاری از مساجد در حال حاضر به این تجهیزات مجهز شده اند. استفاده روحانیون و مربیان از ویدیو پروجکشن برای انتقال مطالب به جوانان بسیار تأثیر گذار خواهد بود و این تجهیزات صوتی و تصویری ابزار کمک تبلیغی و کمک آموزشی تلقی می شوند.

استفاده از تلویزیون مدار بسته در مساجد برای بهره مندی بیشتر خواهران از مطالبی که توسط سخنران بیان می شود، بسیار ضروری و مفید خواهد بود. همچنین در مساجدی که جمعیت زیاد است و امکان مشاهده مستقیم سخنران توسط مخاطب وجود ندارد، این ابزار بسیار مفید خواهد بود.

از طریق دستگاه های مدار بسته، می توان انواع برنامه ها فرهنگی را برای مخاطبان اجرا نمود. وجود یک دستگاه cd یا DVD و یک دستگاه تلویزیون در مساجد ضروری است. در ساعاتی که هنوز برنامه به صورت

رسمی آغاز نشده است، از طریق این تجهیزات می توان پاورپوینت هایی با محتواهای دینی و مذهبی و متناسب با نیاز جوانان به نمایش گذاشت و این خود می تواند زمینه جذب بیشتر جوانان به مسجد گردد.

همچنین با استفاده از چند دستگاه تلویزیون LCD یا LED یا سینما خانواده در مساجد (البته متناسب با فضای مساجد، اندازه آن ها متفاوت خواهد بود) می توان با برنامه ریزی مناسب، بسیاری از تصاویر و تابلوهایی را که در مسجد وجود دارد، حذف نمود و در زمان مناسب، این دستگاه می تواند کار تابلوها و عکس را انجام دهد. همان طوری که فعال سازی تابلو اعلانات مساجد در بخش خواهران و برادران را یکی از راه های جذاب سازی مسجد می دانند. (هنرپیشه، 1394) می توان با اطلاع رسانی اخبار مختلف کشور و منطقه و ارسال پیام های دلخواه از طریق دستگاه های الکترونیک مذکور، آن ها را جایگزین تابلوهای اعلانات مساجد نمود و مساجد را از طریق حذف کاغذهایی با اندازه ها و رنگ ها و خطوط مختلف زینت بخشید.

نور

تنظیم نور کافی در مسجد از اهم مسائل جذب مخاطب است. روشن ساختن مسجد به صورت گذاشتن، آویختن یا فروختن ابزار روشنایی در شبانگاهان، برای زدودن حالت تاریکی و ظلمانی از مسجد، از آداب مسجد است.

رسول اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند: «هرکس در مسجدی از مساجد خدا چراغی افروزد، پیوسته فرشتگان الهی و حاملان عرش تا هنگامی که آن چراغ روشنایی دارد، برای او طلب آمرزش کنند.» (شیخ صدوق، 1413 ص 341)

همچنین پیامبر صلی الله علیه و اله می فرمایند: «هر کس دوست دارد قبرش تاریک نباشد، مساجد را نورانی سازد.» (نوری طبرسی، 1407، ص 385)

در تنظیم نور مساجد می توان از لامپ و مهتابی های کم مصرف استفاده نمود و ضمن هدر ندادن انرژی، روشنایی مناسبی را برای مساجد فراهم نمود. یکی از مواردی که در اغلب مساجد کشور شیوع دارد، استفاده از لوسترهای گران قیمت و تزئینی است. این لوسترهای تزئینی را می توان با لامپ های کم مصرف فعال نمود. هرچند که پیشنهاد نویسنده در این زمینه سادگی هر چه بیشتر مساجد و حذف این گونه لوسترها از مساجد

است. مسجد هر چه ساده تر باشد، از جذابیت و معنویت بیشتری برخوردار خواهد بود. استفاده از نور سبز نیز در مسجد فضای معنوی بیشتری را ایجاد می نماید.

همچنین برای تأمین نور مسجد، باید مسجد دارای برق اضطراری باشد که در زمانی که برق سراسری قطع شد، بتوان روشنایی مسجد را تأمین نمود.

برای تعویض لامپ ها، تابلوها و یا نصب و حذف لوازم تزئینی و نمادهای عزای داخل مسجد، نیاز به چهارپایه بلند یا بالا بر برقی است. نورپردازی نمای بیرونی مساجد نیز بر جذابیت مساجد می افزاید. نورپردازی های خلاقانه نمای ساختمان مساجد می تواند به جذاب تر شدن آن ها کمک کرده و چهره متفاوتی از آن ها در شب بسازد.

وسایل سرمایشی و گرمایشی

سرد و گرم بودن بیش از حد مسجد، سبب ایجاد تنفر در مخاطب می شود. کسانی که به مناسبتی به مسجد راه می یابند، چنانچه با مسائل ناخوشایندی از قبیل سرد یا گرم بودن بیش از حد مسجد روبرو شوند، تنفر در قلب آنان پدید می آید و سابقه ذهنی منفی در اذهان آن ها باقی می گذارد. (رضایی، 1382، ص 235) برای ایجاد محیطی مناسب برای مخاطب بهتر است متناسب با شرایط آب و هوایی مناطق مختلف کشور از وسایل سرمایشی استفاده نمود.

انواع وسایل سرمایشی عبارت اند از: پنکه که اساس کار آن به گردش در آوردن هوای اطراف است و انواع آن به دو گروه فن دار و بدون فن تقسیم می شود. پنکه فن دار نیز به پنکه های رومیزی و ایستاده، پنکه های دیواری و پنکه های سقفی تقسیم می شود. پنکه های بدون فن از یک پایه استوانه ای شکل قطور و یک حلقه بزرگ تشکیل شده اند. هیچ شیء دوار و متحرکی درون این حلقه وجود ندارد و این موضوع باعث می شود که خطر کمتری برای کودکان داشته باشد. درون پایه استوانه ای این نوع پنکه، یک موتور قوی قرار دارد که هوا را از کنار جداره های حلقه مکیده و آن را 15 برابر سریع تر می کند. پنکه برای خنک کردن واحدهایی با متراژ بالا مناسب نیست.

کولرگازی یکی دیگر از وسایل سرمازا است. برخی ویژگی هایی کولرگازی عبارت اند از «فناوری اینورتر»، «کنترل از راه دور»، «سیستم torbo»، «سیستم خواب راحت»، «نمایشگر ویژه دیجیتال»، «سیستم یون میکروپلاسما»، «سیستم نانوسیلور»، «فیلتر PURE» و...

فناوری اینورتر باعث نگره داشتن دما در شرایط ایده آل بدون نیاز به روشن خاموش شدن های متوالی کمپرسور شده و گفته می شود که میزان مصرف انرژی را تا 60 درصد کاهش می دهد. یکی دیگر از

ویژگی های کولرگازی مجهز، باز و بسته شدن خودکار دریچه های کولر است. دریچه های خودکار، هوا را

در جهات گوناگون به گردش درمی آورند.

دستگاه کنترل از راه دور نیز یکی از ابزارهای است که کولرهای گازی مرغوب به آن مجهز هستند و به وسیله آن می شود کارکرد کولر را از راه دور کنترل کرد.

سیستم turbo هم یکی از تجهیزات کولرگازی است. در حالت توربو در حین سرمایش (یا گرمایش) کمپرسور برای مدت 30 دقیقه بدون توجه به دمای محیط کار می کند و بعد از مدت 30 دقیقه دستگاه از حالت توربو خارج شده و به حالت نرمال برمی گردد. این قابلیت به منظور تسریع برای خنک کردن محیط در نظر گرفته شده است.

نمایشگر ویژه دیجیتال، برای نشان دادن دمای محیط، محافظ کمپرسور برای محافظت در مقابل صدمات احتمالی ناشی از نوسان برق، فیلترهای تصفیه هوای چندگانه، برای جلوگیری از انتشار ذرات آلرژی زا و گرد و غبار و سیستم یون میکروپلاسما، برای زدودن ویروس ها و باکتری های موجود در هوا به کار می رود.

همچنین برخی کولرهای گازی مجهز به چراغ هشدار تمیز کردن فیلتر هستند که این چراغ ها، زمانی که فیلتر کولر نیاز به تمیز کردن داشته باشد، به مصرف کنندگان هشدار می دهند که کولرگازی خود را تمیز کنند. (اقتصاد نیوز، 1394)

کولر آبی نیز یکی از انواع وسایل سرمایشی است. به زعم عده ای از مصرف کنندگان، این کولر به خاطر ویژگی مرطوب کردن هوا و جلوگیری از خشک شدن آن از کولرگازی بهتر است لذا برای مناطق گرم و خشک مناسب است. در مناطق گرم و مرطوب که رطوبت زیادی در هوا وجود دارد، کولرگازی مناسب تر است.

در زمستان نیز استفاده از انواع دستگاه های گرمایشی از قبیل موتورخانه، شوفاژ (زمینی و دیواری)، پکیج، رادیاتور، فن کوئل، هواساز، شومینه، آبگرمکن و انواع بخاری برقی، تابشی، گرمایش از کف و هوای گرم موردنیاز است و مسجد باید به این گونه وسایل تجهیز شود.

در زمینه سرمایش و گرمایش مساجد باید به پنجره ها و شیشه های مساجد توجه داشت. برای جلوگیری از هدر رفتن انرژی و ایجاد فضایی مطبوع استفاده از پنجره های دوجداره پیشنهاد می گردد.

امکانات فرهنگی

با توجه به روحیات و فضای فرهنگی جامعه، مسجد برای جذب جوانان باید در زمینه امکانات فرهنگی

و امکانات ورزشی فعالیت داشته باشد. (بیرانوند، 1393، ص 47) تهیه و تخصیص امکانات فرهنگی از قبیل کتابخانه، سالن مطالعه، مکان تدریس و آموزش در زمینه های مختلف باعث جذب جوانان و نوجوانان به

مساجد می شود. کانون فرهنگی، روزنامه ها و مجلات، کامپیوتر، کتابخانه و نوار خانه، بانک سی دی و ویدیوکلپ از امکانات فرهنگی مسجد است که با مدیریت صحیح می تواند برای مساجد درآمدزا نیز باشد و به گسترش امکانات فرهنگی کمک کند. (همان)

فعالیت جوانان در مساجد نیاز به مکانی دارد تا در آن، امور مربوط به جوانان سامان دهی شود و جوانان برای انجام بعضی از امور خود در آنجا گرد هم آیند. تأمین فضایی در مسجد تأمین کننده این منظور خواهد بود. (همان، ص 205) برای جذب جوانان به مساجد، ایجاد محیط و فضایی مطلوب برای اجرای برنامه هایی در مساجد ضروری به نظر می رسد.

کتاب و کتابخانه

وجود کتاب و کتابخانه در مسجد یکی از فعالیت های فرهنگی مسجد، است. عدم دسترسی مسلمانان به کاغذ و محدود بودن افراد باسواد، امکان تهیه قرآن را در صدر اسلام دشوار ساخته بود. از این رو جهت حفاظت و استفاده عمومی از قرآن های دست نویس و احادیث پیامبر که توسط صحابه و یاران او نوشته می شد، این نسخ در مساجد نگه داری می شد. (دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1385 ص 212 و 218)

در دوره های بعد، کتابخانه های زیادی در مساجد به وجود آمدند که «مکتبه» یا «خزانه المصاحف» نامیده می شدند. هرگاه مسجد یا کتابخانه مسجدی تأسیس می شد، مرسوم بود نسخه هایی از تمام قرآن یا بخش هایی از آن به مسجد یا کتابخانه مسجد اهدا می شد. برخی از علما نیز هنگام مرگ کتاب هایشان را وقف مساجد می کردند. به دنبال گسترش علوم قرآنی و ازدیاد کتب، نگه داری آن ها در داخل مسجد دشوار گردید. به همین دلیل در قرون بعد مکانی به عنوان کتابخانه در کنار مساجد ساخته شد. (دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1385 ص 212 و 219)

اگر در کنار مساجد سالن مطالعه وجود داشته باشد و محلی برای مطالعه در نظر گرفته شود و در طول روز هم باز باشد، جوانان می توانند کتب درسی خود را به مسجد آورده و در همان جا به خواندن درس مشغول شوند. با این کار جوانان احساس خواهند کرد که مسجد منزل دوم آن هاست. از این رو هرگاه احساس نیاز کنند، به مسجد خواهند آمد. (بیرانوند، 1393، ص 207)

کتابخانه بر اساس استانداردهای ایفلا باید دارای منابع عمومی و دارای منابع در بخش های موضوعی نظیر تاریخ محلی باشد، جهت ارائه به مخاطبان خاص مانند کودکان، نابینایان، معلولین تسهیلات لازم را داشته باشد. دارای بخش های جنبی نظیر سالن سخنرانی و کنفرانس باشد. سالن سخنرانی دارای نور کافی و در طبقه اول قرار داشته باشد نشریات ادواری در آن وجود داشته باشد. محل مطالعه نشریات داشته باشد و در آنجا از

میزهای کوتاه و صندلی های راحت استفاده شود. درب های ورودی دو لنگه باشد و به صورت خودکار باز و بسته شود، دارای میز امانت بوده و در طبقه اول قرار داشته باشد. دارای سالن مطالعه باشد و محل مطالعه در کنار و برابر نمای ساختمان و دور از مرکز ساختمان قرار گیرد. دارای دستشویی و رختکن باشد و این فضاها در محوطه ورودی کتابخانه قرار بگیرند. دارای سطوح شیب دار برای معلولین باشد. دارای بخش های مدیریت کتابخانه، فهرست نویسی و محل نمایشگاه باشد. محل خدمات فنی، انبار، بسته بندی و تدارکات در زیر زمین باشد. فضایی برای کارکنان کتابخانه اختصاص یابد و دارای سرسرا، سرویس بهداشتی، رختکن در راهروهای خارج از فضای اصلی کتابخانه باشد. دارای رسانه های چندگانه باشد و همچنین محلی برای استفاده از این رسانه ها به طور انفرادی و گروهی پیش بینی شده باشد. دارای سیستم تهویه مطبوع باشد و حداکثر دما 24 و حداقل 20 درجه سانتی گراد در تابستان و زمستان مناسب است. رطوبت مخازن باید بین 45 تا 55 درصد باشد. پوشش کف کتابخانه کف پوش روشن زیبا و نرم بوده و حالت فتری داشته باشد. نور کتابخانه ترکیبی از نور سفید لامپ های معمولی و مهتابی برای مطالعه مناسب است. از لامپ های فلورسنت با روکشی از شیشه یا پلاستیک استفاده شود تا از تابش نور به طور مستقیم جلوگیری شود. (تعاونی، ص 54)

حیدر تأمینی تحقیقی معتقد است که کتابخانه باید دارای شرایط زیر باشد:

-درهای ورودی و خروجی کارمندان و مراجعان از یکدیگر تفکیک شود.

-آسانسور برای معلولان و مراجعان وجود داشته باشد.

-سیستم تهویه به گونه ای باشد که صدای اضافی تولید نکند.

-مکانی برای استراحت و تمرکز بیشتر مراجعان وجود داشته باشد.

-بخشی برای ارائه خدمات کتابخانه ای به کودکان (بخش منابع، بخش مرجع و امانت) وجود داشته باشد.

-تعداد رایانه ها جوابگوی نیازهای کارمندان و مراجعان باشد.

-ظرفیت سالن های مطالعه افزایش یابد.

- چراغ های مطالعه با قابلیت تغییر میزان نور روی میزهای مطالعه قرار گیرد.

- میز و صندلی های کوتاه برای راحتی مراجعه کنندگان در بخش نشریات در نظر گرفته شود

- سرویس بهداشتی ویژه معلولان هم وجود داشته باشد.

- تابلوهای راهنما با چراغ های قابل رؤیت برای اطلاع از بخش های مختلف وجود داشته باشد. (حیدری تأمینی و همکاران، 1390، ص 542-543)

پایگاه بسیج در مسجد

ایجاد پایگاه بسیج در مسجد از برکات مؤثر و مفید نظام جمهوری اسلامی است که فعالیت هایی اعم از نظامی، امنیتی، ورزشی و فرهنگی در آن صورت می گیرد. کار اصلی پایگاه بسیج برقراری امنیت در مسجد و محله و انجام برخی فعالیت های فرهنگی است. گشت های شبانه اعضای فعال بسیج و جلوگیری از ناامنی، محیط آرامی برای اهل محل فراهم می کند. افراد مسجد به خصوص جوانان علاوه بر آشنایی لازم با مسائل نظامی و امنیتی و استراتژیکی و آمادگی نظامی، با فرهنگ شهادت پرورش می یابند. فعالیت های بسیج اگر مخالفی با اهداف اصیل و والای مسجد نداشته باشد، سبب پرکردن اوقات فراغت و ایجاد محیطی سالم برای جوانان می شود؛ اما برای اختصاص مکانی برای بسیج در مسجد باید قبل از آنکه صیغه مسجد را بر آن جاری کنند، قسمتی از زمین را برای این منظور اختصاص دهند؛ اما پس از اینکه زمین عنوان مسجد را پیدا کرد، نمی توان قسمتی از آن را به محل پایگاه بسیج اختصاص داد. (دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1385، ص 93)

کانون فرهنگی در مسجد

امروزه با توجه به ابزارها و شیوه های نوین فرهنگی و تحولات عمده در مسائل علمی- آموزشی، مساجد بدون امکانات و فعالیت های گوناگون و عدم اختصاص فضای مناسبی در این جهات، توان رقابت با سایر مراکز را نخواهند داشت؛ بنابراین مساجد باید تا حد امکان، به امکانات فرهنگی مجهز باشند. یکی از فضاهایی که ایجاد آن در مساجد موجب جذب نسل جوان می گردد، ایجاد کانون فرهنگی در مسجد است. برگزاری کلاس ها و مسابقات قرآن و معارف و احکام اسلامی، نویسندگی، نقاشی، خطاطی، طراحی، برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی و کلاس های آموزشی از جمله فعالیت هایی است که کانون فرهنگی در کنار سایر کارکردها در مسجد به عهده دارد. (همان، 217)

ص: 227

برای برگزاری فعالیت های آموزشی در مساجد نیاز به تخته سیاه، وایت برد و یا تخته هوشمند است. در حال حاضر وایت برد در بیشتر مساجد کشور وجود دارد. در صورت تجهیز مساجد به تخته هوشمند، ضمن بهره گیری از فناوری آموزشی نوین و حفظ مطالب تدریس شده، می توان زمینه جذب جوانان و نوجوانان را به مسجد فراهم نمود.

بر اساس تحقیق میرجلیلی فعالیت های کانون های فرهنگی مساجد یکی از عوامل جذب جوانان به مسجد است. از میان فعالیت های فرهنگی، هنری، ورزشی، آموزشی و سمعی و بصری، فعالیت های آموزشی و سپس ورزشی برای جوانان جذاب تر است. در بین فعالیت های هنری، نمایش فیلم و سپس سرود و تواشیح، موسیقی

و تئاتر در جذب جوانان به کانون های فرهنگی و هنری مساجد مؤثر می باشند. (میرجلیلی، 1389ص 211-613)

اگر کانون های فرهنگی و هنری در مساجد فعال باشند و انواع متنوع فعالیت در آن ها انجام شود، مساجد محل تجمع جوانان خواهند شد. این کانون ها با ایجاد کافی نت و ارائه برنامه های متنوع، مساجد را به محل تجمع جوانان تبدیل خواهند کرد. اگر جوان بداند در مسجد هم می تواند کارهای مختلف خود را انجام دهد و هم می تواند دوستان خود را ببیند، حاضر خواهد بود وقت زیادی را در مسجد صرف کند. (بیرانوند، همان، ص 206)

امروزه جوانان به رایانه و به ویژه اینترنت علاقه فراوانی دارند و انجام بسیاری از فعالیت های روزمره جوانان بدون کامپیوتر و اینترنت دشوار است. از این رو لازم است تا چندین رایانه و یک خط اینترنت در هر مسجد وجود داشته باشد تا جوانان بتوانند ضمن آموزش کاربردی رایانه، فعالیت های علمی و فرهنگی خود را نیز در مسجد انجام دهند. (همان، ص 208)

سامانه ارسال پیامک نیز یکی دیگر از ابزار مورد نیاز در مساجد است که کانون های فرهنگی می توانند این سامانه های پیامک را در مساجد ایجاد نمایند و شماره موبایل شرکت کنندگان در مسجد را تهیه نمایند و پیام های اعلام جلسات، پیام های تبریک و تسلیت و برگزاری مراسم را برایشان ارسال نمایند.

سیستم ارسال بلوتوث نیز می تواند در مساجد ایجاد شود و مخاطبان به هنگام ورود به مسجد با فعال نمودن بلوتوث گوشی های خود، برنامه ها و نرم افزارهای دینی و مذهبی را دریافت نمایند.

برنامه های قرآنی، حدیث، داستان های زیبا، لطیفه های دینی و امثال آن می تواند توسط کانون فرهنگی مسجد روی موبایل نمازگزاران به صورت رایگان نصب شده و اگر امکانات تلفن همراه فردی قابلیت این کار را ندارد، با اهداء سی دی آن برنامه ها، این اقدام قابل انجام است.

کانون های فرهنگی با برگزاری کلاس های قرآن، تقویتی و جبرانی دروس مدرسه ای و کلاس کنکور در مسجد می توانند عده زیادی از جوانان و نوجوانان و کودکان را جذب مسجد نمایند. برگزاری کلاس های درس در مساجد، هم اعتماد خانواده را جلب می نماید و هم سبب خواهد شد تا یکی از مهم ترین فعالیت های جوانان که تحصیل است، در مسجد باشد. (همان، ص 207)

یکی دیگر از تجهیزاتی که مساجد نیاز دارد و معمولاً محتوای آن از سوی کانون های فرهنگی و هنری تأمین می شود، تابلو اعلانات مساجد است. این تابلو در دو قسمت زنانه و مردانه باید نصب شود و اطلاعات آن ها دائم باید به روز شود. برای استفاده از فتاوری در این زمینه هم می توان از بیلبردهای تبلیغاتی یا تلویزیون ها LED یا LCD استفاده کرد و محتوای تابلوها را به صورت الکترونیک از این دستگاه ها به نمایش گذاشت.

تشکل های جوانان در مساجد

یکی از فعالیت های مرکز رسیدگی به امور مساجد، ایجاد تشکل های جوانان در مساجد است که امروزه نقش ارزشمندی ایفا می کنند. این تشکل ها بیشتر توسط خواهران ایجاد شده است و به نحو مطلوبی سازمان دهی و ساماندهی شده است. (مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1389 ص 38)

امکانات ورزشی

میل به تفریح با سرشت انسان آمیخته شده است. سرگرمی و تفریح آدمی را از ملالت کارهای یکنواخت و خسته کننده زندگی خلاص می کند. زمان تفریح یکی از بهترین فرصت های مفید در حیات بشر است. در موقع تفریح و سرگرمی محیط زندگی رنگ ذوق و ابتکار به خود می گیرد و لطف و صفای مخصوصی پیدا می کند، روح سبک بال و پرنشاط می شود و عواطف و احساسات شکوفا می گردند و آدمی در خود احساس آزادی و حریت می نماید. (فلسفی، 1348 ص 413-415) تهیه امکانات ورزشی مرتبط با مسجد تا جایی که حرمت مسجد محفوظ بماند، می تواند ضمن فراهم نمودن محیطی مناسب برای تفریح سالم، در جذب جوانان به مسجد هم مؤثر باشد. اگر از سوی مسجد مکانی برای ورزش جوانان در نظر گرفته شود یا با برنامه ریزی و هماهنگی هیئت امناء، جوانان مسجد بتوانند از امکانات ورزشی در سطح شهر با تخفیف ویژه استفاده کنند، زمینه جذب جوانان به مسجد فراهم خواهد شد. (بیرانوند، همان، ص 47) همچنین می توان با هماهنگی سازمان های متصدی از امکانات ورزشی و سالن های مدارس در ساعات غیردرسی استفاده کرد.

همچنین پیشنهاد می شود در کنار مساجد سالن های چندمنظوره ای ایجاد شود و در این سالن ها امکانات و لوازم ورزشی مناسب مثل میز پینگ پنگ، فوتبال دستی، تور والیبال، فوتسال و بسکتبال وجود داشته باشد. جوانان برای استفاده از این امکانات به مساجد روی خواهند آورد و در زمان نماز جماعت و برگزاری مراسم مذهبی، این اماکن تعطیل و جوانان در نماز جماعت یا مراسم شرکت خواهند نمود.

آشپزخانه و آبدارخانه

در تمامی مساجد کشور از مخاطبان با چای پذیرایی می شود، لذا ضروری است که در مساجد لوازم آبدارخانه شامل سماور، قوری، کتری، استکان، سینی، قندان، پارچ وجود داشته باشد.

با توجه به اینکه در بسیاری از مراسم مذهبی به خصوص در ایام عزاداری سالار شهیدان در دهه محرم در اکثر مساجد از عزاداران با شام پذیرایی می شود، مناسب است که محلی برای آشپزی در نظر گرفته شود و به انواع تجهیزات آشپزخانه (یخچال، اجاق گاز، دیگ و قابلمه، صافی و آب کش، ملاقه و کف گیر و ظروف

پذیرایی مثل قاشق و چنگال و بشقاب، پارچ و لیوان) مجهز گردد تا به هنگام نیاز بتواند به خوبی و به گونه ای مناسب از عزاداران اباعبدالله الحسین علیه السلام پذیرایی نماید.

همچنین برای پذیرایی محلی برای سفره انداختن در نظر گرفته شود و از انداختن سفره در شبستان مسجد، پرهیز گردد. برای این منظور سالن چندمنظوره ای در کنار مساجد ساخته شود که هم برای فعالیت های ورزشی، هم فرهنگی مناسب باشد و هم در مواقع مورد نیاز برای پذیرایی میهمانان از آن استفاده شود. همچنین می توان این سالن را برای برگزاری مراسم ترحیم، یا ولیمه حاجیان و زائران عتبات عالیات در نظر گرفت و از این طریق در آمدی برای مخارج مسجد نیز تأمین خواهد شد.

صندوق نذورات و موقوفات

ایجاد صندوق های قرض الحسنه در مسجد و دستگیری از محرومان، توجه به کارکردی اقتصادی مسجد است. با به وجود آمدن کمیته امداد امام خمینی وظیفه رسیدگی به ایتم و مستمندان به این نهاد واگذار شده است؛ بنابراین می توان با ایجاد دفاتری برای کمیته امداد امام خمینی و سازمان هلال احمر در مساجد، هم زمینه جذب کمک های مردمی را در مسجد فراهم کرد و همه زمینه هزینه نمودن منابع مالی را در محل برای مستمندان و نیازمندان فراهم نمود؛ بنابراین فضای لازم و میز و صندلی و تلفن و رایانه و سایر امکانات اداری برای این دفاتر مورد نیاز است.

مسجد محل انجام فعالیت های اقتصادی که بیشتر به امور دنیایی مرتبط می شود، نیست. مسجد محل خرید و فروش و معامله و انجام کارهای اقتصادی نیست؛ اما باید نسبت به تأمین هزینه های اقتصادی مساجد فکر شود. برای این منظور بسیاری از مساجد از همان ابتدا قبل از ساخت بخش هایی را برای مغازه و انجام فعالیت های اقتصادی در نظر می گیرند و آن ها و درآمدهای حاصله از آن ها را وقف اداره مسجد می نمایند. همچنین می توان با احداث یا خرید مغازه یا مزرعه یا کارخانه برای مسجد و بهره گیری از سودآوری آن، مسجد را از نظر مالی کمک کرد و آن را برای تأمین هزینه هایش به استقلال مالی رساند.

یکی دیگر از امکاناتی که هر مسجد نیاز دارد، صندوق نذورات و موقوفات برای اداره مسجد است. صندوق نذورات و موقوفات برای اشتغال زایی افراد بیکار و دستگیری از مستمندان و هزینه ازدواج جوانان بی بضاعت محل می تواند از امکانات مفید و مؤثر در مساجد باشد. (نوری ها، 1383ص 38)

مسجد باید برای مستمندی که به مسجد مراجعه می کنند برنامه داشته باشد و با کمک به آن ها، زمینه جذب آن ها به مسجد را فراهم نماید. صندوق های کمیته امداد که در اطراف مساجد قرار داده شده است، سبب می شود که دیگر فقرا میل و رغبتی برای حضور در مساجد نداشته باشند، چون خیرین کمک های خود را در آن صندوق ها می اندازند و هزینه نمودن این وجوهات در اختیار کمیته امداد خواهد بود و لذا انگیزه ای برای

حضور مستمندان در مسجد باقی نمی ماند. برای حفظ عزت و کرامت مستمندان یک صندوق خیرات در مساجد گذاشته شود و یا شماره حسابی اعلام گردد و در هر مسجد یک دستگاه خودپرداز (pose) وجود داشته باشد و خیرین بتوانند کمک های نقدی خود را به حساب صندوق خیریه مسجد واریز نمایند.

صندوق انتقادات و پیشنهاد ها

یکی از راه های جذاب سازی مسجد برای جوانان، فراهم نمودن زمینه اعلام نظر برای جوانان در خصوص برنامه های و نیروی انسانی مسجد است و برای این منظور در مساجد صندوق انتقادات و پیشنهادها نصب شود و هیئت امنای با بررسی نظرها و پیشنهادهای جوانان برای به روزرسانی فعالیت های مسجد تصمیم بگیرد.

پارکینگ

مساجد بزرگ حتماً باید پارکینگ داشته باشند. بسیاری از مردم به علت نداشتن پارکینگ از رفتن به

مسجد منصرف می شوند. علاوه بر این، نداشتن پارکینگ در ایامی که در یک مسجد مراسمی برگزار می شود، سبب افزایش ترافیک و راه بندان در خیابان ها می گردد. اگر به هنگام ساختن مسجد، محلی برای پارکینگ وسایل نقلیه پیش بینی شود، بسیاری از مشکلات موجود برای آمدن جوانان و مخاطبان دیگر به مسجد برطرف خواهد شد.

مهدکودک یا محل نگهداری کودکان

همچنین باید جای امنی برای نگهداری و سرگرمی کودکان در کنار مساجد وجود داشته باشد. در زمان رسول خدا صلی الله علیه و اله اتاقی را در مسجد قرار داده بودند به نام «روضه الصبیان» برای نگهداری بچه ها و یک نفر هم مسئول نگهداری از کودکان بوده و با آن ها بازی می کرده و آن ها را سرگرم می کرده است. (نوری ها، همان، ص 30)

هیچ وقت شلوغ کاری و شیطنت از جانب کودکان دور از انتظار نیست و در صورت حضور در مساجد، در رفع آرامش آن مقداری دخیل خواهند بود و برای عادت نمودن کودک به این شرایط، باید شیطنت ها را تحمل کرد و در طراحی مساجد برای آنان نیز جایگاهی را متناسب با روحیه کودکی تدارک دید. امروزه به منظور جلب و جذب کودکان به مسجد، پیش بینی مهدکودک و محل های بازی و سرگرمی و برنامه ریزی در اداره امور آن ها باید مورد توجه خاص متولیان مساجد قرار گیرد. با توجه به فراگیر بودن امور فوق در زندگی روزمره کودکان بنا به اقتضای طبیعت آنان باید مساجد را توسعه داد و متحول کرد. (رهبری، 1385 ص 201-202)

در کنار مساجد جامع و محل برگزاری نماز، مراکزی برای بازی کودکان طراحی شود تا در هنگام نماز شرکت کنندگان دغدغه فرزندان خردسال را نداشته باشند و کودکان نیز تجربه خوبی از نماز و نماز جمعه داشته باشند. این مراکز به بازی های کامپیوتری، اسباب بازی و اتاق قصه مجهز شوند.

خانه عالم

از آنجاکه رکن اصلی مسجد، روحانی است. اگر در مسجدی روحانی وجود نداشته باشد، آن مسجد از رونق می افتد و بسیاری از فعالیت های آن تعطیل است. لذا برای استقرار روحانی در محل ضرورت دارد که خانه عالمی وجود داشته باشد و اگر این خانه عالم در کنار مسجد باشد، روحانی در دسترس مخاطبان خواهد بود و برنامه ای مساجد نیز با نظم بهتری برگزار خواهد شد.

با توجه به اینکه مسجد در گذشته به عنوان پناه گاه غریبان و مستمندان بوده است و امروزه این کارکرد مسجد تقریباً از بین رفته است. با توجه به اینکه مسافرت مردم ایران اسلامی در طول سال زیاد است و در ایام نوروز و تابستان و هر فرصتی که به دست آورند، به مسافرت می روند و یکی از مشکلات مسافران در طول سفر مسئله اسکان و استراحتگاه است. با ایجاد زائرسرا و استراحتگاه هایی در کنار مساجد، زمینه جذب مسافران زیادی به مساجد فراهم می شود. در حال حاضر برخی از مساجد مثل مسجد حضرت ابوالفضل در راه یزد-رفسنجان از این امکانات برخوردار می باشند.

سقاخانه

با توجه به ثوابی که سیراب کردن انسان مؤمن دارد، شایسته است برای جاذبه مسجد، به خصوص در فصل گرما، در مساجد سقاخانه هایی ایجاد شود. برای سیراب کردن مؤمنین شایسته است در این سقاخانه ها آب شیرین و آب سردکن های مناسبی وجود داشته باشد و در کنار آن ها لیوان یک بار مصرف نیز گذاشته شود تا ضمن سیراب شدن مؤمنین، مسائل بهداشتی نیز رعایت شده باشد. همچنین سطل جمع آوری زباله در آن محل قرار داشته باشد تا لیوان های یک بار مصرف در فضای مسجد رها نشوند.

بنابراین در جاهایی که آب لوله کشی شهری شیرین و قابل شرب نیست، مناسب است که در داخل مسجد یک دستگاه آب شیرین کن با حجم مناسب نصب گردد.

وسایل و امکانات تطهیر مسجد

از آنجاکه طهارت و پاکیزگی مسجد از هرگونه آلودگی و نجاست واجب است و هر کس بفهمد که مسجد نجس شده است، باید فوراً نجاست آن را برطرف کند و آن را آب بکشد. با توجه به اینکه آب کشیدن فرش و زمین یا دیوار مسجد با استفاده از آب قلیل برای بسیاری از مردم دشوار است و نمی دانند که چگونه این کار را انجام دهند، چه بسا با آب کشیدن محل نجس شده، جاهای دیگر را هم نجس نمایند، بهتر است که در جاهای مختلف داخل مساجد، شیر آبی تعبیه شود و در زمان موردنیاز از آن ها استفاده گردد.

همچنین مناسب است که کف شو های متعددی در کف مساجد تعبیه شود تا به هنگام شستشو یک نقطه آب آن به داخل چه هدایت شود و به سایر جاهای مسجد سرازیر نگردد.

برای حفاظت و ایمنی مساجد، ضرورت دارد آن‌ها به کپسول آتش نشانی، سیستم اطفای حریق، دزدگیر و دوربین مداربسته مجهز گردند. در قسمت بانوان نباید دوربین مداربسته وجود داشته باشد.

امکانات بهداشتی و درمانی

در الگوی اسلامی، مسجد باید دارای بیمارستان باشد اما در کشور ما برخی از بیمارستان‌ها مسجد دارند. در مانگه مسجد جمکران، در مانگه مصلا در قم نمونه‌ای از در مانگه‌های وابسته به مساجد است.

امروزه می‌توان به صورت هفتگی، خدمات درمانی به بیماران در مسجد ارائه نمود. می‌توان با اختصاص دادن فضایی از مسجد و جداسازی آن با استفاده از پارتیشن یا پرده و گذاشتن یک میز و چند صندلی و دعوت از پزشک به بیماران خدمات درمانی ارائه کرد و از این طریق بسیار از افراد را با مسجد و فعالیت‌های آن آشنا نمود. در مسجد امام رضا علیه السلام در تهران هر هفته روزهای سه شنبه پزشک عمومی بیماران را ویزیت می‌نماید. برخی از روزها نیز پزشک اطفال، پزشک داخلی در این مسجد به ویزیت بیماران می‌پردازد. در کنار ویزیت بیماران خدمات مشاوره پزشکی نیز ارائه می‌گردد. (واشقانی فراهانی، 1391، ص 103)

امکانات و تجهیزات قضایی

امروزه شوراهایی با عنوان شورای حل اختلافات به وجود آمده است که مناسب است این شوراها در داخل مساجد یا در جنب مساجد تشکیل شوند و از این طریق این کارکرد فراموش شده مسجد نیز احیاء گردد. برای ایجاد این شوراها در مساجد، به فضای مناسب، میز و صندلی و رایانه (برای انجام امور اداری، ایجاد

بایگانی الکترونیک)، پرینتر و اسکنر (برای تهیه تصویر از اسناد و مدارک) به قفسه‌هایی برای بایگانی نیاز است.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله تجهیزات و سخت افزارهایی که در جذاب سازی مساجد برای جوانان مؤثرند، معرفی شدند. جوانی دوره طلایی زندگی است. دوره خودنمایی، هیجان، آزادیخواهی و استقلال طلبی، عشق و محبت، زیبایی دوستی، شیفتگی و شکوفایی است. (نیلی پور، 1386، ص 49-51) دوره جوانی، زمان ابهام و سردرگمی و اشتباه کاری هاست. (همان، ص 78) جوانان دارای ویژگی‌های چون نشاط و شادابی، خلاق

و نوآور و، تغییرپذیر و تغییر آفرین، زیابسند، آزادی خواه، استقلال طلب و امیدوار و درعین حال متزلزل و آسیب پذیر و کوتاه فکر هستند. اگر بین جوانان و مسجد پیوند برقرار شود، جوانان به درستی تربیت شده و آینده جامعه تضمین خواهد شد.

برای جذاب سازی مساجد برای جوانان، ابتدا عوامل و موانع جذب جوانان به مساجد در حوزه سخت افزاری و فیزیکی با روش کتابخانه ای شناسایی شد، سپس با مشاهده سخت افزارهای موجود در تعدادی از مساجد و متناسب با موانع موجود پیشنهادهایی ارائه گردید.

ساخت و ساز مساجد با معماری غیرهنری و غیربومی، فرسوده و کهنه بودن بافت مساجد، زیبا و به روز نبودن تجهیزات مساجد، دایر نبودن سرویس های بهداشتی، مجهز نبودن سرویس های بهداشتی مساجد به صابون یا مایع دستشویی و حتی دستمال کاغذی، عدم رعایت دقیق امور بهداشتی و نظافت سرویس های بهداشتی مسجد، وضوخانه، آبدارخانه، سرویس آشپزخانه، نداشتن کفشداری مناسب، نزدیک بودن دستشویی ها به شبستان مسجد و ایجاد بوی نامطبوع، بدبو بودن فرش های مسجد به دلیل عرق پا، نبود تأسیسات برودتی و حرارتی پیشرفته و مناسب با محیط جغرافیایی، نبود فضای مناسبی برای نصب اعلامیه و نوشتن آیات قرآن و احادیث، شلوغ بودن دیوارهای مساجد از اعلامیه و عکس، نبود مهدکودک و حسینیه در کنار مساجد، فراهم نشدن تمهیدات لازم برای بهره مندی جانبازان و معلولان از فضای مسجد، عدم استفاده از رنگ های آرامش بخش همراه با طرح های تلفیقی معماری سنتی و جدید، عدم ایجاد فضای سبز، آب نما و چمن در حیاط مسجد و نمای بیرونی آن، نبود خانه عالم در جوار مسجد، نبود کتابخانه، قرائت خانه، کتب، مجلات و روزنامه ها جدید و تازه منتشرشده، جزوات کنکور، بسته بودن درب مساجد در بیشتر ساعات شبانه روز، نبود فضای مناسب آموزشی در مساجد، نبود پارکینگ، از جمله موانع جذب جوانان به مسجد محسوب می شوند.

یکی از راه های جذاب سازی مساجد برای جوانان، متنوع نمودن برنامه ها و ارائه خدمات متنوع در مسجد و فراهم نمودن امکانات و تجهیزات موردنیاز آن است. فراهم نمودن زمینه گذران اوقات فراغت جوانان در

مساجد یکی از راه های جذاب سازی مساجد محسوب می شود. از جمله خدماتی که می توان در مسجد برای جوانان ارائه کرد، خدمات آموزشی است. این خدمات آموزشی جنبه کمک آموزشی برای آموزش های رسمی دارد و آموزش های مورد نیاز جوانان امروزی است که در مراکز رسمی ارائه نمی شود. جوانان و نوجوانان در محیط های مختلف شهری و روستایی نیاز به آموزش هایی متناسب با محیط خود دارند، مثلاً در مساجد روستا با برگزاری دوره های آموزشی ترویج کشاورزی، آشنایی با شیوه های نوین آبیاری، کاشت،

داشت و برداشت محصول، پرورش دام و طیور، زنبور عسل، آشنایی با رایانه و دیگر فناوری های می توان ضمن جذب جوانان به مسجد، هم زمینه توسعه و آبادانی آن محیط را فراهم نمود و هم جوانان را با مسجد آشتی داد و آن ها را نسبت به مسائل شرعی آشنا کرد. همچنین با توجه به گسترش وسایل ارتباط جمعی و فناوری های نوین در این زمینه و گسترش آن ها در جامعه، برگزاری دوره های آموزشی جهت چگونگی استفاده از این فناوری ها و همچنین آشنایی جوانان با آسیب هایی که همراه با این فناوری ها به وجود خواهد آمد، ضروری است و مساجد بهترین مکان برای برگزاری این دوره های آموزشی می باشند.

با ارائه خدمات درمانی در مساجد و تهیه مکان مناسب و تجهیزات لازم برای خدمات درمانی و تجهیزات کلینیکی و پاراکلینیکی می توان تعداد زیادی از جوانان را در مسجد برای ارائه خدمات درمانی مشغول به فعالیت نمود.

تأسیس و فعال نمودن صندوق های قرض الحسنه، صندوق نذورات و موقوفات مساجد و ایجاد دفتر برای مراکز حمایتی مثل هلال احمر و کمیته امداد یکی از زمینه های جذب جوانان به مساجد است. با ایجاد این صندوق های مالی زمینه ارائه تسهیلات ازدواج و اشتغال در مساجد برای جوانان فراهم خواهد شد و ضمن اینکه جوانان را از این طریق به مسجد وابسته خواهد نمود، در آینده نیز آن ها را تبدیل به خیرینی خواهد کرد که از طریق مساجد به کمک هم نوعان و جوانان آینده خواهند پرداخت.

تشکیل شورای حل اختلاف در مساجد زمینه حضور جوانانی که اهل مسجد نیستند را در مسجد فراهم می نماید. برای این منظور باید مکان مناسب، تجهیزات لازم برای برگزاری جلسات شورا، بایگانی فیزیکی و الکترونیکی پرونده ها تدارک دیده شود.

یکی از اموری که در نظر جوانان بسیار ارزنده و زیبا جلوه می کند و توجه آنان را به خود معطوف می دارد، مسائل سیاسی است. جوانان با کنجکاوی و دقت فراوان اخبار سیاسی را دنبال می کنند. مسائل سیاسی در نظر جوانان بسیار مطبوع و دلپذیر، محرک و پرهیجان است. (نیلی پور، همان، ص 203) با توجه به این روحیه جوانان، می توان با تدارک امکانات و تجهیزات سیاسی در مساجد، مثل توزیع نشریات و روزنامه ها، در دسترس قرار دادن اینترنت، پخش اخبار از رادیو و تلویزیون در ساعت های مختلف در مسجد و برگزاری نشست های سیاسی و اجتماعی در مسجد، این نیاز جوانان را پاسخ داد.

هر مسجد برای این که پذیرای جمعیت زیادی از مؤمنان به ویژه جوانان باشد، ضمن اینکه باید فضای بزرگ، زیبا و جذابی داشته باشد، باید از امکانات و تجهیزات رفاهی لازم برخوردار باشد. امکاناتی چون فرش، وسایل سرمایشی (پنکه، کولرگازی، کولرآبی) وسایل گرمایشی (بخاری گازی و نفتی)، پنجره های

دوجداره برای جلوگیری از هدر رفتن انرژی، پرده هوا، جاکفشی، وضوخانه، سرویس بهداشتی، آب گرم و امکانات بهداشتی مثل صابون، مایع دستشویی، مایع ضدعفونی کننده، دستمال توالت و خوش بوکننده و خشک کننده برقی زمینه حضور جوانان را در مساجد فراهم خواهد نمود. معمولاً جوانان بیش از افراد مسن به مسائل رفاهی توجه دارند و اغلب راحت طلب می باشند. لذا با ایجاد امکانات و تجهیزات آسایشی و رفاهی در مساجد زمینه حضور بسیاری از جوانان فراهم خواهد شد.

مسجدی می تواند جوانان را به خود جذب نماید که از لحاظ سیستم صوتی مشکلی نداشته باشد. از آنجا جوانان اغلب برای افزایش دانش و آگاهی اعتقادی و دینی و دریافت پاسخ برای سؤالات و شبهات خود به مساجد مراجعه می کنند. لذا اگر مسجدی از لحاظ صوتی مشکل داشته باشد، چون جوان نمی تواند به اهداف مورد نظر خود دست یابد، دیگر تمایلی به شرکت در مسجد نخواهد داشت و به مرور حضور آن ها در مساجد کم رنگ می شود.

روشنایی و نورپردازی داخل و خارج مسجد در جذب جوانان تأثیر به سزایی دارد. نور داخل مسجد و نمای بیرونی نیز باید از نورپردازی مناسبی برخوردار باشد و توجه هر رهگذر را به خود جلب نماید.

امکانات و تجهیزاتی همچون منبر زیبا و خوش رنگ، محراب کاشی کاری شده با کتیبه های هنری، میز خطابه چوبی و مناسب، وسایل صوتی (بلندگو و میکروفون ثابت و سیار)، قرآن های با جلدهای و صفحات تهذیب شده و خطوط زیبا، رحل، کتب ادعیه و مفاتیح الجنان، رادیوضبط، ویدئو پروجکشن، تلویزیون مدار بسته، دستگاه cd یا DVD و دستگاه تلویزیون، مهر تمیز و سالم، جامه های تمیز و زیبا، سجاده، تسبیح خوش رنگ، عبا، چادر نماز، تابلوهای نماز، ساعت تقویم دار، از تجهیزات مورد نیاز مساجد هستند که در جذب جوانان تأثیر دارند.

یکی از مسائل دوره جوانی، گذران اوقات فراغت است. می توان با آموزش های مختلف در مسجد زمینه گذران مطلوب اوقات فراغت جوانان را در مسجد فراهم نمود. برای فعالیت های آموزشی در مساجد امکانات و تجهیزاتی همچون وسایل صوتی (دستگاه صوتی ثابت و سیار)، کتابخانه، کتاب، سالن مطالعه، مکان تدریس و آموزش، تخته سیاه، وایت برد و یا تخته هوشمند، کافی نت، خط اینترنت، انواع رسانه های آموزشی و کمک آموزشی (دیداری، دیداری- شنیداری، چند حسی)، مورد نیاز است. فعال و مجهز بودن این بخش، اهمیت زیادی در جذب جوانان به مسجد دارد.

یکی از مهم ترین توقعات جوانان در جامعه، کسب اطلاعات درست در خصوص وقایع و حوادث پیرامون است. مسجد می تواند محل مناسبی برای پاسخگویی به این نیاز جوانان باشد. برای اینکه مسجد

کارکرد اطلاع رسانی مناسبی داشته باشد، تجهیزاتی چون سامانه روزنامه ها و مجلات، کامپیوتر، سیستم ارسال پیامک، سیستم ارسال بلوتوث، بورد یا تابلو اعلانات مساجد، بیلبوردهای تبلیغاتی ضروری و مورد نیاز است.

برای اینکه زمینه حضور بانوان جوان در مسجد فراهم شود و این قشر از جامعه نیز از خدماتی که در مسجد ارائه می گردد، بهره مند شوند، ضروری است که بخش زنانه مسجد مجزا و مستقل از بخش مردانه باشد و همچنین حسینیه یا مهدیه و امثالهم در کنار مساجد ایجاد شود تا خواهران در ایام خاص نیز بتوانند از خدمات مسجد بهره مند شوند. لذا پرده یا پارتیشن برای جداسازی شبستان زنان از مردان در مساجد مورد نیاز و ضروری است. آسانسور یا پله برقی برای مساجدی که بخش زنانه در نیم طبقه بالای شبستان مردانه واقع شده است، برای رفت و آمد زنان جوان باردار، زنان بچه دار ضرورت دارد. همچنین بخش زنانه همانند بخش مردان نیازمند تجهیزات عمومی همچون فرش، پستی یا مبل است.

یکی از ویژگی های دوره جوانی، توجه به زیبایی، تمیزی و خوش بویی است. جوانان برای اینکه مورد توجه واقع شوند و از سوی دیگران مورد پذیرش قرار گیرند، سعی می کنند تمیز بوده و بهترین جامه ها را بپوشند، از بهترین عطر و اودکلن استفاده نمایند. لذا می توان از این ویژگی جوانان نیز بهره گرفت و با ایجاد محیط تمیز و خوش بو در مساجد، زمینه حضور جوانان را در این مکان مقدس فراهم نمود؛ بنابراین، ضرورت دارد بر نظافت و تمیزی محیط و فرش های مسجد تأکید شود و برای این منظور امکاناتی همچون جاروی دستی و برقی و سطل زباله، دستگاه های خوش بوکننده خودکار، گلاب پاش، پشه کش برقی و پرده هوا و توری برای پنجره های برای جلوگیری از ورود حشرات، درهای خودکار مورد نیاز است.

یکی از روحیات دوران جوانی، گرایش به مسافرت و گردشگری است. در ایام مسافرت رانندگان جوان به دنبال محیط ها و مکان هایی برای استراحت می گردند. با توجه به اینکه اغلب جوانان نیز از وضعیت مالی مناسبی برخوردار نیستند، سعی می کنند در اماکن عمومی جایی برای استراحت بیابند و هزینه کمتری بپردازند. می توان با ایجاد استراحتگاه و حمام در کنار مساجد، زمینه جذب مسافران و به ویژه جوانان را به مساجد فراهم نمود. مساجدی که در مسیر راه های اصلی قرار دارند به این امکانات بسیار نیاز دارند. مسجد حضرت ابوالفضل علیه السلام در مسیر یزد رفسنجان، نمونه و الگوی مناسبی در این زمینه است و همواره در طول ساعات شبانه روز عده زیادی از مسافران در آنجا حضور دارند.

از آنجاکه جوانان سرشار از انرژی هستند و تمایل زیادی به شرکت در فعالیت های ورزشی دارند. گسترش مراکز ورزشی و تشویق و ترغیب جوانان به شرکت در گروه های ورزشی سالم و کنترل شده، در

دوران جوانی بسیار مفید است (نیلی پور، همان، ص 103). این امر از طریق ایجاد این مراکز در مساجد یا جنب مساجد

امکان پذیر است. لذا می توان با ایجاد سالن های ورزشی مجهز به تجهیزات ورزشی در کنار مساجد، زمینه جذب جوانان را به مساجد فراهم نمود. سالن های چندمنظوره در مساجد، فضای مناسبی برای ارائه خدمات ورزشی است. می توان این فضاها را به امکانات و تجهیزاتی ورزش هایی همچون پینگ پنگ، فوتبال دستی، والیبال، فوتسال و بسکتبال مجهز نمود.

یکی دیگر از زمینه های فعال سازی مساجد ارائه خدمات فرهنگی در مساجد است و می توان با راه اندازی نوارخانه، بانک سی دی و ویدیوکلپ، سالن مطالعه، پایگاه بسیج، کانون فرهنگی و هنری و تجهیز آن ها به انواع سخت افزارهایی که مورد نیاز است، زمینه جذب جوانان زیادی را به مسجد فراهم نمود.

با توجه به اینکه در اکثر مساجد کشور در زمان برگزاری مراسم اعم از مراسم مذهبی یا مراسم ترحیم و خانوادگی از مراجعین به مسجد پذیرایی به عمل می آید، با توجه به اینکه برگزارکننده این مراسم و مأمور اجرایی این مراسم هستند و از آنجاکه جوانان به دنبال راحتی انجام کار می باشند، شایسته است که امکانات پذیرایی مناسب در مساجد تدارک دیده شود و در هر مناسبت مردم محل مجبور نباشند که از منزل وسایل و تجهیزاتی با رنگ و اندازه متفاوت به مسجد بیاورند. در هر مسجد لوازم آبدارخانه (سماور، قوری، کتری، استکان، سینی، قندان، پارچ و لیوان) لوازم آشپزخانه (یخچال، اجاق گاز، دیگ و قابلمه، صافی و آب کش، ملاقه و کف گیر و ظروف پذیرایی مثل قاشق و چنگال و بشقاب) و همچنین وجود آب سردکن و آب شیرین کن ضروری به نظر می رسد. در صورتی که این امکانات و تجهیزات آشپزی و پذیرایی در مساجد وجود نداشته باشد، کم کم مراسم ترحیم و عزاداری نیز به سمت تالارها و سالن های اجتماعات هدایت می شود.

یکی از زمینه های جذاب سازی مساجد، مشارکت جوانان در برنامه های مسجد است که این امر از طریق نظرخواهی و مشورت با آنان انجام گردد. برای این منظور در هر مسجد صندوق یک انتقاد و پیشنهاد مورد نیاز است. این امر می تواند از طریق ایجاد یک سایت برای مسجد و ارائه کاربری به جوانان برای ارائه نظرات و پیشنهاد ها انجام شود. همچنین جوانان می توانند در تهیه محتوای سایت مسجد مشارکت داشته باشند و یا یک گروه اجتماعی از جوانان محل ایجاد کرد و ایده ها و پیشنهاد های جوانان محل را در خصوص برنامه های مسجد دریافت نمود.

یکی از دلایلی که سبب مسجدگریزی بسیاری از جوانان شده است، نبود محلی برای پارک وسایل نقلیه است. با ایجاد و در نظر گرفتن محیطی برای پارکینگ وسایل نقلیه، تعداد جوانانی که به مساجد

مراجعه خواهند نمود، افزایش خواهد یافت.

یکی از دلایل و زمینه‌هایی که باعث کاهش حضور جوانان در مساجد می‌شود، شلوغ بودن کودکان در مساجد است. برخی چون فرزندشان در مسجد سروصدا ایجاد می‌کند، به مسجد نمی‌روند، برخی چون

بچه‌های دیگران سروصدا می‌کنند و تحمل اذیت‌های کودکان را ندارند، به مسجد نمی‌آیند. لذا با ایجاد مهدکودک یا محلی برای نگهداری کودکان در کنار مساجد، می‌توان زمینه حضور عده بیشتری را در مسجد فراهم نمود.

دسترسی به روحانی در مسجد یکی از خواسته‌های مؤمنان به ویژه جوانان است. جوانان زمانی که به مسجد می‌روند و یا سؤال شرعی یا شبهه اعتقادی دارند، اگر دسترسی به روحانی و عالم در مسجد امکان‌پذیر باشد، خود را به مسجد خواهند رساند. لذا ایجاد خانه عالم در کنار مساجد ضروری است و این خود زمینه اصلی و مهمی برای فعال‌سازی مسجد خواهد بود. اگر خانه عالم در کنار مسجد باشد، برنامه‌های مسجد با مدیریت و رهبری روحانی که در خانه عالم حضور دارد به خوبی و به شکلی منظم انجام خواهد شد. با توجه به اینکه اغلب فعالیت‌هایی که در مساجد برنامه‌ریزی می‌شود با حضور جوانان محل است و ضرورت نظارت بر فعالیت جوانان، امری بدیهی و مسلم است. مناسب است که خانه عالم در کنار مسجد ساخته شود و هر زمانی که نیاز شد بتوانند بر فعالیت‌های جوانان مسجد نظارت دقیق داشته باشد و با رهنمایی و ارائه مشاوره به آن‌ها برنامه‌ها و فعالیت‌های جوانان را هدایت و رهبری نماید.

پیشنهاد نویسنده برای دیگر محققان این است با مطالعات پیمایشی بررسی نمایند که مساجد کشور تا چه اندازه از این امکانات و تجهیزات برخوردارند؟ جوانان تا چه اندازه از امکانات و تجهیزات مسجد محله خود بهره‌مند می‌شوند؟ میزان رضایت جوانان از امکانات و تجهیزات مساجد چقدر است؟ میزان رضایت بانوان از خدماتی که مساجد به آن‌ها ارائه می‌کنند و امکانات و تجهیزاتی که در این زمینه وجود دارد چقدر است؟ راه کارهای بهینه تجهیز مساجد به سخت افزارها و تجهیزات کدام است؟ چه عوامل و موانعی باعث شده که اکثر مساجد فاقد تجهیزات فیزیکی مناسب باشند؟

منابع

1. اقتصاد نیوز، «خنک شدن در هوای گرم چقدر هزینه دارد؟» به نقل از سایت <http://www.khabaronline.ir> /dtail/414476/economy/2668 پنجشنبه 17 اردیبهشت 1394.

2. بیرانوند، محمد، منشور اجرایی فعالیت‌های فرهنگی در مسجد با رویکرد کادرسازی، ویژه‌نامه

جماعات، فعالان فرهنگی و مربیان، چاپ سوم، اقیانوس معرفت، اصفهان، 1393.

3. تعاونی، شیرین، استانداردهای ایفلا برای کتابخانه های عمومی، انتشارات مرکز خدمات کتابداری، تهران، 1354.

1. تقوایی، علی اکبر، معروفی، سکینه، «ارزیابی نقش مساجد در ارتقاء کیفیت محیط؛ مطالعه موردی: مسجد امیر تهران»، مدیریت شهری، شماره 25، بهار و تابستان 1389.

2. جعفری، علی، «درآمدی بر مسجداشناسی حوزه ای جدید در مطالعات فرهنگ و ارتباطات شیعی - ایرانی»، فروغ مسجد صلی الله علیه واله، مجموعه رهنمودهای مراجع تقلید، سخنرانی ها و مقالات ششمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد، ثقلین، تهران، 1389.

3. حر عاملی، شیخ محمدبن حسن، وسائل الشیعه، جلد 3، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

4. حسینی، حمیدرضا، «خصوصیات مسجد فعال»، پایگاه اطلاع رسانی مسجد رضویه، 23 اردیبهشت 1390، <http://razaviye.ir/news>

5. حسینی زاده مهرجردی، سعید، میرنژاد، سید علی، «تبیین جایگاه مسجد جامع یزد در ایجاد حس مکان و هویت به فضای کالبدی شهر»، فصلنامه مطالعات ملی، سال شانزدهم، شماره 61، 1394.

6. حیدری تأمینی، میترا، علی پور حافظی، حامد، عبداللهی، زهرا، (1390)، «وضعیت ساختمان و تجهیزات کتابخانه مرکزی تبریز در مقایسه با استانداردهای کتابخانه های عمومی و بررسی میزان رضایت مراجعان از فضای کتابخانه»، نشریه تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، دوره 17، شماره 3 (پیاپی 66)، پاییز 1390.

7. خاقانی زاده، مرتضی، شکراللهی، فریدون، «استفاده از رسانه ها و وسایل کمک آموزشی در تدریس»، مجله راهبردهای آموزش، دوره 2، شماره 3، پاییز 1388.

8. دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، مؤسسه فرهنگی ثقلین، قم، 1385.

9. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، ثقلین، قم، 1382.

10. رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، چاپ سوم، دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی کانون های فرهنگی هنری مساجد، تهران، 1385.

11. شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، جلد 1، جامعه مدرسین، قم، 1413 هجری قمری.

12. عباسی، رسول، طالقانی، غلامرضا، فقیهی، ابوالحسن، «تدوین الگوی مدیریت اثربخش مسجد»،

دوفصلنامه علمی - تخصصی اسلام و مدیریت، سال اول، شماره 1، بهار و تابستان 1391.

13. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، هیئت نشر معارف اسلامی، تهران، 1348.

14. محرمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی از آغاز تا عصر عباسیان، موسسه فرهنگی و انتشاراتی یمین، قم، 1379.

1. مرکز رسیدگی به امور مساجد، فروغ مسجد صلی الله علیه واله، مجموعه رهنمودهای مراجع تقلید، سخنرانی ها و مقالات ششمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد، ثقلین، تهران، 1389.

2. موظف رستمی، محمدعلی، روش های جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و نماز جماعت، پرهیب، کرج، 1385.

3. مهدوی نژاد، محمدجواد، مشایخی، محمد، «بایسته های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی- اجتماعی»، آرمان شهر، شماره 5، پاییز و زمستان 1389.

4. میرجلیلی، سید محمدجعفر، «عوامل مؤثر بر جذب جوانان به مسجد از نگاه جوانان یزدی»، فروغ مسجد صلی الله علیه واله، مجموعه رهنمودهای مراجع تقلید، سخنرانی ها و مقالات ششمین همایش بین المللی هفته جهانی گرامی داشت مساجد، ثقلین تهران، 1389.

5. نقره کار، عبدالحمید، «ارزیابی و نقد طرح و ساختمان جدید مسجد ولیعصر (عج) در مجاورت تئاتر شهر (تهران)»، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی، سال اول، شماره دوم، بهار 1393.

6. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، جلد اول، مؤلف، قم، 1373.

7. نوری طبرسی، میرزا حسن، مستدرک الوسائل، جلد 3، تحقیق مؤسسه آل البيت و احیاء التراث مشهد المطبوعه سعید، 1407 هـ - جری قمری.

8. نوری ها، علیرضا، چگونه مساجد را از غربت درآوریم؟، نسیم حیات، قم، 1383.

9. نیلی پور، مهدی، فرهنگ جوان، 568 نکته در موضوع جوان و جوانی، سلسبیل، قم، 1386.

10. واشقانی، فراهانی، علی، سیمای مسجد امام رضا علیه السلام، فخرالاسلام، اراک، 1391.

هنرپیشه، موسی، «20 راهکار برای فعال و جاذب شدن مساجد»، <http://lamrood.ir/news/show/13942813/>

نویسنده: علی عبدلی پور (1)

چکیده

مساجد در طول تاریخ به دلیل دارا بودن ظرفیت معنوی بالا، پناهگاه و مأمن خوبی برای در امان ماندن جوانان از انحرافات بوده اند. اما مهم، ایجاد انگیزه حضور جوانان در مساجد است. یکی از راه های جذب جوانان به این اماکن مقدس، برخوردها و رفتارهای مناسب اولیای امور مساجد در مواجهه با جوانان است.

حضور با شور و نشاط و مؤثر جوانان در مساجد، بایسته هایی را متوجه متولیان و دست اندرکاران امر مساجد می نماید تا در راستای عمل به آن، زمینه حضور فعال اقشار جوان را در مساجد فراهم نمایند. در این مقاله، ابتدا بایسته های اخلاقی و رفتاری مشترک متولیان امر مساجد ذکر شده، سپس بر اساس میزان اهمیت و تأثیر هرکدام از متولیان به ترتیب اولویت در چهار حوزه امام جماعت، هیئت امنا، نمازگزاران و خادم و نقش هرکدام به طور مجزا مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. نتایج این بررسی بیانگر آن است که امام جماعت به عنوان محور برنامه های فرهنگی مساجد، دارای نقش ممتاز و ویژه ای است که عنایت به بایسته های اخلاقی و رفتاری ایشان با جوانان در مسجد می تواند تأثیر بسزایی در جذب جوانان داشته باشد.

کلیدواژه ها: مسجد، جوان، امام جماعت، هیئت امنا، نمازگزاران.

ص: 243

هر جامعه ای جهت ترویج اسلام ناب و حاکم نمودن فضای معنوی و پاسخگویی به نیازهای دینی و مذهبی مردم، نیازمند مکان هایی مقدس چون مسجد است. مساجد از صدر اسلام تاکنون از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده است. هدف از بنای این اماکن مقدس گرد هم آمدن مؤمنان و تقدیس خداوند متعال و پاکی و طهارت معنوی بوده است. «فیه رجال یحبون ان یتطهروا و الله یحب المطهرین»: «در آنجا مردانی هستند که دوست دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.» (توبه: 108)

بدون شک حضور جوانان در مسجد موجب رشد و تعالی و بالندگی برنامه های فرهنگی آن می گردد. مساجد می توانند بهترین پاسخ به نیازهای مذهبی و دینی جوانان باشند.

از دیدگاه قرآن کریم به اندازه ای حضور در مساجد حائز اهمیت است که مانع شوندگان حضور در آن، ظالم ترین افراد معرفی شده اند. «مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا

أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ.» (بقره: 114): «کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن ها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون های عبادت) شوند. بهره آن ها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)» از طرفی کسانی که به مساجد رفت و آمد دارند و از اهل مساجد به شمار می آیند، به بهترین نحو موردستایش واقع گردیده اند. «لَمَسَّ جِدُّ أُسَسٍ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ. فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.» (توبه: 108): «مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد.»

احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز راز سعادت دنیوی و اخروی را حضور در مساجد می داند. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه واله گواهی به ایمان افراد را در گرو حضور در مسجد می داند و می فرماید: «اذا رأيتم الرجل يعتاد المساجد فاشهدوا له بالایمان.» (نوری، ج 3، 1414 هجری قمری، ص 362) و در جای دیگری اهل مسجد، محبوب فرشتگان معرفی شده اند: «ان للمساجد اوتادا للملائكة.» (مجلسی، جلد 80، 1403 هجری قمری، 373)

از طرفی حضور جوانان در مساجد و ارتباط با مؤمنان، دارای فواید اخلاقی، تربیتی، علمی و اجتماعی است. حضرت علی علیه السلام در روایتی، فواید حضور در مساجد را چنین بیان می فرماید: «من اختلف الى المسجد اطاب احدى الثمان: اخا مستفاداً فى الله أو علماً مستطرفاً أو آية محكمة أو يسمع كلمة تدل على هدى أو رحمة منتظرة أو كلمة ترد عن ردى أو يترك ذنباً خشيئاً أو حياءً.» «کسی که پیوسته به مسجد برود، یکی از منافع

هشتگانه نصیبتش خواهد شد: برادران مفید و باارزشی پیدا می‌کند. با علم و دانش تازه آشنا می‌شود. عقاید خود را با دلیل و برهان محکم و استوار می‌سازد. کلمات و سخنانی که موجب هدایتش شود، می‌شنود. رحمت الهی شامل حالش می‌گردد. موعظی که او را از فساد و گناه جلوگیری می‌کند، می‌شنود به خاطر حیا و آبروی خویش ترک گناه می‌کند. به خاطر ترس الهی مرتکب عمل خلافی نمی‌شود.» (حرعاملی، جلد 3، 1414 هجری قمری، ص 480)

فراهم آوردن زمینه حضور پرشور جوانان در مساجد، می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقای جایگاه فرهنگی برنامه‌های مسجد فراهم آورد. یکی از راهکارهای رسیدن به این هدف، تعامل و رفتار مناسب با جوانان در راستای حضور هر چه بیشتر آنان در فضای معنوی مساجد است. عدم آشنایی برخی از متولیان مساجد با شیوه‌های رفتار با جوانان، اعمال سلیقه شخصی در برخورد و نداشتن برنامه فرهنگی مناسب برای جذب جوانان، از عواملی است که حضور جوانان در فضای مسجد را با مشکل مواجه نموده است. ضرورت انجام این پژوهش زمانی آشکار می‌شود که علی‌رغم اعتقاد قلبی جوانان به مسئله توحید، معاد و ضروریات دین، حضور آنان در مسجد چندان چشمگیر نیست. «مشکل اساسی جوان امروز، عدم اعتقاد به خدا، معاد و نماز به شکل سنتی آن نیست؛ مشکل اینجاست که چرا با وجود اعتقاد به بنیان‌های دینی، جلوه‌های دین‌داری در جامعه آن‌گونه که باید پدیدار نشده است.» (ابوالقاسمی، 1388 ص 108)

در این نوشتار بایسته‌های رفتاری و اخلاقی دست‌اندرکاران مساجد شامل امام‌جماعت مسجد، هیئت‌امنا، خادم و نمازگزاران به صورت جداگانه واکاوی شده و نقش هرکدام از بایسته‌ها به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته است. سؤالات اصلی و فرعی زیر ساختار کلی این مقاله را تعیین می‌کند:

• سوال اصلی:

انتظارات جامعه و جوانان از متولیان فرهنگی مساجد در راستای تعامل و برخورد با آنان چیست؟

• سؤالات فرعی:

1- بایسته‌های اخلاقی و رفتاری امام‌جماعت با جوانان در مسجد چیست؟

2- بایسته‌های اخلاقی و رفتاری هیئت‌امنا با جوانان در مسجد چیست؟

3- بایسته‌های اخلاقی و رفتاری خادم با جوانان در مسجد چیست؟

4- بایسته‌های اخلاقی و رفتاری نمازگزاران با جوانان در مسجد چیست؟

ص: 245

جوانی نقطه عطفی در زندگی انسان ها به حساب می آید. جوان استعدادها و ویژگی های برجسته ای دارد. در این دوران نشاط و شادی، طراوت و پاکی، شجاعت و سرسختی، استقلال طلبی و عدالت خواهی، ایثار و از خودگذشتگی، سراسر وجود جوانان را فرا می گیرد. «در دوران جوانی روح عرفان، اخلاق و معنویت متجلی می شود. ویژگی ها و استعدادهای نهفته در وجود جوانان، بستر مناسبی برای طراحی و ایجاد هرگونه تغییر و تحول فردی و اجتماعی است. به طوری که چرخ بیشتر انقلاب ها و گردونه بسیاری از تحولات توسط این گروه به حرکت درآمده و سرعت می گیرد» (پژوهشکده باقرالعلوم، 1390، ص 32) رودخانه خروشان نسل جوان کشور و اختصاص درصد بالایی از جمعیت کشور به این قشر، یک فرصت مغتنم و یک نعمت الهی بی بدیل است که می تواند برکت و سازندگی مملکت اسلامی ما را در پی داشته باشد که در صورت برخورد ناشایست و برآورده نکردن نیازهای این قشر، یک فرصت ایده آل به تهدید و بحرانی فراگیر تبدیل می شود. دست ها و دسیسه های ناپاک استکبار و دشمنان اسلام از طریق تبلیغات سوء و زهرآلود خود در قالب ظواهری آراسته و دل فریب، در پی جذب این قشر عظیم هستند تا بتوانند دیدگاه آنان را نسبت به معارف اسلامی و ارزش های الهی دگرگون کنند و هویت دینی جوانان را به انحراف بکشانند.

مسئله جوانان به قدری حائز اهمیت است که توصیه به مراقبت از این قشر در روایات معصومین علیهم السلام و سفارش بزرگان بسیار وارد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «اوصیکم بالشبان خیراً فإنهم ارقّ أفندة انّ الله بشیراً و نذیراً فَحَالَ فَنِي الشبان و خالفنی الشیوخ»: «من شما را درباره جوانان توصیه می کنم به خیر و نیکی. زیرا آنان نازک دل اند. خداوند مرا به پیامبری و بشارت و انداز برانگیخت. جوانان به من گرویدند و یاری ام کردند و بزرگان و پیران به مخالفت با من برخاستند.» (قمی، جلد 2، 1416 هجری قمری، ص 17) امام صادق علیه السلام می فرماید: «علیک بالاحداث فإتھم أسرع الی کلّ خیر»: «جوانان را دریابید؛ زیرا آنان زودتر از دیگران به کارهای خیر روی می آورند.» (کلینی، جلد 8، 1363، ص 93) همچنین در جای دیگری می فرماید:

بادروا أحداثکم بالحدیث قبلان تَسَبُّقَکُمْ إِلَیْھِمْ الْمُرَجِّئُ: «به آموختن حدیث (معارف دینی) به جوانان، پیش از آن که منحرفین آنان را گمراه سازند، اقدام نمایید.» (شیخ طوسی، جلد 8، 1382 هجری قمری، ص 111، ح 381)

در انقلاب شکوهمند اسلامی نیز جوانان نقش پررنگ و بی بدیلی داشتند و اکثر یاران امام راحل را قشر جوان تشکیل می دادند. در دوره آخرالزمان هم اکثر یاران عدالت گستر جهان، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

را

جوانان تشکیل می دهند: «ان الاصحاب القائم شباب لا كهول فيهم.» (مجلسی، جلد 52، همان، ص 333 و 334)

کسی که می خواهد با جوانان نشست و برخاست داشته باشد، با آنان ارتباط برقرار کند و برای آنان برنامه ریزی داشته باشد، باید کاملاً با ویژگی ها و خصوصیات جوانان آشنایی داشته باشد. کسی که خصوصیات دوران جوان را خوب نشناسد، مسلماً در ارتباط و تعامل با آنان دچار اشتباه می شود.

(ب) بایسته های مشترک رفتاری و اخلاقی متولیان مساجد با جوانان

1-1- خوش رویی و خوش رفتاری با جوانان

حسن خلق اسلامی یکی از فضایل بسیار پسندیده و مؤکد در اسلام است. رفتار نیکو با مردم خصوصاً با جوانان، راه نفوذ به اعماق دل آنان را می گشاید و جوان را جذب می کند. به قدری این موضوع اهمیت دارد که خداوند به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله می فرماید: «اگر با مردم تندخو بودی از اطرافت پراکنده می شدند»: «ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك.» (آل عمران: 159) پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله هدف بعثت خود را به کمال رساندن اخلاق می داند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ «من تنها برانگیخته شده ام تا اخلاق بزرگوارانه را به کمال رسانم.» (مجلسی، ج 71، همان، ص 382) آن حضرت در جای دیگری می فرماید: «با دارایی خود نمی توانید دل مردم را به دست بیاورید؛ پس دلشان را با اخلاق (نیک) به دست آورید.»: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَدَّ عَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ؛ (الابی، جلد 1، 2004 میلادی ص 123). امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «عقل ترین مردم خوش خلق ترین آن هاست.»: «أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ خَلْقًا.» (کلینی، جلد 1، همان، ص 27) با این تقاسیر در فضای مساجد متولیانی می توانند در جذب جوانان موفق عمل کند که آراسته به اخلاق حسنه اسلامی باشند. برخورد با روی گشاده با جوانان، اولین و اساسی ترین گام در موفقیت این راه است. معمولاً در مساجدی که برخورد مناسبی با جوانان دارند، حضور جوانان در آن مسجد چشمگیرتر و پررنگ تر است.

1-2- درک جوانان

بدون شک رونق و پایداری مساجد در گرو همت و تلاش متولیان و دست اندرکاران آن است. هراندازه تلاش و کوشش اهالی مسجد در جهت ارتقای فرهنگی مسجد بیشتر باشد، به همان اندازه جایگاه آن مسجد بالاتر می رود. بر کسی پوشیده نیست که مسجدی می تواند جایگاه خود را ارتقا دهد که

هسته

ص: 247

اصلی مجریان و برنامه های آن، جوانان باشند. «یونگ یک روانکاو سوئیسی است که می گوید جوانان امروز همان قدر فطرتاً خداشناس اند که جوانان قدیم بودند؛ ولی باید با جوانان برنامه کاربردی داشته باشیم و به زبان خودشان با آنان صحبت کنیم و از همه مهم تر آنان را درک کنیم.» (طهماسبی، همان، ص 123)

دوران جوانی اقتضائات خاص خود را دارد. کم تجربگی، عبور از بحران دوران بلوغ، روحیه استقلال طلبی و مواردی از این قبیل. یک برخورد و رفتار ناصحیح اهل مسجد با یک جوان، کافی است تا پیامدهای ناگوار روحی و موجبات دین گریزی فرد را به دنبال داشته باشد. آشنایی با این خصوصیات و اقتضائات می تواند متولیان مساجد را در درک بهتر جوانان و انتخاب الگوی مناسب رفتاری یاری نماید. شاید به دلیل شرایط خاص دوران جوانی، نوع رفتار و پوشش آنان، مطابق میل افراد سالخورده و مسن در مساجد نباشد. در اینجا نباید ما عقاید خود را بر آنان تحمیل نماییم. بنا به فرمایش امام علی علیه السلام: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ»: «آداب و رسوم خود را به فرزندانان تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند.» (ابن ابی الحدید، جلد 20، همان، ص 267، ح 102) متأسفانه گاهی اوقات مشاهده می شود که بعضی از افراد به صورت سلیقه ای، به دلیل اختلاف دیدگاه، برخورد تندی را مرتکب می شوند که موجب دلسردی جوانان می گردد. بی مناسبت نیست داستانی از شهید مطهری در اینجا ذکر نمایم. ایشان می فرمایند: «شخصی به مسجدی می آمد و نماز جماعتش ترک نمی شد. او توسط یکی از مقدسین مورد عتاب قرار گرفت که اگر مسلمانی چارپشت را این طور کرده ای؟ او از همان جا سجاده را برمی دارد و می گوید: این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان و رفت که رفت.» (مطهری، جلد 2، 1381، ص 110)

مقام معظم رهبری در خاطراتش می فرماید: «سراغ مخاطبتان بروید و زبان ویژه او را پیدا کنید؛ و اگر دیدید که سخت است، یک راه میان بر انتخاب کنید و آن زبان خوش است. شماها می دانید که بنده خودم سال ها، پیش نمازی می کردم و همین طور عمل می کردم؛ لذا مسجد بنده هم همیشه مملو از جوانان بود. شهدی هایی که سنشان کفاف بدهد این را می دانند. مسجدی که بنده نماز می خواندم، بین نماز مغرب و عشا هیچ وقت داخل مسجد، جا نبود. هشتاد درصد هم از قشر جوان بودند، برای خاطر اینکه با جوانان تماس می گرفتم. در همان سال ها پوستین های وارونه مد شده بود و جوانان خیلی مد بالا آن را می پوشیدند. یک روز دیدم جوانی که از این پوستین های وارونه پوشیده است، صف اول نماز در پشت سجاده من نشسته است. یک حاجی محترم بازاری هم که مرد خیلی فهمیده ای بود و من خیلی خوشم می آمد که او در صف اول می نشست، در کنار این جوان نشسته بود. دیدم رویش را به این جوان کرد و

چیزی در گوشش گفت و این جوان مضطرب شد. برگشتم به آن حاجی محترم گفتم: چه گفتی؟ جوان گفت چیزی نیست. فهمیدم که این آقا به آن جوان گفته مناسب نیست شما با این لباس در صف اول بنشینید! گفتم نه آقا اتفاقاً مناسب است. شما همین جا بنشینید و تکان نخورید. گفتم: چرا می گویند این جوان عقب برود؟ بگذارید بدانند جوان با پوستین وارونه هم می تواند بیاید به ما اقتدا کند و نماز جماعت بخواند. برادران اگر پول و امکانات هنری نداریم، اگر ترجمه قرآن به زبان سعدی زمانه نداریم؛ اخلاق که می توانیم داشته باشیم. «المومن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه.» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 32)

با اخلاق سراغ این جوانان و دل ها و روح ها و قلب هایشان بروید. آن وقت تبلیغ انجام خواهد شد.» (طهماسبی، همان، ص 124-125)

ج) امام جماعت

1- بایسته های رفتاری و اخلاقی امام جماعت با جوانان

اشاره

در میان کسانی که به گونه ای در اداره امور مساجد دخالت دارند، امام جماعت دارای نقشی ممتاز و ویژه است؛ زیرا او بار هدایت فکری، تربیتی و فرهنگی مسجد را بر دوش دارد. از این رو صلاحیت ها و شایستگی های او به طور مستقیم بر مسجد اثر می گذارد و آن را در راستای رسیدن به مسجد نمونه یاری می کند. (نوبهار، 1377 ص 83) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد اهمیت وجود فردی افضل به عنوان امام و پیشوا می فرمایند: «امام القوم و افدوهم فقدّموا افضلکم»: «امام و پیشوای جماعت کسی است که می خواهد بین مخلوق و خالق وساطت کند؛ پس افضل قوم را مقدم بدارید.» (فیض کاشانی، جلد 2، 1387، ص 5)

در جای دیگری می فرماید: «کسی که پشت سر عالمی نماز بگذارد همچون کسی است که در نماز به پیامبر اقتدا کرده است.» (حر عاملی، جلد 5، همان، ص 416)

مقام معظم رهبری می فرمایند: «مسجد قائم به پیش نماز است. خادم تأثیر خیلی کمی دارد؛ یعنی در مقایسه با پیش نماز واقعاً تأثیرش ده بر یک هم نیست. البته تأثیراتی دارد اما ملکه زنبور عسل مسجد پیش نماز است. پیش نماز هر چه و هر کس هم که باشد، وقتی اعتنایی به مسجد نداشت، تأثیر کمی خواهد داشت.» (شایگان، 1389، ص 30)

امام جماعت به عنوان محور و رکن برنامه های فرهنگی مساجد علاوه بر امامت جماعت مسجد، وظیفه سنگین هدایت برنامه ها، هماهنگی اعضای فعال در مسجد، حل و فصل اختلافات میان اعضا و ایجاد همبستگی و همدلی در میان آن ها را نیز بر عهده دارد. انتظاراتی که جوانان از امام جماعت مسجد دارند، با

انتظاراتی که افراد سالخورده و مسن دارند، تفاوت دارد. اگر امام جماعت نتواند انتظارات جوانان را برآورده سازد، قطعاً جوانان میل و رغبتی برای حضور در مسجد نخواهند داشت. هراندازه امام جماعت بتواند در روح و فکر جوانان نفوذ کند، توفیق بیشتری در جذب آنان به مسجد پیدا خواهد کرد. در ادامه به مواردی که رعایت آن توسط امام جماعت باعث جذب جوانان به مسجد می شود اجمالاً اشاره می گردد:

1-1- تشویق جوانان موفق مسجدی و الگوسازی برای سایر جوانان

تشویق یکی از مهم ترین ابزار تربیتی است که برای برانگیختگی و شکوفاسازی استعدادهای انسان برای رسیدن به کمال قابل بهره گیری است. نقش تربیتی و مثبت تشویق این است که نیروهای خفته آدمی را برمی انگیزاند و میل به تلاش و شادابی را فراهم می سازد. تشویق باید بجا و متناسب و متوازن با میزان و نوع عمل باشد و باید در این راستا روحیات، گرایش ها و شخصیت فرد در نظر گرفته شود تا بیشترین تأثیر را داشته باشد.

تشویق، با دو خواسته جوان همخوانی دارد: جوان ستایش خواه است و می خواهد جلب توجه کند. جوان شیفته تحسین و تمجید است، به ستایش ها دل می بندد و حاضر است خود را فدای کسی کند که صلاحیت و شایستگی او را تأیید کرده یا به بیان توانایی های او پرداخته است.

تشویق جوانی که در مسجد حاضر شده، چنانچه با شخصیت و روحیات او موافق باشد، پاسخی است به خواسته های درونی او در زمینه ذهن و عاطفه اش که دوام حضور او و آغاز حضور دیگر جوانان را نوید می دهد (محمدخوانی شهری، 1389، ص 418)

در محیط مسجد، امام جماعت می تواند با استفاده از این ابزار و تشویق جوانانی که شرایط تشویق را دارند، ضمن ارج نهادن به شخصیت آنان، زمینه های الگوگیری و پیشرفت دیگر جوانان را فراهم نماید.

1-2- همدلی و همراهی با جوانان

یکی دیگر از راه های به دست آوردن دل و قلب جوانان، همدلی است. اگر حرف جوانان خوب شنیده شود و به درد دل های آنان پاسخ مناسب داده شود، روحیات آنان تقویت می شود و زمینه های حضور هر چه بیشتر آنان در مسجد فراهم می شود. متولیان و دست اندرکاران مسجد خصوصاً امام جماعت وظیفه سنگین تری در این مورد دارند.

1-3- اختصاص وقت کافی به جوانان در مسجد

امام جماعت مسجد می تواند نقش مهمی در جذب جوانان به مسجد ایفا کند. داشتن ارتباط عاطفی و دوستانه با جوانان، توجه به مشکلات آنان و آمادگی لازم در جهت پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی جوانان، از ملاک هایی است که می تواند جوانان را جذب مسجد نماید. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «روحانی پرهیزکار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روحیه و مایه حیات مسجد است. امامان جماعت باید آماده سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند.» (قسمتی از پیام مقام معظم رهبری به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز)

شایسته است ائمه جماعات علاوه بر زمانی که برای اقامه نماز جماعت صرف می کنند، زمانی هم برای جوانان اختصاص دهند. حضور در مسجد قبل از اذان و همچنین بعد از برگزاری نماز، زمان مناسبی برای ارتباط عاطفی و دوستانه با جوانان و پاسخگویی به مطالبات آنان و رسیدگی به مشکلات و ارائه راهکارهای مناسب در جهت رفع آن ها است.

در روایتی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله آمده است: «امام جماعت سپر است همان طوری که سپر جان انسان را در برابر حملات دشمن حفظ می کند، امام جماعت نیز سپری است برای اسلام در برابر هجمه های سنگین علمی و فرهنگی دشمنان»: «الامام جنه، فان اتم فلکم وله و إن نقص فعلیه النقصان و لکم التمام.» (الهندی، جلد 7، 1405 هجری قمری، ص 592)

1-4- ایجاد ارتباط با جوانان تازه وارد و تکریم و احترام ویژه به آنان

جوانانی که برای اولین بار وارد فضای مسجد می شوند و در نماز جماعت شرکت می کنند، شایسته است مورد توجه بیشتری قرار گیرند تا زمینه های استمرار حضور آنان فراهم گردد. این گونه افراد باید مورد توجه و تقدیر امام جماعت واقع شوند. زمینه آشنایی او با دیگر جوانان نمازگزار فراهم شود و در جریان فعالیت ها و برنامه های مسجد قرار گیرند تا انگیزه استمرار حضور و شوق و اشتیاق در آنان به وجود آید.

1-5- بیان مسائل و مباحث مبتلابه جوانان

یکی از کارکردهای عمده مساجد از صدر اسلام تاکنون، جنبه آموزشی آن بوده است. امام جماعت مسجد می تواند مباحث آموزشی را به جهتی سوق دهد که برآورده کننده نیازهای جوانان باشد. حتی با

بهره‌گیری از کارشناسان و صاحب نظران، در قالب گفت‌وگوهای دینی جوانان، مسائلی مانند بلوغ، عفاف و حجاب، ماهواره و فضای مجازی، ازدواج و تحصیل، روابط دختر و پسر و... را که بیشتر مبتلابه جوانان است مطرح نماید.

1-6- تبیین شیوه‌های صحیح عزاداری و تعظیم شعائر دینی برای جوانان

عزاداری حضرات معصومین علیهم السلام خصوصاً حضرت سیدالشهداء علیه السلام از شعائر بزرگ دینی و موجب دوام و بقای تشیع است که همواره مورد تأکید روایات و بزرگان دین بوده است. استمرار این نهضت بزرگ، با بهره‌گیری صحیح و درست از مکتب عاشورا و با اجرای شکل صحیح عزاداری‌ها و دوری از هرگونه تحریف و بدعت امکان‌پذیر است. لازم است ائمه جماعات، جوانان را به برگزاری عزاداری‌های عاری از هرگونه آسیب، تشویق و جنبه‌های صحیح عزاداری را برای آنان تبیین نمایند تا شاهد بروز خرافات و بدعت در عزاداری‌ها که عمدتاً از ناحیه دشمنان اسلام ترویج می‌گردد، نباشیم.

1-7- بیان الگوهای اخلاقی و رفتاری ائمه معصومین علیهم السلام به جوانان

شیوه زندگی ائمه معصومین علیهم السلام و سیره آنان، پس از قرآن کریم، منبع اصلی تدوین برنامه سبک زندگی اسلامی شناخته می‌شود. ائمه معصومین (علیهم السلام) نمونه کامل اخلاق و رفتار انسانی و شاخصی برای سنجش میزان اخلاق‌مداری هستند تا آنجا که خداوند در مورد پیامبر گرامی اسلام (صلی... علیه وآله و سلم) می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ.» (و تو (ای پیامبر) بر قله اخلاق و کرامت قرار داری.) (قلم: 4) آن حضرت با تمام مراتب و مقامی که خداوند به وی عطا کرده بود، خود را در مقایسه با دیگران یک شخص معمولی به حساب می‌آورد و هیچ‌گونه امتیازی بر خود قائل نبودند. به عنوان مثال حضرت در یکی از سفرها که همراه اصحاب خود بود، در بین راه دستور داد گوسفندی را ذبح کنند و غذایی تهیه نمایند. مردی گفت: کشتن گوسفند با من باشد، دیگری گفت: پوست کندن آن با من باشد. یک هم گفت: پختن آن را من به

عاهده می‌گیرم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من هم هیزم آن را آماده می‌کنم! اصحاب گفتند: با رسول الله! پدران و مادران ما فدای شما باد، خود را به زحمت نیندازید، ما خود هیزم را جمع‌آوری خواهیم کرد. حضرت فرمود: می‌دانم که شما این کار را برای من انجام می‌دهید اما خدای عزوجل نمی‌پسندد که بنده اش خود را از اصحابش ممتاز کند! آنگاه برخاست و هیزم جمع‌آوری کرد. (فیض کاشانی، جلد 4 همان، ص 61) این الگوهای رفتاری می‌تواند ترسیم‌کننده یک

سبک زندگی اسلامی باشد. امامان جماعت جهت نهادینه کردن این الگوهای رفتاری در بین جوانان به بیان نمونه های فضایل اخلاقی معصومین علیهم السلام پردازند و احادیث آن بزرگواران را در این باب سرلوحه زندگی جوانان قرار دهند.

1-8- پاسخگو بودن امام جماعت به مطالبات علمی نسل جوان

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و اله در نصب امامان جماعت، همواره برخورداری آنان از دانش را مورد توجه قرار می داد. آن حضرت، معاذ بن جبل را که یک چهره علمی بود، به امامت مسجد قبا برگزید و عثمان بن ابی العاص را نیز با وجود کم سالی، به دلیل اینکه از نظر علم و دانش از دیگر مردم قبیله خویش برتر بود، به امام جماعت آنان گمارد. (نوبهار، همان، ص 85)

نسل جوان امروز ما نسلی پرسشگر و مطالبه گر است. امروزه شبکه های ماهواره ای و دنیای مجازی با تبلیغات مسموم خود، اذهان جوانان ما را با شبهات مختلفی مواجه نموده اند. مقام معظم رهبری می فرماید: «امروز جوان های ما احتیاج دارند که از لحاظ فکری دستگیری شوند؛ هم آن کسانی که در حال شبهه هستند هم آن کسانی که شبهه در آن ها کارگر شده و از حیطة اعتقاد صحیح خارج شده اند، هم کسانی که جزو معتقدان و متعبدان هستند که در این ها فکر را باید عمق داد و شبهه را از آن ها زدود. امروز حرف های غلط نسبت به مبانی اسلامی و علمی و دینی به صورت عامیانه اما در قالب های آرایش شده و در قالب فکر نو ادا می شود که باید با آن برخورد علمی شود و در برابر شبهات نباید همیشه به صورت تدافعی عمل کنیم. باید زمینه های ایجاد شبهه را شناخت و آن ها را برطرف کرد.» (طهماسبی، همان، ص 89-90) از آنجاکه بهترین مکان برای پاسخگویی به مطالبات علمی نسل جوان فضای مساجد است، لذا امامان جماعت همواره باید از لحاظ علمی آمادگی لازم را برای پاسخگویی به شبهات جوانان کسب نمایند.

ح) هیئت امنا

1-1- بایسته های رفتاری و اخلاقی هیئت امنا و اهالی مساجد در مواجهه با جوانان در مسجد

1-1- تشخیص پاسخ دهی به نیاز جوانان در مساجد

تشخیص نیاز و پاسخ به آن، از انگیزه های حضور جوانان در مساجد است. جوانان با توجه به اقتضای این سن، دارای نیازهای معنوی و مذهبی هستند و به دنبال جایی هستند که روح و جان خود را سیراب کنند. مسجد بهترین مکان برای پاسخگویی به این گونه نیازهاست؛ به این شرط که متولیان، اولاً از

نیازهای جوانان آگاهی داشته باشند و ثانیاً پاسخی مناسب در جهت برآورده کردن نیازها با برنامه ریزی

هدفمند بیابند. وقتی نیازهای روانی، عاطفی، معنوی و اخلاقی جوانان به خوبی شناخته شود، برنامه ریزان فرهنگی در مساجد قادر خواهند بود برنامه ای تدوین کنند که پاسخگوی نیازهای گوناگون جوانان باشد.

1-2- نمایش الگوی عملی برای جوانان

متولیان مساجد باید بدانند خواه ناخواه جوانان از رفتار و عمل آنان الگوبرداری می کنند و تابع نوع عملکرد آنان هستند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله می فرماید: «المرء علی دین خلیله و قرینه»: «روش آدمی بر طبق مذهب و سیره دوست صمیمی و رفیق دلبندش خواهد بود.» (حر عاملی، ج4، همان، ص 207)

صلاح و فساد جوامع به شدت متأثر از عملکرد متولیان دین است و در جوامعی که حکومت دینی وجود دارد، بیش از همه عالمان و فقیهان دینی و نیز زمامداران و حاکمان در این باره مسئولیت دارند. رفتار و سلوک و عملکرد متولیان دین، شخصی و فردی تلقی نمی شود و صلاح و فساد آنان با توجه به مراتب و حوزه عملشان، جامعه را در برمی گیرد. فاصله طولانی میان قول و عمل متولیان دیانت، از عوامل بااهمیت دین گریزی است. اگر ارزش ها و سلوک دینی از جانب کسانی زیر پا گذاشته شود که انتظار از آنان نمی رود، باورهای دینی مردمان متزلزل می شود و میل به دین داری و پایبندی به دین در آنان کاهش می یابد. هرگاه عالمان دین به علم خود عمل ننمایند، خطر سست شدن باورهای دینی مردمان افزایش می یابد. (پژوهشکده باقرالعلوم، همان، ص 29)

قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لِم تقولون ما لا تفعلون»: «ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی می گوید که به آن عمل نمی کنید؟» (صف:2)

عمل به آنچه انسان دیگران را به آن دعوت می کند، باعث نفوذ در قلب و دل طرف مقابل می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «ای مردم سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی کنم مگر آنکه پیش از آن خود به آن عمل کرده ام. شما را از معصیتی باز نمی دارم، جز آنکه پیش از آن ترک نموده ام.» (نهج البلاغه خطبه 17). از این جهت انتظار می رود نمازگزاران و هیئت امنای مساجد، یک الگوی عملی و رفتاری تمام عیار برای جوانان مسجدی باشند.

1-3- بسترسازی مناسب جهت حضور پر نشاط جوانان در مسجد

یکی از بایسته های رفتاری هیئت امنای و دست اندرکاران مساجد بسترسازی مناسب فرهنگی است.

بدین صورت که فضای فرهنگی مساجد به گونه ای برنامه ریزی شود که قسمتی از خواسته جوانان را تأمین کند. ایجاد شور در برنامه های عزاداری و موالید ائمه معصومین علیهم السلام با حفظ چارچوب شرعی و اسلامی آن، تنوع بخشی به برنامه ها و غنابخشی به محتوای آن، دعوت از نخبگان، هنرمندان، ورزشکاران و شخصیت های موجهی که به نوعی الگوی جوانان هستند. فراهم نمودن برنامه سخنرانی و دیدار چهره به چهره با جوانان، می تواند زمینه های جذب جوانان به مساجد را فراهم نماید.

1-4- جذاب نمودن فضای فیزیکی مساجد

امروزه یکی از فاکتورهای مهم ایجاد انگیزه حضور جوانان در محیط ها و اماکن مذهبی، طراوت و جذابیت فیزیکی آن محیط است؛ بنابراین مساجد هم از این امر مستثنا نیستند. قطعاً مسجدی که نامنظم و نامرتب باشد و از نظر بهداشتی و پاکیزگی، مورد توجه قرار نگیرد، محیط خوبی برای بندگان مؤمن خدا جهت راز و نیاز و گفتگو با او نخواهد بود. لذا یکی از وظایف متولیان امر مساجد، آماده کردن این مکان های مقدس برای نمازگزاران و مؤمنان است. این آمادگی از دو جهت معنوی و بهداشتی است. هراندازه محیط مسجد پاکیزه و بهداشتی باشد، افراد بیشتری از جوانان و اقشار مختلف را به خود جذب می کند. خداوند خطاب به حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام می فرماید:

«وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»: «خانه مرا جهت طواف کنندگان و معتکفین و رکوع کنندگان و سجده کنندگان تطهیر گردانید.» (بقره: 125)

ضروری است که نمازگزاران و اهالی مسجد هنگام رفتن به مسجد و حضور در محیط مسجد، به بهداشت ظاهری مسجد توجه داشته باشند. قرآن کریم در این مورد می فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»: «ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید.» (اعراف: 31)

تفسیر صافی از قول نجاشی نقل می کند که امام حسن علیه السلام بهترین لباسش را به هنگام نماز می پوشید. وقتی به او گفتند چرا این کار را می کنی؟ حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَلُ لِرَبِّي هُوَ يَقُولُ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید.) (اعراف: 31) (فیض کاشانی، جلد 2، 1415 هجری قمری، ص 327)

1-5- مشارکت دادن جوانان در برنامه های فرهنگی مساجد و استفاده از نظرات و ایده های آنان

یکی از انتظارات جوانان از متولیان مساجد مشارکت دادن آنان در برنامه های مسجد و استفاده از

رای و نظر آنان است. دین مبین اسلام همواره به مشورت و استفاده از آرای دیگران در تصمیم‌گیری‌ها سفارش می‌کند و بر استفاده از خرد جمعی تأکید دارد. قرآن کریم به این موضوع اشاره نموده و می‌فرماید: «الذین استجابوا لربهم واقاموا الصلاه وامرهم شوری بینهم» (شوری: 48): «کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آن هاست.» حضرت علی علیه السلام بر یاری گرفتن از آرای جوانان تأکید فراوان می‌کند می‌فرماید: إِذْ آخْتَجْتِ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرِ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسْتَبَدَّ بِبِدَائِهَا الشُّبَّانُ، فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَ أَسْرَعُ حَدْسًا، ثُمَّ رُدَّةٌ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى رَأْيِ الْكُهُولِ وَ الشُّيُخِ لِيَسْتَعْقِبُوهُ وَ يَحْسِنُوا الْأَخْتِيَارَ لَهُ، فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ»؛ «هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه نما؛ زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس (نتیجه) آن را به نظر میان سالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، چراکه تجربه آنان بیشتر است.» (ابن ابی الحدید، جلد 20، همان، ص 337، ح 866)

خ) نمازگزاران

1- بایسته‌های رفتاری و اخلاقی نمازگزاران در مواجهه با جوانان در مسجد

اشاره

نمازگزاران مسجد شامل افرادی است که در اوقات نماز و برای برگزاری نماز جماعت در مسجد حضور می‌یابند و معمولاً از هر سن و قشری در میان آنان وجود دارد؛ از آنجاکه رفتار و برخورد آن‌ها مستقیماً روی جوانان تأثیر دارد و می‌تواند الگویی برای جوانان باشد و در جهت تقویت رابطه بین جوان و مسجد و تداوم حضور آنان و پررنگ نمودن نقش جوانان در برنامه‌های مسجد اثرگذار باشد، بنابراین بایسته‌های رفتاری و اخلاقی آنان با جوانان امری اجتناب‌ناپذیر است که در زیر به مواردی از آن اشاره می‌گردد:

1-1- مهرورزی

یکی از شیوه‌های مهم در جذب جوانان به مسجد، مهرورزی با آنان است. قرآن کریم رمز محبوبیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در بین مردم را نرم‌خویی و مدارا با مردم می‌داند. بعضی‌ها گمان می‌کنند پیامبران الهی فقط با نیروی اعجاز در قلوب مردم نفوذ می‌کنند؛ درحالی‌که غیر از مسئله اعجاز، یکی از موجبات نفوذ آنان، اخلاق و رفتار کاملاً انسانی‌شان بوده است. طرز برخورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله با مردم طوری بود که آنان را به سرعت به سوی خود و تعلیمات عالی خویش جلب و جذب می‌نمود. آن حضرت از پیروان خود نیز خواسته است که از این عنصر سازنده در روابط اجتماعی خود استفاده نمایند. آنجا که می‌فرماید: «ای

فرزندان عبدالمطلب شما نمی توانید با ثروت و سرمایه مادی خود محیط وسیع و پرمهری را به وجود آورید که همه را در برگیرد و دل های آنان را به شما متوجه سازد پس با روی بشاش و چهره گشاده با مردم برخورد کنید و محبتشان را جلب کنید.» (کلینی، جلد 2، همان، ص 103)

مودت و همدلی در سایه مهرورزی به وجود می آید و باعث نزدیکی قلوب به همدیگر می شود. حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می فرماید: «بالتو دد تكون المحبه.» (آمدی، جلد 2، 1410 هجری قمری، ص 200) «محبت در سایه مهرورزی فراهم می آید.» جوانان قلب های پاک و نورانی دارند که با مهرورزی می توان در آن نفوذ کرد.

1-2- برخورد متواضعانه

یکی از مهم ترین و برترین صفاتی که یک نمازگزار باید داشته باشد، تواضع و فروتنی است. فروتنی زیننده هر نمازگزاری است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «بدون تردید نزدیک ترین و محبوب ترین شما در نظر من در روز قیامت، آن مؤمن دوستداری است که اخلاق او نیکوتر و تواضع او بیشتر باشد و البته دورترین افراد نسبت به من در روز قیامت کسی است که اهل تکبر باشد.» (حر عاملی، جلد 20، همان، ص 304)

یکی از راه های جلب محبت جوانان، برخورد و رفتار متواضعانه با آنان است. برخورد و رفتار مغرورانه و متکبرانه، موجب دوری جوانان از مسجد می گردد و موجب کاسته شدن محبت از طرف آنان

می شود. «حضرت علی علیه السلام سه عامل را موجب محبت دیگران به انسان می داند: دین داری، فروتنی و بخشندگی.» (سبحانی نیا، 1385 ص به نقل از آمدی، جلد 4، همان، ص 121)

1-3- بیان نیکو با جوانان

رعایت جانب ادب در گفتار و متانت در کلام، موجب جلب محبت و عاطفه و نرم ساختن قلب ها و دل ها می گردد. ارتباط کلامی مطلوب با جوانان در محیط مسجد، موجب کاهش تنش و برقراری ارتباط محبت آمیز می گردد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «زیانت را به کلام نرم و بذل سلام عادت ده که دوستداران تو زیاد می شوند و ناراحت شوندگان از تو کاهش می یابند.» (آمدی جلد 5، همان، ص 345) شایسته است نمازگزاران در مواجهه با جوانان در مسجد از زبان نرم و بیان نیکو استفاده کنند تا ضمن نزدیکی قلوب به همدیگر، حسن خلق اسلامی را در بین جوانان ترویج دهند.

ص: 257

1-4- نادیده گرفتن خطاها و اشتباهات جوانان

به غیر از معصومین علیهم السلام که دارای مقام عصمت هستند، هیچ کس عاری از خطا و لغزش نیست. خصوصاً جوانان به دلیل خامی و کم تجربگی، ممکن است خطاها و اشتباهاتی از آنان سر بزند. در این موارد، برخورد های احساسی و شتاب زده ممکن است زمینه های دوری از محیط مسجد را فراهم کند. آنچه در این گونه موارد شایسته است، عفو و اغماض نسبت به خطاهاست. اگر کسی با آرامش و فروشناندن خشم خود، از خطاهای دیگران چشم پوشی کند، هم موجب افزایش محبوبیت و بزرگ منشی خود می گردد و هم زمینه های جذب افراد به مسجد را فراهم می کند. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و اله نقل کرده است: «بر شما باد به عفو و گذشت که این صفت، مایه فزونی مجد و عزت است. پس یکدیگر را عفو کنید تا خدا به شما عزت دهد.» (کلینی جلد 2، همان، ص 329)

در زندگی ائمه معصومین علیهم السلام موارد زیادی از عفو، گذشت و اغماض نسبت به خطاها و لغزش های دیگران مشاهده می شود که الگوی مناسبی برای جوامع اسلامی هستند. یکی از اهالی شام در حضور امام حسن مجتبی علیه السلام به بدگویی از آن حضرت پرداخت. وقتی که از سخن باز ایستاد، حضرت به او سلام کرد و لبخندی زد و فرمود: «ای پیر مرد گمانم تو در این شهر غریب و نیازمند پذیرایی باشی. بیا تا ادای وظیفه نمایم.» وقتی آن مرد سخن حضرت را شنید، با گریه گفت: «گواهی می دهم که خداوند خود بهتر آگاه است که بار سنگین رسالت را بر دوش چه کسی بنهد. آنگاه افزود تو و پدرت محبوب ترین اشخاص در پیش من هستید.» (قمی، 1379، ص 62)

1-5- عدم زیاده روی در انتقاد از جوانان

انتقاد اگر سازنده و در راستای خیرخواهی و اصلاح طرف مقابل باشد، لازم است و موجب می شود طرف مقابل، دست از راه های انحراف و کج رونده بردارد. ولی اگر در راستای تخریب چهره دیگران باشد، نتیجه عکس دارد. اسلام در مورد انتقاد خیرخواهانه و سازنده، نظر مساعد دارد و روایات معصومین علیه السلام بر

این موضوع صحه می گذارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «مؤمن آینه برادر خویش است و بدی ها را از او دور می سازد.» (حرعاملی، جلد 12، همان، ص 210) تا جایی که خودداری از انتقاد سازنده مذموم قلمداد شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که برادرش را در حال انجام عمل ناپسندی ببیند، درحالی که می تواند او را از این کار بازدارد، و سکوت کند و از او انتقاد نکند، به او خیانت کرده است.» (مجلسی، جلد 71، همان، ص 190)

ص: 258

بنابراین، اگر یکی از نمازگزاران عملی را از یک جوان در محیط مسجد مشاهده نماید که نیاز به انتقاد و تذکر داشت، مثلاً پوششی که چندان مناسب افراد مسجدی و مذهبی نباشد، در اینجا نباید به صورت مستقیم و تند انتقاد کند که موجب تحقیر شخصیت آن جوان و ایجاد کینه و نفاق در دل او گردد. چراکه روح و روان جوانان از انتقاد بیش از حد مکدر می شود و او حالت تدافعی می گیرد. در سیره پیشوایان و قرآن کریم از شیوه انتقاد غیر مستقیم زبانی استفاده شده است. در آیات قرآن جاهای مختلفی وجود دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد خطاب قرار داده ولی در واقع اشاره به مؤمنان دارد. در سیره امام کاظم (علیه السلام) وارد شده: «آن حضرت از کوچه ای می گذشتند. صدای ساز و آواز از خانه ای بلند بود. امام از کنیزی که برای کاری از آن خانه خارج شده بود پرسید: «صاحب خانه بنده است یا آزاد؟ کنیز جواب داد آزاد است. فرمودند: اگر بنده بود این بساط را پهن نمی کرد.» صاحب خانه تا ماجرا را از کنیزک شنید، پابرهنه در میان کوچه ها به دنبال حضرت دوید و نزد او توبه کرد و به افتخار آن روزی که با پای برهنه در پی حضرت دوید و به شرف توبه نائل آمد، تا آخر عمر کفش به پا نکرد و به «بشر حافی» مشهور گشت.» (سبحانی نیا، 1385، ص 192 به نقل از داستان راستان، جلد 1 ص 149)

د) خادم مسجد

1- بایسته های رفتاری و اخلاقی خادم مسجد با جوانان

جهت انجام امور خدمتاتی و محافظت از اموال مسجد، فردی توسط هیئت امنا به عنوان خادم مسجد به کار گرفته می شود. خادم مسجد به دلیل ارتباط مستقیم با جوانان و نمازگزاران و برنامه های مسجد می تواند نقش مؤثری در جذب و یا دفع افراد داشته باشد. لذا شایسته است خادم مسجد دارای شرایطی باشد که بتواند نقش خود را به خوبی ایفا نماید. انتخاب خادمانی جوان، دارای تحصیلات و برخوردار از خلق و خوی حسنه و شرح صدر کافی، منجر به هموار شدن راه های رسیدن مسجد به اهداف والای فرهنگی و در نهایت ارتقای جایگاه آن خواهد شد. بنابراین به دلیل اهمیت این بحث، بایسته هایی را در تعامل و برخورد با جوانان در مسجد متوجه خادم مسجد می کند که در زیر به آن اشاره می شود:

1-1- همراهی و تعامل سازنده با جوانان در اجرای برنامه های فرهنگی

بهبتر است خادم مساجد حتی الامکان از قشر جوان انتخاب شود تا بتواند این قشر را به خوبی درک نماید. جوانان علاوه بر حضور در نمازهای جماعت مساجد، تمایل دارند در برنامه های جانبی مساجد

مانند

ص: 259

مناسبت های ملی و مذهبی، جلسات قرآن و دعا و جشن و آذین بندی مساجد حضور داشته باشند. اگر خادم مسجد روحیاتش با چنین مسائلی سازگار نباشد و جوانان را در این گونه موارد همراهی نکند، قطعاً اجرای چنین مراسمی امکان پذیر نخواهد بود و باعث خواهد شد مساجد از محوریت اجرای چنین برنامه هایی خارج گردد و به ناچار این گونه برنامه ها در پارک ها، فرهنگسراها و فضاهایی خارج از مسجد برگزار گردد و یا اینکه حضور فعال جوانان در مسجد کاهش یابد. بنابراین شرط انتخاب یک خادم نمونه برای مساجد، درک موقعیت جوانان و مسجد است تا موجبات پویایی و پرورش استعداد های جوانان فراهم گردد.

1-2- برخورداری از سعه صدر کافی در مواجهه با جوانان

متأسفانه اکثر خادمان مساجد را افرادی مسن و سالخورده و عدم برخوردار از خلق و خوی گشاده تشکیل می دهند که دوران پیری و بازنشستگی خود را در مساجد می گذرانند تا راهی برای امرار معاش خود و خانواده داشته باشند و این مسئله اولین گام در راه عدم تحقق حضور جوانان در مساجد است. در صورتی که خادمی آستان مقدس مسجد، موهبتی است که به هرکسی عطا نمی گردد و آن فرد باید قدر دان این نعمت باشد و با تمام وجود این مکان های مقدس را برای حضور نمازگزاران و جوانان آماده نماید؛ زیرا بنا بر فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله «مساجد خانه های خدا در روی زمین اند.» «يقول الله تعالى: [ألا إن] بیوتی فی الأرض المساجد، ترضی لأهل السماء ترضی النجوم لأهل الأرض، الا طوبی لمن کانت المساجد بیوته. الا طوبی لمن ترضی فی بیته ثم زارنی فی بیته، الا ان علی المزور کرامه الزائر، الا- بشر المشائین فی الظلمات إلی المساجد، بالنور الساطع یوم القیامه»؛ «پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «همانا خانه های من در زمین مساجد هستند که نورافشانی می کنند به اهل آسمان همان طور که ستارگان برای اهل زمین نورافشانی می کنند خوشا به حال کسی که مساجد خدا خانه اش باشد. خوشا به حال کسی که در خانه اش وضو بگیرد، سپس مرا در خانه ام زیارت کند. آگاه باشید گرامی داشتن زائر بر زیارت شده واجب است. بشارت باد به نور درخشان در روز قیامت برای کسانی که در شب های تاریک قصد رفتن به مسجد را دارند.» (نوری، جلد 3، همان، ص 363)

اگر خادم مسجد با این دید که نمازگزاران و اهالی مسجد میهمان های الهی هستند و احترام و تکریم آنان واجب است به کار خود ادامه دهد، آنگاه سعه صدر و گشاده رویی را سرلوحه کار خود قرار خواهد داد و جلب رضایت الهی را بر هر کار دیگری ترجیح خواهد داد.

بنابراین شایسته است. خادم مسجد با صبر و حوصله و روی گشاده، زمینه های حضور جوانان در مسجد را فراهم آورد و علاوه بر کسب اجر اخروی باعث حضور پر شور جوانان در محیط و فضای مسجد و رشد و تعالی و بالندگی برنامه های مذهبی و فرهنگی آن باشد.

یکی از وظایف خادمان مساجد، تنظیف و پاکیزه نگه داشتن فضای فیزیکی مساجد برای حضور نمازگزاران و جوانان است؛ زیرا مساجد خانه های الهی هستند و بایسته است مکان های مقدس عاری از هرگونه ناپاکی باشد. قطعاً مساجدی که از نظر بهداشتی پاکیزه و تمیز باشند، محیط جذاب تر و مطلوب تری برای جوانان و نمازگزاران هستند. گرچه پاکیزگی مسجد، تنها در گرو تلاش خادم مسجد خلاصه نمی شود؛ لذا بر همه اهالی مسجد و نمازگزاران لازم است در حفظ بهداشت مساجد کوشا باشند و مساجد را از هرگونه آلودگی حفظ نمایند تا مشمول این حدیث زیبا از امام موسی کاظم علیه السلام باشند که می فرماید: «أن الجنة والحدور لتشتاق إلی من یکسح المساجد ویأخذ منها القذی»: «به راستی که بهشت و پری مشتاق کسی هستند که غبارروبی کند مسجد را و غبار آن را بردارد.» (مجلسی، جلد 80، همان، ص 657)

نتیجه گیری

اهمیت و ضرورت حضور جوانان به عنوان آتیه سازان جامعه در مساجد بر کسی پوشیده نیست. از طرفی جذب جوانان و ایجاد انگیزه برای حضور آنان در مساجد از دغدغه های متولیان امر است. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر آن است که امامان جماعت به عنوان مدیر برنامه های فرهنگی مساجد، بیشترین تأثیر را بر جوانان دارد و نقش بی بدیلی را در جذب جوانان ایفا می کنند. آراستگی و حسن خلق اسلامی و ابزار علم و دانش و درک عمیق آنان از موقعیت دوران جوانی و تکریم شخصیت جوانان همراه با نمایش الگوی عملی، می تواند مانند اکسیری، قلب و دل جوانان را تسخیر کند و زمینه حضور آنان را در مساجد فراهم آورد.

در مرتبه بعدی، هیئت امنای مساجد به عنوان بازوان توانمند اجرایی امامان جماعت، نقش پررنگی دارند. نوع برخورد و تعامل آنان با جوانان در محیط مسجد، نقش تعیین کننده ای در حضور و عدم حضور جوانان در مسجد دارد. دوری از بدخلقی و تکبر، آراستگی به اخلاق نیکو و روی گشاده، صداقت در گفتار و عمل و امانت داری، ایجاد بستر مناسب جهت حضور پرنشاط جوانان و مشارکت دادن آنان در تصمیم گیری ها و استفاده از رأی و نظر آنان، از جمله بایسته های رفتاری و اخلاقی هیئت امنا در محیط مسجد است. گرچه در بین متولیان مسجد، نقش خادم همانند امام جماعت و هیئت امنا پررنگ نیست، ولی به هر حال می تواند با برخوردها و رفتارهایش، موجب حضور نقش آفرین جوانان در مسجد باشد. درک روحیات جوانی و جوان گرایی و همراهی و همدلی با آنان، آشنایی با خواسته های جوانان در مسجد، همراه

با شرح صدر و خوش رویی و تعامل، از بایسته های رفتاری خدام با جوانان است.

نمازگزاران مساجد که هسته اصلی مخاطبان مساجد هستند، با تأسی از آموزه های دینی و اسلامی، می توانند الگوی مناسبی برای جوانان در محیط مساجد باشند. استفاده از زبان غیر مستقیم در تذکرات، همخوانی قول و فعل آنان در مواجهه با جوانان، تأسی از سیره معصومین علیهم السلام در برخورد با جوانان، از اهم بایسته های رفتاری نمازگزاران با جوانان در مسجد به شمار می آید.

از نکات قابل توجه و نوآورانه این پژوهش، می توان به پرداختن به نقش مؤثر متولیان و دست اندرکاران مسجد، بر اساس اولویت نقش آفرینی آنان به صورت مجزا اشاره نمود. پژوهشگران عزیز می توانند بایسته های رفتاری و اخلاقی را در تعامل با جوانان که موجبات جذب آنان به مساجد گردد، در خارج از محیط مساجد مانند خانواده، دوستان و همسالان، جامعه و... با تکیه بر سیره معصومین علیهم السلام پیگیری نمایند.

فهرست منابع

منابع عربی

1. قرآن کریم.

2. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، محقق ابراهیم محمد ابوالفضل، چاپ؟ کتابخانه آیه... مرعشی نجفی، قم، 1337.

3. الابی، منصور بن الحسین، ابوسعید، درالنثر فی المحاضرات، چاپ؟، محقق خالد عبدالغنی محفوظ، دارالکتب العلمیه، 2004 میلادی.

4. آمدی، ابوالفتح، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامی، قم، 1410 هجری قمری.

5. حر عاملی، شیخ محمدحسن، وسائل الشیعه، چاپ دوم، قم، موسسه آل البیت، 1414 هجری قمری.

6. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، نجف، 1378 _ 1382 هجری قمری.

7. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر صافی، چاپ دوم، تهران، الصدر، 1415 هجری قمری.

8. _____، محجه البیضاء فی تهذیب الأحياء، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، قم، 1387.

9. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار، تحقیق مجمع البحوث الاسلامیه،

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، 1416 هجری قمری.

10. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1363.

11. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، الوفاء، 1403 هجری قمری.

12. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت (ع)، الاحیاء التراث، قم، 1414 هجری قمری.

1. الهندی، الممتقی، کنزالعمال، چاپ پنجم، مؤسسه الرساله، لبنان، 1405 هجری قمری.

منابع فارسی

1. نهج البلاغه، محقق محمد دشتی، نشر مشهور، قم، 1379.

2. پژوهشکده باقرالعلوم، هویت دینی جوانان، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، 1390.

3. شایگان، فریبا، تبیین جامعه شناختی مشارکت مردم در مساجد، چاپ دوم، انتشارات جامعه شناسان، تهران، 1389.

4. طهماسبی، احمد، شیوه های رفتار با جوانان از منظر ولایت، چاپ چهارم، انتشارات یاقوت، قم، 1382.

5. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، دلیل ما، قم، 1379.

6. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، چاپ سی و دوم، انتشارات صدرا، تهران، 1381.

7. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، چاپ سوم، ستاد اقامه نماز، تهران، 1377.

مقالات

1. ابوالقاسمی، محمدجواد، «جوان معاصر، ویژگی ها و انظار اولیه از مساجد، نیایش»، فصلنامه علمی- تخصصی نماز (ویژه هجدهمین اجلاس سراسری نماز)، ستاد اقامه نماز، تهران، 1388.

2. سبحانی نیا، محمد، «جوان و محبوبیت»، بوستان اندیشه جوان، دفتر سوم، انتشارات نوای قلم، قم، 1385 صفحات 135-159.

3. سبحانی نیا، محمد، «جوان و انتقاد»، بوستان اندیشه جوان، دفتر سوم، انتشارات نوای قلم، قم، 1385.

4. محمدخوانی شهری، لیلا، «بررسی عوامل ایجاد پیوند و موانع جذب میان مسجد و جوانان، مسجد جوانان، چالش ها و راهکارها» (مجموعه مقالات برگزیده هجدهمین اجلاس سراسری نماز)، انتشارات ستاد اقامه نماز، تهران، 1389.

چکیده

مسجد به عنوان راهبردی ترین پایگاه اسلامی، جهت صیانت جوانان از ابتلا به عرفان های نوظهور به شمار می رود. این پایگاه دینی، بایستی با حفظ و احیای رسالت عظیم خود، در برابر دو حربه شبه معنوی و شبه معرفتی عرفان های نوظهور ایستادگی کرده و با مهیا نمودن زمینه های کسب معنویت و با ارائه معرفت اسلامی، روح تشنه جوانان را سیراب نماید. در این مقاله ضمن تقسیم بندی رسالت مسجد به دو بُعد معنویت افزا و معرفت افزا، هرکدام از ابعاد به صورت تطبیقی با آموزه های عرفان های نوظهور ارائه گردیده و در پایان هر تطبیق، راه کارهای حفظ جوانان از ابتلا به عرفان های نوظهور پیشنهاد شده است. برخی از مؤلفه های این مقاله عبارت اند از: رسالت مسجد، عرفان های نوظهور، مسجد و عرفان های نوظهور.

کلیدواژه ها: مسجد، جوان، عرفان های نوظهور

ص: 265

در طول تاریخ جهان اسلام، مسجد به عنوان رسمی ترین پایگاه مردمی مسلمانان، از رسالت ارزشمندی برخوردار بوده است. این رسالت، دارای ابعاد گوناگونی است که می توان آن را در یک نگاه کلی به دو بُعد «معنویت افزا» و «معرفت افزا» دسته بندی کرد. برخلاف تصور ما که همواره بُعد معنویت افزای مسجد را در اولویت قرار داده و از بُعد دیگر آن غفلت می ورزیم، بُعد معرفت افزای مسجد از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و مورد توجه رسول اکرم اسلام صلی الله علیه و اله بوده است. نقل شده است روزی رسول خدا صلی الله علیه و اله وارد مسجد و متوجه شدند که جمع حضار به دو گروه تقسیم شده اند؛ گروهی مشغول به ذکر و عبادت بوده و آن یکی به تعلم و تعلیم سرگرم هستند. ایشان با دیدن این صحنه فرمودند: «هر دو گروه کردار نیک دارند اما من برای تعلیم فرستاده شده ام؛ و خود آن حضرت نیز در گروهی که سخن از تعلم و تعلیم بود نشستند.» (مطهری، 1359، ص 437)

با این وجود هر دو بُعد، مکمل یکدیگر بوده و مفارقت بین آن دو، به معنای دوری از فلسفه تشکیل این پایگاه عظیم در اسلام محسوب خواهد شد. به عبارتی می توان گفت که بی توجهی به این دو رسالت، شکل دیگری از بی اعتنایی به حیاتیّت و عقلانیت است که نظام اسلام بر آن استوار است.

امروزه برخی از جریان های معاند اسلام، با تأسیس فرقه هایی با عنوان معنویت و عرفان، مجموعه ای از آموزه های ضدو حیانی و ضدعقلانی خود را به جوانان ارائه کرده و آنان را سرگرم عرفان های نوظهور و بدلی نموده اند. در این میان، مسجد به عنوان عمل به رسالت اصلی خود، باید با ارائه آموزه های معنوی و معرفتی، در برابر دسیسه شوم دشمن ایستادگی کرده و ضمیر تشنه معنویت و معرفت جوانان را از تعالیم اسلامی سیراب کند.

امام صادق علیه السلام در خصوص ضمیر معنوی و معرفت پذیر جوانان می فرماید: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أُسْرِعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ». (کلینی، ج 8، 1391 ص 93): «جوانان را دریاب زیرا آنان شتاب بیشتری نسبت به هر امر نیکویی دارند.»

آنچه تاکنون مورد بهره برداری عرفان های نوظهور قرار گرفته است، استفاده از خلأهای به وجود آمده، به سبب کم کاری های مجموعه مسجد در قبال جوانان بوده و به اندازه دفع جوانان از مسجد، به تعداد پیروان عرفان های نوظهور افزوده گردیده است؛ بنابراین مجموعه مسجد که متشکل از متولیان اجرایی و در رأس آنان امام جماعت به عنوان رکن اصلی و مدیریتی است، در حفظ و صیانت جوانان از ابتلا به عرفان های نوظهور نقش اساسی دارند و با زنده نگه داشتن رسالت های مسجد، تأثیر بسزایی در ایمن

ماندن جوانان از دام سودجویان و دشمنان اسلام خواهند داشت.

این مقاله درصدد آن است تا ضمن تبیین رسالت های اصلی مسجد از نگاه دین مبین اسلام و چگونگی سوءاستفاده عرفان های کاذب از کم رنگ شدن این رسالت ها، به راهکارها و روش های مقابله با عرفان های نوظهور، توسط مجموعه مسجد اشاره نماید.

رسالت مسجد

اشاره

همان طور که در مقدمه اشاره شد، رسالت مسجد به دو بُعد معنویت افزا و معرفت افزا دسته بندی می گردد که هرکدام از این ابعاد کلی، دربرگیرنده وظایفی هستند که به توضیح آن ها پرداخته می شود:

رسالت معنویت افزا

یکی از رسالت های مسجد، بُعد معنویت افزایی آن است که در طول تاریخ، بیشترین کاربری را به خود اختصاص داده است و البته این مسئله از آنجا نشأت گرفته است که خداوند مسجد را خانه خود معرفی کرده و حاضران در مسجد را بشارت به نور خود داده است.

در حدیث قدسی آمده است: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنَّ بَيْوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ، تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسْجِدُ بَيْوتَهُ. أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَيَّ الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ. أَلَا بَشْرَ الْمَسْأَلِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسْجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (حر عاملی، ج 1، ص 268) خداوند متعال می فرماید: «خانه های من در زمین همان مساجد است که برای اهل آسمان می درخشند، آن گونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند. خوشا به حال آنان که مساجد را خانه خویش قرار داده اند. خوشا به حال بنده ای که در خانه خویش وضو می گیرد، آنگاه مرا در خانه ام زیارت می کند. آگاه باشید که بر زیارت شونده لازم است که زائر خویش را بزرگ شمرده، به وی احسان کند. کسانی را که در تاریکی شب به سوی مساجد گام برمی دارند، به نوری درخشان در روز قیامت بشارت دهید.» بر اساس رسالت معنویت افزا مهیا شدن مسجد برای استفاده معنوی مسلمانان، رکن اصلی این رسالت را تشکیل می دهد تا مردم بتوانند در آن به عبادت خدا مشغول شده و از ابعاد فردی و جمعی عبادت، بهره کافی را ببرند.

البته باید توجه داشت که انسان ها در طول تاریخ، در پرتو رسیدن به پاسخ این سؤال که معنای زندگی چیست؟ نوع نیاز معنوی خود را انتخاب کرده و مسیر معنویت و عرفان را مشخص نموده اند. پاسخ به این سؤال چالش انگیز، اندیشمندان و متفکران جامعه واداشته است تا تعریف مطلوبی از معنای زندگی را برای

همگان روشن سازند. لذا از چند قرن پیش، انبوهی از نظریات و تعاریف گوناگون از سوی اندیشمندان در پیش روی انسان قرار گرفت که همین تنوع اندیشه، به شکل گیری مکاتب مختلف معنوی و عرفانی انجامید تا ضمن معنابخشی به زندگی پیروان خود، سبک جدیدی از زندگی را برایشان تبیین نمایند.

متأسفانه تاکنون عمده تعاریف ارائه شده از سوی اندیشمندان سایر ادیان و مکاتب، بر مبنای باورهای صرفاً طبیعت گرا و مادی (1)، فراطبیعت محض (2) و حتی پوچ گرای مطلق (3) بوده و کاملاً نگاه این جهانی و یا تک سونگر به انسان داشته اند؛ اما بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی، معنای زندگی دریافتی جامع از ابعاد وجودی انسان است که باید علاوه بر بُعد انسانی، حیوانی و نباتی، بُعد تأله و خداخواهی آن نیز در تعریف

«معنای زندگی» ملاحظه گردد. طبق دیدگاه اسلام به معنای زندگی، مسیر معنویت و عرفان اسلامی مشخص شده و در چارچوب توحید تعریف می گردد. بر این اساس، بایستی از سوی خداوند متعال، پایگاهی معنوی برای همگان معرفی گردیده باشد تا انسان ها را تحت پوشش معنوی خود قرار داده و معنای زندگی را در انسان حفظ نماید.

رسالت معرفت افزا

واژه «معرفت» تقریباً معادل کلمه «شناخت» در فارسی است. عام ترین مفهوم آن، مطلق علم و آگاهی و اطلاع است. (مطهری، 1359، ص 103) مراد ما از شناخت در اینجا، همان مفهوم عام آن، یعنی مطلق علم و آگاهی است.

بر اساس روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام نشر معرفت یکی از مهم ترین رسالت های مسجد به شمار می رود و در طول تاریخ اسلام نیز از آن به عنوان مناسب ترین محل برای علم آموزی و معرفت افزایی بهره برده اند. اگر بخواهیم رسالت معرفت افزای مسجد را با دسته بندی مشخصی ارائه دهیم؛ می توان آن را به هفت دسته تقسیم کرد که عبارت اند از: خداشناسی، انسان شناسی، راه و راهنماشناسی، قرآن و حدیث شناسی، اخلاق عرفانی، احکام فردی، سبک زندگی خانوادگی.

طبق این دسته بندی مجموعه مسجد، یکی از مهم ترین مراکز نشر علم و معرفت بوده و با ارائه یک جهان بینی کامل و ایدئولوژی منسجم، اولاً هویت دینی علم را حفظ کرده و ثانیاً در راستای تعلیم و تربیت انسان های دین محور تلاش می نماید.

ص: 268

1- . ماتریالیسم.

2- . ایدئالیسم.

3- . نهیلیسم.

واژه عرفان در لغت؛ به معنای «شناخت شیء، از روی تفکر و تدبّر در آثار آن است»⁽¹⁾. این نوع از شناخت، می تواند از طریق حس، تجربه و عقل حاصل شود؛ اما در اصطلاح اسلامی؛ «عرفان را به شناخت ویژه ای از خداوند اطلاق کرده اند که در آن، حس و تجربه راهی ندارد. به گونه ای که این نوع از شناخت؛ از راه شهود درونی و دریافت باطنی⁽²⁾ حاصل می گردد». (مصباح یزدی، 1390، ص 25)

بر اساس این تعریف در معرفی عارف گفته اند: «العارفُ مَنْ أَشْهَدَهُ اللهُ ذَاتَهُ وَصِفَاتَهُ وَأَسْمَاءَهُ وَأَفْعَالَهُ، فَالْمَعْرِفَةُ حَالٌ تَحْدُثُ مِنْ شَهْوَدٍ». (قاسانی، 1381، ص 85): «عارف کسی است که خداوند، ذات، صفات، اسماء و افعال خود را به وی نشان داده است»؛ بنابراین، عرفان حالی است که از پی شهود به دست می آید.

طبق تعریف ارائه شده از عرفان، مبنای عرفان های نوظهور، تعریف لغوی از عرفان بوده و در حوزه تعریف اصطلاحی عرفان اسلامی جایی ندارد. چراکه تمامی عرفان های نوظهور، در فضای سکولار بوده و داخل در حوزه شناخت ذات سبحان نیستند؛ هرچند که عده ای عرفان را موضوعی گسترش یافته تر از امور مربوط به دین فهمیده و برخی دیگر هم آن را به عنوان مرکز و قلب دین می دانند، (پاشایی، 1389، ص 597) اما پذیرش هر دو رویکرد به صورت جداگانه، مفهوم اصلی عرفان را از مسیر اصلی اش خارج نکرده و آن را به عنوان یک پدیده درونی و یک پندار شهودی به حساب می آورد. به طوری که می توان معنویت را با امور مادی و بیرونی در تقابلی آشکار دانست. (میرشکار، 1393، ص 2) درحالی که عرفان های نوظهور، زندگی معنوی را لزوماً به معنای تعلق به یکی از ادیان الهی ندانسته و آن را به معنای داشتن نگرشی به هستی، با هدف کسب آرامش و شادی توأم با مادیات و لذت های دنیوی می دانند. (ملکیان، 1388، ص 376)

به طور کلی در تعریف عرفان های نوظهور می توان گفت جریان هایی که می کوشند تا فهمی ناسازگار با مبانی، مقتضیات و معیارهای دین ارائه داده و با دعوت به عرفان پوشالی، وعده های فریبنده ای همچون ملاقات با خدا، تجربه مکاشفات عرفانی، کسب آرامش فکری و روحی، درک بی واسطه خدا در درون، ورود به عوالم معنوی، رسیدن به جهانی سرشار از عشق، صلح و دوستی، رسیدن به حقایق عالم، خلسه عرفانی، سکس عرفانی و غیره؛ به اغراض خود دست یابند.

نکته قابل توجه اینکه ظهور و بروز عرفان های نوظهور همانند سایر فرقه های ضاله، همچون وهابیت و

ص: 269

1- . أَلْعِرْفَانُ: إدراك الشيء بتفكر و تدبّر لأثره.

2- . شناخت های حضوری و دریافت های باطنی، ممکن است طبق آیه کریمه منحصرراً ربّانی نبوده و بلکه شیطانی هم باشند. «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيَجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمَسَّوْا رِجُونَ»: «و شیاطین به دوستان خود القا می کنند که با شما مجادله کنند، اگر از ایشان پیروی کنید از مشرکانید.» (انعام: 128)

بهائیت نیست که در مقابل اسلام و مبانی مُسلم آن صف آرایی کرده اند؛ بلکه عرفان های نوظهور، با نقاب بدلی، در مقابل عرفان حقیقی قرار گرفته و در باور پیروان فریب خورده خود، به عنوان دین جایگزین (1) مطرح می شوند.

جهت آشنایی با کلیات عرفان های نوظهور؛ به چند مورد فعال در ایران اشاره می گردد که در ادامه بحث و به تناسب موضوع، به بررسی برخی از اعتقادات آنان پرداخته می شود:

" عرفان های کاذب شرقی: اُشو، دالایی لاما، یوگا، سای بابا و..."

" عرفان های کاذب غربی: اکنکار، کارلوس کاستاندا، کابالا، پائولو کوئیلو، شیطان گرایی، قانون جذب و..."

" عرفان های کاذب بومی: عرفان حلقه، ایلیا رام الله، Tsm، بنیاد جهانی ایمان جویی، جریان مدعی یمانی و..."

همان طور که پیرامون رسالت های مسجد، قائل به دو جنبه معنویت افزایی و معرفت افزایی شدیم، عرفان های نوظهور نیز برای مقابله با دین و معنویت ناب، از این دو جنبه بهره جسته و نوع بدلی معنویت و معرفت را به پیروان خود عرضه می نمایند.

مسجد و عرفان های نوظهور

اشاره

برآیند تبیین رسالت مسجد و کارکرد عرفان های نوظهور، نشانگر تقابلی آشکار بین این دو مقوله است. بدیهی است که تقویت هرکدام از این دو جنبه، تضعیف نقطه مقابل را در پی دارد. لذا جهت دستیابی به الگوی مطلوب مسجد، در صیانت جوانان از ابتلا به عرفان های نوظهور، مبانی معنوی و معرفتی مسجد با مبانی و آموزه های عرفان های نوظهور، مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته و راهکارهای مورد نظر جهت تقویت جنبه حق ارائه می گردد:

معنویت در مسجد و عرفان های نوظهور

همان طور که قبلاً هم اشاره شد، یکی از رسالت های مهم مسجد، مهیا شدن و بسترسازی برای استفاده معنوی مسلمانان از فضای این مکان مقدس است و همچنین عرفان های نوظهور نیز برای گسترش آموزه های شبه معنوی خود، باید تشکیلات فرقه ای خود را برای بهره برداری معنوی آماده سازی نمایند.

ص: 270

1- . ادیان جایگزین اصطلاحی است که بیش از همه جامعه شناسان دین به کار می برند. این اصطلاح حاکی از انواع گروه های دینی، معنوی و عرفانی است که بیرون از دین داری سنتی و به ویژه در غرب ظهور یافته اند.

لازمه تحقق اهداف هر دو جبهه، برخورداری از مدیریت و راهبری نظام مند در داخل مجموعه است.

مدیریت و راهبری

مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می گیرد. (رضاییان، 1386، ص 6) با استفاده از این تعریف، مجموعه کارگزاران مسجد و همچنین مجموعه اعضای یک فرقه، در مدیریت مجموعه خود سهیم بوده و هرکدام از اعضا باید طبق برنامه ریزی مدون و دقیق برای مخاطبان خود خدمات ارائه کنند.

آنچه در مدیریت و راهبری مسجد مورد بررسی قرار می گیرد، تقسیم وظایف مدیریتی و اجرایی است که توسط امام جماعت، به عنوان اصلی ترین عنصر مسجد انجام می گیرد تا همه اعضا به شکل سامان یافته ای زمینه عبادت و کسب معنویت را برای مسلمانان فراهم نمایند.

امام جماعت می تواند تقسیم وظایف را به یک فرصت فرهنگی تبدیل کرده و علاوه بر ساماندهی امور مسجد، به اهداف ذیل دست یابد:

-افزایش میزان علاقه مندی جوانان به حضور در مسجد.

-تقویت بستر معنویت خواهی و کمال جویی جوانان.

-تقویت حس مسئولیت پذیری جوانان نسبت به تبلیغ دین.

-تربیت نیروهای فرهنگی فعال و مدیران فرهنگی برای کشور اسلامی.

-تقویت حس خودباوری در جوانان.

-تقویت کار گروهی و اجتماعی بین جوانان.

در ساختار تشکیلاتی فرقه ها و عرفان های نوظهور نیز شکل کار از سایر تشکیلات و انجمن های علمی و فرهنگی متفاوت نبوده و برای نیل به اهداف خود، از تمامی عناصر انسانی بهره مند می شوند. لذا یکی از شیوه های جذب عرفان های نوظهور که مورد بررسی قرار می گیرد، اعطای منصب و جایگاه به پیروان خود و همچنین ایجاد تشکیلاتی منظم و تعریف شده است که با خلیقات هر انسانی سازگاری دارد.

نکته قابل توجه اینکه عمده ترین تفاوتی که سرکرده فرقه با امام جماعت مسجد دارد در این است که سرکرده فرقه، همه پیروان را به سوی خود فرا می خواند و راه نجات را در آموزه های خود منحصر می داند. به عنوان نمونه، سوامی ساتیا سایی بابا در معرفی خودش چنین گفته است: «قدرت من غیرقابل اندازه گیری

است. تولد من غیرقابل توضیح و غیرقابل درک و پیمایش است. اصل سای، الوهیت سای، هرگز تحت تأثیر بدگویی و افتراء، پیشرفتش متوقف نمی شود». (کوندرا، 1374، ص 168) اما روحانیت شیعه همواره مردم را به سوی خداوند لایزال دعوت کرده و عمل به قرآن و سنت را تنهاترین راه نجات و بندگی معرفی می کنند.

نتیجه اینکه توجه به کار تشکیلاتی و تعریف جایگاه مشخص برای نیروهای جوان در مسجد، اولاً بستر معنویت افزایی را در نگاه عام فراهم کرده و ثانیاً می تواند یکی از مهم ترین روش های حفظ جوانان از دام عرفان های نوظهور در نگاه خاص باشد.

تقسیم کار در امور مسجد در دو بخش کلی قابل تصور است:

الف: تصمیم گیری و مشارکت در امور اجرایی مسجد همچون مراقبت و نگهداری، تلاش در رعایت پاکیزگی و آراستگی مسجد که یکی از مهم ترین امور در راستای معنویت افزایی است. امروزه در سطح جهان، موضوع بهداشت و آراستگی به عنوان یک اصل حیاتی پذیرفته شده و با توجه به سازگاری آن با طبیعت انسانی، مورد استقبال عموم مردم قرار گرفته است. لذا تمامی انسان ها طبق میل طبیعی خود به پاکیزگی، به معاشرت با افراد پاکیزه و آراسته رغبت بیشتری دارند و مکان های پاکیزه و آراسته را برای زیست خود

انتخاب می کنند و بر اساس این اصل انسانی، خود را موظف به رعایت نظافت کرده و از مکان های آلوده و کثیف دوری می گزینند.

با حفظ این مقدمه، نقش بهداشت و آراستگی، در جذب و رغبت انسان ها به مسجد و به تبع آن به معنویت و عرفان، حائز اهمیت و جایگاه خاصی بوده و از این طریق زمینه معنویت افزایی را برایشان ایجاد می نماید؛ بنابراین باید توجه داشت که به میزان ارتقای سطح بهداشتی و آراستگی مسجد، به تعداد علاقه مندان افزوده خواهد شد. لذا رعایت بهداشت آبدارخانه، کفشداری، وضوخانه، چادر نمازهای مشترک بانوان، لوازم پذیرایی، فرش و موکت و همچنین رعایت بهداشت و آراستگی ظاهری دست اندرکاران و امام جماعت، از مهم ترین وظایف مسجد در راستای معنویت افزایی است. مضاف بر رعایت نکات بهداشتی، توجه به امکانات عبادی و رفاهی مانند مهر و جانماز سالم، قرآن و مفاتیح سالم، سیستم سرمایشی و گرمایش، نور کافی، تعداد سرویس های بهداشتی و... نیز الزامی است تا نمازگزار بتواند در راحت ترین شرایط به عبادت مشغول شود. حضرت امام علی علیه السلام فرمودند:

«أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تُبْنَى الْمَسَاجِدُ وَأَنْ تُطَيَّبَ وَتُطَهَّرَ وَأَنْ تُجَعَلَ عَلَى أَبْوَابِهَا الْمَطَاهِرُ...» «پیامبر خدا فرمان داد تا مسجدها ساخته شوند و خوش بو و پاکیزه گردند و در کنار در هر یک، وضوخانه قرار داده شود.»

(زیدبن علی، بی تا، ص 154) نکته قابل توجه اینکه مراد از آراستگی مسجد، تزیین و تجملاتی کردن آن نیست و صرفاً به معنای منظم و مرتب بودن است.

طبق بررسی های به عمل آمده از شیوه های تبلیغی عرفان های نوظهور، استفاده ابزاری از موضوع بهداشت و آراستگی، اولین و اصلی ترین عامل جذب جوانان است و در مواجهه با رعایت اصول بهداشتی و آراستگی از سوی عرفان های نوظهور به سمت آنان رفته اند. به عنوان نمونه رعایت بهداشت و آراستگی در فرقه موسوم به «tsm» یکی از آداب اولیه برای ورود به این فرقه انحرافی است که به جهت نمایان نمودن این اصل، از لباس های سفید یکدست استفاده می کنند. لذا طبیعی است که جوانان در مواجهه با عدم رعایت بهداشت و آراستگی در مجموعه مسجد، از این مکان مقدس دوری کرده و ممکن است یکی از سه مقوله عبادت در خانه، ترک عبادت و یا گرایش به این نوع فرقه ها را ترجیح دهند.

ب: تصمیم گیری و مشارکت در امور فرهنگی مسجد همچون برگزاری نماز جماعت، اداره مراسم هفتگی دعا و توسل، برگزاری برنامه های مناسبتی عزاداری و اعتکاف و غیره که محسوس ترین بخش معنویت افزایی مسجد به حساب می آید. برگزاری مراسم های معنوی، یکی از مهم ترین بخش های رسالت مسجد در راستای معنویت افزایی است که به این واسطه برای مؤمنان، فرصت ارتباط با خداوند را ایجاد کرده و زمینه کسب معنویت را برایشان فراهم می نمایند. گذشته از اینکه اسلام برای عبادت های فردی اهمیت

خاصی قائل شده است، عبادت های دسته جمعی و گروهی را بهتر دانسته و بر آن تأکید بیشتری دارد که به عنوان نمونه به یک نمونه از عبادات دسته جمعی اشاره می کنیم:

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ گاه چهار نفر مرد برای دعا نزد هم اجتماع نکنند و خدای عزوجل را در کارهای خود نخوانند جز این که خداوند دعای آن ها را مستجاب کند؛ سپس اگر چهار نفر نبودند و چهار نفر بودند، ده مرتبه خدای عزوجل را بخوانند، دعایشان را مستجاب کند و اگر چهار نفر هم نباشند و یک نفر باشد که خدای عزوجل را چهار مرتبه بخواند، خدای عزیز و جبار او را اجابت کند.» (کلینی، ج 4، همان، ص 241 و 242) دعاهای دسته جمعی و تکرار جملات مفهوم دار، همراه با امید و رجاء، می تواند آثار بسیار مثبتی بر سلامت روان داشته باشد. در کتاب های روان شناسی و بهداشت روانی، از این گونه مناسک مذهبی به «سرودخوانی معنوی» و یا «فستیوال معنوی» تعبیر شده است. دون کمپل در مقدمه کتاب سرودخوانی معنوی، مقدس کردن زندگی می نویسد: «بعد از دو دهه که از معابد یونان، مصر، روسیه و فرانسه دیدن کردم و آشرام های هند و معابد ژاپن، کره، چین و تبت را هم دیدم، یقین کردم که سرودخوانی معنوی و خواندن دعاهای دسته جمعی، ابزار مهمی است که مردم سراسر جهان از آن برای درمان دردها، آرام سازی

ذهن و مقدس کردن زندگی بهره می گیرند». (گاس و برهونی، 1382، ص 15 و 16)

اسلام برای تأمین و پاسخ گویی به این نیاز فطری، آموزه ها و مناسک ویژه ای همچون نماز جماعت، دعای بعد از نماز جماعت، دعای توسل، اعتکاف و غیره را در نظر گرفته است. تا مؤمنان بدین واسطه به معنویت الهی واصل گردند. مجموعه مسجد باید از این فرصت معنوی استفاده بهینه کرده و روح تشنه انسان ها را بدین واسطه سیراب نماید.

با مطالعه اجمالی در مناسک و مراسم های معنوی عرفان های نوظهور، جایگاه و اهمیت این نوع تجمع های معنوی مشخص شده و از آن به عنوان بهترین فرصت جهت جذب و تثبیت پیروان خود بهره می برند. به عنوان نمونه می توانیم به این موارد اشاره کنیم: فستیوال «بیگست» که سالانه در رودخانه گنگ با حضور تقریبی 2 میلیون نفر هندو برگزار می گردد، یا معبد «پراشانتی نیلایام» که توسط سای بابا تأسیس شده و پذیرای صدها هزار نفر در مراسم های معنوی خود است. به طور کلی تمامی عرفان های نوظهور، پیروان خود را به شرکت در این نوع مراسم ها که از سوی خودشان برگزار می گردد توصیه می کنند تا از فضای روحانی و روانی به وجود آمده برای پیش برد اهداف خود بهره جویند.

بر اساس این مقدمه می توان به این نتیجه دست یافت که تقویت سطح کمی و کیفی مراسم های معنوی مسجد، در جذب و حفظ جوانان مؤثر بوده و در مقابل، از میزان میل یافتگان به عرفان های نوظهور کاسته خواهد شد.

معرفت در مسجد و عرفان های نوظهور

اشاره

همان طور که اشاره شد، رسالت معرفت افزا یکی از مهم ترین ابعاد رسالتی مسجد است که در طول تاریخ اسلام بر حفظ آن تأکید شده است. با این وجود، نقش احیای این رسالت در حفظ و صیانت جوانان از ابتلا به عرفان های نوظهور بسزا و حیاتی است؛ بنابراین ضمن تبیین رسالت معرفت افزای مسجد، مبانی معرفتی عرفان های نوظهور نیز مشخص خواهد شد:

1. خداشناسی

اشاره

اولین معرفتی که باید توسط مسجد به جوانان منتقل شود، شناخت خداوند متعال، توحید و صفات و کلیات افعال الهی است. با فراگیری این معرفت، فرد وارد دژ و پناهگاهی مستحکم شده و از شرک و بیراهگی در امان خواهد بود. همان طور که امام رضا علیه السلام در حدیث سلسله الذهب فرمودند: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ فِي حِصْنِي وَ مَنْ دَخَلَ فِي حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي». (شیخ صدوق، 1400ق، ص 235): «کلمه «لا اله الا الله» حصار محکم من است هر کس آن را بگوید، داخل حصار من

شده و هر کس داخل شود، از عذاب من در امان است.» البته باید این توحید و خداشناسی از مسیر قرآن و معارف اهل بیت علیهم السلام باشد و از مسیر آنان جدا نباشد؛ زیرا توحیدی که از غیر قرآن کریم و اولیای معصوم خداوند پدید آید، توحیدی نادرست و ساخته اوهام باطل بشری است. امام رضا علیه السلام در ادامه همین حدیث گهربار فرمودند: «بَشْرُوطَهَا وَ أَنَا مِنْ شَرُوطِهَا» به شروط کلمه «لا اله الا الله» و من از شروط آن هستم».

در مقابل، عرفان های نوظهور نیز در بحث خداشناسی، دارای اندیشه ای متفاوت و ملتزم به یکی از امور ذیل هستند:

الف) التزام به تفکرات سکولار

الف) التزام به تفکرات سکولار (1)

هرچند که درباره سکولار تعاریف متعدد و گوناگونی ذکر شده است، اما آنچه در میان نظریات سکولاریستی با تعالیم نوظهور عرفانی همسو است، اعتقاد به خدایی است که در امور دنیوی مردم هیچ گونه دخالتی نداشته و در رابطه با اعمال و رفتار انسان ها قضاوتی نخواهد کرد. اکنون با در نظر گرفتن این تعریف، سکولاریسم در رویکردی سلبی، دین را از حوزه عمومی و زندگی اجتماعی کنار گذاشته و در رویکردی اثباتی، اموری نظیر «عرف، عقلانیت محض، دموکراسی، علوم تجربی، استقلال بشر و...» را جایگزین دین قرار می دهد. به عنوان نمونه: راجنیش اشو جهت رسیدن به استقلال بشر و جدایی خدا از زندگی انسان و همچنین دستیابی به عقلانیت محض، راه خودکامگی را پیشنهاد می کند: «این حق شماس است که آزادانه به

گمراهی بروید. این بخشی از کرامت شماس است. حتی در مقابل خداوند بایستید و درستی و نادرستی امور را به کنار بگذارید.» (اشو، 1380، ص 26)

ب) اندیشه بی خدایی و مادی نگری

برخی از مردم بر این باورند که بی خدایی (atheism)، اندیشه ای نوظهور بوده و از سابقه و ریشه فلسفی برخوردار نیست؛ اما با توجه با تاریخچه این نگرش، می توان برای آن قدمتی بالغ بر دو هزار سال در نظر گرفت. این اندیشه بر این باور است که نظام هستی فاقد آفریننده بوده و در جریان یک انفجار طبیعی زندگی خود را آغاز نموده است.

ج) باور همه خداانگاری

مسئله «همه خداانگاری»، باوری است که در آن، خدا (الوهیت) و جهان خارج (طبیعت) یک پیکره

ص: 275

به حساب می آیند. طبق این نظریه، خدا موجودی جداشده از عالم طبیعت نیست؛ بلکه کل نظام طبیعی خدا بوده و جهان به طور کلی همان خداست؛ بنابراین، خدا همه جا هست و در همه چیز حلول دارد.

این کلمه مشتق شده از کلمه یونانی «pan» به معنی همه و «theos» به معنی خدا است که برای اولین بار توسط نویسنده ایرلندی «جان تولاند» در انگلستان در سال (1750 م) در کتابی به نام بیان واقعی سوسیالیسم از همه خداانگاری به کاررفته است. (ویکیپدیا) به عنوان نمونه جریان عصر جدید که گرایش های روان شناسانه به خود گرفته و مدعی عرفان و کشف حقیقت هستند، اعتقاد به همه خدایی داشته و روح حاکم بر جهان را خدا نامیده و آن را درون تمامی اجزا و اشیای هستی می پندارند.

تقویت معرفت توحیدی جوانان، اولین راه کار اساسی حفظ جوانان از عرفان های نوظهور در بعد معرفتی است که به میزان معرفت افزایی در فضای توحیدی، از میزان اندیشه های غیر توحیدی آنان کاسته خواهد شد.

2. انسان شناسی

در تمامی ادیان توحیدی، پس از شناخت خداوند متعال، شناخت «انسان» مهم ترین دغدغه دینی به شمار آمده و هدف از آفرینش جهان و آمدن انبیاء الهی را، صرفاً برای هدایت و تکامل بشر معرفی می کنند. باین وجود، معیار آموزه های دینی در خصوص شناخت انسان، ناظر بر تمامی ابعاد وجودی انسان اعم از؛ بُعد نباتی، حیوانی، انسانی و خداخواهانه (تأله) آن بوده و از هرگونه تک سونگری مُبرا است. در حالی که نگاه عرفان های نوظهور به پدیده ای به نام انسان، تک بعدی و یا ناقص است و همواره از ارائه نسخه تکامل یافته و کارآمد برای انسان ناتوان مانده است. لذا با توجه به پیشینه این بحث در میان انسان شناسان غربی، هنوز هم

بسیاری از پرسش های مهم ناظر بر انسان بی پاسخ مانده و حتی از آن به عنوان «موجودی ناشناخته» و عصر جدید را عصر «بحران انسان شناسی» می دانند.

1. فرآورده انسان شناسی دینی برای هر فرد، نیل به خودشناسی و به تبع آن خداشناسی است؛ زیرا شناخت حضوری انسان راهی است برای شناخت حضوری حق که راه عرفان و شهود است و هم شناخت حصولی آدمی راه شناخت حصولی پروردگار است که با تأمل در اسرار و حکمت هایی که خداوند در وجود انسان نهاده ارتباط می یابد و شناخت آن ها بر معرفت آدمی درباره صفات خدا می افزاید. امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «من عرف نفسه فقد عرف ربه». (ابن ابی جمهور، 1403 هجری قمری، ص 54 و 102): «کسی که خود را بشناسد خدا را هم می شناسد.» اما نگاه افراطی عرفان های نوظهور، در بحث انسان شناسی، محصولی جز اندیشه اومانستی و انسان محور نداشته و با همان نگاه یک سونگرانه خود به انسان، صرفاً

قابلیت های مادی و دنیوی وی را مورد مطالعه قرار داده و آرامش دنیوی افراد را هدف غایی کمالات معنوی و عرفانی می دانند.

همان طور که قبلاً اشاره شد، مسئله خداباوری در اغلب عرفان های نوظهور با کارکردهای متفاوتی مطرح گردیده است. گاهی باور به خدا با مدل های گوناگون وجود دارد که از آن با نام اومانیزم دینی یاد می شود. در این نوع از اومانیزم، خدا در مسیر کمال و سیر و سلوک جایگاه خاصی نداشته و بخش عمده باورهای معنوی و عرفانی به ماده و بدن انسان متوجه است. به عنوان نمونه در نگاه پتتجلی مؤسس یوگا سوترا، تعالی معنوی و عرفانی، به معنای ارتباط و پیوند نفس انسان با یک واقعیت متعالی دیگر، همچون خدا و سایر حقایق مطلق نیست؛ (چاندرا و موهان داتا، 1384، ص 56) و صرف شناخت کارکردها و قابلیت های جسمانی انسان در مرحله سامادهای (1) به عنوان اوج عرفان و معرفت آنان معرفی می گردد و گاهی هم باور به خدا به هیچ عنوان در جریان نبوده و محوریت هستی در وجود انسان است که از آن با عنوان اومانیزم اصطلاحی یاد می گردد. «کرلیس لامنت» از سخن پردازان برجسته اومانیزم اصطلاحی، در کتاب فلسفه اومانیزم می نویسد:

«اومانیزم معتقد است که طبیعت، سراسر از حقیقت ساخته شده است و ماده و انرژی، اساس جهان است و ماوراءالطبیعه ای وجود ندارد. غیرواقعی بودن ماوراءالطبیعه به این معناست که اولاً در سطح بشری، انسان ها دارای روح غیرمادی و جاودان نیستند و ثانیاً در سطح جهانی، عالم صاحب خدای غیرمادی و فناپذیر نیست». (ماهنامه موعود، شماره 63)

به طور خلاصه در فرآیند انسان شناسانه دینی، انسان با تمامی قابلیت های خود، به سوی خدا در حرکت است و به سیر الی اللهی خود ادامه می دهد درحالی که در انسان شناسی انحرافی که توسط عرفان های نوظهور ارائه می گردد، سیر الی الله معنا ندارد و نوعی سرگردانی بی هدف بر روح این شناخت حاکم است.

در نتیجه، درک صحیح انسان شناسی توسط جوانان از سوی مجموعه مسجد، ضمن پاسخ به شبهات انسان شناسانه عرفان های نوظهور، دومین گام مهم مسجد در راستای عمل به رسالت معرفت افزای خود است.

راه و راهنماشناسی

مسجد به عنوان یکی از مهم ترین رسانه های دین مبین اسلام، جوانان را به راه مستقیم هدایت کرده و

ص: 277

1- . هشتمین مرحله معنوی در یوگا که معادل با خلسه در تصوف به کاربرده می شود.

سرمنزل این راه را به عنوان غایت انسانی معرفی می کند. به طوری که روزانه پنج وعده در نمازهای جماعت مسجد، هدایت به راه مستقیم را از خداوند طلب کرده و آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (الحمد: 6) تلاوت می گردد.

طبق نظر مفسران قرآن کریم، صراط مستقیم، راه شناخت خداوند است و تعددناپذیر است و هرچه غیر از آن باشد، سبیل الغی و راه گمراهی خواهد بود. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه واله درباره صراط مستقیم فرمودند: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»: «إِهْدِنَا أَرْشِدْنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» یعنی دینِ الإسلام؛ لَأَنَّ كُلَّ دِينٍ غَيْرِ الْإِسْلَامِ فَلَيْسَ بِمُسْتَقِيمٍ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ التَّوْحِيدُ «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» یعنی به التَّيْبِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِالْإِسْلَامِ وَ النَّبُوَّةِ». (سیوطی، جلد 1، 1983 میلادی، ص 25)، «اهدنا» یعنی ما را رهنمون شو، «صراط مستقیم» یعنی دین اسلام؛ زیرا هیچ دینی جز اسلام راست و مستقیم نیست، چون توحید و یگانه پرستی در آن نیست، «صراط کسانی که نعمتشان دادی» یعنی، پیامبران و مؤمنان که خداوند نعمت اسلام و نبوت را ارزانی شان داشت.

با این حساب پس از معرفی راه مستقیم که همان دین اسلام است، باید راهنمای این راه را هم برای جوانان معرفی نمود. لذا مجموعه مسجد وظیفه دارد تا پیامبر اسلام صلی الله علیه واله را به عنوان افضل انبیا و اولیای الهی معرفی کرده و اهل بیت آن حضرت را جانشینان برحق و امامان پس از ایشان بشناساند.

در مقابل، آنچه به عنوان راه در عرفان های نوظهور تبیین می گردد، راه ضلالت و گمراهی است و از هرگونه رشد و تعالی به دور است. البته باید توجه داشت که نظام سکولار حاکم در عرفان های نوظهور، ریشه در عرفان یهود و مسیحیت انحرافی داشته و طبق گفته پیامبر اکرم صلی الله علیه واله در ادامه حدیث قبلی، این دو گروه همان غضب شدگان و گمراهان اند: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» یقول: أَرْشِدْنَا غَيْرَ دِينِ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ غَضِبْتَ عَلَيْهِمْ وَ هُمُ الْيَهُودُ «و لا الضَّالِّينَ» وَ هُمُ النَّصَارَى.» (همان) این آیه می فرماید: «ما را به غیر دین آنان که بر ایشان خشم گرفته ای (یعنی یهود) راهنمایی فرما، (و نه گمراهان) یعنی نصارا.»

طبق تعبیر قرآن کریم، افرادی که عده ای را به سوی گمراهی دعوت کنند «أَئِمَّةَ الْكُفْرِ» بوده و روزی پیروانشان در پیشگاه خداوند خواهند گفت: «رَبِّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا لُؤْلُؤًا سَبِيلًا» (احزاب: 67): «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند!»

سرکردگان عرفان های نوظهور نیز به عنوان راهنمایان گمراهی، از این قاعده مستثنا نبوده و پیروان خود را به سوی ضلالت رهنمون می شوند. این افراد، با تأسیس فرقه های انحرافی، خود را برترین و جدیدترین راهنمای بشر معرفی کرده و پیروان خود را از پیروی پیامبران برحق الهی برحذر می دارند.

به طور کلی می توان شاخصه های راهنمایان عرفان های نوظهور را به شکل ذیل تبیین کرد:

الف. برخوردار از حاکمیت تفکر التقاطی: به عنوان نمونه عرفان کیهانی حلقه از تمامی ادیان توحیدی و غیرتوحیدی، التقاط کرده و واژگانی همچون کارما، روح القدس، چاکرا، وحدت و کثرت را به کار می برد.

ب. مروج باورهای پلورالیستی: به عنوان نمونه دالایی لا ما یکی از بزرگان لامانیسم می گوید: «پنج میلیارد انسان روی کره خاک زندگی می کنند و من معتقدم ما به پنج میلیارد دین مختلف نیاز داریم. چراکه در برداشت ها و تفکرات انسان ها تنوع بسیار گسترده ای وجود دارد. به اعتقاد من هر انسانی باید از یک مسیر معنوی عبور کند که برای او و در نسبت با باورهایش، بهترین باشد». (لاما، 1384، ص 294)

ج. مبارزه با اصول ادیان و مذاهب الهی: به عنوان نمونه در اکنکار هم شاهد این نوع تعالیم دین ستیز هستیم. پال توئیچل بنیان گذار این فرقه گفته است: «مشکلی که ماهانتا(1) دارد،

چیرگی آموزش های غلطی است که روح سابقاً در مورد اینکه روح القدس چیست، خدا چیست و خدا چه چیزی نیست گرفته است. تمام این تصورات غلط در روح، در کالبدهای تحتانی تر روح، همراه با ترس جاسازی شده اند. شخص روحانی نما گفته است: شما باید این کار را انجام بدهید، اگر این کار بخصوص را انجام ندهید، اگر تقاضای بخشش نکنید و یا اگر در مراسم مذهبی شرکت نکنید، روح جهنمی خواهید شد». (توئیچل، ص 14)

د. دعوت به سوی خود: به عنوان نمونه «لی هُنْگجی» پدیدآورنده فرقه فالون دافا می گوید: «ریشه من در جهان است. اگر کسی بتواند به شما آزار برساند، قادر است به من آزار برساند. به عبارتی ساده، آن شخص می تواند به این جهان صدمه بزند!». (لی هُنْگجی، ص 22)

ه. شریعت ستیز و مذهب گریز: به عنوان نمونه اشو در کتاب آواز سکوت گفته است: «این کلمه را به یاد داشته باشید؛ در شریعت، شما بیچاره می مانید، چون در کنار یک پیکر بی جان قرار می گیرید». (اشو، 1384، ص 79) همچنین پائولو کوئیلو در کتاب اعترافات یک سالک، در جواب سؤال «مذهب یعنی چه؟» می گوید: «من آن را نحوه گروهی پرستش می دانم. آدم می تواند بود، الله یا خدای مسیح را پرستش کند، فرقی نمی کند. برای من مذهب یعنی این و نه مجموعه ای از قراردادها و دستوراتی که به دیگران تحمیل شود.» (کوئیلو، 1380، ص 33)

باتوجه به گفته های فوق، معرفی راه و راهنما در اسلام و تبیین دقیق شاخصه های راهنمایان گمراهی در عرفان های نوظهور، سومین گام معرفتی در راستای حفظ جوانان از دام فرقه ها بوده و با اعلام خطرات راه و راهنمایان گمراهی برای جوانان توسط کانون مسجد، شاهد نابودی و بی رونقی عرفان های نوظهور خواهیم بود.

ص: 279

1- . ماهانتا: استاد زنده اک که در جایگاه خدایی نشسته است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه واله می فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي. مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ». (ترمذی، ج 5، 1975، 5 میلادی، ص 663): «من حقا در میان شما باقی گذارنده دو چیز نفیس و ذی قیمت هستم: کتاب خدا و عترت من که اهل بیت من هستند. پس از من، مادامی که شما به آن دو چیز تمسک جوید، هیچ گاه گمراه نمی گردید، به علت آنکه آن دو چیز از هم جدا نمی شوند تا با همدیگر بر حوض کوثر بر من وارد شوند.»

بر اساس این روایت متواتر که از کتب شیعه و سنی نقل شده است، تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام بهترین چراغ راهنما برای بشر است و دوری از این دو گوهر، گمراهی و ضلالت ابدی را در پی خواهد داشت. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام به عنوان جامع ترین برنامه و سرلوحه زندگی انسان، باید مورد آموزش قرار گرفته و برای همگان تبیین گردد؛ لذا آموزش روخوانی و روان خوانی قرآن کریم، آموزش مفاهیم و تفسیر قرآن کریم، تدبر در آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام یکی دیگر از وظایف مسجد در بعد معرفت افزایی است که باید در حفظ و انتقال این میراث ماندگار رسول گرامی اسلام صلی الله علیه واله کوشا باشد. امام رضا علیه السلام فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا، فَقُلْتُ لَهُ: «فَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟» قَالَ: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا.» (محمدی ری شهری، ج 8، 1362، ح 13797): «خداوند رحم کند بر کسی که امر ما را زنده نگه می دارد. راوی پرسید: پس چگونه امر شما زنده نگه داشته می شود؟ فرمودند: اینکه علوم ما را یاد گرفته و به دیگران بیاموزد. پس همانا اگر مردم از زیبایی های کلام ما مطلع شوند از ما تبعیت می کنند.»

البته باید معارف و آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام به صورت کاملاً شفاف و دسته بندی شده، برای جوانان و عامه مردم ارائه گردد تا هر قشری از مردم، به راحتی سهم خود را از آیات و روایات بردارد و به کارگیرند. این در حالی که است که تمامی عرفان های نوظهور هم از اصل ارائه آموزه های «عوام فهم و خواص پذیر» بهره برده و سخنان خود را به نوعی عرضه می کنند که برای همگان قابل درک و هضم باشد.

اخلاق عرفانی

اشاره

اخلاق، جمع خُلُق و خُلُق به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن، به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می رود که با بصیرت درک می شود و در مقابل آن، خَلْق است که به صورت ظاهری انسان گفته می شود که با چشم قابل رؤیت است. (الزبیدی، جلد 6، بی تا، ص 337 و ابن منظور، جلد 4، 1416)

هجری قمری، ص 194) در نگاه کلی اخلاق عرفانی، دربرگیرنده مباحث خودشناسی و خودسازی، خیر و شر در افعال اختیاری و رابطه آن‌ها با کمال و سعادت نهایی، بیدار کردن انگیزه‌های خیرجویی به وسیله انداز و تبشیر، نقش ایمان و عمل و بیان رابطه آن‌ها با یکدیگر و رابطه هر دو با علم و تفصیل اخلاق فاضله و رذیله است.

اهمیت و جایگاه اخلاق عرفانی در دین اسلام تا جایی است که خداوند متعال خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: 159): «پس تو به لطف و رحمت الهی با آنان نرم خو شدی و اگر درشت خوی و سخت دل بودی بی شک از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس از ایشان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ همانا خدا توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.»

بنابراین، مجموعه مسجد علاوه بر رعایت اخلاق نسبت به جوانان، باید آنان را به اخلاق عرفانی اسلام مزین کرده و از صفات رذیله دور نماید. لذا آموزش مراحل اخلاق عرفانی به ترتیب ذیل، یکی از وظایف معرفتی مسجد به حساب می‌آید:

- آموزش موانع نظری و عملی اخلاق عرفانی اعم از غفلت، وسوسه علمی، پندارگرایی، عقل متعارف، هوس‌مداری و خودبینی، کمین‌های شیطان، بازیگری و دنیاگرایی و....

- آموزش مراحل مانع‌زدایی از اخلاق عرفانی اعم از توبه، زهد، ریاضت، مراقبه، محاسبه، تقوا و....

- آموزش مقامات و مراحل اخلاق عرفانی اعم از ایمان، اثبات، نیت، صدق، انابه، اخلاص، خلوت، تفکر، خوف ورجا، صبر، شکر، اراده، شوق، محبت، یقین، سکون، توکل، رضا، تسلیم، توحید، اتحاد، وحدت و....

آنچه در عرفان‌های کاذب به عنوان اخلاق عرفانی مطرح است، ارائه بسته‌ای شکیل و بی‌محتوا از اخلاق انسانی است که به تعبیر قرآن کریم، این نوع اعمال همانند سراب است که تشنه را فریب می‌دهد. «الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ سَائِبًا». (نور: 39): «و کسانی که کافر

شدند، اعمالشان چون سرابی در بیابانی هموار است که تشنه آن را آب می‌پندارد تا چون بدان رسد، می‌بیند آن چیزی نبوده است.»

به عنوان نمونه نهایت چیزی که در عرفان ساحری کارلوس کاستاندا مطرح می‌شود، عمل به سه دستور معنوی دون خوان است که اهمیت ویژه‌ای دارد:

الف) کسب اقتدار شخصی با عمل به تکنیک‌های دویدن در تاریکی (کاستاندا، 1380، ص 13)،

خودداری از آمیزش جنسی (همان، ص 83)، باور اینکه هر عمل، آخرین نبرد سالک است،⁽¹⁾ (همان، 1377 ص 92) تغییر نوع تصور از خود،⁽²⁾ (همان، ص 113) انتخاب مکان قدرت.

ب) خاموش ساختن ذهن و گفت و گوی درونی با راهکارهایی همچون ترک عادت های روزمره، عمل بدون چشم داشت، (همان، ص 61) حماقت اختیاری، (همان، ص 47) نفی گذشته شخصی (همان، ص 81)، بی عملی، (کاستاندا، 1374، ص 133) درست راه رفتن، (همان، ص 70) خیره شدن، (همان، ص 74) حرکت های تنسگریتی.⁽³⁾

ج) تغییر (نقطه تجمع) و رسیدن به اوج آگاهی و معرفت شهودی با روش هایی همچون هنر رؤیابینی، (همان، 1373، ص 34) دود (تخدیر)، (همان، 1374، ص 219) گیاهان روان گردان.

باید توجه داشت که در صورتی که مسجد از ارائه دستور العمل های اخلاقی و عرفانی، آن هم در بُعد معرفتی ناتوان باشد، روح تشنه و کنجکاو جوانان به سوی آموزه های نوظهور انحرافی رفته و آن ها از اسلام فاصله خواهند گرفت.

احکام فردی

آموزش احکام فردی که شامل مباحث نماز، روزه، حج، طهارت و... است، یکی دیگر از وظایف مهم مسجد در بُعد معرفت افزایی به شمار می رود که باید نهاد مسجد بیش از پیش در همگانی کردن این آموزش، تلاش های لازم را انجام دهد. البته اهمیت این مسئله، علاوه بر وجوب فقهی آموزش احکام شرعی به عنوان مقدمه انجام واجبات، از آنجا نشأت می گیرد که تمامی عرفان های نوظهور، علم شریعت ستیزی را برافراشته و

شریعت را به عنوان بزرگ ترین پابند بشریت معرفی کرده اند و فرقه هایی همچون عرفان کیهانی حلقه، تصوف، رام الله، اشو و اکنکار، بارزترین مخالفت ها را تاکنون اعلام کرده اند.

سبک زندگی خانوادگی

سبک زندگی مجموعه ای از طرز تلقی ها، ارزش ها، شیوه های رفتاری، حالت ها و سلیقه ها، بایدها و نبایدهای زندگی با خانواده است که هر انسانی با توجه به باورهای دینی اش، سبک زندگی خود را با آن

ص: 282

- 1- . سالک باید در انجام هر یک از اعمال خود، آن را آخرین عمل خود در زندگی بداند.
- 2- . سالک سرخ پوست باید نگاه خود را درباره گذشته و حال شخصی خود تغییر دهد.
- 3- . تنسگریتی آمیزه ای از دو واژه Tension به معنی کشیدگی و Integrity به معنی تندرستی است. این واژه مشخص کننده دو نیروی کارساز حرکات جادویی اند. کشیدگی، فعالیت ایجاد شده با منقبض و آسوده کردن زردپی ها و عضلات بدن است و تندرستی نیز توجه کردن به بدن است به عنوان واحدی سالم، کامل و بی عیب. (کاستاندا، 1377، ص 35)

تنظیم می کند. لذا مجموعه مسجد موظف است تا موازین دینی اسلام را به طور کاربردی و مشخص در اختیار جوانان قرار دهد تا آنان بتوانند سبک زندگی خود را انتخاب کرده و به آن پایبند باشند.

توجه دادن جوانان به بینش توحیدی در مسئله خانواده، ضروری ترین مسئله ای است که باید در ارائه بسته سبک زندگی خانواده مورد عنایت قرار گیرد. با بررسی تمامی روایات وارد شده از معصومین علیهم السلام این بینش نمایان شده و نقش توحید در زندگی را برای انسان بازگو می کند. با در کنار هم قرار دادن تمامی روایات مرتبط با سبک زندگی خانواده، محور اصلی و اساسی خانواده با عنوان «خدا» مشخص می گردد. به عنوان نمونه حضرت امام محمدباقر علیه السلام فرموده اند: «هرکه آزار و اذیت زنان را تحمل کند و بردباری نماید، اگرچه در برابر یک سخن ناروا باشد، خداوند او را از آتش جهنم آزاد کند و بهشت را بر او واجب گرداند و همچنین در نامه عمل او دویست هزار نیکی بنویسد. دویست هزار زشتی از آن محو کند. مقام او را دویست هزار درجه بلند نماید و به شماره موهای بدنش عبادت یک سال برای او بنویسد.» (حیدری نراقی، 1385، ص 56)

همچنین سایر روایات وارده در خصوص زندگی، خدا و رضایت خدا را اصل اساسی زندگی معرفی نموده اند. این در حالی است که در جوامع غربی این اصل مغفول واقع شده و ارتباطات زناشویی شان بین فردی است و جایگاهی برای خداوند متعال قائل نیستند.

چنانچه زن و مرد، زندگی خود را بدون محوریت خداوند آغاز نمایند، زمینه را برای ورود شیطان و آغاز انحرافات و ناراحتی ها، مهیا کرده و او را به عنوان شریک سوم زندگی قبول نموده اند و طبق فرموده قرآن کریم، شیطان، در روند امرار معاش و همچنین انعقاد نطفه این گروه مشارکت کرده و یکی از اعضای اصلی این ارتباط خواهد بود. به طوری که خداوند خطاب به شیطان می فرماید: «در اموال و اولاد هم با آنان شریک شو.» (وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ). (اسراء: 5)

این نوع از زندگی که فضای آن مملو از حضور شیطان است، آکنده از «فقر و ناامیدی، غرور و خودخواهی، حسادت و افسردگی، درگیری و ناراحتی» است و مورد رحمت الهی قرار نمی گیرد.

خداوند می فرماید: «هر کس از یاد من روی گرداند، همانا در این دنیا زندگی و معیشتش تنگ (همراه با مشقت و سختی) می شود.»: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا». (طه: 124) طبق این آیه مبارکه، تمامی گرفتاری ها و مشکلات زندگی، ریشه در فراموشی و کناره گیری از محور اصلی زندگی، یعنی «خداوند متعال» دارد. بر این اساس، اگر زن و مرد به دنبال خوشبختی حقیقی هستند، باید حضور خدا را در زندگی زناشویی به عنوان «نقطه پرگار» بپذیرند. نتیجه این پذیرش، آرامش حقیقی و شادکامی

ماندگار در زندگی زناشویی است که از جانب خداوند متعال، برایشان به ارمغان آورده می شود.

در مقابل آنچه از سوی عرفان های نوظهور ترویج می گردد، اولاً مخالفت صریح با تشکیل خانواده است که به عنوان نمونه اُشو می گوید: «من سراپا طرفدار عشقم، چون عشق شکست می خورد. من از ازدواج دل خوشی ندارم، چون ازدواج موفق می شود و به تو ثبات و آرامشی دائمی می بخشد و خطر همین جاست. تو به یک اسباب بازی راضی می شوی، تو با شیئی پلاستیکی، مصنوعی و دست ساخته انسان قانع می شوی». (اشو، 1382، ص 230) «ازدواج وسیله ای است برای فرار از ترس تغییرات. ازدواج وسیله ای است تا پیوند را تثبیت کنی». (اشو، 1385، ص 72) «تعهد را نمی توان تحمیل کرد. این یکی از مشکلات ریشه ای در روابط انسان ها است. مردها بیشتر نیاز به آزادی دارند و زن ها بیشتر به عشق نیاز دارند». (همان، 1382، 364)

ثانیاً جدایی دین از سبک زندگی خانواده، مهم ترین شعار این قبیل فرقه های انحرافی است. بازهم به سخنان انحرافی اُشو باید توجه داشت که می گوید: «چرا شما هنگامی که به زن یا مردی عشق می ورزید، می خواهید بی درنگ با هم ازدواج کنید و این عشق را به عقدی قانونی مبدل سازید؟! آیا قانون هیچ گاه بر قامت عشق راست می آید؟ قانون به قامت چنین عشقی درمی آید؛ چون اینجا اصلاً عشقی وجود ندارد! این تنها تصویری از عشق است که به زودی از بین خواهد رفت». (همان، 122)

لذا مسجد باید با ارائه سبک زندگی خانواده به جوانان، آنان را از دام تفکرات انحرافی عرفان های انحرافی برهاند و آنان را در مسیر درک معرفت زندگی یاری نماید.

طبق این دسته بندی مجموعه مسجد، یکی از مهم ترین مراکز نشر علم و معرفت بوده و با ارائه یک جهان بینی کامل و ایدئولوژی منسجم، اولاً هویت دینی علم را حفظ کرده و ثانیاً در راستای تعلیم و تربیت انسان های دین محور تلاش می نماید.

نتیجه

مسجد، با در نظر گرفتن رسالت اصلی خود برای ارتقای سطح معنوی و معرفتی جوانان، می تواند در حفظ و صیانت از جوانان در برابر ابتلا به عرفان های نوظهور، نقشی اساسی و حیاتی ایفا کند. لذا نهاد مسجد

به هر میزان که در انجام وظایف رسالتی خود کوشا باشد، به همان مقدار از آمار آسیب دیدگان عرفان های نوظهور کاسته شده و نیز افرادی را که در معرض آسیب هستند، از دام فرقه های انحرافی رهایی می بخشد.

1. قرآن کریم.
2. ابن ابی جمهور، محمدبن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ، چاپ اول، ج 1، 1403 هجری قمری.
3. ابن منظور، لسان العرب، ج 4، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1416 هجری قمری.
4. اشو، الماسه های اشو، چاپ چهارم، ترجمه مرجان فرجی، انتشارات فردوسی، 1382.
5. ____، آوازسکوت، ترجمه میرجواد سید حسینی، انتشارات هودین، اصفهان، 1384.
6. ____، پیوند، چاپ دوم، ترجمه عبدالعلی براتی انتشارات نسیم دانش، تهران، 1385.
7. ____، در هوای اشراق، مترجم فرشید قهرمانی و فریبا مقدم، آوند دانش، 1382.
8. ____، شہامت، چاپ دوم، ترجمه خدیجه تقی پور، انتشارات فردوسی، 1380.
9. ترمذی، ابوعیسی، الجامع الصحیح، ج 5، دارالحدیث، قاهره، 1975 میلادی.
10. چاندرا، ساتیش، موهان داتا، دریندرا، معرفی مکتب های فلسفی هند، مترجم ناظرزاده، حوزه علمیه قم، 1384.
11. حر عاملی، محمد بن حسین، وسائل الشیعہ، جلد 1، نشر اسلامی، 1376.
12. حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام: شرح نراقی، مهدی نراق، قم، 1385.
13. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ذوی القربی، 1416 هجری قمری.
14. رضاییان، علی، اصول مدیریت، چاپ سوم، انتشارات سمت، 1386.
15. الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 6، دار مکتبه الحیاه، بیروت، بی تا.
16. زیدبن علی، مسند الامام زید، دار مکتبه الحیاه، بیروت، بی تا.
17. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، دار الفکر، بیروت، 1983 میلادی.
18. شیخ صدوق، أمالی، اعلمی، بیروت، 1400 هجری قمری.
19. قاسانی، ملا عبدالرزاق، اصطلاحات الصوفیه، مجید هادی زاده، نشر حکمت، 1381.
20. کاستاندا، کارلوس، آتش درون، چاپ ششم، مترجم مهران کندری و مسعود کاظمی، نشر میترا، 1380.

21. __، تعلیمات دون خوان، مترجم حسین نیر، فردوسی، 1374.

22. __، چرخ زمان، مترجم مهران کندری، میترا، 1377.

ص: 285

1. __، حرکات جادویی، مهران کندری، میترا، 1377.
2. __، هنر خواب بینی، فرزاد همدانی، نشر سیمرخ، تهران، 1373.
3. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، جلد 8، چاپ دهم، نشر معارف، 1391.
4. کوندرا، سیما، تراشهای الماس خداوند، ترجمه طاهره آشنا، نشر صاحب اثر، 1374.
5. کوئلیو، پائولو، اعترافات یک سالک، مترجم دل آرا قهرمان، بهجت، 1380.
6. گاس، رابرت و برهونی، کاتلین، سرودخوانی معنوی، مقدس کردن زندگی، ترجمه ایران نژاد، انتشارات نسل نواندیش، تهران، 1382.
7. لا ما، دالایی، هنر شادمانگی، مترجم محمدعلی حمیدرفیعی، کتابسرای تندیس، 1384.
8. ماهنامه موعود، شماره 63، 116، Lamont, The Philosophy of Humanism, 1977, p. 116.
9. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج 8، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1362-1363.
10. مصباح یزدی، محمدتقی، در کوچه های آفتاب، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1390.
11. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ نهم، انتشارات صدرا، 1359.
12. __، مجموعه آثار، جلد 6، انتشارات صدرا، 1359.
13. ملکیان، مصطفی، راهی به رهایی، چاپ دوم، نشر معاصر، 1388.
14. میرشکار، حمیدرضا، «بررسی نقش معنویت در نبرد نامتقارن»، مجموعه مقالات کنگره نقش معنویت در نبرد ناهمتراز، 1393.
15. هینلز، جان آر، فرهنگ ادیان جهان، ترجمه ع. پاشایی، نشر حوزه علمیه قم، 1389.

مسجد در جایگاه یک نهاد دینی، با کارکردهای متنوع اولین پایگاه یا کانون ارتباطات اجتماع مسلمانان بوده و همواره در متن و بطن جوامع اسلامی حضور مؤثر داشته و به مقتضای زمان و مکان، مأموریت‌ها و اهداف مختلفی را پذیرفته است. یکی از مهم‌ترین مأموریت‌ها و کارکردهای این نهاد دینی، انتقال فرهنگ دینی به نسل‌های جدید است. این مأموریت معمولاً از نظر سخت‌افزاری کمتر دچار مشکل و کاستی بوده است، ولی در حوزه نرم‌افزاری شامل اهداف، اصول، محتوا و روش‌ها، کاستی‌های فراوانی، به ویژه در به کارگیری این موارد برای مخاطب ویژه‌ای به نام جوان احساس می‌شود.

اگر دو سوی انسانی این ارتباط آموزشی و تربیتی را جوان و امام جماعت مسجد بدانیم، نیازمند شناخت این مخاطب و نیازهای او و امام جماعت، ویژگی‌ها و وظایف او هستیم که این مهم جز با بازخوانی سیره اهل بیت علیهم السلام و در دستور کار قرار دادن این سیره برای عوامل انسانی موجود در مساجد، خصوصاً امام مسجد، میسر نمی‌شود. با توجه به همین مسئله است که در این نوشتار در پی رسیدن به پاسخ پرسش‌هایی از این دست هستیم: جوان کیست؟ جوانی چیست؟ اهل بیت علیهم السلام برای تربیت جوان چه اصول، محتوا و روش‌هایی دارند؟ امام جماعت مسجد برای اجرای این مأموریت‌ها در مسجد به عنوان محیط یاددهی-یادگیری چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

کلیدواژه‌ها: مسجد، جوان، یاددهی-یادگیری، اهل بیت علیهم السلام، روش‌های تربیتی.

مسجد در جایگاه اولین نهاد تأسیس شده توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه واله، بلافاصله کارکردهای خود را بروز داد و ابتدا هر ستون و سپس هر حجره و رواق آن نمودی از یک کارکرد و یکی از ابعاد آموزه های اسلام شد. این مکان، از حرم خدا و محل جلوس انبیا گرفته، تا خانه پرهیزگاران و مرکز رشد و پایگاه سازندگی اسلامی و سکوی پرواز معنوی مؤمن و ده ها نام دیگر را بر خود گرفت و این ها نبود، مگر به برکت حضور پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه واله و اهل بیت ایشان علیهم السلام که از این مکان به شکل یک محیط یاددهی - یادگیری استفاده می کردند و این سیره و روش آن ها محبوب شد که در سراسر سرزمین های اسلامی، مساجد محل تعلیم و تربیت و مدارس و دانشگاه ها نیز در کنار آن ها تأسیس شدند.

با بروز انقلاب اسلامی و روی آوری مردم به مسجد، تا آنجا پیش رفتیم که اداره جنگ تحمیلی نیز همانند انقلاب اسلامی در مساجد انجام می شد؛ ولی این احیای مسجد دیری نپایید و به دلایلی جاذبه های آن کم و کمتر شد. پرسش اصلی این است که چگونه می توانیم با تأسی از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و امامان و معصومین علیهم السلام این نهاد تربیتی و محیط یاددهی - یادگیری را احیا کنیم؟ مسئولیت اصلی این مهم با کیست؟ چه ره توشه ای از شاخص ها و راهکارها پیش روی اوست و برای مخاطب خاص، یعنی جوانان چه روش هایی را باید به کار ببرد؟

در این مقاله بر آنیم که به تبیین دیدگاه و رفتار معصومین علیهم السلام در مورد مسجد بپردازیم و تأثیر اعمال و رفتار آنان در دوران حیاتشان و پس از آن را در جوامع اسلامی نشان دهیم؛ سپس به تبیین ویژگی ها و وظایف امام مسجد به عنوان پیام رسان این رسالت می پردازیم و در نهایت با معرفی یکی از مخاطبان، یعنی جوانان، ویژگی های مسجد و امام مسجد موفق را مرور می کنیم.

الف) نگاهی تاریخی به مسجد، تعلیم و تربیت

1. پیامبر صلی الله علیه واله در مکه

پیامبر اسلام به عنوان نخستین معلم در مسجد امر تعلیم و تربیت را شروع کرد و در ابتدای کار، جهت بیان اهمیت و نقش تعلیم و تربیت و رواج و گسترش این طرز فکر در میان جامعه اسلامی فرمود: «هر کس به منظور یاد دادن و یاد گرفتن وارد مسجدی شود، مانند مجاهدی است که در راه خدا نبرد می کند» (وسائل الشیعه به نقل از: موظف رستمی، 1391، ص 60). این معلم گرامی مأمور بود کتاب آموزشی دنیا و آخرت و زندگی مادی و معنوی انسان ها، یعنی قرآن را به گوش و جان انسان ها برساند. او در ابتدا از خانه

خود و یارانش آغاز و در اولین فرصت این کتاب مقدس یاددهی - یادگیری را در محیط مقدس مسجد ابلاغ کرد تا انسان ها در پناه این قداست ها طعم قدسی شدن را بچشند.

ابلاغ پیام قرآن از سوی پیامبر صلی الله علیه واله و حفظ و درک آن از سوی گیرندگان این پیام، نقطه آغاز آموزش بود و به موازات آموزه های قرآن، سیره آموزشی و تعلیم و تربیتی پیامبر صلی الله علیه واله نیز ظهور و بروز یافت و نسل به نسل از معصومین علیهم السلام و علمای ربانی به معلمان و مبلغان و مروجان دین رسید.

آموزش های پیامبر صلی الله علیه واله از جلسات دونفره که مرکب از یک معلم و یک شاگرد بود، آغاز گشت. آموزش انفرادی پیامبر صلی الله علیه واله با تدریس آیات قرآن مجید به همسر گرامی اش خدیجه علیها السلام همراه بود. در این میان، آیات وحی را نخستین شاگرد و دست پرورده مکتب اسلام، علی علیه السلام می شنید و سپس می نوشت. (ضمیری، 1380، ص 90)

(الماسی، 1371، ص 197 به نقل از ابن هشام) می نویسد: رسول خدا صلی الله علیه واله به اتفاق حضرت علی علیه السلام به طور مخفی هر روز به سمت کوه های مکه می رفت و نماز و عبادت را دور از چشم مردم انجام می داد و شب ها بر می گشت تا اینکه ابوطالب از جریان اطلاع پیدا کرد و از پیامبر اسلام صلی الله علیه واله سؤال کرد که این دینی که پایبند آن هستی چیست؟ حضرت حقایقی در این زمینه بیان کرد؛ آنگاه ابوطالب فرزندش، حضرت علی علیه السلام را تشویق کرد که با پیغمبر اسلام باشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه واله طبق فرمان الهی که فرمود: «خویشان نزدیکت را هشدار بده» (شعرا: 214)، مأموریت یافت تعالیم تربیتی خود را ابتدا از خانواده و خویشان نزدیک خود شروع کند. در یکی از این جلسات که چهل تن از خویشان حاضر بودند، خلاصه ای از هدف و محتوای تربیتی خود را چنین بیان کرد: «من برای شما خوبی های دنیا و آخرت را آورده ام». این جلسات خصوصی سه سال ادامه یافت و نتیجه این شد که چهل و دو تن ایمان آوردند که سی تن آنان جوان بودند. (شلیبی، 1370، 48) با اشاره به این حلقه ها می نویسد: «علی بن ابی طالب در شمار اندک کودکانی بود که در این آموزش ها حضور داشت».

(نوبهار، 1373، 90، به نقل از الطبقات الکبریٰ واقدی) در مروری تاریخی بر آغاز تعلیم و تربیت اسلام در مسجد چنین می نویسد: «در سال های آغاز بعثت به دلیل جو اختناق و شرایط سختی که بر مکه حاکم بود، اساساً امکان تبلیغ علنی برای پیامبر صلی الله علیه واله فراهم نبود؛ به ناچار سنگر تبلیغ دینی، به طور عمده خانه آن حضرت بود. با اسلام آوردن ارقم بن ابی الارقم، خانه او به جایگاه آموزش مسلمانان تبدیل شد. پیامبر صلی الله علیه واله در این خانه که در کنار کوه صفا قرار داشت، مبانی اندیشه های اسلامی را به مسلمانان آموزش می داد. بسیاری از مردم مکه در همین خانه و در سایه آموزش های پیامبر صلی الله علیه واله مسلمان شدند.

در سال چهارم بعثت، یاران پیامبر صلی الله علیه و اله مسلمان بودن خویش را آشکار می کردند، باین حال نمی توانستند از مسجد به عنوان سنگری در راستای تبلیغ و آموزش، بهره برداری کنند. مسجدالحرام کاملاً در چنگال مشرکان

قرار داشت. باین همه، شواهد تاریخی نشان می دهد که پیامبر صلی الله علیه و اله و یاران آن حضرت تا مرز امکان از مسجدالحرام در راستای تبلیغ و ترویج اندیشه های دینی بهره برداری کرده اند. کعبه و مسجدالحرام از دیرباز جایگاه گردهمایی مردم بود. پیامبر صلی الله علیه و اله از این فرصت ها برای تبلیغ سود می جستند. آن حضرت بارها در کنار حجر اسماعیل به تلاوت آیه های روح بخش قرآن برای مردم می پرداخت و آنان را به پذیرش اسلام فرامی خواند. اسلام آوردن شمار در خورتوجهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و اله در مکه، ثمره چنین کارهای تبلیغی بود.

بر پایه برخی از شواهد تاریخی، پیامبر صلی الله علیه و اله در دورانی، یاران خویش را در مسجدالحرام گرد می آورد و برای آن ها قرآن می خواند و واجبات و محرمان الهی را بدانان آموزش می داد. چنین جلساتی در مسجد، گاه به مناظره و گفتگوهای طولانی و علمی با سران قریش می انجامید و پیامبر صلی الله علیه و اله با استناد به آیات نورانی قرآن، به شبهه های گوناگونی که از سوی آنان مطرح می شد، پاسخ می گفتند. این فعالیت ها به پیامبر صلی الله علیه و اله محدود نمی شد، بلکه رفته رفته یاران صدیق و پاک باخته آن حضرت نیز از مسجدالحرام به عنوان سنگر ترویج آیین حیات بخش اسلام بهره برداری می کردند. عبدالله بن مسعود پس از پیامبر صلی الله علیه و اله اولین کسی بود که آوای قرآن را در مسجدالحرام سر داد». (نوبهار، 1373، 92)

2. پیامبر صلی الله علیه و اله در مدینه و تلاش های آموزشی امامان علیهم السلام

تلاش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به عنوان یک معلم، به تشکیل حکومت در مدینه انجامید و با بنامش مسجدالنبی شاهد اوج گیری آموزش و تعلیم و تربیت هستیم. (نوبهار، 1373، 94) در این باره می نویسد: «با بنای مسجدالنبی، در واقع نه تنها معبد و پرستش گاهی ساخته شد، که دانشگاهی فعال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی ریزی شد»؛ به عبارت دیگر مسجد در جایگاه یک محیط یاددهی- یادگیری، رسمیت بیشتری یافت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در ابتدا با تکیه بر یکی از ستون ها و بعدها و با افزایش تعداد مخاطبان، بر فراز منبر به ارائه تعلیمات خود پرداختند. «ایشان علاوه بر جلسات سخنرانی، کلاس های آموزشی را نیز در اوقات گوناگون تشکیل می داد؛ در این کلاس ها علاوه بر جوانان و نوجوانان، بزرگ سالان و پیرمردان نیز حضور داشتند و در این جلسات مسائل گوناگونی آموزش داده می شد». (نوبهار، 1373، ص 105 و رک: بحار الانوار، ج 40، ص 45).

نوبهار در ادامه می نویسد: «استاد و مدرس کلاس هایی که در مسجد تشکیل می شد، تنها پیامبر صلی الله علیه و اله نبود. علی علیه السلام نیز گاه به فرمان پیامبر صلی الله علیه و اله به منبر آن حضرت می نشست و در حالی که یک پله پایین تر از جای پیامبر صلی الله علیه و اله می نشست، برای مردم سخن می گفت. آموزش به تازه مسلمانان، پاسخ به هیئت های نمایندگی اقوام و ادیان، گفتگوهای فرهنگی، از انواع امور تعلیمی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله بود و این سیره و روش توسط نمایندگان اعزامی پیامبر در مناطق دیگر و در مساجد دیگر نیز به اجرا در می آمد». (همان، ص 110)

با فتح مکه و دستیابی به مسجدالحرام و نصب استاندار در مکه، رسول الله صلی الله علیه و اله مبلغ رسمی برای آموزش مردم تعیین فرمودند. در این میان، وزن آموزشی حضرت امام علی علیه السلام به عنوان اولین امام و دست پرورده مکتب، به اندازه ای بود که با ندای «سلونی قبل أن تقعدونی» (پیش از آنکه مرا از دست بدهید، پیرسید تا شما را پاسخ گویم) همگان را شگفت زده نمود.

امامان حسن و حسین علیهما السلام و امام سجاد علیه السلام، علی رغم اینکه با فشار حکومت اموی، عملاً از فعالیت های مسجدی آن ها ممانعت می گردید، شواهد تاریخی نشان از حضور آن ها در مسجد و گفتگوی علمی دارد. با افول حکومت اموی، در دوران امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرصت مناسبی به دست آمد و در مسجدالنبی و در موسم حج و در مسجدالحرام، جلسات درسی فراوانی بر پا می گردید تا جایی که شمار شاگردان امام صادق علیه السلام را دو تا چهار هزار نفر برآورد کرده اند. (الامام الصادق و المذاهب الاربعه، اسد حیدری به نقل از نوبهار، 1373، ص 152) جلسات درس حضرت در خانه و مسجد برپا می شد و رونق آن، چنان بود که به دیگر مساجد و شهرها نیز سرایت می کرد و شاگردان آن حضرت کلاس ها را اداره می کردند. روش یاددهی - یادگیری در میان شاگردان آن حضرت رواج داشت؛ بدین معنا که سعی می کردند آنچه را یاد گرفته اند، به دیگران بیاموزند. امامان بعدی نیز علی رغم ایجاد محدودیت از سوی حکومت، مستقیماً و یا به وسیله شاگردان خود، در مساجد فعالیت داشتند.

3. مسجد، تعلیم و تربیت، پس از معصومان علیهم السلام

پس از گسترش اسلام و روی آوری مسلمانان به علم و دانش، جایگاه های آموزش نیز از مکتب خانه ها، کتاب فروشی ها، خانه های دانشمندان، تالارها، کتابخانه ها (دالالکتب و دارالعلم) تا مساجد و مدارس گسترش یافت، ولی همواره محل اصلی تعلیم و تربیت دینی مساجد بوده اند و همین جایگاه نیز بود که موجب ساخت و گسترش مساجد جامع گردید که علاوه بر حفظ قداست مسجد، امکان توسعه موضوعات و مخاطبان مختلف را فراهم آوردند. (احمد شلیبی، 1370) در کتاب تاریخ آموزش در اسلام به جامع های

متعددی اشاره می شود که با تأسیس آن ها، مساجد بر آموزش های اعتقادی، اخلاقی و معنویت بیشتر متمرکز شدند. در این میان، تعلیمات مبتنی بر سیره اهل بیت علیهم السلام علاوه بر جایگاه های یادشده، در منزل عالمان و با حضور معلمان خصوصی نیز انجام می گردید (عرسان کیلانی، 1387، 48).

ب) جوانان، مخاطبان ویژه پیامبران و معصومان علیهم السلام

اشاره

اگر آموزش و تعلیم و تربیت را یک فعالیت ارتباطی بدانیم که در یک سوی آن یاددهنده و در سوی دیگر آن یادگیرنده قرار دارد، بدیهی است که شناخت و آگاهی از مخاطب یکی از مهم ترین عوامل اثرگذاری پیام

خواهد بود. در سیره انبیا و معصومان علیهم السلام مخاطب شناسی از جایگاه والایی برخوردار است و نشان می دهد این بزرگان علاوه بر داشتن توانایی شناخت مخاطبان مختلف، زبان ارتباطی مناسب با آن ها را نیز می دانستند. از مهم ترین مخاطبان انبیا و معصومان علیهم السلام جوانان بودند. در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و اهل بیت علیهم السلام دقیق ترین تعابیر در شناخت این مخاطب به چشم می خورد که نشان دهنده استواری تعلیم و تربیت آن ها و اصول و روش های آن ها در مواجهه با جوانان است.

ابوجعفر احول، از یاران امام صادق علیه السلام در بصره به کار تبلیغ فرهنگ تشیع و نشر تعالیم اهل بیت علیهم السلام می پرداخت. روزی به حضور آن حضرت رسید؛ امام علیه السلام از او پرسید: «مردم بصره را در سرعت پذیرش این مکتب، چگونه یافتی؟» گفت: گروندگان اندک اند. امام فرمود: «به نسل جوان روی آور و در هدایت اینان بکوش؛ زیرا جوانان زودتر به هر خیر و صلاحی می گریند» (پروانه و حشمتی، 1383، ص 171). از این روست که جوانان همواره از برجسته ترین یاران پیامبر صلی الله علیه واله و امامان علیهم السلام بودند.

(حسینی زاده و حاجی ده آبادی، 1385) با الهام از روایات وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و امامان علیهم السلام این تعابیر را برای جوان نقل کرده اند:

1. شیرین ترین آفرینش خداوندی: ابن ابی لیلی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: شیرین ترین آفریده های خدای بزرگ کدام است؟ امام فرمود: فرزند جوان. عرض کرد: تلخ ترین آفریده های خدای بزرگ کدام است؟ فرمود: ازدست دادن آن جوان. عرض کرد: شهادت می دهم که شما حجت خدا بر بندگان هستی (شیخ صدوق، ج 1، ص 188).

2. فضیلت ناشناخته: امام علی علیه السلام فرمودند: دو چیز است که کسی ارزش آن را نمی شناسد، مگر وقتی که آن را از دست بدهد: جوانی و آرامش (آمدی، ج 4، ص 183، ش 5764).

3. بهره مند از سفارش پیامبر صلی الله علیه واله: رسول الله چنین فرمودند: شما را به نیکی با جوانان سفارش می کنم؛

زیرا آن‌ها نرم‌ترین دل را دارند. همانا خداوند مرا بشارت دهنده و هشداردهنده برانگیخت. جوانان با من پیمان بستند و پیران با من به مخالفت برخاستند؛ سپس این آیه را خواندند: «عمر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت شد (حدید: 16)» (فرید تنکابنی، الحدیث، ج 1، ص 349، نقل از شباب قریش، ص 1).

4. مایه فخر و مباهات خداوند: امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه واله می‌فرماید: «حنا بیندید که حنا بر جوانی، زیبایی، قدرت نکاح و طراوت چهره شما می‌افزاید و در این صورت خدا به شما بر ملائکه مباهات می‌کند» (طبرسی، ابی نصر، مکارم الاخلاق، ص 82). در جایی دیگر امام علی علیه السلام می‌فرماید: «یاران مهدی

جوان اند و کهن سال در بین آن‌ها نیست، مگر به اندازه سرمه در چشم و نمک در توشه که کم‌ترین توشه مسافر نمک است» (نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیه، ص 316)

ویژگی‌های جوانان، از دیدگاه معصومان علیهم السلام

اشاره

(حسینی زاده و حاجی ده‌آبادی، 1385) در تکمیل آنچه نقل شد که حاکی از ارزشمندی جوان و جوانی است، ویژگی‌های جوانان را از دیدگاه معصومان علیهم السلام چنین بیان می‌کنند: (1)

1. ضمیری بسیار پذیرا و مستعد

امام علی علیه السلام چنین می‌فرماید: «هرگاه در کاری که با آن مواجه شدی، نیازمند مشورت بودی، ابتدا با جوانان مشورت کن؛ زیرا آن‌ها از نظر ذهنی تیزتر و از نظر حدس و گمان سریع‌ترند؛ سپس آن‌ها بر میان سالان و کهن سالان عرضه کن تا بررسی کرده، بهترین رأی را برگزینند؛ زیرا آن‌ها تجربه بیشتری دارند» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 331). ایشان همچنین می‌فرماید: «دل جوان همچون زمین ناکشته است؛ هرچه در آن افکنند، بپذیرد» (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، ص 297).

2. دارای تنش‌های [هیجان‌های] شدید

پیامبر صلی الله علیه واله درباره این خصوصیت جوان می‌فرماید: «جوانی یکی از شاخه‌های دیوانگی است.» (مجلسی، بحار الانوار، ج 21، ص 211). امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «مستی بر چهار نوع است: مستی جوانی، مستی مال، مستی خواب و مستی ریاست» و در جای دیگر فرمودند: «بر خردمند سزاوار است خود را از مستی [غرور] مال و مستی قدرت و مستی علم و مستی مدح و مستی جوانی حفظ کند؛ زیرا هر یک از

ص: 293

1- . روایت‌هایی که در این بخش نقل می‌شود و منابع ذکر شده برای آن‌ها، همه به نقل از (حسینی زاده و حاجی ده‌آبادی، 1385) است که پیش‌تر ذکر شد.

این‌ها دارای بوهای خبیث اند که عقل را از انسان می‌ربایند و از وقار انسان می‌کاهند (آمدی، غررالحکم، ج 2، ص 445، ش 10948).

3. [دارای] گرایش به دین و معنویت

امام علی علیه السلام فرمودند: «دل نوجوان مانند زمینی خالی و مستعد است که هر بذری در آن افشاندن شود، می‌پذیرد؛ از این رو در آغاز جوانی از پیش از آنکه قلبت سخت شود، به تربیت تو اقدام کردم (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، نامه 31).

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: «جوانان را دریاب؛ زیرا آنان شتاب بیشتری به هر نیکویی دارند» (کلینی، الکافی، ج 8، ص 93).

4. برخوردار از استعدادها و توانایی‌های عقلی و ادراکی زیاد

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: «هر کس در جوانی دانش بیاموزد، دانش او همچون نقش بر سنگ است و هر کس در بزرگی سالی دانش بیاموزد، دانش او همچون نوشتن بر آب است (مجلسی، بحار الانوار، ج 1، ص 222).

5. دارای علم و دانش کم، به رغم استعداد بالا

امام علی علیه السلام فرمودند: ناآگاهی جوانان پذیرفته و آگاهی و دانش آنان ناچیز است (آمدی، غررالحکم، ج 1، ص 372).

6. حساسیت و زودرنجی

امام علی علیه السلام فرمودند: هرگاه نوجوانی را توبیخ کردی، راهی برای او در توجیه گناهش باز گذار تا موجب لجاجت و دشمنی او نشود (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 333).

7. زیباخواهی و زیباجویی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در این باره می‌فرمایند: «همانا محبوب‌ترین خلق نزد خداوند نوجوانی زیباروی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و در راه اطاعت او قرار می‌دهد؛ او کسی است که خدا به او بر ملائکه مباحثات می‌کند و می‌گوید: این بنده واقعی من است» (متقی هندی، کنز العمال، ج 15، ص 785).

8. آرزومندی

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله می فرماید: «چه بد است جوانی که آرزوهای طولانی دارد و کهن سالی که به دیگران امر ونهی می کند» (مجلسی، بحارالانوار، ج 74، ص 173).

علاوه بر تعابیر فوق، کیستی و چیستی جوانان با عبارت هایی چون فرصتی مغتنم، گنج های نهفته اجتماع، سرشار از نیروی جسمی، استقلال خواه، مشارکت جو، نرم دل و انعطاف پذیر آمده است.

ج) اصول تربیتی مناسب برای جوانان از دیدگاه معصومان علیهم السلام

اشاره

معصومان علیهم السلام در اجرای منویات خود و قبل از اقدام، معتقد به اصولی بودند که عرصه ارتباطی آن ها را در تعلیم و تربیت اثربخش می ساخت. این اصول در چهار طبقه قابل بررسی است:

1. اصول مبتنی بر خود (مربی)

اصولی را در مورد نقش مربی گری و معلمی خود لحاظ می کردند که همزمان، روش و الگوی تعلیم و تربیت را تشکیل می دهد. این اصول عبارت اند از:

1-1. خیرخواهی و دلسوزی؛

1-2. اهتمام و توجه؛

1-3. نرمی و خوش رفتاری؛

1-4. انعطاف پذیری؛

1-5. اعتدال؛

1-6. گذشت؛

1-7. جدیت.

2. اصول مبتنی بر پیام

معصومان علیهم السلام در ارتباط با پیام نیز اصولی را رعایت می کردند که عبارت اند از:

2-1. بیان جنبه های آسان آموزه ها؛

2-2. دوری از افراط؛

2-3. پرهیز از مطلق‌گویی؛

ص: 295

4-2. پرهیز از مطلق گرایی؛

5-2. دوری از افراط گرایان؛

6-2. اولویت اخلاق بر عبادت.

3. اصول مبتنی بر مخاطب

معصومان علیهم السلام در ارتباط با مخاطب نیز اصولی را رعایت می کردند که سرچشمه روش های اساسی در تعلیم و تربیت مانند تکریم شخصیت و محبت است. بخشی از این اصول به شرح زیر است:

1-3. کرامت و حرمت؛

2-3. ابراز محبت؛

3-3. لطف و رحمت؛

4-3. ارتباط عاطفی؛

5-3. پاسداری از عزت و حرمت؛

6-3. توجه به غرایز و خواسته ها؛

7-3. توجه به همه ابعاد؛

8-3. مثبت نگری.

برای مثال در مورد نگرش مثبت، روایت شده است که جوانی از انصار در نماز جماعت پیامبر صلی الله علیه و اله شرکت می کرد و کارهای زشت نیز انجام می داد؛ به حضرت خبر دادند. حضرت فرمود: به طور قطع نمازش او را نجات خواهد داد و از کارهای زشت باز خواهد داشت؛ مدتی نگذشت که جوان توبه کرد (مجلسی، بحار الانوار، ج76، ص 225).

4. اصول مبتنی بر روش

در اتخاذ روش های یاددهی-یادگیری که بیشتر به آن ها خواهیم پرداخت، نیز اصول زیر را از معصومان علیهم السلام مشاهده می کنیم:

1-4. تنوع روش ها؛

2-4. توجه به پیشگیری؛

3-4. سهل گیری.

(د) پیام های مناسب برای تعلیم و تربیت جوانان(1)

رویکرد و نگاه مثبت به جوان و شناخت ویژگی های او در مکتب اهل بیت علیهم السلام منجر به انتخاب زبان مناسب، محتوای مناسب و روش برخورد مناسب با او می شود که تمامی این ها اگر در یک محیط مناسب یاددهی- یادگیری، یعنی مسجد صورت پذیرد، از اثربخشی بالایی برخوردار خواهد بود. زبان و محتوای مناسب در سیره معصومان علیهم السلام مبتنی بر نیازهای مخاطب و رشد و ادراک آن ها تهیه و تنظیم و ارائه می گردد. این محتوا یا پیام، عرصه های مختلف یادگیری جوان را در بر می گیرد که عبارت است از:

1. تربیت اخلاقی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «بُعِثْتُ لِاتِمِّ مَكَارِمِ الْاِخْلَاقِ: همانا من برانگیخته شدم تا نیکی های اخلاقی را تکمیل کنم». جای هیچ بحثی نیست که اولویت در تعلیم و تربیت اهل بیت علیهم السلام با تربیت اخلاقی است (احمدی میانجی، مکاتب الرسول، ج1، ص384).

2. تربیت دینی

تربیت دینی از حقوق فرزندان است که بر عهده والدین و مربیان جامعه قرار دارد و از ارتباط جوانان با قرآن آغاز می شود. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: «هر جوان باایمانی که قرآن قرائت کند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می شود» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج4، ص633) این آموزش ها تا آشنایی با مستحبات و مکروهات را در دستور کار قرار دارد.

3. تربیت سیاسی

(حسینی زاده، 1385، ص87) سه روایت می آورد: امام صادق علیه السلام می فرمایند: «ای جوانان پرهیزگار باشید و گرد رئیسان [ستمگر] نگردید؛ آنان را به حال خود واگذارید تا از ریاست بیفتند؛ مردان را به جای خداوند دوست همراه نگیرید»؛ در روایتی دیگر می فرمایند: «پیش از آنکه مرجئه سراغ جوانانتان آیند و آن ها را منحرف نمایند، حدیث و سخن ما را به جوانانتان بیاموزید» و در روایت سوم، افراط گرایان را هدف گرفته، می فرمایند: «مواظب خطر غالیان بر جوانان خود باشید تا آنان را فاسد نکنند؛ زیرا آن ها بدترین مخلوقات خداوند».

ص: 297

1- . بیشتر آنچه در این بخش نقل می شود و روایت ها و منابع ذکر شده برای آن ها، همه به نقل از (حسینی زاده و حاجی ده آبادی، 1385) است که پیش تر ذکر شد.

4. تربیت علمی

در کتاب مغز متفکر جهان شیعه، (ص 59) در روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام آمده است: «یتیم آن نیست که پدر خود را از دست داده، بلکه آن است که از علم و ادب بی بهره باشد و این میراثی است از پیامبر اکرم 7، آن زمان که وارد مسجد شد، چشمش به دو اجتماع افتاد که از دو دسته تشکیل شده بود و هر دسته ای حلقه ای تشکیل داده، سرگرم کاری بودند؛ یک دسته مشغول عبادت و ذکر و دسته دیگر به تعلیم و علم. حضرت از دیدن آن ها مسرور و خرسند شد و به کسانی که همراهش بودند رو کرد و فرمود: «این هر دو دسته کار نیک می کنند و برخیز و سعادت اند»؛ آنگاه جمله ای اضافه کرد: «لکن من برای تعلیم و دانا کردن فرستاده شده ام»؛ پس خودش به طرف همان دسته که به کار تعلیم و تعلم اشتغال داشتند، رفت و در حلقه آن ها نشست. (مطهری، 1358، ص 1).

5. تربیت جسمی

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و امامان علیهم السلام بر حضور فعال در فعالیت های جسمی و شرکت در مسابقات بود. از امام محمدباقر علیه السلام نقل شده است که می فرمایند: «مردم مدینه مسابقات تیراندازی برپا و با علاقه در آن شرکت می کردند؛ من نیز در ایام جوانی به این کار علاقه داشتم؛ سپس آن را ترک کردم» (حسینی زاده، 1385، ص 89).

6. تربیت جنسی

(حسینی زاده و حاجی ده آبادی، 1385) به نقل از ابوبصیر از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل می کند، در مورد این آیه که درباره قوم لوط سخن می گوید: «شما کسانی هستید که این عمل زشت را انجام دادید و کسی قبل از شما در عالم این کار را انجام نداد» (عنکبوت: 28)، فرمود: «شیطان در صورت و لباس زیبا نزد جوانانی از قوم لوط آمد، در حالی که خود را به صورت زن درآورده بود و از آنان خواست که با او لواط کنند؛ اگر شیطان از آنان خواسته بود که مفعول واقع شوند، نمی پذیرفتند، ولی از آنان خواست که فاعل باشند. وقتی چنین کردند، از آن لذت بردند؛ سپس شیطان آن ها را ترک کرد و آن ها با یکدیگر لواط کردند». به دلیل قدرت این غریزه و تمرکز شیطان بر آن، آموزش ها و تربیت های لازم جنسی همواره در دستور کار پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و امامان علیهم السلام قرار داشته است.

7. ترس از خدا

رسول اکرم 7: «هیچ جوانی نیست که لذت دنیا و سرگرمی آن را رها کند و در جوانی به استقبال پیروی از خدا برود، مگر اینکه خداوند به وی پاداش هفتاد و دو صدیق ببخشد؛ سپس خداوند به وی می فرماید: ای جوانی که شهوت های خود را به خاطر من راه و جوانی ات را برای من سپری کردی، تو در پیشگاه من مانند برخی فرشتگان منی» (طبرسی، ابی نصر، مکارم الاخلاق، ج 21، ص 211).

8. آداب اجتماعی

از ابی امامه روایت شده است که جوانی از قریش نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا به من اجازه زنا بده. اصحاب پیامبر برآشفتند و او را به باد انتقاد و آزار گرفتند؛ حضرت آن ها را آرام کرد و به جوان فرمود: نزدیک تر بیا.

جوان نزدیک تر شد؛ آنگاه به او فرمود: آیا دوست داری کسی با مادرت چنین کند؟ گفت: فدایت شوم، هرگز؛ پیامبر صلی الله علیه و اله به او فرمود: دیگران هم، چنین کاری را با مادرشان دوست ندارند. باز حضرت از او پرسید: آیا دوست داری کسی با دخترت چنین کند؟ گفت: فدایت شوم! هرگز. حضرت فرمود: دیگران هم چنین کاری را با دخترشان دوست ندارند؛ باز حضرت از او پرسید: آیا دوست داری کسی با خواهرت چنین کند؟ گفت: فدایت شوم، هرگز. حضرت فرمود: دیگران هم، چنین کاری را با خواهرشان دوست ندارند. سپس پیامبر صلی الله علیه و اله دستش را بر سر آن جوان گذاشت و فرمود: خدایا گناهانش را ببخش و قلب او را پاکیزه گردان و عورت او را از گناه ننگه دار. راوی می گوید دیگر جوان سراغ چنین کاری نرفت (ابن حنبل، مسند، ج 5، ص 256).

9. احترام به بزرگ سالان

از رسول الله صلی الله علیه و اله درباره مردی که باید بنده ای را آزاد کند، پرسیدم: آیا بهتر است پیرمرد سالخورده را آزاد کند یا جوان دلاور را؟ فرمود: آن کس که از خدمتکار بی نیاز است. (احتمال دیگری که از معنای روایت به دست می آید، این است که هر کدام از آن ها که کسب و صنعتی دارند که از دست دراز کردن به سوی دیگران بی نیازشان کند؛ اگر هر دو مساوی بودند، پیرمرد مقدم است. ر.ک: مجلسی، مرآة العقول، ج 21، ص 326) [و اگر مساوی بودند] پیرمرد ضعیف بر جوان نیرومند مقدم است. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: هیچ جوانی پیرمردی را اکرام و احترام نمی کند، مگر اینکه خداوند در سن پیری کسی را مأمور می سازد که او را اکرام و احترام کند. (مجلسی، بحار الانوار، ج 72، ص 137)

هچنین رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: هیچ جوانی به بزرگ سالی به دلیل بزرگ تر بودن احترام نمی کند، مگر اینکه خداوند در پیری بر او منت می گذارد (و او را مورد احترام دیگران قرار می دهد) (نوری، مستدرک الوسائل، ج 8، ص 392). جوان و پیرمردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و اله رسیدند. جوان زودتر از پیرمرد سخن آغاز کرد. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: اول بزرگ تر (نوری، مستدرک الوسائل، ج 8، ص 393).

10. احترام به والدین

جابر می گوید: «مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و اله رسید و عرض کرد: من جوانی سرحال و بانشاط [سالم] هستم و دوست دارم در جهاد شرکت کنم، ولی مادری پیر دارم که مایل نیست من به جهاد بروم. پیامبر فرمود: برگرد و نزد مادرت بمان؛ قسم به خدایی که مرا مبعوث کرد، اگر یک شب مادرت با حضور تو آرام گیرد، بهتر است از یک سال جهاد تو در راه خدا» (کلینی، الکافی، ج 2، ص 163).

علاوه بر آنچه بیان شد، پیام ها و موضوعات زیر نیز همواره در دستور کار پیامبر صلی الله علیه و اله و امامان علیهم السلام قرار داشت: اغتنم از فرصت، آگاهی دینی، آموزش احکام، دعوت به توبه، آینده نگری، عفت و حیا.

محوریت آموزش ها و تربیت ها در سیره رسول خدا صلی الله علیه و اله مبتنی بر «علم نافع» است. روزی رسول خدا صلی الله علیه و اله وارد مسجد شدند. گروهی از مردم گرد شخصی جمع شده بودند، پیامبر صلی الله علیه و اله پرسیدند: چه خبر است؟ مردم گفتند: دانشمندی است. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: چگونه دانشمندی است؟ گفتند: او از همگان به نسب عرب و مسائل مربوط به آن آگاه تر است و رویدادهای دوران جاهلیت، اشعار عرب و فنون ادبی آن ها را می داند. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: این ها دانشی است که ندانستن آن زبانی ندارد و فراگرفتن آن نیز سودی در پی ندارد. دانش تنها سه چیز است: فراگرفتن آیه ای محکم، آموختن واجبی از واجبات دین و سنتی پابرجا و جز این ها، تنها نوعی فضیلت و برتری به شمار می آید» (کلینی، اصول کافی، ج 1، به نقل از نوبهار، 1373، ص 133)

هـ) روش های تعلیمی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و معصومان علیهم السلام

همان گونه که اشاره شد، اصول تربیتی معصومان علیهم السلام می تواند روش های مؤثر تربیتی باشد؛ با وجود این، در طرح مستقل روش های تربیتی می توان به موارد زیر اشاره داشت:

1. روش عقلانی؛

2. روش هم اندیشی و همراهی؛

ص: 300

3. روش غیر مستقیم؛

4. روش الگویی؛

5. روش تکریم شخصیت؛

6. روش محبت؛

7. روش پند و موعظه (نصیحت)؛

8. روش مشارکتی (اعطای مسئولیت)؛

9. روش درونی سازی تقویت اراده و استفاده مناسب از اختیار خویشتن داری؛

10. روش آگاه سازی.

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه واله مصطفی یعنی انتخاب شده برای ابلاغ پیام الهی است، تمامی حرکات و رفتار ایشان، برگزیده و الگوی تعلیم و تربیت است. حال وقتی او پیام رسان است و پیام او قرآن است، کلیه روش های او در پناه روش الگویی (اسوه الحسنه)، به اجرا درمی آید. خدا به او گفت: «اقرأ» و او نیز برای مخاطبانش همین قرآن را می خواند.

11. تلاوت کردن: این روش مبتنی بر آیات قرآن کریم (یتلوا علیهم آیاته و...) از اولین روش های پیامبر اکرم صلی الله علیه واله بود.

12. وعظ و خطابه: مبتنی بر آیات قرآن و از اولین روش های به کارگرفته شده توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه واله است.

13. بحث و مناظره: این روش در دوران نبوی آغاز شد و در دوران امام ششم شیعه به اوج رسید. اصولاً وجود دارالمناظر در بیت الحکمه مأمون برای همین کار بوده است. (ضمیری، 1380، ص 90)

پرسش و پاسخ: پیامبر اکرم صلی الله علیه واله به هرگونه سؤالی پاسخ می دادند و موقعیت هایی را برای این کار فراهم می آوردند و خود نیز با سؤال های ساده و محرک، بر روی قدرت تفکر مردم کار

1. می کردند. امام علی علیه السلام با بیان «سلونی قبل ان تفقدونی» این روش را به اوج رساند و در هیچ زمانی پاسخگویی به سؤالات را ترک نفرمود.

(الماسی، 1371، 209) درباره دوران حکومت امام علی علیه السلام می نویسد: «در زمانی که حکومت می کرد، بیشتر ایام حضرت به جنگ می گذشت و در یکی از همین جنگ ها وقتی سؤال کننده را که در مورد توحید سؤال می کرد مورد سرزنش قرار دادند... حضرت فرمود: "رها کنید او را، بگذارید سؤالش را بکند؛ زیرا ما از جنگ، آنچه را که او اکنون می خواهد می خواهیم"».

(عرسان کیلانی، 1387، ص 53) علاوه بر بحث و مناظره و وعظ و مذاکره، از روش های دعا، املا و

مکاتبه نیز نام می برد:

2. دعا: این روش از ابداعات تربیتی خاص شیعه است. در این روش، دعا محملی برای بیات معارف دینی و مسائل اخلاقی و اعتقادی و حتی آرای فلسفی و علمی می شود. امام سجاد علیه السلام این قالب و شیوه تربیت را به اوج رساند. (همان)

3. املا: از روش های بنام است که از قرائت یا املا کردن آیات نازل شده توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله

و نوشتن اصحاب آغاز گشت و توسط امامان علیهم السلام

نیز استفاده گردید. (عرسان کیلانی، 1387، ص 53) می نویسد که شماری از املاهای امام صادق علیه السلام در کتابی به نام امالی الصادق آمده است.

4. مکاتبه: پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله از این روش در ابلاغ پیام به سران کشورهای آن زمان استفاده کرد و امامان علیهم السلام در نامه نگاری به فرزندان و یاران خود، بلندترین فرازهای تربیتی و انسانی را ثبت کرده اند که اوج آن نامه 53 نهج البلاغه، نامه امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام است. این روش بعدها بیشتر در حوزه آموزش حدیث به کار می رفته است که شاگردان از طریق نامه مطالبی را سؤال کرده و پاسخ دریافت می کردند.

پیامبر اکرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و معصومان علیهم السلام در روش های خود از چندین شیوه، یا روش های مکمل نیز استفاده می کردند. روش های مستقیم/ غیر مستقیم، حضوری/ غیر حضوری، کلامی/ غیر کلامی، فردی/ گروهی و... از این قبیل اند و بسیاری از شیوه های تربیتی ایشان زیر مجموعه یک روش اساسی قرار می گیرند. برای مثال شیوه های بحث و مناظره و پرسش و پاسخ زیر مجموعه روش عقلانی در تربیت هستند.

(و) امام مسجد و تعلیم و تربیت دینی

اشاره

یقیناً مخاطب این مقاله روحانیان هستند که پس از یادگیری آموزه های دینی و کسب مهارت های اولیه در ارتباط با پیام و مخاطب به عرصه یاددهی دین که همان مقام تبلیغ و ترویج این آموزه هاست، وارد می شوند.

درک روحانیان از این جایگاه و اهمیت آن مسئولیت بزرگ که جانشینی و نوعی وکالت وکالت معصومان علیهم السلام است، ایجاب می کند که سیره آن بزرگواران دقیقاً به اجرا درآید. هر چند مکان های ابلاغ پیام توسط روحانیان فقط به مساجد خلاصه نمی شود، جایگاه آن ها ایجاب می کند که بیشترین بهره را از سیره را ببرند و بیشترین بهره برداری و ابلاغ آن را نیز بر عهده بگیرند؛ به عبارت دیگر روحانیان باید مجدّد و احیاگر سیره معصومان علیهم السلام باشند.

اشاره

روحانی وقتی وارد عرصه کار در مکان اصلی خود یعنی مسجد می شود، چندین منصب و شأن دارد که ذیلاً به آن ها می پردازیم:

1-1. مقام امامت

(موظف رستمی، 1391، ص 18) کف مسئولیت روحانی را امام جماعت و سقف آن را امام مسجد دانسته و آن را در تداوم امامت انبیا (بعضی از انبیا)، امامت معصومان علیهم السلام، امامت فقها و علمای دین می داند و می نویسد: «امام مسجد می بایست از ویژگی های تقوا، عدالت، علم، حلال زادگی و اعتقاد به دین مبین اسلام و اهل بیت علیهم السلام برخوردار باشد».

1-2. مقام مرجعیت اجتماعی

روحانیان در کنار دانشگاهیان از مهم ترین گروه های مرجع جامعه هستند که اعضای جامعه با نگاه به آن ها حرکت می کنند. در این میان روحانیان با اتصال به آموزه های دینی، وظیفه سنگین تر و مسئولیت بیشتری بر عهده دارند و در عوامل جذب جوانان نیز مقام اول را دارند؛ پس از آنان نیز مسجد، هیئت امنا و سایر عوامل قرار می گیرند.

1-3. مقام مدیریت

مساجد به نسبت بزرگی و کوچکی و برنامه ها، نهایتاً یک مجموعه یا نهاد اجتماعی هستند که نظام مدیریت اسلامی باید به عنوان الگوی نظام مطرح و امام مسجد یا امام جماعت نیز باید مصداق چنین مدیریتی باشد.

2. امام محوری

اشاره

(عباسی، 1393، ص 34) در «اصول اسلامی مدیریت پیشرفت در مساجد» تحت عنوان «امام محوری» می نویسد: «در اهمیت مدیریت بر هر جمع انسانی همین حدیث بس است که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود: «اذا كان ثلاثة في سفر فليؤمروا احدهم: هرگاه در مسافرت تعداد مسافران به سه نفر رسید، باید یکی از آن ها مدیریت گروه را به عهده گیرد» (امیری و عابدی جعفری، 1392: 30).

یکی از اصول مهم علم مدیریت، اصل وحدت فرماندهی است. طبق این اصل هر فرد در سازمان باید تحت نظر یک مافوق فعالیت و از دستوراتش تبعیت کند و گزارش فعالیت های خود را به او ارائه کند. خداوند نیز در امر اطاعت، سلسله مراتبی را بیان می دارد. اطاعت از خداوند، رسول صلی الله علیه و اله و اولی الامر ترتیبی است که قرآن کریم اظهار نموده است (مشبکی، 1372).

بدون شک هر مسجد در جامعه اسلامی، یک سازمان منسجم معنوی است که دارای مأموریت، اهداف، وظایف، کارکرد، تشکیلات و نظام های مخصوص به خود است. تشکیلات و سازمان مسجد یک تشکیلات اداری، انتفاعی، تجاری یا اقتصادی نیست؛ بلکه مسجد سازمان الهی - مردمی و دارای رسالت هدایتی، معنوی، آموزشی، تربیتی و تبلیغی است که با رهبری معنوی و نفوذ کلمه و مدیریت امام جماعت و با حضور توده مردم و اقشار مختلف سازمان دهی می شود. ورودی های سیستم مسجد، اقشار مختلف مردم، به ویژه جوانان هستند که باید با فرایند تعلیم و تربیت اسلامی به انسان های شایسته، توانا، فرهیخته و مؤمن تبدیل شوند. عامل اصلی پذیرش مسئولیت و حضور نمازگزاران در یک مسجد انسجام، نظم و اجرای دقیق رهنمودهای امام جماعت، شخصیت علمی، اخلاقی و معنوی او و قداست مکان و در یک کلام انگیزه های معنوی است (رضایی بیرجندی، 1382: 149-150).

مأمومان در حقیقت همان امت هستند و نوع ارتباط و تبعیت مأمومان از امام جماعت یک رفتار و فرهنگ سازمانی را القا می کند که می تواند به بالاترین سطوح سیاسی جامعه نیز تسری یابد. اینکه صدای مأمومان از امام فراتر نباشد، جلوتر از امام نیستند و زودتر از امام حرکت نکنند، به آن ها می آموزد که همین رفتار را نسبت به امام امت نیز داشته باشند و نشان می دهد که امام جماعت نمونه ای از امام امت است (قوامی، 1392: 241). شاید بتوان امام محوری را نشئت گرفته از نگرش توحیدی به مدیریت دانست که شکلی متعالی از وحدت در مدیریت است. در تعریف نگرش توحیدی به مدیریت، هفت مفهوم اساسی مطرح شده است که عبارت اند از: وفای به میثاق ازلی، انجام عمل صالح، کاربرد شورا، توسعه تمدن مورد تأیید خداوند، از بین رفتن فساد، اقامه عدل، شناخت هدف و رسیدن به فلاح (پسران قادر، 1387: 60).

امام محوری از حق ولایت امام بر مأمومان نشئت می گیرد؛ ولایتی که خود ریشه در ذات اقدس الهی دارد: «أَمَّا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...». امام محوری اثر ویژه ای در ایجاد هماهنگی در مسجد دارد؛ چراکه امام مسجد، محل پیوند رشته ها قرار می گیرد و به منزله رشته ای است که مهره ها را به هم نزدیک می سازد. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، خطبه 146 می فرماید: جایگاه رهبر و مدیر در کار جایگاه رشته ای است که مهره ها را به هم فراهم آورد و برخی را ضمیمه برخی دیگر کند (هماهنگی ایجاد کند). اگر رشته

بریده شود، مهره ها پراکنده شود و از میان رود و دیگر به تمامی فراهم نیاید. (پیروز و همکاران، 1385).

نقطه تمایز مسجد و دیگر سازمان های دینی همین جایگاه اسوه بودن امام مسجد است. در مسجد که یک فضای کاملاً معنوی و روحانی بر آن حاکم است، تبعیت از امام مسجد نه یک تبعیت دیوان سالارانه بلکه یک تبعیت اسوه گونه است؛ به عبارت دیگر امام مسجد باید با تبدیل شدن به یک اسوه یا الگو، هم هدایت معنوی اهل مسجد را بر عهده بگیرد و هم هدایت سازمانی جریان امور را در مسجد عهده دار گردد. مقام معظم رهبری امام مسجد را مدیر طبیعی مسجد می دانند: «مسجد یک رئیس طبیعی دارد، یک مدیر طبیعی دارد و او امام مسجد است» (28/3/1375).

به دست آوردن صلاحیت و شایستگی کسب این مقام ها به آشنایی با حداقل سه حوزه نیاز دارد: 1. ویژگی ها و شرایط؛ 2. وظایف؛ 3. نقش ها.

1-2. ویژگی ها و شرایط امام مسجد در کلام معصومان علیهم السلام

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند: «ائمه جماعت واسطه میان شما و خدا هستند. بنگرید که چه کسی را انتخاب می کنید و اگر دوست دارید نمازتان بی عیب باشد، بهترین ها را برای امامت جماعت انتخاب کنید (کلینی: فروع کافی، ج 3، ص 376). پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند: «همانا امام و پیش نماز تو، شفیع و واسطه تو به درگاه با عظمت الهی است؛ پس هرگز کسی را که فاسد و بی خرد است، وسیله و شفیع خود به درگاه الهی قرار مده» (عزیزی، 1391، ص 281).

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود می فرمایند: «حق امام جماعت این است که بدانی سفارت و وساطت بین تو و خدا و نمایندگی تو را در ورود به پیشگاه پروردگار متعادل به عهده گرفته است. وی از جانب تو سخن می گوید، نه تو از ناحیه او؛ او برای تو دعا می کند، نه تو برای او؛ او برای تو طلب فیض و رحمت از خدا می نماید، نه تو درباره او؛ او ایستادن در پیشگاه خداوند و درخواست و دعا را از تو کفایت کرده نه تو برای او. اگر در هر یک از این مراحل کوتاهی شود، او مقصر است نه تو؛ اگر گنه کار باشد (برخلاف وظیفه خود رفتار کند)، تو شریک جرم او نیستی (نماز تو نیز در صورتی که او را به عدالت می شناختی و به او اقتدا

کردی، باطل نیست). با اینکه در مقابل این حق و خدمت، احسانی به او نکرده ای، پس او جانش را سپر جان تو و نمازش را سپر نماز تو قرار داده است؛ بنابراین باید از این خدمت و محبتش قدردانی کنی و حق او را بشناسی و نمی شود کاری را ترک کرد و انجام داد مگر به کمک خداوند تبارک و تعالی» (عزیزی، 1391، ص 279).

با این روایت ها تکلیف روشن می شود: «انتخاب بهترین ها» برای بهترین ها. البته این بهترین، فقط به امام جماعت ختم نمی شود و شامل دیگران نیز می شود؛ برای نمونه امام علی علیه السلام می فرماید: «باید بهترین افراد شما برایتان اذان بگویند و باید امام جماعت شما را قاریاتان بر عهده بگیرند» (سنن ابی داود، ج 1، ص 161).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «امام جماعت ضمانت کننده است و مؤذن امانت دار. بارخدا، امانان جماعت را ارشاد کن و مؤذنان را بیامرزد» (همان، ص 143، حدیث 517).

(پروانه و حشمتی، 1383) در کتاب تجدید حیات مسجد در ایران درباره ویژگی ها و شرایط امام جماعت یا امام مسجد به موارد زیر اشاره می کنند:

1-1-2. خودسازی و تزکیه نفس

امام علی علیه السلام می فرماید: «آن کس که خویشتن را پیشوای مردم قرار دهد، باید قبل از آموزش دیگران، آموزش دهنده خویش باشد و قبل از تربیت دیگران به زبان، رفتاری ادب آموز داشته باشد و کسی که خویشتن را ادب آموزد، به تجلیل سزاوارتر از آن کس است که آموزش دهنده و تربیت کننده دیگران باشد»⁽¹⁾ (به نقل از نهج البلاغه، حکمت 70). امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «عالم اگر به دانش خود عمل نکند، موعظه های او از دل ها می لغزد و بر دل ها نمی شنید؛ همان طور که باران از کوه صفا می لغزد و روی کوه صاف نمی ماند» (به نقل از الکافی، ج 1، ص 44).

2-1-2. بخشش و تغافل

امام علی علیه السلام می فرماید: «از بهترین صفات اخلاقی انسان های بزرگوار آن است که نسبت به آنچه می داند، خود را بی خبر وانمود کند». امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «صلاح زندگی با مردم، همچون پیمانانه پری است که دوسوم آن، فهم و آگاهی و یک سوم آن چشم پوشی است» (به نقل از بحار، ج 74، ص 297). حضرت علی علیه السلام می فرماید: «به کودکان مهربانی کن و به بزرگ سالان احترام بگذار» (به نقل از میزان الحکمه، ج 4، ص 70).

3-1-2. عدالت و مصالحه میان مردم

امام صادق علیه السلام به اصحابش می فرمود: «بین برادران دینی مصالحه و آشتی برقرار کنید و اگر این

ص: 306

1- روایت هایی که در این بخش نقل می شود و منابع مورد ارجاع آن ها، به نقل از همان منبع پیش گفته (پروانه و حشمتی، 1383) است.

مصالحه به پرداخت مبلغی میسر باشد، بذل مال کنید» (به نقل از میزان الحکمه، ج 4، ص 70).

(پروانه و حشمتی، 1383) به موارد زیر نیز اشاره می کنند و مثال های مشخصی از علمای اسلام می آورند:

▪ اخلاص و خویشتن داری؛

▪ آشنایی با ابزارهای تبلیغی؛

▪ آشنایی با ادبیات و هنر؛

▪ تواضع و فروتنی؛

▪ بردباری؛

▪ حسن خلق، نرم خوئی و محبت؛

▪ دل سوزی و خدمت گذاری؛

▪ توهین نکردن به کسی؛

▪ نظم؛

▪ انجام دادن کارهای شخصی خود؛

▪ پرهیز از خودمحوری؛

▪ دقت در صرف وجوهات.

(رضایی، 1382) به موارد بیشتری نیز اشاره می کند:

▪ ثابت قدم بودن؛

▪ توانایی علمی؛

▪ توانایی جسمی؛

▪ درک مخاطب و بیان مناسب؛

▪ ابتکار و خلاقیت.

پس از آگاهی از ویژگی‌ها و حصول شرایط امام مسجد، نیازمند آشنایی با وظایف او هستیم. وظایف امام مسجد از بیرون مسجد تا درون آن گسترده است و در درون مسجد نیز به نسبت به کارکردهای احتمالی و دارای امکان اجرا تعریف می‌شود. انجام این وظایف در تأثیرگذاری بر جوانان بسیار ضروری است. قبل

ص: 307

وظیفه کارکردی، امام مسجد وظیفه حفظ و رعایت شئون روحانیت را دارد؛ این وظیفه از پرهیز از محرمات و انجام واجبات و مبارزه با خرافات و عوام زدگی آغاز می شود و با خلوت و نیایش، استغفار و اعتکاف ادامه می یابد. انجام این وظایف چهره روحانی را در محل زندگی یا کار موجه می نماید و با جاذبه به وجود آمده در بیرون مسجد، امکان ادامه کار در درون مسجد را فراهم می آورد.

همان طور که در مثل معروف «آبروی امام زاده به متولی آن است» نیز مطرح شده است، امام مسجد باید به مسجد آبرو ببخشد و حتی وظایف خود را از بیرون مسجد آغاز کند، انجام این وظیفه مکمل روحانیت، معنویت و صفای مسجد خواهد بود. برخی از این وظایف چنین است:

▪ رعایت کردن حال مردم محل، خصوصاً همسایه های مسجد؛

▪ ایجاد ارتباط با جوانان محل تا رسیدن به مسجد؛

▪ توجه به زیباسازی فضای بیرونی و درونی مسجد؛

▪ توجه به نظافت و نظارت بر بهداشت مسجد؛

▪ توجه به ایمنی مسجد برای حضور کودکان و نوجوانان؛

▪ اختصاص دادن مکان و زمان هایی برای ارتباط با جوانان.

ضمن اینکه می توان این وظایف را بیش از این ها دانست، با انجام آن ها زمینه برای اولین و مهم ترین کارکرد مسجد یعنی اقامه نماز نیز بهتر فراهم می آید. درباره این کارکرد مسجد نیز امامان جماعت باید به موارد زیر توجه کنند:

▪ سازمان دهی و یا سامان دهی اقامه نماز به صورت مرتب و منظم؛

▪ رعایت حال مردم و خصوصاً جوانان در نماز؛

▪ توقف در مسجد قبل و بعد از نماز و گفتگو با جوانان؛

▪ ایجاد زمینه و فضای پاسخگویی به سؤالات و شبهات جوانان.

اساساً مرکز ثقل ارتباط امام مسجد با جوانان باید در قبل، حین و بعد از نماز باشد که توانایی برنامه ریزی این مهم باید در روحانی باشد و یقیناً اثربخشی ارتباط در فضای معنوی نماز، بالاتر و بیشتر از اوقات و فعالیت های دیگر خواهد بود. وظایف امام مسجد در رابطه با کارکردهای دیگر مسجد نیز با تأکید بر دادن نقش بیشتر به جوانان به همین ترتیب قابل ارائه است، ولی مهم ترین عامل تعلیمی و تربیتی جوانان به مسجد، نقش پذیری خود امام جماعت در فعالیت های مسجد است.

1-2-3. مدیریت و مربی گری

فعالیت های متنوع و بی شمار مسجد فرصتی است برای جذب جوانان به دو نقش امام جماعت که به موازات هم باید در فعالیت ها، ساری و جاری باشد، یعنی نقش های مدیریتی و مربی گری. شکل گیری نظام مدیریت اسلامی که باید از مساجد ظهور و بروز داشته باشد، با ترکیب همین دو شأن امکان پذیر است و روحانی و طلبه قبل از هر عنوان و جایگاه، باید در تحقق و تجلی این عنوان در خود بکوشد. مدیر مربی شدن و تبدیل کردن مسجد به یک محیط یاددهی- یادگیری با کسب این عنوان امکان پذیر است. علاوه بر این جایگاه های معنوی و غایت ها، برای حداقل ها و رفع چالش ها نیز امام مسجد باید به مسائل زیر توجه داشته باشد.

2-2-3. زدودن آسیب ها

آسیب در هر پدیده و رویدادی وجود دارد و یک واقعیت است؛ بنابراین آسیب شناسی باید در ابتدا، حین و انتهای هر فعالیت مدنظر باشد. با توجه به موردتهاجم قرارگرفتن مسجد از سوی دشمنان دانا و دوستان نادان، یکی از وظایف سنگین امام مسجد شناسایی آسیب های موجود است و اینکه آن هایی را که سد راه حضور و فعالیت جوانان است، از میان بردارد، تدابیری برای به وجود نیامدن آسیب های جدید پیش بینی نماید و در هر پدیده و رویداد و فعالیت، اصلاحات لازم را برای تکرار نشدن آسیب ها انجام دهد.

3-2-3. پیوند سنت و مدرنیته

در کشور ما که از کشورهای در حال توسعه محسوب می شود، این چالش طبیعی است و می تواند به نزاعی پایان ناپذیر تبدیل شود و حضور و فعالیت جوانان، همواره این چالش را پررنگ تر می نماید. روحانی فاضل می تواند با تأکید بر اصالت ها، بر نقطه ای از اعتدال بایستد و مانع گریز جوانان شود.

4-2-3. گسست نسلی

این گسست به شکل یک واقعیت به رسمیت شناخته شده و در کلام معصومان علیهم السلام نیز آمده است که «فرزندان خود را به اخلاق خودمان تربیت نکنیم؛ زیرا آن ها به دوران دیگری تعلق دارند» (نقل به مضمون)؛ ولی این واقعیت دلیلی بر دامن زدن به اعمالی نیست که باعث عمیق تر شدن آن شود. روحانی

می تواند با ارتباطی عالمانه، عاطفی و صمیمی این گسست را ترمیم کند و پلی باشد برای انتقال فرهنگ دینی به نسل جوان.

5-3-2. حرکت بر روی خط اعتدال

روحانی باید نماینده دین باشد و علی رغم سیاسی بودن، سیاست زده و پیرو جناحی خاص نباشد و حداقل در کار مسجدی خود آن را بروز نداده، مقام خود را به قرارگرفتن در یک سوی منازعات سیاسی تنزل ندهد.

6-3-2. کمک به افراد، به ویژه نوجوانان برای گذار از بحران هویت

این بحران در نوجوانی به اوج خود می رسد و اگر مسجد و روحانی، خود را برای رویارویی با آن آماده نمایند، محیط مسجد به محیطی مناسب برای گذار از این دوران تبدیل می شود.

7-3-2. پیوند با دیگر محیط های یاددهی - یادگیری

ارتباط سه محیط «خانه، مسجد و مدرسه» در جایگاه سه محیط تربیتی، همواره مطرح است و هر یک از این سه، در جای خود اولویت می یابند. روحانی و مسجد می توانند پل ارتباطی این محیط ها با هم باشند و به دو محیط دیگر، معنویت و صفای تربیتی ببخشند.

8-3-2. روش ها

روحانی باید به این باور برسد که هر فرد مخلوق خاص خداست و برای هدایت و راهنمایی او روش خاص او باید تدارک دیده شود؛ از این رو روحانی باید علاوه بر خودسازی، آگاهی از پیام و شناخت مخاطب، برای آشنایی بیشتر با روش ها (شیوه ها، قالب ها، ابزار و رسانه ها) تلاش بیشتری نماید.

9-3-2. به کارگیری جوانان

طی سال ها و به صورت مکرر، بر این مسئله تأکید شده است که مدیریت برنامه های مسجد به جوانان واگذار شود، ولی کماکان، محیط مسجد و مدیریت آن در دست بزرگ سالان است. روحانی باید با اندیشیدن تدابیر صحیح و بدون حذف بزرگ سالان، زمینه های اعمال نظر جوانان را در مدیریت و برنامه های مسجد فراهم آورد.

برای اینکه مسجد به محیط مناسب یاددهی- یادگیری تبدیل شود، مناسب است که با حفظ جنبه های معنوی و قداست آن و با مشورت کارشناسان، بخشی هایی از مسجد و یا وابسته به مسجد برای این منظور پیش بینی شود و همچنان که تأسیس حسینیه ها در کنار مساجد، زمینه های حضور آزادتر اقشار مختلف را فراهم می آورد، چنین محیط هایی نیز باید با حساسیت های کمتر، موجبات استفاده افراد مختلف را فراهم آورد.

ز) مسجد، در عصر حاضر

1. مسجد در دوران انقلاب اسلامی

بر کسی پوشیده نیست که در ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی، مساجد نقش تعیین کننده داشتند و این نقش را در تثبیت انقلاب اسلامی تا اداره جنگ تحمیلی نیز ادامه دادند و این موضوع جز با حضور عالمان دینی و ابلاغ آموزه های دینی به مردم مشتاق، خصوصاً جوانان میسر نمی گردید. قبل از پیروزی، حلقه درس های اعتقادی، آموزش قرآن، تفسیر قرآن و برنامه های سخنرانی، برگزاری مراسم ها و مناسبت ها خصوصاً در محرم و صفر عرصه ارائه قرآن و عترت بود. اهمیت و تأثیرگذاری حضور جوانان در مساجد که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید، بر محققان دیگر کشورها نیز پوشیده نمانده است؛ برای نمونه (نیکو، 1375) در مقاله خود با نام «بررسی تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی» می نویسد: «طبقه وسیعی از تحصیل کرده ها، دانشجویان، طبقه سیاسی جدید و تهی دستان شهر تحت تأثیر و سازمان دهی مساجد، ستون فقرات سیاست نوین مردمی را فراهم ساختند».

پس از پیروزی انقلاب اسلامی آموزش های سوادآموزی، امداد، نظامی، هنری و... نیز به موضوعات بالا اضافه شد. آنچه در مجموع می توان گفت، این است که مساجد در جایگاه یک پایگاه اجتماعی و محیط یاددهی - یاددهی جای خود را باز کرده بودند و صحنه حضور مردم و خصوصاً جوانان بودند. اهمیت این حضور مردم و عرضه این فرهنگ و آموزش ها به حدی بود که امام خمینی فرمود: «از هواپیماهای دشمن نهراسید؛ از آن بترسید که مساجد خلوت شود».

بدون نادیده گرفتن ضرورت بازگویی آسیب ها که منجر به خلوت شدن مساجد گردید، از جنبه و دید مثبت، بخشی از مساجد با ساخت وسازها و گسترش امکانات کالبدی و مادی خود امکان فراهم آوردن ارتباط با مسجد را فراهم آورده اند؛ ولی به مقیاس این گسترش، در ظرفیت های انسانی و معنوی مساجد رشد کمتری به چشم می خورد. این تلاش ها امکان رقابت مساجد با رقبا را تا حدودی فراهم می آورد.

2. مسجد در دوران تثبیت نظام

علی رغم آسیب های فراوانی که به جایگاه تربیتی مساجد وارد شده، بازگشت مساجد به جایگاه خود دغدغه همه عناصر فرهنگی است. مساجد با حضور روحانیان فرهیخته و با پشتوانه سیره معصومان علیهم السلام می توانند به محیط یاددهی- یادگیری مناسب آموزه های دینی تبدیل شود. این مهم، نیازمند داشتن اسناد بالادستی و سیاست های کلان است که خوشبختانه وجود دارد؛ برای مثال در سیاست های کلی برنامه توسعه در امور فرهنگی، علمی و فناوری و در بند اول آن آمده است: «اعتلا و تعمیق و گسترش دادن معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام»

ح) ویژگی های مسجد نمونه از نگاه روایات و قانون چشم انداز بیست ساله

اشاره

اکنون در پایان این نوشتار، از دو منظر به شاخص های مسجد نمونه از نگاه معصومان علیهم السلام و قانون چشم انداز بیست ساله اشاره می شود تا همه دست اندرکاران تعلیم و تربیت در مسجد، خصوصاً امام مسجد با توجه به این شاخص ها بتوانند محیط یاددهی و یادگیری مناسب را برای جوانان در مسجد فراهم آورند.

1. مسجد نمونه از نگاه روایات اهل بیت علیهم السلام

با اطلاع از نقش مسجد در پیروزی انقلاب و امید به بازافتن جایگاه مسجد در یاددهی- یادگیری فرهنگ دینی، در انتهای این مقاله به سیره اهل بیت علیهم السلام بازمی گردیم و مروری بر دیدگاه های آن بزرگواران خواهیم داشت، با تأکید بر اینکه متولی مسجد یعنی روحانی وظیفه دارد بکوشد مسجد را به جایگاه اصلی خود برساند که البته این نکته نافی وظیفه مندی و مسئولیت های دیگر اقشار نیست.

(عزیزی، 1385) با ارائه روایت های بسیاری، این جایگاه را نشان می دهد:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«مسجد خانه هر پرهیزگاری است» (شهاب الاخبار، ص 23).

«همانا باغ های بهشت، مساجدند» (کنز العمال، ج 7، ص 648).

«مسجد، خانه هر مؤمن است» (همان، ص 650).

«مساجد بهترین مکان ها هستند» (روضه المتقین، ج 7، ص 29).

«مساجد، نورهای خداوند است» (مستدرک الوسائل، ج 3، ص 447).

«مساجد، محل جلوس پیامبران است» (همان، ص 363).

«محبوب ترین جای شهرها نزد خدا، مسجدهای آن شهر است» (نهج الفصاحه، حدیث 71).

«مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است» (بحار الانوار، ص 584).

«خانه پرهیزکاران مسجد است» (کنز العمال، ج 7، ص 651).

امام حسین علیه السلام می فرماید: «اهل مسجد زائران خداوند» (کلمه الامام الحسین، ص 41).

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «مساجد، خانه های خداوند است» (من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 100).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند متعال می فرماید: خوشا به حال کسی که در خانه خود وضو بگیرد (آنگاه) مرا زیارت کند و بر عهده دیدارشونده است که دیدارکننده را گرامی بدارد» (ثواب الاعمال، ص 61).

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله می فرماید: «(در حدیث قدسی آمده) خداوند می فرماید: همانا خانه های من در زمین مساجد است» (وسائل، ج 51، ص 268؛ تهذیب الاعمال، ص 61).

2. مسجد نمونه از نگاه چشم انداز بیست ساله

در سند چشم انداز بیست ساله توسعه چنین آمده است: «مسجد نهادی است فعال، اثرگذار و مسئولیت پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی و برخوردار از روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، کارآمد و توانمند در ترویج، آموزش و تبلیغ فرهنگ اسلامی با بهره مندی از حضور و مشارکت مردمی و حمایت دستگاه های فرهنگی و اجرایی و متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و بر اساس تعالیم عالییه اسلامی و...»

در همین سند درباره ویژگی های مساجد این گونه نوشته شده است: «در افق چشم انداز کشور، مساجد از نظر وضعیت، باید دارای ویژگی های زیر باشند:

برخوردار از تشکیلات مدیریت کلان و یکپارچه در کل کشور؛

رشد یافته و دارای ساختار متناسب و کارآمد در عرصه مأموریت ها و توانمند در جذب و جلب اقبال مختلف مردم و مؤثر در عرصه نشر و گسترش اسلام ناب محمدی 7؛

دارای حضور مؤثر در عرصه تصمیم سازی و تصمیم گیری های فرهنگی کشور؛

برخوردار از دانش پیشرفته کارشناسان و صاحب نظران عرصه های مرتبط با فعالیت و رسالت مساجد؛

توانا در ایجاد انگیزه های مذهبی و توجه دادن نسبت به رخدادهای مرتبط با جهان اسلام؛

توانمند در فراخوانی مؤثر مردمی و بسیج افکار عمومی در ترویج امر به معروف و نهی از منکر؛

" بر خورداری از شبکه ارتباط قوی و نظام کارآمد اطلاع گیری و اطلاع رسانی و برقراری ارتباطات مردمی؛

" بر خوردار از توانایی های رشدیافته، روزآمد و کارآمد با بهره گیری از فناوری های نو در راستای مأموریت، رسالت و ادای وظایف؛

" از نظر ظاهری شکیل، زیبا، نظیف و معطر با ساختمان و تجهیزاتی کامل بر اساس استانداردها و معیارهای قرآنی؛ رویی با رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمن سازی بناهای مساجد و استحکام ساخت وسازها و

بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی- اسلامی و هویت بخشی به سیمای شهری اصیل مساجد متناسب با شأن نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ و قهرمان ایران و برابر نظام مهندسی کشور؛

" اقامه سه وقت نماز، بازبودن درب در همه اوقات، برقراری کلاس آموزش قرآن و معارف دینی، مجهز به کتابخانه و رایانه برای نشر علوم اسلامی و بدون ایجاد مزاحمت برای همسایگان؛

" بر خوردار از ائمه جماعتی عالم، اندیشمند، پارسا، آشنا با فنون مشاوره و مدیریت و دارای ارتباطات مردمی گسترده؛

" دارای کارگزارانی مدیر، مدبر، پارسا، آزموده، مجرب و توانا.

نتیجه گیری

مسجد به عنوان یک نهاد دینی و یک محیط یاددهی- یادگیری در اسلام مطرح است و بخش عمده ای از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و معصومان علیهم السلام در این مکان اتفاق افتاده است؛ از سوی دیگر این مکان محلی برای آموزش و انتقال فرهنگ اسلامی بوده است. با مروری بر سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و اله و امامان علیهم السلام مشاهده می کنیم که این بزرگواران علاوه بر ارتباط با همه اقشار و جذب آن ها، بر جذب جوانان تأکید بیشتری داشتند. مشاهده کردیم که پیامبر صلی الله علیه و اله و معصومان علیهم السلام با شناخت کامل از مخاطبان خود، خصوصاً جوانان، با داشتن اصول تربیتی دقیق، تهیه پیام های مناسب و داشتن روش های متنوع، وظیفه تعلیمی و تربیتی خود را به نحو احسن انجام می دادند.

با داشتن این سرمایه گران سنگ و احساس وظیفه روحانیان در استفاده هر چه بیشتر از این سیره، شاخص های یک روحانی را به عنوان یک مرجع در اجتماع، یک مدیر در یک نهاد و یک امام در مسجد، مورد بررسی قرار دادیم و ویژگی ها و شرایط او، وظایف و نقش های او را شناختیم. در انتها با شاخص های

یک مسجد که بتواند محیط مناسبی برای یاددهی-یادگیری باشد، آشنا شدیم و دانستیم که روحانی و امام مسجد باید خود را مجدد و احیاگر سیره تعلیمی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و معصومان علیهم السلام بدانند و بسازد تا بتوانیم مساجد را به جایگاه اصلی خود بازگردانیم.

فهرست منابع

1. پروانه، علی و محمدرضا حشمتی، تجدید حیات مساجد ایران، ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری، مساجد، تهران، 1373.
2. جمعی از نویسندگان جامعه تحقیقاتی استراسبورگ، مغز متفکر جهان شیعه، ترجمه ذبیح الله منصوری.
3. حسینی زاده، سیدعلی و محمدعلی حاجی ده آبادی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز مطالعات فرهنگی شهرداری تهران، قم، 1385.
4. شلبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1370.
5. ضمیری، محمدعلی، تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، ویرایش سوم، چاپ هشتم، ساسان، شیراز، 1380.
6. عباسی، رسول، اصول اسلامی مدیریت پیشرفت در مساجد، نشر الگوی پیشرفت، تهران، 1393.
7. عرسان کیلانی، ماجد، سیر آرای تربیتی در تمدن اسلامی، چاپ دوم، ترجمه نقد و اضافات بهروز رفیعی، ناشر مؤلف، قم، 1373.
8. عزیزی، عباس، مجمع الاحادیث: مسجد نماز جماعت و جمعه، انتشارات صلاه، قم، 1391.
9. الماسی، علی محمد، تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، نشر دانش امروز، 1374.
10. مطهری، مرتضی، داستان راستان، جلد 1، انتشارات صدرا، تهران، 1358.
11. موظف رستمی، محمدعلی، امام مسجد یا امام جماعت مسجد، پرهیب، کرج، 1391.
12. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، جلد 2، ناشر مؤلف، قم، 1373.
13. نیکی، آر کدی، «بررسی تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی»، ترجمه حسینعلی نوذری، روزنامه ایران، شماره 465، صفحه 6.
14. همایش بین المللی هفته جهانی مساجد، فروغ مسجد 3، موسسه فرهنگی ثقلین، تهران، 1385.

دکتر سمیه کاظمیان(1)

چکیده

جوانی یکی از مراحل مهم رشدی است که در آن تغییرات بسیاری در فرد به وجود می آید و در نتیجه ویژگی ها و نیازهایی را که خاص این دوره سنی است ایجاد می کند. تأمین این نیازها در سلامت فردی و اجتماعی جوان تأثیر مهمی دارد. از طرفی، جوانان مهم ترین گروه جمعیتی هر کشور و ساختار جمعیتی را تشکیل می دهند و این خود ضرورت تمرکز و تأکید بر این گروه سنی را افزایش می دهد و در کشور اسلامی ما طبعاً تحقق صفات یک جوان مسلمان اولویت پیدا می کند. در این میان، توجه به مسجد که مهم ترین مرکز عبادی-سیاسی از صدر اسلام تاکنون بوده و در پیروزی انقلاب اسلامی و اداره دفاع مقدس نیز بعینه اثرگذاری اش را نشان داده است، برای تثبیت ویژگی های پیش گفته، اهمیتی مضاعف پیدا می کند.

در سالیان اخیر با گسترش شیوه های ارتباطی مدرن، چالش کاهش ارتباط جوانان با مساجد بسیار جدی شده است. کارگزاران مساجد از امام جماعت گرفته تا هیئت امناء و خادم مسجد و در مراحل بالاتر متولیان بالادستی مساجد و مراکز فرهنگی کشور، می توانند با تمهیداتی نه چندان هزینه بر به تقویت حضور جوانان در مساجد بپردازند که باید اولاً با شناخت کامل از نیازهای نسل جوان صورت پذیرد و ثانیاً شبکه سازی امکانات فرهنگی، ورزشی و آموزشی را حول مسجد شکل دهند تا «مسجد محوری» به عنوان راه حل کلیدی حل مشکلات جوانان و نیز محلات در شهرها ایفای نقش نماید. تحقیق حاضر با هدف بررسی مطالبات جوانان از کارگزاران مسجد (واقف، روحانی، هیئت امناء و خادم) صورت گرفته است. روش تحقیق از نوع کتابخانه ای و توصیفی - تحلیلی است.

کلمات کلیدی: اسلام، جوان، مسجد، امام جماعت، هیئت امناء.

ص: 317

مسجد، از نخستین نهادهایی است که در صدر اسلام و به هنگام هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله از مکه به مدینه شکل گرفت. شکل گیری مساجد از مصادیق بارز جامعه اسلامی است.

پدید آوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه اسلامی است: خانه ی خدا و خانه ی مردم؛ خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه ی علم و جهاد و تدبیر دنیوی. جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه های به هم پیوسته ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله ی آن با عبادتگاه های رایج ادیان دیگر را نمایان می سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه، درهم می آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه ی مکتب اسلام است. (بیانات مقام معظم رهبری: 10253)(1)

سؤالی که به طور جدی درباره مساجد مطرح است آن است که چرا به جز مناسبت های خاص مثل اعتکاف یا مکان های خاص مانند مساجد دانشگاه ها، مساجد ما آن چنان که باید و شاید از جوانان لبریز نیست؟ چه عللی برای آن می توان برشمرد؟ یا اینکه طبقه جوان کشور، چه نیازهایی دارند که در مساجد پاسخ داده نمی شود؟ به عبارت دیگر مطالبات جوانان از مساجد و متولیان امور مساجد چیست؟ چه تغییری باید در مساجد اتفاق بیفتد تا باعث اقبال بیشتر جوانان به مساجد شود؟

این نوشتار به طور اجمالی درصدد یافتن برخی سرنخ ها برای پاسخگویی به سؤالات فوق است و امید است برای دست اندرکاران امور مساجد مفید باشد.

الف) جوان، ویژگی ها و مطالبات سنین جوانی

1- جوان و اهمیت سن جوانی

جوان در لغت به معنای برنا، تازه، نو و چیزی است که از عمر آن چندان نگذشته باشد. در زبان عربی نیز از آن به شباب، حداث و دهار تعبیر شده است. «شباب» از ماده ی شَبَّ، یَشَبُّ، به معنای برافروختن است. دست یابی به تعریف یگانه برای جوان و جوانی و به ویژه بیان دقیق دوره ی سنی آن در منابع اسلامی و روان شناسی و تربیتی، بسیار دشوار است و جمع میان آن ها دشوارتر. با این حال، دوره های تربیت را

ص: 318

1- . بیانات مقام معظم رهبری، مستفاد از پایگاه اطلاع رسانی ایشان به آدرس <http://farsi.khamenei.ir> است. شماره درون پرانتز ارجاعات بیانات مقام معظم رهبری در این مقاله نیز شماره پیام مورد نظر است. مانند: <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=10253>

این گونه دسته بندی کرده اند: نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی. در این میان محدوده ی سنی جوانی، 16 تا 20 سال است. البته برخی 20 تا 30 سال و گروهی نیز 15 تا 20 سال را دوره ی جوانی دانسته اند. باین حال، قطع نامه عمومی سازمان ملل متحد، واژه جوان را برای سن 18 تا 24 سال، برگزیده است.

با در نظر گرفتن آنچه از تفسیر آیات و روایات مربوط به جوانی و نظریه های روان شناسی به دست می آید، جوانی را می توان این گونه تعریف کرد: جوانی، مرحله ای بی بدیل از عمر انسان است که پس از پایان دوره ی نوجوانی، یعنی از 16 سالگی آغاز می شود و پیش از دوره ی بزرگ سالی در حدود 24 سالگی پایان می یابد. شرایط و ویژگی های خاص دوره ی جوانی، آن را از دیگر دوره ها جدا می سازد. (طهماسبی، 1381)

سنین نوجوانی و در ادامه جوانی، با این پرسش اساسی همراه است که او از خود می پرسد «من کیستم؟» این پرسش را که چند سال ادامه خواهد یافت «جستجوی هویت» می نامند. در واقع مسئله این است که چه می شود که هیچ فردی، نه مانند کسانی می شود که قبل از او در این جهان زیسته اند و نه مانند کسانی خواهد شد که پس از او به این جهان خواهند آمد. جوانی که با این پرسش اساسی روبروست، می داند که به زودی باید مسئولیت زندگی خویش را شخصاً بر عهده گیرد و از خود می پرسد: باید چگونه زندگی کنم؟ چه حرفه ای را

باید انتخاب کنم؟ در ارتباط با جنس مخالف و زندگی خانوادگی آتی چه خواهیم کرد؟ با کدام باورها و ارزش ها باید زندگی کنم؟

بحران هویت که امروزه گریبان گیر انسان غربی شده، برآیند دیدگاه مادی گرایانه انسان به زندگی و بی توجهی به پدیده وحی و دین است. نسل جوان بیشتر از دیگران با بحران هویت روبه رو است. با ارزیابی و تحلیل عوامل و عناصر آسیب زا در نسل جوان، می توان به این نتیجه رسید که دور بودن فرد از تربیت صحیح دینی در سال های کودکی و نوجوانی، زمینه ساز بی هویتی آنان می شود. بی شک، اگر افرادی در آغاز دوران کودکی و در ادامه، در سال های نوجوانی، از آموزه های دینی بی بهره بمانند و متولیان امور تربیتی مانند خانواده و مدرسه نیز نسبت به شکوفایی هویت دینی آنان بی توجه باشند، تصور صحیحی از هویت دینی به دست نخواهند آورد.

2- ویژگی های سنین جوانی

1-2- عاطفی و زودرنج بودن

جوان در عین اینکه عاطفی است، زودرنج و شکننده هم هست. اگر با جوانان با صداقت و احترام برخورد شود، در این دوره از حیات به سهولت می توان در عمق دل و صفای قلب او نفوذ کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله

توصیه فرموده اند: «بر شما باد به جوانان، که قلب آنان رقیق تر و آماده پذیرش خیر است. وقتی خداوند مرا برای انذار و بشارت مردم مبعوث کرد، سالخورده ها با من مخالفت کردند؛ اما جوانان با من پیمان بستند.» (فیض کاشانی، 1387، ج3 ص 122)

2-2- پرنرزی، پرتوان، پرهیجان و کلیشه گریز بودن

انسان در نوجوانی و جوانی، کانون شور، انرژی و هیجان است. به سبب انرژی و پتانسیل جسمی فراوان، خواهان تحرک و جنب و جوش است که باید از این ناحیه نیز سیراب شود؛ بنابراین، وجود برنامه های کسل کننده که حس کنجکاوی و تنوع خواهی جوان را سیراب نکند، می تواند به دوری وی از مسجد بینجامد. همچنین جوان به حسب روحیه خود، به وسایل و ساختارهای به روز علاقه مند و از کلیشه و تکرار - چه در رفتار چه در ساختار - بیزار است. (بخشنده بالی، 1385)

2-3- آرمان خواهی و پرسشگری

ذهن جوان سرشار از پرسش است. طوفانی از پرسش ها و پیچیدگی ها در ذهن اوست. آرمان طلب و تعالی خواه است. روح پرتلاطم و پرکشش او قرار و آرام ندارد. جوانی که با پرسش های گوناگون روبه رو می شود، اگر بتواند خود را با آموزه های دینی پیوند دهد، به راحتی می تواند بهترین پاسخ ها را بیابد و بهترین مسیر را برگزیند.

2-4- استقلال طلبی

باید به این مهم توجه داشت که در دوران نوجوانی استقلال طلبی، به معنای جدا شدن قطعی از خانه و خانواده و ایجاد زندگی مستقل نیست؛ بلکه نوجوان می خواهد در کارها و رفتارهای خود آزادی عمل داشته باشد، از کسی دستور نگیرد و در گزارش دادن نتیجه کارهای خود اجباری نداشته باشد. همچنین پیوستن به گروه های اجتماعی از رفتارهای غیرقابل اجتناب دوران نوجوانی است. گروه می تواند یک محرک قوی برای فعالیت نوجوانان در دوران بلوغ باشد. گروه و دوستان در ابتدا برای نوجوانان مهم است؛ به همین جهت نسبت به مقررات گروه وفادار و مطیع هستند؛ زیرا معمولاً نوجوان احساس عدم امنیت می کند؛ لذا پیوستن به گروه برای او آرامش ایجاد می کند که اصطلاحاً به آن «آرامش اجتماعی» نوجوان می گویند. (صمدی، 1386)

5-2- پاک، سادگی و بی آلابشی و زیباپسند

میل جوانان به زیبایی و آراستگی بیشتر است. نقل شده است که وقتی امام علی علیه السلام با خدمتکارش قنبر، برای خرید لباس به بازار رفتند و دو پیراهن دو درهمی و سه درهمی خریداری نمودند، امام علیه السلام پیراهن سه درهمی را به قنبر دادند. قنبر گفت: شما به آن سزاوارتری چون شما بالای منبر می روی و خطبه می خوانی. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «انت شاب و لک شره الشباب؛ تو جوان هستی و میل جوانی داری.» (مجلسی، ج 100، 1403 هجری قمری، ص 93)

6-2- کارگروهی و ارتباط با همسالان

احساس نیاز انسان به ارتباط با همسالان از ابتدای دوران کودکی شروع شده و تا اوایل جوانی ادامه می یابد. این ارتباط با همسالان فواید و آثاری به دنبال خواهد داشت: (نوروزی، 1391)

• تأمین امنیت عاطفی و حمایت.

• ایفای نقش الگو و معیار هنجارهای درست و نادرست برای یکدیگر و ارتکاب اعمالی هماهنگ یا غیرهمسو با ارزش های بزرگ ترها.

• آموزش رسمی و غیررسمی مهارت های اجتماعی به یکدیگر.

• اعطای فرصت تمرین ابراز وجود در بازی و بحث به یکدیگر.

• کاستن از شدت وابستگی دوستانشان به خانواده.

• کاستن از فشار اجتماعی بزرگ ترها به آن ها و حمایت از یکدیگر.

• تعدیل رفتار یکدیگر در روابط اجتماعی، از طریق تقویت و تنبیه.

3- مطالبات و نیازهای نسل جوان

1-3- مطالبات معنوی جوانان

1-1-3- هویت یابی فرهنگی و دینی

آگاهی از سؤالاتی از قبیل که هستیم؟ چه هستیم؟ برای چه هستیم؟ به ذهن ما خطور می کند و درصدد هستیم به نحوی به آن ها پاسخ دهیم. این سؤالات ما را متوجه ریشه و خاستگاه بنیادی خودمان می سازد؛ به عبارت دیگر، برای ریشه یابی هویت خود که همان تلاش برای تعیین آن است، حرکت می کنیم. برای دیگران نیز اهمیت دارد که ما به کجا تعلق داریم؛ بیشتر مردمی که با آن ها برخورد می کنیم، می کوشند

ما را در کشوری قرار دهند که در آن ملیتی داشته باشیم، یا به موقعیت، جایگاه و لنگرگاهی پیوند دهند که بر اساس آن بتوانند رفتارهای اجتماعی ما را تفسیرپذیر، پیش بینی پذیر یا تحلیل پذیر نمایند. این جنبه ی اصلی آن چیزی است که وقتی درباره ی هویت (1) سخن می گوئیم، به آن اشاره داریم. (رشادی و حیدرخانی، 1393)

هویت های متعددی برای انسان وجود دارد که هویت فردی، اجتماعی، ملی، مذهبی و قومی از آن جمله اند؛ اما هویت فرهنگی (2) مشرف بر تمامی انواع هویت هاست و با آن ها در ارتباط متقابل قرار دارد. هویت فرهنگی دارای ابعاد گوناگونی است. از جمله این ابعاد، برآیند هویت های افراد در مقیاس جمعی به اضافه آموزش، جامعه پذیری (3) و آداب و رسوم (4)

آنان است که در زمینه های مختلف فردی، سیاسی و اجتماعی متجلی می شود. هویت فرهنگی به این دلیل که پاسخگوی سؤالات اساسی در بعد تکالیف جامعه ای است، برای

جوانان فراهم کننده پایه و پشتوانه فکری برای رفتار و اندیشه های اجتماعی محسوب می شود و امروزه یکی از اساسی ترین مسائل پیش روی جوانان به شمار می رود که باید به آن پاسخ داده شود. (همان)

از نیازهای فطری آدمی، گرایش به عشق و پرستش است؛ به این معنا که فرد، مستقل از هرگونه یادگیری، به سبب کشش درونی، به عبادت و بندگی خدا تمایل دارد. ارتباط آدمی با دین و نسبتی که با آن پیدا می کند، در مقوله «هویت دینی» بیان می شود. هویت دینی، این قدرت را به فرد می دهد که با اعتقاد قلبی به آموزه های دین عمل کند که این اعتقاد، پیامدهایی همچون: پاسخ دادن به پرسش های بنیادین، جهت بخشیدن به زندگی، داشتن رویکرد مثبت به آینده، دست یابی به وحدت اعتقادی، برخورداری از مقبولیت اجتماعی و معنا بخشیدن به جهان را خواهد داشت. (بخشنده بالی، 1385)

2-1-3- دوست یابی در گروه های همسالان

یکی از خصوصیات آشکار نوجوانان جدا شدن از خانواده و پیوستن به گروه همسالان است. وابستگی به گروه همسالان در این سنین قوی تر از سایر مراحل زندگی است و اکثراً برعکس آنچه بیشتر در مورد آن شنیده و یا خوانده ایم، می تواند بیانگر موفقیت برای بیشتر نوجوان ها باشد. نیاز به تعلق به گروه به

ص: 322

1- Identity .

2- Cultural identity .

3- Sociability .

4- Customs .

مفهوم پذیرش و قبول گروه مورد نظر نوجوان است. هر نوع رویدادی که بر این پذیرش اثر بگذارد، نوجوان را دچار تزلزل احساس بی اعتمادی به خود و احساس عدم کفایت خواهد نمود. در مواردی نوجوان سرخورده از گروه به گروه ناسالم اجتماعی می پیوند تا بتواند بر تنهایی و عدم تعلق اجتماعی خود غلبه کند. (صمدی، 1386)

یک نوجوان یا جوان پس از ورود به مسجد، با دوستان جدیدی آشنا می شود. در فعالیت های مسجد و کلاس های فرهنگی، هنری و ورزشی شرکت می کند. با پیدا کردن دوستان جدید، از دوستان قبلی فاصله می گیرد و رفته رفته متوجه می شود که اگر در این مسیر قدم نمی گذاشت، در دام افراد ناسالم گرفتار می شد.

2-3- مطالبات مادی جوانان

1-2-3- ورزش

طبیعت یک جوان نیاز دارد به مراکز تفریحی؛ فطرت او هم نیاز دارد به عبادت. ما باید در کنار مساجد، مراکز تفریحی ورزشی و در کنار مراکز تفریحی ورزشی، مراکز عبادی داشته باشیم و بهترین عبادت ها آن وقت می شود که انسان طبیعتش بانشاط گردد تا این نشاط، مقدمه نشاط معنوی او در مسجد و نماز و عبادت شود. (عزیزی، 1393)

2-2-3- پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی چه به عنوان یک امر شخصی برای تأمین آینده بهتر و اثرگذاری و مسئولیت های اجتماعی بیشتر و چه از جهت نیاز روزافزون انقلاب به نیروهای متخصص و متعهد و تبدیل کشور به رتبه اول علمی در منطقه و ارتقای علمی در دنیا اهمیت دارد. ضرورت پرداخت مسجد به این نیاز مهم و اساسی انقلاب در این برهه و از طرفی پاسخ گویی به نیاز جوانان و خانواده های آنان اساسی به نظر می رسد. اساساً این مقوله هم از جهت اهمیت بخشی مسجد به مقوله علم و پیشرفت تحصیلی برای حضور نیروهای متعهد در این حوزه و هم از جهت فراهم کردن امکانات و تسهیل شرایط این امر مانند کتابخانه، گروه های مشورتی علمی و مانند آن باید مورد توجه باشد.

3-2-3- تشکیل زندگی مستقل (مسکن، ازدواج و اشتغال)

وجود برخی مشکلات، زمینه ساز انحراف و بی رغبتی به دین یا کانون های دینی است. بیکاری، عدم

ازدواج و عدم تأمین شغل برای امرار معاش، زمینه دین‌گریزی و سستی نسل جوان را فراهم می‌سازد. از جوانی که در آتش غریزه جنسی می‌سوزد و بر اثر بی‌کاری و عدم امید به آینده، سر از یأس و ناامیدی درمی‌آورد و مأمونی برای حل مشکلات خود نمی‌یابد، چگونه انتظار رغبت به نماز و دین‌مداری از او می‌توان داشت؟! دین‌خردگرا و حکمت‌مدار اسلام در کنار مسائل معنوی بر مسائل مادی و اقتصادی نیز تأکید می‌کند و فقر را مایه کفر معرفی می‌کند چنانکه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «کاد الفقر ان یکون کفراً.» (کلینی، 1363، ج 2، ص 310)

جوانان دل به کسی می‌دهند و خانه دل را حریم کسانی می‌سازند که با درد و رنج آنان آشنا و با غم هایشان محرم و در راه خدمت به آنان کوشا باشند.

(ب) مسجد، کارگزاران مسجد، خصوصیات، کارکردها و اهمیت آن‌ها

1- تعریف و ویژگی‌های مسجد

مسجد در لغت عرب اسم مکان و زمان است و به معنای محل سجده و زمان سجده به کار می‌رود؛ اما در اصطلاح، عبادتگاه و محل گردهمایی مسلمانان است. در قرآن، مسجد به معنای اعم، محل ذکر نام و یاد خدا و در واقع نیایشگاه خداوند به کاررفته است. (بقره: 114)

اگر کسی خیال کند که در مسجد، فقط چند رکعت نماز می‌خوانند و بیرون می‌آیند و این چه تأثیری دارد، خطاست. این طور نیست. اولاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود، خود نماز که به زبان مُشَرَّعِ مَقَدَّسِ نماز و اذان، خیرالعمل و فلاح است، مایه برکات زیادی می‌شود. نماز یک ملت را به قیام

لله وادار می‌کند. نماز انسان‌ها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند. علاوه بر آن، مسجد فقط برای نماز نیست؛ در مسجد انواع عبادات هست. از جمله آن عبادات، تفکر است که «تفکر ساعه خیر من عبادة سنه»، یا در بعضی از روایات است که «من عبادة اربعین سنه»، یا «سبعین سنه» - البته فکر کردن درست افراد مسجدی، این فکر را به وسیله شنیدن سخنان عالم دین و فقیه به دست می‌آورند؛ بنابراین مسجد هم مدرسه است، هم دانشگاه، هم مرکز تفکر و تأمل، هم مرکز تصفیه روح، هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست. ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می‌کند. انسان در مسجد، خود را به خدا متصل می‌کند. (بیانات مقام معظم رهبری: 2822)

ص: 324

اشاره

مسجد قدمتی به اندازه خود اسلام دارد و اولین مسجد با ورود پیامبر اسلام صلی الله علیه واله به مدینه تأسیس شد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه واله پایه گذار اولین مسجد (قبا) است. او مکانی را پایه گذاری کرد که علاوه بر عهده دار بودن نقش روحانی و معنوی، کانون فعالیت های اجتماعی مسلمانان نیز به شمار می رفت.

1-2- محل عبادت جمعی

قرآن کریم هدف از خلقت انس و جن را عبادت خداوند متعال ذکر کرده است: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات: 56)

این آیه ی مبارکه به صراحت غرض از آفرینش را عبادت و پرستش حضرت حق جلّ و علا بیان می کند و عبادت را علت منحصر خلقت جن و انس ذکر می کند؛ زیرا جمله در قالب استثناء بعد از نفی است که این ساختار در ادبیات عربی مفید حصر است و اختصاص را می رساند؛ یعنی علت آفرینش جن و انس، فقط عبادت است.

حالا اگر عبادت فلسفه خلقت است طبیعتاً برای آن باید تمهیدات لازم از سوی خداوند پیش بینی شده باشد؛ درباره زمان، مکان و کیفیت عبادت راهنمایی های لازم صورت گرفته باشد. پس محل عبادت به اعتبار محل تحقق فلسفه وجودی انسان بسیار مهم است؛ یعنی مسجد جایگاه ویژه ای دارد.

ارتباط با خداوند که دارای شکل ها و گونه های مختلفی مانند نماز و دعا است، در حالت کلی مقید به یک مکان خاصی نیست، اما با این اوصاف مسجد یک جایگاه ویژه پیدا کرده است، به این صورت که نماز با حضور قلب بالا در خانه، از ارزش کمتری نسبت به نماز جماعت در مسجد ولی با حضور قلب کمتر داراست. از این رو، معصومان علیهم السلام در سخنان خویش، مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن برشمرده اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می گیرد و به آرامش و سکون دست می یابد. امام صادق علیه السلام به

مسلمانان سفارش می کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند. (محمدخوانی، 1389)

باوجوداینکه می توان عبادت را فردی هم انجام داد ولی در مکتب تربیتی اسلام و بسیاری از مکتب های تربیتی دیگر، «انزواطلبی» و «جمع گریزی» بیماری روحی شناخته می شود؛ در عوض، اجتماعی بودن و جمع گرایی _ در حد معقول آن _ نشانه سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری او به حساب می آید. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به حضور در جمع، روح جمع گرایی، انعطاف و نظم پذیری را در مسلمانان

تقویت می‌کند. (ضرابی، 1389) به همین جهت است که در روایات اسلامی، ثواب‌های غیرقابل شمارشی برای نماز جماعت بیان شده است.

نتیجه عبادت، تربیت انسان است و اگر تربیت اصل قرار گرفت به طبع سیاست، اقتصاد، مدیریت، فرهنگ و آموزش جامعه نیز اصلاح خواهد شد، زیرا تربیت هسته جامعه است و باید در سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد جامعه اسلامی مانند میزان رشد و تعامل مساجد با سایر نهادها باید این اصل باشد که چه میزان می‌توان مساجد را در مسیر تربیت دینی افراد جامعه قرارداد و بعد از آن به ابعاد و قابلیت‌های دیگر مساجد پرداخت. (حکیمی، 1388)

2-2- کانون تبلیغ و مبارزه با دشمنان اسلام

مساجد از صدر اسلام میعادگاه همه قرارهای مسلمانان بودند. مساجد علاوه بر مرکز عبادت، محل تصمیم‌گیری برای جهاد، هماهنگی مجاهدان، برنامه‌ریزی چگونگی اعزام نیروها به جبهه بوده است.

مسجد همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده است. از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است، از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و واردکردن آن‌ها در بیرق اسلام بوده است. (امام خمینی، 1385، ج 7، ص 65)

هر وقت یک گرفتاری را طرح می‌کردند صدا می‌کردند «الصلوه مع الجماعة» اجتماع می‌کردند و این گرفتاری را طرح می‌کردند. (همان، ج 10، ص 16 و 17)

3-2- مرکز بصیرت بخشی سیاسی به جوانان و روشنگری

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی - و یا لاقلاً سهولت این پیروزی - این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد. در دوره مشروطیت هم همین طور بوده است؛

در دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین طور بود؛ در زمان انقلاب هم که این مسئله، به حدّ اعلی رسید. (بیانات مقام معظم رهبری: 2822)

3- معماری و ظاهر مسجد

در احکام نماز و نمازگزار آمده است که باید مکان نماز، لباس نمازگزار پاک و پاکیزه باشد. لذا ظاهر مسجد (فرش، محوطه) که محل نماز جمعی است هم مشمول همین حکم است خصوصاً اینکه جنبه تعظیم شعائر عمومی اسلام را نیز به دوش می کشد. پس نمای ظاهری و معماری مسجد هم از جمله ارکان مادی مهم مساجد است که باید در حد مناسب و حتی بهتر از سایر فضاها باشد. استفاده از رنگ های آرامش بخش، همچون آبی و نیلی و فیروزه ای و بهره گیری از شیوه معماری مبتنی بر طبیعت و اشکال هلالی و قوسی در بنای مساجد جلوه خاصی به ساختار ظاهری آن می بخشد. چنین آراستگی و نمای آرام بخش زمانی که با طنین دل نشین اذان آن هم با نیکوترین صدا همراه می شود، بر گیرایی مساجد می افزاید

در یک جامعه اسلامی باید ذهن نوجوانان و جوانان را از نگرشی مثبت و خوشایند نسبت به اماکن مقدس، همچون مساجد مملو کرد. مسجد باید احساسات و خاطره های زیبا و به یادماندنی را برای آن ها تداعی کند و باید تدابیری اتخاذ شود که مسجد را محلی آرامش بخش، زیبا و دوست داشتنی بدانند. (افروز، 1371)

4- امکانات مسجد

برای حضور جوانان در مساجد، لازم است، مساجد را از انحصار به نماز، خارج کرد، جوان عنصری فعال و پرشور است و به دنبال کانونی فراگیر و خودجوش است. مسجد، پایگاه تصمیم گیری اجتماعی، نظامی، سیاسی، عبادی و فرهنگی بوده است. در این صورت مسجد یک مجتمع است که جوانان را با سلاقی مختلف در خود جمع کرده است. اگر در دوران دفاع مقدس ما شاهد حضور چشمگیر جوانان در مساجد بودیم یکی از دلایلش فعال بودن در زمینه های عبادی، نظامی و فرهنگی بوده است. اگر امکانات هنری، ورزشی، نمایشی، کتابخانه در کنار مسجد به عنوان جزئی از پیکره مسجد محسوب شود جوانان به مسجد راغب تر خواهند شد.

5- کارگزاران مسجد

1-5-1- واقف و متولی

بسیاری از مساجد کشور وقفی است. نحوه تنظیم وقف نامه ها در سال ها قبل در برخی موارد آن چنان با

فکر وسیع بوده است که به متولیان امروز مساجد امکان تعریف هرگونه مؤلفه جذاب برای جوانان را داده است یا آن را از قبل پیش بینی نموده است.

برعکس نیز برخی وقف نامه ها آن چنان تنظیم شده است که جز نمازی خشک و خالی مجالی برای اهل محل باقی نگذاشته است و تنها باید با کمک نهادهای دیگر به داد توسعه امکانات آن مساجد برای جذب جوانان امید بست.

2-5- روحانی و امام جماعت

مسجد در صدر اسلام در همه زمینه های عبادی سیاسی، فرهنگی، آموزشی، نظامی، قضایی از جامعیت خاصی برخوردار بوده است، البته محور همه آن ها امامت و پیشوایی در مسجد است که به عنوان مهم ترین مسئله در ساختار و پیکره این مکان مقدس مطرح است و کوچک ترین غفلت ولو جزئی، سرانجام به لوث شدن هدف کلی و پایمال گشتن مقصد نهایی خواهد شد. اهمیت این موضوع در ساختار مسجد به اندازه ای است که در زمان حضور پیامبر صلی الله علیه و اله در مدینه، شخص ایشان عهده دار اداره مسجدالنبی صلی الله علیه و اله بود و به همین جهت است که در صدر اسلام مدیریت و امامت مسجدالنبی صلی الله علیه و اله به عهده شخص پیامبر صلی الله علیه و اله و در غیاب ایشان به عهده کسانی بوده است که به تشخیص آن بزرگوار صلاحیت امامت را داشته اند و توسط خود حضرت معرفی می شده اند.

لذا در مدیریت مساجد و انتخاب و انتصاب امام جماعت باید نهایت دقت به عمل آید؛ چون مدیریت و امامت مسجد مهم و این رسالت ویژه نوعی رهبری و پیشوایی است که لازمه آن این است که امام جماعت در حد خود واجد کمال، خصال، روحیات و عملکردهای پسندیده ای باشد که همان کمالات در سطح بالاتری برای رهبری صالح جامعه اسلامی مطرح است.

3-5- هیئت امنا و خادم

پیشبرد امور مسجد و آبادانی آن، هم به لحاظ معنوی و هم به لحاظ مادی، اشتراک مساعی و همت والای اعضای هیئت امنا را می طلبد. آنان می توانند با همفکری و همدلی، از عهده ی این وظیفه شرعی و داوطلبانه به خوبی برآیند و ذخیره ای برای آخرت خود بردارند.

اعضای هیئت امنای مسجد باید در ادای وظایف خود جدیت داشته باشند و مصمم حرکت کنند، در غیر این صورت اختلال در امور مسجد پیش می آید.

وظایف خادم مسجد هم اگرچه به سنگینی امام جماعت و هیئت امنای نیست، به قدری مهم است که ممکن است غفلت از برخی از آن‌ها از جمله ظاهر آراسته و نظم عمومی مسجد تأثیر منفی جدی بر زحمات سایر ارکان و کارگزاران مسجد بگذارد.

ج) مطالبات جوانان از امام جماعت مسجد

اشاره

شاید تعبیر گزافی به نظر برسد اما با توجه به پیشینه مسجد در اسلام و محور بودن حاکم اسلامی در مهم‌ترین مسجد مرکز حکومت، می‌توان گفت امام جماعت در محله خود جانشین حاکم اسلامی است و از این روست که اصلی‌ترین نقش بین کارگزاران مسجد را امام جماعت ایفا می‌کند و اصولاً باید ایفا نماید. در بسیاری از مساجد مشاهده شده که فضای مطلوب و امکانات مادی زیادی موجود است ولی آثار تربیتی آن‌ها چندان مطلوب نبوده است و در حالت مقابل، مساجدی با فضا و امکاناتی محدود، توانسته‌اند به ثمرات عظیم تربیتی برسند، لذا در این بین نقش اصلی را امام جماعت به عنوان مرکز ثقل ایفا می‌کند.

خلق و خوی نیکوی امام جماعت مسجد و مهارت اجتماعی او در برقراری ارتباط با نمازگزاران به ویژه نوجوانان و جوانان فوق‌العاده حساس است. استقبال از حضور جوانان در مسجد، توسط امام مسجد و با چهره‌ای گشاده و متبسم و سپردن برخی مسئولیت‌های هرچند ساده به آن‌ها در مراسم داخل مسجد احساس زیبا و خوشایندی را در وجود نوجوان و جوان ایجاد می‌کند و برعکس تندخویی و عدم اعتنا آن‌ها را از مسجد می‌راند.

اگر مسجد مأمن باشد و امام جماعت مسجد، فردی عالم و امین باشد که جوانان در حضور او آرام و قرار یابند و با کمال آرامش، نظر و پرسش خود را مطرح کنند و پاسخ بشنوند و نگران اتهام و تکفیر نباشند، به مساجد جذب می‌شوند، زیرا روح جوان مثل ماهی از مقابل فشار و تنگنا می‌گریزد.

نقش امام جماعت مسجد در چشاندن لذت نماز با توجه به جوانان

امام جماعت مسجد است که می‌تواند الگویی مناسب برای جوان در لذت بردن از نماز باشد. رهبر انقلاب درباره لذت بردن از نماز در جوانی می‌فرماید:

«در جامعه‌ی جوان کشور بیش از دیگران باید به نماز اهمیت داد. جوان با نماز دلش روشن می‌شود، امید پیدا می‌کند، شادایی روحی پیدا می‌کند، بهجت پیدا می‌کند. این حالات بیشتر مال جوان هاست، بیشتر مال موسم جوانی است؛ می‌تواند لذت ببرد و اگر خدا توفیق بدهد، نمازی بخوانیم که با توجه باشد، خواهیم

دید که انسان در هنگام توجه به نماز از نماز سیر نمی شود. انسان وقتی به نماز توجه پیدا کند، آن چنان لذتی پیدا می کند که در هیچ یک از لذت‌های مادی این لذت وجود ندارد. این در اثر توجه است. برای آنکه از جوانی عادت کرده به اینکه خوب نماز بخواند؛ یعنی نماز با توجه - نماز خوب معنایش نماز با صدای خوش و قرائت خوب نیست؛ یعنی نماز با توجه، با حضور قلب؛ قلبش در محضر پروردگار حاضر باشد؛ از دل و با دل حرف

بزند - آن وقت این سبب می شود و دیگر برایش زحمت ندارد؛ تا آخر عمر همین جور خوب نماز می خواند.» (بیانات مقام معظم رهبری: 4490)

امام جماعت مسجد به مثابه طیب معنوی

دسترسی آسان به مسجد، نیاز ضروری مؤمنان و جوانان و نوجوانان ما است. روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه‌ی حیات مسجد است. امامان جماعت باید آماده‌ی سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند. (همان: 10253)

پاسخگویی امام جماعت به شبهات و سؤالات جوانان و پر کردن خلأ ذهنی آن‌ها

روحانیون باید با استفاده از منابر و مساجد، سؤالات موجود در ذهن مردم را بیابند و با دادن پاسخ مستدل و منطقی به آن‌ها خلأ ذهنی زنان و مردان و به ویژه جوانان را پر کنند، زیرا اگر غفلت شود این خلأ را دشمنان اسلام آن گونه که خود می خواهند پر خواهند کرد. (همان: 17375)

جوانان ذهن خلاق و جستجوگری دارند و همواره به دنبال کشف حقیقت و حل مسائل و پاسخ‌گویی به شبهات اند. علاوه بر آن امروز شبهه افکنی در حوزه فرهنگ دینی یکی از پرخطرترین جلوه‌های تهاجم فرهنگی در عرصه تربیت دینی است. این شبهات به قول استاد مطهری، گذرگاه خوبی هستند اما عدم پاسخ‌گویی به آن‌ها موجب تزلزل در عقاید و اندیشه‌های دینی آنان می‌گردد و پایه‌های تربیت دینی را سست می‌گرداند. جوان اگر احساس کند که مسجد محلی برای پاسخ‌گویی به سؤالات اوست و در آن شخصیت ارزشمند و فرهیخته‌ای است که درد او را درک می‌کند، خواه ناخواه به سمت وسوی او متمایل می‌گردد و دیگران را نیز با خود همراه می‌سازد. (محمدخوانی، 1389)

استاد مطهری می‌گوید: «ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست چرا در مدرسه‌ها قرآن یاد نمی‌گیرند؟ حتی به دانشگاه هم که می‌روند از خواندن قرآن عاجزند. البته جای تأسف است که این طور است اما باید از خودمان بپرسیم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده‌ایم؟ آیا با همین فقه و

شرعیات و قرآن که در مدارس است توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل داشته باشد؟»

جوان و به روز بودن ائمه جماعات مساجد

در حال حاضر ائمه جماعت بسیاری از مساجد کهن سال اند و با دنیای جوان بیگانه اند هرچند در این میان، پیران خوش اندیش و جوان دل وجود دارند که توانایی فوق العاده ای در جذب جوانان دارند اما باید به یک جوان گرایی در مساجد برسیم. بعضی از جوانان، عدم امکان ارتباط با امام جماعت سالمند را دلیل اجتناب

از نماز جماعت و عدم حضور در مساجد می دانند و به تجربه دیده شده مساجدی که امام جماعت جوان و پرشوری دارد در جذب جوانان موفق تر بوده اند.

بنابراین امام جماعت مسجد هرچه جوان تر باشند و بیشتر بتوانند روحیات نوجوانان و جوانان را درک کنند، راحت تر می توانند با جوانان و نوجوانان ارتباط برقرار کرده و معارف دینی را به آن ها منتقل کنند. روابط و احترام میان امام جماعت و جوانان، اگر باید به روابط عاطفی بینجامد تا امام جماعت به عنوان یکی از دوستان جوانان به شمار رود و به شکلی جوانان و نوجوانان بتوانند امام جماعت را دوست آگاه و عالم و مورد اطمینان خود بدانند و در مشکلات مختلف برای مشورت به او رجوع کنند کمک بسیار زیادی به ارتباط جوانان و مسجد خواهد کرد.

البته امام جماعت پیش از اینکه درباره جلب جوانان به مسجد و برقراری ارتباط با وی اقدام نماید، به باید طور کامل از نیازها و روحیات، ارزش ها، خواسته ها، سلیقه ها، توانمندی ها و آسیب هایی که جوان را تهدید می کند و راه های رویارویی با آن آگاه باشد. در این صورت می تواند فعالیت ها و برخوردهای خود را با جوانان به شکلی تنظیم کند که علاوه بر رفع نیازهایشان، آنان را به مسجد بکشاند. در غیر این صورت، امید زیادی برای موفقیت امام جماعت در جذب جوانان به مسجد وجود ندارد.

ایجاد تحول ائمه جماعات در سخنرانی های سنتی مساجد

بدون شک منبر و وعظ و خطابه یکی از شیوه های اصیل و مؤثر تبلیغ دینی است ولی آیا این روش در همه جا و برای همه اقشار جامعه مفید است؟ آیا ائمه جماعات مساجد به غیر از سخنرانی، روش دیگری را آزموده اند؟ یکی از رموز موفقیت روحانیون در جبهه های حق علیه باطل در سال های دفاع مقدس در همین امر نهفته است روحانی با رزمندگان نشست و برخاست داشت در کنار آن ها غذا می خورد، استراحت

می‌کرد، در غم و شادی های آنان شریک بود و از میهن اسلامی دفاع می‌نمود و در وقت نماز، به عبادت می‌پرداخت. لذا مناسب است در کنار سخنرانی های رسمی و طولانی مناسبی که در جای خود خوب است، در مواقعی حتی همان مناسبت ها، برای نوجوان و جوان جلساتی صمیمی و دوستانه برگزار شود و همان مطالب با بیانی صمیمی و خودمانی به جوانان عرضه شود. استفاده از سخنرانان جوان و حتی استادان دانشگاه در کنار روحانیون می‌تواند به بخشی از مطالبات سنین جوانی پاسخ دهد.

(د) مطالبات جوانان از خادم مسجد

از آن چنان که طبع نوجوانان و جوانان، پاک، زیبا دوست و پرنشاط است، لذا به مکان های پاکیزه، زیبا، جذاب و دل پذیر بیشتر گرایش پیدا می‌کند؛ بنابراین برای جذب آنان به مساجد باید _ علاوه بر دقت در معماری اسلامی ایرانی _ این مکان ها را آراسته و پاکیزه ساخت، فرش های مسجد تمیز و پاکیزه بوده، روشنایی در حد مطلوب و مسجد همواره معطر و خوشبو باشد و نمازگزاران با لباس پاکیزه و بوی خوش وارد مسجد شوند. (عزیزی، 1393)

تمیزی، سادگی و زیبایی از ویژگی های بارز مساجد و نمازخانه های مسلمانان است. اگر از همه مساجد مسلمین بوی خوش عطر و گلاب به مشام نوجوانان و جوانان برسد، همه وجودشان سرشار از احساسات زیبا و دوست داشتنی می‌گردد. درواقع از خادمین مساجد چنین انتظار می‌رود که در طول شبانه روز از همه مساجد شهر بوی خوش عود و عطر و گلاب به مشام عابران و رهگذران برسد.

(ه) مطالبات جوانان از تولیت و هیئت امنای مساجد

1- ایجاد ارتباط بین مسجد با مراکز آموزشی و با جوانان نخبه صاحب عنوان

زمزمه ی محبت متولیان و مدیران و امنای مساجد، باید دل های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و آینده‌پو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته ای برقرار گردد. چه نیکوست که دانش آموزان برجسته و ممتاز در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه ی خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند، با کسانی که به موفقیت های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، برقرار و مستحکم کند. (بیانات مقام معظم رهبری: 10253)

اگر دانشجویان و دانش آموزانی که با مشکلاتی در دروس مهم خود مواجه اند بدانند که مسجد محل با هزینه اندکی امکان ارتباط درسی آن ها با جوانان نخبه و ممتاز محل را فراهم می‌کند حتماً از این امر

استقبال می کنند. آن جوان نخبه هم یقیناً حاضر است با هزینه ای کمتر برای کمک به رونق مسجد در امری خدایسندانه دانش خود را در اختیار دوستان خود قرار دهد.

2- جوان تر کردن ارکان و کارگزاران مسجد تا حد ممکن

اشاره

هر فردی در دوران جوانی که استقلال بیشتری در زندگی دارد، خود را برای پذیرش مسئولیت در یک گروه مهیا می سازد و چنانچه چنین تجربه ای را در گذشته خود نداشته باشد با مشکلات جدی مواجه خواهد

شد. این تجربه ها قطعاً با سعی و خطاهایی همراه است که یک جوان ترجیح می دهد آن خطاها در محیطی رخ دهد که آسیب کمتری به او و شخصیتش بزند. محیط مسجد یکی از بهترین فضاها برای این تجربه و تثبیت شرایط و ویژگی هایی است که در دوران نوجوانی شروع کرده و در حال ادامه دادن به آن است.

برای افزایش معرفت دینی نوجوانان و جوانان و تربیت دینی آن ها، باید شرایط حضور آنان را در مساجد فراهم آورد تا با حضور در مسجد، از آسیب ها و آفت های احتمالی که در معرض آن هستند، حفظ شوند. برای حضور هرچه بیشتر نوجوانان و جوانان در مسجد و استقبال آن ها از مسجد، نیاز به تغییراتی در ساختار سنتی مسجد وجود دارد که البته این تغییرات باید به گونه ای باشد که به شأن و جایگاه مسجد وهنی وارد نشده و حرمت آن شکسته نشود. (از جمله: اجلی، 1393)

جوانان انتظار دارند از توانمندی شان در ارکان مختلف مسجد استفاده شود. استفاده از نیروهای جوان در مدیریت مسجد اعم از هیئت امناء، کانون های فرهنگی و پایگاه بسیج، می تواند ارتباط بیشتر میان نوجوانان و جوانان و مسئولان مسجد ایجاد کرده و در تلطیف فضا و ایجاد فضای عاطفی و دوستانه مؤثر باشد. باید کاری کرد که بالا بودن سن مسئولان مسجد و نمازگزاران صف های اول جماعت _ در نتیجه کم حوصلگی آن ها _ باعث رانده شدن جوانان از مسجد نشود و در عوض بهره گیری از جوانان در ارکان و مدیریت های مسجد علاوه بر خود آن ها، سایر جوانان را نیز به مساجد جذب کند.

معمولاً جوان از جوان بهتر و زودتر می پذیرد. در دو جوان به دلیل نزدیک بودن جهان احساسی و عاطفی و روحی، تفهیم و تفاهم سریع تر اتفاق می افتد. در این رابطه لازم است تحولی در سیستم مدیریتی مساجد به وقوع پیوندد و فرهنگ جوان گرایی در اداره مساجد نهادینه گردد و جوانان در کنار سالمندان در هیئت امنای مساجد راه یابند.

ویژگی های هیئت امنای موفق در جذب نوجوانان و جوانان به مسجد را می توان چنین برشمرد:

به همین دلیل که کار برای خدا انجام می شود، اگر فردی از اعضای هیئت امنا احساس کرد نمی تواند کار مثبتی انجام دهد، ولو اینکه سالیان زیادی در این جمع بوده است، باید استعفا داده و جای خود را به جوانانی که توانمندی بیشتری دارند بدهد.

تقسیم کار با جوانان

به نظر می رسد که امور مسجد می باید به تناسب سن، تخصص، علاقه و دیگر عوامل شخصی اعضای هیئت امنا، تقسیم شود تا فشار کار بر دوش فرد یا افراد معینی نباشد؛ از طرف دیگر این اعضا می توانند از جوانان غیر عضو که علاقه به کار دارند کمک بجویند تا در تسریع کار مؤثر باشند که برای افراد مرتبط با مسجد و خصوصاً جوانان دل پذیر خواهد بود.

ایجاد علاقه و حس مسئولیت جوان به کار در مسجد

افرادی که در قالب عضو هیئت امنای مسجد به کار مشغول می شوند باید در برابر مسئولیت پذیرفته شده علاقه داشته باشند و از نیت غیر تقرب الی الله پرهیز کنند تا بتوانند بدون هیچ گونه دلسردی فعالیت کنند.

در راه خدا سختی های زیادی ممکن است برای انسان پیش آید و گاهی انسان مجبور می شود کاری را انجام دهد که خلاف میل باطنی فرد است، اما مسئولین مساجد باید بدانند که وقتی قرار است برای خدا کار انجام شود باید مسائل جانبی و سختی های آن نیز پذیرفته شود.

تأمین بودجه برای جذب جوانان و تأسیس صندوق های قرض الحسنه

پیشرفت و بهبود کیفیت فعالیت های مساجد تا حد زیادی بستگی به مسائل مالی دارد؛ اعضای گرداننده ی مساجد باید در این خصوص فکر اساسی کنند و مخارج متفاوت مسجد را در نظر بگیرند و به تناسب آن بودجه ی لازم را جذب کنند و از طرفی به مخارج معمولی مسجد از قبیل آب، برق و گاز اکتفا نکنند و هزینه ی جذب جوانان را نیز به صورت مسئله ای مهم محسوب دارند و در ردیف هزینه های خود بگنجانند. جمع آوری منظم ماهیانه ی وجوه نقدی از منازل و عرضه ی قبض، در نظر گرفتن منابع درآمد از قبیل خرید مغازه و اجاره دادن آن، مشارکت های اقتصادی و غیره، مشکلات مالی مسجد را رفع کنند.

ایجاد صندوق قرض الحسنه با کمک گرفتن از افراد متمکن و خیر، برای تأمین مخارج تشکیل زندگی جوانان و حل مشکلات عمومی آن ها می تواند در ایجاد انگیزه جوانان مؤثر باشد.

استفاده از تخصص های گوناگون جوانان

برای رفع مشکلات روزمره ی مساجد و تقلیل هزینه های آن می توان از افرادی که در شغل های گوناگون مهارت دارند، استفاده کرد و در مواقع لزوم از آن ها کمک گرفت. به کارگیری این تخصص ها هم در زمینه ی امور فنی و حرفه ای و اقتصادی و هم در امور فرهنگی و غیرمادی خواهد بود. استفاده از مهارت های جوانان و نوجوانان و میدان دادن برای انجام بخشی از فعالیت ها در محیط مسجد کاملاً انگیزه بخش خواهد بود.

3- گنجاندن سیاحت در کنار زیارت

شورای فرهنگی مسجد که عموماً زیر نظر هیئت امنای فعالیت می کند _ اگر فعال باشد _ معمولاً برنامه های زیارتی فراوانی تدارک می بیند. اینکه اردوهای زیارتی بر معنویت نوجوانان و جوانان تأثیر مثبت می گذارند نباید مانع از پاسخ به نیاز دیگر آن ها برای تفریح سالم شود. نوجوان و جوان طبعاً علاوه بر زیارت، به سیاحت در دل طبیعت و خوش گذرانی سالم نیز محتاج است و اگر این نیاز طبیعی به صورت سالم و صحیح پاسخ داده نشود، ممکن است به صورت جمع های ناسالم و یک ناهنجاری در جامعه خودش را نشان دهد.

4- ایجاد تنوع و به روزرسانی شیوه های تبلیغی

باید در روش های تبلیغی و جذب جوانان، کم تر از روش های کلیشه ای و تکراری و به صورت مستقیم استفاده شود تا در کاهش بی علافگی و گریز جوانان از مسجد و نماز جماعت مؤثر افتد.

با توجه به تجارب سودمند مبلغان در سال های اخیر در به کارگیری از گفتگوی مستقیم دو نفری و به اصطلاح تبلیغ چهره به چهره و رفیق شدن و اظهار همدردی کردن با نسل جوان وقت آن رسیده که در سطح وسیع از این تجربه های ارزشمند استفاده گردد.

ما در عصر ابتکارات و خلاقیت ها به سر می بریم هرروز شیوه های جدید اطلاع رسانی و تبلیغاتی ابداع می شود ولی آیا شیوه های پیام رسانی در عرصه دین و معارف دینی شیوه های کارآمد و به روز است؟ علاوه بر روش های سنتی پارچه نوشته و اطلاعیه و تراکت استفاده از ایمیل و اینترنت، دارای بودن صفحاتی

در فضای مجازی، استفاده از سیستم پیامکی اطلاع رسانی و مواردی از این قبیل، همه این تغییرات برای نسل جوان جذاب و برای جوان سازی مسجد مناسب و راهگشاست.

5- زیبا و جذاب سازی محیط مسجد

یکی از راه های استحکام پیوند جوانان با مساجد، زیبا ساختن مساجد و کانون های دینی است. مساجد از همان سردر تا درون مسجد (صحن، محراب، فضا، دیوارها و غیره) باید آراسته و پیراسته و جوان پسند باشد و از جاذبه های هنری و علمی در پیشانی مسجد استفاده شود. پاکیزگی، طراوت و زیبایی مسجد، در جذب جوانان بسیار مؤثر است. بعضی از دانش آموزان و دانشجویان، بوی بد، فضای تنگ، فرش ها و موکت های آلوده را باعث بی رغبتی به نماز و مسجد می دانند.

زیبا و آراسته بودن غیر از تشریفاتی و تجملاتی بودن است. نیازی به هزینه کردن های زیاد نیست. با تمهید یک محل پاشویی در مسجد هم می توان بوی بد را زدود یا با تهویه مناسب، تازه کردن رنگ دیوارها و شستن دوره ای فرش ها می توان ظاهر مسجد را به حد مطلوبی رساند.

با کمال تأسف دنیای الحاد در مسیر خود با ظواهری زیبا از روش های نو و از تمامی امکانات استفاده می کنند ولی ما تنها به روش های سنتی اکتفا کرده ایم و از همه ظرفیت ها استفاده نمی کنیم. قرآن کریم به کاربرد هنر در القا و تغییر افکار اشاره کرده و می فرماید: سامری دشمن موسی علیه السلام با زر و زیور، گوساله ای ساخت که صدایی شگفت داشت و آن را خدای موسی معرفی کرد و به این صورت پیروان موسی علیه السلام را به انحراف کشاند. (طه: 88) چرا ما برای هدایت مردم از شیوه های هنری مثل فیلم، کارتون، تئاتر، نقاشی، گرافیک، مسابقه و غیره استفاده نکنیم؟ (محمدخوانی، 1389)

البته در این کار نیز نباید دچار افراط شد و از شیوه های مغایر شئون مسجد، مانند پخش فیلم های خارجی، برگزاری کنسرت موسیقی، اردوهای مختلط جوانان و استفاده شود.

مقام معظم رهبری در دیدار 21 تیرماه 94 دانشجویان با ایشان فرمودند: «بنده یادم آمد یک ماجرای را که سیّد قطب در یکی از کتاب هایش نقل می کند که بنده هم در یکی از نوشته ها که مال سال ها پیش است _ مال قبل از انقلاب است- آن را از قول او نقل کردم. می گوید در یکی از شهرهای آمریکا داشتم می رفتم، رسیدم به یک کلیسایی؛ دیدم بغل کلیسا یک سالن اجتماعات است. آن وقت آنجا برنامه زده اند «برنامه ی شب»؛ برنامه را که خواندم، دیدم نوشته مثلاً موسیقی فلان جور، بعد موسیقی فلان جور، بعد آواز فلان جور، بعد یک شام سبک، بعد مثلاً جلسه ی چنین؛ علاقه مند شدم بروم ببینم قضیه

چیست؟ گفت شب رفتم دیدم بله یک سالی است مثل یک کاباره! آنجا دخترها، پسرها، جوان ها می آیند می نشینند، با هم مأنوس می شوند؛ آنجا هم برنامه هایی هست روی سن؛ موسیقی و مانند این ها هست؛ من هم تماشا می کردم وضعیت اینجا را. بعد هم یک شام سبکی آوردند، دادند خوردیم و مثلاً یک نوشابه ای، چیزی؛ قسمت جالبش اینجا است؛ می گوید که شب چند ساعتی گذشت، آخر شب شد، دیدیم که کشیش - کشیش آن کلیسا که این سالن، مربوط به آن کلیسا است - با وقار تمام از یک طرف سن وارد شد، رفت و یک مقدار از این کلیدهای برق را زد و بعضی از چراغ ها را خاموش کرد بعد هم کشیش رفت. می گوید من دیگر رفتم و نماندم. می گوید فردا رفتم سراغ آن کشیش، گفتم که خب این چه وضعی است؟ آخر شما روحانی هستید، شما آخوند هستید، مبلغ دین هستید، این چه وضعی بود مثلاً شما دیشب با این همه جوان و این برنامه ها؟ گفت که آقا، شما توجه ندارید؛ من برای جذب کردن جوان ها به کلیسا مجبورم این کار را بکنم؛ می گفت به او گفتم - حالا به تعبیر بنده - مرده شور این کلیسا را ببرد! خب بگذار بروند کاباره؛ همان کارهایی که در کاباره می کنند، اینجا بنا است بکنند، خب بروند همان

کاباره بکنند؛ چرا بیایند کلیسا؟ اگر قرار است که ما جوان را به فسق و فجور و عیش و عشرت و موسیقی حرام و از این قبیل چیزها بکشانیم، خب چرا اسممان را بگذاریم اسلامی؟ این که دیگر اسلامی نیست؛ این غیر اسلامی است، این ضد اسلامی است.» (بیانات مقام معظم رهبری: 30255)

6- فراهم آوردن امکانات فرهنگی، ورزشی و مشاوره ای برای اوقات فراغت جوان

1-6- ایجاد مرکز مشاوره برای جوانان

حل بسیاری از مشکلات جوانان نیازمند مشاوره های علمی و دینی است که باید با روش های جدید و کاملاً بروز و البته منطبق بر اصول اسلامی صورت پذیرد. برخی روحانیون و ائمه جماعات خوشبختانه مطالعات مشاوره ای و روانشناسی دارند که البته کافی نیست و ضمن استفاده از دانش آن ها لازم است حتماً از وجود افراد خبره این حوزه استفاده شود.

حتی در صورت عدم وجود امکانات کافی برای تأسیس مرکز، می توان از برخی مشاوران خبره و متعهد برای حضور مقطعی در مسجد برای مشاوره به جوان خصوصاً در زمینه حل مشکلات زندگی بهره برد.

2-6- تأسیس و تقویت کتاب خانه های مساجد با کتب جدید، متنوع و به روز

کتاب خانه های مساجد نباید منحصر به کتاب هایی با عناوین دینی باشند و از سایر موضوعات مورد

نیاز و جذاب برای جوانان خالی غفلت کنند. کتاب های مذهبی در کتاب خانه های مساجد قطعاً لازم است؛ ولی کافی نیست. اگر مساجد دارای کتاب خانه های بزرگ و منظم و پوشش دهنده بیشتر کتاب های مورد نیاز نوجوانان و جوانان و کتاب های جذاب برای این طیف سنی باشند، قطعاً از یکی از مطالبات اصلی و جذابیت های مورد نظر نوجوانان و جوانان برخوردار خواهند شد.

البته این تقویت کتابخانه ها را می توان از طریق مرتبط کردن کتابخانه مسجد با کتابخانه های مطرح دانشگاهی یا عمومی نیز انجام داد.

3-6- شبکه کردن سایر امکانات فرهنگی و ورزشی شهر با محوریت مساجد

با توجه به روحیات و فضای فرهنگی جامعه، مسجد برای جذب جوانان، باید امکانات فرهنگی و امکانات ورزشی را فراهم آورد. اگر از سوی مسجد در محل، مکانی برای ورزش جوانان در نظر گرفته شود خیلی مناسب است؛ اما با توجه به هزینه های گزاف ساخت و اداره مستقل این اماکن در هر مسجد ممکن نخواهد بود، لذا اگر با برنامه ریزی و هماهنگی هیئت امناء، جوانان مسجد بتوانند از امکانات ورزشی در سطح شهر با تخفیف ویژه استفاده کنند، بسیار مناسب است.

(و) نتیجه گیری و پیشنهاد

جایگاه مسجد در جامعه اسلامی از زمان پیامبر اعظم تاکنون جایگاهی محوری در همه ی ابعاد بوده است و نقطه کانونی جامعه اسلامی برای هر نوع آگاهی بخشی و عمل است. لذا اهمیت بازآفرینی نقش مسجد با محوریت جوانان به عنوان عنصر پویا و مؤثر جامعه اسلامی لازم و ضروری به نظر می رسد. جوانان برای این حضور نیازمند تغییر در بسیاری از ساختارها و فعالیت های مسجد هستند. این تغییر بر مبنای نیازهای جوانان در زمینه های گوناگون و محوریت مسجد به عنوان مرکزی عبادی، سیاسی و اجتماعی صورت می گیرد. کارگزاران مسجد به عنوان گروه اصلی متولی مسجد در هر منطقه موظف به تدبیر این حضور هستند. این تدبیر در حوزه عبادی برای تحکیم رابطه جوانان با دین و چشیدن طعم دین داری و پاسخگویی به حجم عظیم شبهات در این زمینه به عنوان وظیفه اصلی کلید می خورد. اولین مطالبه جوانان از مسجد، مطالبه درک دین داری صحیح از مسجد و متولیان آن است. از طرفی کانون اجتماعات جوانان حول مسائلی می چرخد که به پاسخگویی به نیازهای متنوع آنان را در برمی گیرد لذا مطالبه جدی دیگر جوانان از مسجد به عنوان نهادی اجتماعی پاسخگویی به این نیازهاست مانند نیازهای

به نظر می‌رسد رابطه‌ی دوسویه بین موارد ذکرشده وجود دارد. از طرفی جوان بنا به نیازهای متعدد خود به دنبال محملی مطمئن برای پاسخگویی می‌گردد و از طرف دیگر کارگزاران مسجد با استفاده از این محمل زمینه زندگی مؤمنانه و مسئولانه را برای جوانان فراهم می‌کنند که از وظایف اصلی آنان است. مطالبه اصلی جوانان شکل‌گیری این محمل مطمئن در همه‌ی ابعاد همراه با در نظر گرفتن مختصات جوانی است.

یک پیشنهاد

اساساً یکی از اشتباهات راهبردی تصمیم‌سازان فرهنگی کشور خصوصاً در تهران، ساختن و جدا کردن امکانات فرهنگی تحت عنوان فرهنگسراها به دوراز محوریت مسجد بوده است. وقتی کانون فرهنگی مسجد نتواند با روزنامه‌ها، مجله‌ها، کامپیوتر، کتاب‌خانه، نوارخانه، بانک سی‌دی و ویدئوکلپ با یک فرهنگسرا یا خانه فرهنگ در محل رقابت کند، چگونه می‌توان انتظار داشت جوان جذب مسجد شود؟

اکنون که نه می‌توان این مراکز را تعطیل یا به اطراف مساجد منتقل نمود و نه می‌توان بدون صرف هزینه‌های سنگین مراکز ورزشی و فرهنگی مستقل برای مساجد ساخت، پیشنهاد می‌شود متولیان رسیدگی به امور مساجد بررسی کنند که آیا می‌توان با هماهنگی شهرداری‌ها و شوراهای شهر و روستا، ارتباطی سیستمی بین مراکز فرهنگی موجود با مساجد به نحوی برقرار ساخت که «مسجد محوری» شکل بگیرد و لااقل جوانان مسجدی با اولویت و برخورداری از تسهیلات ویژه بتوانند از آن امکانات بهره‌برند.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. اجلی، جواد، جوان‌سازی ساختارهای مسجد با هدف تسهیل حضور جوانان و نوجوانان، 1393. <http://www.masjed.ir>
3. افروز، غلامعلی، روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان، انجمن اولیا و مربیان، تهران، 1371.
4. بخشنده‌بالی، عباس، بررسی مراحل شکل‌گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان، مرکز پژوهش‌های

5. حکیمی، محمد مهدی، سخنرانی «اصلاح جمعی و جایگاه کانون های فرهنگی مساجد»، بهار 1388
6. خامنه ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام رهبری <http://farsi.khamenei.ir>، A،
7. خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س): (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، تهران، 1385.
8. رشادی، منوچهر، حیدرخانی، هاییل، «بررسی میزان گرایش به مبانی هویت فرهنگی انقلاب اسلامی در میان جوانان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره 10، بهار 1393.
9. صمدی، فرزانه، بلوغ و دگرگونی های آن (آنچه یک پدر و مادر باید در مورد پسر نوجوان خود بدانند)، اکرام، 1386.
10. ضرابی، عبدالرضا، «نقش و عملکرد مسجد در تربیت»، مجله معرفت، شماره 33، فروردین و اردیبهشت 1379.
11. طهماسبی، مهدی، چگونگی انتقال مفاهیم دینی به جوانان، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، 1381.
12. عزیزی، مرتضی، راهکارهای جذب نوجوانان و جوانان به مسجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد، 1393.
1. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1363.
2. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، الوفاء، 1403 هجری قمری
3. محمدخوانی شهری، لیلا، بررسی عوامل ایجاد پیوند و موانع جذب میان مسجد و جوانان، ستاد اقامه نماز، 1389.
- نوروزی، امیرحجت، ارتباط با همسالان، سازمان بهزیستی استان مرکزی، 1391.

چکیده

در واکاوی ارتباط میان مسجد و جوان به موانعی در ایجاد یک ارتباط مؤثر برخورد می‌کنیم که سبب جدایی یا کم‌رنگ شدن حضور جوانان در مسجد می‌شود. این موانع را می‌توان در قالب پنج بخش فرهنگی، سخت‌افزاری و محیطی، اجتماعی، خانوادگی و سیاسی تقسیم کرد. بدون شک آشنایی دقیق متولیان، امامان جماعت و نمازگزاران با موانع پیش روی جوانان در ارتباط با مسجد می‌تواند در جذب بیشتر آنان به مسجد راه‌گشا باشد. در این نوشتار به بررسی این موانع پرداخته شده است. خلاصه برنامه‌های فرهنگی، معنوی، تشویقی، ورزشی و آموزشی مناسب و خوب عمل نکردن افراد و گروه‌هایی چون امام جماعت، هیئت امناء، خادم، بسیج و نمازگزاران، نمونه‌هایی از موانع فرهنگی هستند. همچنین بُعد مسافت مساجد از مناطق مسکونی، معماری نامناسب و نبود بهداشت مناسب از موانع سخت‌افزاری مطرح شده در این مقاله است.

در حوزه موانع اجتماعی نیز به رفتارهای ناشایست مذهبی‌ها، دین‌گریزی جوانان، اعتیاد و بزه‌کاری و دوستان ناباب، اشاره شده است. در پایان مقاله نیز به موانع سیاسی و خانوادگی پرداخته و تأکید شده است که در این حوزه، نقش خانواده و تربیت دینی شکل گرفته در آن، در رشد تدریجی جوان و چگونگی رابطه او با مسجد بسیار حائز اهمیت است. با این حال بررسی این موانع و برطرف ساختن آن‌ها راهی روشن را در جذب جوانان به مسجد به ما نشان خواهد داد.

کلیدواژه

مسجد و جوانان، موانع، جوان مسجدی، مسجدگریزی.

ص: 341

پس از شکل گیری حکومت اسلامی به رهبری رسول اکرم صلی الله علیه واله مسجد منسجم ترین پایگاهی بود که مسلمانان را در یک نقطه جغرافیایی دور هم جمع می ساخت تا علاوه بر عبادت و رازونیز به درگاه خداوند متعال، محفلی برای تجمع آنان باشد. هنگامی که به کارکردهای مسجد از صدر اسلام تاکنون می نگریم،

درمی یابیم که مسجد نه تنها مکانی برای عبادت و محفلی برای رازونیز مؤمنان با پروردگار خویش بوده است، بلکه محل اجتماع مسلمانان، محل آموزش و پرورش، محل حفظ بیت المال و خزانه کشور، پناهگاه مردم در مواقع اضطراری، محل نگه داری مجرمان، دادگستری، مجلس شورا و قانون گذاری، بیمارستان و داروخانه، مرکز تبلیغات رسمی، مرکز تعلیم و تربیت عمومی و اختصاصی، کتابخانه، انبار مهمات، مرکز اعزام نیروهای جنگی، محل اعلان اخبار، اردوگاه اسرا، آموزشگاه نظامی و محل نگه داری غنائم بوده است.

روایت های رسیده از رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام حکایتگر ارزشمند بودن جذب حداکثری همه اقشار به سوی این بیت الله تعالی است. به ما توصیه شده است: میهمانان در دنیا باشید و مساجد را خانه های خود قرار دهید. (کراجکی، 1410ق، ج 1، ص 344)؛ همچنین مسجد خانه پارسایان شمرده شده است (نوری، 1408ق، ج 3، ص 362)؛ خانه ای که بازاری از بازارهای آخرت است و نشستن در آن موجب آمرزش و هدیه اش بهشت است (طوسی، 1414ق، ص 139)؛ مهمان خانه ای که نشستن و گذراندن وقت در آن سودبخش است. در روز حسرت، به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه واله، وقتی همه جا ویران گردد، پایه های مساجد بر جای ایستاده اند (متقی هندی، 1409ق، ج 7، ص 648).

جوانان که نسل مولد جامعه اسلامی هستند، باید با مسجد انس و الفت بگیرند تا به فرموده رسول اکرم صلی الله علیه واله، حق تعالی با آنان الفت گیرد: «مَنْ أَلَّفَ الْمَسْجِدَ أَلَّفَهُ اللَّهُ تَعَالَى» (ابن ابی جمهور، 1405ق، ج 2، ص 32) تا با آنجا خوب بگیرند و معتاد به آن شوند (همان، ص 33). جوانان مسلمان که میل زیادی به پاکی و تقرب به پروردگار دارند، باید مسجدها را پرکنند؛ همان گونه که قرآن کریم می فرماید: «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: 108): همانا مسجدی که از روز نخست بر اساس تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن نماز برپا داری. (زیرا) در آن مسجد، مردانی هستند که دوست دارند خود را پاک سازند و خداوند پاکان را دوست می دارد. آنان چونان عقاب هایی هستند که به آشیانه خود پناه می برند (برقی، 1371ق، ج 1، ص 16) و پرچم داران قیامت اند (طوسی، 1414ق، ص 529)؛ بنابراین بر امت اسلامی به خصوص حکومت است تا عرصه را برای حضور

هرچه پررنگ تر جوانان در مسجد فراهم سازد و موانع احتمالی پیش روی حضور بیشتر آنان را برطرف سازد.

1. واژه شناسی جوان

واژه «جوان» یا «بُرنا» در زبان فارسی به معنای هر چیزی است که از عمر آن چندان نگذشته باشد؛ اما در فرهنگ عربی، دو تعبیر رایج در مورد جوان وجود دارد؛ یکی «فتی» و دیگری «شاب». اولی از ریشه «فَتَى، فَتَوَ» به معنای طراوت و شادابی (ابن فارس، 1404ق، ج4، ص474) و دومی از ریشه «شَبَبَ» به معنای شکوفایی و برخورداری از حرارت و زیادی قوت جسم است (همان، ج3، ص177).

در تشخیص محدوده سن جوانی میان صاحب نظران اختلافاتی وجود دارد (رک: ری شهری، 1385ش، ص14). می توان گفت که جوانی دوران و برهه ای است که نمی توان محدوده سنی خاصی را به آن اختصاص داد؛ اما به طور اجمال دوره ای است که حدّ اعلای توان و قوت و شادابی یک انسان است و هر کس که این توان و قوت و شادابی را دارا باشد، می توان به او «جوان» خطاب نمود. به فرموده قرآن کریم: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» (روم: 54): خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی قوتی بخشید؛ آنگاه بعد از توانایی و قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می آفریند و اوست دانای توانا. در آیه ای دیگر نیز می فرماید: «ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شِيخًا» (غافر: 67): سپس شما را به صورت نوزادی (از رحم ها) بیرون می آورد؛ سپس (رشدتان می دهد) تا به کمال قوت خود برسید (و) آنگاه تا پیر شوید،؛ بنابراین دوران جوانی همان دوران قوت و کمال نیرومندی است و تا هر زمان که توانمندی انسان تداوم داشته باشد، جوان محسوب می شود.

2. رفتارشناسی جوان

ایام جوانی دوران درخشندگی و فروغ زندگی است؛ دوران سرور و شادمانی و دوران قوت و قدرت است. این دوره دوران نشاط و امید و کار و تلاش است؛ دوران شور و هیجان است. جوان ویژگی های فراوانی دارد که سبب می شود دوران جوانی اهمیتی بیش از دیگر برهه های زندگی داشته باشد. خصائص جوانی در دیگر برهه های زندگی وجود ندارد؛ به همین دلیل، بهره بردن از این دوران از جهت مادی و معنوی سفارش بسیار شده است.

ص: 343

گوشه ای از ویژگی های رفتاری جوان عبارت است از: قلب پاک و آماده، شتاب گر به نیکی، بی باک و شجاع، صریح اللهجه، زیبادوست و زیباپوش، ظلم ستیز، احساساتی و عاطفی، سرشار از استعداد، واقع نگر،

نقش پذیر، هویت طلب، میل به قهرمانی، صاحب فکر و اندیشه، جذاب، مقبول، دوست دار ورزش و تفریح و سرگرمی، بی تجربه، خیال پرداز و سرشار از غریزه جنسی.

3. اهمیت جوانی

جوانی قلّه و منتهای انرژی عمر آدمی و سلسله توانایی است؛ به فرموده قرآن کریم: دوره ای است که بین دو برهه ضعیف قرار گرفته است (روم: 54). این کتاب هدایت احسن القصص خود را به داستان جوانی پاک اختصاص داده است.

مهم ترین دوران زندگی هر فرد جوانی است؛ لذا به فرموده امام صادق علیه السلام در قیامت نیز اولین سؤال از این دوران پرسیده خواهد شد (کلینی، 1429ق، ج 3، ص 348). به دلیل اهمیت جوانی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه واله فرمود: «يُبْعَثُ الْمُؤْمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جُرْدًا مُرْدًا مُكْحَلِينَ بَنِي ثَلَاثِينَ سَنَةً»: مؤمنان در روز قیامت با لباس های زیبا و تمیز، سر مه کشیده با چهره جوانان سی ساله محشور می شوند (أحمد حنبل، بی تا، ج 5، ص 232).

به همین جهت است که مشاهده می کنیم، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه واله نوه های عزیز خویش را آقای جوانان اهل بهشت می خواند و می فرمود: «الحسن والحسين سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (ترمذی، 1403ق، ج 5، ص 321).

در حکومت جهانی موعود عالم نیز آن قائم مُقسطِ هدایت گر به سان یک جوان به رهبری خواهد پرداخت. چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَوْ قَدَّ قَامَ الْقَائِمُ لَأَنْكَرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًّا مُوَفَّقًا»: اگر قائم به پا خیزد، مردم او را نمی شناسند؛ زیرا به صورت جوانی خوش ترکیب به سوی مردم باز می گردد (ابن ابی زینب، 1397ق، ص 187).

4. تبیین موضوع

خدای متعال وقتی در خانه خویش پذیرای مهمانان خود است، از حضور جوانان در مسجد بیش از دیگران خرسند خواهد شد؛ چراکه رسول اکرم صلی الله علیه واله فرمودند: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَابٍّ تَائِبٍ»: هیچ کس پیش خدای والا محبوب تر از جوان توبه گر نیست (فتال نیشابوری، 1375ش، ج 2، ص 481).

به جوانانی که از دنیا و سرگرمی های بیهوده آن روی گرداندند و به طاعت باری تعالی می پردازند، پاداش 72 صدیق بشارت داده شده است (طوسی، 1414ق، ص 555). پروردگار به وجود جوانان زیارویی که جوانی

و جمال خویش را برای خدا قرار می دهند، نزد فرشتگان به خود می بالد و می فرماید: به درستی که این جوان حقیقتاً بنده من است (دیلمی، 1408ق، ص 120).

چه جایگاهی برای نزدیک تر شدن جوان به معبود برتر از مسجد وجود دارد؟ باید چاره ای ساخت تا جوانان هرچه بیشتر به سوی مسجد بروند تا در این بحبوحه قدرت و توانمندی و جمال، بیش از پیش، پای به عرصه بندگی نهند و از ناکجاآبادهای غیرخدایی دست بکشند. به هر ترتیب بر ماست که موانع حضور جوانان به سوی مسجد را برطرف سازیم تا حضور چشم گیر آنان را بیش از پیش در جامعه اسلامی مان شاهد باشیم؛ بنابراین لازم است موانع ارتباط مؤثر جوانان با مسجد را بشناسیم و با تدبیر در رفع آن ها بکوشیم و عرصه را برای حضور جوانان عزیزمان فراهم سازیم.

الف) موانع فرهنگی

اشاره

مراد از موانع هرگونه عامل بازدارنده سلبی و ایجابی، عملی و نظری، گفتاری و رفتاری، مستقیم و غیرمستقیم است که سبب ایجاد بدبینی، حضور نیافتن، یا کم رنگ شدن و ایجاد خلل در ارتباط مؤثر جوانان با مسجد می شود.

قرآن کریم که کتاب هدایت بشریت است، رشد فرهنگی و تربیتی را در اولویت قرار داده و هدف از بعثت پیامبر صلی الله علیه و اله را تربیت و تعلیم بشر می داند و می فرماید: «إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (آل عمران: 164): در میان آن ها پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آن ها تلاوت کند و ایشان را پاک کنند و رشد دهد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد.

رسول رحمت صلی الله علیه و اله دعوت خود را با روش های تربیتی ابتدا از قشر جوان آغاز نمود. بیشتر حلقه اولیه یاران وی را جوانان تشکیل می دادند که به «السَّابِقِينَ» مشهور شدند (ذهبی، 1413ق، ج 1، ص 137). بدیهی است که همین جوانان بیش از بقیه در معرض تعلیم و آموزش های رسول خدا صلی الله علیه و اله قرار داشتند و نسل بعدی جامعه اسلامی را شکل دادند. در این میان مسجد محوری ترین نقش را در شکل گیری حلقه های تربیتی جوانان داشت. مسجد اولین پایگاه منسجم رسول اکرم صلی الله علیه و اله پس از استقرار حکومت بود که به مرکزی برای فعالیت های عبادی، سیاسی، نظامی، آموزشی و رسیدگی به امور مسلمانان تبدیل شد؛ به نحوی که کارهای مهم و سرنوشت ساز جامعه در این محل صورت می پذیرفت.

یکی از نقش های اساسی مسجد در جامعه‌ی بناشده توسط رسول اکرم صلی الله علیه و اله ایفای نقش تربیتی و فرهنگی بود. در زمان رسول اکرم حلقه های آموزش قرآن، تعالیم اسلامی و خواندن و نوشتن که پیش از آن در جزیره جایگاهی نداشت، شکل گرفته بود (میانجی، مکاتیب الرسول، 1/108).

علی رغم آنچه درباره جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی بیان شد، امروزه موانعی بر سر راه شکل گیری هرچه مؤثرتر کارهای فرهنگی در مساجد وجود دارد که باید آن ها را شناخت و در رفع آن ها کوشید تا حضور بیشتر جوانان را در مسجد شاهد باشیم.

1. برنامه ها

لازمه حضور پُررنگ جوانان در مسجد وجود برنامه های فرهنگی پُرباری است که سبب جذب آنان به مسجد گردد؛ بنابراین لازم است متولیان مسجد برنامه ریزی هایی عمیق و کاربردی را برای جلب جوانان تشنه به مسجد صورت و اولویت برنامه ها را رسیدگی به امور جوانان از جهات مختلف قرار دهند. هم چنان که امام صادق علیه السلام خطاب به ابوجعفر احوّل که از طرف ایشان برای تبلیغ عازم بصره بود، فرمود: «عَلَيْكَ بِالسَّبَابِ وَ دَعْ عَنْكَ الشُّيُوخَ» (کلینی، 1429ق، ج 2، ص 224): برتو باد جوانان و رها کن پیران را.

شایسته است مسئولانی که به هر نحو در برنامه ریزی های مساجد شرکت دارند، برنامه ها را چونان بذریه های متنوع و جذاب قرار دهند که هنگامی که در زمین خالی قبل جوانان کاشته می شود، ثمراتی بس گران بها داشته باشد. در این باره امیر بیان فرموده است: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ» (ابن شعبه حرانی، 1404ق، ص 70): همانا دل جوان مانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، آن را می پذیرد.

در مساجدی که خلأ برنامه های معنوی، تشویقی، ورزشی، آموزشی و کرسی های آزاداندیشی وجود دارد، جوانان تمایل کمتری به حضور گسترده خواهند داشت؛ چراکه این مسائل اولویت های ویژه ای برای جوانان دارد و بدین واسطه می توان آنان را به مسجد بیشتر نزدیک کرد. فقدان برنامه هایی ویژه برای دختران جوان نیز می تواند در ضعف حضور آنان در مسجد مؤثر باشد؛ همچنین اگر برنامه های منسجم برای هدایت وقف و اوقاف در مسائل ویژه جوانان در مسجد و غیر آن وجود نداشته باشد، می تواند مانعی دیگر در این مسیر باشد. به هر حال مسجد و متولیان آن باید چشم اندازی را در جذب جوانان به مسجد ترسیم کنند که لازمه این کار برنامه ریزی مناسب است.

2-1. امام جماعت

یکی از کلیدی ترین نقش های جذب و ارتباط موثر جوانان با مسجد را امام جماعت بر عهده دارد؛ زیرا جوان پس از ورود خود به مسجد، امام را رهبر این تجمّع عظیم و خیل نمازگزاران می داند؛ بنابراین لازم است امام مسجد ویژگی هایی را دارا باشد که بتواند جوانان را به خود جذب کند. مخاطب اصلی امام جماعت در مساجد باید جوانان باشند. امام جماعت باید اولویت کارهای خود را ارتباط گیری با جوانان قرار دهد؛ زیرا اگر این گونه نباشد، مانعی خواهد بود بر سر راه این ارتباط. امام صادق علیه السلام به مبلغی که به بصره فرستاد فرمود: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ: بر تو باد به جوانان که آنان در پذیرش نیکی و خیر، شتابان ترند» (کلینی، 1429ق، ج15، ص231).

حال باید دید چه موانعی در امام جماعت سبب عدم ارتباط گیری مناسب جوان با مسجد خواهد شد.

فقدان خطابه های جذاب، نداشتن خوش رویی و خوش اخلاقی، نداشتن ظاهر زیبا و آراسته، نداشتن شناخت از شبهات جدید جوانان و ناتوانی در پاسخگویی به آن ها، ناتوانی در مدیریت زمان در مسجد و کهن سال بودن امام جماعت همه می توانند موانعی باشند بر سر راه ارتباط موثر جوان با مسجد در مسائلی که مربوط به امام مسجد است؛ بنابراین لازم است که امام جماعت خود را در این ابعاد تقویت سازد تا جوانان به مسجد نزدیک تر شوند.

2-2. هیئت های مذهبی و حسینه ها

به طور قطع در اطراف مساجد، شکل های مذهبی چون هیئت های و حسینه ها قرار دارند که هر یک در مسیر دین و دین داری و مکتب اهل بیت علیهم السلام حرکت می کنند و برنامه هایی را برای پیشبرد اهداف خویش ترسیم کرده اند؛ اما آنجا که مسجد محور عبادت و بندگی و سرسلسله ارتباط فردی و اجتماعی مسلمانان با خدای متعال است، لازم است تا هم متولیان مساجد و هم متولیان این تشکل ها و مجامع مذهبی ارتباطی ناگسسته با یکدیگر برقرار سازند تا ارتباط جوانان با مسجد بیشتر شود. بدیهی است که جوانان دستگاه حضرت سیدالشهداء علیه السلام بسیار هستند و هر یک آرزوی خدمت به این دستگاه باعظمت و پربرکت را دارند. باید از این استعداد پرشور استفاده نمود و ارتباط میان مسجد و حسینه ها و تکایا را با ایجاد برنامه های مناسب برقرار ساخت. این آشتی سبب خواهد شد مسجد و جوان به هم نزدیک تر شوند. متولیان این مراکز به شکلی باید باهم مرتبط شوند که جوانان را به هرنحو ممکن به مسجد سوق دهند.

هم متولیان مسجد باید صالح و پاک باشند و هم برنامه های آن باید سازنده و تربیت کننده باشد؛ هم بودجه مسجد باید مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان باید اهل تقوا و خدایی و باشند؛ زیرا اگر سازندگان مساجد، جبّاران و سلاطین باشند و پیش نمازان، افرادی بی سواد و ترسو و خادمان نیز وارستگیانی بی حال، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند (قرائتی، 1389ش، ج3، ص 392). در قرآن کریم متولیان مساجد بهترین بندگان خدا هستند؛ کسانی چون حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسماعیل علیه السلام و حضرت زکریا علیه السلام.

هیئت امنا به عنوان شورای اداره کننده مسجد، باید از کسانی باشند که دغدغه های فرهنگی داشته باشند که یکی از مهم ترین این دغدغه ها، به طور قطع چگونگی جذب و تداوم حضور جوانان به مسجد است. هیئت امنای مسجد باید با برخورد های پدران خود موانع جلب جوانان به مسجد را برطرف سازند. آن ها باید به گونه ای برخورد کنند که گویا همه جوانان فرزندانشان هستند. امیر مؤمنان درباره وظیفه - بالادستان فرمود: «صَغِيرُهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ: کوچک ترها را به منزله فرزندان خود بگیرد. (حرانی، 1404ق، ص 271).

عضویت جوانان در هیئت امنا و نقش و مسئولیت دادن به جوانان مسجدی و مشورت کردن با آن ها می تواند موانع احتمالی را در این ارتباط تا حدودی برطرف سازد.

4-2. خادم

یکی از وظایف مهم و پراجر در مسجد خدمت گزاری است. خادمی مسجد افتخاری بزرگ است که انبیای عظام این افتخار را بر دوش می کشند. حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام از سوی خدای متعال به این مقام نائل آمدند، هنگامی که خدا به آن ها فرمود: «طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ: مسجد را تطهیر کنید برای کسانی که برای نماز و طواف می آیند» (بقره: 125). حضرت زکریا علیه السلام نیز خادم مسجد بود که متکفل مریم عذرا، آن خادمه قدیسه مسجد شد: «إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا» (آل عمران: 35).

با این حال گاهی اوقات خادم مسجد با بی توجهی به برخی از نکات، سبب دور شدن جوانان از مسجد می شود؛ به صورتی که شاید بعضی از رفتارهای او عاملی بر عدم ارتباط جوان با مسجد قلمداد شود. خدمتگزار مسجد باید خود یک انسان فرهنگی و ترجیحاً جوان باشد تا از ویژگی های جوانان به خوبی آگاهی داشته باشد و روحیات آن ها را درک کند. چه پسندیده است که خادم مسجد با جوانان محل رفاقت داشته باشد و در کارهای مسجد از آنان یاری بگیرد و جوانان را تشویق به همکاری در مسجد نماید.

همکاری خادم مسجد با جوانان و سخت گیری نکردن و مراعات کردن حال جوانان سبب نزدیک تر شدن آن ها به مسجد خواهد شد. بنابراین خادم مسجد اگر کهن سال، بداخلاق، بدصدا، بیمار... باشد، مانعی برای حضور جوانان در مسجد خواهد بود.

2-5. بسیج

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، نیروهای مردمی در قالب بسیج عمومی با محوریت مسجد شکل گرفتند و عاملی برای پیروزی انقلاب و پاسداری از آن و حفظ ارزش های نظام اسلامی شدند. نیروهای بسیج محلات در مساجد جمع و با اعزام به مناطق عملیاتی باعث نصرت اسلام و انقلاب می شدند.

به لطف و عنایت پروردگار، تا به حال به برکت این پاسداری ها، بسیج به حفظ و نگهداری از آرمان های انقلاب پرداخته و به یکی از عوامل مهم جلب جوانان به مسجد تبدیل شده است؛ اما در این میان گاه برخی آفات که ممکن است در بعضی از پایگاه های بسیج مساجد ایجاد شود، عاملی می شود که جوانان را از مسجد و بسیج دور می سازد. منشأ این دوری را می توان در برخورد برخی از مسئولان و یا بسیجیان ناآگاه یافت که با بی دقتی خود آسیب هایی را ایجاد می کنند. بد رفتاری یا بد کرداری یا گوشه و طعنه زنی های بی مورد همواره عاملی در دفع جوانان از بسیج مساجد بوده است؛ البته با کمی دقت و مدیریت صحیح و آموزش درست، به سادگی می توان این موانع را برطرف ساخت.

بسیجیان می توانند با بهره گیری از خاطرات و وصایای شهدای محل و نیز سرکشی به خانواده آنان و جذب و سازمان دهی جوانان علاقه مند به شهدا، با برخوردی مناسب و صمیمانه موانع ارتباطی میان جوانان محل با مسجد را برطرف سازند. همچنین برگزاری برنامه های تفریحی و آموزشی و ایجاد حلقه های معرفت می تواند در برقراری ارتباط هر چه بهتر جوانان با مسجد مفید باشد.

2-6. نمازگزاران

اشاره

امام سجاد علیه السلام فرمود: «المساجد بیوت الله: مساجد خانه خدا هستند (صدوق، 1413ق، ج 1، ص 199) و خدا از هر پادشاهی قدرتمندتر و لطیف تر است؛ خودش ما را دعوت کرده و ما را زائر و مهمان خویش خطاب کرده است (برقی، 1371ش، ج 1، ص 48؛ صدوق، 1362ش، ج 2، ص 635).

در فرهنگ دینی مؤمنان در قبال هم وظایفی دارند. موظف اند تا باهم مهربان باشند و با صمیمیت و دوستی بایگدیگر برخورد کنند. امام صادق علیه السلام فرمودند: تبسم مرد در صورت مؤمنین حسنه و ثواب است

(کلینی، 1429ق، ج3، ص482).

برخورد اهل مسجد با جوانانی که در مسجد حاضر می شوند، اگر صمیمانه و همراه با عطف و مهربانی باشد، به طور قطع موجب دلگرمی جوان نسبت به مسجد خواهد بود. اما اگر بالعکس برخورد نمازگزاران با جوانی که تازه پا به فضای مسجد گذاشته است، با کم مهری یا عیب جویی و بداخلاقی همراه باشد، متأسفانه مانعی خواهد بود بر ارتباط مؤثر جوان با مسجد.

1-6-2. بداخلاقی با جوان

یکی از علل دوری جوانان از مسجد برخوردهای عتاب آلود عده ای از نمازگزاران است. تحقیر و توهین علاوه بر اینکه از منظر شریعت ناپسند و مذموم است، سبب ایجاد شکاف میان مسجد و جوان خواهد شد. بداخلاقی نمازگزاران با جوانان مانعی بر سر راه ارتباط مؤثر میان او و مسجد است. باید توجه داشت که در صورت حضور جوانان در مسجد، نمازگزاران نباید آنان را مورد تحقیر، توهین یا سرزنش قرار دهند؛ زیرا این کار عاملی برای دوری آنان از مسجد می شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زیاده روی در سرزنش کردن، آتش لجاجت را شعله ور می سازد (کراجکی، 1410ق، ج1، ص93) و نیز فرمود: بپرهیزید از اینکه پی در پی سرزنش کنید؛ چراکه این کار بر انجام دادن گناه جرئت می دهد و سرزنش را بی اثر می سازد (تمیمی، 1410ق، ص259).

نبود تغافل در مشاهده اشتباهات جوانان، برخوردهای زننده و شتاب زده با اشتباهات جوانان، بی احترامی های علنی، با لقب صدا کردن، قضاوت های نابجا در مورد ظواهر جوانان و بی محلی کردن به آنان نیز عواملی دیگر بر دوری آنان از مسجد خواهد بود.

اهل مسجد باید با الگوگیری از سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با جوانان متخلف و جاهل و گناهکار، رویه جذب را پیش گیرند تا جوانان روزبه روز به واسطه مغناطیس مسجد به آنجا کشیده شوند. برخی از برخوردهای زننده با جوانان، نشئت گرفته از سنت های غلط باقی مانده از گذشتگان است که بعضی از نمازگزاران به اشتباه هنوز به آن ها پایبند هستند. باید دقت داشت که قرآن کریم پیروی از سنت های غلط گذشتگان را جایز نمی داند و آن را بی عقلی تلقی می کند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا

أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ : و هنگامی که به آن ها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، گویند: بلکه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می نمایم. آیا (از آنان پیروی می کنند) هر چند پدرانشان چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافته بودند» (بقره: 170).

ص: 350

پیامبران به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه واله به همه مردم حتی کودکان سلام می کردند. خداوند به پیامبرش می گوید: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ: هرگاه مؤمنان نزد تو آمدند، پس به آنان سلام کن» (انعام: 54)؛ در حدیث می خوانیم: «إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ: بخیل ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل بورزد. در روایات به ما توصیه شده است: پاسخ کسی را که بدون سلام کردن حرف می زند، ندهید و حتی افرادی را که در سلام کردن بخل می ورزند، به مهمانی دعوت نکنید (ابن اشعث، بی تا، ص 76).

همچنین در شیوه رفتاری رسول الله صلی الله علیه واله آمده است: «أَنَّكَ كَانَ يُسَلِّمُ عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ» (نوری، 1408ق، ج 8، ص 364) از صفات پسندیده پیامبر صلی الله علیه واله این بود که بر تمام مردم، از کوچک و بزرگ، سلام می کرد. بی محلی و سلام نکردن به جوانانی که در مسجد حاضر می شود، سبب دل زدگی آن ها از مسجد و نمازگزاران خواهد شد.

3-6-2. رعایت نکردن نظافت توسط برخی نمازگزاران

یکی دیگر از موانع احتمالی ارتباط موثر جوانان با مسجد، رعایت نکردن نظافت توسط برخی از نمازگزاران است؛ زیرا جوانان بیشتر به نظافت اهمیت می دهند و اغلب از رفتارهای غیر پاکیزه ناراحت می شوند. در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و ائمه اطهار علیهم السلام در رابطه با آداب مسجد، بر نظافت فردی تأکید فراوانی شده است؛ برای مثال می فرمایند: «وارد مساجد نشوید مگر با پاکیزگی» (شعیری، بی تا، ص 71) و «هر کس پاکیزه به مساجد وارد شود، خداوند گناهانش را پاک و او را از زائران خود منظور می کند» (صدوق، 1400ق، ص 359).

طبق روایات، نمازگزار زمانی که خوردنی های بودار مثل سیر و پیاز و تره خورده است، نباید به مسجد نزدیک شود (حرانی، 1404ق، ص 119). او برای احترام به مسجد، نباید به هیچ وجه آب دهان خود را داخل مسجد بیاندازد (برقی، 1371ق، ج 1، ص 55). نمازگزاران موظف اند کفش های خود را هنگام ورود به

مسجد بازرسی کنند (طوسی، 1407ق، ج 3، ص 256) تا مبادا آلودگی همراه خود به داخل مسجد بیاورند؛ همچنین باید قبل از حضور در مسجد مسواک بزنند که ثواب نماز با مسواک هفتاد برابر خواهد شد (برقی، 1371ق، ج 2، ص 56). افزون بر این، معطرکردن خود هنگام حرکت به سوی مسجد از توصیه های اکید شریعت به نمازگزاران است (حرعاملی، 1414ق، ج 5، ص 203). همه این رفتارهای زیبا می تواند در حضور جوانان در مسجد تأثیر داشته باشد.

هنگام حضور جوانان در مسجد ممکن است برخوردهای اشتباهی را از آنان شاهد باشیم. اگر قرار باشد اهل مسجد در مقابل جوانان برخوردهای شکننده و ضربتی داشته باشند، آن جوان دیگر پا به مسجد نخواهد گذاشت. طبق فرمایش قرآن کریم یکی از نشانه های مؤمن، بخشندگی در هنگام عصبانیت است: «وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»: مؤمنان کسانی هستند که چون خشم و غضب کنند، می بخشند (شوری: 37).

طبق روایت شریف امام باقر به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و اله «بهترین بندگان خدا کسانی اند که هنگامی که خشمگین می شوند، ببخشند» (کلینی، 1429ق، ج3، ص609).

الگوی ما حضرت یوسف علیه السلام است که پس از سال ها سختی نشان داد، مؤمن وقتی عصبانی می شود، گذشت می کند و می بخشد: «قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»: (یوسف) به برادرانش گفت: امروز بر شما توبیخ و ملامتی نیست؛ خداوند شما را می بخشد و او مهربان ترین مهربانان است» (یوسف: 92).

روزی کنیزی روی دستان امام سجاد علیه السلام که قصد وضو داشتند، آب می ریخت. ناگهان ظرف آب از دست کنیزک رها شد و روی امام زین العابدین علیه السلام افتاد و آن حضرت مجروح شد. امام سر بلند کرد به جانب او؛ در همان حال کنیز گفت: خدا می فرماید: «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ». حضرت فرمود: خشم خود را فروخوردم. باز کنیزک گفت: «وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» حضرت فرمود: خدا از تو بگذرد. عرض کرد: «وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: 134). سیدالساجدین علیه السلام فرمود: برو که تو از این پس آزادی (صدوق، 1376ش، ص201).

3. تهاجم فرهنگی

مسلمانان از دیرباز خار چشم دشمنان بوده اند و همیشه در همه اعصار دشمنان سعی در نابودی فرهنگ غنی اسلامی داشته اند؛ اما به لطف پروردگار توانسته اند نور خدا را خاموش کنند. حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خطاب به شیعیان فرمودند: «إِنَّكُمْ قَوْمٌ أَعْدَاؤُكُمْ كَثِيرَةٌ عَادَاكُمْ الْخَلْقَ: شما گروهی هستید که دشمنانتان زیادند و اغلب مردم شما را دشمن می دارند» (کلینی، 1429ق، ج13، ص109).

قرآن کریم در این رابطه می فرماید: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً: آنان دوست دارند که شما همچون خودشان کافر شوید تا با آنان برابر گردید» (نساء: 89)؛ همچنین می فرماید: «إِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَ بَيْسَ طُورًا إِلَيْكُمْ أَنْ يَدِيَهُمْ وَ أَلْسِنَتَهُمُ بِالسُّوءِ وَ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ: اگر بر شما مسلط شوند، دشمنان

(سرسخت) شما خواهند بود و دست و زبانشان را به بدی به سوی شما خواهند گشود و دوست دارند که شما (از دین خود دست برداشته و) کفر ورزید» (ممتحنه: 2).

با ظهور خورشید انقلاب اسلامی، همیشه دشمنان با دسیسه ها و حيله های جديد قصد سد کردن مسير ندای اين انقلاب اسلامی را داشته اند و دارند و برای اين کار دست به هر کاری که در توانشان بوده است، زده اند؛ اما به لطف خدای متعال تابه حال به هدف خویش نرسیده اند.

از آنجا که جوانان مهم ترين قشر اثرگذار در شکوفایی آینده نظام اسلامی هستند، در تهاجم فرهنگی بیشتر از ديگر گروه ها مورد حمله قرار می گیرند. دشمن در اين مسیر می کوشد جوانان را از فرهنگ غنی و کهن خود بیگانه سازد و ارزش های دینی را نزد آنان بی ارزش جلوه دهد. دشمنان، اعتقادات و آداب دینی جوانان ما را با حملات رسانه ای و غیررسانه ای خود هدف می گیرند و قصد تصرف اذهان و قلوب آنان را دارند. نمی توان کتمان کرد که تا ميزانی نیز موفق عمل کرده اند و توانسته اند تعدادی از جوانان ما را به سوی خود جلب کنند.

مسجد به عنوان خانه خدا و اولین نهاد فرهنگی اسلام و مهم ترين پایگاه تجمع جوانان مؤمن و شجاع، در تیررس اول دشمنان قرار دارد. آن ها سعی دارند اين پایگاه تعطیل شود و چراغ آن رو به خاموشی رود؛ اما با تدابیر مؤمنان و متولیان مسجد هرگز نخواهند توانست به هدف خود دست یابند. دشمن می کوشد فرهنگ ضد ارزشی غرب را در میان جوانان گسترش دهد و آنان را به مفاهیم و احکام دینی بی عقیده سازد.

امیر مؤمنان علیه السلام آموزش کم سالان را اولین قدم برای پیشگیری از تهاجم فرهنگی گروه های منحرف می داند و می فرماید: «به کم سالانتان چیزی بیاموزید که خداوند آن چیز را سودمند قرار داده است تا صاحبان

افکار باطل آنان را گمراه نسازند» (صدوق، 1362ق، ج2، ص614). امام صادق علیه السلام نیز مؤمنان را به تلاش برای آموزش اعتقادات به کم سالان برای جلوگیری از نرفتن در دامان بی پروایان و لابلایان فکری توصیه کرده است (طوسی، 1407ق، ج8، ص111).

دشمن سعی دارد با دور کردن جوانان از میدان مغناطیس ارتباط زمین و آسمان، آنان را به سوی فساد اخلاقی و لذات حرام، برنامه های ماهواره ای و رسانه های منحرف، ترویج الگوهای غربی و ضد دینی، تضعیف باورهای دینی، تخریب و ترور شخصیت های دینی و مذهبی، دور کردن مردم از هویت ملی - اسلامی و ترویج فرقه های ساختگی بکشاند؛ بنابراین اهل مسجد و متولیان آن باید بکوشند تا در اين جنگ نابرابر پیروز شوند و جوانان را روزه روز به مسجد نزدیک تر کنند و در خنثی ساختن اين حملات با تمام توان تلاش کنند.

مانع دیگری که موجب ضعف ارتباط مؤثر جوانان با مسجد می شود، موانع سخت افزاری و محیطی است. اگر محیط مسجد و فضای پیرامونی آن نامنظم، کثیف و دارای معماری نامناسب باشد و یا از امکانات سخت افزاری رفاه حال نمازگزاران برخوردار نباشد، مانع ارتباط گیری نامناسب جوانان با مسجد خواهد بود. در این بخش، این موانع سخت افزاری و محیطی را به اختصار بررسی می کنیم:

1. نبود بهداشت مناسب

مسجد خانه خداست. آن قدر این خانه بااهمیت است که خداوند بهترین بندگان خود را مأمور نظافت آن کرده است (حج: 26). خانه ای که برای نظافت و جاروکردن آن پاداش تعیین و برای نظافتچی آن مغفرت در نظر گرفته می شود (صدوق، 1376 ش، ص 501) و تمیزکننده مسجد کسی دانسته می شود که دوست دارد پس از مرگ طعمه حشرات زیرزمین قرار نگیرد (ابن شاذان قمی، 1363 ق، ص 153). این روایت ها نشان دهنده اهمیت نظافت و پاکیزگی مسجد و جایگاه تمیزکننده آن است تا جایی که امام کاظم علیه السلام می فرماید: «بهشت و حوریان مشتاق کسی هستند که مسجد را تمیز کند و یا آلودگی های آن را برطرف سازد» (مجلسی، 1403 ق، ج 80، ص 382).

انسان فطرتاً دوست دار پاک و پاکیزگی است و توجه جوانان به مسائل و ریشه های فطری بیشتر از دیگران است؛ لذا اگر محیط مسجد غیرنظیف و به هم ریخته و نامنظم باشد، مانعی دیگر در این ارتباط

خواهد بود؛ بنابراین لازم است متولیان مسجد تدابیر لازم را برای نظم و نظافت هر چه بهتر مسجد داشته بیانندیشند تا مبادا کسی به دلیل این مسائل به مسجد نیاید؛ بنابراین باید توجه کرد که پاکیزه نبودن محیط مسجد از جمله فرش ها، دیوارها، مهرها، سرویس های بهداشتی و... سبب دوری نمازگزاران، به خصوص جوانان از مسجد خواهد شد.

2. نبود معماری مناسب

معماری مسجد باید جذاب و باصفا و فضای مسجد باید از زیبایی و عظمت خاصی برخوردار باشد؛ چراکه مسجد جایگاهی است برای اتصال مخلوق با معبود. در ساخت مسجد باید حیاط وسیع در نظر گرفته شود تا گاهی اوقات نمازگزاران در آن قدم بزنند و به صحبت پردازند و امکان بازی کودکان و گرد آمدن جوانان برای کارهای مختلف فراهم باشد؛ از این روست که لازم است متولیان مسجد، فضاهای

پیرامونی شبستان را بسیار باشکوه بسازند و حیاط آن را زیبا به همراه گل و درخت کاری و تعبیه حوض و فواره طراحی کنند. اگر مسجد از معماری مناسبی برخوردار نباشد، جذابیت های لازم را برای حضور جوانان نخواهد داشت و حضور جوانان در مسجد کم رنگ خواهد شد. استفاده از کاشی های زیبا، بهره بردن از رنگ های مناسب و جذاب و نیز نورپردازی مناسب در ایجاد فضایی معنوی می تواند دخیل باشد. همچنین برای پرهیز از آلودگی مساجد، نظر معمار دین این است که در طراحی مساجد، محل دست شویی ها را خارج از مسجد و در کنار ورودی آن قرار دهید (ابی داوود، بی تا، ص 51).

3. بُعد جغرافیایی مسجد

با پیشرفت شهرها و وسعت یافتن آن ها، روزه روز از شهرها و شهرک های جدیدی بهره برداری می شود. در این هیاهوی ساختمان سازی و پیشرفت، گاهی نقش مسجد در جغرافیای سازندگی فراموش می شود و در نقشه شهرسازی، طراحی و تعبیه آن مورد غفلت قرار می گیرد و این مسئله باعث می شود، بسیاری از خانه های محلات جدید از نزدیکی به مسجد محروم می شوند؛ دوری از مسجد نیز سبب می شود ساکنان این محله ها کمتر توفیق حضور در مسجد را داشته باشند.

این بُعد مسافت میان مسجد و مجتمع های مسکونی، آموزشگاه ها، تجارت خانه ها، مراکز تفریحی و ورزشی و دیگر مکان ها عاملی است که به ضعف ارتباط مؤثر جوانان با مسجد دامن می زند؛ چراکه هر چه مسجد به محل های تجمع مسلمانان نزدیک تر و دسترسی به آن آسان تر باشد، افراد بهتر می توانند خود را به

خانه خدا برسانند؛ بنابراین هنگامی که زمینی برای ساختمان مسجد اختصاص داده می شود، باید از قبل دقت کنند که نزدیک ترین مکان به مراکز آموزشی، اقتصادی، تفریحی و مسکونی باشد. بدیهی است که اگر در طراحی نقشه های زیرساختی شهرها و یا شهرک های نوین، در اندیشه مکانی خاص برای ساختمان مسجد باشند، نمازگزاران بیشتری در مسجد حضور خواهند یافت.

4. نبود تجهیزات مناسب

تجهیزات و وسایلی نظیر کفش داری مناسب برای مسجد، کیسه های مخصوص کفش، صابون های مایع برای دست شویی ها، آب سردکن و آبخوری مناسب، سطل زباله در شبستان مسجد یا حیاط، مجهز بودن مسجد به ویدئوپرژکتور برای نمایش (به ویژه در قسمت بانوان مسجد که به جایگاه سخنران و مراسم های مسجد دید مناسب ندارند)، تابلو اعلانات، مهرهای تمیز برای نماز و جامه های مناسب همه می توانند در حضور پرشکوه تر جوانان در مساجد تأثیرگذار باشند.

برخی از مسائل اجتماعی سبب می شود جوانان کمتر به مسجد روی بیاورند و یا مانعی بر سر راه جوانان به مسجد ایجاد شود. در زیر به برخی از موانع اجتماعی که میان مسجد و جوانان جدایی و یا اختلال ایجاد می کند، اشاره می کنیم:

1. رفتارهای ناشایست مذهبی ها

خدای متعال در قرآن کریم در آیاتی که امر به اقامه نماز فرموده است، امر به مسائل اخلاق فردی و اجتماعی نیز نموده است؛ مانند این آیه: «الْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و بینویان احسان کنید و با مردم با زبان خوش سخن بگویید و نماز را برپا دارید و زکات بدهید» (بقره: 83). می توان از این کنار هم آمدن امر به اقامه نماز و دستورهای اخلاقی، به اهمیت بالای اخلاق نمازگزار پی برد؛ چراکه برخی از عوامل دوری جوانان از مسجد را می توان بدزبانی، بدقولی، بدعهدی، گران فروشی، رسیدگی نشدن به فقیران و اشرافی گری نمازگزاران دانست.

گاهی اوقات عملکرد مسجدیان مانعی بر ارتباط مؤثر جوانان با مسجد می شود. اگر سلوک اجتماعی برخی از آنان از خودساختگی برخوردار نباشد و باعث شود دست به کارهایی بزنند که خلاف مروّت یک

مؤمن اهل مسجد است. عملکرد بیرونی یک نمازگزار، نمایانگر شخصیت دینی اوست. جوانانی که شاهد و ناظر رفتارهای اجتماعی او هستند تصوّر می کنند، همه اهل مسجد بی اخلاق و یا از نظر اجتماعی بی مروّت هستند. جوانان هنگامی که دوگانگی را در برخورد برخی از مسجدیان می بینند، به مسجد و مسجدی بدبین می شوند و چه بسا مسجد را به همین خاطر ترک می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا احْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِّحِ الْقَوْلَ: ای گروه شیعه، زینت ما باشید و مایه زشتی ما نباشید؛ با مردم خوش زبانی کنید و زبان خود را نگه دارید و از زیاده گویی و بدگویی بازش دارید (صدوق، 1376ق، ص 400).

اهل مسجد باید هر یک مبلّغی برای مسجد باشند، نه اینکه اعمال و رفتارشان با غیر مسجدیان فرقی نداشته باشد. نمازگزار مسجدی، به عنوان مؤمنی که محبوب پروردگار است (کلینی، 1429ق، ج 6، ص: 654) باید بهترین باشد و با اخلاق زیبای خود، کوچک و بزرگ را چونان آهنربا جذب کند و عاملی

برای مسجدی شدن دیگران باشد. توصیه امام کاظم علیه السلام به مؤمنان این است که در میان عوام مردم، آبرومند و آراسته باشید: «فَتَرَيْتُمَا لَهُم بِمَا قَدَرْتُمَا عَلَيْهِ»: تا می توانید در میان مردم آراسته و آبرومند باشید» (کلینی، 1429ق، ج 13، ص 109).

2. دین‌گریزی جوانان

برخی از عوامل دین‌گریزی جوانان چنین است: بیان نامعقول برخی مفاهیم دینی، عملی نشدن عدالت اجتماعی در سطح جامعه با وجود شعارهای فراوان، توجه نکردن به نیازهای اساسی نسل جوان همچون ازدواج، کار و مسکن، استفاده ابزاری از دین توسط برخی سیاست‌بازان برای رسیدن به هدف‌های شخصی و گروهی، نبود برنامه ریزی درست فرهنگی برای نسل جوان و تهاجم برنامه ریزی شده فرهنگی دشمنان داخلی و خارجی برای انحراف نسل جوان.

برای برطرف شدن این عوامل باید گروه‌ها و سازمان‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، طرحی اصولی و همه‌سویه را برنامه ریزی کنند تا مهم‌ترین قشر اثرگذار جامعه در آینده انقلاب، از دین‌گریزان نشود؛ با انجام این کار، یکی از مهم‌ترین موانع حضور جوانان در مسجد حذف خواهد شد.

البته دین‌گریزی گروهی از جوانان نسل‌های پس از انقلاب امری انکارنشدنی است؛ چراکه عوامل مختلفی چون بد عمل کردن، عدم تناسب حرف با عمل و سیره و روش غیردینی تعدادی از مسئولان به ظاهر مذهبی سبب شده است، برخی جوانان از دین و دین‌داری کمی فاصله بگیرند. این پدیده از مسائل مهم اجتماعی و فرهنگی کشور است که باید مسئولان حکومتی، اعم از آموزش و پرورش، ارشاد، رسانه‌ها و همچنین خانواده‌ها و عالمان دینی، درباره آن چاره‌اندیشی کنند. دین‌گریزی فقط به سبب تهاجم فرهنگی یا هوا و هوس جوانان نیست؛ بلکه علت‌های گوناگونی دارد و تا زمانی که همه آن‌ها به صورت واقع‌بینانه و عمیق بررسی نگردد، نسل آینده انقلاب با خطر جدی روبرو خواهد بود؛ در چنین شرایطی مسجد نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای دینی، در بحران دین‌گریزی جوانان به گونه‌ای جدی در خطر خالی شدن از جوانان است.

3. اعتیاد و بزه‌کاری

اعتیاد یکی از بزرگ‌ترین خطراتی است که امروزه، جوانان جهان، به خصوص جوانان کشور عزیزمان را تهدید می‌کند. پدیده اعتیاد سبب می‌شود که جوان از اجتماع دور شود و خود را در منجلاب بی‌کسی تنها

ببیند. رسول اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَأْكُلُونَ شَيْئًا اسْمُهُ الْبَنْجُ أَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَهُمْ بَرِيئُونَ مِنِّي: روزگاری بر امت من خواهد آمد که ماده ای به نام «بنگ» می خورند. من از این مردمان، بیزارم و آنان از من دورند. (نوری، 1408ق، ج 17، ص 86).

پیوندهای دینی، به خصوص ایجاد ارتباط با مسجد، سبب نزدیکی به خدای متعال و در نتیجه کسب آرامش های کاذب بسیار کمتر خواهد شد؛ همان طور که خدای متعال می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ: (هدایت شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل ها آرام می گیرد» (رعد: 28).

اگر جوانان ما در دامن بزه کاری و اعتیاد بیفتند، روزبه روز از مسجد دور می شوند و این خود مانعی خواهد بود در راه ارتباط مؤثر میان جوانان با مسجد. مسجد و مسجدیان باید کاری کنند که جوانانی که در باتلاق اعتیاد و بزه کاری فرورفته اند، دوباره به آغوش گرم و مطمئن دین و دین داری و مسجد بازگردند. لازم به ذکر است که یکی از دلایل مهم گرایش جوانان به اعتیاد بحث بی کاری است و مسجد که پایگاه تجمع مؤمنین است، می تواند به بهترین نحو به رفع موانع اشتغال جوانان پردازد؛ همان طور که در صدر اسلام

رسول اکرم صلی الله علیه و اله گاهی خود با مشارکت اهالی مسجد برای جوانان کار فراهم می ساخت (وژام، 1369ش، ص 108؛ مجلسی، 1403ق، ج 100، ص 10).

4. دوستان ناشایست

یکی دیگر از مسائلی که سبب دور شدن جوان از مسجد می شود، دوست ناباب است. دوست ناشایست چونان شیطان جوان را وسوسه می کند و به بی دینی سوق می دهد و در نهایت سبب می شود جوان از دین و مسجد گریزان گردد. رفیق و مصاحب ناشایست و ناجنس، یکی از خطرناک ترین آفات جوانی است که سبب تغییر زندگی جوان از سویی به سوی دیگر می شود؛ چراکه زمینه ساز انواع فسادها و آلودگی های اخلاقی و عملی است. به فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و اله «و مثل جلیس السوء مثل القین إن لم يحرق ثوبک أصابک من ریحه: همنشین بد، مانند [کارگاه] آهنگری است که اگر لباست را نسوزاند، بوی بدش آزارت می دهد» (ذهبی، 1413ق، ج 9، ص 387) و فرمود: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ: روش آدمی بر طبق مذهب و سیره دوست صمیمی و رفیق دلبندهش خواهد بود» (کلینی، 1429ق، ج 4، ص 122).

خطر همنشین بد تا آنجاست که ستمگر در دوزخ، دو دست حسرت به دندان می گزد و می گوید: «یا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا: ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی گرفتم» (فرقان: 28).

مسجد علاوه بر اینکه انسان را از بدی و زشتی دور می کند و نمی گذارد انسان به سوی همنشین بد برود، سبب یافتن دوستان خوب نیز می شود. اهل مسجد مقامی بالا و دعایی مستجاب دارند؛ آنان کسانی هستند که طبق فرموده امام صادق علیه السلام: «إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَإِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيَصْرَفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا وَإِمَّا أَخِيَّ تَقِيْدُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: هنگامی که از مسجد برمی گردند، یا به واسطه دعایشان در مسجد، بهشت نصیبشان می گردد و یا با دعایشان بلا از خود و خانواده شان برطرف می شود و یا برادری دینی را در راه خدا به دست می آورند» (طوسی، 1414ق، ص 47).

ه) موانع خانوادگی: فقدان تربیت دینی مناسب در کودکی

در آیین اسلام تربیت از پیش از انعقاد نطفه شکل می گیرد. هنگامی که دختر و پسر مؤمن با هم ازدواج می کنند، به نیکو تربیت کردن، فرزند آینده خود می اندیشند. به همین جهت اسلام عزیز برنامه هایی را برای تربیت بهتر کودک دارد. می دانیم که دین اسلام، بر خلاف اغلب روان شناسان غربی که تربیت را از بدو تولد می دانند، تربیت دینی کودک را از قبل از تولد و چه بسا از پیش از انعقاد نطفه می داند. رسول الله صلی الله علیه و اله فرمود:

«الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ: خوشبخت کسی است که در شکم مادرش خوشبخت شده و بدبخت کسی است که در شکم مادرش بدبخت شده است (صدوق، 1398ق، ص 356).

بر همین مناسبت که می بینیم شارع مقدس احکامی را در این راستا برای مسلمانان قرار داده است تا والدین تربیت تدریجی همراه با محبت و تشویق و ترغیب کودک به دین داری و انجام فرایض دینی را برای فرزندان خویش در دستور کار قرار دهند.

دین از بدو تولد والدین را به اعمالی تشویق می کند که در تقویت بنیه دینی کودک مؤثر است. در روایات ما، به انتخاب نام نیک، عقیقه، قرائت اذان و اقامه در گوش کودک، برداشتن کام، انتخاب نام نیکو، تراشیدن موی نوزاد و تصدق کردن به میزان آن، ولیمه دادن و بزرگداشت تولد کودک و گرفتن جشن تکلیف برای او سفارش شده است.

در دستورهای دینی ما به نماز و روزه تمرینی برای کودکان توصیه شده است تا کودک با تمرین به تدریج با تکالیف دینی آشنا شود (کلینی، 1429ق، ج 4، ص 86).

هنگامی که از رسول مهربانی ها پرسیده شد: کودک چه هنگام نماز بخواند، ایشان فرمود: هرگاه دست

راستش را از دست چپش شناخت، او را به نماز وادارید (ابی داوود، بی تا، ص 76، ح 497). امام صادق علیه السلام فرمود: ما کودکان خود را وقتی هفت ساله شدند، به نماز و روزه به اندازه ای که توان داشته باشند، وامی داریم (کلینی، 1429ق، ج 3، ص 206). در تربیت دینی فرزندان به گونه ای باید عمل شود که کودکان با اعمال عبادی خوبگیرند. برای آموزش و مسجدی کردن کودکان باید از کلام کودکان بهره برد؛ همچنان که رسول رحمت صلی الله علیه و اله در این باره فرمود: «أَدَّبْ صِبْغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الطَّهْوَرِ: فرزندان کوچک را با زبان خود، به نماز و وضو عادت دهید (وژام، 1410ق، ج 2، ص 155).

همه این تدابیر نشانگر برنامه ریزی برای تربیت یک جوان مؤمن است که قرار است انسانی متقی و درستکار شود. خواجه نصیرالدین طوسی در مورد همبازی و همنشین کودک می گوید: «اول چیزی از تأدیب (فرزند) آن بود که او را از مخالفت اضداد که مجالست و ملاعبت ایشان مقتضی فساد طبع او بود، نگه دارند؛ چه، نفس کودک ساده باشد و قبول صورت اقران خود زودتر کند» (طوسی، بی تا، ص 183).

سیدبن طاووس برای جشن تکلیف فرزندش کتابی را تألیف و به او هدیه می کند و این روز را بزرگ ترین عید می داند؛ این کار شخصیت دادن به کودک و نوجوان است. (سیدبن طاووس، 1375ش، ص 77)

در این میان نباید فراموش کرد که همراه بردن کودکان به مسجد توسط والدین می تواند در شکل گیری پیوند میان کودک و مسجد مؤثر باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و اله نوه های عزیز خود را به مسجد می برد و هنگامی که در سجده سوار بر دوش ایشان می شدند، حضرت سجده را طولانی می نمود تا آنان به بازی خود پردازند (نسائی، 2007م، ج 1، ص 171). اگر والدین کودک خویش را از نونهالی با خود به مسجد ببرند و اجازه دهند خاطره ای خوش برای آنان از مسجد رقم خورد، این خاطره سبب جدانشدن جوان از مسجد خواهد شد. برخوردهای زیبای رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله با کودکان در مسجد، به خوبی گویای این مطلب است (رک: صدوق، 1413ق، ج 1، ص 391؛ مجلسی، 1403ق، ج 3، ص 205؛ فیروزآبادی، 1392ق، ج 3، ص 195).

بنابراین باید در نظر داشت که برای مسجدی بار آوردن کودک و اهل نماز کردن او، والدین به طی چنین مسیری تا بلوغ او نیازمند هستند؛ زیرا کارآمدترین و پربازده ترین مرحله پرورش کودک، مطابق با اخلاق اسلامی و عادات نیکوی فردی و اجتماعی همین دوران کودکی اوست و کودک در چنین مرحله ای آمادگی پذیرش هرگونه اخلاق و آداب و عادات را به راحت ترین وجه دارد. هنگامی که از کودکی فرزند را با نماز مأنوس کنیم، در جوانی عاشق نماز خواهد بود؛ هنگامی که کودک در طفولیت از نماز پدر به عنوان بازی استفاده و پدر با مهربانی با او برخورد کند، این شیرینی در وجود او نهادینه خواهد شد.

نباید فراموش کرد که کودک وقتی به جوانی می رسد، ویژگی هایی پیدا می کند که متفاوت از کودکی

است که والدین و دیگر مسئولان امر تربیت دینی باید با روشی هنرمندانه، همراه با مدارا و تدبیر او را از این مرحله باید عبور دهند؛ بنابراین اگر جوان از کودکی مورد تربیت شایسته دینی قرار گرفته باشد، ناخودآگاه مسجد را خانه دوم خویش تلقی می کند و چونان ماهی در دل دریا، از بودن در آنجا لذت می برد و سیر نمی شود.

(و) موانع سیاسی

در دین مبین اسلام سیاست و دیانت با هم عجین هستند و مسجد از دیرباز هم محل عبادت و هم محفلی برای آگاهی و تبادل و سامان دهی مسائل سیاسی بوده است. با نیم نگاهی به کاربرد مسجد در صدر اسلام، درمی یابیم که یکی از کاربردهای مساجد، انجام امور سیاسی و ردوبدل کردن نظرهای نمازگزاران در مسائل سیاسی و محوری برای مبارزه با ظلم و استکبار بوده است. با شکل گیری تلاش مردم برای انقلاب اسلامی، به خوبی نقش سیاسی مساجد در شکل گیری گروه های سیاسی-مذهبی جوانان نمایان شد؛ به طوری

که مسجد به پایگاهی جهت روشنگری و تجهیز اعتقادی تبدیل گشت و انقلاب اسلامی با این مجتمع ها به پیروزی رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دفاع مقدس نیز مسجد پرورشگاه جوانان متدین و عاشق و ایثارگر بود. به فرموده امام امت: «این ها از مسجد می ترسند. من تکلیفم را باید ادا کنم، به شما بگویم: شما دانشگاهی ها، شما دانشجویها، همه تان مساجد را بروید پر کنید؛ سنگر است اینجا. سنگرها را باید پر کرد» (امام خمینی، 1378ش، ج12، ص393). با این اوصاف بود که مسجدها به سنگرهایی مبدل شدند که توانستند جوانانی را تربیت کنند که در مقابل تمام ارتش های جهان مقاومت کنند. از وصیت نامه های شهدا به وضوح می توان فهمید که از چه عقبه اعتقادی و سیاسی برخوردار بوده اند؛ آن کسانی که با بصیرت خود جهانیان را متعجب خویش ساختند، کسانی نبودند جز تربیت شدگان مساجد.

اما از نظر نباید دور داشت که در مسجد باید اندیشه ناب سیاسی اسلام رواج یابد، نه سیاسی کاری های جناحی و حزبی. اگر به این سمت برویم که مساجد محلی برای تجمع های سیاسی حزبی و جناحی شود، به طورقطع می توان احتمال داد اولین کسانی که از مسجد گریزان می شوند جوانان خواهند بود. اگر امام جماعت یا متولیان مسجد گرایشی خاص به جناح یا حزب و یا افراد خاص سیاسی پیدا کنند و در مواقع انتخابات به تبلیغ او پردازند، نتیجه این خواهد شد که جوانان نگاه منفی به متولیان مسجد پیدا خواهند کرد و روزه روز از تعداد جوانان مسجد کاسته خواهد شد.

مسجد جایگاه بصیرت افزایی است، نه سیاسی کاری های انتخاباتی؛ لذا اگر بی طرفانه و منصفانه، هرکس با هر سلیقه در مسجد حضور یابد و افراد یکدیگر را در مجمعی عبادی، اجتماعی و سیاسی ملاقات کنند و به جدال های سیاسی نپردازند، نه تنها مشکلی برای حضور جوانان در مسجد پیش نخواهد آمد، بلکه بر تعداد آن ها افزوده خواهد شد.

جوانان اگر ببینند که در خانه خدا متولیان به کارهای سیاسی خاص می پردازند و وظیفه اصلی خویش را فراموش کرده اند، از مسجد و مسجدی گریزان خواهند شد. اگر جوانی با گرایش خاص به مسجدی می رود که متولیان آن گرایش خاص دیگری را مورد تبلیغ قرار می دهند، این هم نوعی دل زدگی از مسجد ایجاد خواهد کرد و مانعی خواهد بود بر ارتباط مؤثر میان مسجد و جوانان.

باید دقت داشت که اگر متولیان مسجد به سوی گرایش یا جناح های خاص سیاسی تمایل یابند و مسجد را جولانگاه آنان و نظرهایشان قرار دهند، جوانان از مسجد گریزان خواهند شد و به دامان گروه هایی خارج از مسجد خواهند رفت. اینجاست که باید احساس خطر کرد تا جوانان در این موارد در دام گروه های لابیالی سیاسی اسیر نگردند و جذب آن ها نشوند. امام صادق علیه السلام در مورد مراقبت جوانان از جذب به تشکل ها و احزاب منحرف این گونه هشدار دادند: «بَادِرُوا أَحْدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسَّ بِكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجِئَةُ: پیش از آنکه گروه مرجئه (1) جوانان شما را گمراه کنند، آن ها را دریابید و به آنان حدیث بیاموزید (طوسی، 1407ق، ج8، ص111).

می توان از کلام حضرت فهمید که به هر نوع ممکن باید جوانان را در دامان دین نگه داشت تا گرفتار گروه های منحرف نشوند که اگر در دامن آنان بیفتند، منحرف خواهند شد. در این رابطه امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَا تَصَّحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ، فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ: رفاقت نکنید با بدعت گرایان و هم نشین آن ها نشوید تا در نظر مردم یکی از آن ها شمرده شوید. (کلینی، 1429ق، ج4، ص695).

نتیجه گیری

با توجه به مبانی دینی، جوان قشر مولد جامعه و تأثیرگذارترین گروه در شکل گیری جامعه دینی است. مسجد نیز مهم ترین پایگاه تجمع مؤمنان و محور اعمال عبادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی مردم است؛ بنابراین این ارتباط میان مسجد و جوان باید بسیار مستحکم باشد؛ اما در این میان با موانعی

ص: 362

1- . مکتب مرجئه پیش از آنکه یک مکتب فرهنگی باشد، یک جریان سیاسی برای هدم اسلام بود و بدین جهت، امویان از آن جانب داری می کردند، بلکه در واقع خود بنیانگذار آن بودند. (محمدی ری شهری، 1384، ص34)

روبرو هستیم. در یک نگاه کلی می توان موانع ارتباط مؤثر جوانان با مسجد را در عوامل متعددی جستجو کرد که هر یک، یا به تنهایی به صورت تک عاملی و یا به شکل ترکیبی، سبب ضعف حضور جوانان در مسجد می شوند. به طور اجمال ارتباط مؤثر جوانان با مسجد را می توان در موانع فرهنگی، سخت افزاری و محیطی، اجتماعی، خانوادگی و سیاسی برشمرد. به نظر می رسد با کمی تدبیر و تلاش بیشتر متولیان و مسئولان مسجد، به ویژه امام جماعت، هیئت امناء، بسیج و نمازگزاران می توانیم شاهد رفع این موانع باشیم تا بیش از پیش حضور چشم گیر جوانان را در مسجد شاهد باشیم.

فهرست منابع

1. ابن ابی الجمهور، محمدبن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیه، دار سیدالشهداء للنشر، قم، 1405ق.
2. ابن ابی زینب، محمدبن ابراهیم، الغیبه النعمانی، مصحح علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، 1397ق.
3. ابن بابویه (صدوق)، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1413ق.
4. ___، الامالی، چاپ ششم، کتابچی، تهران، 1376ش.
5. ___، الخصال، جامعه مدرسین، قم، 1362ش.
6. ___، عیون اخبارالرضا، مصحح مهدی لاجوردی، جهان، تهران، 1378ش.
7. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، دار صار، بیروت، [ابی تا].
8. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، محقق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، 1404ق.
9. ابن سعد، محمدبن سعد بن منیع الهاشمی البصری، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1410ق.
10. ابن شاذان قمی، ابوالفضل شاذان بن جبرئیل، الفضائل، رضی، قم، 1363ش.
11. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، جامعه مدرسین، قم، 1404ق.
12. ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیت الافکارالدولیه، ریاض، [ابی تا].

13. احمدى ميانجى، على، مكاتيب الرسول، دارالحدیث، قم، 1419ق.

14. برقى، احمدبن محمدبن خالد، المحاسن، چاپ دوم، دارالكتب الاسلاميه، قم، 1371ش.

1. ترمزى، سنن الترمزى، مصحح عبدالرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، دارلفكر للطباعه والنشر والتوزيع، بيروت، 1403ق.

2. تميمى آمدى، عبدالواحدبن محمد، غررالحكم ودررالكلم، چاپ دوم، دارالكتاب الاسلامى، قم، 1410ق.

3. ثعالبى، ابومنصور، اللطائف و الظرائف، دارالمناهل، بيروت، [ابى تا].

4. ثقفى كوفى، ابواسحاق ابراهيم بن محمد، الغارات، تحقيق جلال الدين حسینی ارموى، انجمن آثار ملی، تهران، 1353ش.

5. حرّ عاملى، محمدبن حسن بن على، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، آل البيت، قم، 1409ق.

6. حميرى، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، مصحح مؤسسه آل البيت، مؤسسه آل البيت، قم، 1413ق.

7. خمينى، سيدروح الله، صحيفه امام، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، 1378ق.

8. ديلمى، حسن بن محمد، اعلام الدين فى صفات المومنين، مؤسسه آل البيت، قم، 1408ق.

9. ذهبى، شمس الدين محمدبن احمد، تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير و الأعلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمرى، چاپ دوم، دارالكتاب العربى، بيروت، 1413ق.

10. __، سير اعلام النبلاء، تصحيح كامل الخراط، چاپ نهم، مؤسسه الرساله، بيروت، 1413ق.

11. رضى، محمدبن حسين، نهج البلاغه، تصحيح صبحى صالح، هجرت، قم، 1414ق.

12. سيدبن طاووس، على بن موسى، كشف المحججه لثمره المهججه، چاپ دوم، بوستان كتاب، قم، 1375ش.

13. شعيرى، محمد بن محمد، جامع الاخبار، مطبع حيدريه، نجف، [ابى تا].

14. طبرى، ابوجعفر محمدبن جرير الطبرى، تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، چاپ دوم، دارالتراث، بيروت، 1387ق.

15. طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، چاپ چهارم، رضى، قم، 1412ق.

1. طوسى، خواجه نصيرالدين محمدبن محمد، اخلاق ناصرى، علميه اسلاميه، تهران، [ابى تا].

2. طوسى، محمدبن الحسن، الامالى، دارالثقافه، قم، 1414ق.

3. _____، تهذيب الاحكام، مصحح خرسان، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلاميه، تهران، 1407ق.
4. فتال نيشابورى، محمدبن احمد، روضه الواعظين و بصيره المتعظين، انتشارات رضى، قم، 1375ش.
5. فيروزآبادى، سيدمرتضى، فضائل الخمسه من صحاح السنه، چاپ دوم، اسلاميه، تهران، 1392ق.
6. قرائتى، محسن، تفسير نور، چاپ چهارم، مركز فرهنگى درس هاى از قرآن، تهران، 1389ش.
7. كراچكى، محمدبن على، كنزالفوائد، مصحح عبدالله نعمه، دارالذخائر، قم، 1410ق.
8. كلينى، محمدبن يعقوب، الكافى، دارالحدیث، قم، 1429ق.
9. متقى هندی، علاءالدين على، كنزالعمال فى سنن الاقوال و الافعال، مكتبه الرساله، بيروت، 1409ق.
10. مجلسى، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، دار احياء التراث العربى، بيروت، 1403ق.
11. محمدى رى شهرى، محمد، حكمت نامه جوان، ترجمه مهدى مهريزى، دارالحدیث، قم، 1384ش.
12. نسائى، احمدبن شعيب، السنن الكبرى، مؤسسه الرساله، بيروت، 2001م.
13. نورى، حسين بن محمدتقى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت، قم، 1408ق.
14. ورام بن ابى فراس، مسعودبن عيسى، مجموعه ورام، مكتبه فقيه، قم، 1410ق.

مسجد یکی از مقدس ترین مکان ها در اسلام است که از اهمیت ویژه ای برخوردار است. کارکردهای آن در زمینه های عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی، نشان از اهمیت مسجد در زندگی فردی و اجتماعی انسان است. یکی از اساسی ترین و مهم ترین نیازهای انسان، نیاز به ازدواج است. ازدواج درست و بهنگام، علاوه بر آن که بر سلامت فرد تأثیر مستقیم دارد، در سلامت جامعه نیز نقش بسزایی دارد. آنچه امروزه اهمیت دارد، تشویق جوانان به ازدواج درست است تا شاهد فروپاشی خانواده ها و آسیب های ناشی از آن نباشیم. در مقاله حاضر نقش مسجد در ازدواج بهنگام و آسان بررسی شده است. مسجد به عنوان یک پایگاه اجتماعی، بهترین مکان برای بسترسازی اندیشه و فرهنگ سازی برای ترویج ازدواج آسان و بهنگام است. مسجد در فرایند ازدواج در هر سه مرحله پیش از انتخاب همسر، در فرایند انتخاب همسر و پس از انتخاب همسر می تواند مؤثر باشد. مسجد می تواند با معرفی مورد مناسب، نقطه آغاز خوبی برای ازدواج باشد و با آموزش های پیش از ازدواج، آگاهی های لازم را به فرد ارائه دهد. مسجد می تواند با فرهنگ سازی و کمک های اقتصادی، موانع ازدواج جوانان را مرتفع سازد و پس از ازدواج نیز مهارت های لازم را به جوانان بیاموزد. مقالات و کتاب های متعددی درباره ازدواج و مسجد به طور جداگانه نوشته شده است؛ ولی تاکنون به رابطه این دو پرداخته اند. در مقاله حاضر به کارکرد مسجد در ازدواج آسان و بهنگام پرداخته شده و راه کارهایی در این مورد نیز ارائه گشته است.

واژگان کلیدی: مسجد، ازدواج، ازدواج آسان، ازدواج بهنگام، ازدواج جوانان.

مسجد به عبادتگاه مسلمین گفته می شود که جایگاه ویژه ای در میان مسلمانان دارد و از مقدس ترین مکان هاست. این اهمیت و قداست از صدر اسلام و آغاز هجرت را پیامبر اکرم صلی الله علیه واله به مسلمانان آموخت تا آنجا که به گفته آن حضرت، دو رکعت نماز خواندن در مسجد قبا (نخستین مسجدی که در اسلام تأسیس شد)، پاداش و ثواب یک عمره را دارد.

واژه مسجد در قرآن جمعاً 28 بار ذکر شده است؛ 22 بار به صورت مفرد و 6 بار به صورت جمع. (بقره: 145، 150، 151، 191، 196، 217؛ مائده: 2؛ اعراف: 29 و 31؛ انفال: 34؛ توبه: 7؛ اسراء: 1؛ کهف: 21؛ عنکبوت: 7؛ فتح: 25 و 27؛ حج: 25) آیات دیگری نیز وجود دارد که گرچه لفظ مسجد در آن ها

نیامده است، اما دلالت بر اهمیت مساجد دارد. طبق آیات قرآن، مسجد اولین خانه توحید است «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: 96). در کلام پیشوایان دین از مسجد به عنوان مرکزهای نور الهی، محل نشستن انبیا، خانه هر مؤمن، خانه های خدا در زمین یاد شده است. قدم گذاشتن به مسجد با طهارت، موجب محو خطاها و افزایش نیکی ها می شود.

مسجد از همان ابتدا، مرکز اجتماع مردم و بستر اندیشه سازی و اندیشه پروری بوده تا انسان را به هدف خلقت (عبادت و عبودیت) برساند. کارکردهای مسجد در زمینه های عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی در طول تاریخ، نشانگر اهمیت و کارساز بودن مساجد است.

از آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام می توان دریافت که مسجد جایگاه ویژه ای در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان دارد. انسان در طول مراحل زندگی خود، به ویژه در دوران جوانی، نیازهای مادی و معنوی متعددی دارد که اگر به درستی به این نیازها پاسخ داده نشود، به رشد و کمال خود نخواهد رسید. نقش مسجد در ایجاد، تقویت و گسترش فرهنگ اصیل اسلامی و رشد انسان قابل انکار نیست.

یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده است. جوان با ازدواج، هم به یکی از نیازهای مادی خود یعنی کنترل شهوات پاسخ می دهد و هم به آرامش روحی می رسد که یک نیاز معنوی است. دست اندرکاران و فعالان فرهنگی باید فعالیت های لازم را برای تسهیل این امر مهم و الهی انجام دهند. مساجد در این امر یکی از مؤثرترین پایگاه ها است و می تواند نقش مهمی در تسهیل ازدواج جوانان ایفا کند.

یکی از مسائل فردی و اجتماعی، مسئله ازدواج آسان و به هنگام جوانان است. مسجد به عنوان اصلی ترین و مهم ترین مرکز تربیتی- فرهنگی، نقش بسزایی در شکل گیری و اجرای صحیح آن دارد. با

نگاهی به آمارهای ازدواج در کشور به این نتیجه می‌رسیم که تأخیر در ازدواج، به طور فزاینده‌ای در حال پیشروی است و انگیزه جوانان برای ازدواج رو به افول است:

«در سال‌های گذشته سن ازدواج به میزان زیادی در کشور بالا رفته، به طوری که این افزایش در میانگین کشوری حدود شش سال و در شهر تهران حدود 10 سال بوده است» (ایرنا).

آمارهای اخیر وزارت ورزش و جوانان حاکی از آن است که ازدواج، امروز تبدیل به اولویت چهارم جوانان شده است در حالی که در سالیان گذشته اولویت اول آنان بوده است. نرخ ازدواج در مهرماه 1394، 6.5 درصد کاهش داشته است. بدون شک تلاش برای ازدواج آسان و به هنگام این آمارهای نگران‌کننده را بهبود خواهد بخشید.

مدیرکل اطلاعات آمار و جمعیت و مهاجرت سازمان ثبت احوال، ضمن تحلیل آمار ازدواج در کشور، از افزایش میانگین سنی ازدواج و همچنین تأخیر در ازدواج جوانان خبر داد (شفا آنلاین). وی معتقد است: آمارها، کاهش منفی 6.5 درصدی را نشان می‌دهد که البته از سال 90 شاهد رشد منفی ازدواج در

کشور بوده ایم. به طوری که در سال 90 منفی 1.9 درصد، در سال 91 منفی 5.1 درصد و در سال 92 نیز با کاهش منفی 6.7 درصدی مواجه بوده ایم. نرخ ازدواج به ازای هر هزار نفر در سال 92، 10.1 درصد بوده که در سال گذشته به 9.3 درصد کاهش پیدا کرده است. میانگین سنی ازدواج مردان 28.1 و زنان 23.5 بوده که میانگین سنی مردان 27.8 و زنان 23.1 نسبت به سال قبل آن افزایش داشته است (همان).

توجه به این عوامل، اهمیت پرداختن به بحث ازدواج بهنگام را دوچندان می‌کند. بررسی نقش مسجد در ازدواج جوانان و تسهیل آن، بی‌شک راهکاری برای پیشگیری و جلوگیری از تأخیر در ازدواج جوانان و پرهیز از آسیب‌های ناشی از آن است.

در مقاله حاضر کارکرد و نقش مساجد در امر تسهیل ازدواج جوانان بررسی شده است و سعی شده به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

سؤال اصلی: مساجد چه نقشی در ازدواج آسان و به هنگام ایفا می‌کنند؟

سؤالات فرعی: ازدواج به هنگام و آسان چگونه ازدواجی است؟ مسجد چه جایگاهی در اسلام دارد؟ کارکردهای مسجد در فرایند ازدواج چیست؟

در مقاله پیش رو، پس از بیان اصطلاحات، به جایگاه مسجد در اسلام و کارکردهای آن پرداخته شده است و سپس یکی کارکرد آن در فرایند ازدواج بررسی شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله در آغاز هجرت به مدینه، مسجد قبا را در محله قبا، نزدیک مدینه، ساختند. دو رکعت نماز در این مسجد معادل یک عمره است. پیامبر صلی الله علیه واله پس از هجرت به مدینه در کنار خانه خود، مسجدالنبی را ساختند. (شایگان، 1389، ص 14)

پس از فتح ایران توسط سعدبن ابی وقاص، ظاهراً اولین مسجد در اصفهان ساخته شد. (همان) نام برخی مساجد مهم اسلامی عبارت اند از: مسجدالاقصی، مسجدالحرام، مسجد قبا، مسجدالنبی، مسجد ایاصوفیا و مسجد گوهرشاد. روند مسجdsازی در ایران اسلامی پس از انقلاب رو به افزایش بوده است تا آن جا که تعداد مساجد تهران که در سال 1222 به هفت مسجد می رسید، اکنون حدود 2000 مسجد است. (همان، ص 15)

درباره ازدواج آسان مطالب زیادی نگاشته شده است؛ درباره مسجد و کارکردهای آن مقالات و کتب فراوانی به رشته تحریر درآمده است؛ ولی تاکنون در مقاله یا کتابی مستقل به ارتباط این دو موضوع با یکدیگر پرداخته نشده است. به عبارتی، نقش مسجد در آسان سازی ازدواج و برطرف کردن موانع آن و ترویج ازدواج به موقع، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

بیان اصطلاحات

اشاره

پیش از ورود به بحث لازم است ابتدا اصطلاحات توضیح داده شود.

مسجد

معنای لغوی

مسجد اسم مکان از «سجد، یسجد» به معنی جایگاه نماز و محل عبادت است. (عمید، 1342، ص 242) هر موضعی که در آن عبادت شود، مسجد است. (ابن منظور، بی تا، ج 3، ص 204-206) از آنجاکه سجده، شریف ترین و مهم ترین رکن نماز است و بیش از سایر افعال نماز، انسان را به خدا نزدیک می کند، اسم مکان از آن گرفته شده است. (عمید، همان)

مراد ما از مسجد در اینجا مکان مسجد نیست، بلکه مجموعه ای از فضای فیزیکی و روان شناختی مسجد است؛ به عبارت دیگر افراد حاضر در مسجد از جمله امام جماعت، هیئت امناء، نمازگزاران، دوستان مسجدی و دیگر عوامل نیز مدنظر هستند.

ص: 370

در اصطلاح فقهی، مسجد مکانی است که برای نماز خواندن مسلمانان وقف شده است «المكان الموقوف علی كافة المسلمين للصلاة». (صاحب جواهر، بی تا، ج 14، ص 69)

فرهنگ

برای فرهنگ تعاریف بسیار مختلفی ارائه شده است. یکی از آن تعاریف بدین شرح است: فرهنگ، نظامی است نسبتاً منسجم که متشکل از اجزای غیرمادی است. این اجزا شامل کالاهای مصرفی، ابزارها (فناوری) و میراث‌های فرهنگی نسبتاً مشترک بین اعضای یک گروه، اجتماع یا جامعه است که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. (شایگان، همان، ص 64)

ازدواج

در مورد ازدواج تعاریف‌های متعددی ارائه شده که در مجموع بر چهار ویژگی مهم آن تأکید دارند:

▪ ارتباط جسمانی

▪ تخالف جنسی

▪ پایایی

▪ قرارداد اجتماعی

فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های ارزشی گوناگون، در تعریف ازدواج تأثیر بسزایی دارند؛ بنابراین نمی‌توان برای این واژه تعریف واحدی ارائه کرد. با توجه به این که دین ما اسلام و مذهب ما تشیع است، این واژه را بر اساس مبانی و شریعت اسلامی تعریف می‌کنیم. (حسین خانی نائینی، 1391، ص 17) ازدواج قراردادی مشروع است که دو فرد ناهمجنس و معمولاً بالغ را به هم پیوند می‌دهد و برقرار ارتباط جنسی دائم یا موقت میان آنان را مجاز می‌گرداند. (بستان و همکاران، 1383، ص 18)

مراد از ازدواج آسان و بهنگام نیز ازدواجی است که برای تحقق آن فرد مجبور به تحمل شرایط دشوار و برداشتن موانع بسیار نباشد. البته مراد از تسهیل ازدواج، تسامح در انتخاب نیست، بلکه نادیده گرفتن رسوم بی‌مبنا و بی‌معنا و قرار ندادن شروط غیرضروری و سخت برای دو طرف است. ازدواج بهنگام نیز ازدواجی است که نه زودتر از زمان مناسب و نه دیرتر باشد. زمان مناسب برای هر فرد مختص به خود اوست. ازدواج سن معینی ندارد؛ آنچه اهمیت دارد، تحقق بلوغ‌های لازم اجتماعی، شناختی، عاطفی و داشتن

انگیزه و شناخت کافی است. آسان بودن ازدواج، معمولاً با بهنگام بودن آن همراه است؛ زیرا موانع زیاد و سخت گیری در ازدواج، یکی از مهم ترین عوامل به تأخیر افتادن ازدواج جوانان است.

جایگاه مسجد در اسلام و کارکردهای آن

مسجد اولین پایگاه اجتماعی بود که پیامبر صلی الله علیه واله پس از هجرت به مدینه بنا نهاد. شکل گیری مساجد از مصادیق بارز جامعه اسلامی است. کارکرد مساجد در تمامی عرصه های جامعه اسلامی، سبب توسعه و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. مساجد، قلب تپنده حیات اسلام و کانون و محور فعالیت های جامعه اسلامی است.

مسجد در عین حال که عبادتگاه مسلمانان است، تفاوت های اساسی با عبادتگاه های سایر ادیان دارد. محمد سلیمان تکیوچی، عضو جامعه قوم شناسی ژاپن در پاسخ به این سؤال که چرا از میان تمامی مذاهب خاور دور و خاورمیانه، دین اسلام را پذیرفته و مسلمان شده است، در مقاله ای می نویسد: «... مذهب بودا و مسیحیت، علایق معنوی را از علایق مادی جدا کرده و انسان را به کناره گیری از جامعه ترغیب می کند. بعضی از فرقه های بودایی و مسیحی، معبدها و صومعه ها را در کوه ها و اماکن دور از دسترس جامعه بنا می کنند؛ اما در اسلام مساجد در قلب اجتماعات، در روستاها و شهرها بنا می شود و نیایش با جماعت و در خدمت جامعه، مورد تقدیر است. من اطمینان دارم این زمان بهترین فرصت برای اشاعه اسلام در ژاپن است». (بی آزار شیرازی، 1377، ص 87).

مسجد کارکردهای فراوانی در فرد و اجتماع دارد. شاید بتوان این کارکردها را در موارد زیر خلاصه کرد:

کارکرد عبادی: اصلی ترین کارکرد مسجد، کارکرد عبادی آن است. نماز مهم ترین وظیفه دینی یک مسلمان است که خواندن آن در مسجد مورد تأکید قرار گرفته است. غیر از نماز، آیین های عبادی دیگری مانند برگزاری مجالس قرائت قرآن، مراسم دعا و عزاداری، انجام نذورات و خیرات و مبرات در مساجد برگزار می شود.

کارکرد آموزشی: مسجد از همان آغاز و از عصر پیامبر صلی الله علیه واله دارای کارکرد آموزشی بوده است. پیامبر صلی الله علیه واله بر کنده ای از چوب و بعدها بر فراز منبر در مسجد، به بیان احکام الهی و معارف اسلامی می پرداخت. این کارکردها بعدها نیز ادامه یافت و آموزش را به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از کارکردهای مسجد بدل ساخت. (الویری، 1386، ص 97)

در نگاهی تاریخی مشخص می شود که در مساجد، شاخه های مختلف علوم اسلامی، به ویژه قرآن،

احادیث، احکام، اخلاق، کلام و فقه آموزش داده می‌شد. (شبللی، 1361، ص 96-97) تأسیس کتابخانه‌های بزرگ و معتبر در مساجد نیز مرتبط با نقش آموزشی مساجد است.

کارکردهای تربیتی: وجه تربیتی مسجد معمولاً در پیوند با وجه آموزشی آن است. (ضرابی، 79) مسجد کانونی برای رشد اخلاق فردی و اجتماعی آحاد جامعه اسلامی و آشنا شدن آن‌ها با فضائل و رذایل اخلاقی است. (سلطان زاده، 1362، ص 37-38)

کارکردهای فرهنگی و ارتباطاتی: مسجد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مکان شکل‌دهی به افکار عمومی و فرهنگ‌سازی است. پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان ایشان، در مسجد مردم را برای حضور در جنگ و جهادها برمی‌انگیختند و خطیبان جمعه نیز از همین طریق و در فضای مسجد، خواسته‌های حکومت را مطرح کرده و افکار عمومی را با این خواسته‌ها همسو می‌ساختند. (الویری، همان، ص 98)

کارکرد اجتماعی: مساجد کارکردهای اجتماعی مختلفی دارد؛ مانند جمع‌آوری کمک برای مستمندان، برگزاری مراسم ترحیم، برگزاری مراسم عمومی مانند جشن‌ها و گردهمایی‌ها، اعلام اشیاء گمشده، اسکان مسافران، مراجعه به امام‌جماعت، رسیدگی به مشکلات مردم و.... کارکردهای مسجد با توجه به محیط جغرافیایی و فرهنگی متغیر است.

کارکردهای سیاسی: یکی از کارکردهای مساجد در تاریخ و تمدن اسلامی، کارکرد سیاسی آن است. پیامبر صلی الله علیه و آله پایه‌های حکومت نوپای مدینه را در مسجد مدینه محکم کرد و بسیاری از برنامه‌ریزی‌های سیاسی خود را در مسجد انجام داد. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت رسمی با خلفای جانشین ایشان در مسجد صورت گرفت. در عهد خلافت ابوبکر، حضرت زهرا علیها السلام خطبه مشهور خود را در مسجد ایراد کرد. جنبش‌هایی مانند جنبش مختار، جنبش زیدبن علی و جنبش صاحب‌فخ نیز از مسجد آغاز شد.

در دوره معاصر نیز در روند پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مساجد بار سنگینی را بر دوش کشیدند. (همان، ص 99)

کارکرد حقوقی: یکی از کارکردهای مساجد که در گذشته وجود داشته و امروزه کم‌رنگ شده است، کارکرد حقوقی آن است. امام علی علیه السلام در گوشه‌ای از مسجد کوفه به امور قضایی می‌پرداخت. (الولی، 1409 هجری قمری، ص 162)

کارکرد نظامی: کارکرد نظامی مسجد نیز در گذشته وجود داشته است و امروزه کم‌رنگ شده است. کارکرد نظامی مسجد شامل پرداختن به امور نظامی و مشورت‌های نظامی به ویژه در صدر اسلام است.

کارکردهای اقتصادی: حفظ و نگهداری اموال نقدی عمومی در مسجد، اعطای وام و تسهیلات،

جمع آوری کمک های نقدی و کارآفرینی برای جوانان از جمله کارکردهای اقتصادی مساجد هستند. (همان، ص 116)

مواردی که ذکر شده مروری اجمالی بر کارکردهای مسجد بود. یکی از کارکردهای مسجد در زمینه ازدواج است که یک مسئله فردی و اجتماعی است. در ادامه به بررسی ارتباط مسجد در فرایند ازدواج پرداخته شده است.

کارکردهای مسجد در فرایند ازدواج

اشاره

عبادت پرورش دهنده روح و روان آدمی است و اثرات مثبت بسیاری در زندگی فردی انسان دارد. مسجد به عنوان محلی برای عبادت، تأثیر بسزایی در تربیت فرد دارد و پاسخگوی بسیاری از نیازهای تربیتی و فرهنگی انسان است. یکی از نیازهای انسان، نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده است. در این بخش به کارکرد مسجد و تأثیر آن در فرایند ازدواج پرداخته شده است. این مسئله را باید در سه حیطه قبل از ازدواج، در فرایند انتخاب همسر و پس از ازدواج بررسی نمود.

1. پیش از اقدام به ازدواج

اشاره

در این بخش، نقش انس با مسجد در زمینه ازدواج را در سه حیطه فردی، خانوادگی و اجتماعی بررسی می کنیم.

1-1-1- اثرگذاری بر فرد

اشاره

انس با مسجد از سه جهت در ازدواج فرد اثر دارد: تشویق به امر ازدواج، رشد و بلوغ، کسب آگاهی های لازم. در ادامه به توضیح این موارد پرداخته شده است.

1-1-1- تشویق و انگیزه بخشی برای ازدواج

یکی از آثار فردی انس با مسجد، تقوا و پرهیزکاری است. انسان متقی، شهوات خویش را کنترل می نماید و نیازهای خود را از راه حلال پاسخ می دهد. همین امر، خود انگیزه برای ازدواج است. در مورد این موضوع استناد می کنیم به داستان ازدواج یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله به نام جویر.

امام باقر علیه السلام فرمودند: مردی از اهل یمامه به نام جویر در جستجوی آیین اسلام به حضور پیامبر صلی الله علیه و اله آمد و با اشتیاق اسلام آورد. دیری نپایید که از خوبان اصحاب پیامبر به شمار آمد. جویر مردی سیاه پوست،

فقیر و برهنه بود. قامتی کوتاه و چهره ای زشت داشت. حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله برای اینکه وی غریب و فقیر بود، او را مورد ملاحظت قرار داد و لباس برایش تهیه کرد و روزانه برایش غذا می فرستاد.

روزی نبی اکرم صلی الله علیه و اله با کمال رأفت و نگاهی رقت بار به جویر نگرست و فرمودند: «جویر! چه خوب بود همسری اختیار می کردی تا شهوت خود را کنترل کنی و در امور دنیا و آخرت با تو همکاری کند». جویر عرض کرد: «ای پیامبر خدا! پدر و مادرم فدایت شوند؛ کدام زن حاضر است به همسری من تن دردهد؟! من که نه حسب و نسب دارم و نه مال و جمال. چه زنی رغبت می کند با من ازدواج نماید؟!»

پیامبر فرمودند: «ای جویر! خداوند جهان به برکت دین حنیف اسلام، آن کس را که در جاهلیت شرافت داشت، پست نمود و کسانی را که پست بودند، شرافت داد و آن ها را که قبلاً ذلیل بودند، عزیز کرد و آن همه نخوت جاهلیت و تفاخر و بالیدن به قبیله و نسب را که میان آن ها موسوم بود، به کلی برانداخت. امروز همه مردم، اعم از سفید، سیاه، قریش یا عرب و عجم برابرند. همه فرزندان آدم هستند و آدم را خداوند از خاک آفرید. در روز قیامت، محبوب ترین مردم در پیشگاه خداوند فقط پارسایان و پرهیزکاران اند. ای جویر! من برای هیچ یک از مسلمین امروز نسبت به دیگری فضیلتی نمی بینم، جز برای فردی که تقوایش و فرمانبرداری اش در پیشگاه خداوند بیشتر باشد».

پس از آن، حضرت خاتم صلی الله علیه و اله فرمودند: «ای جویر! هم اکنون نزد زیاد بن لبید که شریف ترین مردم قبیله بنی بیاضه است می روی و می گویی: «رسول خدا مرا فرستاده و دستور داده که دخترت ذلفا را به عقد نکاح من درآوری».

هنگامی که جویر وارد خانه زیاد بن لبید شد، زیاد با گروهی از بستگان خود نشست بود و گفتگو می کرد. جویر اجازه گرفت، وارد شد و سلام کرد. آنگاه زیاد را مخاطب ساخت و گفت: «من از جانب رسول خدا صلی الله علیه و اله آمده ام و برای انجام کاری حامل پیامی هستم. آن را به طور آشکار بگویم یا خصوصی؟»

زیاد گفت: «نه، چرا پنهانی بگویی؟! آشکار بگو! من پیام پیامبر صلی الله علیه و اله را سبب فخر و شرافت خود می دانم. جویر گفت: «پیغمبر صلی الله علیه و اله پیغام داده که دخترت ذلفا را به عقد همسری من درآوری».

زیاد: «آیا نبی اکرم صلی الله علیه و اله تو را برای ابلاغ این پیام فرستاد؟»

جویر: «آری! من سخن دروغ به رسول خدا صلی الله علیه و اله نسبت نمی دهم».

زیاد: «ما دختران خود را به نکاح اشخاصی که هم شأن ما نیستند در نمی آوریم. نزد پیامبر صلی الله علیه و اله برگرد تا خودم بیایم و عذر خود را بگویم».

جویر ناراحت شد و درحالی که می گفت: «به خدا قسم این کار مطابق دستور قرآن مجید و گفتار پیامبر صلی الله علیه و اله نیست»، مراجعت کرد.

ذلفا، دختر زیاد، سخنان جوویر را شنید. کسی را فرستاد و پدرش را به داخل خانه خواست و پرسید: «پدرجان! چه گفتگویی با جوویر داشتی؟» پدرش گفت: «می گوید: حضرت محمد صلی الله علیه و اله مرا فرستاده که دختری ذلفا را به عقد من درآوری».

ذلفا: «به خدا جوویر دروغ نمی گوید. بفرست تا پیش از آن که به نزد پیامبر صلی الله علیه و اله برگردد».

زیاد فرستاد تا جوویر را از میان راه برگردانند و او را مورد محبت قرار داد؛ سپس گفت: «اینجا باش تا من برگردم». آنگاه خود به محضر حضرت خاتم صلی الله علیه و اله شرفیاب شد و گفت: «پدر و مادرم فدایت گردد! جوویر پیامی از جانب شما آورده ولی من پاسخ او را به نرمی ندادم. اینک خودم حضورتان رسیده ام و عرض می کنم که ما طایفه انصار دختران خود را جز به افراد هم شأن خود به نکاح در نمی آوریم».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «ای زیاد! جوویر مردی باایمان است. مرد مؤمن هم شأن زن مسلمان است. دختری را به همسری جوویر درآور و دامادی او را ننگ ندان».

زیاد به خانه برگشت و آنچه حضرت محمد صلی الله علیه و اله فرموده بود، به اطلاع دخترش رسانید. دختر گفت: «پدرجان! این را بدان که اگر از فرمان حضرت محمد صلی الله علیه و اله سرپیچی کنی، کافر خواهی شد».

زیاد وقتی زمینه را چنین دید، بیرون آمد. دست جوویر را گرفت؛ به میان بزرگان قوم خود آورد و ذلفا دخترش را به عقد وی درآورد. مهریه و جهیزیه عروس را نیز خودش پذیرفت. از جوویر پرسیدند: «خانه ای داری که عروس را به خانه ات بیاوریم؟» گفت: «نه». به دستور زیاد خانه ای با وسایل و لوازم زندگی تهیه کردند و به وی اختصاص دادند. عروس را نیز آرایش کرده و خوشبو کردند و به جوویر نیز لباس دامادی پوشانیدند. به این ترتیب ذلفا، دختر زیبای یکی از بزرگ ترین اشراف مدینه و قبیله معروف خزرج، به همسری مردی سیاه چهره و از نظر افتاده ای که فقط به زیور تقوا و معرفت آراسته بود، درآمد. (کلینی، 1365، ج 5، ص 340؛ مجلسی، 1404 هجری قمری، ج 22، ص 117؛ حرّ عاملی 1409 هجری قمری، ج 20، ص 68)

تقوا و ایمان جوویر در سایه اسلام و انس با مسجد سبب شد، مورد مناسبتی از جانب پیامبر صلی الله علیه و اله به او معرفی شود و مقدمات تشکیل خانواده برایش تسهیل گردد و تمام این امور از مسجد آغاز شد.

2-1-1- آماده سازی و ایجاد رشد و بلوغ لازم

طبق تحقیقات انجام شده، جوانانی که انس با مسجد دارند، کم تر از سایر جوانان در محیط های ناسالم قرار می گیرند. این جوانان کم تر به سمت ماهواره و روابط نادرست رومی آورند. (آزاد ارمکی، 1384)

همین

ایجاد تحول در نگرش خانواده درباره ازدواج آسان و بهنگام

خانواده به عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد، اهمیت شایانی دارد؛ به گونه‌ای که با آموزش شیوه‌های صحیح تربیت فرزندان و نحوه ارتباط خانواده، مسجد و مدرسه، می‌توان سلامت جامعه را تأمین کرد. شرکت خانواده‌ها در مساجد، زمینه‌های روابط سالم و الگوپذیری درست را فراهم می‌کند.

(میرزایی و پروین، 1391، ص 55) از طریق مساجد می‌توان ازدواج آسان را نهادینه کرد. ارتباط با مسجد و شرکت در محافل، سبب می‌شود نگرش خانواده‌ها نسبت به ازدواج نیز عوض شود و برخی رسوم دست‌وپاگیر را حذف کنند.

3-1- اثرگذاری بر جامعه

اشاره

مسجد علاوه بر این که در زندگی فردی و خانوادگی انسان اثر دارد، در زندگی اجتماعی و جامعه نیز مؤثر است. مسجد مکانی است برای تربیت فرهنگی و تبلیغ دین. اگر افراد آگاهی‌های لازم را از طریق مسجد کسب کنند و در زندگی خود پیاده نمایند، جامعه نیز متحول خواهد شد.

3-1-1- ایجاد تحول در نگرش جامعه درباره ازدواج بهنگام و آسان

آنچه در مسجد حائز اهمیت است، شکل جمعی آن و به جماعت برگزار کردن نماز است. کارکرد مسجد بیش تر اجتماعی است؛ زیرا دین در متن حیات اجتماعی حضور دارد. در اسلام کلیه روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها با احکام دینی تنظیم می‌شود و دین بر همه شئون زندگی انسان حاکم است. (عباسی حسینی، 1366، ص 102) مسجد کانون همه تلاش‌ها و حرکت‌های جمعی و جنبش‌های فکری و دینی و سیاسی است. نقش مترقی، پرتحرک و حرکت‌آفرین مساجد در حیات اجتماعی مسلمانان بخصوص در صدر اسلام نشان می‌دهد که کارکرد مسجد منحصر در نقش‌های فردی نیست. (همان، ص 100)

مسجد اصلی‌ترین مکان شکل‌دهی به افکار عمومی، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی در تمدن اسلامی بوده است. سوق دادن مسلمانان به سمت هنجارها و گرایش‌های مورد نظر نیز در مسجد صورت می‌گرفته است. (الویری، همان، ص 98) یکی از کارکردهای مسجد در زمینه ازدواج آسان در سطح اجتماع، گسترش ازدواج آسان در جامعه و تغییر نگرش جامعه است.

امام صادق علیه السلام در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل می‌کنند: که آن حضرت برای مردم سخنرانی کرد و آنان را به تعجیل در شوه‌ر دادن دخترانشان و به تأخیر نیفکندن این کار تشویق نمود. پس مردی برخاست و گفت: «ای پیامبر خدا! به چه کسی شوه‌ر دهیم؟»

فرمودند: «به اشخاص همسنگ».

گفت: «ای پیامبر خدا! اشخاص همسنگ چه کسانی هستند؟»

فرمود: «مؤمنان همسنگ یکدیگرند. مؤمنان همسنگ یکدیگرند». (کلینی، همان، ج 5، ص 337، ح 2؛ مجلسی، همان، ج 103، ص 371، ح 1)

2. در فرایند همسرگزینی

اشاره

در این بخش به کارکرد مسجد در فرایند همسرگزینی می پردازیم.

1-2- کمک به تعیین ملاک های درست انتخاب همسر

در بخش کارکرد فردی مسجد بیان شد که یکی از نقش های اساسی مسجد، آگاهی بخشی و آموزش است. از جمله آموزش های لازم و ضروری که باید به جوانان داد و مسجد می تواند پایگاه مناسبی برای این آموزش باشد، انتخاب ملاک های مناسب انتخاب همسر است.

پیش از این ذکر شد که مهم ترین ملاک انتخاب همسر در دین اسلام، ایمان و تقوا است. جوانی که با مسجد انس دارد و در فعالیت های آموزشی و فرهنگی مسجد شرکت می کند، دغدغه زندگی اش دین خواهد بود. چنین جوانی در انتخاب همسر خود نیز دین و ایمان را ملاک قرار خواهد داد. علاوه بر آن امام جماعت به عنوان یک واعظ و مشاور می تواند جوانان را در این زمینه هدایت و راهنمایی کند. در مسیحیت نیز کلیساها مهارت رهبری کردن و انتخاب همسر را به جوانان یاد می دهند. (هورتون و هانت، 1984 میلادی، ص 241)

2-2- معرفی مورد مناسب و همسریابی

یکی از کارکردهای مسجد در زمینه ازدواج، معرفی مورد مناسب برای فرد است. مسجد یک اجتماع کوچک است که مردم در آن جمع می شوند و با یکدیگر آشنا می گردند. همین امر می تواند زمینه آشنایی برای ازدواج را فراهم کند. علاوه بر آن، امام جماعت با شناختی که از مخاطبان خود پیدا می کند، می تواند مورد مناسب را برای ازدواج به جوان معرفی نماید و شرایط ازدواج را تسهیل کند. برای نمونه می توان به داستان جو بیر استناد نمود که پیش از این در بخش انگیزه بخشی برای ازدواج ذکر شد. پیامبر با شناختی که از جو بیر داشت، دختری از انصار را به او معرفی کرد و شرایط ازدواج را برایش فراهم نمود.

3-2- تسهیل خواستگاری

پیش از این گفتیم یکی از کارکردهای مسجد، آگاهی بخشی برای شناخت خود و نیز ارائه معیارهای مناسب است. خودشناسی و ارائه معیارهای ازدواج، تأثیر بسزایی در تسهیل روند خواستگاری دارد. علاوه بر آن، معرفی مورد مناسب نیز امر خواستگاری را تسهیل می کند. داستان جویر که پیش از این مطرح شد، به این مسئله نیز اشاره دارد.

4-2- کمک به تحقیق و شناخت

یکی از کارکردهای مسجد، کمک به شناخت فرد مورد نظر است. تحقیق از امام جماعت و مردمی که به مسجد رفت و آمد می کنند، می تواند تا حدی شناخت حاصل کند. در رساله حضرت امام آمده است: «مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود و از او زن نگیرد و به او زن ندهد». (موسوی الخمینی، 1362، مسئله 897) کسی که با

مسجد انس دارد، این مسئله سبب می شود تقوا و ایمان او نیز بالا رود که همین موضوع مهم ترین معیار ازدواج است.

5-2- برگزاری مشاوره پیش از ازدواج در مسجد

سیره پیامبر صلی الله علیه و اله این بود که مردم را در مسجد مخاطب قرار می داد و به مشکلات و مسائل آنان رسیدگی می کرد و آن ها را هدایت و ارشاد می نمود. در واقع مسجد، مجلس مشاوره نیز بود. (عباسی حسینی، همان، ص 96)

مسجد می تواند مرکز حل اختلاف و مشاوره برای بیش تر مردم بخصوص قشر مستضعف جامعه باشد. (میرزایی و پروین، همان، ص 56) ارتباط امام جماعت با مردم و پیوند آن دو، سبب می شود مردم در بسیاری از مشکلات و مسائل خود به مسجد رجوع کنند و از امام جماعت راهنمایی و مشاوره بخواهند؛ به عبارتی امام جماعت، مشاور مذهبی و امین مردم است.

تحقیقی در آمریکا نشان می دهد مردم انتظار داشتند امام جماعت به مشکلات فرهنگی، مشاوره خانوادگی، پیوند عقد ازدواج اسلامی نیز پردازد. (یازبک حداد و لومیس، 1371)

تحقیق فریبا شایگان از 100 نمازگزار در تهران در سال 72 نشان می دهد که هرچه فرد در تصمیم گیری ها و مشورت هایش از نظرات امام جماعت بیش تر استفاده کند، گرایش او به مسجد بیش تر

می شود. علاوه بر آن هرچه افراد از امکانات و خدمات ارائه شده مسجد بیش تر استفاده کند، گرایش بیشتری به مسجد خواهد داشت. (شایگان، همان، ص 40) تأکید متخصصان خانواده بر مشاوره پیش از ازدواج و نقش پیشگیرانه آن، نشان دهنده آن است که لازم است هر مسجدی اتافی برای مشاوره با مشاوران متعهد و متخصص داشته باشد تا ضمن دسترسی بهتر بتواند با اعتماد بیشتر و هزینه کمتر به مشاور ازدواج و خانواده مراجعه نمایند.

3. پس از انتخاب همسر

اشاره

در این بخش به کارکردهای مسجد پس از انتخاب همسر می پردازیم.

1-3- کمک به تسهیل روابط دوران عقد

آگاهی هایی که جوانان در مسجد به دست می آورند و مشاوره ها سبب می شود شناخت بهتری نسبت به جنس مخالف داشته باشند و آگاهی لازم برای ارتباط با همسر را کسب کنند.

مسجد می تواند نقش بسزایی در براندازی رسوم غلط در این دوران داشته باشد. بسیاری از مشکلات ارتباطی زن و مرد، از دوران عقد آغاز می شود و در همین دوران قابل پیشگیری است. بیشترین طلاق در کشور در سال اول ازدواج اتفاق می افتد و این یعنی یا انتخاب غلط و یا ناسازگاری در دوران عقد. مسجد و مسجدی ها

می توانند با ارائه شناخت کافی به جوانان و خانواده های آنان، مانع معضلات ناشی از روابط غلط در دوران عقد شوند.

2-3- کمک به ایجاد اشتغال برای مردان

مسجد می تواند به عنوان مرکزی برای شکل گیری سرمایه اجتماعی - اقتصادی و در نتیجه به عنوان یک میانجی برای تشکیل شرکت ها و تعاونی ها، واسط پرداخت وام ها و اعتبارات تولیدی - خدماتی و نیز معرف بیکاران و مراکز آموزش فنی - حرفه ای عمل نماید. علاوه بر آن از طریق حمایت هایی که از طریق منابع گوناگون از مردم و تقویت بهینه اقتصادی به عمل می آورد، زمینه های مشارکت هرچه بیش تر را فراهم کند. (میرزایی، همان)

3-3- کمک اقتصادی به همسران جوان

به نظر صاحب نظران علوم اجتماعی، افراد برای رسیدن به هدفشان، وسایل و راه هایی انتخاب می کنند.

شرایط و محیط های فرهنگی، اجتماعی و فیزیکی بر هدف و وسیله فرد اثر می گذارد. آگاهی و اقتصاد نیز در این راه مؤثر است؛ ولی چون اقتصاد تا حدی انرژی لازم برای کنش را فراهم می کند تا نیازهای رفاهی و مادی فرد مرتفع شود، کمتر به سمت اهداف معنوی و متعالی می رود. افراد طبقات متوسط مشارکت بیش تری در مساجد دارند. طبقات بالا بیش از حد ارضای نیازهای مادی و طبقات پایین کمتر از حد لازم مشارکت دارند و کم ترین مشارکت در مناطق فقیرنشین است. (شایگان، همان، ص 126)

این تحقیق نشان داد بین میزان حضور و مشارکت و ارضای توقعات از مسجد، همبستگی مثبت و معناداری هست. هرچه میزان ارضای توقعات افراد از مسجد بیش تر باشد، حضور و مشارکت در مسجد نیز بیش تر است. (همان، ص 178)

برخی از مساجد فعالیت های خیریه ای مانند کمک به مستمندان و تشکیل صندوق های قرض الحسنه دارند. جوانانی که در شرف تشکیل زندگی هستند و مشکلات مالی دارند، می توانند از این کمک ها بهره مند شوند.

4-3- الگوسازی های صحیح توسط ارائه نمونه های عینی از دواج آسان

مذهب کارکردهای گوناگونی دارد که هورتون و هانت آن ها را به چند دسته تقسیم نموده اند. مسجد هم به عنوان یک نماد دینی، این کارکردها را دارا است که عبارت اند از:

* الگوسازی: الگویی از عقاید و دکترین ها که ماهیت رابطه انسان ها با یکدیگر و با خدا را تعریف می کند، ارائه شود.

* مراسمی که سمبل این دکترین ها و عقاید است، برگزار شود، به عنوان مثال مراسم ازدواج به صورت ساده و با رعایت موازین اسلامی صورت گیرد.

* کنترل حکومت: هنجارهای رفتاری که این عقاید را استوار و پابرجا می کند و منجر به الگو می شود، ارائه شود؛ مانند ایران بعد از انقلاب اسلامی. (هورتون و هانت، همان، ص 241)

دین می تواند مردم را به برخی از سبک های زندگی ترغیب کند و تأثیر فراوانی در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک های زندگی مصرفی داشته باشد. باکاک معتقد است: «هنوز مواعظ دینی می توانند بسیاری از مردم را در سراسر جهان با دلایل مستحکم و الگوهای برانگیزنده به محدود کردن امیالشان به کالاها و تجارب مصرفی ترغیب کنند.» (باکاک، 1381، ص 177)

دین می تواند بر انتخاب سبک زندگی اثر گذارد و دیندارانی را که از الگوهای دینی تبعیت می کنند، به

سمت سادگی و قناعت سوق دهد. کسانی که با مسجد ارتباط دارند، با الگوهای اسلامی بیش تر آشنا شده و سبک زندگی اسلامی بیش تر در زندگی آن ها دیده می شود. (آزاد ارمکی، همان)

از جمله مسائلی که حائز اهمیت است و نیاز به الگوسازی دارد، برگزاری ساده مراسم ازدواج و زندگی ساده است. انس با مسجد و شرکت در محافل مذهبی، سبب می شود الگوی ازدواج آسان بین جوانان و خانواده ها، رایج شود و از رسومی که مخالف نظر اسلام است، صرف نظر شود.

مقام معظم رهبری در مورد برگزاری ساده مراسم ازدواج فرمودند: «در همه امور زندگی تان سادگی را رعایت کنید. اولش هم از همین مراسم ازدواج است. از اینجا شروع می شود. اگر ساده برگزار کنید، قدم بعدی اش هم می شود ساده و الا شما که رفتید آن مجلس کذایی مثل اعیان و اشراف زمان طاغوت را درست کردید، بعد دیگر نمی توانید بروید توی خانه کوچکی مثلاً با وسایل مختصری زندگی کنید. این جور نمی شود دیگر؛ چون خراب شده و ازدست رفته است. از اول، زندگی پایه اش بر اساس سادگی و ساده زیستی باشد تا زندگی بر خودتان، بر خانواده تان و بر مردم جامعه ان شاء الله آسان شود.» (حاج علی اکبری، 1383، سخنرانی بعد از خطبه عقد، 13 اردیبهشت 1374)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «ان اعظم النکاح برکه ایسره مؤونه: پربرکت ترین ازدواج کم هزینه ترین آن است.» (المتقی الهندی، 1424 هجری قمری، ج 16، ص 299، ح 44577)

5-3- اجرای صیغه عقد در مسجد

امام زین العابدین علیه السلام به نقل از جابر فرمودند: «هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و اله خواست که فاطمه علیه السلام را به ازدواج علی علیه السلام درآورد، به او علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو، به سوی مسجد روانه شو و من در پی تو می آیم، و در حضور مردمان، همسرت می دهم و از فضایل تو، آن گونه می گویم که دل شاد شوی.

علی علیه السلام فرمود: من، آکنده از شادی و خوش حالی، از نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و اله خارج شدم. در راه به ابوبکر و عمر برخوردم. گفتند: چه خبر، ای ابوالحسن؟ گفتم: قرار است پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فاطمه را به ازدواج من درآورد. به من خبر داد که به فرمان خداوند، او را به ازدواج من درآورده است. به زودی، پیامبر خدا صلی الله علیه و اله در پی من می آید تا [این خبر را] در حضور مردمان، بازگوید. آن دو نیز شاد و خوش حال شدند و با من به مسجد آمدند.

علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، هنوز به وسط مسجد نرسیده بودیم که پیامبر خدا صلی الله علیه و اله به ما پیوست و چهره اش از شادی و خوش حالی می درخشید. فرمود: بلال کجاست؟. بلال گفت: بله! در خدمتم، ای پیامبر خدا! سپس پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: مقداد کجاست؟. مقداد گفت: بله، ای پیامبر خدا! فرمود: سلمان

کجاست؟ سلمان گفت: بله، ای پیامبر خدا! فرمود: ابوذر کجاست؟. ابوذر گفت: بله، ای پیامبر خدا! چون اینان در برابر پیامبر خدا صلی الله علیه و اله ایستادند، فرمود: همگی بروید و در اطراف مدینه بایستید و مهاجران و انصار و مسلمانان را جمع کنید. آنان به فرمان پیامبر خدا صلی الله علیه و اله رفتند. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله پیش رفت و در بالاترین پله منبر نشست. هنگامی که مردم در مسجد جمع شدند، پیامبر خدا صلی الله علیه و اله برخاست و حمد و ثنای خدا را به جا آورد و فرمود: سپاس، از آن خدایی است که آسمان را ساخت و برافراشت و زمین را پهن کرد و گستراند و با کوه های میخ آسا استوارش ساخت و از آن، آب و چراگاه هایش را بیرون آورد؛ همان خدایی که از صفاتی که وصف کنندگان برای وصف او می گویند، برتر است و از آنچه گویندگان در تجلیل او به زبان می آورند، فراتر است؛ همو که بهشت را پاداش پرهیزگاران قرارداد و آتش را کیفر ستمکاران و مرا برای مؤمنان، رحمت و برای کافران، مایه کیفر و نعمت قرارداد.

ای بندگان خدا! شما در سرای آرزو قرار دارید، میان زندگی و مرگ و تندرستی و بیماری ها؛ در سرایی که همه چیز آن، زوال یافتنی است و جایگاه دگرگونی حالات و مایه کوچیدن، قرار داده شده است. پس رحمت خدا بر آن مردی که آرزویش را کوتاه سازد و در کار و عملش بکوشد و زیادی مالش را انفاق کند و زیادی قوت خویش را ننگه دارد و آن را برای روز نیازمندی اش پیش فرستد؛ روزی که در آن، مُردگان محشور می شوند و صداها به خاموشی می گراید و فرزندان و مادران، یکدیگر را نمی شناسند و «مردم را مست می بینی، درحالی که مست نیستند»؛ «آن روز، خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می دهد و خواهند دانست که خداوند، همان حقیقت آشکار است»؛ «روزی که هر کس آن کار نیکی را که کرده و آن بدی ای را که مرتکب شده، حاضر شده می یابد و آرزو می کند که ای کاش، میان او و آن [کارهای بد]، فاصله ای دور بود». «پس هر کس به وزن ذره ای نیکی کند، آن را می بیند و هر کس به وزن ذره ای بدی کند، آن را می بیند»؛ برای روزی که در آن، پیوندهای نسبی از میان می روند و رشته ها [ای خویشاوندی] بریده می شوند و گناهکاران، با سختی، حسابرسی می شوند و به سوی عذاب، رانده می شوند.

پس، آن کسی که از آتش دانسته شده، ولی به بهشت درآورده شود، به رستگاری دست یافته است. زندگی دنیا، چیزی جز لذتی پوچ و فریبنده نیست. ای مردم! پیامبران، حجت های خدا در زمین او و گویندگان کتاب او و عمل کنندگان به وحی اویند. خداوند عزوجل به من دستور داد که دخترم فاطمه را به ازدواج برادرم و پسرعمویم و نزدیک ترین مردمان به من، یعنی علی بن ابی طالب، درآورم. خداوند بلندمرتبه، او را در آسمان، به همسری فاطمه درآورد و فرشتگان را بر آن، گواه گرفت و به من دستور داد که در زمین نیز او را به ازدواج فاطمه درآورم و شما را بر آن، گواه گیرم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله سپس نشست و فرمود: برخیز _ ای علی _ و برای خودت خطبه عقد را [بخوان. علی علیه السلام فرمود: ای پیامبر خدا! با وجود شما، من خطبه را بخوانم؟ فرمود: «بخوان؛ زیرا جبرئیل به من دستور داد که به تو دستور دهم خطبه ات را خودت بخوانی. اگر داوود علیه السلام خطیب بهشت نبود، بی گمان، تو [خطیب آن] بودی، ای علی!»

آنگاه، پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «ای مردم! سخن پیامبرتان را بشنوید. خداوند، چهار هزار پیامبر برانگیخت که هر پیامبری، یک جانشین داشت، و من، بهترین پیامبران هستم، و جانشینم بهترین جانشینان است». سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و اله سکوت کرد و علی علیه السلام سخن آغاز کرد و فرمود: «سپاس، از آن خدایی است که کلیدهای دانش خود را به گویندگان، الهام فرمود و دل های پرهیزگاران را با شعله های عظمتش، روشن نمود و راه های رهپویان را با نشانه های احکامش، هویدا ساخت و جهانیان را به وجود پسرعموی برگزیده ام، دل شاد کرد تا آن که دعوت او بر دعوت ملحدان، برتر آمد و آیین او بر باطل های باطل گرایان، چیره گشت و او را واپسین پیامبران و سرور فرستادگان قرار داد. پس او پیام پروردگارش را [به مردمان] رساند و فرمان او را اجرا کرد و نشانه های خدا را از جانب او ابلاغ نمود.

سپاس، برای خداوندی است که با قدرت خویش، بندگان را آفرید و به واسطه دینش آنان را عزت داد و به وجود پیامبرش محمد صلی الله علیه و اله، مفتخرشان نمود، و مهر ورزید و گرامی داشت و ارجمندی و بزرگی بخشید. سپاس، مخصوص خداوند است، به خاطر نعمت ها و احسان هایش. گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، گواهی خالصانه ای که او را خشنود گرداند و درود خدا بر محمد؛ درودی که او را [به خدا] نزدیک کند و بهره مندش سازد!

و بعد، ازدواج از اموری است که خداوند متعال، بدان امر کرده و به این کار، اجازت داده است و این مجلس ما، از آن مجلس هایی است که خدا به آن فرمان داده و مورد رضایت اوست. اینک محمد بن عبدالله، پیامبر خدا، دخترش فاطمه را به ازدواج من درآورد، با مهریه چهارصد درهم و دینار، و من بدان راضی ام. پس، از خود ایشان پرسید و گواه باشید».

مسلمانان گفتند: ای پیامبر خدا! آیا او را تزویج نمودی؟

پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: «آری».

مسلمانان گفتند: خداوند، بر هر دو آنان مبارک گرداند و پیوسته در کنار هم بداردشان.» (طبری، بی تا، ص 88؛ مجلسی، همان، ج 103، ص 269)

حضرت پیامبر صلی الله علیه و اله تبرکاً خطبه عقد این دو بزرگوار را در حضور مردم با این تشریفات خواندند که خود نوعی فرهنگ سازی است.

ص: 385

ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام یک الگو برای ما است. این ازدواج در عین سادگی در مسجد برگزار شد. پیامبر صلی الله علیه و اله ازدواج آن ها را در مسجد اعلام کرد و خطبه عقد را نیز همان جا در حضور دیگران خواند.

مسیحیان نیز ازدواج خود را در کلیساها برگزار می کنند. از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل شده است که می فرمایند: «اعلنوا هذا النکاح و اجعلوه فی المساجد»: «ازدواج را آشکارا و در مساجد برگزار نمایید.» (سنن الترمذی، ج 3، ص 399، ح 1089؛ سنن ابن ماجه، ج 1، ص 611، ح 1895) برخی از مساجد مانند مسجد مالزی و اندونزی، به پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله بخشی را به برگزاری مراسم عقد اختصاص داده اند. (بی آزار شیرازی، همان، ص 89)

برگزاری مراسم ازدواج و ولیمه دادن در اسلام مستحب است؛ اما اسلام تأکید بر ساده بودن این گونه آیین ها دارد. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: «إن أعظم النکاح برکه أیسره مؤونه»: «پربرکت ترین ازدواج، آن است که کم هزینه تر باشد.» (مسند ابن حنبل، ج 9، ص 365، ح 24583؛ المتقی الهندی، همان، ج 16، ص 299، ح 44577)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله مراسم عقد و ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را در مسجد برگزار کردند و به دستور آن حضرت، سفره وسیعی در مسجد گسترده و بسیاری از مردان و زنان مسلمان اطعام شدند. آنگاه عروس و داماد را به مسجد فراخواندند و دست فاطمه علیها السلام را در دست علی علیه السلام گذاشتند و برای آن دو دعا کردند.

امام صادق علیه السلام در حدیث ازدواج علی و فاطمه علیها السلام فرمودند: «سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و اله به من فرمود: «ای علی! برای خانواده ات غذایی آبرومند تهیه کن.

سپس افزود: گوشت و نان از ما، خرما و روغن بر عهده تو.

من قدری خرما و روغن خریدم. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله آستین هایش را بالا زد و شروع به تفت دادن خرماها در روغن کرد تا آن که حلوابی ساخت و قوچ فربهی را برای ما فرستاد که ذبح شد و مقدار زیادی هم نان برایمان پخت.

من به مسجد رفتم. مسجد پر از صحابه بود. خجالت کشیدم که عده ای را دعوت کنم و عده ای را واگذارم. پس بالای تپه ای که آنجا بود رفتم و فریاد زدم: در ولیمه فاطمه حاضر شوید. مردم گروه گروه آمدند. من از این که جمعیت زیاد بود و غذا اندک، خجالت زده شدم. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله دریافت که در دل من چه

می گذرد. سپس فرمود: ای علی! از خداوند برکت خواهم خواست. علی علیه السلام گفت: همه مردم تا آخرین نفر، از غذا و نوشیدنی من خوردند و نوشیدند و برایم طلب برکت کردند و همگی - که بیش از چهار هزار مرد بودند - رفتند؛ اما از غذا هیچ کم نشده بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله دوری ها را خواست و آن ها را از غذا پر کرد و به خانه های همسرانش فرستاد. سپس یک دوری برداشت و در آن، مقداری غذا ریخت و فرمود: این هم برای فاطمه و شوهرش». (طوسی، 1414 هجری قمری، ص 42، ح 45؛ مجلسی، همان، ج 43، ص 95، ح 5)

بحث و نتیجه گیری

مسجد در اسلام تنها یک مکان و محل برای جمع شدن مسلمانان نیست، بلکه مرکزی برای تنظیم رابطه مسلمانان با خدا، رابطه با خود و مدیریت رابطه با دیگران است. ازدواج که بهترین بنا و سازه معنوی در اسلام است، در بُعد رابطه با دیگران از بهترین سازه ظاهری اسلام، یعنی مسجد اثر می پذیرد؛ هم پیش از اقدام به ازدواج و هم در فرایند آن و هم پس از انتخاب همسر.

پیش از ازدواج، همان گونه که در صدر اسلام گاهی نقطه آغاز برای ازدواج، مسجد بود، مناسب است ائمه جماعات و نمازگزاران با شناسایی عوامل بازدارنده در اقدام جوانان به ازدواج به مقابله با آن ها بپردازند. به عنوان مثال، اگر ترس از مسائل اقتصادی است، با ترویج فرهنگ قناعت و توکل و معرفی نمونه های عینی آن در بین نمازگزاران، انگیزه اقدام به ازدواج را در جوانان افزایش دهند. دوستی هایی که در بین جوانان مسجدی اتفاق می افتد، می تواند زمینه رشد عاطفی آن ها را فراهم کند. مسئولیت هایی که جوانان در مسجد می پذیرند، زمینه رشد اجتماعی آن ها را فراهم می کند که این ها، پیش شرط ازدواج موفق خواهند بود.

لازم است با دعوت از کارشناسان متخصص و متدین در مساجد و محافل مذهبی، شناخت های لازم در زمینه نقش های همسری و ویژگی های دو جنس به جوانان ارائه شود تا بهتر آماده ازدواج گردند. این جلسات با موضوعات جزئی درباره مسائل ازدواج، می تواند رفته رفته به تغییر نگرش خانواده ها جهت آسان سازی ازدواج منجر شود. برجسته کردن خانواده هایی که در ازدواج سخت نمی گیرند، گاهی در راستای همین هدف است.

بهترین گزینه برای اثر گذاشتن بر فرد و جامعه، نهاد خانواده است. برای مثال برگزاری جلسات مستقل برای مراوده زنانی که دختر یا پسر نزدیک به سن ازدواج دارند، به ویژه اگر به صورت گفتگو و مباحثه باشد،

می تواند با کار مداوم در جامعه نیز اثر خود را نشان دهد.

ایجاد و تقویت کتابخانه های مساجد و مسابقه کتاب خوانی و هدیه کتاب های مربوط به ازدواج و انتخاب همسر، به انتخاب ملاک های درست کمک می کند. دعوت از افرادی که زندگی خانوادگی موفق دارند، تا دوستانه ملاک هایشان را برای جوانان بگویند و حتی افرادی که طلاق گرفته اند و بازگو کردن این که چه ملاک های اشتباهی داشته اند، می تواند راهگشای انتخاب جوانان باشد.

در هر مسجد باید افراد معتمد و متدین دفتری برای نوشتن نام پسران و دختران آماده ازدواج، داشته باشند و به همان سنت گذشته موردهای مناسب را با دقت و تأمل به هم معرفی کنند. این گونه، مسجد خود نقطه امنی برای شروع خواستگاری و سپس تحقیق و بررسی مورد است.

تجربه برگزاری جلسات مشاوره در برخی از هیئات مذهبی نشان داده است که حتی افراد غیر مذهبی هم برای خدمات مشاوره ای مراجعه کرده و از جمله در انتخاب همسر از مشاوران امین و دانا بهره می گیرند. صندوق های قرض الحسنه مساجد و کارگاه های مرتبط با مسجد، می تواند در زندگی اقتصادی جوانی که همسر انتخاب کرده، کمک خوبی باشد.

هیئت امنای تدابیری داشته باشند تا با دعوت از رسانه ها و تهیه هدایای مختصری، جوانانی را که در مسجد مراسم عقد خود را برگزار می کنند، معرفی و از آن ها تجلیل کنند. چنان که تنها خانواده معصوم دنیا حضرت علی و حضرت زهرا علیها السلام عقدشان در خانه خدا بسته شد و مورد تحسین پیامبر صلی الله علیه و اله و مسلمین قرار گرفتند. حتی با کمی تزئین مسجد و رعایت برخی شئون، بخشی از اجتماع مراسم عمومی در مسجد می تواند همراه مولودی باشد و سپس مراسم شام و برخی شادی های دیگر در تالار یا منزل عروس یا داماد صورت گیرد. ازدواج آسان و بهنگام نیاز به همت تک تک افراد، حمایت خانواده ها و پشتیبانی دوست ها دارد.

منابع

1. قرآن
2. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، جلد سوم، بیروت، دار صادر، بی تا.
3. امینی، روح الله، زمینه فرهنگ شناسی، بی چا، عطار، 1372.
4. آزاد ارمکی، تقی، «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ»، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره 4، پاییز و زمستان 1384.
5. باکاک، روبرت، مصرف، ترجمه خسرو صبوری، شیرازه، تهران، 1381.

6. بستان، حسین و همکاران، اسلام و جامعه شناسی خانواده، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، 1383.
 7. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، «مسجد قلب جامعه اسلامی»، فرهنگ کوثر، شماره 16، تیر 1377.
 8. جمعی از نویسندگان، اخلاق خانواده، چاپ دوم، دفتر نشر معارف، قم، 1391.
 9. حاج علی اکبری، محمدجواد، مطلع عشق، بی چا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1383.
 10. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، جلد 20، بی چا، مؤسسه آل البیت، 1409 هجری قمری.
 11. حسین خانی نائینی، هادی، فرآیند همسرگزینی، بنشاسته، قم، 1391.
 12. دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، مؤسسه فرهنگی تقلین، قم، 1385.
 13. سلطان زاده، حسین، روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، آگاه، تهران، 1362.
 14. شایگان، فریبا، تبیین جامعه شناختی مشارکت مردم در مساجد، جامعه شناسان، تهران، 1389.
 15. شبلی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1361.
 16. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا.
 17. ضرابی، عبدالرضا، «نقش و عملکرد مسجد در تربیت»، معرفت، شماره 33، فروردین و اردیبهشت 79.
 18. طبری، محمدبن جریر، دلائل الامامه، دارالذخائر للمطبوعات، قم، بی تا.
 19. طوسی، محمدبن حسن، الأمالی للطوسی، قم، دارالثقافه، 1414 هجری قمری.
 20. عباسی حسینی، ابراهیم، «مروری بر جامع شناسی مسجد»، مجله مشکوه، شماره 16، پاییز 1366.
 21. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، 1342.
 22. کلینی، محمدبن اسحاق بن یعقوب، اصول الکافی، دارالکتب الاسلامیه، 1365.
 23. الممتقی الهندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، جلد 16، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1424 هجری قمری.
1. مجلسی، محمدتقی، بحار الانوار، الوفاء، بیروت، 1404 هجری قمری.
 2. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده، چاپ دوم، معشر، تهران، 1388.

3. موسوی خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل، ویرایش دوم، محراب، تهران، 1362.
4. موسوی، محمد، «مساجد و نیازهای معنوی جوانان»، مجله فرهنگ کوثر، شماره 85، بهار 1390.
5. میرزایی، خلیل، پروین، پژمان، «مسجد، خانواده، سلامت اجتماعی»، اصلاح و تربیت، شماره 128، دی 1391.
6. الولی، طه، المساجد فی الاسلام، دارالعلم للملایین، بی جا، 1409 هجری قمری.
7. الویری، محسن، «مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار»، دین و ارتباطات، شماره 31، بهار و تابستان 1386.
8. یازبک حداد، ایوان و لومیس، آدیر، گسترش ارزش های اسلامی در ایالات متحده امریکا، مترجم افضل وثوقی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، 1371.
9. Horton Paul B Hunt Chedterl: Socialogy. Mc Groa Hill. 1984.
10. Islam, Our choice, ashra publications, Karachi.

تشکل های مسجدی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها روح الله حریزوی

اشاره

روح الله حریزوی(1)

«این جوانانی که در تهران، در شهرهای گوناگون کار فرهنگی می کنند، با اراده خودشان، با انگیزه خودشان... کار را هر چه می توانند به طور جدی دنبال کنند و ادامه بدهند. بدانند که همین گسترش کار فرهنگی در بین جوان های مؤمن و انقلابی، نقش بسیار زیادی را در پیشرفت این کشور و در ایستادگی ما در مقابل دشمنان این ملت ایفا کرده است» (بیانات رهبر معظم انقلاب در نوروز 1393).

چکیده

مسجد به عنوان مرکز رشد و تربیت جامع انسان و تشکل های وابسته به مسجد همچون پایگاه های مقاومت بسیج، کانون های فرهنگی هنری، هیئت ها، جلسات قرآن به عنوان بازوهای مؤثر آن در جامعه اسلامی، همواره نیاز به توجه به عوامل کارآمدی و اثربخشی خود دارند. تشکل های مسجدی در صورت توجه به عوامل موفقیت و ناکامی احتمالی، می توانند در وضعیت مطلوب قرار گیرند و به اهداف خود دست یابند. این مقاله در صدد است با احصای عوامل درونی مؤثر بر حرکت این تشکل ها، یعنی نقاط قوت و ضعف و نیز عوامل بیرونی مؤثر بر فعالیت آن ها یعنی فرصت ها و تهدیدها، یک راهنمایی اجمالی برای نیل به اهداف اساسی این مجموعه های نورانی و پیشنهاد های کاربردی ارائه نماید. عناوین چهارگانه مذکور در ادبیات اندیشه و روان اسلامی، به نام مقتضی و مانع شناخته می شده و در علوم جدید مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک، به تحلیل «SWOT» موسوم است و طبعاً روش پرداختن این مقاله بر همین اساس خواهد بود. لازم به ذکر است که نوشتار حاضر یک مقاله توصیفی-کاربردی است که بر اساس تجارب عملی نگارنده و مشاهده و مقایسه برنامه های کلان فرهنگی- تربیتی کشور به رشته تحریر درآمده است.

کلید واژه ها

تشکل مسجدی، نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها، تهدیدها.

ص: 391

مسجد اولین بنیان الهی و مهمانخانه خدا در زمین و جایگاه نزول برکات و خیرات آسمانی، خانه آگاهی و عبادت، خانه خدا و مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست و کانون حیات طیبه اسلامی است. نقش عظیم و تمدن ساز مسجد در شکل گیری و تقویت اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و اله و گسترش تعالیم انسان ساز اسلام و تربیت مجاهدان و عالمان و فرهیختگان زمان آگاه بر کسی پوشیده نیست؛ لکن تحقق جامع این نقش، نیازمند برنامه ریزی و سیاست گذاری تمامی ارکان مسجد و اجزای مرتبط با آن است.

در طول تاریخ تمدن اسلامی تلاش های ویژه ای برای رشد و اعتلای فرهنگ دینی و تقویت نقش مسجد و جریان تبلیغی آن توسط عالمان مجاهد صورت گرفته است؛ اما انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف تاریخ تشیع و مرحله ای جدید در تحقق تمدن نوین اسلامی، تأثیر بسزایی در شکل گیری یک حرکت بالنده و جدید فرهنگی برای تبلیغ و ترویج دین داشته است. تبلیغ دین به عنوان یکی از دغدغه های نبی اکرم صلی الله علیه و اله و ائمه هدی علیهم السلام از دیرباز از اهداف اصلی عالمان و مؤمنان بوده است و همگان در تکاپوی حفظ این فرهنگ و ایجاد سازوکارهای لازم برای آن بوده اند.

تبلیغ سنتی در تاریخ و فرهنگ اسلامی غالباً مبتنی بر رابطه ای یک طرفه با محوریت مبلغ، ذاکر و مداح بوده است؛ ولی پس از تحقق رنسانس در مغرب زمین و آغاز جریان دین ستیزی در غرب، دین گریزی در شرق با سردمداری روشنفکران و غرب زدگان آغاز شد و موجب ناکارآمدی روش های سنتی تبلیغ دین گردید.

تأسیس دانشگاه و تمرکز آن بر حس گرایی و جایگزینی روش تجربی به جای روش عقلی و نقلی، تولید علوم انسانی مبتنی بر نفی روح و انتقال آن به کشورهای اسلامی، گسترش شبهات و انکار خدا و ماوراءالطبیعه، هجوم سبک زندگی غربی و مظاهر آن مانند هیپی گری، بی حجایی، قماربازی، لهو و لعب و سرگرمی های کاذب، همه و همه لزوم بازنگری در شیوه های تبلیغ دین را جدی تر می نمود؛ لیکن ابزارهای حکومتی و پول و امکانات در اختیار جباران و منحرفان قرار داشت و عملاً دایره نفوذ روحانیت و دین مداران را به مساجد و هیئت ها و جلسات خانگی محدود می نمود. جریان تبلیغی مردمی و سنتی تلاش ویژه ای برای مبارزه با دستگاه حاکمه مبذول داشت؛ برای نمونه با انسجام بخشی به هیئت های عزاداری سیدالشهدا علیه السلام، به تشکیل هیئت های مؤتلفه مبادرت ورزید که هم کار مذهبی می کرد و هم به فعالیت سیاسی می پرداخت.

با ظهور انقلاب اسلامی، جان تازه ای در کالبد روحانیت در جایگاه نهاد رسمی تبلیغ دین و تولید علم دینی دمیده شد و بالتبع سایر جریان های سنتی دین مدار مانند هیئت های مذهبی و جلسات قرآنی نیز در صدد بازسازی و سازمان دهی خود برآمدند. هرچند اقدامات عمده ای در زمینه نوسازی جریان تبلیغ دین در جمهوری اسلامی ایران در 37 سال گذشته صورت گرفته است، لیکن بروز بودن این جریان و توجه ویژه به روزآمدی مستمر آن، به ویژه در سطح تشکل هایی که در مساجد فعالیت می کنند، یعنی پایگاه های بسیج،

کانون های فرهنگی - هنری، جلسات قرآن و دعا و هیئت های عزاداری، یک ضرورت انکارناپذیر است. شناسایی نقاط موفقیت و آسیب های موجود و به طور کلی برخورداری متولیان امور این تشکل ها از یک نگاه جامع به فرصت ها، تهدیدها و همچنین نقاط قوت و ضعف، می تواند موجب بهینه سازی حرکت جریان مقدس ترویج دین را فراهم آورد و با افزایش کارآمدی و اثربخشی این نهادهای مردمی، زمینه ساز رشد و تعالی آن شود.

الف) تعاریف

1. نقاط قوت: به عوامل درونی مؤثر بر فعالیت مثبت یک تشکل برای رسیدن به اهداف اطلاق می شود.
2. نقاط ضعف: به موانع درونی فعالیت یک تشکل اطلاق می شود که موجب حرکت منفی آن می گردد.
3. فرصت ها: به عوامل بیرونی مؤثر بر فعالیت مثبت یک تشکل برای نیل به اهداف آن اطلاق می شود.
4. تهدیدها: به موانع بیرونی مؤثر بر حرکت یک تشکل برای تحقق اهداف آن اطلاق می شود.

ب) نقاط قوت

اشاره

مسجد به عنوان یک هدیه الهی و نقطه عطف معنوی در حیات بشر، ظرفیت های عمیقی در اختیار مجموعه های مرتبط و وابسته به خود قرار می دهد و تمامی تشکل های مسجد باید برای کشف عوامل درونی موفقیت، به موقعیت و جایگاه این مکان مقدس توجه ویژه داشته باشند؛ چرا که به فرموده امیرالمؤمنین علی علیه السلام در هر حرکتی توجه به جایگاه زمانی و مکانی، موجب جلب رحمت الهی و در نتیجه حصول ثمره بیشتر می شود. امام اول شیعیان می فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ إِمْرًا عَلِمَ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ:

رحمت خدا شامل حال کسی است که بداند از کجا آمده است و در چه جایگاهی قرار دارد و به کجا خواهد رفت (کلینی، 1407ق، ج 1، ص 571).

1. قداست مسجد

مهم ترین وجه تمایز مسجد با سایر اماکن فرهنگی قداست ذاتی آن است. قرآن کریم مسجد را مستقیماً متعلق به خداوند متعال می داند و در آیه هجدهم سوره جن می فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا (مخوانید). این اصل مهم لازم است در تمام برنامه ریزی های فرهنگی تشکل های فعال در مساجد مورد توجه قرار گیرد و برنامه ها به گونه ای سامان یابد که با فلسفه وجودی مسجد، یعنی عبادت و عبودیت سازگاری داشته باشد. بر همین اساس است که از نظر فقهی هرگونه طرحی که موجب تبدیل مسجد به محلی با ماهیت غیرعبادی باشد، مورد نهی و نفی شارع مقدس است و موارد مشکوک نیاز به بررسی و صدور مجوز از سوی حاکم شرع دارد.

متأسفانه در مواردی شاهدیم که بانیان امور فرهنگی مساجد از این نقطه قوت عظیم الهی غفلت کرده، با انفعال در برابر تکثرات حیات مادی، سعی در جایگزینی برنامه های متنوع و جذاب با برنامه های اصیل مذهبی دارند؛ غافل از آنکه روح خسته مردم با پناه آوردن به مساجد، در پی آرامش و نشاط معنوی است و مساجد باید پاسخگوی ندای فطرت باشند، نه در تکاپوی شکستن قالب های سنتی و بنیادین.

ناگفته پیداست نگارنده درصدد انکار اهمیت ابزارها و روش های جدید و استفاده از فناوری های روز نیست؛ بلکه نگران فراموشی هویت پاک و سالمی است که قرن ها عامل تربیت نسل ها و نفوس بوده است. برای روشن شدن مقصود به ذکر واقعیتی قابل تأمل می پردازیم: طبق برخی آمارها تهران به عنوان ام القرای جهان اسلام و پرجمعیت ترین شهر ایران اسلامی، به ازای هر 2000 نفر واجد یک مسجد است. این در حالی است که آمار هیئت های عزاداری این شهر تقریباً دو برابر مساجد آن است و این امر از لحاظ آسیب شناسی تشکل های مذهبی پدیده ای معنادار است. شاید یکی از دلایل رشد سریع هیئت ها عزاداری و گسترش کند مساجد، آزادی عملی است که در برنامه های تشکل ها وجود دارد، ولی در مساجد قابل ارائه نیست. این امر می تواند نوعی مسجدگریزی به شمار آید و از جهتی هم نشانه فراموشی قداست مسجد باشد و نوعی افول معنوی محسوب شود. البته شکی در توفیقات ارزشمند هیئت ها نیست و این مسئله در جای خود قابل بحث است.

اگر غرب دموکراسی و مشارکت مردم در تأسیس «NGO» ها را به عنوان یک فراورده اجتماعی عرضه می کند و به آن می بالد، اسلام مسجد را به عنوان زیباترین جلوه مشارکت مدنی به بشریت عرضه نموده است.

اولین خانه ای که خداوند برای بشر قرار داده، یک مسجد است که آدم نبی علیه السلام به عنوان اولین انسان و اولین پیامبر اقدام به ساخت آن نمود: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا» (آل عمران: 96) و ابراهیم خلیل مبادرت به نوسازی آن ورزید: «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»: هنگامی که ابراهیم با کمک اسماعیل پایه های خانه خدا را بنا می نمود، از خدا می خواست که این عمل را از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی» (بقره: 127).

سنت معبدسازی در طول حیات انبیای الهی ادامه داشته است تا اینکه رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و اله در اولین اقدام خود برای تأسیس تمدن اسلامی، مسجد قبا را با مشارکت مسلمین ساخت و خداوند متعال در آیه 108 سوره توبه، آن را مسجدی بر اساس تقوا اعلام نمود: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُطَهَّرِينَ»: در آن مسجد (ضرار) نماز بر پا ندارد؛ چراکه مسجدی که بر پایه تقوا تأسیس شده است، سزاوارتر است تا در آن نماز اقامه کنی. در آن مسجد (قبا) کسانی هستند که علاقه دارند پاک شوند و خداوند پاکان را دوست می دارد».

در این آیه شریفه چند نکته کلیدی وجود دارد: اولاً اخلاص حدوثنی و تقوای آغازین در هر عمل ملاک اصلی ارزش عمل است؛ ثانیاً مشارکت مردم مورد توجه است که با تعبیر «رجال» از آن یاد شده است؛ ثالثاً تقوای استمراری و بقایای شرط لازم برای حفظ طهارت و سلامت معنوی دانسته شده است. با تأمل در این

اصل بنیادین، وظیفه تمامی دست اندرکاران و سیاست گذاران امور فرهنگی روشن می شود که باید نقش مردم در تصدی و اداره این مجموعه ها را جدی بگیرند و مراقبت کنند مساجد حالت دولتی و حکومتی پیدا نکنند. تشکل های فعال در مساجد ایرادی ندارد با سازمان های دولتی ارتباط داشته باشند و از حمایت های حکومت اسلامی بهره جویند، لیکن باید استقلال مسجد را حفظ کنند و اجازه ندهند در افکار عمومی، مسجد وابسته به شرکت ها و سازمان ها شناخته شود؛ همان طور که در فقه اسلامی، وابستگی مسجد به یک طایفه و صنف موجب از بین رفتن عمومیت و جامعیت آن می شود و صدق عنوان مسجد جامع بر آن و ثمرات فقهی بعدی دچار خدشه می گردد.

راهکاری که در این ارتباط برای عموم تشکل های مؤثر در مساجد مفید به نظر می رسد، تلاش جدی در جهت جمع آوری مستمر کمک های مردمی و جذب بانی برای امور مختلف فرهنگی و تربیتی است. ممکن است خواننده گرامی این پاسخ را بیان کند که بانی شدن یک سنت دیرینه میان مسلمانان است و راهکار جدیدی نیست؛ اما در این رابطه به دو نکته باید توجه شود:

اولاً اصل مردمی بودن مسجد و وابستگی اقتصادی تشکل های مسجدی به مردم، منوط به نیاز مالی مسجد و توابع آن نیست. بلکه حتی اگر تشکل های مسجدی نیاز مالی به خیرین نداشته باشند، احتیاج اجتماعی دارند؛ یعنی از لحاظ اجتماعی و در نظر افکار عمومی لازم است مجموعه های دینی به مردم متصل باشند، چه نیازمند باشند و چه بی نیاز. استاد مرتضی مطهری در کتاب نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، راز ماندگاری روحانیت شیعه در طول دوران غیبت را وابستگی آنان به مردم و علت ضعف و فترت روحانیت اهل سنت را اتصال آنان به دستگاه سلاطین می داند و تعمیم این قاعده بنیادین به موضوع این مقاله، یعنی تشکل های مسجدی می تواند زمینه مردمی تر شدن آن ها را فراهم آورد.

ثانیاً مشارکت مردمی نباید منحصر به امور ساختمانی و تدارکاتی باشد؛ بلکه مناسب است در امور فرهنگی، هنری، علمی، تربیتی و اردویی از مشارکت و همیاری خیران بهره جست. در این راستا می توان به برخی از تجارب موفق در تشکل های مسجدی همچون وقف کتاب، نذر فرهنگی، ازدواج آسان، اعزام جوانان به اردوهای زیارتی و تربیتی اشاره نمود که آثار و برکات زیادی به دنبال داشته است.

3. ریاست مسجد

تنها سازمانی که به صورت قهری ریاست آن مشخص است، مسجد است که امام جماعت رئیس آن به شمار می رود. از رهبر معظم انقلاب نقل شده است که در یکی از جلسات فرموده اند: «امام جماعت رئیس طبیعی یک مسجد است». اصولاً محراب به عنوان محل دائمی جهاد با نفس و مبارزه با شیطان و منبر به عنوان میراث ماندگار رسول خدا صلی الله علیه و اله و ابزار مبارزه با انحرافات، شرایط مسجد را به سوی مرکزی با محوریت روحانیت سوق می دهد و موجب تمایز آن از سایر مجموعه های فرهنگی می شود. این امتیاز مهم و قوت مضاعف مسجد لازم است مورد توجه تمامی تشکل ها و دل سوزان فعال در مسجد قرار گیرد و در تأسیس و تعالی همه برنامه های فرهنگی - تربیتی، محوریت و نقش امام جماعت پررنگ دیده شود.

گاه مشاهده می شود هیئت امنای مسجد بدون جلب نظر امام جماعت مبادرت به اخذ تصمیماتی محتوایی می نمایند که از نظر نگارنده نوعی سکولاریسم پنهان به شمار می آید و باید در این زمینه، خطر

تز اسلام منهای روحانیت و رواج روحیه روشنفکری را به همگان گوشزد کرد؛ همچنین عادی شدن امامت جماعت افراد غیرروحانی و به اصطلاح مکلا در برخی مساجد - حتی در شهرهایی که به قدر کفایت روحانی در آن ها وجود دارد - یک آسیب جدی به شمار می آید که لازم است مورد توجه متولیان امر قرار گیرد.

در سال های اخیر شاهد تأسیس مرکزی تحت عنوان مرکز رسیدگی به امور مساجد در پایتخت کشور بوده ایم که اقدامی بسیار لازم در جهت تأمین و تعالی امامان جماعت برای مساجد تهران به شمار می رود. هرچند ملاحظات مختلف مانع از تحقق کامل رسالت این مرکز بوده است که امیدواریم به فضل خدا و خلوص بندگان خدا موانع مرتفع گردد و با موفقیت این مرکز در تهران، زمینه گسترش کار آن به کل کشور فراهم آید.

همچنین ایده تأسیس خانه عالم و خانه خادم در مساجد روستایی و برخی شهرها موجب کاهش مشکلات مربوط به حضور روحانی در مناطق محروم گردیده است که امید است با همت خیران و توسعه طرح هایی چون مسجده سازی زمینه رفع کامل محرومیت کشور در زمینه مسجد فراهم شود.

آنچه در این مقام شایان توجه است، لزوم پذیرش مدیریت عالیه امام جماعت از سوی تمامی تشکل های مسجدی است؛ امری که می توان در یک کلام آن را پذیرش ولایت امام جماعت مسجد نامید. ناگفته پیداست که امام جماعت نیز باید به شأن خود توجه داشته باشد و از دخالت های بی جا در امور جاری تشکل ها بپرهیزد.

4. شورای فرهنگی مسجد

علاوه بر نقش امام جماعت مسجد که در قسمت قبل مورد اشاره قرار گرفت، لازم است به جایگاه و نقش شوراهای مشورتی و سیاست گذاری در تحکیم و تعالی فعالیت تشکل های مسجدی اشاره نمود. اصولاً در اندیشه دینی ارزش والای مشورت و نهادینه شدن آن در اداره مجموعه های انسانی مورد عنایت خاصی است تا جایی که پروردگار متعال در آیه 159 سوره آل عمران به پیامبر گرامی اسلام دستور مشورت می دهد و می فرماید: «و شاورهم فی الأمر».

وجود شورایی برای سیاست گذاری، برنامه ریزی، هم اندیشی و هم افزایی تشکل های فعال در مساجد یکی از ضرورت های قابل توجه است که از دیرباز در قالب هیئت امناء نمود داشته و از شهریور 1392 با تصویب آیین نامه «شورای فرهنگی مسجد» اهداف، رویکردها، سیاست ها، مأموریت ها، اعضا و شرح

وظایف آنان از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد مورد تدقیق و تبیین قرار گرفته است.

شورای فرهنگی مسجد مجمعی است مرکب از امام جماعت، مسئولان و نمایندگان تشکل های فعال در مسجد که به منظور هم افزایی لازم در اجرای برنامه های فرهنگی، عمومی و مناسبتی در مساجد قابل تشکیل است و سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرای برنامه مزبور را بر مبنای استفاده حداکثری از توان و ظرفیت اهل

مسجد و اهالی محلی و نهادهای ذی ربط، تحت مدیریت امام جماعت بر عهده دارد. از جمله اهدافی که این شورا می تواند دنبال کند، می شود به موارد ذیل اشاره نمود:

1. احیای فرهنگ زندگی ساز امر به معروف و نهی از منکر در محله؛

2. بهره گیری از خرد جمعی و جایگزین نمودن فضای مشورتی و شورایی به جای حاکمیت سلاطین فردی؛

3. هم افزایی فکری و اجرایی فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در برابر جنگ نرم دشمن؛

4. شبکه سازی فعالان فرهنگی محل در برابر جبهه معارض فرهنگی انقلاب اسلامی.

با نگاه به اهداف مذکور مهم ترین مأموریت های این شورا این گونه تعیین شده است:

1. سیاست گذاری و برنامه ریزی در جهت نیل به اهداف مدنظر در مسجد الگو؛

2. تعیین سهم و تقسیم کار میان تشکل ها و فعالان فرهنگی مسجد در ارتباط با برنامه های مصوب، به تناسب امکانات و ظرفیت هریک از آن ها؛

3. هدایت فعالیت های فرهنگی مسجد در حوزه های بصیرتی، تربیتی و مناسبتی؛

4. تلاش در جهت جذب حداکثری مخاطبان، علی الخصوص نوجوانان و جوانان؛

5. آسیب شناسی فرهنگی محله و سنجش میزان اثربخشی برنامه ها در کاهش و کنترل آسیب ها؛

6. احصا، مطالبه و به میدان آوردن توان و بضاعت دستگاه ها، نهادها، مراکز فرهنگی - اجتماعی دولتی و غیردولتی در جهت تقویت برنامه های مسجد.

بر اساس آیین نامه شورا که از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد تنظیم شده است، اعضای این شورا عبارت اند از:

1. امام جماعت به عنوان رئیس شورا؛

2. فرمانده پایگاه بسیج برادران به عنوان دبیر شورا؛

3. مسئول فرهنگی هیئت امنای مسجد به عنوان عضو؛

4. مسئول كانون فرهنگي - هنري مسجد به عنوان عضو؛

ص: 398

5. مسئول فرهنگی پایگاه بسیج برادران به عنوان عضو؛

6. مسئول بسیج خواهران پایگاه مقاومت مسجد؛

7. یک نفر از آقایان مجرب در عرصه های فرهنگی به انتخاب امام جماعت؛

8. یک نفر از بانوان مجرب در عرصه های فرهنگی به انتخاب امام جماعت.

به نظر می رسد نفس تشکیل شورا و استفاده از روح جمعی و خرد عمومی می تواند در حرکت مسجد و تشکل های فعال در آن نقش عمده ای داشته باشد و چنین مسجدی را دارای یک نقطه قوت راهبردی نماید.

ج) نقاط ضعف

اشاره

عوامل درونی آسیب زا در فعالیت تشکل های مسجدی تا حدودی متنوع و متفاوت است و هر یک باید به صورت جداگانه مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. ما در این نوشتار به عوامل ضعف مشترک و متداول می پردازیم و از مشکلات اختصاصی برخی تشکل ها صرف نظر می کنیم.

1. ضعف در مبانی و اصول

تا حدودی ممکن است پذیرش این ادعا برای خوانندگان محترم قدری مشکل باشد، لیکن آنچه با دقت نظر در بسیاری از تشکل های فرهنگی و مذهبی به دست می آید، ضعف در مبانی، اصول و روش های تربیتی و مدیریتی است. بسیاری از کسانی که مشغول فعالیت در این مجموعه ها هستند، با نیت الهی و قصد خدمت به دین خدا و بندگان خدا پای در این مسیر نهاده اند؛ لیکن آگاهی دقیق از مبانی تربیت اسلامی و همچنین اصول مدیریت اسلامی ندارند و نیاز جدی به گذراندن دوره های تخصصی و شرکت در کارگاه های ویژه دارند. بررسی میدانی وضعیت محتوایی و مهارتی بسیاری از تشکل های مسجدی نشان می دهد، ضعف مباحث توحیدی و انسان شناسی، توجه به پوسته دین و غفلت از متن آن، افراط در عزاداری و استفاده از شیوه های خاص و نیز ضعف ساختار و سیستم تربیتی در مساجد، موجب رخوت و سستی بنیاد بسیاری از تشکل های مسجدی شده است.

به صراحت باید گفت تا زمانی که مجموعه های فرهنگی رسالت خود را شناسند و به اصول و فنون کار فرهنگی پی نبرند، امیدی به اعتلای حرکت آنان نیست و تحولات سریع فرهنگی جامعه موجب حذف آنان از گردونه اثرگذاری خواهد شد. تأکید بر این مسئله خالی از لطف نیست که تا وقتی به عمق فاجعه پی

نبرده باشیم، نخواهیم توانست قدمی در جهت اصلاح وضع موجود برداریم.

الحمدلله با پیدایش طرح صالحین در بسیج، بخش عمده ای از فرماندهان، سرگروه ها و مربیان فعال در پایگاه های بسیج مساجد تحت تربیت بینشی و روشی قرار گرفتند؛ اما سایر تشکل ها نیاز به رسیدگی های عمیق تر دارند. آنچه در عملکرد سایر مجموعه های متولی امور مساجد از قبیل سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیرخانه رسیدگی به امور کانون های فرهنگی - هنری مساجد مشاهده می شود، تکیه بر تأمین نیازهای مادی و امکاناتی و نیز برگزاری برنامه های متمرکز ستادی است و کمتر به نیازهای فکری و محتوایی توجه می شود.

پیشنهاد جدی و قابل تأملی که به نظر می رسد، تأسیس دانشگاه ها و پژوهشگاه های تخصصی برای تربیت و آموزش متولیان امور فرهنگی و تربیتی مساجد است. طبق اطلاعات موجود در سال 1384 تأسیس دانشگاه بسیج مورد موافقت وزارت علوم قرار گرفت، ولی این مصوبه تاکنون جامه عمل به خود نپوشیده است. آنچه در سال های اخیر ارائه شده، در قالب دوره های پودمانی 3 الی 5 روزه بوده و جنبه مقطعی و غیررسمی داشته است که نمی تواند آثار مورد انتظار را به دنبال داشته باشد.

همچنین پیشنهاد می شود دانشگاه جامع مسجد با گستره ملی در کشور تأسیس و تمامی متولیان تشکل های مسجدی به عضویت و تحصیل در آن ترغیب شوند. در این زمینه تجارب مشابهی نیز وجود دارد

که می توان از آن ها بهره گیری کرد؛ برای نمونه سازمان حج و زیارت با تشکیل مراکزی در قالب دانشگاه علمی - کاربردی به آموزش علمی کارگزاران حج پرداخته که آثار قابل توجهی در تبدیل جریان سنتی و تجربی کاروان داری حج به یک برنامه تخصصی و حرفه ای داشته است.

گفتنی است که در حال حاضر در مرکز مدیریت حوزه های علمیه در زمینه تعلیم و تربیت طلاب و روحانیون که بخش مهمی از بدنه مساجد و تشکل های وابسته به آن را تشکیل می دهد، دو برنامه اساسی به چشم می خورد: یکی معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی است که طلاب را جهت دوره تحصیلی کوتاه مدت حوزه جذب و در قالب تبلیغ بلندمدت به روستاها و مناطق محروم اعزام می نماید. دیگری معاونت آموزش حوزه است که به مراکز تخصصی اعطای مجوز می نماید. طبق آنچه در حوزه علمیه قم مشاهده می شود، در حال حاضر فقط دو مرکز تخصصی دارای مجوز رسمی از سوی حوزه علمیه تحت عنوان مرکز تخصصی نماز و مرکز تخصصی مسجد در این شهر مقدس مشغول به فعالیت هستند که در مقابل نیاز گسترده کشور بسیار ناچیزند و سایر مؤسسات فرهنگی، ارتباط رسمی با تشکیلات حوزه علمیه ندارند و با حمایت خیرین و برخی سازمان ها به حیات خود ادامه می دهند. البته اگر رسالت حوزه علمیه قم

را جهانی بدانیم و کار جهان اسلام را فقط بر دوش جامعه المصطفی ندانیم، معادله بسیار پیچیده تر خواهد شد!

2. ضعف کارآمدی و روزآمدی

اصیل و سنتی بودن از امتیازات یک مسجد است؛ لیکن کارآمدی و بروز بودن نیز از ضرورت های جدی و با اصالت مسجد هم قابل جمع است. بهره مندی از روش ها و ابزارهای نوین در بسیاری از تشکل های فرهنگی باید جدی تر گرفته شود.

روزگاری در این دیار فقر فرهنگی و تحجرگرایی در جامعه مذهبی آن قدر زیاد بود که استاد شهید مطهری در آسیب شناسی جهالت عصر خویش به نقل خاطره ای از مرحوم فلسفی می پرداخت که با آمدن میکروفن در اولین بار، برخی از خطبا با آن مخالفت کردند و آن را بوق شیطان نامیدند! اکنون نیز مسئله باقی است، اما به نوع دیگر. نگارنده بر این پندار است که برخی از موانع روزآمد شدن مسجد و تشکل های مسجدی به دلیل فقدان نگاه جامع فرهنگی و تمدنی پدید می آید و برخی دیگر به نارسایی دیدگاه های فقهی و فتوهای مراجع معظم تقلید وابسته است.

برای تبیین این آسیب لازم است به یکی از چالش های فرهنگی کشور در دهه هفتاد اشاره کنیم. در سال های پس از جنگ در شهرداری تهران طرح تأسیس فرهنگ سراها در سطح پایتخت اجرا شد که با استقبال نسبی بخشی از اقشار جامعه مواجه گردید. در همان روزگار برخی از دل سوزان مسائل فرهنگی پیشنهاد وابستگی فرهنگ سرای هر محله به یکی از مساجد آن محله را ارائه نمودند تا علاوه بر جلوگیری از رقابت ناسالم فرهنگ سراها با مساجد و مکان های مذهبی که طبیعتاً انزوای مسجد و تشکل های مسجدی را به دنبال دارد، هویتی اصیل برای فرهنگ سراها ایجاد و روح دیانت در آن ها دمیده شود و در یک کلام این مراکز جدید فرهنگی - هنری در زمره تشکل های مسجدی قرار گیرد؛ لیکن برای تحقق این آرمان ارزشمند دو مانع اساسی وجود داشت:

یکی مخالفت جریان تکنوکرات حاکم بر دولت قبل بود که تفسیر خاصی از اسلام را دنبال می نمود و به تصریح رهبر معظم انقلاب در جلسه افطاری دانشجویان در 24 رمضان امسال (1394 ه. ش / 1436 ه. ق): «عده ای بعد از رحلت امام می خواستند آرمان های امام را بشورند و بریزند دور». البته بحث در این زمینه مجالی موسع می طلبد که فعلاً به آن نمی پردازیم؛ به ویژه اینکه در این موضوع یعنی نپیوستن فرهنگ سراها به مساجد، تکنوکرات ها مانع اساسی به شمار نمی روند.

مانع دوم که به زعم نگارنده مانع اساسی به شمار می رود، نامتناسب بودن محتوای هنری فرهنگ سراها با روال سنتی مساجد است که ناشی از نگاه خاص فقها به پدیده های فرهنگی و هنری است؛ مثلاً عده ای از علما موسیقی را کلاً حرام می دانند و اصلاً قائل به وجود موسیقی حلال مصنوع دست بشر نیستند یا اینکه تناتر به عنوان یک پدیده مهم هنری که حضرت آیت الله خامنه ای معتقدند: «تناتر منبر است و بلکه فراتر از آن» (خامنه ای، 1374) و در همان جلسه افطاری یادشده، دانشجویان را توصیه به استفاده از آن نمودند، در فرهنگ مسجد جایگاهی ندارد. نگارنده معتقد است، تا زمانی که تحولی ژرف در فقه معاصر شیعه پدید نیاید و مطالبه رهبر حکیم انقلاب در زمینه فقه مضاف، حکمت مضاف و اخلاق مضاف مورد توجه قرار نگیرد، این گونه معضلات حل نخواهد شد. تا زمانی که کرسی فقه التریبه (فقه تربیت)، فقه الثقافه (فقه فرهنگ)، فقه الاداره (فقه مدیریت) و فقه الفن (فقه هنر) در حوزه های علمیه برپا نشود و رساله های فقهی مشخص و مجزا در زمینه فرهنگ اسلامی و هنر دینی در سطح نخبگان و عموم مسلمین به وفور منتشر نشود، نمی توان انتظار داشت مراکز هنری به مثابه عضوی از پیکره دین درآیند و یک شکل مسجدی یا وابسته به مسجد به شمار روند.

بحمدالله با مدیریت عالمانه رهبر فرزانه انقلاب و مطالبات مکرر معظم له و وجود فاضلان و مجتهدان جوان و انقلابی که دغدغه های ولی فقیه را به خوبی درمی یابند و پیگیری می نمایند، حرکت ارزنده ای در زمینه تولید علم و علوم مضاف شکل گرفته است که در صورت اهتمام بیشتر، نویدبخش تحولی ژرف در حوزه علوم انسانی و اسلامی است.

علاوه بر تمام آنچه گفته شد، لزوم استفاده از ذهن های خلاق و مبتکر در شکل های مسجدی بسیار ضروری است. در اینجا ذکر خاطره ای از سفر نگارنده به سوریه خالی از فایده نیست. در جشن میلاد حضرت زینب کبری > در جمع علویان و شیعیان سوریه، به ابتکار جالبی برخورد کردم. در پایان مراسم بسیاری از شرکت کنندگان بر اساس سنتی دیرینه به سمت محراب مسجد آمدند و به نوبت با پیر و مرشد علوی منطقه مصافحه نمودند. از یکی از شیعیان فلسفه این کار را پرسیدم؛ گفتند این کار علویان نوعی تقلید از کلیسا و نوعی بدعت است! با خود گفتم این کار اگر هم بدعت باشد، با روح شریعت نبوی هیچ منافاتی ندارد و صرف تقلید از مسیحیت در این فقره مذموم نیست. وانگهی این کار اصلاً بدعت نیست؛ بلکه یکی از سنت های پیامبر عظیم الشان اسلام مصافحه و معانقه بوده است. اگر تمام مسلمانان بتوانند بعد از فریضه نماز با امام جماعت مسجد خود سلام و احوال پرسی کنند، چه صفا و صمیمیتی در مساجد ما حاکم خواهد شد.

به مناسبت این خاطره پیشنهادی ساده برای اجرا توسط تشکل های تربیتی مساجد ارائه می نمایم. در کلیسا نوزادان را غسل تعمید می دهند و در اسلام در گوش آنان اذان و اقامه می خوانند. حال اگر تشکل های

مسجد ابتکاری به خرج دهند و جشن نام گذاری تمام نوزادان را در مساجد برگزار کنند یا اصلاً برای تمام کودکان جشن تولد در مسجد برگزار شود و از روحانی محل هدیه دریافت کنند و یا در کنار برگزاری جشن تکلیف در مدارس که بسیار ارزنده و مفید است، هر ماه در مساجد جشن تکلیف برگزار شود و عضوایی تشکل ها نیز در حاشیه همان جشن انجام شود، شاهد رشد و بالندگی فزاینده ای در کار فرهنگی و مذهبی خواهیم بود.

در پایان این بخش شبیه ای را طرح و برای پاسخ به آن از کلام نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام بهره می جوئیم. هنگامی که در تدوین مدل تشکیلاتی شجره طیبه صالحین بسیج از مدل هر می استفاده شد، عده ای به مقایسه آن با تشکیلات هر می کلدکوئست برآمدند و زبان به انتقاد گشودند. این جواب به ذهن نگارنده رسید: چه اشکال دارد که از ابتکارات و خلاقیت های غیرمسلمین در ترویج دین خدا استفاده شود؟ امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «لایتنشر الهدی الا من حیث انتشر الضلال: هدایت منتشر نمی شود مگر از همان راهی که گمراهی منتشر شده است».

3. ضعف سازمان دهی تشکیلاتی

اجرانشدن صحیح مدیریت اسلامی و ضعف تشکیلات در بسیاری از مجموعه های فرهنگی مستقر در مساجد مشهود است. بسیاری از فعالان فرهنگی، مدیریت را به صورت تجربی آموخته اند و از مطالعات تخصصی در زمینه علم مدیریت، فقه مدیریت و اخلاق مدیریت بی بهره اند. این خلأ موجب غلبه روحیه بی نظمی و به اصطلاح تفکر هیئتی در بسیاری از مساجد شده است. روحیه هیئتی مزایای بسیاری دارد که در جای خود واجد ارزش است، اما ضعف برنامه ریزی و سازمان دهی را به هیچ وجه نمی توان توجیه کرد.

لازم است ائمه جماعات و مسئولان تشکل ها به برگزاری جلسات مستمر و منظم تشکیلاتی و اخذ گزارش ها و ارائه راهکارهای عملی اهتمام داشته باشند تا شاهد سامان دهی مجموعه ها باشیم.

از دیگر آسیب های موجود در مجموعه ها که به عنوان مصداق ضعف تشکیلاتی قابل ذکر است، می توان به روحیه مراسم گرایی و اکتفا به برگزاری مجالس پرزرق و برق اشاره نمود؛ درحالی که اولویت برنامه های تربیتی و طولانی مدت که می تواند موجب کادرسازی و انسان سازی شود، از بسیاری از مراسم ها بیشتر است. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «برای یک کشور نیروی انسانی همه چیز است. ما

اگر نیروی انسانی نداشته باشیم، هیچ چیز نداریم»؛ «حقیقتاً این واقعیتی است برای انقلاب، انسان سازی از هر چیز مهم تر است» (21/9/68 و 10/10/69).

4. ضعف نگاه راهبردی

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا وَيَكْرَهُ سَفَافَهَا: خداوند متعال کارهای بلندمرتبه را دوست دارد و از کارهای پست و فرومایه بیزار است (پاینده، 1386، ح 804). اگر در مدیریت اسلامی تفکر راهبردی را به معنای برنامه ریزی مبتنی بر اهداف بلندمدت بدانیم و قائل به دو گونه برنامه ریزی بلندمدت و کوتاه مدت در مجموعه خود باشیم، هیچ گاه به خود اجازه نخواهیم داد برنامه ریزی های مقطعی و اقتضایی و امور زودگذر و تکراری مساجد را فراگیرد و همه برنامه ها حالت یکنواخت به خود بگیرد. اصولاً

لازمه حاکمیت اندیشه استراتژیک بر مساجد، نیازمند تعیین اهداف، سیاست ها، برنامه های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت و همچنین ترسیم چشم انداز است.

یکی از مهم ترین فواید چشم انداز داشتن مجموعه های فرهنگی، ترسیم وضع مطلوب و نمونه یک جامعه آرمانی است که موجب می شود زیرمجموعه با سرعت و امید بیشتری به سوی آن حرکت کند. ترسیم چشم انداز موجب می شود اهداف از حالت ذهنی و خیالی به صورت علمی و ملموس درآید و آرمان ها را دست یافتنی نماید. نگارنده که از بیست سال قبل دست اندرکار برنامه ریزی و اجرای امور تربیتی و فرهنگی مساجد بوده است، بخشی از چشم انداز پیشنهادی یک مسجد را به عنوان مثال در این مقاله بدین شرح ارائه می نماید:

مسجد مطلوب در افق 1404 مسجدی است:

در بعد عبادی: دارای سه وعده نماز جماعت با هزار مأموم، مراسم های دینی مستمر و منسجم در تمامی مناسبات مذهبی، هر سال دو بار اعتکاف پر محتوا.

در بعد تربیتی: دارای نظام تربیتی مدون، 100 مربی توانمند و مجرب، تشکیلات مستقل فارغ التحصیلان حوزوی و دانشگاهی، 200 استاد حوزه و دانشگاه، دارای یک مهدکودک قرآنی، دارای یک مرکز بازی های نوین اسلامی.

در بعد آموزشی: دارای نظام آموزشی 20 ساله مدون، دوره های حضوری و مجازی مستمر، 8 باب مدرسه وابسته، 2 باب دانشکده علوم اسلامی و انسانی، 2 باب حوزه علمیه برادران و خواهران، 2 باب حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان.

در بعد فرهنگی: دارای یک انتشارات مستقل و فعال، یک مؤسسه تبلیغاتی، یک روزنامه، یک ماهنامه و یک هفته نامه در موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی و علمی، یک باب فرهنگ سرا و مرکز آفرینش های هنری، 200 هنرمند عرصه تئاتر، سینما، موسیقی، شعر و ادبیات داستانی.

به نظر می رسد اگر تشکل های مساجد اندیشه و اقدام راهبردی داشته باشند، می توانند حق مسجد را ادا کنند و از مصادیق تکریم کنندگان مساجد به شمار روند و مصداقی برای این حدیث نورانی حضرت علی علیه السلام باشند که در جلد هفتم بحارالانوار (حدیث 304) روایت شده است: «مَنْ وَفَّرَ مَسْجِدًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا وَأَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ: هر که مسجدی را حرمت نهد، در روند ملاقات با خدا، او را شادمان دیدار می کند، درحالی که خداوند کارنامه اش را به دست راستش داده است».

5. عوام زدگی

بررسی این آسیب را با کلام فیلسوف بزرگ و روحانی روشنفکر استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب نهضت های اسلامی در صدساله اخیر (صفحه 93) آغاز می کنیم: «برخی آن چنان عوام زده اند که تنها معیارشان عقیده عوام است. عوام هم گذشته گر است و کاری به حال آینده ندارد».

عوام زدگی یکی از آسیب های متصدیان و متولیان امور فرهنگی است که آسیب های زیادی را متوجه پیشرفت و تعالی این گونه حرکت ها و تشکل ها نموده است. عوام زدگی باعث می شود تشکل ها به جای

پرداختن به نیازهای حقیقی مردم بیشتر به علایق آن ها پردازند. نگارنده در مقاله ای که در نهمین کتاب سال فروغ مسجد در نقد و بررسی طرح صالحین نگاشت، به بررسی رابطه میان علایق و نیازها پرداخت و نظریه پیشنهادی خود را این گونه بیان کرد که در مراحل اولیه جذب مخاطب باید به علایق او توجه کرد، اما در مرحله تثبیت، به تدریج باید به نیازهای مخاطب توجه کرد تا اینکه در مراحل رشد، علایق و نیازها یکی می شود و مخاطب به نیازهای واقعی خود پی می برد و به آن ها علاقه مند می شود. به نظر می رسد مخاطب شناسی دقیق و عالمانه یکی از ضرورت های فعالیت فرهنگی در مساجد است که می تواند تأثیر بسزایی در جذب و نگهداری نیروی انسانی داشته باشد. لیکن از آنجا که بحث مخاطب شناسی تربیتی یک بحث تخصصی و خارج از حوصله این مقاله است، در پژوهشی مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

6. انحصارگرایی

یکی از مشکلات رایج و آزاردهنده در مساجد و تشکل های مسجدی که تا حدودی ناشی از عملکرد ناصحیح بانیان خیر است، مالکیت انحصاری ابعاد مختلف اجرایی و مدیریت آن ها بر شئون مسجد است.

پرواضح است که در اندیشه اسلامی، تفوق و برتری بر اساس میزان تقوا و پرهیزگاری محقق می شود؛ همان گونه که در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: 13)

اساساً گردش نخبگان یکی از اصول مدیریت اسلامی است و لازم است برای رشد و بالندگی مجموعه ها در هر دوره سه تا پنج ساله مسئولیت ها به نسل بعد منتقل شود و مدیران قبلی در نقش نظارتی و حمایتی به انجام خدمت مبادرت ورزند، بدیهی است در صورتی که این نقطه ضعف برطرف شود، بخشی از اختلافات و تعارضات موجود در این مکان مقدس برطرف می شود و بهانه ای برای این گونه مباحث باقی نمی ماند.

اکنون این سؤال مطرح است که چرا باید شاهد اداره شئون یک مسجد یا یک هیئت، برای سالیان سال به دست یک شخص یا یک خانواده باشیم و چرا نباید سایرین هیچ دخالتی در تصمیم گیری و تصمیم سازی امور فرهنگی و اجرایی مسجد نداشته باشند. به نظر می رسد اگر بتوان در مساجد هر ساله انتخابات محلی برگزار کرد و عده ای برای اداره امور تشکل ها داوطلب شوند و برنامه های خود را برای پیشرفت و اعتلای آن تشکل ارائه کنند و در پایان دوره مسئولیت، به مجمع عمومی مسجد یعنی نمازگزاران گزارش دهند، شاهد تحولات مبارکی در این مجموعه های الهی خواهیم بود.

7. سکولار شدن

باور این عامل ضعف در مسجد و تشکل های مسجدی نیز قدری مشکل است؛ اما متأسفانه در برخی از مساجد شاهد عدم ارتباط همه جانبه تشکل ها با امام جماعت، حوزه علمیه شهر و روحانیت و فقاہت هستیم و یا می بینیم ارتباط به صورت حداقلی و در حد اقتدا در نماز جماعت است. نگارنده بر این باور است که سکولاریسم که همان جدایی دین از تمام شئون زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و اجتماعی است، یک آفت دوجانبه است. از یک سو روشنفکران غرب زده و بی توجه به مذهب، به دین اجازه دخالت در شئون دنیا را نمی دهند و از سوی دیگر متحجران عادت زده و خشک مغز به روحانیت فقاہتی اجازه تعالی و هدایت جامعه را نمی دهند.

نقل می کنند که یکی از هیئت های عزاداری که ارادتمند مرحوم آیت الله بروجردی بودند، هنگامی که متوجه شدند ایشان با بعضی از اعمال خرافی در روز عاشورا مخالفت دارند، به ایشان اعلام کردند که ما در همه سال مقلد شما هستیم، الا همین یک روز! این واقعیت تلخ در بسیاری از مجموعه های مذهبی وجود دارد که روحانی را برای اقامه نماز و وعظ و خطبه و مسئله می خواهند و برای وی نقشی در راهبری

فکری، تربیتی و فرهنگی تشکل های خود قائل نیستند. باید گفت این کار بی اعتنایی به شخص نیست، بلکه کم لطفی به شخصیت است و اگر بخواهیم بی پرده سخن بگوییم، نوعی بی اعتمادی به فقه است؛ در حالی که به فرموده امام خمینی: «فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع است، از گهواره تا گور» (خمینی، 1385، ج 21، ص 289)

امید است با اعتلای نقش روحانیت و ارتقای توانمندی این طبقه خدوم از یک سو و افزایش باور و اعتقاد به نقش بی بدیل آنان در هدایت فکری و معنوی تمامی تشکل های مذهبی و فرهنگی از سوی دیگر، شاهد کمال و تعالی آن ها باشیم.

8. ضعف مهارتی

امروزه یکی از عوامل درونی ناتوانی انسان ها و مجموعه ها، به ویژه تشکل های فرهنگی، فقدان مهارت های تشکیلاتی است. در صفحات پیشین در بررسی ضعف مبانی و اصول تشکل ها اشاره هایی به این محور کردیم؛ لیکن به دلیل اهمیت بحث و تفرع ابعاد عملیاتی بر ابعاد نظری، لازم است اشاره ای مجزا به آن داشته باشیم.

اهم محورهایی که به زعم نگارنده از حیث مهارتی در بسیاری از تشکل های مسجدی به چشم می خورد، عبارت است از این موارد: ضعف مطالعه و پژوهش، ضعف اندیشه ورزی، ضعف در گفتمان سازی و جریان سازی، ضعف اخلاق تشکیلاتی، ناتوانی در جذب فعال و هدفمند، ناتوانی در تثبیت و نگهداری نیرو، عدم برخورداری از مخاطب شناسی تربیتی، عدم وجود سیر تربیتی برای رشد جامع و همه جانبه جوانان، نبود سیر مطالعاتی منسجم، موازی کاری، تکرار و تداخل در برنامه ها، وجود نگاه های بخشی و صنفی، انقطاع برنامه ای و عدم استمرار. وقتی به موارد یادشده دقت شود، ملاحظه می گردد که همه از ضعف در ناحیه مهارت ها به شمار می روند.

علاوه بر راهکارهایی که پیش از این ارائه شد، تأکید جدی بر ارتقای بُعد توانمندی مهارتی تشکل های مسجدی، از ضرورت های پیش رو و انکارناپذیر این مجموعه هاست. اصولاً خلئی که در بسیاری مجموعه های مذهبی احساس می شود، تمرکز بر چیستی و اهداف و غفلت از چگونگی هاست. به اصطلاح طلبگی بیشتر به مقوله «لم» توجه داریم و کمتر به مقوله «کیف» می پردازیم. همین مسئله است که موجب می شود، در اذهان منتقدان، مجموعه های مذهبی به شعارگرایی متهم می شوند و ایراد ضعف در واقعیت گرایی

به آن ها گرفته می شود، در حالی که در اندیشه اسلامی آرمان ها با حقایق تناسبی دقیق دارند

که باید در جای خود مورد تدقیق و تحقیق قرار گیرد.

در زمانه ای که مهارت های زندگی به صورت گسترده در مراکز فرهنگی ترویج می شود، برگزاری دوره های تخصصی مهارت های مدیریت فرهنگی و مدیریت راهبردی تشکل های دینی ضرورتی غیرقابل انکار است. در یک پیشنهاد جدی باید گفت، همان طور که در جنگ سخت نیاز به دوره مدیریت و ستاد (دافوس) داریم، در جنگ نرم نیز نیازمند دافوس فرهنگی هستیم و فعالان فرهنگی باید به جای اکتفا به تجربه، به فراگیری تخصصی این دوره ها روی آورند؛ البته در تدوین این دوره ها نیاز به برنامه ریزی جدی و طراحی های عمیق وجود دارد که امید است متولیان امر التفات کافی به آن داشته باشند. طبق اطلاع نگارنده، طراحی های ارزنده ای در مجموعه صالحین، قرارگاه خاتم الاوصیا و حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان کشور در زمینه برگزاری دوره های تخصصی مدیریت تربیتی، مدیریت فرهنگی و مدیریت راهبردی صورت گرفته است و نتایج قابل توجهی به دنبال داشته است که می تواند مورد استفاده دغدغه مندان قرار گیرد.

(د) فرصت ها

اشاره

در دو بخش قبل به بررسی نقاط قوت و ضعف تشکل های مسجدی که از عوامل درونی به شمار می روند، پرداختیم. در دو بخش پایانی به بررسی اجمالی فرصت ها و تهدیدها که از عوامل بیرونی محسوب می شوند، خواهیم پرداخت.

1. حوزه های علمیه و علمای بلاد

همان طور که در بخش قبل اشاره شد، ارتباط مستمر با روحانیت رمز موفقیت و تعالی تشکل های فرهنگی به شمار می رود. مقام معظم رهبری می فرمایند: «حوزه علمیه پایگاه اندیشه دینی و پشتوانه اصلی همه ارگان ها و نهادهای کشور است». (بیانات معظم له در خصوص مرکز پژوهش های صداوسیما)

لازم به ذکر است که منظور از ارتباط با روحانیت، صرفاً امام جماعت مسجد نیست؛ بلکه لازم است سازوکاری برای ارتباط منسجم مساجد با حوزه های علمیه و علمای تراز اول هر منطقه فراهم آید و حوزه علمیه هر شهر، خود را در قبال فراز و فرود مساجد شهر و تشکل های آن مسئول بدانند. این امر باعث می شود که علاوه بر رسیدگی به کاستی های احتمالی امامان جماعت مساجد، خصوصاً روحانیان جوان و کم تجربه، نظارتی سازنده بر عملکرد تشکل های مسجدی صورت گیرد.

البته نمی توان انتظار یک سویه از مساجد داشت و حوزه علمیه خود را برای این امر مهیا نکنند؛ بلکه لازم است انگیزه و اندیشه ای مضاعف در خصوص رسیدگی به امور مساجد در حوزه های علمیه پدید آید. متأسفانه در حال حاضر از سوی حوزه های علمیه امکان رسیدگی جامع به نیازهای مساجد و تشکل های وابسته وجود ندارد. همان طور که قبلاً اشاره شد، در ساختار مدیریت حوزه های علمیه، معاونتی به نام تبلیغ وجود دارد که متکفل اعزام مبلغ در قالب طرح هجرت است؛ البته سازمان تبلیغات، دفتر تبلیغات و سازمان

اوقاف نیز همین وظیفه را بر عهده گرفته اند و سعی می کنند به مکان های موردنیاز سخنران و امام جماعت بفرستند. سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا نیاز تشکل های مساجد اعزام مبلغ است؟

علاوه بر مرکز مدیریت حوزه های علمیه در استان ها، سازمان تبلیغات و بعضی از شهرداری ها و ادارات در تأمین برخی از نیازهای مادی و ارزاق هیئت ها همکاری مختصری دارند. دبیرخانه کانون های فرهنگی - هنری ارشاد نیز تأمین کتاب و کمک مختصر به کانون های مساجد و اعطای مجوزها را در دستور کار دارند. سازمان بسیج محلات به امور پایگاه های بسیج رسیدگی می کند و آموزش مربیان طرح صالحین را بر عهده دارد. ائمه جمعه نیز بر اساس احساس وظیفه، به فراخور حال و امکانات موجود به رتق وفتق امور و معرفی ائمه جماعات اشتغال دارند. همان طور که واضح است، هیچ ارگانی به صورت یکجا متکفل رسیدگی جامع به همه امور مساجد و تشکل های زیرمجموعه آن نیست و این یکی از علائم مظلومیت مساجد است.

2. مدارس و مراکز تجمع جوانان

طبیعتاً یکی از وظایف مساجد و تشکل های فعال در آن، ارتباط با مدارس، باشگاه های ورزشی، دانشگاه ها و خوابگاه های دانشجویی و همه فضاهایی است که نوجوانان و جوانان در آن حضور دارند. در این راستا لازم است طرح مدرسه - مسجد طراحی و در تمامی مدارس و مساجد کشور اجرا شود. بر اساس روش تبلیغی انبیای الهی و نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و اله که با مراجعه به مخاطبان و دعوت از آنان برای پیوستن به جمع مؤمنان صورت می گرفت، می توان اسلوب تبلیغی پیشرفته ای تحت عنوان جذب فعال طراحی نمود. امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه با توصیف این سبک جذب پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید: «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ... پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله پزشکی بود که به سوی بیماران می رفت (نهج البلاغه، خ 108).

برای توضیح بیشتر این فکر، تقسیمی را ارائه می کنیم. اصولاً در مسئله جذب با دو گونه مخاطب روبرو

هستیم: مخاطبان داوطلب و مخاطبان غیرداوطلب. داوطلبان با انگیزه های مختلف به مسجد مراجعه نمایند و غیرداوطلبان اصلاً انگیزه ای برای مراجعه و عضویت در مسجد ندارند؛ اما رجوع نکردن آنان به معنای عدم شایستگی و بی صلاحیتی آنان نیست؛ بنابراین لازم است به سراغ جوانان رفت و با بیان جذابیت های دین، آن ها را به سوی مسجد دعوت کرد. حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می فرمایند: «رَحِمَ اللهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا: خدا رحمت کند کسانی که امر ما را زنده نگه می دارند؛ چراکه اگر مردم زیبایی های کلام ما را می دانستند، از ما پیروی می کردند» (محمدی ری شهری، 1391، ج 8، ح 13797)

گفتنی است که علاوه بر مطالعات گسترده ای که در طرح صالحین بسیج در خصوص مسئله جذب صورت گرفته است، در حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها نیز برنامه ای با عنوان «شناسایی فعال و جذب هدفمند» طراحی و اجرا شده است که می تواند مورد استفاده تشکل های مسجدی قرار گیرد

3. خانه و خانواده

از دیگر فرصت های تبلیغی که لازم است در برنامه ریزی تشکل های مسجدی مورد توجه قرار گیرد، به خانواده ها هستند که بیشترین تعداد جمعیت محلات اطراف مسجد را تشکیل می دهند. در زندگی های

امروزی که مردان و فرزندان از صبح تا ظهر یا غروب خارج از منزل به سر می برند، جمعیت عظیم زنان خانه دار نیازمند برنامه ریزی و بهره مندی فرهنگی هستند. پایگاه های بسیج خواهران مساجد و جلسات قرآنی و تأسیس مراکز علوم اسلامی بانوان، در طول روز می توانند نیاز حقیقی آنان را برطرف نماید که لازم است در این زمینه تدابیر ویژه ای اندیشیده شود.

اگر ضرورت و امکان تشکیل مدینه فاضله و آرمان شهر تمدن اسلامی را بپذیریم و بخواهیم برای تحقق آن برنامه ریزی کنیم و مسجد را محور حیات طیبه و مرکز شهر اسلامی در نظر بگیریم، باید الگوی مسجد جامع را تعالی ببخشیم.

مسجد جامع در گذشته و حال حاضر به مسجد مرکزی شهر اطلاق می شود که غالباً در بازار و بافت قدیمی شهرها قرار دارد و امکان حضور تمامی اقشار و صنوف در آن فراهم است. لیکن مسجد جامع در حالت مطلوب باید جامع تمام نیازهای معنوی و مادی فرد و جامعه باشد. نیاز معنوی انسان فقط عبادت نیست؛ مطالعه و تحقیق و آزمایش نیز هست. مسجد حتی می تواند رصدخانه داشته باشد. از حیث مادی نیز

اگر مساجد امکانات ورزشی و تفریحی داشته باشند و خانواده‌ها بتوانند در ساعات عبادت و مراسم، اطفال خود را در پارک و بوستان مسجد قرار دهند، می‌تواند برکات زیادی برای جامعه به دنبال داشته باشد. در این فرض است که کودکان با شور و انگیزه بیشتری در مسجد حضور خواهند یافت و خاطره‌خوشی از این منبع فیاض الهی در ذهن خواهند داشت.

4. مهدکودک‌ها

اهمیت تربیت از سن کودکی بر هیچ کس پوشیده نیست. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْعِلْمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ: علم در کودکی مانند نقشی است که در سنگ حک می‌شود» (مجلسی، 1403ق، ج 1، ص 224).

مسجد در جایگاه مهم‌ترین مرکز تربیت انسان در جامعه نمی‌تواند به تربیت کودکان بی‌توجه و بی‌اعتنا باشد. یکی از استادان دانشگاه تهران که چند سال در آلمان اقامت داشت، نقل می‌کند که مهدکودک‌های آن کشور تحت اشراف کلیسا اداره می‌شود و ثبت نام کودکان در آن الزامی است؛ در حالی که در کشورهای مافقر شدید فرهنگی بر مهدکودک‌ها حاکم است و هیچ نهادی متکفل برنامه‌ریزی و نظارت محتوایی بر عملکرد این مجموعه‌ها نیست. برای درک عمق این فاجعه فرهنگی لازم است، مستند بحران خاموش که به بررسی وضعیت مهدکودک‌ها در تهران و بعضی از نقاط کشور می‌پردازد، مورد توجه دلسوزان فرهنگی قرار گیرد. به نظر می‌رسد طرح مهدپسیج و مهدکودک اسلامی باید با محوریت مساجد در کشور فراگیر شود و از این پدیده فرهنگی مراقبت جدی صورت پذیرد.

5. مجالس شادی

یکی از راه‌های نفوذ مسجد در زندگی مردم، توجه به همه نقاط عطف زندگی آن‌هاست. در فرهنگ ایرانی و اسلامی ما هنگام فوت مؤمنان، مجالس ختم و ترحیم در مساجد برگزار می‌گردد، اما هنگام تولد فرزندان یا هنگام ازدواج، آیینی مرتبط با آن در مساجد وجود ندارد. اگر فرهنگ سازی لازم در این زمینه

صورت گیرد و مجالس سالم شادی و عروسی در مساجد برگزار شود، می‌توان گفت مسجد به متن زندگی مردم وارد شده و از حاشیه خارج گردیده است. نقش تشکل‌های مسجدی در تحقق این آرمان فرهنگی بسیار روشن است. در بخش‌های قبل پیشنهادی مبنی بر برگزاری جشن تکلیف و جشن تولد در مساجد و نقش تشکل‌های مسجدی در این زمینه ارائه شد و پیشنهاد گردید مراسم نام‌گذاری نوزادان نیز در مساجد برگزار شود.

یکی از تجاربی که نگارنده در دوران امامت جماعت خود داشته است، برگزاری مراسم تجلیل از مدال آوران و یکی از قهرمانان پارالمپیک در مسجد است که به همت واحد تربیت بدنی پایگاه مقاومت بسیج آن مسجد صورت گرفت و آثار و نتایج بسیار خوبی در سطح منطقه به دنبال داشت. به نظر می‌رسد، اگر متولیان امور فرهنگی مساجد برای حضور در تمام عرصه‌های زندگی مردم و نسل جوان برنامه‌ریزی کنند و به گستره حیات مادی و معنوی مردم بیندیشند، می‌توان به بازیابی نقش تشکل‌های دینی در اصلاح و تعالی سبک زندگی مردم امید داشت.

6. خیرین

افراد خیر و کریم‌النفس یکی از فرصت‌های مهم پیش روی مسجد و تشکل‌های مسجدی به شمار می‌روند که سازمان‌دهی و اعتمادسازی شرط لازم برای جذب و به‌کارگیری آن‌هاست. همان‌طور که در بخش اول این مقاله اشاره شد، جذب خیرین از چند جهت حائز اهمیت است:

اولاً موجب مردمی شدن و مردمی ماندن مسجد می‌شود و پیوستگی مردم و مسجد را به دنبال دارد؛

ثانیاً سبب ایجاد و گفتمان انفاق و خیرات و فرهنگ مسجدسازی می‌شود؛

ثالثاً باعث انجام وظیفه الهی و تطهیر و تزکیه اموال می‌شود.

خداوند متعال در آیه 103 سوره توبه خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله حکمت اخذ زکات را این‌گونه تبیین می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ: ای پیامبر، بخشی از اموال آنان را به عنوان صدقه دریافت کن و بر آنان درود بفرست که درود تو باعث آرامش آنان است».

با توجه به مفاد این آیه شریفه درمی‌یابیم که اخذ وجوه، در صورتی که به دست اولیای دین برسد، علاوه بر پاکیزگی اموال، موجب دعا و صلوات آنان می‌شود و نتیجه بسیار مهمی چون ایجاد سکون و طمأنینه اجتماعی را به دنبال دارد.

(د) تهدیدها

1. سازمان‌های شبه فرهنگی

یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر حرکت تشکل‌های مسجدی و موانع رشد و تعالی آن‌ها، وجود پدیده‌های ضدفرهنگی و شبه فرهنگی است. برای تبیین مقصود خود لازم است، اشاره‌ای به نظام‌های فرهنگی غرب داشته باشیم. در نظام اجتماعی غرب، تشکل‌ها و مجموعه‌هایی بر اساس مبانی فکری و ساختارهای

آن طراحی شده است که با فرهنگ و تمدن اسلامی بیگانه است. شکی نیست که محصولات نظام اندیشه غربی با همان هدف مدنظر آن، یعنی تولید انسان سکولار و لیبرال تطابق دارد و اندیشه ای که در صدد تربیت انسان عبد و بنده صالح خدا باشد، هرگز نمی تواند با چنان محصولاتی به کمال برسد. بر این اساس باید گفت فرهنگ سراها، کانون های هنری، سینما و... محصول تفکر غرب و قهر با دین و کلیسا و مسجد است.

اکنون اگر قرار باشد از فراورده های فرهنگی مذکور استفاده کنیم، یا باید آن ها را استحاله کنیم و یا به ترمیم آن ها دست یازیم و در غیر این صورت باید از آن ها بر حذر باشیم. با این توضیحات مشخص است که تمامی مراکز و جریان های علمی- فرهنگی که به موازات مسجد مشغول فعالیت هستند، مادامی که اصلاح نشده اند، یک تهدید حساب می شوند و شکل های مساجد باید از خطر آن ها آگاه باشند.

ممکن است گروه های شناسایی و جذب نیروی یک مسجد بتواند در یک باشگاه ورزشی نفوذ کنند و با راه اندازی نمازجماعت یا یک مراسم جشن در آن، زمینه نیرویابی و جذب را از آنجا فراهم آورند. ممکن است فعالان فرهنگی یک مسجد بتوانند مدیریت فرهنگ سرا یا سرای محله خود را بر عهده گیرند و تولیدات هنری با رویکرد مذهبی داشته باشند و از آن طریق اثرگذاری ویژه فرهنگی بر جامعه هدف خود داشته باشند. چه زیباست که در مساجد، علاوه بر تربیت طلبه و مداح و حافظ قرآن و دانشجویان و دانش آموزان دغدغه مند و فعال، هنرمندان و شاعران و نویسندگان و بازیگران عرصه سینما و تئاتر نیز تربیت شوند تا بتوانند گفتمان دین و انقلاب را به همگان عرضه نمایند.

2. دوستان نادان

انتخاب عنوان برای این بخش از تهدیدات مسجد و شکل های مسجدی قدری مشکل بود. لیکن به دلیل اهمیت این موضوع، این تعبیر صریح را برگزیدیم. بسیاری از کسانی که قائل به قداست مسجدند و مایل به خدمت به در یکی از شکل های مسجد هستند، خواسته یا ناخواسته موجب ضربه زدن به این نهاد مقدس می شوند و نوعی تهدید برای مسجد به حساب می آیند. فرض کنیم هیئت یک مسجد با اندیشه اسلام آمریکایی و انجمن حجتیه یا مخالف ولایت فقیه اداره شود یا اشخاصی از تشکل های سیاسی مرموز که قصد نفوذ در مساجد را دارند، به چشم بخورد یا کسانی باشند که به اسم درآمدزایی، مسجد را مکرر در اختیار مجالس ختم قرار دهند و به ماهیت و رسالت مسجد ضربه بزنند... همه این ها، هرچند بسیار نادرند، نوعی تهدید به شمار می روند و لازم است تشکل های مساجد، از این جهت مورد مراقبت و صیانت جدی

قرار گیرند. در این زمینه درددل بسیار است و تشکل های فعال و بالنده مساجد باید هوشیار و آگاه باشند و راه نفوذ شیاطین جن و انس را بر این خانه خدا ببندند تا به یاری خدا شاهد تعالی و تحول مساجد باشیم.

نتیجه گیری

تشکل های فعال در مسجد از قبیل پایگاه مقاومت بسیج، کانون فرهنگی و هنری و هیئت عزاداری، علاوه بر اینکه نقاط قوت و ضعفی را در درون دارند، فرصت ها و تهدیدهایی را نیز در بیرون از خود دارند که در صورت التفات و توجه به آن ها می توانند به مراتب رشد و تعالی دست یابند.

اعتلای حرکت مسجد، هم به یک حرکت درون زان نیاز دارد و هم به یک فعالیت برون زا. هم لازم است از ظرفیت های درونی استفاده کرد و هم از ظرفیت های بیرونی. اگر متولیان و متصدیان امور مسجد و تشکل های آن، واجد یک تحلیل راهبردی باشند و با نگاهی جامع به مسائل بنگرند، می توان چشم اندازی رفیع برای این تشکل ها تصویر کرد؛ اما با نگاه های سطحی و بخشی، انتظار هیچ تحولی نباید داشت. اگر مبانی فکری اسلام در تمام ابعاد سلوک مدیریتی، تربیتی، آموزشی، پژوهشی و کارکردهای متنوع تشکل های فعال در مساجد ما پیاده شود و از حرکت های سردرگم پرهیز کنیم، می توانیم مساجدی پیشرفته و متعالی داشته باشیم. اگر تشکل های مسجد امکانات و استعداد های خود را تجمیع کنند و همدلی و هم افزایی داشته باشند، می توانیم شاهد بالندگی همزمان و رشد توأمان آن ها باشیم. اگر خودمحوری و غرور را کنار بگذاریم و به مصالح عمومی مسجد و اهل آن بیندیشیم، می توانیم شاهد تربیت انسان های متخلق و متعهد در فضای مسجد باشیم. اگر فعالان مسجیدی با رحم و شفقت با یکدیگر رفتار و از اختلاف و دودستگی اجتناب کنند، می توان مدعی عمل به آیه شریفه 29 سوره فتح بود که می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ: محمد صلی الله علیه واله پیامبر خداست و کسانی که با اویند، در مقابل کافران با شدت و بین خود با رحم و شفقت رفتار می کنند».

امید است با تحقق این آرمان ها شاهد اعتلای حرکت مسجد و تشکل های آن به سوی اهداف بلند اسلام عزیز باشیم.

واجعلنا ممن تتنصر به لدینک و لا تستبدل بنا غیرنا

روح الله حرزواوی - تهران

رمضان 1436 - تیر 1394

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

1. Khamenei.ir. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای:

2. خامنه ای، علی، فرهنگ و هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ

3. خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی، چاپ چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، 1385.
4. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، 1407ق.
5. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، 1403ق.
6. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ ششم، مؤسسه علمی- فرهنگی دارالحديث، قم، 1391.
7. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، چاپ سوم، تهران، 1373.
8. مطهری، مرتضی، نهضت های اسلامی در صدساله اخیر، چاپ چهاردهم، صدرا، تهران، 1370.

چکیده

از منظر عقل و دین، ورزش برای تقویت و سلامتی جسم ضرورت دارد. ملتی که بدنی سالم، بانشاط و نیرومند ندارد، از عقل و تفکر شایسته کمتر بهره مند است. مثلی معروف است که می گوید: «عقل سالم در بدن سالم است» زیرا تأثیر متقابل جسم و جان، مسئله ای ثابت شده و مسلم است. جسم و بدن مرکب روح است و رابطه تنگاتنگی میان جسم و جان وجود دارد؛ به گونه ای که ضعف و ناتوانی هر یک بر دیگری تأثیر مستقیم دارد و برای رسیدن به کمال، پاسداشت هر دو بُعد ضرورت دارد. از این رو اسلام به موازات تقویت و پرورش روح، برای سلامتی و تندرستی و ورزیدگی جسمی، ارزش ویژه ای قائل شده و بر ورزش و تربیت بدنی تأکید فراوان دارد.

نگارنده در این نوشتار با روش توصیفی (Descriptive) و کتابخانه ای، در دو گفتار به تبیین موضوع پرداخته است. در گفتار اول به اختصار با استناد به آیات و روایات، به جایگاه و نقش سازنده ورزش در زندگی انسان، و در گفتار دوم با استناد به مبانی فقهی و با عنایت به قداست ویژه مسجد، به امکان انجام ورزش در محیط های پیرامونی مسجد تحت عنوان «بایدها و نبایدهای ورزش در مسجد»، یعنی شروط انجام فعالیت های ورزشی در مسجد و آثار و برکات حضور ورزشی در مسجد» پرداخته شده است.

عمده دستاوردهای این تحقیق عبارت است از:

1- برگزاری ورزش، به ویژه ورزش های رزمی و تربیت بدنی «در محیط های پیرامونی مسجد، نه شبستان اصلی آن»، تنها با رعایت حرمت و قداست مسجد و با رعایت شرایطی خاص امکان پذیر است.

2- حضور ورزش در مسجد، آثار و برکات فراوانی برای ورزشکار و آبادی و رونق مسجد و جذب حداکثری نوجوانان و جوانان به این مکان مقدس دارد.

واژگان کلیدی: ورزش، مسجد، جایگاه ورزش در اسلام، پیوند مسجد و ورزش، جواز برگزاری ورزش در محیط های پیرامونی مسجد، بایدها و نبایدهای ورزش در مسجد، آثار و برکات حضور ورزشی در مسجد.

ص: 417

هدفی که اسلام برای انسان در نظر گرفته است، وصل به مقام قرب الهی و نیل به سعادت و سرور حقیقی است. در بینش اسلامی، تمام امکانات مادی و معنوی بشر، در واقع لوازم و ابزار موردنیاز انسان برای رسیدن به این منزل نهایی است. انسان باید با غنیمت شمردن مهلت کوتاه عمر، در بندگی خدا کوشیده، خود را به مقام سزاوار خویش برساند. از این رو، هر چیزی که موجب هدر رفتن سرمایه های ارزشمند انسان در این چند روز زندگی دنیوی شود، مذموم و غیرقابل تأیید است.

فلسفه حرمت «لهو» و «لعب» (بیهودگی و سرگرمی بیجا) نیز که موجب اتلاف وقت و عمر انسان است همین است. از دیگر سو، هر عاملی که آدمی را در راه بندگی خدا و استفاده صحیح از امکانات و سرمایه های موجود یاری کند، پسندیده و مورد تأیید است. از میان این عوامل، باید از توان و آمادگی جسمانی نام برد؛ زیرا اگر انسان از نیرو و توان بدنی کافی بهره مند نباشد، چگونه می تواند خدا را عبادت و حدود الهی را اقامه کند و به مقابله با دشمنان انسان و انسانیت برخیزد. آیا بدون داشتن بدنی سالم و نیرومند می توان فریض دینی و عبادی همانند نماز و روزه و جهاد و... را به خوبی انجام داد؟ به یقین کسی که دارای بدنی ضعیف و تربیت نشده باشد، حتی در به جا آوردن واجبات و عبادات نیز دچار کاستی و نقصان می شود، چه رسد به اینکه بخواهد در محیط اطرافش احقاق حقی کند و دست ظالمی را از دامن مظلومی قطع کند.

در مبارزه با دشمن، تنها نیرو سلاح و مهمات و ابزارهای جنگی کافی نیست؛ بلکه تقویت فکری و اعتقادی توأم با تقویت قوای جسمانی، از عوامل مؤثر در کاربرد سلاح های موجود است. اهمیت توانمندی و قدرت بدنی (ورزیدگی بدنی) تا آنجاست که در بینش اسلامی، در شمار ویژگی های انسان کامل آمده است. بزرگان دین نیز در کنار تمام ویژگی های نیک اخلاقی و روحی، از توانایی جسمی بالایی برخوردار بوده اند که نمونه بارز آن در وجود حضرات معصومان علیهم السلام و دیگر اولیای الهی بروز یافته است.

به هر حال، نگاه ورزشی اسلام به بعد جسمانی خلاصه نمی شود و به ابعاد روحی انسان نیز می پردازد. زیرا آمادگی روحی و روانی و ورزیدگی جسمانی نیروهای رزمی، چه بسا کارسازتر از کمیت و کیفیت تجهیزات دشمن در صحنه کارزار خود را می نمایاند. برای ایجاد چنین آمادگی رزمی، اسلام از بعد پرورش فکری و روحی نیروهای اسلامی در «مسجد»، مانع و رادعی مطرح نکرده است، و اساساً بنیان و فلسفه وجودی مسجد را جز این نمی داند. اما سخن در این است آیا در خصوص برگزاری ورزش ها، به ویژه ورزش های رزمی در «محیط های پیرامونی مسجد، البته غیر از شبستان اصلی» با رعایت حرمت و قداست

آن، مخالفتی ابراز نموده است یا آیا فعالیت های ورزشی و انجام مسابقات ورزشی در مسجد جایز است؟ شروط انجام فعالیت های ورزشی در مسجد چیست؟ آثار و برکات حضور ورزشی در مسجد چیست؟ در این نوشتار مختصر برآنیم تا با مطالعه در آموزه های اصیل اسلامی (آیات، روایات، تاریخ اسلام) پاسخ درخور توجهی برای این گونه سؤالات بیابیم.

گفتار اول: اهمیت و جایگاه ورزش در آموزه های دینی

یکی از ویژگی های منحصر به فرد آیین مقدس اسلام نسبت به بیشتر آیین های مذهبی، اهمیت بسزایی است که در امر بهداشت فرد و اجتماع و سلامت انسان و حتی محیط زیست او قائل شده است؛ تا جایی که در حدیث نبوی معروف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله چنین آمده است: «الْعِلْمُ عِلْمَانِ: عِلْمُ الْأَبْدَانِ، وَعِلْمُ الْأَدْيَانِ: دانش بر دو گونه است: دانش مربوط به دین و دانش مربوط به تن» (مجلسی، 1403 ق، ج 1، ص 220، ح 52). بنابراین، در آیین اسلام، بدن آدمی شریف است. اسلام بدن انسان را بی ارزش نمی شمارد؛ زیرا بدن انسان ابزار تکامل روح است. اسلام برای تندرستی و سلامتی انسان ارزش و اهمیت ویژه ای قائل است. یکی از عوامل تندرستی و پرورش جسم، انجام «ورزش» است. در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که به گونه ای بر اهمیت ورزش و نیرومندسازی جسم در کنار تقویت روح و بعد عملی آن دلالت دارد. قرآن کریم می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... آنچه قوه و توان دارید، برای مقابله با آن ها (دشمنان) آماده و مهیا سازید» (انفال: 60).

رسول خدا صلی الله علیه و اله در تفسیر واژه «قُوَّة» در این آیه شریفه فرمودند: «آگاه باشید «قُوَّة» همان تیراندازی است» (نوری، 1408، ج 2، ص 266). البته این آیه شریفه درباره آمادگی رزمی نیروهای اسلام در مقابل دشمن است، ولی پیام آن مفهومی وسیع، اعم از تقویت جسمانی و بهره گیری از تجهیزات نظامی و غیره را می رساند و یکی از مصداق های آن برخورداری از نیرو، توان و قوت جسمی است که در پرتو تمرین و ممارست های فراوان و ورزش های لازم به دست می آید، نکته مهم، هدفمندی این تلاش هاست که باید در راستای تقویت بدن، برای دفاع از ارزش های الهی و انجام وظایف محوله باشد، نه برای سرگرمی و وقت گذرانی.

در داستان حضرت موسی علیه السلام می خوانیم وقتی که از قصر فرعون _ که در خارج از شهر قرار داشت _ خارج شده و وارد شهر می شود. به محض ورود به شهر، متوجه می شود یکی از پیروان او با یکی از مأمورین فرعون _ که می خواست از او بیگاری بکشد _ درگیر شده و او توان کافی برای دفاع از خویشتن را ندارد.

هنگامی که چشم شخص باایمان به موسی علیه السلام می افتد (و با توجه به این که می دانست موسی مردی نیرومند و ورزیده است) از او یاری می طلبد. موسی علیه السلام بلافاصله به کمک مظلوم شتافته، با ظالم درگیر می شود.

قرآن کریم می فرماید: «فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ: مُوسَى تَنْهَا يَك مِشْت بَه آن مرد زد و او درگذشت» (قصص: 15). معلوم می شود حضرت موسی از قدرت جسمانی و مشتى پولادین برخوردار بوده است.

همچنین قرآن کریم در آیه 26 سوره قصص، درباره نیرومندی و قوت بازوی حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ: یکی از دو دختر (صفورا دختر شعیب) گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ همانا او بهترین کسی است که می توانی استخدام کنی، کسی است که امین و نیرومند و قوی است.»

به یقین انسان قوی و نیرومند، بهتر می تواند امانت را حفظ کند. «امین بودن» با «قوی بودن» ارتباط نزدیکی دارد؛ از این رو در قرآن کریم، این کلمه «قوی» و «امین» در کنار یکدیگر به کار برده شده اند؛ مسجد، هم می تواند پرچم دار قوت و هم امانت برای یک ورزشکار باشد.

ورزش از جمله مسائلی است که در تمامی ادیان، جایگاه ویژه ای دارد؛ در اسلام، احادیث و رهنمودهای فراوانی از بزرگان دین، جهت حفظ صحت و تقویت بدن و پرداختن به آن، ذکر شده است؛ از جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

پیامبر صلی الله علیه و اله درباره حق بدن بر انسان می فرماید: «إِنَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِحَسَبِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَلَا هَلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا: پروردگارت بر تو حقی دارد، و بدنت بر تو حقی دارد، و خانواده ات [نیز] بر تو حقی دارد» (مجلسی، 1403، ج 70، ص 128).

نکته درخور توجه در این حدیث ارزنده نبوی صلی الله علیه و اله، این است که آن حضرت تا بدان اندازه برای جسم و بدن ارزش و اهمیت قائل است که حق بدن را در ردیف حق پروردگار (آن هم بلافاصله بعد از آن) و در کنار حق خانواده (و حتی قبل از آن) ذکر می فرماید. به یقین زمانی انسان می تواند حق پروردگار و خانواده خویش را به بهترین نحو ادا کند، که از بدنی سالم و نیرومند برخوردار باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ اسْتَلَمَ وَكَانَ عَيْشُهُ كِفَافًا وَقُوَاهُ شِدَادًا: خوشبخت کسی است که اسلام را پذیرفته و به قدر معاش خود، درآمد دارد و بدنش نیرومند است» (مجلسی، 1403، ج 72، ص 67).

جمله هایی بسیار در ادعیه حضرات معصومین علیهم السلام یافت می شود که در آن، قدرت و توان جسمانی از خداوند مسئلت شده و این نعمت خدادادی برای عبادت و بندگی و خدمت به بندگان، لازم دانسته شده است.

پیامبر صلی الله علیه واله فرمودند: «اَمُنُّنْ عَلَيْنَا بِالنَّشَاطِ وَأَعِدُّنَا مِنَ الْفَسَلِ وَالْكَسَلِ وَالْعَجْزِ وَالْعِلَلِ وَالصُّبْرِ وَالصُّجْرِ وَالْمَلَلِ: خدایا نعمت سرزندگی و کوشایی را به ما ارزانی دار و از سستی، تنبلی، ناتوانی، بهانه آوری، زیان، دل مردگی و ملال، محفوظمان دار» (مجلسی، 1403، جلد 91، ص 125).

یکی از عوامل از بین برنده کسالت، ورزش و تربیت بدنی است. انسانی که اهل ورزش و تحرک است، احساس شادابی بیشتری می کند و با تنبلی و کسالت بیگانه است و علاوه بر داشتن اندامی مناسب و خوش فرم، از روحیه بالا و شادابی نیز برخوردار است و این موقعیت ارتباط وی را در زندگی روزمره، چه در خانواده و چه در اجتماع یا محیط کار سالم تر می کند (وفایی، 1388، ص 46).

امام سجّاد علیه السلام در دعای ابوحمزه ثمالی می فرمایند: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي... الصَّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَانِ؛ خداوندا سلامتی در جسم و توانایی بدنی به من ارزانی فرما!».

تربیت بدنی و ورزش، به خصوص ورزش های رزمی در اسلام آن قدر اهمیت دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه واله آن را در زمره یکی از حقوق فرزندان برمی شمارد: پیامبر اکرم صلی الله علیه واله می فرمایند: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَعْلَمَهُ

الْكِتَابَةَ وَالسَّبَّاحَةَ وَالرَّمَايَةَ وَأَنْ لَا يَرْزُقَهُ إِلَّا طَيِّبًا: حق فرزند بر عهده پدرش این است که به او نوشتن، شنا و تیراندازی را آموزش دهد و روزی او را تنها از راه حلال و پاکیزه تهیه نماید» (نهج الفصاحه، 1337، ص 293، ح 1394).

این احادیث نورانی بیانگر اهمیتی است که دین و رهبران دینی ما برای ورزش و سلامتی جسمی و روانی مسلمانان قائل هستند و بیانگر نکات بسیاری است، از جمله:

"خطاب به کلیه مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان بیان شده است.

"همه افراد، اعم از دختر و پسر را دربرمی گیرد نه تنها پسران را.

"ورزش باید جذاب، مفرح و شاد باشد.

"امکان رقابت بین افراد وجود داشته باشد.

"در مواقع لزوم از آن ها برای دفاع از خود استفاده کنند.

"ورزش باید هدفمند باشد و نه پوچ و بیهوده.

نقش ورزش در ارتقای سلامت ورزشکار بر هیچ کس پوشیده نبوده و ورزش کمک شایانی به ایجاد و تقویت سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی می کند و افرادی که با روش صحیح ورزش نموده و یا دارای کارهای پرتحرک باشند، سالم ترند و عمرشان از افرادی که کارهای بدون تحرک دارند، بیشتر است.

تحقیقات بسیاری نشان داده است که ورزش علاوه بر اینکه ابزار ارزشمندی برای حفظ سلامت

جسمانی است، رابطه نزدیکی با سلامت روانی و به ویژه پیشگیری از بروز ناهنجاری های روانی دارد. ورزش از اضطراب و افسردگی می کاهد، اعتماد به نفس را افزایش می دهد و به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، راهکار سالمی برای آزاد کردن انرژی های اندوخته شده است. در نتیجه تمرینات ورزشی مداوم، میزان جریان خون در مغز افزایش می یابد. افزایش جریان خون موجب اکسیژن رسانی بیشتر و تغذیه بهتر نرون های مغز شده و از تنگ شدن عروق مغز جلوگیری می کند. این تأثیرات خود موجب پیشگیری از فراموشی ذهنی در سالمندی می شود (ترکان، 1380، ص 13).

شهید دکتر سیدرضا پاک نژاد در کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، درباره نقش ورزش در سلامت تن و روان از نظر علوم روز می نویسد: عضلات در حال ورزش 10 تا 18 برابر در حال استراحت احتیاج به خون دارند، 20 دفعه بیشتر قند و اکسیژن مصرف می نمایند، 50 بار زیاده تر گاز کربنیک دفع می نمایند، که با

توجه به همین ارقام، اهمیت کار قلب هنگام ورزش روشن می گردد... در واکنش قلب در برابر کار عضلانی، مشاهده می شود که ضربان های دبی، حجم خون، فشار خون و حتی ترکیبات فیزیکی و شیمیایی خون را دگرگون می سازد. ضربان قلب هنگام کار بدنی، یعنی زمانی که عضلات را به فعالیت می داریم، 2 تا 3 و حتی 4 برابر، و امکان دارد به 200 ضربان در دقیقه برسد. حجم خون 2 تا 3 برابر و دبی قلب 6 تا 7 و حتی 8 برابر و گاه زیاده تر شود و دبی قلب از 4 لیتر در دقیقه ممکن است به 30 تا 35 لیتر در دقیقه برسد، در صورتی که دبی قلب شخص سالم و ورزیده در حال معمولی 25 لیتر است... حجم قلب ورزشکاران و کارگرانی که کار بدنی سنگینی دارند، بدون شک افزایش می یابد، اما این افزایش به عقیده بسیاری، فیزیولوژیک و کاملاً طبیعی است. در اثر فعالیت بدن، حجم قلب افزایش می یابد، زیرا جدار بطن ها به ویژه بطن چپ ضخیم می شوند؛ یعنی همان طور که عضلات بازو در اثر ورزش یا ابتلا به برخی بیماری ها قوی می شود، عضلات قلب هم در اثر کار، قوی می گردد و در نتیجه قدرت انقباض قلب زیاد می شود...».

وی در بخش دیگری از کتابش، درباره فواید ورزش چنین می نگارد:

"قدرت انقباض و نظم ضربان قلب پس از مدتی ورزش کردن بهتر می شود..."

"گنجایش ریه ها بیشتر می گردد و در نتیجه، اکسیژن بهتر و بیشتری به بدن می رسد... ورزش صحیح و معتدل و متناسب با مزاج، سبب نظم و ثبات حرکات تنفس می گردد و تنفس عمیق تر، ولی شمارش آن کمتر می شود.

"هر چه شخص ورزیده تر باشد، مقدار سوخت بدنش نقصان می یابد؛ یعنی در حقیقت در اثر مدتی ورزش کردن، بدن بهتر از مواد غذایی خود استفاده می کند.

رشد و نمو بهتر انجام می گیرد؛ زیرا اکسیژن بهتر و بیشتر به تمام نسوج می رسد و در نتیجه، فعالیت غدد داخلی افزوده شده و بنا بر عقیده ای در عضلاتی که فعالیت می کنند، موادی ایجاد می شود که به رشد و نمو کمک می کند.

قوه جذب و دفع بهتر می شود.

بدن عادت می کند در برابر مختصری فعالیت، ناگهان نفس تنگی برایش پیش نیاید و ضربان قلب زیاد نشود و دیرتر خسته گردد و عرق نماید.

هماهنگی بین اعصاب و مراکز عصبی و تقویت اعصاب، ایجاد شده و انجام کارهای فکری، آسان تر می شود (پاک نژاد، 1347، ج 14، ص 107 به بعد).

به طور کلی طول عمر افرادی که تمرینات ورزشی مناسبی دارند، بیشتر از افراد غیرورزشکار است. سن بیولوژیکی افراد ورزشکار (در ورزش های سبک) کمتر از افراد غیرورزشکار است. بنابراین این گونه افراد از نظر ظاهری نیز افرادی شاداب و جوان اند. یک علت طول عمر ورزشکاران، مقاومت بدنی آنان در مقابل بیماری های عفونی است.

بسیاری از بیماری های غذایی مثل، دیابت، کبد و اختلال دستگاه گوارش به علت ورزش نکردن و بی تحرکی است؛ بر این اساس دنیای امروز یکی از شرایط بهداشت را ورزش و حرکات بدنی می داند (اژدری، 1364، ص 400).

ورزش نقش مهمی در پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری ها، همچون بیماری های کلیوی، ریوی، ارتوپدی، عفونی، عصبی، دردها و سکتته های قلبی، سکتته مغزی، چربی خون، ضعف های عضلانی، کمردرد و آرتروز (التهاب مفاصل) دارد. ورزش به کاهش فشارخون کمک می کند، در کنترل وزن تأثیر فوق العاده ای دارد و مقدار کلسترول لیپوپروتئین با غلظت بالا را - که از بیماری تصلب شرایین جلوگیری می کند - افزایش می دهد. ورزش، سیستم قلبی - عروقی فرد را تقویت کرده و قلب و ریه ها را وامی دارد که به طور مؤثر و کارآمد عمل کنند، در نتیجه ابتلا به بیماری قلبی - عروقی کاهش می یابد (لیون و بلکبرن، 1977؛ پافنبارگر، وینگ (1) 1978)؛ (دیماتو، ام. رابین، 1378، ج 1، ص 110). مشاهدات علمی نشان دهنده این واقعیت است که افرادی که شغل آن ها با فعالیت جسمی روزانه همراه است، کمتر به سکتته قلبی دچار می شوند (پاک نژاد، همان، ص 104).

بر این اساس شریعت اسلام همواره انسان را به ورزش و تربیت بدنی در زمینه های مختلف ترغیب نموده و به موازات تقویت جنبه های علمی و ایمانی به تقویت جسمانی هم توجه کرده است؛ چنان که

ص: 423

در قرآن کریم بارها کلمه «أَشَدُّ» از ماده «شَدَّتْ»، به معنای نیرومند شدن و «أَسْتَوَى» از ماده استواء به معنای کمال خلقت و اعتدال بیان گردیده که گویا یک نحوه ارتباط بین سلامتی و نیرومندی جسمانی و یادگرفتن حکمت و دانش وجود داشته و مطلبی بیان نشده که هیچ یک از پیامبران و امامان ضعف بدنی داشته اند؛ در

قرآن کریم آیاتی به این مطلب تصریح دارد در آیه 14 سوره مبارکه قصص درباره حضرت موسی علیه السلام چنین می فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا: هنگامی که موسی علیه السلام نیرومند و کامل شد، حکمت و دانش به او دادیم».

به عبارت دیگر تربیت بدنی از منظر اسلام می تواند به تعمیق باورهای مذهبی بینجامد. بزرگان دین نیز در کنار تمام ویژگی های نیک اخلاقی و روحی، از توانایی جسمی بالایی برخوردار بوده اند که نمونه بارز آن در وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و امام علی علیه السلام و سایر معصومان علیهم السلام

شخصیت های بزرگواری همچون حضرت ابوالفضل علیه السلام، حمزه سیدالشهدا علیه السلام، مالک اشتر و... بروز یافته است. بدون شک آن بزرگواران جهت حفظ آمادگی جسمانی خود، همواره به ورزش هایی که در جهت سازندگی و تقویت و پرورش جسم بوده، مبادرت می ورزیدند. چنان که در روایات آمده است: پیامبر صلی الله علیه واله با یکی از یاران خود به نام «اسامه بن زید» در مسابقه اسب دوانی شرکت جست و جایزه مسابقه را سه نخل خرما تعیین فرمود! چنان که امام سجاد علیه السلام در این باره فرمودند: «إِنَّ النَّبِيَّ اجْرَى الْإِبِلَ مُقْبِلَهُ مِنْ تَبُوكَ، فَسَبَقَتِ الْعَصَّةُ بَاءَ عَلَيْهَا أُسَامَةَ، فَجَعَلَ النَّاسُ يَقُولُونَ: سَبَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: سَبَقَ أُسَامَةَ: پیامبر صلی الله علیه واله در مسیر بازگشت از جنگ تبوک (در حالی که بر شتری سوار بود) با اسامه که بر شتری به نام «غضباء» سوار بود مسابقه داد. «غضباء» از شتر پیامبر صلی الله علیه واله پیشی گرفت، مردم تماشاگر فریاد زده و می گفتند: رسول خدا صلی الله علیه واله برنده شد. ولی رسول خدا صلی الله علیه واله می فرمود: این طور نیست، اسامه برنده شد» (مجلسی، 1403، ج 102، ص 190).

شیخ طوسی در کتاب «المبسوط» می نویسد: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ بِقَوْمٍ مِنَ الْأَنْصَارِ يَتَرَامُونَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا مَعَ الْحِزْبِ الَّذِي فِيهِ ابْنُ الْأَرْدَعِ فَأَمْسَكَ الْحِزْبُ الْآخَرَ، وَقَالُوا لَنْ يُغْلَبَ حِزْبٌ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ: أَرْمُوا فَإِنِّي أُرْمِي مَعَكُمْ فَرَمَى مَع كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ رَشْقًا؛ پیامبر صلی الله علیه واله بر گروهی از انصار که مشغول تیراندازی بودند گذر کرد و داوطلب شد که در مسابقه آن ها شرکت کند، فرمود: من با گروهی که ابن اردع در آن است همکاری می کنم. دسته مقابل با شنیدن سخن آن حضرت، از تیراندازی دست کشیدند و گفتند: گروهی که رسول اکرم در آن تیراندازی کند هرگز مغلوب نخواهد شد. پیامبر صلی الله علیه واله برای آن که مسابقه تعطیل نشود، فرمود: تیراندازی کنید من هم با شما تیراندازی می کنم، و پیامبر صلی الله علیه واله با هر دو گروه تیراندازی کرد» (طوسی، 1383، ج 6، ص 290).

اگرچه اسلام همه ورزش‌هایی را که در جهت سازندگی و تقویت و پرورش جسم باشند مباح دانسته، ولی از آنجا که شریعت اسلام بین جسم و روح ارتباط تنگاتنگی قائل است، از این جهت پیشوایان دینی ما بیشتر به ورزش و مسابقاتی توصیه فرموده‌اند که در سازندگی و پرورش جسمی و بدنی نسبت به جنبه سرگرمی و تفریحی، نقش بیشتری داشته و موجب کسب آمادگی رزمی و دفاعی در مقابل دشمن می‌گردد. از این رو اسلام به فراگیری ورزش‌هایی چون: اسب سواری، شمشیربازی، پرتاب نیزه، تیراندازی، شنا، و ورزش‌های رزمی، توصیه فراوان نموده و حتی برگزاری مسابقات آن‌ها را که موجب یادگیری حرفه‌ای آن‌ها بوده، مورد تأکید قرار می‌دهد و در آیات و روایات و در رفتار و گفتار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام به کرات به آن‌ها پرداخته شده است؛ بنابراین باید با تمسک به آن‌ها و در جهت ارتقای سطح سلامت جامعه نسبت به آن توصیه به ورزش همگانی انجام گیرد.

تربیت دینی و بدنی نسبت به یکدیگر می‌توانند نقش متقابل داشته باشند، تربیت بدنی نقش مستقیم در تربیت دینی دارد و به صورت شرط لازم برای تربیت دینی ایفای نقش می‌کند و شرط کافی آن، ملازم بودنش با ایمان الهی است و تربیت بدنی در اینجا نقش پشتیبانی دارد، حتی تکالیفی که جنبه معنوی محض دارد، مانند روزه، نماز و حج در گرو سلامتی بدن است. بنابراین، هدف اسلام از ورزش، نه تنها سلامتی و تندرستی افراد است که بهتر بتوانند از مزایای زندگی بهره‌مند شوند، بلکه تندرستی و سلامتی را عامل پیشبرد رشد عقل و روح می‌داند و مسلمان قوی و نیرومند بهتر می‌تواند علاوه بر انجام فرایض دینی مانند نماز و روزه، در بسیاری از تکالیف اجتماعی خود مانند جهاد و دفاع از حیثیت و شرف و مکتب و حمایت از محرومان و مستضعفان در شکل‌های گوناگون، موفق باشد. به یقین انجام همه این امور احتیاج به نیروی بدنی دارد و کسانی که نیرومندتر باشند، بهتر می‌توانند از عهده این گونه تکالیف برآیند و از این جهت تقرب بیشتری به خدای متعال پیدا کنند. چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «انسان باایمان قوی و نیرومند، از شخص باایمان ضعیف بهتر و دوست داشتنی‌تر است» (شیخ صدوق، ج 2، 1363، ص 58).

نکته جالب توجه این که انسان باایمان اگر نیرومند و سالم باشد، می‌تواند منشأ آثار خیر بیشتری باشد و حتی بهتر و بیشتر در مسجد و اماکن متبرکه حضور یابد و عبادت کند و یا جهاد نماید.

گفتار دوم: پیوند مسجد و ورزش، دروازه‌ای برای تربیت بدنی و معنوی

اشاره

مسجد از دیدگاه اسلام، کانون ایمان و تقوا و محیط پاکی و قداست و مرکز تبلور عبودیت و نیایش در برابر پروردگار جهان است. در منابع روایی اسلام، مسجد از قداست و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در

احادیث نبوی از مسجد با عنوان «خانه خدا»(1)،

«نشستگاه پیامبران»(2)،

«سرای هر پروا پیشه»(3)،

«بهترین مکان ها»(4)، «نور خدا»(5)

و «باغ بهشتی»(6) و... تعبیر شده است.

خداوند به جهت اهمیت و فضیلت مساجد بر دیگر مکان ها، آن را به خود منسوب کرده و متعلق به خود دانسته است تا مزیت آن بر دیگر مکان ها روشن شود. اختصاص مساجد به خداوند که منزله از صفات حسی است، جنبه سمبلیک داشته و بر این اشاره دارد که مساجد، مورد توجه خاص ذات اقدس او است. بنابراین، در مساجد که «خانه خدا و نشستگاه پیامبران، سرای هر پروا پیشه، بهترین مکان ها، ... است، جز کار خدایی نباید کار دیگری صورت پذیرد و جز مصالح مسلمانان، امر دیگری نباید مطرح شود. قداست مسجد تا بدانجاست که به تعبیر قرآن کریم (توبه: 18) حتی آبادگران این پایگاه عبادی و اجتماعی مسلمانان، باید صالح و پاک باشند و برنامه های آن نیز سازنده و تربیت کننده، هم بودجه اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان اهل تقوا و باخدا، وگرنه اگر سازندگان مساجد، جباران و سلاطین جور و امامان جماعت، افراد بی سواد و ترسوئی باشند، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند.

یکی از جنبه های آبادانی، رونق دادن به حضور اقشار مختلف مردم، به ویژه نوجوانان و جوانان در مسجد است که در این راستا، یکی از راه های جذب نوجوانان و جوانان، توسعه کارکردهای مسجد است، به این گونه که جوان حس نماید نیازهای مختلف روحی و جسمی خود را در کانون باصفای الهی مسجد

می یابد و از این منظر برگزاری کلاس های ورزشی در محیط های پیرامونی مسجد، می تواند این زمینه را فراهم نماید. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است: آیا در تاریخ صدر اسلام در مسجد (با آن قداستی که در مطالب فوق به آن اشاره شد)، فعالیت های ورزشی (اعم از رزمی و غیر آن)، انجام می شده و سیره نورانی پیامبر صلی الله علیه و اله و شواهد تاریخی مؤید آن است؟

جواز برگزاری فعالیت های ورزشی در محیط های پیرامونی مسجد

حفاظت از سنگرهای اعتقادی و تمامیت ارضی و ملی نظام اسلامی، مستلزم تربیت و پرورش نیروهای

ص: 426

1- «إِنَّ بُيُوتَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ؛ مساجد خانه های خدا در روی زمین اند» (متقی الهندی، ج 7، بی تا، ص 580، ح 20347).

2- «الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ؛ مساجد، مجالس پیامبران است» (نوری، ج 3، 1408 ق، ص 363).

3- «إِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ؛ مساجد، خانه پارسایان است» (همان، ج 7، ص 659).

4- «إِنَّ خَيْرَ الْبِقَاعِ الْمَسَاجِدُ؛ پیامبر صلی الله علیه و اله به نقل از جبرئیل، از خداوند عزّ و جلّ: همانا بهترین مکان ها، مسجدها

هستند» (شیخ صدوق، 1390، ج3، ص199، ح3751).

5- - «المَسَاجِدُ أَنْوَارُ اللَّهِ؛ مسجدها، نورهای خدایند» (نوری، همان، ج3، ص448، ح3962).

6- - «إِنَّ رِيَاضَ الْجَنَّةِ الْمَسَاجِدُ؛ همانا باغ های بهشت، مساجدند» (متقی الهندی، همان، ص648، ح20721).

جوان و کارآموده ای است تا در مواقع بحرانی و شبیخون نظامی و فرهنگی از سوی دشمنان قسم خورده اسلام و مسلمین، بتوان آمادگی دفاعی لازم را برابر تهدیدات کینه توزانه دشمن فراهم و بسیج کرد.

اما آموزش نظامی در تعلیم فنون و ورزش های رزمی و شیوه های استفاده از انواع سلاح ها و تجهیزات خلاصه نمی شود، بلکه تقویت فکری و اعتقادی توأم با تقویت قوای جسمانی از عوامل مؤثر در کاربرد سلاح های موجود است. بنابراین، نگاه ورزشی اسلام به جنبه جسم خلاصه نمی شود و به ابعاد روحی انسان نیز می پردازد. زیرا آمادگی روحی و روانی و ورزیدگی جسمانی نیروهای رزمی، چه بسا کارسازتر از کمیت و کیفیت تجهیزات دشمن در صحنه کارزار خود را می نمایاند. برای ایجاد چنین آمادگی رزمی، همان گونه که اسلام از بعد پرورش فکری و روحی نیروهای اسلامی در مسجد، مانع و رادعی مطرح نکرده است، و اساساً بنیان و فلسفه وجودی مسجد را جز این نمی داند، در خصوص برگزاری ورزش های رزمی و تربیت بدنی و پرورش اندام در «محیط های پیرامونی مسجد، غیر از شبستان اصلی» با رعایت حرمت و قداست آن، که موجب نشاط روحی و روانی و تقویت جسمانی برای انجام تکالیف الهی و کسب معاش دنیوی است، مخالفتی را ابراز نمی نماید، هرچند که در افکار عامیانه و مقدس مآب، منافی با قداست و تقدیس مسجد قلمداد گردد.

به یقین اگر برای مورخان و روایت نگاران صدر اسلام، در جام جم تعقل، نیازها و ضروریات جامعه امروزی منعکس می گردید، شواهد زیادی را در این باره و در بسیاری از موارد دیگر برای ما به یادگار می گذاشته اند تا امروزه در کشف حقایق صدر اسلام و آنچه می گذشته است به آسانی به نتیجه می رسیدیم؛ ولی به احتمال قوی چنین نبوده است.

بایدها و نبایدهای انجام فعالیت های ورزشی در مساجد

اشاره

با توجه به قداست و جایگاه مکانی مساجد در آموزه های اصیل اسلامی، نباید از نظر دور داشت که قطعاً بعضی از کارها نباید در انجام فعالیت های ورزشی در محیط های پیرامونی مسجد اتفاق بیفتد؛ زیرا «مسجد... کانون ذکر و عبادت و اندیشه و معرفت... است» (1) مسجد... ارتباط زمین و آسمان است. جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می کند. انسان در مسجد، خود را به خدا متصل می کند. (2) مسجد، مکانی است برای تمرین و ممارست خلق و خوی و رفتار و کردار پسندیده انسانی و محل

ص: 427

1- - پیام مقام معظم رهبری، نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، 20/7/1389.

2- - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای دفاتر نمایندگی رهبری در دانشگاه ها، 20/4/1389.

مناسبی است برای پیاده کردن و عملی ساختن ارزش های والای اخلاقی و رفتاری در ابعاد گوناگون زندگانی و سکوی پرواز است به ملکوت، برای فراهم شدن عبادت در مسجد، به شرایط و عوامل فراوانی نیاز است که مکان عبادت، یکی از آن هاست. در اینجا به مهم ترین شروط انجام فعالیت های ورزشی در محیط های پیرامونی مسجد (1) اشاره می کنیم:

1_ عدم هتک حرمت

در آموزه های اسلامی، تمام مساجد، خانه خدا در روی زمین و از شعایر الهی به شمار می آیند، احترام مساجد ضروری است. باید آباد نگاه داشته شوند، هم با تعمیر و نگهداری و بازسازی و هم با حضور پرشکوه مردم، نیز باید از آلوده شدن مسجد جلوگیری شود و اگر به نجاست آلوده شد، فوراً اقدام به تطهیر آن گردد. خوابیدن در مسجد و ورود به مسجد بدون وضو کراهت دارد؛ هنگام ورود مستحب است پای راست را مقدم بدارد و هنگام خروج پای چپ را. آن قطعه زمینی که وقف مسجد شود، دیگر از مسجد بودن خارج نمی شود، اموال مسجد را باید حفظ و نگهداری کرد، اشیا متعلق به مسجد را نباید در غیر مسجد مورد استفاده قرارداد، نظافت مسجد و تمیز نگه داشتن آن ضروری است، سخن گفتن از کارهای دنیایی در مسجد کراهت دارد. این ها همه برای تعظیم و احترام مسجد است. مسجد در شریعت اسلام از قداست و جایگاه خاصی برخوردار است و تعظیم آن بر همگان واجب است. ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام علت تعظیم مساجد را پرسیدم؟ فرمودند: «إِنَّمَا أُمِرَ بِتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ:

علت تعظیم مساجد این است که مساجد، خانه های خدای متعال در زمین هستند» (مجلسی، 1403، ج 81، ص 14). ارج نهادن به این شعائر به فرموده قرآن کریم، نشان دهنده پرهیزکاری است: «وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ: و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست» (حج: 32). بر همین اساس در قرآن کریم از مانع شدن از یاد خدا در مسجد، تعبیر به ظلم شده است (بقره: 114).

علاوه بر اینکه احترام به مسجد نشان از تقواست و بازداشتن از ذکر خدا ستمگری شمرده شده، اگر کسی به مسجد احترام هم نکند، یعنی عملی که حاکی از سبک شمردن مسجد باشد، از او صادر شود، ملعون است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «مَلْعُونٌ، مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوَقِّرِ الْمَسْجِدَ: مورد نفرین خداست کسی که به مسجد احترام نگذارد» (حرّ عاملی، همان، ج 3، ص 554). به همین دلیل، فقهای عظام در فقه، قاعده ای تحت عنوان «حرمة اهانه المحرمات فی الدین» مطرح کرده اند. بر اساس این قاعده، که مفاد

ص: 428

1- - نکته قابل توجه اینکه، سالن های کنار مسجد و حیاط مسجد و دیگر اماکن، حکم مسجد را ندارد و مسجد به لحاظ فقهی تنها به بخشی اطلاق می گردد که صیغه مسجد برای آن خوانده شده باشد.

آن مورد اتفاق همگان است، هتک، اهانت و تحقیر آنچه در دین اسلام دارای حرمت است، جایز نیست و مسجد مسلمانان از مواردی است که رعایت احترام آن لازم شمرده شده است. همچنین برخی از علما اهانت به مسجد و هتک احترام آن را از گناهان کبیره دانسته اند؛ زیرا مکانی که شعائر الهی و از محرمات دینی محسوب می شود، احترام و حرمت آن واجب است.

در کتاب گناهان کبیره تحت عنوان «هتک مساجد» آمده است: هر مکانی که به وسیله مسلمانان و به عنوان مسجد بنا شود، شیعه باشد یا از سایر فرق اسلامی، رعایت حرمت آن واجب و اهانت و هتک آن، مانند خراب کردن و یا آلوده ساختن آن به نجاست، ورود کفار و مشرکان، توقف جنب، حائض و نفساء گناه کبیره است. مسجد به حضرت آفریدگار نسبت دارد. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (جن: 18) و اهانت به آن اهانت به خداست. علاوه بر این، بزرگی هتک مسجد نزد هر دین داری بدیهی و ارتکازی است (دستغیب، 1363، ج 2، ص 385).

حال با توجه به اینکه لازم است برای آبادانی، رونق دادن به حضور اقشار مختلف مردم، به ویژه نوجوانان و جوانان در مسجد، پیوندی بین تربیت بدنی و تربیت دینی (مسجد) صورت گیرد، آیا جایز است که این ورزش در فضای مسجد انجام شود؟

پاسخ مراجع عظام تقلید بدین صورت است که: خیر زیرا این کار باعث وهن و هتک حرمت مسجد است، جایز نیست. در این باره مقام معظم رهبری می فرمایند: «مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی

نیست و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات داشته و با جهت وقف مخالفت دارد، باید پرهیز شود» (خامنه ای، 1392، ص 119، س 404).

همچنین حضرات آیات سیستانی و صافی (مدظلهما) به ترتیب بیان می دارند: مناسب مسجد نیست. و انجام این امور در مسجد جایز نیست.

آیت الله مکارم شیرازی می فرمایند: ورزش برای همگان، مخصوصاً برای جوانان و نوجوانان امر لازمی است؛ ولی مناسب مساجد و حسینیه ها نیست. لازم است مکان مناسب دیگری برای آن در نظر گرفته شود.

بنابراین نباید ورزش در محیط مسجد انجام شود و باید در محیط های کناری یا پیرامونی آن انجام شود. گاهی مسجد دارای سالن یا زیرزمینی است که حکم مسجد را ندارد و واقف هم شرط خاصی در استفاده از آن نکرده است؛ که در این صورت مانعی در اجرای برنامه های فرهنگی، ورزشی (با حفظ حرمت مسجد) در آن نیست.

2_ عدم مزاحمت برای نمازگزاران و سایر مراسم های عبادی و فرهنگی

یکی از شرایط لازم برای جواز فعالیت های ورزشی در محیط های پیرامونی مسجد این است که موجب مزاحمت برای نمازگزاران و سایر مراسم های عبادی و فرهنگی مانند عزاداری ها و سخنرانی و ... نگردد.

در قرآن کریم هر جا سخن از است، جنبه های عبادی آن به عنوان نقش اولیه و بنیادین این جایگاه مقدّس و معنوی به شمار رفته است. در واقع، مسجد جایگاه اصلی نماز و عبادت است؛ گرچه اسلام اجازه داده هر جا که وقت نماز فرارسید، نماز خوانده شود، یعنی نماز خواندن نیازمند مکان مخصوصی نیست. همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا: زمین برای من محل عبادت و پاکیزه قرار داده شده است» (شیخ صدوق، 1390، ج 1، ص 724). با وجود این، به دلیل اینکه نمازهای پنج گانه به طور منظم در شبانه روز خوانده می شود، به طور طبیعی مسلمانان به مکانی برای برگزاری نمازشان احتیاج پیدا می کنند و این نیاز، منجر به ساخت مساجد شد. بر این اساس، یکی از فلسفه های ساخت مسجد، برگزاری نمازهای واجب به صورت جماعت است تا این جلوه عبادی جمعی، در خانه خدا مؤثرتر گردد.

هر کاری که مانع انجام یاد خدا و عبادت شود، از مصادیق ظلم به مسجد است؛ چنان که در قرآن کریم فرموده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا: چه کسی ظالم تر و ستم کارتر از آنکه از بردن نام خدا در مسجد جلوگیری کند و در خراب کردن آن سعی و کوشش کند.» (بقره: 114) بنابراین، فعالیت های ورزشی نباید در هنگام برگزاری نماز جماعت ادامه پیدا کند و باید مربی در ساعاتی قبل از نماز کلاس را تعطیل و از ورزشکاران بخواهد تا خود را برای اقامه نماز مهیا کنند، زیرا در غیر این صورت، این امر خود مانعی جدی در راستای تحقق وحدت بین تربیت بدنی و دینی ورزشکاران به حساب می آید و مصداق جلوگیری از یاد خداست و بنابراین مسجد باید از هرچه که مانع یاد خدا می شود، پیراسته باشد.

3_ عدم مخالفت با نظر واقف

انجام فعالیت های ورزشی و تربیت بدنی در مسجد و یا فضایی که متعلق به آن است، با رعایت حرمت مسجد، در صورتی جایز است که برخلاف نظر واقف نباشد. بنابراین اگر واقف انجام امور غیر عبادی مانند ورزش و... را در مسجد و آن فضاهایی را که متعلق به آن است منع کرده باشد، جایز نیست در آن مکان فعالیت های ورزشی و تربیت بدنی و حتی ورزش های رزمی برگزار گردد.

یکی از اموری که ورزشکاران مسجدی که در محیط های پیرامونی مساجد، اعم زیرزمین و سالن و فضای مربوط آن باید رعایت کنند، رعایت امور بهداشتی و نظافت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «تَعَاهَدُوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ أَبْوَابِ مَسْجِدِكُمْ: کفش هایتان (1) را

نزدیک درب مسجد بررسی کنید» (حر عاملی، همان، ج 3، ص 504). بر اساس این حدیث، بر هر فردی که وارد مسجد و فضای مربوط به آن می شود لازم است که در بدو ورود بدن و لباس و کفش هایش را واریسی کند که از آلودگی و نجاست پاکیزه باشد. همچنین شایسته است به منظور احترام و توقیر مسجد، از انداختن آب دهان و بینی در این مکان مقدس خودداری شود. از پیامبر صلی الله علیه و اله روایت شده است: «مَنْ رَدَّ تَعْظِيمًا لِحَقِّ الْمَسْجِدِ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَ كِتَبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَ حُطَّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةٌ وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: لَا تَمْرُ بِدَاءٍ فِي جَوْفِهِ إِلَّا أَبْرَأَتْهُ: هر کس برای احترام مسجد، آب دهان خود را فرورد و در مسجد نیندازد، خداوند آن را مایه، قدرت و توانایی و پاداش نیکی برایش می نویسد و گناهی

را از او می آمرزد و حضرت ادامه دادند: آب دهان، به هر دردی در بدن او برخورد کند، آن را شفا می بخشد» (حر عاملی، 1403 ق، ج 3، ص 499). همچنین امام علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ وَقَّرَ الْمَسْجِدَ مِنْ نُخَامَتِهِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ضَاحِكًا قَدْ أُعْطِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَ أَنَّ الْمَسْجِدَ جِدًّا يَلْتَوِي عِنْدَ النَّخَامَةِ كَتَلَوِي أَحَدٍ كُمْ بِالْخَيْرِ إِنْ إِذَا وَقَعَ بِهِ: کسی که به احترام مسجد از انداختن اخلاط در آن خودداری کند، در روز قیامت با سرور و شادمانی و درحالی که نامه اعمالش را در دست راست دارد، خداوند متعال را ملاقات می کند. کسی که در مسجد خلط می اندازد، مسجد به خود می پیچد، همان طور که اگر یکی از شما را با چوبی بزنند، از شدت درد به خود می پیچید» (مجلسی، همان، ج 80، ص 381).

5_ عدم بخش موسیقی حرام هنگام ورزش

موسیقی مطرب که در منابع روایی اسلام، از آن به «غنا» تعبیر شده، یکی از پرتگاه ها و زمینه های بروز آلودگی و از آفات بزرگ «عفت» و حرام است. پیامبر صلی الله علیه و اله آن را «افسون زنا» خوانده است: «الغناء رقيه الزنا: یعنی غنا، مایه پرداختن به فحشاء است» (حر عاملی، همان، ج 17، ص 312). این تشبیه با رساترین تعبیر، تأثیر خطرناک موسیقی مبتذل را در آلودگی های جنسی بیان می کند و نقش آن را در تحریک غریزه جنسی انسان ها به ویژه در جوانان، همچون جادویی می داند که بی اختیار، آنان را به اعمال نامشروع و خلاف عفت می کشاند.

ص: 431

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مردی از آن حضرت درباره شنیدن آواز محرک پرسید. حضرت از آن نهی کرده و این آیه را خواندند: «به یقین گوش و چشم و دل، هر یک مورد سؤال خواهند بود» (اسراء: 36) و فرمودند: گوش از آنچه شنیده و قلب از آنچه بدان دل بسته و چشم از آنچه دیده است مسئول بوده و بازخواست خواهند شد» (حر عاملی، همان، ج 17، ص 316 و ج 12، باب 99، احادیث 8، 9، 24، 26).

در منابع اصیل روایی اسلام، در هشدارهای اهل بیت علیهم السلام آمده است: غنا، غیرت (آدمیان، به ویژه مردان) را تضعیف می کند و روحیه تنفر از فحشاء را از آدمی نابود می سازد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «شیطانی است که به او "قَفْنَدَر" می گویند. زمانی که در خانه مردی، چهل روز بَرَبِط (بربت نوعی وسیله نواختن در میان اهل فارس) نواخته شود و مردم به خانه او بیایند، این شیطان هر عضو از بدنش را بر همانند عضو بدن

صاحب خانه می گذارد، سپس در اعضای او (یا در خانه) می دمدم، پس آن مرد دیگر غیرت ندارد تا اینکه زنانش نیز در مجلس مردان حاضر می شوند؛ اما غیرت آن مرد برانگیخته نمی شود» (کلینی، 1405ق، ج 6، ص 433).

بنابراین یکی از پیامدها و آثار روی آوردن به «غنا»، بی غیرت شدن و عدم تنفر از فحشاء است. غنا، کانون لغزش ها و خطاها است. (1) همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند: «کان ابلیسُ اَوَّلَ مَنْ تَغَنَّى: اولین کسی که به غنا روی آورد، ابلیس بود» (حرّ عاملی، همان، ج 17، ص 310، ح 27). ابلیس پس از آنکه آدم از شجره منهبه خورد، به تغنی پرداخت و همچنین پس از موت آدم، برای شماتت بازماندگان او به غنا پرداخت (همان، ص 311-313).

پخش موسیقی های غیرمجاز و حرام در فضایی که متعلق به مسجد است، موجب ارتکاب دو عمل حرام است:

الف) حرمت شرعی موسیقی های حرام که موجب از بین بردن حیا و افزایش شهوت و سرانجام زنا است.

ب) پخش نواها و موسیقی های حرام در فضای نورانی و مقدس مسجد، موجب هتک حرمت این مکان مقدس است و مرتکبش در لسان روایات «ملعون» شمرده شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام خطاب به یونس بن یعقوب فرمودند: «ملعون است، ملعون است کسی که مسجد را حرمت نهد! ای یونس! آیا می دانی چرا خداوند، حقّ مسجدها را بزرگ قرار داده و این آیه را فرو فرستاده است که: (وَأَنَّ

ص: 432

1- «الغناء عس الخطایا، الغناء عس النفاق». (نمازی شاهرودی، 1378. ماده غناء).

الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا: مساجد، از آن خدایند؛ پس کسی را با خدا نخوانید؟» [زیرا] یهودیان و مسیحیان، هرگاه وارد معابد و کلیساهای خود می شدند، به خدای متعال شرک می ورزیدند؛ از این رو، خداوند به پیامبرش فرمان داد تا در مساجد، خداوند را به یگانگی بخوانند و تنها او را پرستش کنند» (شیخ حر عاملی، همان، ج 3، ص 554؛ مجلسی، همان، ج 76، ص 355، ح 21).

طبق نظر همه مراجع تقلید، هر ورزشی «اگر همراه با موسیقی لهوی متناسب با مجالس گناه و معصیت باشد و یا به گونه ای باشد که شهوت را تحریک کند و یا مستلزم کار حرام و یا ترتب مفسده ای باشد، جایز نیست».

افزون بر آنچه گذشت، پخش موسیقی و ترانه های مجاز و یا غیرمجاز، علاوه بر حرمت آن و هتک حرمت مسجد، اثرات نامطلوبی را در ذهن و جسم ورزشکار ایجاد می کند، شرطی شدن بدن در مقابل آهنگ هنگام ورزش و قطع آن در بعضی از موارد، سبب واکنش منفی بدن خواهد شد. در صورت نشنیدن موسیقی دلخواه، حالت یأس در ورزشکار ایجاد می شود که این امر در جای خود قابل بحث و بررسی است. اما در مورد مسجد اصولاً روح مسجد که فضای روحانی و قدسی است، با موسیقی برگرفته از فضای مادی و زمینی همخوانی ندارد، و پخش موسیقی نیز مصداق بارز ظلم به مسجد است و جایز نیست؛ زیرا غفلت از یاد خدا را در پی دارد؛ قرآن کریم در این باره می فرماید: «چه کسی ظالم تر و ستمکارتر از آنکه از بردن نام خدا در مسجد جلوگیری کند و در خراب کردن آن سعی و کوشش کند» (بقره: 114). البته جایگزین آن برای ایجاد تهییج می تواند جملات حماسی همراه با شور ورزشکار نوجوان و جوان باشد؛ در برخی ورزش های رزمی بومی شده ایرانی، بیان اسامی ائمه اطهار علیهم السلام فرستادن صلوات، بیان سرودهای متوالی و هماهنگ ورزشکاران و... جایگزین خوبی است.

آثار و برکات حضور ورزشی در محیط پیرامونی مسجد

اشاره

برگزاری فعالیت های ورزشی و تربیت بدنی در کنار مسجد، می تواند روح و روان ورزشکار را متعالی کند و این خود فرصتی است که آثار و برکات بسیاری برای ورزشکار دارد. زیرا این حضور کمکی مطلوب در جهت کسب معنویات برای اوست که همواره مورد تأکید بزرگان دین اسلام بوده است. امام خمینی در این باره فرمودند: «عقل سالم در بدن سالم است. ورزش همان طور که بدن را تربیت می کند و سالم می کند، عقل را هم سالم می کند و اگر عقل سالم شد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد. شما همان طور که ورزش می کنید و اعصاب خودتان را قوی می کنید، و ان شاء الله برای مملکت و آتیه مملکت مفید واقع

خواهید شد، لازم است که همه ابعاد وجودی خودتان را تحت تربیت ورزشی درآورید».

به طور کلی پرورش جسم و بدن سازی در اسلام، مقدمه تربیت روح و عقل است، و خود هدف و غرض مستقل نیست، بلکه تربیت بدن و تقویت و استحکام بخشیدن به اعضا و جوارح و اندام ها باید در جهت فراهم کردن مقدمه قدرت بر انجام عبادت و پرستش الهی، تقویت و شادابی روح و اراده، زمینه

رعب و وحشت دشمنان، زمینه امانت و صداقت، موجب نشاط و طراوت و سرزندگی، تحصیل و حفظ عافیت و سلامت جسم، تحصیل روحیه خدمتگزاری و کسب کرامت های اخلاقی باشد.

1_ تربیت جسم، مقدمه عبادت و پرستش الهی

قرآن کریم در آیات متعددی، خداوند را «قوی» نامیده و همه قوا را از آن او می داند. به عنوان نمونه به چند آیه اشاره می شود:

«أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا: همه نیروها از آن خداوند است» (بقره: آیه 165). «أُولَٰئِكَ يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً: آیا آن ها ندانستند، خدا که آن ها را خلق فرموده، بسیار از آنان نیرومندتر است؟» (فصلت: 15) «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ: جز قدرت خداوند قوه ای نیست» (کهف: 39)، «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ: همانا روزی بخشنده [خلق] تنها خداست که صاحب قوت و اقتداری سخت استوار است» (ذاریات: 58). اگر قوی بودن، صفت خوبی نمی بود، هرگز خداوند، خود را به آن متّصف نمی فرمود. صفت قوی در قرآن درباره انسان نیز به کاررفته است، همانند: «إِنَّ خَيْرَ مَنْ آسَأَ تَأْجُرَ الْقَوِي الْأَمِينُ: بهترین کسی که می توانی استخدام کنی، کسی است که امین و نیرومند و قوی است» (قصص: 26). امام علی علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ: خداوند دوست دارد اثر نعمتش را بر بنده اش ببیند.» (حر عاملی، همان، ج 5، ص 35) بدون شک سلامتی و قدرتی که مأنوس با فضای نورانی مسجد باشد، یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی است که از آن در جهت عبادت و پرستش الهی استفاده می شود. مراد از عبادت، معنای عام آن است؛ یعنی، هر عمل قربی به منظور جلب و کسب رضای خداوند، که شامل احقاق حقوق مظلومان و دفع ظلم ستمگران و کار و کوشش برای تحصیل روزی، و دستگیری و انفاق نسبت به مستمندان و جهاد و دفاع از حریم دین و وطن نیز می شود و این همان چیزی است که امام علی علیه السلام در فرازی از دعای کمیل عرضه می دارد: «يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قُوَّةَ عَلِيٍّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي: پروردگارا! پروردگارا! پروردگارا! اعضا و جوارح مرا، در راه خدمت به خودت، قوی و نیرومند گردان» و رابطه قوت را با طاعت خداوند این چنین بیان می نمایند: «وَإِذَا قُوَيْتَ فَأَقْوَى عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَإِذَا ضَعُفْتَ فَأَضْعَفُ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ: هرگاه توانا باشی بر طاعت خدا توانا

باش، و اگر ناتوان بودی، از معصیت خدا ناتوان باش» (نهج البلاغه، 1379، ص 1268). و چه جایگاهی بهتر و مطلوب تر برای توانا کردن ورزشکار بر طاعت

الهی می توان یافت. امام خمینی در این باره فرمودند: «مهم ترین اثر و فایده ورزش که شاید به آن کمتر پرداخته شده است، این نکته است که ورزشکاران زودتر از غیر ورزشکاران آمادگی پذیرش معنویات و ایمان را دارند. حتی اگر ورزش فقط همین یک فایده را داشته باشد، برای گسترش آن هراندازه سرمایه گذاری شود ناچیز است. آن ها که جنبه ورزشکاری و مادی را دارند، آن ها جوان هایی هستند که قوای جسمی شان به خاطر همین ورزش نشاط و آمادگی پیدا می کند، آن وقت روح آن ها معنویات و ایمان را زودتر قبول می کند. یک وقت است که ورزشکاری تعلیم و تربیت در خدمت طاغوت است که این جز خسران برای یک کشوری به بار نمی آورد؛ ولی وقتی این دو قوه و نیروی بزرگ در خدمت خداست، آن وقت ایمان در آن ها تقویت شده و برای پیشبرد مقاصد اسلام نیروی عظیمی پیدا می شود که هیچ نیرویی نمی تواند جلوی او را بگیرد. چنانچه به عیان دیدید که اجتماعات با قوای مادی و معنوی و نیروی ایمان پیش رفتند تا اینجا و این نهضت عظیم را پیا کردند و آن قدرت های شیطانی را شکستند» (موسوی النخینی، 1378، ج 7، ص 261). به هر حال، ورزش و تربیت جسم، مقدمه عبودیت است. به بیان دیگر، به وسیله ورزش و تربیت جسم، یک فرد مسلمان می تواند از تن و جسم خود وسیله ای بسازد که روحش را به ملکوت اعلا نزدیک سازد، و تخلّق به اخلاق الهی پیدا نماید و توانایی و قدرت انجام عبادت و کارهایی داشته باشد که او را به خدا نزدیک می نماید؛ زیرا یکی از شرایط همه عبادات مثل نماز، روزه، حج، جهاد، قدرت و استطاعت بدنی است؛ با ضعف بدن و ابتلا به انواع بیماری ها و گرفتاری ها، انجام هیچ کاری از انسان ساخته نیست. ورزشکار در سایه تربیت جسم و قدرت بدنی، آمادگی ذاتی بیشتری برای درک فضائل معنوی دارد که اگر از آن به هنگام استفاده شود، می تواند تأثیر زیبایی بر صفحه قلب ورزشکار داشته باشد. این شرایط در فضای نورانی مسجد مساعد است و قابل مقایسه با سایر اماکن ورزشی مثل باشگاه ها نیست.

2_ تربیت جسم، مقدمه تقویت روح و اراده

فایده مثبت ورزش و تربیت جسم، تنها کسب آمادگی قوای جسمی نیست؛ بلکه ورزش مقدمه و زمینه، کسب روحیه و اراده قوی در برابر مشکلات و همچنین به دست آوردن اخلاق پسندیده و جوانمردانه است.

آنچه مطلوب اسلام است، دو قدرت است: یکی، قدرت روحی آدمی و دیگری، قدرت جسمانی. اگر این دو قدرت توأم باشند، ثمربخش خواهند بود و قدرت فرد در انجام امور مضاعف می گردد. بنابراین،

تربیت بدنی زمانی که با ایمان عجین شود و به دنبال آن صبر بیاید، شکست ناپذیر است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِثْلِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِثَّةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا: اگر بیست نفر از شما مردان باایمان صبور و پایدار باشید، بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهید شد، و اگر صد نفر بوده، بر هزار نفر از کافران غلبه خواهید کرد» (انفال: 65).

این آیه شریفه، موازنه قوا را در عدد نفی می کند و به روحیه، ایمان و صبر تکیه می کند و برای اینکه گمان نشود پیروزی بیست نفر بر دویست نفر مبالغه است، تکرار می کند که صد نفر بر هزار نفر چیره می شوند، به شرط آنکه مؤمن و صبور باشند. بامطالعه در تاریخ جنگ های صدر اسلام به روشنی درمی یابیم که هرگز موازنه آماری بین مؤمنان و کفار نبوده است. در جنگ بدر، 313 نفر در برابر هزار نفر، در احد، 700 مسلمان در مقابل 3000 کافر، در جنگ خندق، سه هزار نفر در برابر ده هزار نفر و در جنگ موتة، ده هزار مسلمان در مقابل صد هزار نفر از کفار قرار داشتند (قرآنی، 1383، ج 4، ص 359).

بدون تردید حضور یک نوجوان و جوان ورزشکار در مسجد، جنبه ایمانی او را تقویت کرده و به تبع آن صبر نیز در وی متجلی می شود؛ همان که از آن به عنوان سیر عبادات یاد شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: در آغاز کار، یک مؤمن مأمور بود که با ده مشرک جهاد کند و حق فرار و پشت کردن را نداشت. (کلینی، 1405ق، ج 5، ص 69) پیامبر اکرم صلی الله علیه واله فرمودند: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ: شخص باایمان قوی و نیرومند، از شخصی باایمان ضعیف بهتر و دوست داشتنی تر است» (شیخ صدوق، 1363، ج 2، ص 58).

مقام معظم رهبری ضمن بیان فواید ورزش فرمودند: ورزش بدن را سالم، کسالت را از انسان دور، اراده انسان را قوی می کند، توان افراد را در انجام کارها افزایش می دهد، بعضی از اموری که در ذات انسان ها وجود دارد با ورزش محقق می شود. (1) همچنین در سخنی دیگر فرمودند: یکی از مهم ترین کارهای ورزش این است که دائم میدان های تازه و افق های تازه ای را باز می کند و قابلیت های جسم انسان و قدرت پروردگار را در به وجود آوردن این جسم، در خلق این شیء بدیع که نامش انسان است، نشان می دهد. این

جسم با این همه دارای تحرک، با یک عامل معنوی همراه است و آن عامل، خرد و اراده انسان است، که انسان می تواند این دورا به کار بگیرد و جسم را هدایت کند و در جهت های گوناگون آن را حرکت بدهد. آن اراده هم خودش یک چیز فوق العاده ای است. (2)

ص: 436

1- . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با انجمن های اسلامی دانش آموزان، 19/2/1386 .

2- - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فاتحان قله اورست، 30/08/1384 .

همچنین امام خمینی ورزش را به تنهایی برای انسان کافی نمی دانند و تقویت قوه جسمانی را در کنار تقویت روحانی دارای ارزش می داند، یعنی همان ورزشی که دارای هدف باشد؛ نه ورزشی که بیهوده و پوچ باشد. من وقتی شما جوان ها را می بینم، ماشاءالله جوان های برومند و پهلوان خیلی خوشم می آید و افتخار می کنم به اینکه جوان ها علاوه بر برومندی بدنی، توجه به دیانت و اسلام دارند و همان طوری که ورزش کردند برای تقویت بدن، ان شاءالله ورزش برای تقویت روح هم کرده اند و می کنند. وقتی این دو قوه با هم شد، قوه جسمانی و قوه روحانی، این ارزش پیدا می کند... این دو قوه وقتی مجتمع شد، یک انسان به تمام معنا انسان می شود» (موسوی الخمینی، 1378، ج 7، ص 541). به یقین این از آثار و برکات ورزش در کنار مسجد است که می تواند این دو بعد انسانی را توأمان تقویت کند.

3_ تربیت جسم، زمینه امانت و صداقت

در مواردی از آیات قرآنی، «قوی بودن» با «امین بودن» قرین شده و گویا مکمل یکدیگر دانسته شده اند.

یکی از آن موارد، داستان حضرت موسی علیه السلام و دختران حضرت شعیب علیه السلام است. وقتی «صفورا»، دختر حضرت شعیب علیه السلام می خواهد حضرت موسی علیه السلام را برای استخدام شدن به پدر خود پیشنهاد کند، ضمن اشاره به نیرومندی و قوت بازوی وی به دو ویژگی مثبت او (امانت و صداقت) نیز اشاره می کند.

قرآن کریم در آیه 26 قصص در این باره می فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ: یکی از دو دختر (صفورا دختر شعیب) گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ همانا او بهترین کسی است که می توانی استخدام کنی، کسی است که امین و نیرومند و قوی است».

مورد دیگر، داستان حضرت سلیمان علیه السلام و بلقیس است. آنجا که حضرت سلیمان می خواهد به سرعت تخت بلقیس را از سرزمین سبا به کاخ خود بیاورد، می گوید: کدام یک از شما درباریان، تخت بلقیس را قبل از آن که تسلیم امر من شوند، نزد من خواهد آورد؟ عفریتی از جن می گوید: «أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ؛ من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی نزد تو می آورم» و آنگاه اضافه می کند: «وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ: و البته من بر این کار، قوی و امین هستم» (نمل: 39). و بدین ترتیب، خود را قوی و امین معرفی نموده و قوت را در کنار امانت به کار می برد.

به طور کلی اگر کسی قوی باشد، ولی امین نباشد، از کسی که ضعیف است، ولی او هم امین است، خطرناک تر خواهد بود. مسجد به عنوان مرکز صدق و صفا، به نوجوان و جوان ورزشکار می آموزد که دروغ

کلید همه بدی ها است و آنچه باعث نجات است صداقت و صفاست. امام رضا علیه السلام می فرماید: حضرت شعیب علیه السلام از دخترش پرسید: چگونه امانت داری این جوان را فهمیدی که او را امین می خوانی؟ گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت سر من، مرا راهنمایی کن. تا مبادا به قامت من چشم بدوزد (قرائتی، همان، ج 9، ص 40). به یقین انسان قوی و نیرومند بهتر می تواند امانت را حفظ کند. «امین بودن» با «قوی بودن» دارای ارتباط نزدیکی است؛ از این رو در قرآن کریم، این دو کلمه «قوی» و «امین» در کنار یکدیگر به کار برده شده اند، و مسجد، هم می تواند پرچم دار قوت و هم امانت برای یک ورزشکار باشد.

4- تربیت جسم، موجب نشاط و طراوت و سرزندگی

داشتن نشاط و طراوت و سرزندگی از عوامل موفقیت یک فرد در کارها است، و زندگی مردان موفق و بزرگ تاریخ نیز حقیقت را نشان می دهد که زمانی یک دانشمند موفق به اختراع و اکتشافی می گردد که به کارهایش تا سر حدّ عشق علاقه مند بوده و از دل سردی و دل مردگی و احساس خستگی کسالت دوری گزیده باشد. پرورش تن و پرداختن به جسم می تواند یکی از راه های تحصیل این حالت باشد و انسان باید هدفش از پرورش جسم، ایجاد ظرف های پاک و سالم و توانا برای پذیرش مظروف عالی و الهی و انسانی بوده و به انگیزه دور نمودن خستگی و کسالت باشد و داشتن این حالت همان چیزی است که ما در دعای «ابوحمزہ ثمالی» می خوانیم: «خدایا! من از کسالت و خمودی و اندوه و ترس و بخل و بی خبری و سخت دلی و بیچارگی و تنگدستی به تو پناه می برم.»

نشاط و طراوت و سلامت جسم و عافیت، یکی از نعمات الهی است و کسی که سلامت و عافیتش را از دست می دهد، یکی از شاخه های سعادت را از دست می دهد. انسانی که سالم و قوی و ورزیده است، واجد یکی از شاخه های سعادت است. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: «سعادت مند کسی است که مؤمن به خدا و مسلمان باشد و زندگی اش کفاف احتیاجاتش را بدهد و دارای منطق قوی بوده باشد» (مجلسی، ج 72، کتاب الیمان و الکفر، باب 95، ص 67، ح 27).

از جمله بدبختی ها و موانع سعادت برای انسان، ضعف اعصاب، ناتوانی بدن، عدم قدرت و عجز از انجام وظایف بدنی است که به خاطر اهمال و غفلت از رسیدگی به جسم و افراط و تفریط در زندگی گریبانگیر انسان می شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «آگاه باشید! که فقر یکی از بلاهاست و بدتر از فقر بیماری بدن است و بدتر از بیماری تن، بیماری قلب است و بدانید که بهتر از تندرستی، تقوای قلب و پرهیز دل است.

(البته منظور حضرت از بیماری قلب، فساد اخلاق و انحراف عقیده است) «(نهج البلاغه، همان، حکمت 381).

5- تربیت جسم، زمینه تحصیل روحیه خدمتگزاری

بار رسالت های بزرگ اجتماعی و مدیریت و اداره جامعه را تنها کسانی می توانند به خوبی به عهده بگیرند که علاوه بر ویژگی ها و صفات شایسته این امور، از توانایی بدنی و نیروی جسمانی برخوردار باشند.

از جمله مواردی که نیرومندی جسمانی با عنوان یک مزیت و امتیاز در قرآن ذکر شده، داستان طالوت و قوم بنی اسرائیل است. قوم یهود که در زیر سلطه فرعونیان، ضعیف و ناتوان شده بود، بر اثر رهبری های خردمندانه حضرت موسی علیه السلام از آن وضع اسف انگیز نجات یافته و به قدرت و عظمت رسیدند، ولی پس از مدتی دچار غرور شده و دست به قانون شکنی زدند، و به همین جهت، سرانجام از قوم «جالوت» _ که در ساحل دریای روم، بین فلسطین و مصر می زیستند _ شکست خورده و 440 نفر از شاهزادگان شان نیز به اسارت جالوتیان درآمدند. این وضع، چندین سال ادامه داشت، تا آن که خداوند پیامبری به نام «اشموئیل»⁽¹⁾ را برای نجات و ارشاد آن ها برانگیخت. بنی اسرائیل گرد او اجتماع نموده و از او خواستند رهبر و امیری برای

آن ها انتخاب کند، تا همگی تحت فرمان و هدایت او، با دشمن نبرد کنند و عزت از دست رفته خویش را بازیابند.⁽²⁾

اشموئیل به درگاه خداوند روی آورده و خواسته قوم خود را به پیشگاه حضرت احدیت عرضه داشت. به او وحی شد که طالوت را به پادشاهی ایشان برگزیدم: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا: و پیامبرشان به آن ها گفت: خداوند، طالوت را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است» (بقره: 247).

از آنجاکه طالوت مردی کشاورز بوده و توانایی مالی چندانی نداشت، اشراف با انتخاب وی مخالفت نمودند: «قَالُوا اَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ: گفتند: چگونه او بر ما حکومت داشته باشد، باینکه ما از او شایسته تریم؟ و او ثروت زیادی ندارد. او نه ثروت و قدرت مالی دارد و نه موقعیت اجتماعی و خانوادگی؛ زیرا از خاندان نبوت و پیامبری نبوده و از خاندان پادشاهی نیز نیست.

ص: 439

1- در زبان عربی به «اشموئیل»، «اسماعیل» گفته می شود. «عن الباقر علیه السلام: هو اشموعیل و هو بالعربیه اسماعیل». (فیض کاشانی، ج 1، ص 251).

2- گروهی که این خواست را مطرح کردند، طبقه اشراف _ و به اصطلاح قرآن «ملا» _ بودند. در ضمن باید دانست در آن زمان بین بنی اسرائیل چنین بود که نبوت در یک خاندان، و پادشاهی نیز در خاندان دیگر بود. نبوت در بین فرزندان «لاوی» (پسر حضرت یعقوب) و پادشاهی در بین فرزندان «یهودا» (حضرت یوسف).

اشموئیل در پاسخ گفت: «إِنَّ اللَّهَ اصَّ طَفِيهٖ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ: خداوند او را بر شما برگزیده و علم (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده است» (بقره: 247).

چنان که ملاحظه می شود، اشموئیل پیامبر، دو خصلت «گسترش علمی و توانایی جسمی» را بر دو خصوصیت دیگر، یعنی قدرت مالی و افتخارات نژادی و نسبی، فضیلت و ترجیح می دهد (طبرسی، 1418ق، ص 45) و دارنده این دو خصلت را برای احراز مقام رهبری شایسته تر می داند، در اینجا قدرت بدنی با صراحت به عنوان یک مزیت و فضیلت مطرح شده و در کنار علم و قدرت علمی قرار گرفته و با آن مقایسه شده است. البته ناگفته نماند قوی بودن جسمانی برای یک ورزشکار کافی نبوده و باید به موازات تقویت جسم _ بلکه مقدم بر تقویت جسم _ به تقویت جنبه علمی و ایمانی نیز بپردازد. قدرت بدنی و حتی قدرت علمی فراوان، اگر با ایمان به خدا همراه نگردد، جز زیان و خسران، فایده دیگری برای جامعه بشری نداشته و همچون تیغ تیزی خواهد بود در دست زنگی مست. بدین جهت است که می بینیم ابتدا توانایی

علمی طالبوت مطرح شده و سپس توانایی جسمی وی، و فرمود: «وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ» (بقره: 247).

6- تربیت جسم، زمینه کسب کرامت های اخلاقی

با توجه به اینکه جسم و روح نسبت به یکدیگر همانند ظرف و مظروف هستند، هدف انسان باید از سالم سازی و پرورش ظرف، جا دادن مظروف پاک و متعالی و کمالات و فضائل اخلاقی باشد و انسان در تربیت بدن نباید تنها به بهسازی و بدن سازی و مهارت و تخصص در یک رشته ورزشی اکتفا کند؛ بلکه هدف اصلی او از تربیت و پرورش جسم باید کسب کمالات و ملکات فاضله اخلاقی و دفع رذایل اخلاقی باشد. باید هدف از ورزش کسب شجاعت و شهامت و سلحشوری و دفع خودخواهی و خودپسندی باشد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرموده اند: «آیا شما فکر می کنید که قهرمانی، بلند کردن سنگ های بزرگ است؟ (وزنه برداری است؟ چنین نیست)، بلکه قهرمانی در آن است که هرگاه یکی از شما خشمگین شد، بر خشم خود غلبه نماید» (پاینده، 1337، ص 6، ح 28).

7- تربیت جسم، زمینه رعب و وحشت دشمنان

قرآن کریم می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسَّ تَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِّنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تظَلُمُونَ: و در

برابر آن‌ها آنچه توانستید از نیروی (انسانی، سلاح‌های روز و هزینه نبرد) و اسبان بسته و آماده شده (وسایط نقلیه مناسب) آماده سازید که بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خود و دشمنان دیگری را غیر آن‌ها که شما آن‌ها را نمی‌شناسید، خداوند آن‌ها را می‌شناسد، بترسانید. و هر چیزی که در راه خدا انفاق کنید (در روز جزا) به طور کامل به شما داده خواهد شد و بر شما هرگز ستم نمی‌رود (از حقتان کاسته نمی‌شود)» (انفال: 60).

رسول خدا صلی الله علیه و اله در تفسیر واژه «قُوَّة» در این آیه شریفه فرمودند: «أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِّيَّ، أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِّيَّ: آگاه باشید «قُوَّة» همان تیراندازی است؛ آگاه باشید «قُوَّة» همان تیراندازی است» (نوری، همان، ج 2، ص 266). نکته شایان توجه اینکه، گرچه این آیه شریفه درباره آمادگی رزمی نیروهای اسلام در مقابل دشمن است، ولی پیام آن مفهومی وسیع، اعم از تقویت جسمانی و بهره‌گیری از تجهیزات نظامی و غیره را

می‌رساند و یکی از مصداق‌های آن برخورداری از نیرو، توان و قوت جسمی است که در پرتو تمرین و ممارست‌های فراوان و ورزش‌های لازم به دست می‌آید.

واژه «قُوَّة»، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در برمی‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به گونه‌ای در پیروزی بر دشمن نقش دارد شامل می‌شود؛ اعم از نیروهای مادی و معنوی. به طور قطع بارزترین قوه و قدرت، قدرت جسمانی و بدنی است که با روحیه ایمانی توأم شده باشد که همگان نقش مساجد را در این باره در انقلاب اسلامی دیده‌ایم. آنجا که مساجد محل تجمع و آموزش نیروهای بسیجی و رزمی در دفاع مقدس قرار گرفتند و به عنوان اصلی‌ترین پایگاه جذب نیروهای مستعد و باایمان در دفاع از کیان اسلامی و مقابله با دشمنان نقش ایفا نمودند.

8 - تربیت جسم، زمینه کسب روحیه حماسی

ورزش در کسب و ارتقای روحیه جنگاوری و سلحشوری نقش بسزایی دارد. اگرچه سلحشوری تمام تربیت حماسی نیست و جزئی از آن است، اما مسجد که خود جایگاه حماسه است و امام جماعت آن هنگام که در پیشگاه خداوند می‌ایستد به محراب، یعنی محل حرب و محل جنگ با نفس خویش می‌رود، پس مسجد محل حرب با شیطان است و تنها کسانی از سربلند بیرون می‌آیند که این روحیه حماسی را در خود تقویت کنند.

نتیجه سخن

از آنجا که تعالیم عالی‌ه اسلام برای انسان ارزش والایی قائل است و او را موجودی شریف می‌شمارد و

می خواهد برای او امکان رسیدن به کمال نهایی و مقصد اصلی حیات را که همانا سعادت ابدی در جوار قرب الهی است، فراهم کند، از این رو به سلامت و بهداشت و نیرومندی جسمی نیز اهمیت داده و در این مورد دستوراتی داده است. در آموزه های اسلامی به مسلمانان و شیعیان سفارش شده که همواره ورزش کنند تا با کسب توانایی از آسیب های جسمی و روحی و روانی به دور بمانند.

گرچه همه ورزش هایی که در سازندگی و تقویت و پرورش جسم، نقش داشته باشند و پیامدهای زیان بار فردی و اجتماعی و فکری و اخلاقی نداشته باشند، از منظر اسلام مباح شناخته شده اند؛ ولی از آنجا که شریعت اسلام بین جسم و روح ارتباط تنگاتنگی قائل است، از این جهت پیشوایان دینی ما بیشتر به ورزش و مسابقاتی توصیه فرموده اند که نقش بیشتری در سازندگی و پرورش جسمی و بدنی، نه جنبه سرگرمی و تفریحی، داشته و موجب کسب آمادگی رزمی و دفاعی در مقابل دشمن می گردد. از جمله آن ها سوارکاری، تیراندازی، شنا، کشتی، شمشیرزنی و... است.

نکته شایان توجه اینکه، همان گونه که شریعت اسلام با پرورش فکری و روحی نیروهای اسلامی در مسجد، مخالفت نکرده است، بلکه بنیان و فلسفه وجودی مسجد را پرورش روحی انسان ها دانسته، در خصوص برگزاری فعالیت های ورزشی، به ویژه ورزش های رزمی در محیط های پیرامونی مسجد با رعایت شرایط خاصی موافقت کرده است.

متأسفانه امروزه پس از گذشت بیش از سه دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی که خود مولود مسجد است، هنوز نتوانسته ایم در مساجد سنگری برای فعالیت های مذهبی و ورزشی جوانان و نوجوانان ایجاد کنیم.

چه اشکالی دارد در محیط های پیرامونی مسجد (کنار یا زیرزمین و فضاهای و اتاق مناسب متعلق به مسجد) شاهد حضور جوانان برای ورزششان باشیم؟! مگر غیر این است که اسلام به همه جنبه های زندگی فردی ما انسان ها توجه دارد و انجام بسیاری از ورزش ها، به ویژه ورزش های رزمی منافاتی با فعالیت های مذهبی و ارتباط با خدا ندارد. مسئولان و گردانندگان مساجد می توانند با شرایط یادشده در ترویج فعالیت های ورزشی، به خصوص ورزش های رزمی در مسجد تلاش کنند. متولیان فرهنگی مساجد، به ویژه انجمن جمعه و جماعات، به خیران مسجدساز و واقفان توصیه کنند که در ابتدای کار بنای مسجد، فضای مناسبی را هم به انجام فعالیت های ورزشی تخصیص دهند. به هر حال اگر امروزه نخبگان ما به دنبال ایجاد تمدن اسلامی نوین باشند، باید پیوند بین اقشار مختلف جامعه به خصوص نوجوانان و جوانان را با مسجد پایه ریزی کنند؛ زیرا مساجد مهم ترین پایگاه فرهنگی در مقابل سیل تهاجمات فرهنگی انحرافی

است، از این رو ورزش که جذابیت خاصی برای جوان و نوجوان دارد، می تواند با رعایت چارچوب هایی در محیط های پیرامونی مسجد به جذب آنان پرداخته و از فرصت حضورشان در مسجد، ضمن ورزیدن جسم به پرورش روح نیز پردازند تا مسیر ساختن انسان های مؤمن و متعهد با ذهن و جسمی سالم برای ایجاد یک تمدن نوین اسلامی فراهم شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

1. نهج البلاغه، مترجم سیدعلی نقی فیض الاسلام، موسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، تهران، 1379.
2. نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله چاپ دوم، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، چاپخانه اسلامی، 1337.
3. ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1408 هجری قمری.
4. ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، دارسیدالشهداء للنشر، قم، 1405 هجری قمری.
5. ابوعلی سینا، قانون در طب (کتاب دوم)، مترجم عبدالرحمان شرفکندی، انتشارات سروش، تهران، 1364.
6. اژدری، اسماعیل، اطلاعات پزشکی یا دکترا برای همه، چاپ هفدهم، اقبال، تهران، 1364.
7. پاک نژاد، سید رضا، اولین دانشگاه، آخرین پیامبر، چاپ چهارم، اسلامی، تهران، 1347.
1. ترکان، فرزانه، ورزش برای زندگی، زال، 1380.
2. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات، قم، 1366.
3. حر عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، تحقیق عبدالرحیم ربّانی شیرازی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1403 هجری قمری.
4. خامنه ای، سیدعلی، اجوبه الاستفتانات، انتشارات انقلاب اسلامی، نشر فقه روز، 1392.
5. خوری شرتونی لبنانی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشواره، انتشارات کتابخانه آیت...مرعشی، قم، 1388.
6. دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، چاپ ششم، انتشارات جهان، تهران، 1363.
7. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ دانشگاه تهران، تهران، 1377.

8. دیماتو، ام. رایین، روانشناسی سلامت، ترجمه جمعی از نویسندگان پژوهشکده حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت، 1378.
9. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، 1404 هجری قمری.
10. الزبیدی، احمد بن عبداللطیف، مختصر الصحیح البخاری، بیروت، دارالفنایس، بی تا.
11. زبیدی، محمد بن مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المكتبة الحیاه، بی تا.
12. زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام الساجد بأحكام المساجد، قاهره، 1384 هجری قمری.
13. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، جامعه مدرسین، قم، 1362.
14. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، چاپ سوم، چاپ زندگی، قم، 1363.
15. _____، معانی الأخبار، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1403 هجری قمری.
16. _____، من لا یحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، 1390.
17. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، جامعه مدرسین، قم، 1417 هجری قمری.
18. طبرسی، شیخ ابی نصر حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، مؤسسه انتشارات فراهانی، تهران، بی تا.
1. طبرسی، فضل بن حسن، مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ دوم، المكتبة الحیدریه، نجف، 1344 هجری قمری.
2. _____، تفسیر جوامع الجامع، انتشارات جامعه مدرسین، قم، 1418 هجری قمری.
3. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی، مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانیه، بیروت، 1403 هجری قمری.
4. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط، نجف، مكتبة المرتضویه، 1383 هجری قمری.
5. _____، تهذیب الاحکام، چاپ سوم، دارالأضواء، بیروت، 1406 هجری قمری.
6. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ سوم، انتشارات جاوید، تهران، 1347.
7. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، تهران، 1383.
8. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، چاپ دوم، دارالأسوه، قم، 1416 هجری قمری.
9. کاشف، میر محمد و مهدی شیدایی، حقوق و اخلاق ورزشی، بامداد کتاب، تهران، 1389.
10. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ سوم، دارالأضواء، بیروت، 1405 هجری قمری.

11. متقى الهندى، كنز العمال، تحقيق الشيخ بكرى حياتى، الشيخ صفوهاالصفاء، مؤسسه الرساله،

ص: 444

12. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفا، بیروت، 1403 هجری قمری.

13. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دارالحديث، قم، 1416 هجری قمری.

14. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ نوزدهم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1380.

15. موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، 1378.

16. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.

17. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، مصحح حسن نمازی شاهرودی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1378.

1. نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، قم، 1408 هجری قمری.

2. هاشمی نوربخش، حسن، ورزش از دیدگاه اسلام، سبط النبی، 1384.

3. وفایی، مصطفی، ورزش درمانی، وفایی، تهران، 1388.

مسجد جوانان اغراق، واقعیت یا توهم دکتر ایراندخت فیاض

اشاره

دکتر ایراندخت فیاض (1)

چکیده

مسجدگریزی در عصر رسانه های فراصنعتی و دوره پست مدرن به یکی از دغدغه های اصلی متولیان دینی تبدیل شده است و موضوعی است که بازبینی و علت یابی آن از موضوعات مهم در حوزه دین داری تلقی می گردد. مسجد کانون آموختن معرفت و سلوک دینی و افزایش آگاهی های معنوی انسان و تلاش برای اصلاح نقص های روحی اوست. تلاش برای افزایش جذب نسل جوان و آمدوشد آنان به مکان مقدس مسجد اقتضا می کند که کم رونق شدن مساجد مورد واکاوی آسیب شناسانه قرار گیرد و این مسئله که آیا مسجدگریزی یک واقعیت است یا یک توهم و یا اغراق، مورد مذاقه علمی قرار گیرد. پژوهش حاضر بر آن است تا به روش اکتشافی - توصیفی اقدام به پاسخگویی به این پرسش نماید. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که نوجوانان و جوانان مسجدگریز نشده اند، بلکه تنوع منبرها و شیوه دعوت به دین داری از یک سو و نقص کنشی مساجد در پاسخگویی به دغدغه ها و نیازها و اقتضائات جوانان و نوجوان، منجر به کم رونق شدن مساجد شده است. نتایج این تحقیق همچنین نشان می دهد که شکاف یا تفاوت نسلی، تغییر در شیوه زندگی مدرن و توسعه رسانه های فراصنعتی از جمله عوامل کم رونقی مساجد هستند.

کلیدواژه ها

مسجد، زندگی مدرن، شکاف نسلی، مسجدگریزی.

ص: 447

«مسجدها را محکم نگه دارید و پرجمعیت کنید» (خمینی، 1385، ج 13، ص 21). مسجد محوری در پرورش نسل نواز لوازم تربیت اسلامی به شمار می آید. اهتمام مسئولان حکومت به احیای کارکردهای مساجد و توجه به امر توسعه این مراکز انسان ساز، از رسالت های حاکمان یک کشور اسلامی است. قرآن کریم این رسالت را این گونه توصیف می کند: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ: (یاری کنندگان خدا) کسانی هستند که هرگاه در زمین به آن ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می دارند» (حج: 41). اگر این رسالت به خوبی محقق شود، شاهد اشتیاق نسل جوان برای حضور فعال در مساجد خواهیم بود. در همین راستا مقام معظم رهبری می فرماید: «برای تبیین ژرفای نماز و معرفی رازها و زیبایی های آن، دست به تلاش پیگیر و همه جانبه زده شود» (پیام به اجلاس ششم نماز، 1376، ص 6).

بر اساس این مقدمه در تلاش برای پاسخگویی به این پرسش هستیم که علی رغم اهمیت حضور در مکان های مقدسی چون مساجد، چرا جوانان رغبت جدی به حضور فعال در آن ها نشان نمی دهند؟ آیا مسجدگریزی واقعیت دارد یا بزرگ نمایی می شود و یا اصلاً موضوعی به نام مسجدگریزی وجود ندارد و صرفاً یک توهم است؟

برای رسیدن به پاسخ این پرسش ها، ابتدا به توصیف دوران معاصر که پست مدرن نامیده شده است، پرداخته شده و ویژگی ها، لوازم و اقتضائات آن مطرح شده است و سپس دلایل کم رونقی مساجد بررسی و در نهایت راهکارهایی برای رونق بخشیدن به آن ها ارائه شده است.

باید کالبدشکافی شود که آیا واقعاً جوانان از دین و مکان های مقدس دینی گریزان هستند یا خیر. آیا عوامل اجتماعی و سیاسی درون و برون مرزی باعث شده است، جوانان در عین داشتن تعهد و تقید به مسئولیت های دینی فردی، برای حضور در اعمال گروهی دینی کم انگیزه شوند؟ آیا اقتضائات عصر پست مدرن، یعنی عصر توسعه فناوری های ارتباطی و بی مرزی جغرافیایی، عصر تعاملات گسترده فرامرزی و فاصله های شدید فکری و باوری و رفتاری نسل ها و عصر جابجایی های مداوم مکانی، بر سلوک دینی نسل جوان اثرگذار بوده است یا خیر؟ آیا می توان برخی تفاوت های موجود در رفتارهای دینی را به دوره گذار نسبت داد و انتظار داشت در آینده ای نزدیک، نسل جوان تعلق عمیق تر به دین و رفتارهای دینی از خود نشان دهد؟ در این مقاله برآنیم که با تبیین مختصر از شرایط و اقتضائات عصری، به فهمی واقعی تری از موضوع نزدیک شویم و راهکارهایی برای خروج از این شرایط ارائه کنیم.

الف) اقتضات عصر کنونی و سلوک دینی

عصر ما شاهد جهش بی سابقه ای در تاریخ است؛ خاستگاه چنین جهش و خیز بزرگی را باید در بالیدگی شگرف و شتابان علم و فناوری جستجو کرد. در پی این جهش یک نوع گسست یا فاصله بین فرهنگ، یعنی آداب و رسوم، پندار، اعتقادات و شیوه کنش و واکنش ما از یک سو و علم، فناوری و رسانه از سوی دیگر پدیدار شده است. جامعه معاصر

افزون بر پیشرفت های کلان تکنولوژی و علمی، بحران های متعدد را نیز تجربه کرده است. زندگی معاصر دارای ویژگی های مهمی است که اقتضای مدرن بودن آن است؛ ویژگی هایی چون: سکولاریسم، ماده گرایی، عقلانیت ابزاری، سودگرایی، فردگرایی، حق مداری در مقابل تکلیف مداری، تحرک سریع، تشدید آهنگ زندگی و مکانیکی شدن شیوه زندگی. از پیامدهای چنین اقتضاتی این است که ارزش های بنیادین جوامع کم رنگ و گاه محو می گردد؛ ارزش هایی که در طی قرن ها، از تجربه جوامع متعدد تکوین یافته و پاسخگوی نیازهای سرشتی انسان، اعم از نیازهای جسمی، ذهنی، روانی و معنوی او بوده است (شیخاوندی، 1384). در چنین شرایطی، وجود بحران در برخی از ارکان زندگی انسان مدرن نیز به تدریج جزو لوازم حیات او شده است.

تغییر در نگرش به نسبت انسان با خدا و دیگر موجودات جهان و جایگاه او در جهان هستی، آغازگر زندگی دوره مدرن بود. زندگی مدرن دارای مبانی متفاوتی یکی مهمی است که ابعاد مختلف حیات دنیوی بشر مدرن را مدیریت می کند. اهمیت مبانی مذکور در آن است که نحوه نگرش انسان جدید به کل هستی، اعم از خدا، خود و جهان را تعیین کرده، با محوریت انسان همه حقایق را فهم می کند. محوریت انسان و سپس معطوف شدن همه توجه او به تأمین نیازهای مادی و دنیوی خود، باعث افراط در استفاده از مواهب خدادادی طبیعت و غفلت از حقایق غیرمادی و معنوی می شود که این دو امر از بحران های اساسی در جهان مدرن به شمار می روند.

به نظر می رسد می توان زندگی انسان مدرن را زندگی در بحران نامید؛ زیرا نسبتی که او برای خود در ارتباط با نظام هستی و خدا تعریف کرده و فلسفه دنیوی ای که بر زندگی خود حاکم ساخته است و علم جدیدی که برای تمشیت زندگی مادی و تأمین سعادت دنیوی خود به کار گرفته، سراسر زندگی او را دچار یک بحران معنوی و هویتی کرده است؛ به بیان دیگر امروزه زندگی انسان مدرن در ابعاد وجودی، معرفتی، اخلاقی و دینی دچار بحران های اساسی است؛ زیرا آدمی از جهت وجودی با نگرش انسان محوری، خود را سوژه و دیگر هستی ها، اعم از خدا و جهان را ایزه قرار داده است؛ یعنی انسان از نظر هستی شناختی، مرکز

و محور دیگر هستی‌ها قرار گرفته است. او از جهت معرفت‌شناختی نیز به تدریج دانش و معرفت خود را از امور ماوراءالطبیعه و غیرمادی به امور تجربی و مادی محدود کرده است که نتیجه آن تمرکز عقلانی و علمی انسان بر جهان مادی و غفلت از واقعیت‌ها و حقایق جهان غیرمادی بوده است. محور قرارگرفتن انسان در مسائل معرفتی و وجودشناختی و محدودشدن توجه علمی اش به جهان مادی، این نگرش را بر انسان حاکم کرده است که حقیقت، تنها در زندگی مادی و تجربی وجود دارد و قابل دسترسی است؛ لذا مهم‌ترین ابزار شناسایی حقیقت نیز تنها حس و تجربه است و عقل نیز فقط داده‌ها و دستاوردهای حس و تجربه را مورد پردازش قرار می‌دهد تا علم و معرفت تولید کند.

از سوی دیگر محدودیت معرفتی انسان به جهان ماده و تجربه و محوریت وجودی او در نظام هستی، او را به این اندیشه واداشته است که ماهیت و چگونگی برخی از واقعیت‌های اساسی زندگی اش را تنها در پرتو ویژگی‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی خود تعریف نماید؛ در نتیجه واقعیت‌هایی چون دین و اخلاق که دارای افق‌های متعالی و معنوی هستند، یا در سطح فهم انسانی بشر مدرن تعریف و بازسازی شده‌اند و یا در نگرش‌های علم‌گرایانه زندگی انسان مدرن مورد نفی و انکار قرار گرفته‌اند (قربانی، 1389).

ویژگی دیگر بحران معنوی انسان مدرن، علم‌گرایی و به تعبیر دیگر علم‌زدگی (scientism) اوست که اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. علم‌زدگی ویژگی عصری است که در آن انسان تمامی نیازهای خود را از علم طلب می‌کند و به واسطه اعتقادی که به توانمندی علم تجربی دارد، آن را به ایدئولوژی مسلط زندگی و زمانه خود تبدیل ساخته است و از علم می‌خواهد که تأمین‌کردن تمامی نیازهای اساسی او، اعم از دستیابی به سعادت مادی و معنوی اش، را بر عهده بگیرد. مهم‌ترین نمود و ظهور این نوع تلقی از علم را می‌توان در قرن‌های هجده و نوزده میلادی در عصر روشنگری، بالأخص در دیدگاه‌های پوزیتیویستی ملاحظه کرد. پوزیتیویست‌ها تلاش داشتند با ابزار علم تجربی، به کلیه مسائل فلسفی، اخلاقی و دینی زندگی انسان پاسخ بگویند که نتیجه این تلاش رد و انکار واقعیات بیان شده بود. از ویژگی‌های این دیدگاه، رشد نگرش‌های تقلیل‌گرایی و تحویل‌گرایی بود که در آن انسان مدرن تلاش داشت واقعیت‌های غیرمادی را به سطح پدیده‌های مادی فروکاهد.

همان‌طور که جیمسون می‌گوید، کاپیتالیسم و عصر مدرن دورانی است که در آن شاهد مرگ امور مقدس هستیم؛ چراکه تحت تأثیر یک فرهنگ مادی، تمام ارزش‌های معنوی از حیات جاری زایل می‌شود (وودهد و هیلاس، 2000).

مجموعه ویژگی‌های زندگی انسان مدرن که برخی از موارد آن در سطور فوق بیان شد، در کل او را در

بحرانی معنوی و هویتی قرار داد. جهان به جای ورود به دنیای پست مدرن، به سوی دوره ای گام برمی دارد که در آن پیامدهای مدرنیته ریشه ای تر و جهانی تر از پیش شده اند (گیدنز، 1382). تردیدی نیست که دنیای متجدد کنونی به میزان گسترده ای فراسوی محیط فعالیت های انفرادی امتداد می یابد و هیچ کس قادر نیست از تحولات ناشی از گسترش تجدد مصون بماند و مدرنیته حتی مردمی را که در سنتی ترین سکونت گاه های ممکن خارج از بخش پیشرفته جهان به سر می برند، تحت تأثیر قرار می دهد (گیدنز، 1382).

بر اساس آنچه بیان شد، در این دوره گسترش و دعوت به دین نیز با مشکلاتی مواجه شده است؛ البته دشواری دعوت به دین، به محیط دعوت برمی گردد؛ چراکه در محیط دعوت تغییرات فراوانی پدید آمده است. برخی از این تغییرات و دگرگونی ها عبارت اند از:

1. نیازها و توقعات انسان ها بسیار متنوع، سیال و متکثر شده است و مراکز و جوامع فراوانی نیز برای برآورده کردن این نیازها به وجود آمده اند.

2. در این محیط دین با رقیبان بسیار قدرتمندی مانند تکنولوژی و عقلانیت مدرن مواجه است؛ رقیبانی که خدمات و محصولات چشمگیری در ساحت های معرفتی، مدیریتی، ساختاری، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و حتی اخلاقی به بشریت عرضه کرده است.

1. بشریت امروز از تجربه های متنوع و از سطح رشد عقلانی بالایی برخوردار شده است؛ به همین دلیل به نظر می رسد که پذیرش ها و گزینش های او از یک سو تزلزل پذیر شده و از سوی دیگر با نقد، ارزیابی و مقایسه همراه شده است.

با توجه به آنچه بیان شد، آشکار می گردد که ابزار و شرایط جدید و ساختارهای مدرن مدنیت و تکنولوژی، با همه گستره آن، در ایجاد این بینش و روش در زندگی نسل ها تأثیرگذار بوده است و آثار گاه مخرب و گاه سازنده آن، پا به پای

هم در حال پیشروی است؛ از یک سو پرسش ها ایده ها و شبهاتی را پیش روی نسل نو می گذارد که در نسل های پیشین مورد توجه نبوده است و از سوی دیگر تفاوت هایی جدی بین نسل جدید و قدیم ایجاد می کند که نگاه به دین و رجوع به مکان های مقدس را تحت تأثیر قرار می دهد.

(ب) شکاف نسل ها

اشاره

از پیامدهای زندگی مدرن پیدایش تفاوت در رفتارها و نگرش های نسلی است که از آن به شکاف

نسل‌ها یاد می‌شود. شکاف نسل‌ها مفهومی است که اختلاف خاص روانی، اجتماعی، فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو نسل هم‌زمان در یک جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد (ساروخانی، 1371 ص 61). شکاف نسلی به معنای وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری موجود بین دو نسل، با وجود پیوستگی‌های کلان‌متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با والدین، با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهایی متفاوت دارند (آزاد ارمکی، 1380، ص 10). البته شکاف نسلی با کشمکش نسلی تفاوت دارد؛ زیرا در شکاف نسلی، دو نسل، به رغم داشتن تجربیات متفاوت، در چارچوب یک کلیت فرهنگی-اجتماعی با هم به تعامل می‌پردازند؛ در صورتی که کشمکش نسلی به موقعیتی اطلاق می‌شود که بین دو موقعیت متفاوت نسلی، به جای تعامل، تعارض بروز می‌کند (همان، ص 13). این تفاوت و شکاف بین نسل‌ها، سلوک دینی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

1. تفاوت نسل‌ها در مؤلفه‌های دین‌داری

اشاره

دین‌داری اصطلاح عامی است که التزام به مؤلفه‌های سه‌گانه زیر را با همه گستردگی خود دربرمی‌گیرد:

1-1. باورها و اعتقادات

منظور اعتقاد به اصول دین یعنی خداباوری و توحید، معادباوری و آخرت‌طلبی، پیشوا باوری و اعتقاد به نبوت و امامت، اعتقاد به عدل الهی و سایر صفات کامل او و سایر اعتقادات از قبیل قبول حقانیت قرآن، لزوم رجعت و تشکیل حکومت حق و مانند آن است. در منطق دین‌مبین اسلام، التزام به اصول اعتقادی دین و باورهای بنیادین مذهب، صرفاً با روش عقلی و استدلالی پذیرفته شده است و عقل در کنار نقل، به عنوان منبع استنباط و التزام قضایای اصولی دین به حساب می‌آید. این بدین معناست که دین به انسان این حق را می‌دهد که با کنکاش و سؤال‌پردازی به پاسخ‌هایی قطعی درباره صحت و سقم و یا عدم حقانیت محتوای قضایای اعتقادی خود برسد و از این رهگذر، قضاوت درباره عقاید و باورها را بر عهده فرد مکلف می‌گذارد. آنچه مسلم است این است که اعتقادات پیامدها و نتایج عملی به دنبال دارد و در حوزه اخلاق، نشانه‌های دین‌داری، احکام و عبادات و به طور کلی در روش زندگی معتقدان به آن تأثیر بسزایی می‌گذارد و از این رو آن را باید رکن‌رکن مؤلفه‌های دین‌داری به حساب آورد. آسیب‌های عمده‌ای که در این مؤلفه متوجه نسل جوان می‌شود و زمینه‌های ایجاد فاصله و شکاف بین نسل‌ها را در

دین‌داری فراهم می‌کند،

می تواند انتقال نیافتن صحیح یا کامل ارزش ها و رفتارهای اجبارگرانه و غیراقتناع کننده و مستدل در بیان قضایای دینی باشد؛ این مسئله به شکل گیری غیرمنطقی شبکه ای از اعتقادات در ذهن جوانان منتهی می شود و ایشان را به نوعی دین گریزی یا اباحی گری و حتی دین ستیزی سوق می دهد. از سوی دیگر نیز شکل گیری شبکه ای از اعتقادات دینی آمیخته با خرافات یا با گرایش به جزمیت و ناپویایی ذهن نسل گذشته در برخورد با مسائل دین به شیوه ای غیر محققانه، فاصله نسل ها را در دین داری عمیق تر می سازد.

2-1. اخلاقیات و رفتارهای ویژه دین داری

این مؤلفه که از باورها و اعتقادات دینی نشئت می گیرد، در کنار بُعد مناسکی دین داری، رفتارهای متفاوتی را در انسان دین دار به منصه ظهور می رساند؛ بدین معنا که به تبع باورها و اعتقادات، خصلت های روحی و روانی ویژه ای در انسان ایجاد می شود. گزاره هایی انشایی در متون دینی وجود دارند که محتوای اخلاقی داشته، از نظر دین لازم الاجرا و مطلوب اند و خود تعیین کننده نمایش رفتاری فرد دین دارند. در این حوزه در مرحله تصدیق ها و باورهای اخلاقی، اشتراکات بسیاری میان نسل ها دیده می شود؛ ولی در همین حوزه است که بازخوردهای رفتار نسل گذشته، به عنوان دین داران، تأثیر بسزایی در کناره گیری یا گریز نسل نو از اصول و قواعد دین داری آنان می گذارد؛ خواه این دین داری با «حقیقت دین» قابل تطبیق باشد یا نباشد. این مسئله فاصله فزاینده ای میان نسل ها در دین داری ایجاد خواهد کرد.

3-1. احکام، عبادات و حوزه مناسکی دین

این حوزه که شامل عبادات فردی از قبیل نماز و روزه و عبادات اجتماعی همچون نماز جماعت است، ظواهر و شعائر دین داری همچون حجاب و تظاهر به دین داری در بیان اعتقادات و عمل به اخلاقیات و اجرای مناسک را نیز دربر می گیرد. این حیطة که بخش عمده ای از تفاوت نسل ها در دین داری را نمایش می دهد، سطحی ترین عرصه دین داری است که خود بر باورها و اعتقادات مبتنی است و در عین حال لازمه آن به حساب می آید؛ بدان معنا که چنانچه گوهر دین را اعتقادات و باورهای دینی بدانیم، انجام واجبات و ترک محرمات و حتی تقیّد به مستحبات و دوری از مکروهات دینی، به منزله صدف آن به حساب می آید و بر دین داران لازم است که با دقت در انجام آن و التزام بدان بکوشند (حقیقت خواه، 1381)؛ دقیقاً در این حوزه هاست که پافشاری نسل نو بر ترک یا اهمال متعمدانه در پابندی به آن، مایه برانگیختگی نسل پیشین شده، فاصله عمیق بین نسلی در ناحیه رفتارها ایجاد می کند و در نتیجه باعث افزایش تفاوت های

با دقت در رفتارهای نسل ها نسبت به یکدیگر درمی یابیم که تنها عامل فاصله گرفتن نسل نو از دین داری و عدم شباهت ایشان با نسل قبل از خود، مربوط به محتوای دین داری یا اجرای مناسک دین نیست. گاهی این مسئله که از پرسشگری یا نبود تفاوت های سطحی در زمینه دین آغاز می شود، با رفتارهای کنشی میان دو نسل بالا گرفته، شکل جدیدی به خود می گیرد. از یک سو نسل نو که در مواجهه با دنیای جدیدتر، تحولات سریع تر و امکانات فزاینده تر با سؤالات و شبهات گوناگونی روبروست، در مقام حل این معضلات و برای پاسخگویی به جدال درونی خود، مرتکب بعضی هنجارشکنی ها می شود و از سوی دیگر نسل قبل برای جلوگیری از انحراف افراد نسل نوزسته خود، با توسل به

زور یا زدن تهمت ضددین، سعی در نگهداری و تربیت فرزندان خود دارد. این مشاجره دوطرفه که اشتباهات رفتاری دو نسل نسبت به یکدیگر را دربرمی گیرد، نتایج تأسف انگیزی در فاصله گرفتن دو نسل علی الخصوص در دین داری دارد.

خلاصه آنکه تحول گسترده در شئون زندگی، بی پاسخ ماندن پرسش ها، نداشتن انعطاف در پذیرش دیدگاه های مخالف و متفاوت، اعمال کنترل زیاد از طرف بزرگ ترها و انتقال حس بدبینی به نسل جوان، شکاف بین نسلی را افزایش داده است؛ به گونه ای که نسل جدید سلوک دینی نسل پیش از خود را به عنوان صحیح ترین روش بر نمی تابد. پافشاری شدید نسل گذشته بر صحت نوع و روش دین داری سنتی نیز بر عمق و وسعت این تفاوت و فاصله افزوده است. پیشرفت ها و ابداعات جدید از هر سو زندگی بشر را دربرمیگیرد و نسل های جدید به فراخور علاقه و اقتضای سنی، سریع تر از آن آگاه می شود و دنیای فکری خویش را بر اساس آن پایه ریزی می کند. نسل جدید در دسترسی به اطلاعات، تغییر، شناخت و یادگیری آن ها، پیشرو را در جامعه نقش بازی می کند و والدین و بزرگ ترها غالباً از قافله جا می مانند (اسعدی، 1373، ص 42).

تصور ناعادلانه ای که گاه بزرگ ترها از نسل جوان می سازند و آن ها را به بی اعتنایی به آموزه های دینی و بی توجهی به مکان های مقدس و ریشه های تاریخی و شئون اصیل رفتاری متهم می کنند، نتیجه همین ناتوانی در انتقال مفاهیم، دریافت بازخورد و اختلافات ناشی از رابطه ناقصی است که به قضاوت های دور از واقعیت و اشتباهات دو نسل جدید و قدیم در مورد یکدیگر برمی گردد که اهم آن ها عبارت است از:

2. اشتباهات نسل قدیم در قبال نسل جدید

1-2. توسل به زور، تأکید بر توصیه و ارائه نکردن دفاع منطقی و مستدل از معتقدات

این نسل با مشاهده تفاوت های رفتاری نسل جوان، خواستار انطباق کامل ایشان با خود است و تفاوت نسل ها را انکار می کند و می کوشد با برخورد تحکم آمیز این معضل را رفع کند. بی توجهی به ویژگی های وجودی جوانان این شکاف را تعمیق می کند. در ایام جوانی و نوجوانی، وجدان نوعی و بیداری مذهبی حتی نزد کسانی که پیش از این به مسائل مذهبی تعهدی نداشتند، دیده می شود (موریس، ص 118 و 120). نوجوان دچار شک و تردید می شود. شک مقدمه یقین و معبر خوب و لازمی است؛ هرچند منزلگاه مناسبی نیست (مطهری، 1378، ص 13). بر این اساس مسجد باید بتواند به نیاز پرسشگری جوان پیرامون فلسفه زندگی و مذهب پاسخ دهد؛ زیرا نوجوان در جستجوی پاسخی قانع کننده در مورد موضوعات اساسی زندگی است تا به او یک نظام فکری و عقیدتی ببخشد و راهگشای او در تصمیم گیری های مهم زندگی باشد و بتواند از آن دفاع کند؛ نظامی که به او هویت عقیدتی عطا کند.

اگر جوان به پاسخ های لازم برسد و معرفت و شناخت کافی را به دست آورد و بداند که در کدام جهان زندگی می کند و در پرتو درک هدفمند و قانون مدار جهان، برای خود تکیه گاه فکری نیرومندی برای مقابله با فراز و فرودها و تحلیل و تبیین مسائل به دست آورد، خود را در عالم بیگران هستی رها و معلق احساس نمی کند (احمدی، 1372).

در حالی که خردورزی اقتضا می کند که نسل پخته، از ارزش های خود دفاعی عقلایی، مستدل و منطقی بکند و با مهرورزی و صبوری سعی کند مشکلات نسل جوان را بشنود، دریابد و ارزیابی کند و راه حلی مناسب را در اختیار آن ها بگذارد در صورت نداشتن توانایی برای حل مشکلات اعتقادی آن ها، ایشان را به مراجع قابل اعتماد هدایت کند.

2-2. ناصبوری و کم تحملی در مقابل خطا

پرخاشگری، بی صبری و حتی سکوت قهرگونه از واکنش های رفتاری ای است که گاه انسان ها برای اثبات خواسته های خود به کار می گیرند؛ اما چنانچه روشن است، این برخوردها نه تنها اثر مخرب بر روابط دو نسل خواهد گذاشت، بلکه با نوعی مغالطه، جایگاه حق و باطل را در ذهن پوینده جوان عوض می کند؛ چراکه مسلماً از نظر او، خشونت رفتاری و تحکم در القای اعتقاد نمی تواند ریشه در باورهای عقلایی و آکنده از رحمت داشته باشد و در نتیجه به جای کنکاش در سرچشمه عقاید، قید اعتقادات را خواهد زد و

دوری از آن‌ها را بخواهد گزید؛ از سوی دیگر ارزش گذشت از خطا که عنصری است که جوان را به آغوش فضای دینی باز می‌گرداند، نباید از سوی نسل پخته و فرهیخته نادیده گرفته شود.

3-2. کم توجهی به تفاوت های فردی

انتظار یکسان از افراد متفاوت و به کارگیری روش های یکسان و بردوش نهادن تکالیف یکسان برای افراد متفاوت، خطایی بزرگ در تبلیغ دینی است. بی توجهی به وسع افراد، چه در فهم تکلیف و چه در عمل به تکلیف، باعث دل زدگی و انزجار افراد، به ویژه جوانان و نوجوانان می‌شود؛ بنابراین توجه به تفاوت ها در برنامه ریزی و هدف گذاری تربیتی برای افراد دارای شئون و موقعیت های اجتماعی متفاوت یک اصل تربیتی لازم الرعایه است.

4-2. توسل به توصیه به جای اقناع سازی

بیشتر متولیان ترویج دین و حتی والدین، نسل جوان را در معرض و متمایل به خطر فرض می‌کنند. آن‌ها اراده و اختیار نسل های جوان را برای پرهیز و امتناع قبول ندارند و همواره می‌کوشند با توصیه و نظارت دقیق، جوانان را از آسیب ها مصون نگه دارند. توصیه در مورد دوست یابی، نحوه لباس پوشیدن، معاشرت و حتی منفی جلوه دادن صحبت و اظهار نظر کردن، تفاوت های فکری و شئون رابطه میان نسل ها نیز به این جدایی دامن زده است.

از سوی دیگر نسل تازه به دلیل اقتضانات عصری، در زندگی اجتماعی خود با تغییراتی دائمی مواجه می‌شود و این تقابل و سردرگمی موجب پیدایش پرسش هایی جدید و بعضاً غامض برای او می‌گردد که اگر پاسخ های نسل قدیم برای او قانع کننده نباشند یا به زبانی قابل فهم و منطقی برای نسل جدید ارائه نشود، بر افتراق میان دو نسل می‌افزاید (آزاد ار مکی، 1380 ص 53).

3. اشتباهات نسل جدید در قبال نسل قدیم

3-1. مهم کردن به ناپختگی تفکر

به نظر می‌رسد نباید همه آنچه را باعث شکاف بین نسلی در دین داری و کم توجهی به مناسک و آیین دینی شده است، بر عهده نسل اول گذاشت و نسل نو را از این کاهلی در دین داری بری دانست. شاید بتوان عدم مطابقت خواسته های نسل نو از دین» با برداشت های نسل قبل از آن را پذیرفت، لکن محتوای

حقیقی دین به گونه ای است که چنانچه تلاش برای فهم صحیح آن در کنار پرورش قوه تفکر و عقلانیت از سوی نسل جوان صورت گیرد، قابلیت آن را دارد که با فهم بطون پنهان حقیقت، پاسخگوی انتظارات برحق بشر از دین باشد؛ اما یکی از اشکالات نسل جوان نداشتن تمرکز، تفکر جامع و دربرگیرنده جهات مختلف موضوعات و تحلیل از مسائل است. نسل جوان عادت کرده است، مسائل طرح شده از سوی بزرگ ترهای خود را بدون حلاجی رد یا قبول کند و این در حالی است که انتظار می رود نسلی با امکانات فنی کنونی و طبیعت هوشمند خود، بتواند تعمق را جایگزین شتاب زدگی در قضاوت درباره قضایای دینی، چه در عرصه اعتقادات و اخلاقیات و چه در حوزه مناسک و عبادات کند و با سنجش میزان کسب منفعت و دفع ضرر پذیرش قضایای دینی، در موضع حق قرار گیرد.

2-3. تعمیم نابجا

نسل جوان دائماً سعی دارد نقایص رفتاری و حتی عدم موفقیت و شکست های نسل پیشین را در زندگی به دین داری او نسبت دهد. گذشته از نابجا بودن این قضاوت، نسل نو به غلط دین داری نسل گذشته را با حقیقت دین یکی می پندارد و در نتیجه دست به گزینش مسیر مخالف می زند. این در حالی است که شکست ها یا برخوردهای ناصحیح بزرگ ترها می تواند ریشه در علل مختلف و گوناگونی داشته باشد و به نظر می رسد کم بودن دقت نظر در جوان، او را دچار چنین قضاوت عجولانه ای می کند. شاید فرصت دادن به جوان، دعوت او به صبر در مقابل کاستی های زندگی و نقص های رفتاری بزرگ ترها و دعوت کردن او به دستیابی به آرامش از طریق آموزه های عبادی و حتی اعتقادی دین در قالب نماز، دعا و مناجات و اتکا به خدای قادر متعال و توسل به پیشگاه امامان علیهم السلام از بهترین راه های حل قدم به قدم این مسئله در ذهن جوانان باشد.

متهم کردن نسل گذشته به جهل و عقب ماندگی و دور بودن از صحنه جامعه، زمینه های رفتار و گفتار نامناسب جوانان را در مقابل بزرگ ترها ایجاد می کند؛ از سوی دیگر عکس العمل تحکم آمیز بزرگ ترها در مقابل رفتارهای مغایر با دین داری به خصوص درباره ظواهر، برانگیختگی جوان فاقد رفتار مؤدبانه را تشدید می کند و در نتیجه بی احترامی دوسویه شکل گرفته، منجر به فاصله بین نسل ها می شود و زمینه های تعامل و گفتگو و تبادل نظر بین آن ها را مخدوش می کند و امکان انتقال داشته های ارزشی بین دو نسل روز به روز کاهش می یابد (طالبی، 1392، ص 69-66).

در مورد علل اجتماعی کم رونق شدن مساجد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) خانواده

موضوع کم رونق شدن مساجد از یک منظر، بررسی افراد، طبقات و گروه های متفاوت اجتماع در نوع نگرش و عملکرد به دین است. از یک سو تأثیر و تأثرات اجتماع، نه تنها به معنای تأثیر و تأثر افراد بر یکدیگر، بلکه به صورت اثرگذاری بخش ها و نهادهای اجتماعی بر نگرش های دین دارانه مردم، نسل ها و جوانان نیز قابل بررسی است و از سوی دیگر تحولات جامعه اعم از سیاسی، اقتصادی و حتی ابزاری و محیطی، بر نحوه نگرش افراد به دین در زندگی تأثیرگذار خواهد بود. در محور نخست در وهله اول خانواده مهم ترین نهاد محسوب می شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در انتقال ارزش ها و القای باورهای افراد تأثیرگذار است؛ در مرحله بعد نیز نهادهای رسمی دیگر این مهم را به نحو آشکار یا پنهان بر عهده دارند. به تبع محیط و آموزش های این نهادهای اجتماعی در کنار تحولات جامعه و تأثیرات غیرقابل کنترل آن بالأخص از سوی رسانه ها، باورهای نسل ها روزبه روز آسیب پذیرتر خواهد شد و تکنولوژی با همه ابزارها و به تبع آن تأثیرات و سؤال افکنی هایی که با ایجاد زمینه های جدید پیش روی بشر می گذارد، خداباوری، معادباوری و عملکرد سعادت طلبانه او را متأثر می کند و خواه و ناخواه به سمت وسویی دیگر می برد.

ب) نهادهای اجتماعی

اگر تفاوت نسل ها در دین داری را به طور خاص میان نسل های دهه شصت و دهه هفتاد بررسی کنیم، اهمیت دادن به ظاهر دین، احترام گذاشتن به بزرگ ترها، پایبندی به باورها و مبانی و تقیّد به چارچوب های دین، نسل دهه شصت را از نسل بعدی که تمایل به انسانیت، آزادی و نیاز به پرستیدن خدای آسان گیرتر را شعار و پیشه خود کرده است، متمایز می کند. در علت یابی این مسئله به طور خاص در جامعه ما و به طور عام در موضوع تفاوت نسل ها در دین داری، خانواده تأثیر بسزایی دارد؛ به این معنا که پدر و مادر در درجه اول، خود تحت تأثیر عوامل اجتماعی، با مشاهده وجود معضلات اجتماعی و بر اثر نیاموختن محققانه دین از والدین خود، دچار تزلزل، ابهام و یا حتی اهمال و تعلل در باورها و عملکردهای دینی شده اند و در درجه دوم، در شیوه تربیتی به نحوی افراطی دچار سهل گیری گشته اند و لذا بدون آنکه برنامه ای قانونمند و باثبات برای تربیت دینی فرزندان خود داشته باشند، گاه با تغافل از رفتارها و باورهای اشتباه ایشان گذشته

و با ایشان همراهی کرده اند و گاه نیز با نصیحت و سختگیری سعی کرده اند آن‌ها را در دوری کردن از دین منع کنند.

نکته قابل تأمل این است که محتوای دین قابلیت بررسی عقلایی را دارد و باید نسل نو را به مواجهه با آن و بررسی و قضاوت منطقی درباره آن فراخواند. با این کار، حتی عوامل اقتصادی که با فشارهای روانی، زمینه‌های بدبین شدن افراد نوجوان و جوان به دین داری را فراهم می‌کنند یا عوامل سیاسی که با نمایش دوگانه‌ای از گفتار و رفتار از دین حقیقی که بر اساس عدالت و صداقت پایه‌گذاری شده است، مایه‌های گریز از ملزومات دینی را پیش می‌آورند، نیز نخواهند توانست تأثیرات ماندگاری در جهت فاصله گرفتن نسل جدید از دین و مکان‌های مقدس بگذارد. البته مسلماً در عمل طیف وسیعی از تفاوت‌های نسلی در دین داری قابل مشاهده است که خود نشانگر عدم قابلیت و همت در اجرای صحیح و کامل این نظریه است؛ اما در هر صورت باید نسل نوجوان و جوان آگاه باشد که اجرای دین امری متفاوت با اصل دین است.

ج) تحولات و تکنولوژی

تکنولوژی زمینه‌ساز یک زندگی سریع‌تر، راحت‌تر و با امکانات بیشتر است. نسل جدید برخوردار از فناوری‌های جدید را یک ارزش به حساب می‌آورد و در مقابل، نسل گذشته را که به استفاده از آن رغبتی نشان نمی‌دهد و یا در این زمینه آموزشی ندیده است، تخطئه می‌کند و حتی در مقام رقابت اجتماعی عمدتاً از ایشان پیشی می‌گیرد و جایگزین آن‌ها می‌شود؛ علاوه بر این تکنولوژی با ایجاد و انتقال فرهنگ، نسل جوان را در باورها و منش‌ها نیز از نسل پیش متمایز می‌کند و بدون آنکه از این تأثیر خبر دهد، به سرعت آثار پایدار و پیش‌رونده بسیاری را بر ذخیره فرهنگی نسل‌ها می‌گذارد و زمینه فاصله فرهنگی نسل‌ها را، به خصوص در زمینه ارزش‌های دینی و اخلاقی، به طور روزافزون فراهم می‌کند. نابودسازی چشمه‌های حیات از جمله توجه به خود و درون‌نگری فطری، جایگزینی تفکر انسانی با محاسبات و اطلاعات ماشینی، تأثیر بر روابط روحی و روانی انسانی به عنوان ارزش‌های حیات بشری و حذف یا دگرگون‌سازی مبانی اخلاق، به طور ویژه از عوامل این تأثیرگذاری منفی تکنولوژی بر فرهنگ است؛ اما از سوی دیگر نمی‌توان ضرورت و لزوم استفاده از تکنولوژی را در رفع نیازها در جهان کنونی که بر پایه صنعت و ارتباطات استوار است، منکر شد. لزوم پیشرفت همپا یا دست‌کم همجهت با سایر کشورها در تکنولوژی نیز قابل انکار نیست.

1. تنظیم تبلیغ دینی با مقتضیات زمان

ما در عصری زندگی می‌کنیم که انسان‌ها عمدتاً به دنبال استدلال و تحلیل و تبیین و منطق هستند و تا منطق امری با عقل خودبنیاد آن‌ها تأیید نگردد، به پذیرش آن تن نمی‌دهند. دوران معاصر عصری است با این ویژگی‌ها: عصری که علم‌گرایی از جنس پوزیتیویستی غلبه دارد، عصری که انسانِ مُحق به جای انسانِ مکلف نشسته و دائماً در صدد رصد حقوق انسانی خویش است، عصری که انسان در معرض تردیدهای همه‌جانبه دینی و اعتقادی است، عصری که معاملات فکری فوری برای بشر امکان پذیر شده است. در چنین دورانی باید در امر جذب جوانان، از یک سو با دقت نظر به این شرایط توجه شود و از سوی دیگر از این شرایط به شکل فرصتی برای تبلیغ دین استفاده گردد.

2. ایجاد ارتباط عاطفی بین مسجد و جوان

جوان موجودی است عاطفی، زودرنج و شکننده. اگر با جوانان با صداقت و احترام برخورد شود، به سهولت می‌توان در این دوره از حیات در عمق دل و صفای قلب او نفوذ کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله توصیه فرموده اند: «علیکم بالشبان خیراً فانهم ارقُّ افنده؛ ان الله بعثنی بشیراً و نذیراً فحالفنی الشبانُ و خالفنی الشیوخُ: بر شما باد به جوانان که قلب آنان رقیق تر و آماده پذیرش خیر است. وقتی خداوند مرا برای انذار و بشارت مردم مبعوث کرد، سالخورده‌ها با من مخالفت کردند، اما جوانان با من پیمان بستند» (محججه البیضاء، ج 3، ص 122).

لازم نیست شعائر دینی و تکالیف شرعی را بر جوانان تحمیل کرد؛ زیرا این کار عکس العمل منفی آنان را در پی دارد؛ بلکه کافی است کانون‌های مذهبی را به صورتی جذاب عرضه نمود و فضای صمیمی و خوشایندی را فراهم کرد و

در کنار هدایت، بر همدلی تأکید ورزید. برای توفیق در ارتباط بین مسجد و جوان باید به همدلی برسیم. وقتی جوان احساس کند تنها از او انتظار گوش کردن داریم، چیزی به نام پذیرش اتفاق نمی‌افتد.

3. درک جوان

واقعیت آن است که دوره جوانی اقتضائات خاص خود را دارد. جوانان به دلیل ناپختگی، کم‌تجربگی، احساسات شدید و مشکلات بلوغ، به طور طبیعی خطاپذیرند و روحیه استقلال‌طلبی و ستیزه‌جویی آن‌ها

نیز زمینه چالش‌ها و تضادها را در میان این قشر و بزرگ‌ترها به وجود می‌آورد. نحوه برخورد با مسائل جوانان بسیار ظریف و حساس است. بسیاری از دست‌اندرکاران کانون‌های دینی و مساجد، بدون توجه کافی به واقعیات دوران نوجوانی و جوانی و مشکلات ویژه آنان، اقدام به واکنش‌های تند و افراطی می‌کنند و چه بسا یک یا دو برخورد ناسنجیده و ناصواب برای همیشه جوانان را از مساجد و عرصه تربیت دینی دور می‌گرداند. استاد مطهری داستانی را نقل می‌کند که گویای این حقیقت است. ایشان می‌گوید: «شخصی که به مسجد می‌آمد و نماز جماعتش ترک نمی‌شد، توسط یکی از مقدسین مورد عتاب قرار گرفت که اگر مسلمانی، چرا ریشت را این‌طور کرده‌ای؟ او از همان‌جا سجاده را برداشت و گفت: این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان و رفت که رفت» (مطهری، 1385، ج 2، ص 101).

آنان که منادیان و ناشران فرهنگ نمازند، باید راه‌های ارتباط با جوانان را شناسایی کنند و از روش‌های کارآمد استفاده نمایند و خود را جای جوان بگذارند و توقع بیش از حد از او نداشته باشند. خوشبختانه دین واقع بین اسلام به نکات دقیقی پرداخته که بسیار کارگشاست. روزی امام علی علیه السلام با خدمتکارش قنبر برای خرید لباس به بازار رفتند و دو پیراهن دو درهمی و سه درهمی خریداری نمودند. امام علی علیه السلام پیراهن سه درهمی را به قنبر دادند. قنبر گفت: شما به آن سزاوارترید؛ زیرا شما بالای منبر می‌روید و خطبه می‌خوانید. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «انت شابٌّ و لک شرة الشباب: تو جوان هستی و میل جوانی داری» (مجلسی، 1404ق، ج 100، ص 93). امام علیه السلام در این روایت این درس را به همگان داده است که جوان را درک کنند و روحیه او را در نظر گیرند.

4. انعطاف پذیری در مقابل جوان

همدلی بدون انعطاف پذیری ممکن نیست. جوان به حکم جوان بودن در معرض خطا و لغزش است؛ از این رو امام علی علیه السلام می‌فرماید: «جهلُ الشباب معذورٌ و علمُه محقورٌ: نادانی جوان غیرقابل ملامت و علم او محدود و اندک است» (غررالحکم، ج 3، ص 367). خداوند به پیامبر رحمتش صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ: اگر سخت دل و ترش روی بودی، همه از دور تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران: 159). مسئولان مساجد باید با تحمل و بردباری و انعطاف پذیری با جوانان بزرگوارانه برخورد کنند و مانند پدری دل‌سوز دست‌نوازش بر سر فرزندان خود بکشند و ارتباط عاطفی را بر ارتباط دستوری و خشک مقدم دارند. روان‌شناسان معتقدند نخستین امری که بر اثر پیوندهای معنوی یا معنایی و دوستی می‌شکفتد، محبت است و محبت در ابتدای امر مستقل و فراگیر است (محسنی و دادستان، ص 153).

5. جوان گرایی

معمولاً جوان از جوان بهتر و زودتر می پذیرد. در دو جوان به دلیل نزدیک بودن جهان احساسی و عاطفی و روحی، تفهیم و تفاهم سریع تر اتفاق می افتد. هرچند در این میان، پیرانی خوش اندیش و جوان دل نیز وجود دارند که توانایی فوق العاده ای در جذب جوانان دارند، باید به یک جوان گرایی در مساجد برسیم. بعضی از جوانان، عدم امکان ارتباط با امام جماعت سالمند را دلیل اجتناب از نماز جماعت و حضور نیافتن در مساجد می دانند. به تجربه دیده شده است که مساجدی که امام جماعتی جوان و پرشور دارند، در جذب جوانان موفق تر بوده اند. در این رابطه لازم است تحولی در سیستم مدیریتی مساجد به وقوع پیوندد و فرهنگ جوان گرایی در اداره مساجد نهادینه گردد و جوانان در کنار سالمندان در هیئت امنای مساجد قرار گیرند.

6. فعال سازی مساجد

برای حضور جوانان در مساجد، لازم است آن ها را از منحصر بودن به اقامه نماز خارج کرد. جوان عنصری فعال و پرشور و به دنبال کانونی فراگیر و خودجوش است. بررسی عصر نبوی نشان می دهد که مسجد، پایگاه تصمیم گیری اجتماعی، نظامی، سیاسی، عبادی و فرهنگی بوده است. در این صورت مسجد یک مجتمع است که جوانان را با سلايق مختلف در خود جمع می کند. اگر در دوران دفاع مقدس ما شاهد حضور چشمگیر جوانان در مساجد بودیم، یکی از دلایل آن، فعال بودن در زمینه های عبادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی بوده است. اگر امکانات هنری، ورزشی، نمایشی و کتابخانه به عنوان جزئی از پیکره مسجد محسوب شود، جوانان به مسجد راغب تر خواهند شد. نباید تنها به روش های سنتی اکتفا کرده، از همه ظرفیت ها استفاده نکرد. قرآن کریم به کاربرد هنر در القا و تغییر افکار اشاره کرده، می فرماید: سامری دشمن موسی علیه السلام با زر و زیور گوساله ای ساخت که صدایی شگفت داشت و آن را خدای موسی معرفی کرد و به این صورت پیروان موسی علیه السلام را به انحراف کشاند (طه: 88). چرا ما برای هدایت مردم از شیوه های هنری مثل فیلم، کارتون، تئاتر، نقاشی، گرافیک و مسابقه استفاده نکنیم؟

7. بهبود شیوه های پیام رسانی دینی

متأسفانه در روش های تبلیغی و جذب جوانان، بیش تر از روش های کلیشه ای و تکراری و به صورت مستقیم استفاده می کنیم و همین امر در بی علائقی جوانان به نماز جماعت و گریز از آن مؤثر بوده است. در برخی تحقیقات، به ویژه تحقیقاتی که در آموزش و پرورش انجام پذیرفته است، یکی از دلایل گریز

دانش آموزان از نماز جماعت، سخنرانی های طولانی و تکراری مطرح شده است (پیوند، ش 243، ص 32). ما روش صحیح گفتگو با جوانان را به خوبی نمی دانیم و یا آن را رعایت نمی کنیم. پراگویی، مکررگویی و ارتباط مستقیم امرانه و دستوری باعث دل زدگی و دین گریزی جوانان می شود. ما در عصر ابتکارات و خلاقیت ها به سر می بریم.

هر روز شیوه های جدید اطلاع رسانی و تبلیغاتی ابداع می شود، ولی شیوه های پیام رسانی در عرصه دین و معارف دینی شیوه های کارآمد و پروری نیست. بی شک منبر و وعظ و خطابه یکی از شیوه های اصیل و مؤثر تبلیغ دینی است، ولی این روش در همه جا و برای همه اقشار جامعه مفید و مؤثر نیست. بهتر است ائمه جماعات مساجد، به غیر از

سخنرانی، روش های دیگری را نیز بیازمایند و از گفتگوی مستقیم دوفره و به اصطلاح تبلیغ چهره به چهره و رفیق شدن و اظهار همدردی کردن با نسل جوان استفاده نمایند و ائمه جماعات مساجد با اتخاذ روش ابتکاری خود، مجالس را در خانه ها به صورت پرسش و پاسخ و هدایت غیر مستقیم برگزار نمایند.

یکی از رازهای موفقیت روحانیان در جبهه های حق علیه باطل در سال های دفاع مقدس در همین امر نهفته است که روحانی با رزمندگان نشست و برخاست داشت، در کنار آن ها غذا می خورد، استراحت می کرد، در غم و شادی های آنان شریک بود و از میهن اسلامی دفاع می نمود و در وقت نماز، به عبادت می پرداخت؛ از این رورزمندگان به محض شنیدن صدای اذان، با رغبت و عشق به نمازخانه ها روی می آوردند و ندای وحدت سر می دادند. مسجد به عنوان پایگاهی که ابلاغ پیام دینی را بر عهده دارد، مانند هر پایگاه دیگر باید با به کارگیری شیوه های کارآمد، تبلیغ خود را به زبان عصر نزدیک کند تا از اثرگذاری لازم برخوردار شود.

8. هماهنگی قول و عمل متولیان و مروجان دین

روابط جوان با مسجد تا حد زیادی بستگی به نوع برخورد و رفتار امام جماعت و الگوهای جامعه دارد. جوانان حساس و زودشکن هستند. رؤیت فاصله میان گفتن و بودن در جامعه، زمینه گریز جوانان را فراهم می کند. آن ها کمتر می توانند به تحلیل عمیق بپردازند؛ از این رو زود قضاوت و حکم صادر می کنند. توصیه های کلامی، در صورتی که با رعایت نکات روان شناختی انجام گیرد، تأثیری بسزا خواهد داشت؛ ولی عدم هماهنگی میان قول و فعل، پند و اندرز متولیان ترویج فرهنگ دینی را کم اثر می کند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هرگاه شخص عالم به مقتضای علم خویش عمل نکند، اثر موعظه اش همچون

آب باران بر روی سنگ صاف از قلب های مردم محو خواهد شد». امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «کسی که خود را پیشوای مردم قرار می دهد، پیش از آنکه به آموزش دیگران پردازد، باید خود را آموزش دهد و نیز باید تربیت کردار او بر تربیت گفتارش پیشی داشته باشد» (نهج البلاغه، کلمات قصار 70). استاد مطهری می گوید: «این خود یک غفلت و اشتباه بزرگی است؛ امروز در اجتماع ما که برای گفتن و نوشتن و خطابه و مقاله بیش از اندازه ارزش قائلیم و بیش از اندازه انتظار داریم، در حقیقت از زبان، اعجاز می خواهیم. (مطهری، 1384، ص 67).

سعیدیا گر چه سخن دان و مصالح گویی

به عمل کار برآید به سخن دانی نیست

فرزندان ما بیش از آنکه به گفتار ما نظر افکنند، اعمال ما را زیر نظر می گیرند که گفته اند: بچه های ما آن گونه می شوند که ما هستیم، نه آن گونه که می خواهیم باشند. (پیوند، ش 244، ص 50). یکی از پیامدهای تضاد در گفتار و رفتار مبلغان دینی و متصدیان امور مساجد، روگردانی جوانان است.

استاد مطهری می گوید: «هیچ چیز بشر را بیش تر از عمل تحت تأثیر قرار نمی دهد. شما می بینید مردم از انبیا و اولیا زیاد پیروی می کنند، ولی از حکما و فلاسفه آن قدر پیروی نمی کنند؛ چرا؟ برای اینکه فلاسفه فقط می گویند؛ فقط مکتب دارند؛ فقط تئوری می دهند... ولی انبیا و اولیا تنها تئوری و فرضیه ندارند؛ عمل هم دارند؛ آنچه می گویند اول عمل می کنند؛ حتی این طور نیست که اول بگویند، بعد عمل کنند؛ اول عمل می کنند، بعد می گویند؛ وقتی انسان بعد از آنکه خودش عمل کرد، گفت، آن گفته اثرش چندین برابر است» (مطهری، ده گفتار، ص 189).

بسیار اتفاق افتاده است وقتی از جوانان می پرسیم چرا به مسجد نمی روی، می گویند فلان مسجدی نماز جماعتش ترک نمی شود، ولی در عمل فلان کار را می کند. او انتظار چنین رفتاری را از الگوهای جامعه ندارد؛ به همین دلیل به همه چیز بدبین و بی اعتماد می شود. در شرایطی که جوان به الگوگرایی و همانندسازی توجه خاص دارد، باید رویکرد تازه ای به این مقوله ارزشمند صورت گیرد و الگوهای متناسب با فرهنگ دینی به جوان معرفی گردد و در دو بخش سخت افزاری و نرم افزاری شکل و محتوای مساجد تغییر اساسی به وجود آید تا در تعامل جوان و مساجد شاهد خیزشی همه جانبه باشیم.

9. پاسخگویی به پرسش های دینی جوانان

یکی از راه های استحکام پیوند میان مسجد و جوان، رفع نیاز فکری و معنوی جوانان است. جوانان ذهن

خلاق و جستجوگری دارند و همواره به دنبال کشف حقیقت و حل مسائل و پاسخگویی به شبهات اند؛ علاوه بر آن، امروز شبهه افکنی در حوزه فرهنگ دینی یکی از پرخطرترین جلوه های تهاجم فرهنگی در عرصه تربیت دینی است. این شبهات به قول استاد مطهری، گذرگاه خوبی هستند، اما عدم پاسخگویی به آن ها موجب تزلزل در عقاید و اندیشه های دینی جوانان می گردد و پایه های تربیت دینی را سست می گرداند. جوان اگر احساس کند که مسجد محلی برای پاسخگویی به سؤالات اوست و در آن، شخصیت ارزشمند و فرهیخته ای حضور دارد که درد او را درک می کند، خواه ناخواه به سمت وسوی او متمایل می گردد و دیگران را نیز با خود همراه می سازد. استاد مطهری می گوید: «ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست، چرا در مدرسه ها قرآن یاد نمی گیرند، حتی به دانشگاه هم که می روند از خواندن قرآن عاجزند؛ البته جای تأسف است که این طور است، اما باید از خودمان پرسیم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده ایم؟ آیا با همین فقه و شرعیات و قرآن که در مدارس است، توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل داشته باشد؟ قرآن از مؤمنان می خواهد که سخنانشان محکم و استوار باشد: قولوا قولاً سدیداً» (مطهری، 1384، ص 189).

10. پیوند مسجد با زندگی جوان

اگر مساجد از خاصیت تک بعدی (معنوی گرایی محض) به سوی چندبعدی شدن سوق داده شوند و اقدام عملی در جهت نیازهای فردی و اجتماعی نسل جوان صورت دهند، قطعاً در جذب جوانان موفق خواهند بود. وجود برخی مشکلات، زمینه ساز انحراف و بی رغبتی به دین یا کانون های دینی است. بیکاری، تأخیر در ازدواج و تأمین نشدن معیشت زمینه دین گریزی و سستی نسل جوان را فراهم می سازد. از جوانی که در آتش غریزه جنسی می سوزد و بر اثر بیکاری و نداشتن امید به آینده، سر از یأس و ناامیدی درمی آورد و مأمونی برای حل مشکلات خود نمی یابد، چگونه می توان انتظار رغبت داشتن به نماز و دین داری از او داشت. دین خردگرا و حکمت مدار اسلام در کنار مسائل معنوی بر مسائل مادی و اقتصادی نیز تأکید و فقر را مایه کفر معرفی می کند؛ چنان که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «کاد الفقر ان یكون کفراً» (کلینی، ج 2، 1387، ص 310)؛ رهبران دینی و الگوهای جامعه باید خود را با مشکلات جوانان درگیر کنند و در حد

امکان در حل آن ها بکوشند تا از این طریق پیوند عاطفی با آنان برقرار کنند. مردم دل به کسی می دهند و خانه دلشان را حریم کسانی می سازند که با درد و رنج آنان آشنا و با غم هایشان محرم و در راه خدمت به آنان کوشا باشند.

با وضعیتی که برای نسل فعلی حاصل شده است، این نسل در گرایش به ارزش های اجتماعی و اعتقادی مطلوب تا حدود فراوانی با نسل قبل از خود متفاوت گردیده است. این امر ناشی از مسائل گوناگون از جمله، پدیده جهانی شدن، رشد خارق العاده ارتباطات ماهواره ای و رایانه ای، امکان دستیابی جوانان و نوجوانان در دهکده جهانی به همدیگر، زندگی در حال و هوای پست مدرن، آشنایی نسل حاضر با شیوه های جدید زندگی و تنوع تأمین نیازهاست. این شرایط می طلبد که برنامه های مسجد با نیازهای فکری و فرهنگی جوانان همخوانی داشته، پاسخگوی این نیازها باشد.

در صدر اسلام همواره می کوشیدند هر ابهامی را از دین بزدايند و حتی به شکل عقلانی با یکدیگر و پیروان سایر ادیان به بحث و جدل می پرداختند و از این نظر مسجد از موقعیت ویژه ای برخوردار بود. به گفته برخی مورخان، رسول مکرم صلی الله علیه و آله شخصاً در مسجد مدینه به تعلیم دین می پرداخت و پرسش های پرسشگران را پاسخ می داد. از سوی دیگر کارکردهای ناقص مساجد و پرداختن محض به مناسک دینی و پاسخگو نبودن به شبهات و تردیدهای فکری نسل جدید و اقبال نکردن جوانان، آنان را به سمت وسوی منابر دیگر می برد. تکراری بودن سخنان برخی از روحانان در موضوعات خاص نیز اثر مضاعفی بر آن دارد.

نقص معرفتی نسل جوان در مورد آثار و فواید مسجد و برکاتی که در زندگی مادی و معنوی آنان دارد، از یک سو و برطرف نشدن نقص های معرفتی نمازگزاران در برخی از زمینه ها و مفاهیم دینی که نیاز به واکاوی و بازبینی جدید متناظر با شرایط جدید زندگی دارد و ممکن است به غلط در اذهان جا گرفته باشد، مثل مفهوم سرنوشت، توکل، قناعت، قضا و قدر و مفهوم دنیا و مانند آن که باید با توجه به مقتضیات زمان بازتعریف یا تبیین و تشریح گردند، از سوی دیگر، موجب کم رغبتی نسل جدید به مسجد رفتن است. البته عوامل جانبی چون دولتی تلقی کردن مساجد و نسبت دادن اشکالات احتمالی در اداره امور کشور به دین و حضور برخی از روحانیان معظّم در صدارت امور اجرایی کشور و سکوت یا توجیه متدین انقلابی در مقابل این اختلالات و نپرداختن عالمانه و بی طرفانه به مسائل مهمی که ذهن جوان را به خود معطوف می کند نیز مزید بر علت است. مسجد نباید از رصد دائم اقدامات و اعمال متولیان اداره امور کشور اسلامی غافل بماند یا توجیه گر اشتباهات و نقص های احتمالی مدیریت کشور باشد؛ زیرا این مسئله اعتماد و باور جوانان را به دین و حکومت اسلامی از بین می برد. مسجد باید از آرمان های اسلامی و انقلابی صیانت و حمایت کند.

غلبه کارکردهای اقتصادی برخی مساجد بر کارکرد دینی و مذهبی آن، قوم گرایی، فرقه گرایی سیاسی، توجیه گری و سیاسی گرایی زیاد که مسجد را متعلق به یک قشر خاص نموده است، از رونق مسجد کاسته است.

از یک نکته دیگر نیز نباید غافل شد و آن اینکه تعلق محلی، خود یکی از عوامل اصلی رونق مساجد و اماکن مذهبی است. در گذشته که فرد تقریباً تمام عمر یا بخش اعظمی از آن را در یک محله سپری می کرد و در ساخت و نگهداری و رونق بخشی به مسجد نقش داشت، مسجد را از آن خود و خود را متعلق به مسجد می دانست. جابجایی های مدام مکانی

نمازگزاران و امام جماعت و عدم تعلق پایدار به یک منطقه و محله به دلیل شرایط زندگی جدید، این امکان را از افراد گرفته است که مسجد را از آن خود و خود را از آن مسجد بدانند و با همه وجود در آبادانی و نگهداشت مسجد تلاش کنند و بخشی از زندگی و اوقاتشان را به آن اختصاص دهند و زندگی در مسجد را بخشی از روح و جان خود بدانند. برای امام جماعت هم به همین ترتیب؛ در گذشته معمولاً امام جماعت در همان محله ای که نماز می خواند، زندگی می کرد و از زیست بوم محله مطلع بود، با اهل محل آمدوشد داشت و این رابطه عاطفی خوبی که بین امام جماعت و اهل محل شکل می گرفت، به رونق مسجد و جذب جوانان محل اثر مطلوبی داشت.

تغییرات مکانی امروز وابستگی و تعلق خاطر عاطفی نمازگزار به مسجد را از او گرفته و مسجد را تبدیل به یک نمازخانه نموده است که مردم در آن نماز می خوانند، ولی در مسجد زندگی نمی کنند؛ به گونه ای که به مسجد عشق بورزند، دل تنگ مسجد شوند، حشرونشر با مسجد داشته باشند و در یک کلمه مسجد کانون حیات اجتماعی آنان باشد. در گذشته نسل جوان تمام نیازهای خود، از نیاز به بودن با هم سن و سالان تا نیاز به مطرح شدن، نیاز به تعلق خاطر، نیاز به احترام تا نیازهای متعالی را در مکان مقدس مسجد تأمین می کرد؛ گروه هم سن و سال و هم محلی با هویت نسبتاً یکسان در مکان مقدس مسجد همدیگر را می دیدند و قرار ملاقات ها رفع و رجوع مشکلات، پیوند زوجین و آشنایی ها در مسجد انجام می شد؛ نسل جوانی که در محله با هم دوست و رفیق و دارای هویت مشترک بودند، با علاقه برای تجدیددیدار به مسجد می آمدند؛ مسجد را از آن خود و خود را متعلق به مسجد می دانستند و هویت محلی و مسجدی خاصی می گرفتند که مقتضی رفتار و سلوک ویژه ای بود و جوان مسجدی از آن سلوک تخطی نمی کرد. مسجد به شخص شخصیت و هویت می داد.

امروزه جابجایی های مداوم از این محل به آن محلاً تعلق و هویت محلی را مختل کرده است و به همین دلیل نوجوان و جوان در مسجد احساس غربت می کند و به جز انگیزه های دینی، انگیزه های

پیشران دیگر مثل انگیزه های اجتماعی، عاطفی یا سیاسی و حتی علمی برای رفتن به مساجد وجود ندارد؛ از همین رو به جز در ایام خاصی مثل شب های قدر، ایام محرم و مانند آن، مساجد رونقی ندارند؛ اما مساجدی مثل مساجد شهرک های سازمانی و دانشگاه ها که مدت زمان همزیستی در آنجا زیاد است و عمدتاً نسل جوان با هویت مشترک گرد هم می آیند و غیر از فعالیت های دینی اقدامات اجتماعی و سیاسی و حتی علمی در آنجا انجام می شود و آن مساجد پویا و دارای کارکردهای متنوع و زنده هستند و طیف وسیعی از فعالیت های فکری، فرهنگی، سیاسی و علمی در آنجا اتفاق می افتد، همچنان دارای رونق هستند.

طبیعی است که چنانچه مساجد کارکردی متناظر با نیازهای جوانان نداشته باشند، انگیزه های جوانان برای رفتن به مسجد کم می شود. مسجد باید بتواند به روح پرسشگر و کنجکاو جوان هزاره سوم که در دنیایی از تردیدها و شک ها و هجمه ها و اطلاعات ضدونقیض قرار دارد و به دنبال تبیین و استدلال و تحلیل و اقناع است، پاسخی مناسب بدهد. مسجد باید در راستای کارکردهای جدید، متناظر با اقتضانات جدید عصری و زمانی باشد. به همین دلیل از حالت فقه محوری صرف به سمت اخلاق محوری حرکت کند و عامل توسعه فرهنگ و سلوک دینی باشد. روح مدنیت، نظم، قانونمندی را در جهت سامان دادن به یک زندگی اجتماعی مؤمنانه توسعه دهد؛ به گونه ای که فرد مسجدی در مسجد هویت جدید و

پایدار دینی به دست آورد و خود را نمادی از یک انسان مؤمن بداند و به سلوک مؤمنانه در میدان زندگی اجتماعی و تعاملات انسانی تن دهد و بین باورها و شناخت های دینی و رفتار دینی او وحدتی همه جانبه به وجود آید.

وجود تناقض در گفتار و رفتار نمازگزاران و متولیان مسجد و مشاهده ضعف های مختلف اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن در وایستگان درجه یک امام جماعت یا نمازگزاران، حس بدینی را به مسجد و مسجدی ها در جوان ایجاد می کند. راه برون رفت از این است که ائمه جماعات و نمازگزاران مزکا و سپس معلم و مروج دین باشند.

مساجد باید مهد توسعه و تعمیق معرفت دینی باشند و با هر ورود و خروج جوان به مسجد، بر معرفت دینی او چیزی افزوده گردد. در روایت هست که هرکس به مسجد برود، هشت چیز نصیب او می شود که یکی از آن ها «عِلْمًا مُسْتَطْرَفًا» است (مجلسی، 1404ق، ج 75، ص 108)؛ «مستطرف» یعنی تازه؛ هرکس به مسجد برود، به علم تازه ای می رسد. زمانی مردم می توانند علم تازه یاد بگیرند که پیش نماز مرتب مطالعه جدید داشته باشد؛ چون اگر مطالعه جدید نداشته باشد، مباحث سطحی و بی مصرف و کسل کننده او موجب کم رغبتی به مسجد می شود و علم تازه نصیب مردم نمی شود. سخنرانی های استخوان دار و پرمایه

و متناسب با شرایط روز و البته کوتاه و جذاب و آراستگی ظاهری مساجد می تواند بر رونق مسجد بیفزاید. نکته پایانی اینکه مساجد دچار سطحی نگری و ظاهرگرایی زیاد نشوند. به گونه ای که چنانچه جوانی با ظاهری ناآراسته تر به مسجد آمدوشد کرد، با نگاه های گزنده و توصیه های متعدد، او را از مسجد دور کنند یا این ذهنیت در جوانان به وجود آید که مسجد پذیرای آن ها نیست و خود را از مسجد جدا ببینند و هویتی متفاوت با هویت اهل مسجد اتخاذ نمایند.

فهرست منابع

" نهج البلاغه.

1. ارمکی، آزاد، جامعه شناسی نسلی ایران، انتشارات علمی، تهران، 1383.

2. اسعدی، مرتضی، جوان مسلمان و دنیای متجدد، طرح نو، تهران، 1373.

3. آزادنام، الهام، «معنا و مؤلفه های اختلاف بین نسلی دینی از منظر روان شناسی»، مجله سپیده دانایی، شماره 68، مرداد 1392.

4. خالقی صفا، زهرا، «دین محبوب دل جوانان است» (گفتگو با دکتر آذربایجانی، روان شناس)، مجله سپیده دانایی، شماره 68، مرداد 1392.

5. خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ چهارم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، تهران، 1385.

6. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد 1، چاپ دوازدهم دوره جدید، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، 1377.

7. ربانی، محسن، آسیب شناسی تربیت دینی: برای مدیریت مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی، ناجی نشر، تهران، 1389.

8. ریشه، گی، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی، انتشارات دانشگاه فردوس، مشهد، 1370.

9. زهره کاشانی، علی اکبر، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال اول، شماره دوم، پاییز 1388.

10. ساروخانی، باقر، جامعه شناسی ارتباطات، انتشارات اطلاعات، تهران، 1371.

11. شجاعی زند، علی رضا، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلام، مرکز بازاریشناسی اسلام و ایران، تهران، 1381.

12. شیخاوندی، داور، جامعه شناسی انحرافات و مسائل جامعی ایران، چاپ اول. انتشارات: قطره،

13. طالبی، فاطمه، «اشتباهات دو نسل نسبت به هم در زمینه دین داری»، مجله سپیده دانایی، شماره 68، مرداد 1392.
14. عایدگر، مارتین، شعر، زبان و اندیشه رهایی: هفت مقاله از مارتین هایدگر، ترجمه عباس منوچهری، چاپ دوم، مولی، تهران، 1389.
15. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید (2جلدی)، جلد 1، چاپ دوازدهم، نشر امیرکبیر، تهران، 1377.
16. فرامرز قراملکی، احد، روش شناسی مطالعات دینی، چاپ ششم، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، 1390.
17. فروند، ژولین، جامعه شناسی ماکس وبر. ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، رایزن، تهران، 1368.
1. فصیحی، امان الله، «نیاز جامعه مدرن به دین با تأکید بر حقوق اخلاق»، مجله علوم سیاسی، سال یازدهم، شماره 42، 1387.
2. قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته ها و مصالح، دفتر مشاور رئیس سازمان صداوسیما در امور جوانان، تهران، 1379.
3. قربانی، قدرت الله، «نگاهی به کارکردهای معرفتی دین در زندگی مدرن»، بررسی نقش علم دینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، 1389.
4. قربانی، نیما، «روان شناسی دین یک رویکرد علمی چندتباری»، مجله قبسات، وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره 8 و 9، تابستان و پاییز 1377، بازیابی در 18 اسفند 1393: www.iict.ac.ir
5. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، جلد 1، المكتبه السلامیه، تهران، 1387.
6. گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ دوم، نشر نی، تهران، 1382.
7. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، موسسه الوفا، بیروت، 1404ق.
8. مدقق ترکمانی، عبدالظاهر، پیامدهای گسست میان نسل ها و راهکارهای مقابله با آن، دفتر نشر عقل، [بی جا]، 1378.
9. مرادی، اسدالله، آسیب شناسی تربیت دینی: گفتگو با استادان حوزه و دانشگاه، ویراستاران: احمد برادری، جعفر ربانی، جلد 2، چاپ سوم، مدرسه، تهران، 1386.

10. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا، تهران، 1368.

11. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، صدرا، تهران، 1384.

12. مطهری، مرتضی، ده گفتار، صدرا، تهران، 1384.

13. معین، محمد، فرهنگ فارسی (یک جلدی)، به اهتمام عزیزالله علیزاده، تهران، نشر ندا، 1381.

14. نصیری، علی، «اباحه گری آفت دین داری»، سایت معارف وحی و خرد، [بی تا]، بازیابی شده در 28 فروردین 1394:
www.maref.ir

15. نیک روح متین، فرزانه، «گفتگو با دکتر معیدفر جامعه شناس»، مجله سپیده دانایی، شماره 68، مرداد 1392.

همدانی، پارسا، «دین و مؤلفه های آن از منظر روان شناسی»، مجله سپیده دانایی، شماره 68، مرداد 1392.

ص: 471

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

